مراقبات ماه رمضان

محمد محمدی ری شهری



مراقبات ماه رمضان

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : مراقبات ماه رمضان / محمدی ری شهری ، با همکاری رسول افقی ؛ ترجمه جواد محدثی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث ، سازمان چاپ و نشر ، 1384.

مشخصات ظاهری : 518 ص.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث ؛ 100.

شابک : 30000 ریال (چاپ اول) ؛ 30000 ریال : X-038-493-964 ؛ 33000 ریال (چاپ چهارم) ؛ 33000 ریال (چاپ پنجم) ؛ 55000 ریال (چاپ ششم) ؛ 140000 ریال(چاپ هشتم)

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : M. Reyshahri. Moraghebat - e. ramadan

یادداشت : چاپ اول: 1384.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ چهارم و پنجم: 1385.

یادداشت : چاپ ششم: 1387.

یادداشت : چاپ هشتم : 1392.

یادداشت : کتاب حاضر برگزیده کتاب "ماه خدا : پژوهش جامع درباره ماه مبارک از نگاه قرآن و حدیث" است که آن در اصل ترجمه کتاب "شهرالله: فی الکتاب و السنه" می باشد.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : رمضان -- جنبه های قرآنی

موضوع : رمضان -- احادیث

موضوع : دعاهای ماه رمضان

موضوع : نمازهای مستحب

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : افقی، رسول، 1345 -

شناسه افزوده : محدثی، جواد، 1331 -

رده بندی کنگره : BP188/م37ش9042173 1384

رده بندی دیویی : 297/354

شماره کتابشناسی ملی : 1075450

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

پیش گفتار

پیش گفتارستایش ، از آنِ پروردگار جهانیان است . و سلام و درود بر بنده برگزیده اش محمّد ، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او باد ! از نگاه اسلام ، فلسفه خلقت انسان و هدفِ در نظر گرفته شده برای او ، رسیدن به کمال مطلق است . از این رو ، آنچه در منابع و متون اسلامی به عنوان رمز و راز بعثت پیامبران الهی آمده است (همچون : عدالت ، علم و آزادی) ، مقدّمه تربیت انسان و رسیدن او به مرتبه «انسان کامل» است . بر پایه این شناخت ، برای آنان که اسلام را باور دارند و به این آیینْ دل بسته اند ، سزاوار است که از هر فرصتی برای رسیدن به این هدف والا ، بهره بگیرند . در این میان ، ماه رمضان برای خداجویان سالک ، فرصتی است بی همتا ، که اگر به خوبی مورد استفاده قرار بگیرد ، به تعبیر قرآن کریم که می فرماید : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» ؛ شب قدر ، بهتر از هزار ماه است . می توان یک شبه ، راه هزار ماهه را پیمود . خداوند سبحان ، در این ماه بافضیلت ، میهمانی ویژه ای را برای تربیت روح ترتیب داده است ، به گونه ای که می تواند در حیات معنوی انسان تحوّلی پدید آورد که او را به سعادت ابدی برساند و کامیابی همیشگی را برایش تضمین کند . نکته مهم در این مسیر ، آن است که انسانی که تصمیم دارد به دنیای این

.

ضیافت گسترده وارد شود ، بداند : به کجا می رود؟ معنای میهمانی الهی چیست و چگونه باید وارد آن شود؟ چه باید انجام دهد و چگونه مسئولیّت خویش را ادا کند؟ و چگونه از آن بیرون آید؟ شناخت همه اینها ضروری است تا انسان از این میهمانی ، به نحو شایسته بهره مند گردد . پاسخ تفصیلی به پرسش های یاد شده با بهره گیری از قرآن کریم و احادیث اسلامی در کتابی به نام «ماه خدا» در اختیار پژوهشگران قرار گرفت ، اما از آنجا که همه علاقمندان ، فرصت کافی برای مطالعه آن مجموعه را ندارند اینک گزیده آن با نام «مراقبات ماه رمضان» تقدیم می گردد . گفتنی است که این گزیده شامل همه تحلیل ها و مطالب اصلی کتاب «ماه خدا» است و تنها شماری از احادیثی که مضمون آنها تقریبا در احادیث موجود یافت می شود و نیز شماری از دعاها از کتاب حاضر حذف گردیده است . لازم می دانم مراتب سپاس خود را از همه فضلای گرانقدری که در پدید آوردن و ارائه این اثر نفیس تلاش داشته اند به ویژه فاضل ارجمند جناب آقای رسول افقی که در تألیف و تلخیص آن مرا یاری دادند ، ابراز دارم و از خداوند منّان برای همه این عزیزان پاداشی در خور فضل خود مسئلت می نمایم . رَبَّنا ! تَقَبَّل مِنّا ؛ إنَّکَ أنتَ العَزیزُ الحَکیمُ . محمّدی ری شهری 15 ربیع الثانی 1426 2 خرداد 1384

.

ص: 9

درآمد

اشاره

درآمدواژه «رمضان» از ریشه «رَمَضَ» است ، به معنای بارانی که اوّل پاییز می بارد و هوا را از خاک و غبارهای تابستان پاک می کند و یا به معنای داغیِ سنگ از شدّت گرمای آفتاب . امّا درباره این که چرا این نام بر یکی از ماه های سال ، گذاشته شده است ، زمخشری (م 528 ق) گوید : اگر گویی : «چرا ماه رمضان را به این نام نامیده اند؟» ، گویم : روزه در ماه رمضان ، عبادتی دیرین است ، و گویا عرب ها این نام را به خاطر داغ شدنشان از حرارت گرسنگی و چشیدن سختی آن ، نهاده اند ، همچنان که به آن «ناتق (رنج آور)» هم گفته اند ؛ چون سختی روزه ، آنان را به رنج و زحمت می افکند . و گفته اند : چون نام ماه ها را از زبان قدیم نقل کرده اند ، آنها را با زمان هایی که در آنها قرار داشتند ، نامیده اند و این ماه ، در روزهای گرم و داغ بوده است . شماری از روایات ، این نام گذاری را به سبب نقشی دانسته اند که ماه رمضان در پاکسازی آئینه جان از آلودگی های گناهان و پاکسازی روان از زنگار خطاها دارد . از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است :

.

آیا «رمضان» نام خداست؟

1154.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :إنّما سُمِّیَ رَمَضانُ ؛ لِأَ نَّهُ یُرمِضُ الذُّنوبَ ؛1155.عنه صلی الله علیه و آله :این ماه را رمضان نامیده اند : چون گناهان را می زداید .این وجه در نام گذاری ، از یک سو با ریشه لغویِ «رمضان» و از سوی دیگر با برکات ، رهاوردها و آثار آن ، هماهنگ و متناسب است .

آیا «رمضان» نام خداست؟شماری از احادیث شیعه و اهل سنّت ، صراحت دارند که «رمضان» از نام های خدای سبحان است . از این رو ، نهی شده که آن را بدون افزودنِ واژه «ماه» به کار برند ، همان گونه که سزاوار نیست انسان بگوید : این ، رمضان است ؛ رمضان آمد ؛ رمضان رفت ؛ رمضان را روزه گرفتم ؛ و . . . و هر که چنین بگوید ، باید به عنوان کفّاره این سخن ، صدقه بدهد و روزه بگیرد . لیکن این روایات ، با مشکلات متعدّدی رو به رویند ؛ زیرا هم سندشان مخدوش است و هم دلالتشان نارساست ، با این توضیح که : اوّلاً ، هیچ یک از روایات مورد اشاره ، از نظر سند ، معتبر نیستند . ثانیا ، با مراجعه به روایاتی که به شمارش نام های خداوند پرداخته اند ، دیده می شود که چنین نامی در میان آنها نیست . ثالثا ، در بسیاری از روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نقل شده است ، کلمه«رمضان» بدون آن که واژه«ماه» در اوّل آن باشد، به کار رفته است و بسیار بعید است که راویان، از پیش خود، مضاف را از همه این روایات ، حذف کرده باشند .

.

نام های ماه رمضان

نام های ماه رمضاناحادیث اسلامی ، «ماه رمضان» را با نام ها و صفات متعدّدی توصیف کرده اند که همه آنها عظمت این ماه را نشان می دهند و بیانگر نقش مثبت ، ژرف و سازنده آن در رشد ، بالندگی و فراهم آوردن سعادت دنیوی و اخروی انسان اند . از جمله این نام ها و صفات ، موارد زیرند : 1 . ماه خدا ، 2 . ماه بزرگ تر خدا ، 3 . ماه میهمانی خدا ، 4 . ماه نزول قرآن ، 5 . ماه تلاوت قرآن ، 6 . ماه روزه گرفتن ، 7 . ماه مسلمانی ، 8 . ماه پاک کننده ، 9 . ماه خالص سازی ، 10 . ماه نماز ، 11 . ماه آزادسازی ، 12 . ماه صبر ، 13 . ماه مواسات(همدردی) ، 14 . ماه برکت ، 15 . ماه آمرزش ، 16 . ماه رحمت ، 17 . ماه توبه ، 18 . ماه بازگشت ، 19 . ماه استغفار ، 20 . ماه دعا ، 21 . ماه عبادت ، 22 . ماه اطاعت ، 23 . ماه مبارک ،

.

ویژگی ها و برکات ماه رمضان

24 . ماه بزرگ ، 25 . ماهی که خداوندْ [در آن ،] روزیِ مؤمن را می افزاید ، 26 . سَرور ماه ها ، 27 . عید اولیای خدا ، 28 . بهار قرآن، 29 . بهار فقیران ، 30 . بهار مؤمنان ، 31 . ماه مسابقه، و 32 . ماه روزی یافته .

ویژگی ها و برکات ماه رمضانماه رمضان ، ویژگی های مهمّی دارد که ریشه برکات بزرگ این ماه و پایه نعمت های بی شمار آن هستند . شُکوه ، عظمت و برکات مادّی و معنوی ای که از این ماه ، نصیب اهل ایمان می شود ، از نگاه احادیث اسلامی ، قابل توصیف نیستند و اگر مسلمانان شناخت درستی از برکات این ماه بافضیلت داشتند و مواهب و دستاوردهای بزرگ آن را می دانستند ، آرزو می کردند که سراسر سال ، رمضان باشد . حدیث پیامبر خدا در این مورد ، چنین است :

1159.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لَو یَعلَمُ العِبادُ ما فی رَمَضانَ ، لَتَمَنَّت أن یَکُونَ رَمَضانُ سَنَةً ؛

.

1 . آغاز سال

1160.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی تَفسیرِ «لا إِلهَ إِلَا اللّهُ») اگر بندگان بدانند که در رمضان ، چه [نعمت ها و آثاری]هست ، آرزو می کنند که رمضان ، یک سال باشد .از میان ویژگی های فراوانی که این ماه دارد ، به اختصار به دو نمونه به خاطر اهمّیتی که دارند اشاره می کنیم و یادآور می شویم که این کتاب ، در واقع ، شرح و تفصیل همین دو ویژگی است :

1 . آغاز سالاز ویژگی های مهمّ ماه رمضان ، که در روایات اهل بیت علیهم السلام بر آن تأکید شده ، این است که این ماه ، آغاز سال است . در پرتو این نکته ، دو سؤال پیش می آید : اوّل . معنای «آغاز» سال و مقصود از آن چیست؟ دوم . عرب ها ، «محرّم» را آغاز سال قرار داده اند و سنّت آنان ، هم اکنون نیز بر این جاری است ؛ که محرّم را آغاز رسمی سال هجری می شمارند . با این همه ، چرا در روایات اسلامی ، ماه رمضان به عنوان آغاز سال ، شناخته شده است؟ سیّد ابن طاووس (م 664 ق) در این زمینه می نویسد : بدان که من روایات را درباره این که «محرّم ، آغاز سال است یا ماه رمضان؟» مختلف یافتم ؛ لیکن آنچه از عمل علمای بزرگ و معتبرمان و تألیفات علمای گذشته دریافتم ، این است که به طور مشخّص ، آغاز سال ، «ماه رمضان» است . شاید ماه روزه (رمضان) ، آغاز سال در مورد عبادات اسلامی است و محرّم ، آغاز سال در مورد تاریخ ها و کارهای مهمّ مردم . لیکن ما به روایتی برنخوردیم که محرّم را آغاز سال بدانند . از این رو ، آنچه در سخن سیّد ابن طاووس درباره تعارض میان دو دسته روایات (که برخی ، آغاز سال را محرّم و برخی ماه رمضان می دانند) آمده است ، درست به نظر نمی رسد .

.

معنای آغاز سال

آغاز سال و تجدید حیات معنوی

آری ، طبق گفته علاّمه مجلسی ، مشهور میان عرب ها ، آن است که آغاز سالشان «محرّم» است؛ امّا این که چرا روایات اهل بیت علیهم السلام با این سنّت جاریِ عرب ها مخالفت کرده و «ماه رمضان» را آغاز سال دانسته اند ، پس از روشن شدن معنای «آغاز سال» ، روشن می شود .

معنای آغاز سالظاهرا «آغاز سال» معنای حقیقی ندارد ، بدین معنا که شروع زمان به صورت تکوینی ، لحظه خاصّی ندارد تا تنها همان لحظه ، آغاز سال به شمار آید و نه لحظات دیگر . به نظر می رسد که این «آغاز» ، از جمله امور اعتباری است که در پی تنوّع و تعدّد اعتبارها ، معانی گوناگونی می یابد . با این حساب ، هر روزی به اعتباری خاص می تواند آغاز سال یا پایان آن باشد و آنچه میان اقوام مختلف به عنوان آغاز سالشان وجود دارد و با هم مختلف است ، این گونه تفسیر می شود . به عنوان نمونه ، ایرانیان باستان ، نخستین روز از ماه فروردین (برابر با 21 مارس میلادی) را آغاز سال ، برگزیده و آن را عید شمرده اند و این سنّت ، هنوز هم دایر است ، در حالی که عرب ها ، روز اوّل محرّم را آغاز سال خود دانسته اند و مسیحیان نیز روز میلاد حضرت مسیح علیه السلام را آغاز سالشان قرار داده اند .

آغاز سال و تجدید حیات معنویوقتی مفهوم «آغاز سال» را در پرتو فرهنگ اسلامی بررسی می کنیم ، چنین می یابیم که این پدیده ، به اعتبارهای گوناگونی وابسته است . برخی از متون دینی تأکید دارند که ماه رمضان ، آغاز سال است ؛ برخی از آنها «شب قدر» را آغاز سال

.

2 . میهمانی الهی

دانسته اند ؛ و برخی نیز «عید فطر» را اوّل سال ، تعیین کرده اند . همچنان که آغاز فروردین ، شروع سال طبیعی است (چون در این هنگام ، زمین ، جامه نو می پوشد و درختان ، سبز می شوند) ، ماه رمضان هم آغاز سال انسانیّت از نگاه اسلام است؛ چرا که در این ماه عزیز ، حیات معنویِ اهل سیر و سلوک ، تجدید می شود و آنان که در مسیر حرکت به سوی کمال مطلق اند ، جانشان شکوفا شده ، آماده دیدار خداوند می شوند . از این رو ، می توان گفت که «فروردین» ، آغاز تجدید حیات مادّی برای گیاهان در دنیای طبیعت و «ماه رمضان» ، آغاز تجدید حیات معنویِ انسان در عالم انسانیّت است . امّا روایتی که «شب قدر» را آغاز سال می داند ، به این اعتبار است که آن شب ، آغاز سالِ تقدیر است و همه مقدّرات یک سال ، در آن رقم زده می شود . روایتی هم که «عید فطر» را آغاز سال می شمارد ، به این اعتبار است که آن روز ، اوّلین روز سالی است که خوردن و نوشیدن در آن حلال می شود آن گونه که در متن روایت ، تصریح شده است و یا برای این است که عید فطر ، آغاز دور تازه ای از زندگی انسان و از سرگیری اعمال است ، پس از این که گناهانش در کوره گداخته روزه ذوب گردیده و از پرونده اعمالش کاملاً زدوده و ریشه کن شده اند .

2 . میهمانی الهیدومین ویژگی برجسته ای که در فضای این ماه بافضیلت جلوه گر است ، وجود زمینه ها و ظرفیت هایی است که برای میهمانی خدای سبحان فراهم آمده اند ، آن گونه که پیامبر خدا در توصیف این ویژگی فرمود :

1162.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هُوَ شَهرٌ دُعیتُم فیهِ إلی ضِیافَهِ اللّهِ ، وَ جُعِلتُم فیهِ مِن أهلِ کَرامَهِ اللّهِ ؛

.

معنای میهمانی خدا

1163.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت گشته اید و از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید .در حقیقت ، این ویژگی ، ریشه ویژگی اوّل ، بلکه سرچشمه همه ویژگی ها و برکات این ماه مبارک است . به عبارت دیگر ، می توان گفت که میهمانی الهی در این مقطع زمانی ، و غذاهای معنوی ویژه ای که خداوند برای پذیرایی از میهمانانش در چنین ضیافتی فراهم ساخته است ، ریشه تحوّلات ژرف معنوی ای است که در این ماه بافضیلت ، بر زندگی انسان سایه می افکنند ، و سفره ای است گسترده برای همگان که هر کس ، می تواند از برکات بی شمار آن برخوردار شود .

معنای میهمانی خدانخستین سؤالی که درباره دومین ویژگیِ این ماه مطرح است ، معنای میهمانی خدای سبحان در این ماه و میزبانی او از دوستانش است . مگر همه مردم در همه اوقات ، میهمانان خدا نیستند که بر سر سفره الهی فرود آمده اند ؟ به علاوه ، پایه میهمانی ، همان خوردنی و آشامیدنی ای است که میزبان برای میهمان فراهم می کند . پس ، این چه ضیافتی است که پرهیز از خوردن و آشامیدن ، نخستین شرط آن است؟ پاسخ این سؤال ، از تحلیل واقع بینانه حقیقت انسان و شناخت بنیادهای وجودی او به دست می آید . انسان از نگاه اسلام ، ترکیبی از جسم و جان است . همان گونه که جسم انسان برای تداوم وجود خویش نیازمند غذاهای مادّی است ، هویّت و حقیقت انسانیِ او نیز نیازمند غذاهای معنوی از سنخ خود است . روشن است که خداوند سبحان ، میهمانی رمضان را برای پذیرایی از جسم و وجود مادّیِ دوستانش فراهم نساخته است؛ چرا که بدن های آنان ، مثل همگان ، در ضیافت همیشگی خدایند ، و به تعبیر سعدی شیرازی : ادیم زمین ، سفره عام اوستچه دشمن بر این خوان یغما ، چه دوست

.

این ، در حالی است که اغلب دشمنان خدا از این سفره گسترده ، بیش از دیگران بهره می برند . نتیجه ، این که : ارزش پذیرایی از جسم و تأمین خواسته های مادّی ، هرگز به پای تأمین نیازهای معنوی نمی رسد ، بخصوص که قرآن کریم تصریح می کند : اگر بیم آن نبود که همه مردم به کفر بگروند ، کافر به بالاترین امکانات مادّی ، نایل می شد : « وَ لَوْلاَ أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَ حِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ * وَ لِبُیُوتِهِمْ أَبْوَ بًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّکِئونَ * وَ زُخْرُفًا وَ إِن کُلُّ ذَ لِکَ لَمَّا مَتَعُ الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ الْأَخِرَهُ عِندَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِینَ » ؛ اگر بیم آن نبود که مردم [در ، گم راهی] امّتِ واحد شوند ، برای خانه های کسانی که به خداوندْ کافر می شوند ، سقف هایی از نقره و نردبان هایی قرار می دادیم که از آن بالا بروند * و برای خانه هایشان درها و تخت هایی که بر آن تکیه زنند ، قرار می دادیم * و [نیز] انواع زیورها را . همانا همه اینها کالای زندگی دنیایی است و سرای آخرت نزد پروردگارت برای تقواپیشگان است .

1167.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده است :لَو أنَّ الدُّنیا کانَت تَعدِلُ عِندَ اللّهِ عز و جل جَناحَ بَعُوضَهٍ ، ما سَقَی الکافِرَ ، وَ الفاجِرَ مِنها شَربَهً مِن ماءٍ ؛1168.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اگر نبود این که دنیا در نزد خدا برابر با بال پشه ای هم نیست ، هرگز در آن ، یک جرعه آب نیز به کافر و فاجر نمی نوشاند !خدای متعال در میهمان سرای رمضان ، جان ها و روح های دوستانش را به ضیافت فرا خوانده است ، نه بدن ها و وجود مادّی آنان را ، و این ، ضیافتی است که

.

جز او ، کسی ارزش آن را نمی داند . از این رو خدای سبحان فرموده است : الصَّومُ لی وَ أنَا أجزی بِهِ ؛ روزه ، از آنِ من است و من خود ، پاداش آن را می دهم . از سوی دیگر ، شرایط و آداب این میهمانی ، باید هماهنگ با ضیافت جان باشد و طعام و نوشیدنی آن ، هماهنگ با ضیافت روح و هدف از آن نیز پدید آوردن تحوّل روحی و تجدید حیات معنوی انسان و تقویت بنیه روانی او . در این زمینه ، عالم ربّانی مرحوم شیخ رضا (فرزند فقیه و فیلسوف و عارف بزرگوار ، شیخ محمّدحسین اصفهانی) در الرساله المجدیّه در شرح این سخن پیامبر صلی الله علیه و آلهکه : «در این ماه ، به میهمانی الهی دعوت گشته اید و از اهل کرامت الهی قرار داده شده اید» ، چه زیبا نوشته است که : بدان! این میهمانی ، پذیرایی از جسم نیست و بدن تو به این میهمانی دعوت نشده است ؛ چرا که تو در ماه رمضان ، در همان خانه ای ساکن هستی که در ماه شعبان ساکن بودی و غذای تو ، همان نان و آب گوشتی است که در ماه های دیگر سال می خوردی ، [با این تفاوت که] در روزهای این ماه ، از خوردن آن منع شده ای ؛ بلکه روح توست که میهمان این ضیافت است و به منزل و غذایی دیگر دعوت شده است که روحانی و هماهنگ با روح است . دعوت به ماه رمضان ، دعوت به بهشت است و غذاهای این میهمانی نیز از نوع غذاهای بهشتی است . هر دو ، میهمان خانه خدایند؛ لیکن نام میهمان سرا در این جا «ماه رمضان» است و نامش در آن جا «غرفه های بهشتی» . این جا غیب است و آن جا مشهود و عیان؛ این جا تسبیح و تهلیل است و آن جا چشمه سلسبیل ؛ این جا نعمت های پوشیده و اندوخته هستند و آن جا «میوه ای از آنچه بر می گزینند * و گوشت بریان پرنده ای

.

که میل دارند» . پس نعمت ها در هر جهان با پوشش همان جهان ، آشکار می شوند و گاهی هم هست که نعمت ها در همین دنیا برای پیامبران و معصومان ، به شکل آن جهانی، آشکار می شوند. آنچه در روایات بسیاری آمده که : پیامبر خدا برای فاطمه زهرا علیهاالسلام یا امام حسن و امام حسین علیهماالسلاممیوه ای از میوه های بهشت یا جامه ای از جامه های بهشت آورد ، گواه این مطلب است . بلکه بالاتر از این ، گاهی این امور برای شیعیان خاص نیز فراهم می آید ، البتّه به تناسب وسعت وجود و مرتبه ای از کمال که به آن رسیده اند . بارها و بارها از نزدیک ترین خویشانِ سببی و نسبی خود شنیده ام که می گفت : «در یکی از روزهای ماه رمضان،مشغول خواندن زیارت امین اللّه درمرقد امیر مؤمنان در نجف بودم.چون به این عبارتِ زیارت رسیدم که:«مائده های رحمت برای آنانی که از خوان نعمتت روزی می طلبند ، آماده است و سرچشمه های سیرابی برای تشنگان ، پُر آب است» ، در همان حال که در معنای آن تأمّل و اندیشه می کردم ، ناگهان سفره ای برایم آشکار شد که طعام ها و نوشیدنی های گوناگون بر آن چیده شده بود ، آن چنان که تا آن زمان ، تصوّرش را هم نکرده بودم . من مشغول خوردن از غذای آن بودم و در همان حال به یک مسئله فقهی نیزمی اندیشیدم. حالتی شگفت ودهشت زا بود !درواقع،حقیقت غذا[ی روح]، همین است که روزه راباطل نمی کند...». شراب طهور در زندگی دنیا ، محبّت خداست و بهترین وقتی که برای فراهم ساختن آن مغتنم است ، همین ضیافتی است که ساقی اش ، همان میزبانش است . هرگز مپندار که تعبیرات این بنده ، خیالات و اوهام شاعران یا شطحیّات صوفیان افراطی است . هرگز مباد که از زبان قرآن و حدیث ، فراترِ روم یا در اعتقاداتم از آنچه خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آلهگفته و به آن فرمان داده اند ،

.

پیش تر روم؛ بلکه مقصود ، سخن همان خدایی است که در سوره «هل أتی» می فرماید : «خداوند به آنآن شراب طهور می نوشاند» . از چنین نگاهی به ضیافت رمضان و میهمانی خدا در این ماه شریف ، مباحث کتابی که پیش روی شماست ، به پنج بخش تقسیم می شود ، به نحوی که هم اکنون بدان اشاره می کنیم :

بخش اوّل : اهمّیت میهمانی الهیبخش نخست کتاب ، به بررسی اهمّیت ضیافت رمضان و ارزش این میهمانی از نگاه اسلام ، پرداخته است . پژوهشگر ، از مباحث این بخش ، شناختی اجمالی به ویژگی ها و برکات این میهمانی پیدا می کند . همچنین فصل چهارم این بخش ، آثار منفی محرومیّت از برکات این ماه و پیامدهای ویرانگری را که شخص محروم مانده از بهره این میهمانی را فرا می گیرد ، بیان می کند.

بخش دوم : آمادگی برای ورود به میهمانی خداروشن است که انسان ، بدون داشتن آمادگی های لازم و شرایط و زمینه های ضروری برای ورود به این میهمانی ، نمی تواند به این ضیافت الهی وارد شود و از آن در جهت تجدید حیات معنوی که اصلی ترین هدف خلقت انسان و نقطه اوج فلسفه وجودی اوست بهره مند گردد . بررسی این آمادگی ها و شرایط و زمینه های لازم برای ورود به میهمانی الهی ، هدف اصلی در بخش دوم کتاب است . شناخت ، نخستین شرط اساسی برای ورود به محدوده ضیافت الهی است . این شناخت ، افق گسترده ای دارد که از شناخت معنای میهمانی خدا آغاز می شود و تا شناختِ : فلسفه روزه ، ارزشی که روزه و روزه دار از آن برخوردارند ، نقش روزه در

.

حیات مادّی و معنوی انسان ، و نیز مراتب این ضیافت ربّانی ، امتداد می یابد . میهمانان خدا ، بدون شناخت و آگاهی از این مسائل ، نمی توانند برای بهره مندی از ضیافت الهی و برخورداری از دستاوردهای آن ، آماده شوند . اهمّیت این شناخت ، در محدوده ای گسترده و در بر دارنده تمام این مسائل ، فصل اوّل از بخش دوم کتاب را با عنوان «شناخت میهمانی خدا» ، به خود اختصاص داده است . نکته مهمّ دیگری که اهمّیت بسیار دارد ، ضرورت برنامه ریزی برای آماده سازی مسلمانان جهت ورود به میهمان سرای رمضانی است . بررسی سیره اهل بیت علیهم السلامدر این زمینه ، نشان می دهد که آن بزرگواران به این موضوع ، توجّهی خاص داشته اند . برای اثبات این مدّعا و محتوای این اندیشه ، ملاحظه خطبه های پیامبر خدا و امام علی علیه السلام که در آستانه ماه رمضان و با هدفِ آماده سازی و استقبال از آن بیان کرده اند ، کافی است . فصل سوم این بخش ، به این سخنان اختصاص دارد . مطالعه این خطبه ها ، مسئولیّت رهبران سیاسی ، دینی و فرهنگی را در کشورهای اسلامی در مورد آماده ساختن مسلمانان برای ورود به میهمان سرای الهی و بهره گیری از برکات و آثار آن ، دو چندان می کند . افزون بر این ، برای آمادگی جهت ضیافت الهی ، تنها شناخت ، کافی نیست ؛ بلکه مجموعه ای از اعمال و دعاهایی که به همین خاطر بیان شده اند و این هدف را تأمین می کنند ، ضروری اند . در دو فصلِ : سوم و چهارم از بخش دوم ، به این مسئله پرداخته شده است .

بخش سوم : آداب میهمانی خداآداب میهمانی الهی را می توان به سه دسته زیر تقسیم کرد : دسته اوّل . آدابی که توجّه و پایبندی به آنها ، شرط حتمی برای ورود به میهمانی الهی است . این دسته ، عبارت است از پرهیز از مفطِرات روزه به قصد قربت . جایگاه بررسی این دسته از آداب (احکام) ، فقه است و چون «رساله های عملیّه»

.

آنها را به نحو مبسوط بیان کرده اند ، نیازی به طرح تفصیلی این مباحث در این مجموعه نیست . دسته دوم . آدابی که رعایت آنها ، شرط ضروری برای بهره برداری انسان از این ضیافت الهی در جهت تجدید حیات معنوی خویش و رسیدن به تکامل روحی است . بخش سوم این کتاب ، بیان این گونه آداب را ، پیش از بازگو نمودن سایر آداب روزه داری ، در ذیل عنوان «مهم ترین آداب» عهده دار است . آنچه جامع همه آداب این دسته است ، پرهیز از محرّمات الهی است . از این رو ، در گزارش خطبه معروفی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آستانه ماه رمضان فرمود ، آمده است که امام علی علیه السلام در اثنای آن پرسید :

1171.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأَعمالِ فی هذَا الشَّهرِ ؟1172.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ای پیامبر خدا! بهترین کارها در این ماه چیست؟1173.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا پاسخ داد :الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ ؛1174.عنه صلی الله علیه و آله :«پرهیز از محرّمات الهی» .در تبیین پاسخ پیامبر ، می توان گفت که گناهان ، آفاتی هستند که حیات معنوی انسان را تهدید می کنند و مانع شکوفایی آن می شوند . از این رو ، با وجود گناهان که مانع رشد معنوی انسان اند روزه هرگز نمی تواند موجب تحوّل معنوی در انسان شود . بنا بر این ، روزه دارِ مبتلا به آفت گناه ، از روزه اش بهره نمی برد و به تعبیر پیامبر خدا :

1173.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رُبَّ صائِمٍ حَظُّهُ مِن صِیامِهِ الجوعُ وَ العَطَشُ، و رُبَّ قائِمٍ حَظُّهُ مِن قِیامِهِ السَّهَرُ؛1174.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چه بسا روزه داری که بهره اش از روزه خویش ، گرسنگی و تشنگی است و چه بسا نمازخوانی که بهره اش از سحرخیزی ، بیدار ماندن است !.

1175.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) امام على عليه السلام نيز در اين زمينه مى فرمايد :كَم مِن صائِمٍ لَيسَ لَهُ مِن صِيامِهِ إلاَّ الجوعُ وَ الظَّمَأُ ، و كَم مِن قائِمٍ لَيسَ لَهُ مِن قِيامِهِ إلاَّ السَّهَرُ و العَناءُ ، حَبَّذا نَومُ الأكياسِ و إفطارُهُم ؛1176.عنه صلى الله عليه و آله :چه بسا روزه دارى كه از روزه اش جز گرسنگى و تشنگى ، بهره اى ندارد و چه بسا نمازخوانى كه از نمازش جز بيدارى و رنج ، بهره اى نمى برد . خوشا خواب و خوراكِ خردمندان هوشيار !بنا بر اين ، پرهيز از مفطِرات روزه ، شرط ورود به ميهمانى الهى است و پرهيز از گناهان ، شرط بهره ورى از بركات آن . دسته سوم . آدابى كه مراعات آنها ، شرط رسيدن به بهره ورى كامل از ميهمانى الهى است . اگر از بخش سوم ، باب اوّل را استثنا كنيم ، ابواب ديگر اين بخش كه بيشترين مقدار از حجم كتاب را تشكيل داده اند به اين دسته از آداب مى پردازند . تلاش شده تا همه عناصرى كه در متون و منابع اسلامى ، به تحقّق اين نوع بهره ورى از ميهمانى الهى نقش دارند ، گردآورى شوند؛ ليكن بايد توجّه داشت كه اينها آداب استحبابى اند و هر كس مى تواند به اندازه توان و حال و فرصتى كه دارد ، از آنها بهره مند گردد .

بخش چهارم : بهترين شب هاى ميهمانى خداشب قدر ، برترين ، سودمندترين و بابركت ترين شب ماه مبارک رمضان است . قرآن كريم ، اين شب را چنين توصيف مى كند : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛

.

شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» . این آیه قرآن ، دلالت می کند که این شب ارزشمند ، برکات و بخشش های زیادی برای اهل مراقبت دارد ؛ برکاتی که بالاتر از برکات کارهای شایسته در هزار ماه (یعنی کمی بیشتر از عمر متوسّط یک انسان) هستند . از این رو ، پیامبر خدا فرمود :

1177.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَیِّدُ الشُّهورِ ، و لَیلَهُ القَدرِ سَیِّدَهُ اللَّیالی ؛1178.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، سرور ماه هاست و شب قدر ، سرور شب هاست .بر این اساس ، در این مجموعه ، بخشی مستقل با هدف بیان معارف مربوط به این شب و آداب آن ، اختصاص یافته است .

بخش پنجم : آداب خروج از میهمان سرای الهیخروج از میهمان سرای الهی نیز آداب خاصّی دارد ، همان گونه که ورود به دایره این میهمانی ارجمند ، آدابی دارد . مراعات این آداب و پایبندی به آنها ، در جبران کاستی هایی که در طول اقامت انسان در این میهمان سرا وجود داشته ، سهم دارد و نقاط ضعف و کمبودهای آن را جبران می کند و امکان بیشتری در بهره مندی از برکاتش به او می دهد تا در خدمت تقویت بُعد روحی و بنیه معنوی خویش باشد . بخش پنجم کتاب ، به بیان و شرح این آداب ، اختصاص دارد . آنچه در این زمینه توجّه برانگیز و دارای درس ها و نکات آموزنده است ، سیره اهل بیت علیهم السلامدر وداع با ماه میهمانی الهی است . با توجّه به این نکات و دیدگاه ها ، این کتاب با الهام از آیات و آموزه های قرآن کریم و احادیث شریف ، برای پرداختن به این ماه ضیافت الهی و مبارک ، شکل کلّی و چارچوب مسائل را در پنج بخش یادشده سامان داده است .

.

ص: 25

اشاره

بخش اوّل : فضایل ماه خدا

.

الفصل الأوّل : عظمه شهر رمضان وحرمته1181.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ سُبحانَ اللّهِ! ماذا يَستَقبِلُكُم!؟ وماذا تَستَقبِلونَ!؟ قالَها ثَلاثا . (1)1181.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لَو يَعلَمُ العِبادُ ما فى رَمَضانَ لَتَمَنَّت أن يَكونَ رَمَضانُ سَنَةً . (2)1182.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ عِندَكُم كَغَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ؛ فَإِنَّ لَهُ عِندَ اللّهِ حُرمَةً وفَضلاً عَلى سائِرِ الشُّهورِ ، ولا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ يَومُ صَومِكُم كَيَومِ فِطرِكُم . (3)راجع : ص 38 (جوامع بركاته وخصائصه) وص 90 (تأهيل النّاس لضيافه اللّه) .

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 140 ح 150 ؛ صحيح ابن خزيمه : ج 3 ص 189 ح 1885 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 140 ح 151 ؛ صحيح ابن خزيمه : ج 3 ص 190 ح 1886 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 95 ح 78 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 340 ح 5 .

فصل یکم : عظمت و احترام ماه رمضان

فصل یکم : عظمت و احترام ماه رمضان1183.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان :«سبحان اللّه ! چه چیز به استقبال شما می آید؟! و شما چه چیز را استقبال می کنید؟!» .

پیامبر صلی الله علیه و آله این را سه بار فرمود .1184.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست ، آرزو می کردند که رمضان ، یک سال باشد .1185.عنه صلی الله علیه و آله (وقَد سُئِلَ عَن بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان پیش شما مثل ماه های دیگر نباشد؛ چرا که نزد خداوند ، احترام و بر سایر ماه ها برتری دارد . در ماه رمضان ، روزِ روزه داری شما مثل روزِ خوردنتان نباشد! (ادب و حرمت این ماه را نگه دارید) .ر . ک : ص 39 (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) و ص 91 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

.

الفصل الثانى : خصائص شهر رمضان2 / 1شَهرُ اللّهِ1188.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَعبانُ شَهرى ، وشَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ . (1)1189.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :رَمَضانُ شَهرُ اللّهِ ، وهُوَ رَبيعُ الفُقَراءِ . (2)2 / 2شَهرُ ضِيافَهِ اللّهِ1187.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله : فى وَصفِ شَهرِ رَمَضانَ هُوَ شَهرٌ دُعيتُم فيهِ إلى ضِيافَهِ اللّهِ ، وجُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَهِ اللّهِ . (3)1188.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ رَمَضانَ ، وَالصّائِمونَ فيهِ أضيافُ اللّهِ وأهلُ كَرامَتِهِ ، مَن دَخَلَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ فَصامَ نَهارَهُ وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ وَاجتَنَبَ

ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ ، دَخَلَ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ . (4) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 44 ح 20 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 68 ح 4 .
2- .ثواب الأعمال : ص 84 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 75 ح 26 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 77 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 356 ح 25 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 123 ح 130 .

فصل دوم : ویژگی های ماه رمضان

2 / 1 ماه خدا

2 / 2 ماه میهمانی خدا

فصل دوم : ویژگی های ماه رمضان2 / 1ماه خدا1192.کنز العمّال عن البراء بن عازب :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شعبان ، ماه من است و ماه رمضان ، ماه خداست .1193.سنن ابن ماجه عن أنس بن مالک :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان ، ماه خداست . این ماه ، بهار فقیران است .2 / 2ماه میهمانی خدا1193.سنن ابن ماجه (به نقل از انس بن مالک) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در توصیف ماه رمضان آن ، ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید و در آن ، از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید .1194.سنن الترمذی عن بریده :امام باقر علیه السلام :ماه رمضان ، ماه رمضان ! روزه داران در آن ، میهمانان خدا و اهل کرامت الهی اند . هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و او روزش را روزه بگیرد و بخشی از شبش را به عبادت و نماز بایستد و از آنچه خداوند بر او حرام کرده ،

پرهیز کند ، بدون حساب وارد بهشت می شود .

.

2 / 3سَيِّدُ الشُّهورِ1194.سنن الترمذى (به نقل از بريده) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَيِّدُ الشُّهورِ . (1)1195.مسند ابن حنبل (به نقل از اَنَس) الإمام الرضا عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ زُفَّتِ الشُّهورُ إلَى الحَشرِ يَقدُمُها شَهرُ رَمَضانَ عَلَيهِ مِن كُلِّ زينَهٍ حَسَنَهٍ ، فَهُوَ بَينَ الشُّهورِ يَومَئِذٍ كَالقَمَرِ بَينَ الكَواكِبِ ، فَيَقولُ أهلُ الجَمعِ بَعضُهُم لِبَعضٍ : وَدِدنا لَو عَرَفنا هذِهِ الصُّوَرَ !

فَيُنادى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ : «يا مَعشَرَ الخَلائِقِ ، هذِهِ صُوَرُ الشُّهورِ الَّتي عِدَّتُها عِندَ اللّهِ اثنا عَشَرَ شَهرا فى كِتابِ اللّهِ يَومَ خَلَقَ السَّماواتِ وَالأرضَ ، سَيِّدُها وأفضَلُها شَهرُ رَمَضانَ ، أبرَزتُها لِتَعرِفوا فَضلَ شَهرى عَلى سائِرِ الشُّهورِ ، و لِيَشفَعَ لِلصّائِمينَ مِن عِبادى وإمائى وأُشَفِّعَهُ فيهِم» . (2)2 / 4أوَّلُ السَّنَهِ1198.الإمام الحسين عن الإمام علىّ عليهماالسلام :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أوَّلَ كُلِّ سَنَهٍ أوَّلُ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (3)1197.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (چون از ايشان درباره اسم اعظم خدا پرسيده شد) عنه عليه السلام : عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ أتاكُم شَهرُ رَمَضانَ ، وهُوَ سَيِّدُ الشُّهورِ

وأوَّلُ السَّنَهِ . (4) .

1- .شرح الأخبار : ج 1 ص 223 ح 207 ؛ فضائل الأوقات للبيهقى : ص 89 ح 205 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 110 ح 102 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 193 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 350 .
4- .الإرشاد : ج 1 ص 14 ، بحار الأنوار : ج 41 ص 315 ح 40 .

ص: 31

2 / 3 سَرور ماه ها

2 / 4 آغاز سال

2 / 3سَرور ماه ها1199.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعایش معروف به «اسماءِ الحُسنی») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، سَرور ماه هاست .1200.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :چون روز قیامت شود ، ماه ها را به رستاخیز می آورند ، در حالی که ماه رمضان ، که با هر زیور نیکویی آراسته است ، پیشاپیش آنهاست . آن روز ، ماه رمضان در میان ماه ها ، همچون ماه در میان ستاره هاست . مردمی که آن جا گرد آمده اند ، به یکدیگر می گویند : دوست داشتیم که این چهره ها را می شناختیم !

منادی ، از سوی خدای متعال ندا سر می دهد که : «ای همه آفریدگان ! اینها ، سیمای ماه هایی است که نزد خداوند ، از روزی که آسمان ها و زمین را آفرید ، شمارشان در کتاب خدا دوازده تاست . سَرور و برترِ آنها ، ماه رمضان است . آن را آشکار ساختم تا برتری ماه مرا بر ماه های دیگر بشناسید و تا برای مردان و زنانی که بنده من اند ، شفاعت کند و من هم شفاعتش را درباره آنان بپذیرم» .2 / 4آغاز سال1202.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) امام علی علیه السلام :آغاز هر سال ، نخستین روز از ماه رمضان است .1201.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام علی علیه السلام : به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان ماه رمضان ، شما را فرا رسیده است ؛ ماهی که سَرورِ ماه هاست و آغاز سال است ... .1202.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام صادق علیه السلام :هر گاه ماه رمضانْ سالم باشد ، [همه] سالْ سالم است» . [و فرمود :] سَرِ سال ، ماه رمضان است .

.

1203.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى بَعضِ خُطَبِهِ) الإمام الصادق عليه السلام :إذا سَلِمَ شَهرُ رَمَضانَ سَلِمَتِ السَّنَهُ . [وقالَ :] رَأسُ السَّنَهِ شَهرُ رَمَضانَ . (1)2 / 5فيهِ لَيلَهُ القَدرِ1205.عنه صلى الله عليه و آله :رسولِ اللّه صلى الله عليه و آله :قَد جاءَكُم شَهرُ رَمَضانَ ؛ شَهرٌ مُبارَكٌ ... فيهِ لَيلَهُ القَدرِ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَها فَقَد حُرِمَ . (2)راجع : ص 364 (أىّ ليله هى) .

2 / 6فيهِ نُزولُ القُرآنِالكتاب«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» . (3)

الحديث1208.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أُنزِلَ القُرآنُ فى ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (4) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 333 ح 1046 ، الإقبال : ج 1 ص 31 وص 32 نحوه .
2- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 152 ح 422 ؛ سنن النسائى : ج 4 ص 129 .
3- .البقره : 185 .
4- .الكافى : ج 2 ص 629 ح 6 .

2 / 5 شب قدر ، در ماه رمضان است

2 / 6 نزول قرآن در شب قدر

2 / 5شب قدر ، در ماه رمضان است1211.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، شما را فرا رسیده است؛ ماهی مبارک ... که در آن ، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است . محروم ، کسی است که از آن شب ، محروم بماند .ر . ک : ص 365 (شب قدر ، چه شبی است؟) .

2 / 6نزول قرآن در شب قدرقرآن«ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل] باشد» .

حدیث1213.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قرآن ، در بیست و سوم ماه رمضان ، فرو فرستاده شده است .

.

1214.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ شَهرَ رَمَضانَ هُوَ الشَّهرُ الَّذى أنزَلَ اللّهُ تَعالى فيهِ القُرآنَ، وفيهِ فَرَّقَ بَينَ الحَقِّ وَالباطِلِ ، كَما قالَ اللّهُ عز و جل : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» . (1)2 / 7فيهِ نُزولُ الكُتُبِ السَّماوِيَّةِ1217.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :نَزَلَت صُحُفُ إبراهيمَ فى أوَّلِ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَتِ التَّوراةُ لِستٍّ مَضَينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ الإنجيلُ لِثَلاثَ عَشرَةَ لَيلَةً خَلَت مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ الزَّبورُ لِثَمانِىَ عَشرَةَ خَلَونَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ القُرآنُ فى ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (2) .

1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 116 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 80 ح 1 .
2- .الكافى : ج 2 ص 629 ح 6 ؛ السنن الكبرى : ج 9 ص 317 ح 18649 نحوه .

ص: 35

1218.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :همانا ماه رمضان ، ماهی است که خداوند متعال ، قرآن را در آن نازل کرد و حق و باطل را در آن از هم جدا ساخت ، آن گونه که خداوند فرموده است : «ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل]باشد » .2 / 7نزول کتب آسمانی در شب قدر1213.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صُحُف ابراهیم ، در شب اوّل ماه رمضان نازل شد . تورات ، شش [شب] از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . انجیل ، سیزده شب از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . زبور ، هیجده [شب] از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . و قرآن ، در بیست و سوم ماه رمضان ، نازل گشت .

.

الفصل الثالث : برکات شهر رمضان3 / 1غُفرانُ اللّهِ1217.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعایِ «جوشن کبیر») رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّما سُمِّیَ رَمَضانُ ؛ لِأَ نَّهُ یُرمِضُ الذُّنوبَ . (1)1218.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ وقامَهُ إیمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ ، ومَن قامَ لَیلَةَ القَدرِ إیمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (2)1219.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) عنه صلی الله علیه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ ؛ وعَرَفَ حُدودَهُ ؛ وتَحَفَّظَ مِمّا کانَ یَنبَغی لَهُ أن یَتَحَفَّظَ فیهِ ، کَفَّرَ ما قَبلَهُ . (3)1220.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ مَن تَمَسَّکَ فی شَهرِ رَمَضانَ بِسِتِّ خِصالٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ : أن یَحفَظَ دینَهُ ، ویَصونَ نَفسَهُ ، ویَصِلَ رَحِمَهُ ، ولا یُؤذِیَ جارَهُ ، ویَرعی إخوانَهُ ، ویَخزُنَ لِسانَهُ . أمَّا الصِّیامُ فَلا یَعلَمُ ثَوابَ عامِلِهِ إلاّ اللّهُ . (4) .

1- .الفردوس : ج 2 ص 60 ح 2339 ، کنز العمّال : ج 8 ص 466 ح 23688 .
2- .سنن الترمذی : ج 3 ص 67 ح 683 ، صحیح البخاری : ج 2 ص 672 ح 1802 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : ص 105 ح 94 ، ولیس فیهما «وقامه» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 366 ح 42 وج 97 ص 17 ح 35 .
3- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 110 ح 11524 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : ص 131 ح 138 .
4- .مستدرک الوسائل : ج 7 ص 370 ح 8443 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .

فصل سوم : برکات ماه رمضان3 / 1آمرزش الهی1224.عنه صلی الله علیه و آله (مِن دُعائِهِ عَقیبَ صَلاهِ الظُّهرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان را به این خاطر رمضان نامیده اند که گناهان را می سوزاند .1221.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس رمضان را از روی ایمان و برای خدا و پاداش او ، روزه بگیرد و به عبادت برخیزد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود ؛ و هر کس شب قدر را از روی ایمان و به امید پاداش الهی ، به عبادت بایستد ، گناهان گذشته اش بخشوده می گردد .1222.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعایی که جبرئیل علیه السلام به ایشان یاد داد) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس رمضان را روزه بدارد و حدود آن را بشناسد و خود را از آنچه سزاوار خویشتنداری در این ماه است ، نگه بدارد ، گناهان پیشین را پاک کرده است .1223.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا هر کس در ماه رمضان ، شش کار را با قوّت انجام دهد ، خداوندْ گناهانش را می آمرزد : دین خود را حفظ کند ، خویشتن را نگه دارد ، به خویشاوندانش نیکی کند ، همسایه اش را نیازارد ، حال برادرانش را مراعات کند و زبان خویش را در کام نگه دارد . امّا روزه ! پس پاداش روزه دار را جز خداوند نمی داند .

.

3 / 2العِتقُ مِنَ النّارِ1226.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ فى عَرَفاتٍ) رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله :سُمِّىَ شَهرُ رَمَضانَ شَهرَ العِتقِ ؛ لِأَنَّ للّهِ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ سِتَّمِئَةِ عَتيقٍ ، وفى آخِرِهِ مِثلَ ما أعتَقَ فيما مَضى . (1)1227.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ للّهِ عز و جل فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عُتَقاءَ وطُلَقاءَ مِنَ النّارِ إلاّ مَن أفطَرَ عَلى مُسكِرٍ ، فَإذا كانَ فى آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ أعتَقَ فيها مِثلَ ما أعتَقَ فى جَميعِهِ . (2)راجع : ص 90 (تأهيل الناس لضيافه اللّه) .

3 / 3جَوامِعُ بَرَكاتِهِ وخَصائِصِهِ1228.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله : فى فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ هُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَةٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَةٌ ، وآخِرُهُ الإِجابَةُ وَالعِتقُ مِنَ النّارِ . (3)1229.عنه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) عنه صلى الله عليه و آله :إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ فُتِّحَت أبوابُ الرَّحمَةِ ، وغُلِّقَت أبوابُ جَهَنَّمَ ، وسُلسِلَتِ الشَّياطينُ . (4)1230.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فَحَفِظَ فَرجَهُ ولِسانَهُ وكَفَّ أذاهُ عَنِ النّاسِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ ما تَقَدَّمَ مِنها وما تَأَخَّرَ ، وأعتَقَهُ مِنَ النّارِ ، وأحَلَّهُ دارَ القَرارِ ، وقَبِلَ

شَفاعَتَهُ فى عَدَدِ رَملِ عالِجٍ مِن مُذنِبى أهلِ التَّوحيدِ . (5) .

1- .النوادر للأشعرى : ص 18 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 381 ح 6 .
2- .الكافى : ج 4 ص 68 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 362 ح 31 .
3- .الكافى : 4 ص 67 ح 4 ؛ صحيح ابن خزيمه : 3 ص 192 ح 1887 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 142 ح 153 .
5- .الأمالى للصدوق : ص 71 ح 38 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 356 ح 24 .

ص: 39

2 / 3 آزادی از آتش دوزخ

3 / 3 مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان

اشاره

3 / 2آزادی از آتش دوزخ1228.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان را ماه آزادسازی نامیده اند ؛ چون خداوند در هر روز و شب ، ششصد آزادشده دارد و نیز در آخر ماه ، به اندازه آنچه در [روزها و شب های] گذشته آزاد کرده است .1229.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام صادق علیه السلام :خدا را در هر شب ماه رمضان ، آزادشدگان و رهاشدگانی از آتش است ، مگر کسی که با شراب افطار کند . پس چون آخرین شب آن فرا رسد ، به اندازه همه کسانی که در این ماه آزاد کرده است ، آزاد می کند .ر . ک : ص 91 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

3 / 3مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان1233.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : درباره فضیلت ماه رمضان ماهی است که آغاز آن رحمت ، میانه آن آمرزش و پایان آن اجابت [دعا] و آزادی از آتش است .1233.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون ماه رمضان وارد شود ، درهای رحمت ، گشوده ، و درهای دوزخ ، بسته شوند و شیاطین به بند کشیده شوند .1234.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و پاک دامنی ورزد و زبانش را حفظ کند و آزارش را به مردم نرساند ، خداوند ، گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و از آتش آزادش می کند و در سرای ابدی جایش می دهد و شفاعت او را درباره موحّدان گنهکار به تعداد کوه های به هم پیوسته ، می پذیرد .

.

1234.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) الخصال عن جابر بن عبد اللّه عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اُعطِیَت اُمَّتی فی شَهرِ رَمَضانَ خَمسا لَم یُعطَهُنَّ اُمَّهُ نَبِیٍّ قَبلی :

أمّا واحِدَهٌ : فَإِذا کانَ أوَّلُ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ نَظَرَ اللّهُ عز و جل إلَیهِم ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَیهِ لَم یُعَذِّبهُ أبَدا .

وأمَّا الثّانِیَهُ : فَإِنَّ خُلوفَ أفواهِهِم حینَ یُمسونَ عِندَ اللّهِ عز و جل أطیَبُ مِن ریحِ المِسکِ .

وأمَّا الثّالِثَهُ : فَإِنَّ المَلائِکَهَ یَستَغفِرونَ لَهُم فی لَیلِهِم ونَهارِهِم .

وأمَّا الرّابِعَهُ : فَإِنَّ اللّهَ عز و جل یَأمُرُ جَنَّتَهُ أنِ استَغفِری وتَزَیَّنی لِعِبادی ، فَیوشِکُ أن یَذهَبَ عَنهُم نَصَبُ الدُّنیا وأذاها ویَصیروا إلی جَنَّتی وکَرامَتی .

وأمَّا الخامِسَهُ : فَإِذا کانَ آخِرُ لَیلَهٍ غُفِرَ لَهُم جَمیعا .

فَقالَ رَجُلٌ : فی لَیلَهِ القَدرِ یا رَسولَ اللّهِ؟

فَقالَ : أَلَم تَرَ إلَی العُمّالِ إذا فَرَغوا مِن أعمالِهِم وُفّوا؟ ! (1)راجع : ص 70 (برکات ضیافه اللّه) وص 90 (تأهیل الناس لضیافه اللّه) .

.

1- .الخصال : ص 317 ح 101 ؛ مسند ابن حنبل : ج 3 ص 144 ح 7922 .

1236.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام لَمّا سَأَلَهُ عَنِ الکَل) الخصال : به نقل از جابر بن عبد اللّه ، از پیامبر خدا «به امّت من در ماه رمضان ، پنج چیز داده شده که به امّت هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است :

یکی ، آن که : چون نخستین شب ماه رمضان شود ، خداوند [با نظر رحمت]به آنان می نگرد و خداوند به هر کس [چنین] بنگرد ، هرگز عذابش نمی کند .

دوم ، آن که : بوی ناخوش دهان آنان ، آن گاه که به شب وارد شوند ، نزد خداوند متعال از بوی مشک ، خوش بوتر است .

سوم ، آن که : فرشتگان در هر شب و روزشان ، برای آنان آمرزش می طلبند .

چهارم ، آن که : خداوند متعال به بهشتِ خود فرمان می دهد که : استغفار کن و خود را برای بندگانم بیارای . نزدیک است که رنج و آزار دنیا از آنان زدوده شود و به بهشت من و کرامت من روی آورند .

امّا پنجم ، آن که : چون آخرین شب فرا رسد ، همه آنان آمرزیده می شوند» .

مردی گفت : در شب قدر ، ای پیامبر خدا؟

فرمود : «مگر نمی بینی که کارگران ، چون از کارهای خود فارغ می شوند ، مزد کامل می گیرند؟» .ر . ک : ص 71 (برکات میهمانی خدا) .

.

ص: 42

. .

سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها در ماه رمضان

سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها در ماه رمضاندر بسیاری از احادیث این باب ، به این نکته اشاره شده بود که در ماه رمضان ، شیاطین به بند کشیده می شوند . در این زمینه پرسش هایی پدید می آید ، از قبیل این که : شیطان کیست؟ در نظام حکیمانه خلقت ، چرا به شیطان اجازه داده شده که انسان را گم راه سازد؟ مرز تسلّط شیطان بر انسان تا کجاست؟ چرا خداوند ، در ماه رمضان ، شیاطین را به بند می کشد و از تأثیر گم راهگرانه آنان جلوگیری می کند؛ ولی در ماه های دیگر ، آنان را آزاد می گذارد؟ و سرانجام ، اگر این گونه روایاتْ درست اند ، چگونه شماری از روزه داران ، در این ماه ، مرتکب گناه می شوند؟ پاسخ تفصیلی و کافی به این پرسش ها ، مجالی دیگر می طلبد ؛ امّا آنچه به طور اجمال می توان گفت ، این است که : در دیدگاه اسلامی ، شیاطین ، موجوداتی نامرئی از جنس جن اند که از شعور ، آگاهی ، آزادی و قدرتِ انتخاب برخوردارند ؛ لیکن با سوء استفاده از آزادی خود ، با زیبا جلوه دادن زشتی ها و تحریک هوس های نامشروع انسان ، به گم راه ساختن و فریب دادن او می پردازند . امّا در ورای این نقش اغواگرانه ای که شیاطین در نظام آفرینش بازی می کنند ، حکمتِ : شکوفایی استعدادهای پنهانی انسان ، تربیت در حدّ انسان کامل ، و آماده ساختن او در سایه مقاومت در برابر این لغزشگاه ها و فریب ها ، نهفته است . این ، در حالی است که مرز سلطه شیاطین بر انسان ، از حدّ تحریک و وسوسه فراتر نمی رود . از این رو ، آنان انسان را به زشتی ها دعوت می کنند؛ لیکن نمی توانند او را به ارتکاب زشتی ها وا دارند . با این توضیح ، آنچه در این مورد باید بررسی شود ، دو مسئله است : نخست . به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان . دوم . بررسی عوامل پنهان در ورای انجام دادن گناهان در این ماه ، با آن که شیاطین در بندند و نقش گم راهگرانه ندارند .

.

علّت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان

1 . طبیعت پیشگیرانه روزه

علّت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضانتحلیل و بررسی روایات دینی در موضوع به بند کشیده شدن شیاطین و جلوگیری از آنها در ماه رمضان ، دو علّت را نشان می دهد ، با این توضیح که علّت دوم در طولِ علّت اوّل است :

1 . طبیعت پیشگیرانه روزهروزه به طور طبیعی ، زمینه ای را که شیطان بر اساس آن ، انسان را به گم راهی می کشاند ، از بین می برد . به تعبیر دقیق تر ، زنجیری که در ماه رمضان ، شیطان را به بند می کشد، چیزی جز خودِ روزه نیست. از این رو، در حدیث پیامبر خدا آمده است:

1241.الکافی عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه :إنَّ الشَّیطانَ لَیَجری مِنِ ابنِ آدَمَ مَجرَی الدَّمِ فَضَیِّقوا مَجارِیَهُ بِالجُوعِ ؛1238.پیامبر خدا صلی اللهَ علیه و آله (در دعا) شیطان در انسان جاری می شود ، همچون جریان خون . پس با گرسنگی ،

مجاری او را تنگ کنید .

.

این حدیث ، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که روزه به طور طبیعی ، مانع تسلّط شیطان بر انسان می شود . زنجیری که روزه دارد ، نه تنها شیطان را به بند می کشد ، بلکه کشش های نفْس امّاره را هم مهار می کند ، آن را به اسارت در می آورد و جلوی سلطه آن را بر انسان می گیرد ، و به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام :

1240.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از دعای ایشان در ماه رمضان) نِعمَ العَونُ عَلی أسرِ النَّفسِ وَ کَسرِ عادَتِهَا التَّجَوُّعُ ؛1241.الکافی (به نقل از احمد بن محمّد بن خالد ، که سند حدیث ر) گرسنگی ، چه خوب یاوری برای اسیر کردن نفْس و شکستن عادت آن است!بر این اساس ، همه روایاتی که در ستایش گرسنگی و نقش آن در خودسازی و تربیت نفْس ، وارد شده اند ، هدف آنها ایجاد مانع طبیعی در برابر سلطه شیطان بر انسان و نگهداری انسان از کشش ها و اغواگری های نفْس و نیز آزادسازی نیروهای عقلی و شکوفاسازی استعدادهای انسانی است ، آن گونه که از این دو روایت که از مجموعه احادیث این گونه برگزیده ایم روشن می شود . پیامبر خدا فرمود :

1243.عنه صلی الله علیه و آله :جاهِدوا أنفُسَکُم بِالجُوعِ وَ العَطَشِ ، فَإِنَّ الأجرَ فی ذلِکَ کَأجرِ المُجاهِدِ فی سَبیلِ اللّهِ ؛1244.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) به وسیله گرسنگی و تشنگی ، با نفس خویش جهاد کنید ؛ چرا که پاداش آن ، مثل پاداش جهادکننده در راه خداست .1245.عنه صلی الله علیه و آله :نیز فرمود :أحیوا قُلُوبَکُم بِقِلَّهِ الضِّحکِ وقِلَّهِ الشَّبَعِ ، وَ طَهِّروها بِالجُوعِ تَصفو[تَصفُ] وَ تَرِقُّ ؛ .

2 . عنایت ویژه خداوند

علّت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطین

اشاره

1246.عنه صلی الله علیه و آله (أَیضا) دل های خود را با کم خندیدن و کم خوردن ، زنده کنید و آن را با گرسنگی ، پاک سازید تا صاف و رقیق شود .2 . عنایت ویژه خداوندافزون بر پشتوانه ای که روزه به طور طبیعی برای روزه داران جهت جلوگیری از سلطه شیطان و اغواگری های او پدید می آورد ، این برنامه عبادی ، خود به خود ، زمینه ساز شمول عنایت های خدا بر آنان می گردد . آنچه در روایات با عنوان به بند کشیدن شیاطین در این ماه آمده است ، به همین نکته اشاره دارد . به عبارت دیگر ، عنایت الهی گزاف نیست تا سؤال شود : چرا خدای سبحان ، مانع سلطه شیطان نمی شود و در بقیّه ماه ها بین انسان و سلطه او فاصله نمی اندازد؟ هرگز؛ بلکه ریشه این توفیق و عنایت الهی ، در انتخاب خود انسان و ورود او به میهمان سرای رمضان ، نهفته است .

علّت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطیندر چارچوب تحلیلی که گذشت که می رساند در این ماه ، شیاطین نسبت به انسان و دست کم نسبت به روزه داران ، سلطه ندارند سؤال اساسی دومی مطرح می شود؛ چرا که می بینیم گاهی روزه داران هم در این ماه دچار غفلت و گناه می شوند . تشریع کفّاره هایی که برای درمان این حالت هاست نیز گواه آن است . سیّد ابن طاووس رحمه الله در تصویر این نکته می گوید : یکی از دینداران از من پرسید : «من از به بند کشیده شدن شیاطین بهره چندانی نمی برم ؛ چون همان حالت غفلت را که پیش از ماه رمضان داشتم ، دارم و گویا فرقی نکرده است و با زنجیر شدن یاران شیطان ، از آن کاسته نشده است ...» . دو پاسخ به این پرسش می توان داد :

.

1 . شیطان ، به تنهایی زمینه ساز گناهان نیست .

2 . در بند بودن شیطان ها ، نسبی است .

1 . شیطان ، به تنهایی زمینه ساز گناهان نیست .این پاسخ ، بر این نکته استوار است که خطاها و گناهانی که از انسان سر می زند ، تنها به شیطان و اغواگری او مربوط نمی شود ؛ بلکه دو منشأ اساسی دیگر هم دارد : نفْس امّاره ، و زنگارهای متراکمی که پیامد گناهان پیشین اند و دل را آلوده و سیاه ساخته اند . در واقع ، عنایت الهی ای که در ماه رمضان شامل انسان می شود ، تنها تأثیر عامل نخستین را که مربوط به شیطان است ، از بین می برد؛ امّا دو عامل دیگر همچنان نقش ایفا می کنند و جهت زمینه سازی برای انحراف انسان و سر زدن گناهان از او و غافل ماندن وی ، کافی اند . بر فرض که روزه بتواند همه کشش های نفْس امّاره را بپوشاند و تأثیر آن را در کشاندن انسان به طرف خطاها و گناهان از بین ببرد ، زنگارهای متراکم از گناهان گذشته ، کافی اند که برای روزه دار ، خطرآفرین باشند و او را در معرض غفلت و گناه قرار دهند .

2 . در بند بودن شیطان ها ، نسبی است .از تحلیل گذشته روشن شد که زنجیری که شیطان را به بند می کشد ، از خود روزه ماه رمضان فراهم می شود و نه از چیز دیگری . بنا بر این ، هر چه روزه مستحکم تر و کامل تر باشد ، زنجیری که شیطان را به بند می کشد و جلوی نفْس امّاره را می گیرد ، محکم تر خواهد بود و از میزان غفلت و انحراف های ناشی از آن ، خواهد کاست . بر این پایه ، می توان گفت : روزه آنان که در ماه رمضان ، گناهانی مرتکب می شوند ، روزه کاملی نیست .

.

الفصل الرابع : التّأكيد على استثمار بركاته1249.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ فِی الاِستِسقاءِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّقِیَّ مَن حُرِمَ غُفرانَ اللّهِ فی هذَا الشَّهرِ العَظیمِ . (1)1250.رسول اللّه صلى الله علَيه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّقِیَّ حَقَّ الشَّقِیِّ مَن خَرَجَ عَنهُ هذَا الشَّهرُ ولَم یُغفَر ذُنوبُهُ ، فَحینَئِذٍ یَخسَرُ حینَ یَفوزُ المُحسِنونَ بِجَوائِزِ الرَّبِّ الکَریمِ . (2)1251.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :قَد جاءَکُم شَهرُ رَمَضانَ ؛ شَهرٌ مُبارَکٌ ... فیهِ لَیلَهُ القَدرِ خَیرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَها فَقَد حُرِمَ . (3)1249.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى طلب باران) الإمام الصادق عليه السلام :مَن لَم یُغفَر لَهُ فی شَهرِ رَمَضانَ لَم یُغفَر لَهُ إلی قابِلٍ ، إلاّ أن یَشهَدَ عَرَفَهَ . (4)تعليقأحاديث هذا الفصل هی تحذير وإنذار فی ظاهرها ، وهی بشاره فی باطنها ، خاصّةً أحاديث النَّبی صلى الله عليه و آله الّتی يدعو فيها على من لم تشمله المغفره الإلهيه فی هذا الشهر الكريم وينعته بالشقاء . ولذا جاء عن العالم الربانی ملكی تبريزی (ت 1343ق) رضوان اللّه عليه قوله : « ومن أبلغ ما ورد فی البشاره لشهر رمضان دعاء النَّبی صلى الله عليه و آله على من لم يُغفر له فيه ، حيث إنّه صلى الله عليه و آله قال : مَنِ انسَلَخَ عَنهُ شَهرُ رَمَضانَ وَلَم یُغفَر لَهُ فَلا غَفَرَ اللّهُ لَهُ (5) فإنّ هذا الدعاء بلحاظ أنّه صلى الله عليه و آلهبُعث رحمه للعالمين ، بشاره عظيمه لسعه الرحمه وعموم الغفران فی الشهر ، وإلاّ لم يكن مع كونه رحمه للعالمين يدعو لمسلم ولو كان مذنبا » . (6)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 77 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 356 ح 25 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 73 ح 53 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 362 ح 30 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 152 ح 422 ؛ سنن النسائی : ج 4 ص 129 .
4- .الكافی : ج 4 ص 66 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 342 ح 6 .
5- .الإقبال : ج 1 ص 454 وفيه «من انسلخ من شهر رمضان...» .
6- .المراقبات : ص 103 .

فصل چهارم : تأکید بر بهره وری از برکات ماه رمضان

نکته

فصل چهارم : تأکید بر بهره وری از برکات ماه رمضان1252.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدبخت ، کسی است که در این ماه بزرگ ، از آمرزش الهی محروم بماند .1253.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدبخت واقعی ، کسی است که این ماه از او بگذرد؛ ولی گناهانش آمرزیده نشوند . پس آن گاه که نیکوکاران به جوایز پروردگار کریمشان دست می یابند ، او زیانکار (بازنده) می گردد .1254.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، شما را فرا رسید ، ماهی مبارک ... . در آن ، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است . محروم ، کسی است که از آن بی بهره بماند .1255.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) امام صادق علیه السلام :هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود ، تا سال آینده آمرزیده نمی شود ، مگر آن که روز عرفه را درک کند .نکتهظاهر احادیث این فصل ، هشدار و بیم دادن است؛ امّا باطن آنها بشارت است ، بویژه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آلهکه کسانی را که در این ماه ، مشمول آمرزش الهی نمی شوند ، نفرین می کند و آنان را بدبخت می شمارد . از این رو ، عالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (م 1343 ق) می گوید : از رساترین نکاتی که در بشارت به ماه رمضان روایت شده ، نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله بر کسانی است که در این ماه آمرزیده نمی شوند ، آن جا که فرموده است : «آمرزیده مباد کسی که ماه رمضان از او بگذرد و آمرزیده نشود !» . از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله رحمتی برای جهانیانْ برانگیخته شده است ، این نفرین ، بشارت بزرگی به رحمت گسترده و فراگیریِ آمرزشِ الهی در این ماه است ، وگرنه ایشان با آن که رحمتی برای جهانیان است ، هرگز مسلمانی را نفرین نمی کند ، هر چند فردی گنهکار باشد .

.

ص: 50

. .

ص: 51

..

ص: 52

. .

ص: 53

اشاره

بخش دوم : آمادگی برای میهمانی خدا

.

الفصل الأوّل : معرفه ضيافه اللّه1 / 1وُجوبُ الصِّيامِالكتاب« يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » . (1)

الحديث1259.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ اللّهَ افتَرَضَ خَمسا ولَم يَفتَرِض إلاّ حَسَنا جَميلاً : الصَّلاةَ ، وَالزَّكاةَ ، وَالحَجَّ ، وَالصِّيامَ ، وولايَتَنا أهلَ البَيتِ . (2)1259.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام : فيما جَمَعَهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن كَلامِهِ فى عِلَلِ الفَرائِضِ فَإن قيلَ : فَلِمَ اُمِروا بِصَومِ شَهرِ رَمَضانَ ؛ لا أقَلّ مِن ذلِكَ ولا أكثَرَ؟

قيلَ : لِأَ نَّهُ قُوَّهُ العِبادِ الَّذى يَعُمُّ فيهِ القَوِىُّ وَالضَّعيفُ . وإنَّما أوجَبَ اللّهُ الفَرائِضَ عَلى أغلَبِ الأَشياءِ وأعَمِّ القُوى ، ثُمَّ رَخَّصَ لِأَهلِ الضَّعفِ . وإنَّما أوجَبَ اللّهُ ورَغَّبَ أهلَ القُوَّهِ فِى الفَضلِ ، ولَو كانوا يَصلُحونَ عَلى أقَلّ مِن ذلِكَ

لَنَقَصَهُم ، ولَوِ احتاجوا إلى أكثَرَ مِن ذلِكَ لَزادَهُم . (3) .

1- .البقره : 183 .
2- .بشاره المصطفى : ص 108 و راجع الكافى : ج 8 ص 271 ح 399 .
3- .علل الشرايع : ص 270 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 80 ح 1 وج 96 ص 370 ح 51 .

1 / 1 وجوب روزه گرفتن

فصل اوّل : شناخت میهمانی خدا1 / 1وجوب روزه گرفتنقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است ، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند ، نوشته شده بود . باشد که پروا کنید!» .

حدیث1262.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام :خداوند ، پنج چیز را واجب کرده است و جز نیکو و زیبا ، واجب نکرده است : نماز ، زکات ، حج ، روزه و ولایت ما اهل بیت .1263.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام : در مجموعه ای که فضل بن شاذان از سخن ایشان درباره حکمت واجبات ، گرد آورده است پس اگر بگویند : «چرا به روزه ماه رمضان فرمان یافته اند ، نه کمتر از آن و نه بیشتر؟» ، گفته می شود : برای آن که انجام دادن این مقدار روزه در توان بندگان است و نیرومند و ناتوان را فرا می گیرد .

همانا خداوند ، واجبات را بر پایه چیزهای غالب تر و نیروهای فراگیرتر ، مقرّر داشته و سپس ناتوانان را رخصت داده است . خداوند بر توانمندان واجب ساخته و به بیشتر ، تشویق کرده است ؛ و اگر شایسته کمتر از آن بودند ، از

تکلیفشان می کاست و اگر به بیش از آن نیاز داشتند ، بر تکلیفشان می افزود .

.

1 / 2حِكمَةُ الصِّيام1265.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :حَرَسَ اللّهُ عِبادَهُ المُؤمِنينَ بِالصَّلَواتِ وَالزَّكَواتِ ومُجاهَدَهِ الصِّيامِ فِى الأَيّامِ المَفروضاتِ ؛ تَسكينا لِأَطرافِهِم ، وتَخشيعا لِأَبصارِهِم ، وتَذليلاً لِنُفوسِهِم ، وتَخفيضا لِقُلوبِهِم ، وإذهابا لِلخُيَلاءِ عَنهُم ، ولِما فى ذلِكَ مِن تَعفيرِ عِتاقِ الوُجوهِ بِالتُّرابِ تَواضُعا ، وَالتِصاقِ كَرائِمِ الجَوارِحِ بِالأَرضِ تَصاغُرا ، ولُحوقِ البُطونِ بِالمُتونِ مِنَ الصِّيامِ تَذَلُّلاً . (1)1265.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :فَرَضَ اللّهُ الصِّيامَ ابتِلاءً لِإِخلاصِ الخَلقِ . (2)1266.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ يَومَ الأَحزابِ) الإمام الصادق عليه السلام فى بَيانِ عِلَّهِ الصِّيامِ :إنَّما فَرَضَ اللّهُ عز و جل الصِّيامَ لِيَستَوِىَ بِهِ الغَنِىُّ وَالفَقيرُ ؛ وذلِكَ أنَّ الغَنِىَّ لَم يَكُن لِيَجِدَ مَسَّ الجوعِ فَيَرحَمَ الفَقيرَ ؛ لِأَنَّ الغَنِىَّ كُلَّما أرادَ شَيئا قَدَرَ عَلَيهِ ، فَأَرادَ اللّهُ عز و جل أن يُسَوِّىَ بَينَ خَلقِهِ ، وأن يُذيقَ الغَنِىَّ مَسَّ الجوعِ وَالأَلَمِ ؛ لِيَرِقَّ عَلَى الضَّعيفِ فَيَرحَمَ الجائِعَ . (3)1266.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى ايشان در روز نبرد احزاب) الإمام الرضا عليه السلام فيما جَمَعَهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن كَلامِهِ فى عِلَلِ الفَرائِضِ :فَإن قيلَ : فَلِمَ اُمِروا بِالصَّومِ؟ قيلَ : لِكَى يَعرِفوا أَلَمَ الجوعِ وَالعَطَشِ ، ويَستَدِلّوا عَلى فَقرِ الآخِرَهِ ، ولِيَكونَ الصّائِمُ خاشِعا ذَليلاً مُستَكينا ، مَأجورا مُحتَسِبا

عارِفا ، صابِرا عَلى ما أصابَهُ مِنَ الجوعِ وَالعَطَشِ ؛ فَيَستَوجِبَ الثَّوابَ مَعَ ما فيهِ مِنَ الإِمساكِ عَنِ الشَّهَواتِ ، ولِيَكونَ ذلِكَ واعِظا لَهُم فِى العاجِلِ ، ورائِضا لَهُم عَلى أداءِ ما كَلَّفَهُم ، ودَليلاً لَهُم فِى الأجرِ ، ولِيَعرِفوا شِدَّهَ مَبلَغِ ذلِكَ عَلى أهلِ الفَقرِ وَالمَسكَنَهِ فِى الدُّنيا فَيُؤَدّوا إلَيهِم ما فَرَضَ اللّهُ لَهُم فى أموالِهِم . (4) .

1- .نهج البلاغه : الخطبه 192 .
2- .نهج البلاغه : الحكمه 252 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 73 ح 1766 .
4- .علل الشرايع : ص 270 ح 9 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 116 ح 1 وفيه «الانكسار» بدل «الإمساک» و«الآجل» بدل «الأجر» ، بحار الأنوار : ج 6 ص 79 ح 1 وج 96 ص 369 ح 51 .

1 / 2 حکمت روزه گرفتن

1 / 2حکمت روزه گرفتن1267.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :خداوند ، بندگان مؤمن خویش را با نمازها ، زکات ها و تلاش برای روزه گرفتن در روزهای واجب شده ، نگهداری کرده است تا اعضایشان آرامش یابد و چشمانشان خشوع پیدا کند و جان هایشان رام گردد و دل هایشان متواضع شود و غرور از آنان زدوده گردد ، به سبب حکمت هایی که در آنهاست ، چون : خاکی شدن چهره های عزّتمند از روی تواضع ، به زمین چسبیدن اعضای شریف از روی فروتنی، و چسبیدن شکم ها به پشت ها از روی رام شدن .1268.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :خداوند ، روزه را واجب فرمود ، تا آزمونی برای اخلاص آفریدگان باشد .1269.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی حَدیثِ المِعراجِ) امام صادق علیه السلام درباره حکمت روزه داری :خداوند متعال ، روزه را واجب ساخته است تا ثروتمند و تهی دست ، برابر شوند؛ چون [بدون روزه] ثروتمند ، رنج گرسنگی را نمی چشید تا به فقیر ترحّم کند؛ زیرا ثروتمند هر گاه چیزی را بخواهد ، بر آن تواناست . پس خدای متعال خواست تا میان بندگانش برابری پدید آورد و ثروتمند هم طعم گرسنگی و رنج را بچشد تا بر ناتوان ، رقّت قلب یابد و بر گرسنه ترحّم نماید .1269.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیث معراج) امام رضا علیه السلام در مجموعه ای که فضل بن شاذان از سخنان ایشان درباره حکمت واجبات ، گرد آورده است :پس اگر گفته شود : «چرا مأمور به روزه شدند؟» ، گفته می شود : تا رنج گرسنگی و تشنگی را بشناسند و نشانی بر نیاز آخرت بیابند و تا روزه دار ، خاشع ، فروتن ، شکسته ، پاداش یافته ، امیدوار به اجر الهی و عارف گردد و بر گرسنگی و تشنگی ای که به او می رسد ، شکیبا شود تا

شایسته پاداش گردد ، به علاوه خودداری از برآوردن خواسته های نفْس ، و برای این که روزه ، در دنیا مایه پند آنان شود و سبب تمرین آنان بر انجام دادن تکلیف های خدا و راهنمای آنان در پاداش گردد و تا بدانند که چه سختی هایی بر فقیران و بینوایان در دنیا می گذرد؛ پس آنچه را خداوند برای فقیران در اموال آنان واجب ساخته ، به آنان بپردازند .

.

1270.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) عنه عليه السلام فى عِلَّةِ الصَّومِ :اِمتَحَنَهُم بِضَربٍ مِنَ الطّاعَةِ كَيما يَنالوا بِها عِندَهُ الدَّرَجاتِ ؛ لِيُعَرِّفَهُم فَضلَ ما أنعَمَ عَلَيهِم مِن لَذَّةِ الماءِ وطيبِ الخُبزِ ، وإذا عَطِشوا يَومَ صَومِهِم ذَكَروا يَومَ العَطَشِ الأكبَرِ فِيالآخِرَهِ، وزادَهُم ذلِکَ رَغبَةً فِيالطّاعَهِ . (1)1 / 3فَضلُ الصِّيامِ1273.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :جَعَلَ اللّهُ ... قُرَّةَ عَينى فِى الصَّلاهِ وَالصَّومِ . (2)1274.عنه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) عنه صلى الله عليه و آله :قالَ حَبيبى جَبرَئيلُ : إنَّ مَثَلَ هذَا الدّينِ كَمَثَلِ شَجَرَهٍ ثابِتَهٍ ؛ الإيمانُ أصلُها ، وَالصَّلاهُ عُروقُها ، وَالزَّكاهُ ماؤُها ، وَالصَّومُ سَعَفُها . (3)1 / 4الصَّومُ لِلّهِ1271.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») رسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : «الصَّومُ لى ، وأنَا أجزى بِهِ» . (4) .

1- .المناقب لابن شهرآشوب : ج 4 ص 355 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 113 ح 6 .
2- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 83 ح 141 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 249 .
3- .علل الشرايع : ص 249 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 109 ح 2 وج 68 ص 380 ح 30 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 152 ح 420 ، الكافى : ج 4 ص 63 ح 6 وفيه «عليه» بدل «به» .

ص: 59

1 / 3 فضیلت روزه

1 / 4 روزه برای خداست

اشاره

1272.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام درباره حکمت روزه :خداوند ، از آن رو بندگان را با انواع طاعت ها آزموده است که نزد خداوند به درجاتی برسند ، تا ارزش آنچه را خداوند از لذّت آب و گوارایی نان ، روزیِ آنان ساخته است ، دریابند و هر گاه در روزِ روزه داری خود تشنه شوند ، به یاد روز تشنگی بزرگ در قیامت بیفتند و این ، مایه رغبت بیشتر آنان در طاعت گردد .1 / 3فضیلت روزه1275.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، فروغ دیدگانم را در نماز و روزه قرار داده است .1276.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حبیب من جبرئیل گفت : «مَثَل این دین ، همچون «مَثَل درختی ثابت و استوار است . ریشه اش ایمان است و رگ هایش نماز . آب آن ، زکات است و شاخ و برگش ، روزه» .1 / 4روزه برای خداست1278.مسند ابن حنبل عن الشرید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است : «روزه ، برای من است و خودم پاداش آن را می دهم» .

.

1279.مسند ابن حنبل عن القاسم بن عبد الرحمن عن عمرو الأعنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ عَمَلِ ابنِ آدَمَ يُضاعَفُ ؛ الحَسَنَةُ عَشرُ أمثالِها إلى سَبعِمِئَهِ ضِعفٍ ، قالَ اللّهُ عز و جل : «إلاَّ الصَّومَ فَإِنَّهُ لى ، وأنَا أجزى بِهِ ، يَدَعُ شَهوَتَهُ وطَعامَهُ مِن أجلى» . (1) .

1- .صحيح مسلم : ج 2 ص 807 ح 164 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : ص 143 ح 156 نحوه .

1277.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره آیه {Q} «هر آنچه آفرید ، نیکو گردانْد» {) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کار آدمی زاده ، چند برابر می شود . کار نیک ، ده برابر تا هفتصد برابر می شود . خداوند فرموده است : «مگر روزه ، که برای من است و خودم پاداش آن را می دهم ، [که روزه دار ،] خواسته دل و خوراکش را به خاطر من وا می گذارد» . .

ص: 62

..

سخنی در شرح حدیثِ : «روزه ، برای من است»

سخنی در شرح حدیثِ : «روزه ، برای من است»ابو حامد غزّالی در شرح این حدیث ، گفته است : این که روزه برای خداست و این شرافت را یافته که به خداوند ، نسبت داده شود (هر چند همه عبادات ، برای اوست ، همچنان که کعبه این شرف را یافته که خانه او باشد ، در حالی که همه زمین برای اوست) دو معنا دارد : نخست ، این که : روزه ، پرهیز و ترک است و عملی پنهان است و در آن ، کاری نیست که دیده شود . به خلاف همه عبادت ها که در معرض دید مردم انجام می شوند ، روزه ، عبادتی است که جز خدا آن را نمی داند؛ چرا که کاری است باطنی که همان صبر است . دوم ، این که : روزه ، سرکوبی دشمن خداست؛ چون ابزار شیطان ملعون ، شهوت ها هستند و شهوات با خوردن و آشامیدن ، نیرو می یابند . از این رو ، پیامبر صلی الله علیه و آلهفرموده است :

1280.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی صِفَهِ اللّه عز و جل) إنَّ الشَّیطانَ لَیَجری مِنِ ابنِ آدَمَ مَجرَی الدَّمِ ؛ فَضَیِّقوا مَجارِیَهُ بِالجوعِ ؛ 1281.عنه صلی اللهُ علیهِ و آله :شیطان ، همچون خون ، در وجود آدمی جاری می شود ، پس گذرگاه های او را با گرسنگی ، تنگ کنید ... .از آن جا که بخصوص روزه ، سرکوبی شیطان و بستن و تنگ ساختن گذرگاه های اوست ، شایسته است که ویژه خدا گردد؛ زیرا سرکوبی دشمن خدا ، یاری نمودن خداست ، و یاری رسانیِ خداوند به بنده اش ، در پیِ یاری کردن بنده به خداست.

.

خداوند فرموده است : «إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» ؛ اگر خدا را یاری کنید ، خدا یاری تان می کند و گام هایتان را استوار می سازد . پس شروع تلاش ، از بنده است و پاداش دادن به هدایت ، از خدا . از این رو فرموده است : «وَ الَّذِينَ جَهَدُواْ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ؛ و آنان که در راه ما جهاد کنند ، ما راه های خود را به آنان نشان می دهیم . و فرموده است : «إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ» ؛ خداوند ، سرنوشت یک ملّت را عوض نمی کند ، تا وضع خودشان را تغییر دهند . این تغییر ، با شکستن شهوات انجام پذیر است ؛ چون شهوت ها ، چراگاه های شیاطین اند و تا وقتی سرسبز باشند ، رفت و آمد آنها بریده نمی شود و تا در رفت و آمدند ، جلال خداوند بر بنده آشکار نمی شود و بنده از دیدار خدا محروم می ماند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهفرمود :

1281.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در وصف خداوند عز و جل) لَولا أنَّ الشَّياطينَ يَحومونَ عَلى قُلوبِ بَنى آدَمَ ، لَنَظَروا إلى مَلَكوتِ السَّماءِ ؛ 1282.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) اگر نبود این که شیاطین ، دور و بر دل های آدمی زادگان می چرخند ، آدمیان به ملکوت آسمان می نگریستند .از این رو ، روزه درِ عبادت و سپر ایمنی گشته است . در کتاب النهایهی ابن اثیر آمده است :

.

مردم ، در تأویل این حدیث و این که : «چرا خداوند ، روزه و پاداش آن را مخصوص خود ساخته است ، هر چند همه عبادت ها و پاداش آنها ، از سوی خدا و بر عهده اوست؟» ، بسیار گفته اند . آنان در این باره وجوهی را ذکر کرده اند که محور همه آنها، این است که: روزه، رازی میان خدا و بنده است و کسی جز او،از آن آگاه نمی شود. پس بنده ، روزه دار واقعی نمی شود ، مگر آن که در اطاعت ، اخلاص داشته باشد . گرچه همان طور است که گفته اند ، ولی عبادات دیگری هم هستند که در پنهان بودن ، مثل روزه اند ، مانند : نماز بی وضو و نماز در جامه نجس و این گونه اعمال پنهانی که همراه با عبادات اند و جز خدا و نمازگزار ، آنها را نمی داند . بهترین چیزی که در تأویل این حدیث شنیده ام ، این است که : همه عبادت هایی که بندگان با انجام دادن آنها به خداوند ، تقرّب می جویند (مانند : نماز ، حج ، صدقه ، اعتکاف ، دعا ، نیایش ، قربانی و انواع عبادت های دیگر) ، مشرکان نیز با همانها خداهای خویش و آنچه را شریک خدا قرار داده بودند ، پرستیده اند؛ امّا هرگز شنیده نشده است که گروهی از مشرکان و پیروان مذاهب در دوران های پیشین ، معبودهای خود را با «روزه» پرستیده باشند و بدین وسیله به آنها تقرّب جسته باشند . روزه ، به عنوان عبادت ، تنها از سوی ادیان آسمانی ، شناخته شده است . از این رو ، خداوند فرموده است : «روزه ، برای من است و خودم پاداش آن را می دهم» ، یعنی : در آن ، کسی شریک من نگشته است و با آن جز من ، پرستش نشده است . پس در این هنگام ، خودم پاداش آن را بر عهده می گیرم و به کسی دیگر ، چه فرشتگان مقرّب و چه غیر آنان ، وا نمی گذارم ؛ تا اندازه ای که به من اختصاص یابد . امّا آنچه اخیرا در تفسیر این حدیث رایج شده که حدیث مذکور چنین قرائت می شود : «الصَّوم لِی وَ أنَا أجْزی به ؛ روزه برای من است و من یعنی خداوند متعال جزا داده می شوم به آن» ، تا آن جا که ما جستجو کردیم ، هیچ یک از حدیث شناسان گذشته ، آن را چنین قرائت نکرده و از آن ، چنین معنایی نفهمیده است .

.

1 / 5معرفه ضيافه اللّهقيمَهُ الصّائِمالكتاب« إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ الْقَنِتِينَ وَ الْقَنِتَتِ وَ الصَّدِقِينَ وَ الصَّدِقَتِ وَ الصَّبِرِينَ وَالصَّبِرَ تِ وَ الْخَشِعِينَ وَ الْخَشِعَتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَتِ وَ الصَّئِمِينَ وَالصَّئِمَتِ وَ الْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ وَ الذَّ كِرِينَ اللَّهَ كَثِيرا وَ الذَّ كِرَ تِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْرا عَظِيما » . (1)

الحديث1284.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى قَولِهِ تَعالى : « التَّئِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِدُونَ السَّئِحُونَ » (2) :السّائِحونَ وهُمُ الصّائِمونَ . (3)1285.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ مائِدَةً عَلَيها ما لا عَينٌ رَأَت ، ولا اُذُنٌ سَمِعَت ، ولا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ ، لا يَقعُدُ عَلَيهَا إلاَّ الصّائِمونَ . (4)1286.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله :لِلصّائِمِ فَرحَتانِ : فَرحَةٌ عِندَ فِطرِهِ ، وفَرحَةٌ يَومَ القِيامَهِ ، يُنادِى المُنادِى : «أينَ الظَّامِئَةُ أكبادُهُم؟ وعِزَّتى ، لَأروِيَنَّهُمُ اليَومَ» . (5)1287.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :لَو دافَعتَ نَومَكَ يا غافِلاً بِالقِيامِ ، وقَطَعتَ يَومَكَ بِالصِّيامِ ، وَاقتَصَرتَ عَلَى القَليلِ مِن لَعقِ الطعامِ ، وأحيَيتَ مُجتَهِدا لَيلَكَ بِالقِيامِ ؛ كُنتَ

أحرى أن تَنالَ أشرَفَ المَقامِ . (6) .

1- .الأحزاب : 35 .
2- .التوبه : 112 .
3- .الكافى : ج 5 ص 15 ح 1 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 365 ح 3288 .
4- .المعجم الأوسط : ج 9 ص 170 ح 9443 ، كنز العمّال : ج 8 ص 452 ح 23620 .
5- .مسند زيد : 203 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .
6- .البلد الأمين : ص 318 .

1 / 5ارزش روزه دارقرآنشناخت میهمانی خدا«همانا خداوند برای مردان و زنان مسلمان و مؤمن ، پرستشگر ، راستگو ، صابر ، خاشع ، صدقه دهنده ، روزه دار ، پاک دامن ، و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند ، آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است» .

حدیث1290.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه : «[مؤمنانْ] توبه کنندگان ، پرستشگران ، ستایشگران، سیاحتگران ... اند» : سیاحتگران ، همان روزه داران اند .1290.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، سفره ای دارد که بر آن نعمتی است که نه چشمی دیده ، نه گوشی شنیده و نه بر دل بشری گذشته است . بر سر این سفره ، جز روزه داران نخواهند نشست .1291.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أن یُعَلِّمَهُ دُعاءً یُوَسّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه دار ، دو خوش حالی دارد : خوش حالی او به هنگام افطارش ، و خوش حالی او در روز قیامت ، [آن گاه] که منادی ندا می دهد : «کجایند صاحبان جگرهای سوخته و تشنه؟ به عزّتم سوگند ، امروز سیرابشان می کنم» .1292.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) امام علی علیه السلام :ای غافل! اگر با نماز ، خوابت را کنار بزنی و با روزه روزت را سپری کنی و به خوراکی اندک بسنده کنی و شب خودت را تلاشگرانه با نمازْ زنده

بداری ، سزاوار آنی که به برترین جایگاه ، دست یابی .

.

1293.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ المُؤمِنَ إذا قامَ لَيلَهُ ثُمَّ أصبَحَ صائِما نَهارَهُ لَم يُكتَب عَلَيهِ ذَنبٌ ، ولَم يَخطُ خُطوَةً إلاّ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها حَسَنَةً ، ولَم يَتَكَلَّم بِكَلِمَهِ خَيرٍ إلاّ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها حَسَنَةً ، وإن ماتَ فى نَهارِهِ صُعِدَ بِروحِهِ إلى عِلِّيِّينَ ، وإن عاشَ حَتّى يُفطِرَ كَتَبَهُ اللّهُ مِنَ الأَوّابينَ . (1)1291.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (به مردى كه از او خواست دعايى را به او بياموزد ک) الإمام الصادق عليه السلام :مَن صامَ للّهِ عز و جل يَوما فى شِدَّهِ الحَرِّ فَأَصابَهُ ظَمَأ ، وَكَّلَ اللّهُ بِهِ ألفَ مَلَكٍ يَمسَحونَ وَجهَهُ ويُبَشِّرونَهُ ، حَتّى إذا أفطَرَ قالَ اللّهُ عز و جل لَهُ :

«ما أطيَبَ ريحَكَ ورَوحَكَ ! مَلائِكَتِى ، اشهَدوا أنّى قَد غَفَرتُ لَهُ» . (2)1 / 6دُعاءُ المَلائِكَهِ لِلصّائِمِ1294.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله قالَ : «إنَّ اللّهَ عز و جل وَكَّلَ مَلائِكَتَهُ بِالدُّعاءِ لِلصّائِمينَ» .

وقالَ : «أخبَرَنى جَبرَئيلُ عليه السلام عَن رَبِّهِ أنَّهُ قالَ : ما أمَرتُ مَلائِكَتى بِالدُّعاءِ لِأَحَدٍ مِن خَلقى إلاَّ استَجَبتُ لَهُم فيهِ» . (3)1295.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءٍ عَلَّمَهُ اللّهُ إيّاهُ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن صائِمٍ يَحضُرُ قَوما يَطعَمونَ إلاّ سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ ، وكانَت صَلاهُ المَلائِكَهِ عَلَيهِ ، وكانَت صَلاتُهُم استِغفارا . (4) .

1- .المقنعه : ص 375 وص 305 .
2- .الكافى : ج 4 ص 64 ح 8 وص 65 ح 17 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 247 ح 5 .
3- .الكافى : ج 4 ص 64 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 253 ح 26 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 87 ح 1805 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 247 ح 4 .

1296.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :مؤمن ، چون شب را به عبادت برخیزد و روز را روزه بدارد ، برایش گناهی نوشته نمی شود و هیچ گامی بر نمی دارد ، مگر آن که خداوند برای او حسنه ای می نویسد ، و هیچ سخن نیکی نمی گوید ، مگر آن که خداوند برای او حسنه ای می نویسد ، و اگر همان روز بمیرد ، روحش را به والاترین درجاتِ بالا می برند ، و اگر زنده بماند تا آن که افطار کند ، خداوند او را در میان توبه گران می نویسد .1297.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :کسی که در گرمای سخت ، روزی را برای خدا روزه بدارد و تشنه شود ، خداوند ، هزار فرشته را بر او می گمارد که چهره اش را لمس می کنند و بشارتش می دهند ، تا آن گاه که افطار کند ، که خداوند به او می فرماید : «چه خوش است بوی تو و نشاط تو! فرشتگان من! گواه باشید که او را آمرزیدم» .1 / 6دعای فرشتگان برای روزه دار1300.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام :پیامبر خدا فرمود : «خداوند ، فرشتگان خود را برای دعا به روزه داران ، گماشته است» و فرمود : «جبرئیل از طرف خداوند ، مرا خبر داد که خداوند فرمود : هرگز فرشتگانم را مأمور دعا برای هیچ یک از بندگانم نکردم ، مگر آن که دعایشان را درباره او مستجاب ساختم » .1301.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ روزه داری در میان گروهی که غذا می خورند ، حاضر نمی شود ، مگر آن که اعضایش تسبیح می گویند و درود فرشتگان بر او خواهد بود . درود فرشتگان ، همان استغفار است .

.

1302.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصّائِمَ مِنكُم لَيَرتَعُ فى رِياضِ الجَنَّهِ ، تَدعو لَهُ المَلائِكَهُ حَتّى يُفطِرَ . (1)1303.عنه صلى اللهِ عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام : تَبارَکَ وتَعالى إنَّ للّهِ مَلائِکَهً مُوَکَّلينَ بِالصّائِمينَ وَالصّائِماتِ ، يَمسَحونَهُم بِأَجنِحَتِهِم ، ويُسقِطونَ عَنهُم ذُنوبَهُم . وإنَّ للّهِ مَلائِکَهً قَد وَکَّلَهُم بِالاِستِغفارِ لِلصّائِمينَ وَالصّائِماتِ ، لا يَعلَمُ عَدَدَهُم إلاّ اللّهُ عز و جل . (2)1 / 7بَرَکاتُ ضِيافَهِ اللّهِ التَّقويالکتاب« يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ کُتِبَ عَلَيْکُمُ الصِّيَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ » . (3)

الحديث1300.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّهٌ . (4)1301.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») عنه صلى الله عليه و آله :الصَّومُ جُنَّهٌ مِنَ النّارِ . (5)1302.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») عنه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّهٌ وحِصنٌ حَصينٌ مِنَ النّارِ . (6) .

1- .الكافى : ج 8 ص 366 ح 556 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 132 ح 123 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 104 ح 92 .
3- .البقره : 183 .
4- .صحيح البخارى : ج 2 ص 670 ح 1795 ؛ تهذيب الأحكام : ج 2 ص 242 ح 958 .
5- .الكافى : ج 2 ص 19 ح 5 وج 4 ص 62 ح 1 ؛ سنن ابن ماجه : ج 1 ص 525 ح 1639 .
6- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 367 ح 9236 ، كنز العمّال : ج 8 ص 443 ح 23565 .

الف تقوا

1303.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :روزه دارِ از شما ، در گلستان های بهشت ، بهره مند می شود . فرشتگان برای او دعا می کنند ، تا آن که افطار کند .1304.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :خداوند متعال ، فرشتگانی دارد که بر مردان و زنان روزه دار ، گماشته شده اند و بال های خویش را بر آنان می کشند و گناهانشان را فرو می ریزند . خداوند متعال ، فرشتگانی دارد که آنان را گماشته تا برای مردان و زنان روزه دار ، استغفار کنند . شمار آنان را کسی جز خدا نمی داند .1 / 7برکات میهمانی خداالف تقواقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است ، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند ، نوشته شده بود . باشد که پروا کنید!» .

حدیث1307.الأدب المُفْرد (به نقل از ابو هُرَیره) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپر است .1308.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری نگه دارنده از آتش است .1309.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپر است و دژی استوار و نگه دارنده از آتش است .

.

1308.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :الصَّومُ جُنَّةٌ ما لَم یَخرِقها . (1)ب ذَهابُ الأشَرِ وَالشَّبَقِ1310.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :عَلَیکُم بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ مَحسَمَهٌ لِلعِرقِ ، مُذهِبٌ لِلأَشَرِ . (2)1311.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) عنه صلی الله علیه و آله :یا مَعشَرَ الشَّبابِ ، عَلَیکُم بِالباهِ ، فَإِن لَم تَستَطیعوهُ فَعَلَیکُم بِالصِّیامِ ؛ فَإِنَّهُ وِجاؤُهُ . (3)1310.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن محمّد بن یحیی رفعه :جاءَ إلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَقالَ : یا رَسولَ اللّهِ ، لَیسَ عِندی طَولٌ فَأنکِحُ النِّساءَ ، فَإِلَیکَ أشکُو العُزوبِیَّةَ !

فَقالَ : «وَفِّر شَعرَ جَسَدِکَ وأدِمِ الصِّیامَ» .

فَفَعَلَ ، فَذَهَبَ ما بِهِ مِنَ الشَّبَقِ . (4)ج تَباعُدُ الشَّیطانِ1312.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام: إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قالَ لِأصحابِهِ : «ألا اُخبِرُکُم بِشَیءٍ إن أنتُم فَعَلتُموهُ تَباعَدَ الشَّیطانُ مِنکُم کَما تَباعَدَ المَشرِقُ مِنَ المَغرِبِ؟»

قالوا : بَلی .

قالَ : «الصَّومُ یُسَوِّدُ وَجهَهُ» . (5)د صِحَّةُ البَدَنِ1312.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :صوموا تَصِحّوا . (6) .

1- .سنن النسائی : ج 4 ص 167 و168 ؛ نثر الدرّ : ج 1 ص 231 .
2- .الزهد لابن المبارک : ص 392 ح 1112 ؛ نثر الدرّ : ج 1 ص 208 .
3- .الکافی : ج 4 ص 180 ح 2 ؛ سنن النسائی : ج 4 ص 169 .
4- .الکافی : ج 5 ص 564 ح 36 .
5- .الکافی : ج 4 ص 62 ح 2 .
6- .الدعوات : ص 76 ح 179 ؛ کنز العمّال : ج 8 ص 450 ح 23605 .

ب کاستن از سرمستی و غریزه جنسی

ج دور شدن شیطان

د تن درستی

1313.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری نگه دارنده است ، تا وقتی که بنده آن را پاره نکند .ب کاستن از سرمستی و غریزه جنسی1315.عنه صلی الله علیه و آله (کانَ إذا سَلَّمَ فِی الوَترِ قالَ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه بگیرید ؛ چرا که نیروی شهوت را می کاهد و سرمستی را می برد .1316.المستدرک علی الصحیحین عن طلحه بن عبیداللّه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای گروه جوانان! ازدواج و آمیزش کنید . اگر نتوانستید ، روزه بگیرید ؛ چرا که نیروی جنسی را می کاهد .1317.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از محمّد بن یحیی :مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : ای پیامبر خدا! ثروت و امکاناتی ندارم که زن بگیرم. از بی همسری ، شکایت نزد تو آورده ام!

فرمود : «موی بدنت را بلند کن و پیوسته روزه بگیر» .

رفت و چنان کرد و نیروی شهوتش کاسته شد .ج دور شدن شیطان1319.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمود : «آیا به شما خبر بدهم ، چیزی را که اگر انجام دهید ، شیطان از شما دور می شود ، آن گونه که مشرق از مغرب دور شده است؟» .

گفتند : آری .

فرمود : «روزه ، شیطان را سیه رو می کند» .د تن درستی1315.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (پس از سلام نماز وَتْر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه بگیرید تا تن درست شوید .

.

1316.المستدرک علی الصحیحین (به نقل از طلحه بن عبید اللّه) عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل أوحی إلی نَبِیٍّ مِن أنبیاءِ بَنی إسرائیلَ أن «أخبِر قَومَکَ أن لَیسَ عَبدٌ یَصومُ یَوماً اِبتِغاءَ وَجهی إلاّ أصحَحتُ جِسمَهُ ، وأعظَمتُ أجرَهُ» . (1)ه المُقاوَمَهُ فِی المَصائِبِالکتاب« یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ اسْتَعِینُواْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَوهِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّبِرِینَ » . (2)

الحدیث1321.عنه صلی الله علیه و آله (فی ذِکرِ أَحوالِ أَهلِ الجَنَّهِ) الإمام الصادق علیه السلام :إذا نَزَلَت [بِ] الرَّجُلِ النّازِلَهُ أَوِ الشِّدَّهُ فَلیَصُم ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل یَقولُ : « وَ اسْتَعِینُواْ بِالصَّبْرِ » (3) یَعنِی الصِّیامَ . (4)و الحِکمَه1321.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در یادکردِ احوال بهشتیان) الإمام علیّ علیه السلام فی حَدیثِ المِعراجِ :إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَیلَهَ المِعراجِ فَقالَ : ... یا رَبِّ ، وما میراثُ الصَّومِ؟

قالَ : «الصَّومُ یورِثُ الحِکمَهَ ، وَالحِکمَهُ تورِثُ المَعرِفَهَ ، وَالمَعرِفَهُ تورِثُ الیَقینَ ؛ فَإِذَا استَیقَنَ العَبدُ لا یُبالی کَیفَ أَصبَحَ ؛ بِعُسرٍ أم بِیُسرٍ» . (5)ز التَّقَرُّبُ إِلَی اللّهِ1323.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) رسول اللّه صلی الله علیه و آله لِاُسامَهَ بنِ زَیدٍ :یا اُسامَهُ ، عَلَیکَ بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ یُقَرِّبُ إِلَی اللّهِ .

إنَّهُ لَیسَ شَیءٌ أحَبَّ إِلَی اللّهِ مِن رِیحِ فَمِ الصّائِمِ تَرَکَ الطَّعامَ وَالشَّرابَ لِلّهِ عز و جل ، فَإِنِ استَطَعتَ أن یَأتِیَکَ المَوتُ وبَطنُکَ جائِعٌ وکَبِدُکَ ظَمآنُ فَافعَل ؛ فَإِنَّکَ تُدرِکُ شَرَفَ المَنازِلِ فِی الآخِرَهِ ، وتَحِلُّ مَعَ النَّبِیِّینَ . (6) .

1- .شعب الإیمان : ج 3 ص 412 ح 3923 ، کنز العمّال : ج 8 ص 447 ح 23587 .
2- .البقره : 153 .
3- .البقره : 45 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 122 ح 125 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 254 ح 30 .
5- .إرشاد القلوب : ص 203 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 27 ح 6 .
6- .تاریخ دمشق : ج 8 ص 76 ؛ التحصین لابن فهد : ص 20 ح 39 نحوه .

ه مقاومت در مصیبت ها

و حکمت

ز تقرّب به خدا

1322.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که : «به قوم خودت خبر بده که هیچ بنده ای به خاطر من روزه نمی گیرد ، مگر آن که تنَش را سالم می سازم و پاداش او را بزرگ می دارم» .ه مقاومت در مصیبت هاقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! از صبر و نماز ، یاری بجویید . یقینا خداوند ، با صابران است» .

حدیث1325.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای فرج) امام صادق علیه السلام :هر گاه مصیبتی بزرگ یا سختی ای بر کسی وارد شد ، روزه بگیرد ؛ چرا که خداوند می فرماید : «از صبر یاری بجویید» ، یعنی از روزه .و حکمت1326.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امام علی علیه السلام در حدیث معراج :پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج پرسید : ... پروردگارا ! رهاورد روزه چیست؟

فرمود : «روزه ، حکمت می آورد و حکمت ، معرفت می آورد و معرفت ، به یقین می رساند . پس هر گاه بنده به یقین رسید ، در این فکر نیست که چگونه صبح کرده است : با تنگ دستی یا توانگری» .ز تقرّب به خدا1327.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به اُسامه بن زید :ای اسامه ! روزه بگیر ؛ چرا که به خدا نزدیک می سازد . هیچ چیزی نزد خدا محبوب تر از بوی دهانِ روزه داری نیست

که به خاطر خدا غذا و نوشیدنی را ترک کرده است .

پس اگر بتوانی زمانی که مرگ ، تو را درمی یابد ، شکمت گرسنه و جگرت تشنه باشد ، چنان کن ، که در آخرت ، شرافت منزلگاه ها را درک می کنی و با پیامبران ، هم خانه می شوی .

.

ح إجابَهُ الدُّعاءِ1329.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ صائِمٍ دَعوَةً . (1)1328.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») عنه صلى الله عليه و آله :الصّائِمُ لا تُرَدُّ دَعوَتُهُ . (2)راجع : ص 176 (ما ينبغى عند الإفطار / الدعاء) .

ط الأَمنُ يَومَ القِيامَهِ1330.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : ... إلهى ، فَما جَزاءُ مَن صامَ فى بَياضِ النَّهارِ يَلتَمِسُ بِذلِکَ رِضاکَ؟

قالَ : «يا موسى ، لَهُ جَنَّتى ، ولَهُ الأَمانُ مِن كُلِّ هَولٍ يَومَ القِيامَهِ ، وَالعِتقُ مِنَ النّارِ» . (3)ى الرّاحَهُ يَومَ الحِسابِ1331.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ تَخرُجُ الصُّوّامُ مِن قُبورِهِم ، يُعرَفونَ بِرِياحِ صِيامِهِم ، أفواهُهُم أطيَبُ مِن ريحِ المِسكِ ، فَيُلقَونَ بِالمَوائِدِ وَالأَباريقِ مُخَتَّمَهً بِالمِسكِ ، فَيُقالُ لَهُم : «كُلوا فَقَد جُعتُم ، وَاشرَبوا فَقَد عَطِشتُم ، ذَرُوا النّاسَ

وَاستَريحوا فَقَد أعيَيتُم إذِ استَراحَ النّاسُ» . فَيَأكُلونَ ويَشرَبونَ ويَستَريحونَ وَالنّاسُ فى عَناءٍ وظَمَا. (4) .

1- .الزهد لابن المبارک : ص 494 ص 1409 ؛ الدعوات: ص 26 ح 44 عن الإمام الكاظم عليه السلام .
2- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 519 ح 10187 ؛ عدّه الداعى : ص 117 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 89 ح 68 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 364 ح 34 .
4- .الدرّ المنثور : ج 1 ص 442 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب ، كنز العمّال : ج 8 ص 457 ح 23644 .

ح اجابت دعا

ط ایمنی در روز قیامت

ی آسودگی در روز حساب

ح اجابت دعا1332.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در وصف خداوند) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر روزه داری ، دعایی [مستجاب] دارد .1333.عنه صلی الله علیه و آله : (أیضا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعای روزه دار ، رد نمی شود .ر . ک : ص 177 (آنچه هنگام افطارْ سزاوار است / دعا) .

ط ایمنی در روز قیامت1334.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام باقر علیه السلام :آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : خدایا! پاداش کسی که به خاطر رضای تو در روز روشن روزه بگیرد ، چیست؟

فرمود : «ای موسی! بهشت من ، برای اوست و برای اوست ایمنی از هر هراسی در روز قیامت و آزادی از آتش دوزخ» .ی آسودگی در روز حساب1335.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در بزرگداشت خدای شکوهمندِ والا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، روزه داران از گورهای خود بیرون می آیند . آنان با بوی روزه داری شان شناخته می شوند . دهان هایشان خوش بوتر از بوی مُشک است ، [فرشتگان] با آنان همراه با سفره ها و تُنگ های مُهرخورده با مُشک ، دیدار می کنند و به آنان گفته می شود : «بخورید ، که گرسنگی کشیدید و بنوشید ، که تشنه شدید . مردم را وا گذارید و به آسایش بپردازید؛ زیرا آن گاه که آنان آسوده بودند ، شما رنج کشیدید» .

پس می خورند و می آشامند و می آسایند ، در حالی که مردم ، در رنج و تشنگی اند .

.

ک الشَّفاعَهُ فِی الآخِرَهِ1337.عنه صلی الله علیه و آله (فی حَدیثِ المِعراجِ وقَد قالَ لَهُ سُبحانَهُ :) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الصِّیامُ وَالقُرآنُ یَشفَعانِ لِلعَبدِ یَومَ القِیامَهِ ؛ یَقولُ الصِّیامُ : أی رَبِّ ، مَنَعتُهُ الطَّعامَ وَالشَّهَواتِ بِالنَّهارِ ؛ فَشَفِّعنی فیهِ ، وَیقولُ القُرآنُ : مَنَعتُهُ النَّومَ بِاللَّیلِ ؛ فَشَفِّعنی فیهِ قالَ : فَیُشَفَّعانِ . (1)ل التَّباعُدُ مِنَ النّارِ1337.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در «حدیث معراج» که خدای سبحان به او فرمود : به) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن صامَ یَوما فی سَبیلِ اللّهِ عز و جل باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ مَسیرَهَ مِئَهِ عامٍ. (2)1338.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) عنه صلی الله علیه و آله :مَن صامَ یَوماً فی سَبیلِ اللّهِ فَریضَهً باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ کَما بَینَ السَّماواتِ وَالأَرَضینَ السَّبعِ ، ومَن صامَ یَوماً تَطَوُّعاً باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ مَسیرَهً کَما بَینَ السَّماءِ . (3)راجع : ص 70 (برکات ضیافه اللّه / التقوی) .

م الفَوزُ بِالجَنَّهِ1339.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن خُتِمَ لَهُ بِصِیامِ یَومٍ دَخَلَ الجَنَّهَ . (4)1340.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :مَن مَنَعَهُ الصِّیامُ مِن طَعامٍ یَشتَهیهِ کانَ حَقّاً عَلَی اللّهِ أن یُطعِمَهُ مِن طَعامِ

الجَنَّهِ ، ویَسقِیَهُ مِن شَرابِها . (5) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 586 ح 6637 ، کنز العمّال : ج 8 ص 444 ح 23575 .
2- .سنن النسائی : ج 4 ص 174 ، کنز العمّال : ج 8 ص 449 ح 23597 .
3- .المعجم الکبیر : ج 17 ص 120 ح 295 ، کنز العمّال : ج 4 ص 341 ح 10800 .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 4 ص 183 ح 5417 ؛ کنز العمّال : ج 8 ص 449 ح 23599 .
5- .الغارات : ج 2 ص 707 ؛ شُعب الإیمان : ج 3 ص 410 ح 3917 نحوه .

ک شفاعت در آخرت

ل دور شدن از آتش

م بهشتی شدن

ک شفاعت در آخرت1341.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی الدُّعاءِ المُسَمّی بِالأَسماءِ الحُسنی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، روزه و قرآن ، از بنده شفاعت می کنند . روزه می گوید : پروردگارا ! من او را از طعام و خواسته های دل در روز ، جلوگیری کردم . پس شفاعتم را درباره او بپذیر .

قرآن هم گوید : من او را از خواب شبانه باز داشتم . پس شفاعتم را درباره او بپذیر .

پس شفاعت هر دو ، پذیرفته می شود .ل دور شدن از آتش1343.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا یک روز را روزه بدارد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه مسافت صد سال ، از او دور می سازد .1344.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا یک روز را روزه واجب بگیرد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه فاصله میان آسمان ها و زمین های هفتگانه از او دور می سازد و هر کس یک روز را روزه مستحب بگیرد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه مسافت بین آسمان [و زمین] از او دور می سازد .ر . ک : ص 71 (برکات میهمانی خدا / تقوا) .

م بهشتی شدن1347.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس عمرش با روزه یک روز به پایان رسد ، وارد بهشت می شود .1341.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای معروف به «اسماءُ الحُسنی») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که روزه گرفتن ، وی را از غذای مورد علاقه اش باز دارد ،

بر خداست که او را از غذای بهشت بخوراند و از نوشیدنیِ بهشت بنوشاند .

1342.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») الإمام الحسن علیه السلام :مَن صامَ عَشَرَةَ أشهُرِ رَمَضانَ مُتَوالِیاتٍ دَخَلَ الجَنَّةَ .

1343(1).پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ ثُمَّ حَدَّثَ نَفسَهُ أن یَصومَ إن عاشَ ، فَإن ماتَ بَینَ ذلِکَ دَخَلَ الجَنَّةَ .

1345(2).پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ یَصومُ شَهرَ رَمَضانَ احتِساباً إلاّ أوجَبَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی لَهُ سَبعَ خِصالٍ : أوَّلُها : یَذوبُ الحَرامُ فی جَسَدِهِ . وَالثّانِیَهُ : یَقرُبُ مِن رَحمَهِ اللّهِ عز و جل . وَالثّالِثَهُ : یَکونُ قَد کَفَّرَ خَطیئَهَ آدَمَ أبیهِ علیه السلام . وَالرّابِعَهُ : یُهَوِّنُ اللّهُ عَلَیهِ سَکَراتِ المَوتِ . وَالخامِسَهُ : أمانٌ مِنَ الجوعِ وَالعَطَشِ یَومَ القِیامَهِ . وَالسّادِسَهُ: یُعطیهِ اللّهُ بَراءَهً مِنَ النّارِ . وَالسّابِعَهُ : یُطعِمُهُ اللّهُ عز و جل مِن طَیِّباتِ الجَنَّهِ.

1346(3).پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن الضحّاک عن الإمام علیّ علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «شَعبانُ شَهری وشَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ ؛ فَمَن صامَ شَهری کُنتُ لَهُ شَفیعا یَومَ القِیامَهِ ، ومَن صامَ شَهرَ اللّهِ عز و جل آنَسَ اللّهُ وَحشَتَهُ فی قَبرِهِ ، ووَصَلَ وَحدَتَهُ ، وخَرَجَ مِن قَبرِهِ مُبیَضّا وَجهُهُ ، وأخَذَ الکِتابَ بِیَمینِهِ وَالخُلدَ بِیَسارِهِ حَتّی یَقِفَ بَینَ یَدَی رَبِّهِ عز و جل ، فَیَقولُ : عَبدی ! فَیَقولُ : لَبَّیکَ سَیِّدی ! فَیَقولُ عز و جل : صُمتَ لی؟ فَیَقولُ : نَعَم یا سَیِّدی ، فَیَقولُ تَبارَکَ وتَعالی : خُذوا بِیَدِ عَبدی حَتّی تَأتوا بِهِ نَبِیِّی ، فَأُوتی بِهِ ، فَأقولُ لَهُ : صُمتَ شَهری؟ فَیَقولُ : نَعَم ، فَأقولُ : أنَا أشفَعُ لَکَ الیَومَ» .

قالَ : «فَیَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالی : أمّا حُقوقی فَقَد تَرَکتُها لِعَبدی ، وأمّا حُقوقُ خَلقی فَمَن عَفا عَنهُ فَعَلَیَّ عِوَضُهُ حَتّی یَرضی» .

قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : «فَآخُذُ بِیَدِهِ حَتّی أنتَهِیَ بِهِ إلَی الصِّراطِ فَأجِدُهُ دَحضا مَزلَقا ، لا یَثبُتُ عَلَیه أقدامُ الخاطِئینَ ، فَآخُذُ بِیَدِهِ فَیَقولُ لی صاحِبُ الصِّراطِ : مَن هذا یا رَسولَ اللّهِ؟ فَأقولُ : هذا فُلانٌ مِن اُمَّتی ، کانَ قَد صامَ بِالدُّنیا شَهرِی ابتِغاءَ شَفاعَتی ، وصامَ شَهرَ رَبِّهِ ابتِغاءَ وَعدِهِ ، فَیَجوزُ الصِّراطَ بِعَفوِ اللّهِ عز و جل حَتّی یَنتَهِیَ إلی بابِ الجَنَّتَینِ ، فَأستَفتِحُ لَهُ ، فَیَقولُ رِضوانُ : لَکَ اُمِرنا أن نَفتَحَ الیَومَ ولِاُمَّتِکَ» .

قالَ ، ثُمَّ قالَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلام : صوموا شَهرَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَکُن لَکُم شَفیعا ، وصوموا شَهرَ اللّهِ تَشرَبوا مِنَ الرَّحیقِ

المَختومِ . (4) .

1- .الخصال : ص 445 ح 42 ، بحار الأنوارِ : ج 96 ص 365 ح 39 .
2- .بحار الأنوار : ج 96 ص 345 ح 9 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 74 ح 1769 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 369 ح 49 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 124 ح 132 و ص 64 ح 46 ، بحارالأنوار : 97 ص 83 ح 54 .

1347.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام حسن علیه السلام :هر کس ده ماه رمضان را پیوسته روزه بگیرد ، وارد بهشت می شود .1348.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (مِن دُعاءٍ عَلَّمَهُ عَلِیّا علیه السلام) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس در دل خود بگوید که اگر زنده بماند ، [باز هم] روزه می گیرد ، چنانچه در این میان بمیرد ، وارد بهشت می شود .ن مجموعه برکت ها1349.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مؤمنی نیست که به خاطر خدا ماه رمضان را روزه بدارد ، مگر آن که خداوند متعال ، هفت ویژگی را برای او حتمی می سازد :

نخست : حرام در بدنش ذوب می شود . دوم : به رحمت الهی نزدیک می گردد . سوم : کفّاره خطای پدرش آدم علیه السلام را ادا می کند . چهارم : خداوند ، دشواری های دمِ جان دادن را بر او آسان می سازد . پنجم : از گرسنگی و تشنگی روز قیامت ، ایمن می گردد . ششم : خداوند به او از آتش امان می دهد . و هفتم : خداوند به او از نعمت های پاکیزه بهشت می خوراند .1349.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از ضحّاک ، از امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «شعبان ، ماه من است و ماه رمضان ، ماه خداست . پس هر که ماه مرا روزه بدارد ، در روز قیامت ، شفیع او خواهم بود . و هر کس ماه خدا را روزه بدارد ، خداوند در گور ، وحشت او را به اُنس ، تبدیل می کند ؛ تنهایی او را [به اُنس خود]پیوند می دهد ؛ و او از گور خویش سفیدرو بیرون می آید و نامه عمل را به دست راستش و جاودانگی [در بهشت]را در دست چپش می گیرد ، تا آن که در پیشگاه پروردگارش می ایستد .

خداوند می فرماید : بنده من !.

می گوید : لبّیک ، سرورم !

می فرماید : برای من ، روزه گرفتی؟ .

می گوید : آری ، سرورم !

خداوند متعال می فرماید : دست بنده ام را بگیرید و نزد پیامبرم ببرید .

او را نزد من می آورند . من به او می گویم : ماه مرا روزه گرفتی؟

می گوید : آری .

پس می گویم : من امروز ، تو را شفاعت می کنم .

پس خدای متعال می فرماید : من از حقوق خودم به خاطر بنده ام گذشتم ؛ امّا درباره حقوق مردم : پس هر که از او درگذرد ، عوض آن بر من است تا آن که راضی شود » . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس ، دست او را می گیرم و وی را به صراط می برم . صراط را لغزنده می یابم ، به گونه ای که پای خطاکاران بر آن استوار نمی ماند . [آن جا نیز]دست او را می گیرم .

مأمور صراط به من می گوید : ای پیامبر خدا ! این کیست؟

می گویم : فلانی است ، از امّت من . در دنیا به خاطر رسیدن به شفاعتم ، ماه مرا روزه گرفته است و به خاطر رسیدن به وعده الهی ، ماه خدا را روزه داشته است .

پس با عفو الهی از صراط می گذرد تا آن که به درِ دو بهشت می رسد .

من می خواهم تا بهشت را برای او بگشایند . رضوان (نگهبان بهشت) می گوید : ما فرمان یافته ایم که بهشت را برای تو و برای امّت تو بگشاییم»

[راوی گوید : سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود :] ماه پیامبر را روزه بگیرید تا شفیع شما باشد و ماه خدا را روزه بگیرید تا از شراب ناب و سر به مُهرِ بهشتی بنوشید .

.

راجع : ص 66 (قيمه الصائم) وص 68 (دعاء الملائكه للصائم) و ص 36 (بركات شهر رمضان) .

1 / 8دَرَجاتُ ضِيافَهِ اللّهِ1350.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ أيسَرَ مَا افتَرَضَ اللّهُ تَعالى عَلَى الصّائِمِ فى صِيامِهِ ، تَركُ الطَّعامِ وَالشَّرابِ . (1)1351.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در تنزيه و بزرگداشت خدا) الإمام علىّ عليه السلام :صَومُ الجَسَدِ الإمساكُ عَنِ الأغذِيَهِ بِإرادَهٍ وَاختِيارٍ ؛ خَوفا مِنَ

العِقابِ ورَغبَهً فِى الثَّوابِ وَالأَجرِ . (2) .

1- .المقنعه : ص 310 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 352 .
2- .غرر الحكم : ح 5888 .

اشاره

ر . ک : ص 67 (ارزش روزه دار) . و ص 69 (دعای فرشتگان برای روزه دار) . و ص 37 (برکات ماه رمضان) .

1 / 8درجات میهمانی خدا1353.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از دعای ایشان در شامگاه) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آسان ترین چیزی که خداوند بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته ، نخوردن و نیاشامیدن است .1354.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :روزه بدن ، پرهیز با اراده و اختیار از غذاهاست ، از روی ترس از

کیفر و با امید به پاداش و اجر الهی .

.

1355.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) عنه عليه السلام :صَومُ النَّفسِ إمساكُ الحَواسِّ الخَمسِ عَن سائِرِ المَآثِمِ ، وخُلُوُّ القَلبِ عَن جَميعِ أسبابِ الشَّرِّ . (1)1355.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») عنه عليه السلام :صَومُ النَّفسِ عَن لَذّاتِ الدُّنيا أنفَعُ الصِّيامِ . (2)1356.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :صِيامُ القَلبِ عَنِ الفِكرِ فِى الآثامِ أفضَلُ مِن صِيامِ البَطنِ عَنِ الطَّعامِ . (3)1357.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :صَومُ القَلبِ خَيرٌ مِن صِيامِ اللِّسانِ، وصِيامُ اللِّسانِ خَيرٌ مِن صِيامِ البَطنِ. (4) .

1- .غرر الحكم : ح 5889 .
2- .غرر الحكم : ح 5874 .
3- .غرر الحكم : ح 5873 .
4- .غرر الحكم : ح 5890 .

1358.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :روزه نفْس ، نگهداری حواس پنجگانه از دیگر گناهان و تهی بودن دل از تمام اسباب بدی است .1359.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :سودمندترین روزه ، نگهداشتن نفْس از لذّت های دنیاست .1360.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :نگه داشتن دل از اندیشیدن درباره گناهان ، برتر از نگه داشتن شکم از غذاست .1361.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام :روزه دل ، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان ، بهتر از روزه شکم . .

ص: 86

..

سخنی درباره مراتب روزه داری

دسته اوّل . روزه عوام

دسته دوم . روزه خواص

سخنی درباره مراتب روزه دارياز روايات گذشته ، همچنين از آنچه در فصل آداب روزه داری خواهد آمد ، روشن می گردد که روزه ، از نظر مراتب و از زاويه نقشی که در تکامل انسان دارد ، به سه دسته تقسيم می شود و از همين روست که علمای اخلاق و سير و سلوک ، روزه را به : روزه عوام ، روزه خواص و روزه خواصّ خواص ، تقسيم کرده اند . و اينک ، توضيح فشرده ای از آنها :

دسته اوّل . روزه عوامين مرتبه از روزه ، با پرهيز از مفطِرات روزه صورت می پذيرد ، با شرحی که در کتاب های فقهی آمده است . اين مرتبه از روزه ، آسان ترين و پايين ترين مرتبه روزه است . آنچه از پيامبر صلی الله عليه و آله روايت شده که :

1360.پيامبر خدا صلی الله عليه و آله :إنَّ أيسَرَ مَا افتَرَضَ اللّهُ تَعالی عَلَی الصّائِمِ فی صِيامِه ، تَرکُ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ؛1361.پيامبر خدا صلی الله عليه و آله :آسان ترين چيزی که خدای متعال بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته است ، نخوردن و نياشاميدن است .به اين مرتبه از روزه داری اشاره دارد .

دسته دوم . روزه خواصدر اين مرتبه از روزه ، روزه دار ، تنها به پرهيز از مفطرات روزه ، بسنده نمی کند ؛ بلکه از همه حرام های الهی پرهيز می نمايد . از اين رو ، اجتناب از مفطرات ، شرط درستیِ روزه است و اجتناب از حرام ها ، شرط قبولی آن . بر اين اساس ، همه احاديثی که با عنوان «مهم ترين آداب روزه داری» خواهند آمد ، به اين مرتبه از روزه داری اشاره دارند .

.

دسته سوم . روزه خواصّ خواص

دسته سوم . روزه خواصّ خواصاین مرتبه از روزه ، با باز داشتن قلب و نگهداری آن از هر چیزی که اشغال کننده دل (چه حلال و چه حرام) است بجز خدا ، به دست می آید . ابو حامد غزالی (م 505 ق) در توصیف این مرتبه از روزه می گوید : امّا روزه خواصّ خواص ، روزه دل از همّت های دون و اندیشه های دنیوی و باز داشتن کلّی آن از غیر خداوند است . شکستن این مرتبه از روزه ، با اندیشه درباره غیر خدا و قیامت ، و فکر درباره دنیا تحقّق می یابد مگر دنیایی که به خاطر دین خواسته شود ، که چنین دنیایی ، توشه آخرت است و دنیا نیست تا آن جا که اهل دل گفته اند : «هر کس در روزش به تدبیر آنچه با آن افطار می کند ، اهتمام ورزد ، گناه بر او نوشته می شود ؛ چرا که این ، از کم اطمینانی به فضل خدا و یقین اندک به روزیِ موعود خویش است» . این مرتبه ، رتبه پیامبران ، صدّیقان و مقرّبان است . در تفصیل قولی آن ، نباید درنگ طولانی داشت ؛ ولی در تحقّق عملی آن ، تأمّلْ به جاست ؛ چرا که آن ، رویکرد به خداوند و روی گردانی از غیر خدا با همه همّت است و آراسته شدن به این سخن خداست که : « قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ ؛ بگو : «خدا» ! سپس وا گذارشان تا در باطل خویش به بازیچه مشغول باشند» .

.

1364.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امیر مؤمنان ، امام علی علیه السلام ، در اشاره به این سه مرتبه می فرماید :صَومُ القَلبِ خَیرٌ مِن صِیامِ اللِّسانِ وَ صِیامُ اللِّسانِ خَیرٌ مِن صِیامِ البَطنِ ؛ 1365.رسول اللّه صلی اللَه علیه و آله :روزه دل ، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان ، بهتر از روزه شکم .هر یک از این دو مرتبه اخیر ، به نسبت تلاش روزه داران و آمادگی آنان ، مراتب بسیاری دارد ، علاوه بر این که خودِ روزه هم از زاویه انگیزه های روزه دار ، گوناگون است . نقطه اوج این مراتب ، حال روزه داری است که انگیزه روزه داری اش ، نه بیم از کیفر و نه شوق به ثواب ؛ بلکه تنها به خاطر فرمان بُرداری از فرمان الهی ، علاقه مندی به تقرّب به خدای سبحان و کسب رضا و لقای اوست . از خداوند سبحان می خواهیم که توفیقمان دهد تا در راه آنچه موجب افزایش بهره ما از ضیافت کریمانه رمضان می شود ، بکوشیم و بالاترین و والاترینِ مراتب روزه داری را به ما عنایت فرماید .

.

الفصل الثانى : تأهيل النّاس لضيافه اللّه2 / 1خطاباتُ النَّبِىِّ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ1367.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَطَبَنا ذاتَ يَومٍ فَقالَ :

«أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيكُم شَهرُ اللّهِ بِالبَرَكَهِ وَالرَّحمَهِ وَالمَغفِرَهِ، شَهرٌ هُوَ عِندَ اللّهِ أفضَلُ الشُّهورِ ، وَأيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ .

هُوَ شَهرٌ دُعيتُم فيهِ إلى ضِيافَهِ اللّهِ ، وجُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَهِ اللّهِ ، أنفاسُكُم فيهِ تَسبيحٌ ، ونَومُكُم فيهِ عِبادَهٌ ، وعَمَلُكُم فيهِ مَقبولٌ ، ودُعاؤُكُم فيهِ مُستَجابٌ .

فَاسأَلُوا اللّهَ رَبَّكُم بِنِيّاتٍ صادِقَهٍ وقُلوبٍ طاهِرَهٍ أن يُوَفِّقَكُم لِصِيامِهِ وتِلاوَهِ كِتابِهِ ؛ فَإنَّ الشَّقِىَّ مَن حُرِمَ غُفرانَ اللّهِ فى هذَا الشَّهرِ العَظيمِ .

وَاذكُروا بِجوعِكُم وعَطَشِكُم فيهِ جوعَ يَومِ القِيامَهِ وعَطَشَهُ ، وتَصَدَّقوا عَلى فُقَرائِكُم ومَساكينِكُم ، ووَقِّروا كِبارَكُم ، وَارحَموا صِغارَكُم ، وصِلوا أرحامَكُم ، وَاحفَظوا ألسِنَتَكُم ، وغُضّوا عَمّا لا يَحِلُّ النَّظَرُ إلَيهِ أبصارَكُم ، وعَمّا لا يَحِلُّ الاِستِماعُ إلَيهِ أسماعَكُم ، وتَحَنَّنوا عَلى أيتامِ النّاسِ يُتَحَنَّن عَلى أيتامِكُم ،

وتوبوا إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِكُم ، وَارفَعوا إلَيهِ أيدِيَكُم بِالدُّعاءِ فى أوقاتِ صَلَواتِكُم ؛ فَإنَّها أفضَلُ السّاعاتِ ، يَنظُرُ اللّهُ عز و جل فيها بِالرَّحمَهِ إلى عِبادِهِ ، يُجيبُهُم إذا ناجَوهُ ، ويُلَبّيهِم إذا نادَوهُ ويَستَجيبُ لَهُم إذا دَعَوهُ .

يا أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ أنفُسَكُم مَرهونَهٌ بِأَعمالِكُم فَفُكّوها بِاستِغفارِكُم ، وظُهورَكُم ثَقيلَهٌ مِن أوزارِكُم فَخَفِّفوا عَنها بِطولِ سُجودِكُم ، وَاعلَموا أنَّ اللّهَ تَعالى ذِكرُهُ أقسَمَ بِعِزَّتِهِ ألاّ يُعَذِّبَ المُصَلّينَ وَالسّاجِدينَ ، ولا يُرَوِّعَهُم بِالنّارِ يَومَ يَقومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمينَ .

أيُّهَا النّاسُ ، مَن فَطَّرَ مِنكُم صائِما مُؤمِنا فى هذَا الشَّهرِ كانَ لَهُ بِذلِکَ عِندَ اللّهِ عِتقُ نَسَمَهٍ ومَغفِرَهٌ لِما مَضى مِن ذُنوبِهِ» .

فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ولَيسَ كُلُّنا يَقدِرُ عَلى ذلِکَ !

فَقالَ صلى الله عليه و آله : «اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشِقِّ تَمرَةٍ ، اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ .

أيُّهَا النّاسُ ، مَن حَسَّنَ مِنكُم فى هذَا الشَّهرِ خُلُقَهُ كانَ لَهُ جَوازا عَلَى الصِّراطِ يَومَ تَزِلُّ فيهِ الأقدامُ ، ومَن خَفَّفَ فى هذَا الشَّهرِ عَمّا مَلَكَت يَمينُهُ خَفَّفَ اللّهُ عَنهُ حِسابَهُ ، ومَن كَفَّ فيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللّهُ فيهِ غَضَبَهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن أكرَمَ فيهِ يَتيما أكرَمَهُ اللّهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن وَصَلَ فيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللّهُ بِرَحمَتِهِ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن قَطَعَ رَحِمَهُ قَطَعَ اللّهُ عَنهُ رَحمَتَهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن تَطَوَّعَ فيهِ بِصَلاةٍ كُتِبَ لَهُ بَراءَةٌ مِنَ النّارِ ، ومَن أدّى فيهِ فَرضا كانَ لَهُ ثَوابُ مَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ ، ومَن أكثَرَ فيهِ مِنَ الصَّلاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللّهُ ميزانَهُ يَومَ تَخِفُّ المَوازينُ ، ومَن تَلا فيهِ آيَةً مِنَ القُرآنِ كانَ لَهُ مِثلُ أجرِ مَن خَتَمَ القُرآنَ فى غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ .

أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ أبوابَ الجِنانِ فى هذَا الشَّهرِ مُفَتَّحَةٌ ، فَاسأَلوا رَبَّكُم ألاّ يُغلِقَها عَلَيكُم ، وأبوابَ النّيرانِ مُغَلَّقَةٌ فَاسأَلوا رَبَّكُم ألاّ يَفتَحَها عَلَيكُم ، وَالشَّياطينَ مَغلولَةٌ فَاسألوا رَبَّكُم ألاّ يُسَلِّطَها عَلَيكُم» .

قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : فَقُمتُ فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأعمالِ فى هذا الشَّهرِ؟

فَقالَ : «يا أبَا الحَسَنِ ، أفضَلُ الأَعمالِ فى هذَا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ عز و جل » .

ثُمَّ بَكى ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما يُبكيكَ؟

فَقالَ : «يا عَلِيُّ ، أبكى لِما يُستَحَلُّ مِنكَ فى هذَا الشَّهرِ ، كَأَنّى بِكَ وأنتَ تُصَلّى لِرَبِّكَ ، وقَدِ انبَعَثَ أشقَى الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ ، شَقيقُ عاقِرِ ناقَةِ ثَمودَ ، فَضَرَبَكَ ضَربَةً عَلى فَرقِكَ (قَرنِكَ) فَخَضَّبَ مِنها لِحيَتَكَ» .

قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ وذلِكَ فى سَلامَةٍ مِن دينى؟

فَقالَ : «فى سَلامَةٍ مِن دينِكَ» .

ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله : «يا عَلِيُّ ، مَنِ قَتَلَكَ فَقَد قَتَلَنى ، ومَن أبغَضَكَ فَقَد أبغَضَنى ، ومَن سَبَّكَ فَقَد سَبَّنى ؛ لِأَنَّكَ مِنّى كَنَفسى ، وَروحُكَ مِن روحى ، وَطينَتُكَ مِن طينَتى . إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وَتَعالى خَلَقَنى وإيّاكَ ،

وَاصطَفانی وَإیّاکَ ، وَاختارَنی لِلنَّبُوَّهِ وَاختارَکَ لِلإِمامَهِ ، وَمَن أنکَرَ إمامَتَکَ فَقَد أنکَرَنی نُبُوَّتی .

یا عَلِیُّ ، أنتَ وَصِیّی ، وأبو وُلدی ، وزَوجُ ابنَتی ، وخَلیفَتی عَلی اُمَّتی فی حَیاتی وبَعدَ مَوتی ، أمرُکَ أمری ونَهیُکَ نَهیی . اُقسِمُ بِالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّهِ وجَعَلَنی خَیرَ البَرِیَّهِ ، إنَّکَ لَحُجَّهُ اللّهِ عَلی خَلقِهِ ، وأمینُهُ عَلی سِرِّهِ ، وَخَلیفَتُهُ عَلی عِبادِهِ» . (1) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 77 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 356 ح 25 .

2 / 1 خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان

فصل دوم : آمادگی برای میهمانی خدا2 / 1خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان1370.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام : روزی ، پیامبر خدا برای ما خطبه خواند و فرمود :

«ای مردم ! همانا ماه خدا ، همراه با برکت و رحمت و آمرزش ، به شما روی آورده است ؛ ماهی که نزد خدا برترینِ ماه هاست و روزهایش برترینِ روزها ، شب هایش برترینِ شب ها و ساعاتش برترینِ ساعات است .

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید و از شایستگانِ کرامت الهی قرار داده شده اید . نَفَس هایتان در آن ، تسبیح است ، خوابتان در آن ، عبادت ، عملتان در آن ، پذیرفته و دعایتان در آن ، مورد اجابت است .

پس با نیّت های راست و دل های پاک ، از پروردگارتان بخواهید تا برای روزه داریِ آن و تلاوت کتاب خویش ، توفیقتان دهد ؛ چرا که بدبخت ، کسی است که در این ماه بزرگ ، از آمرزش الهی محروم بماند .

با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه ، گرسنگی و تشنگیِ روز قیامت را یاد کنید ؛ به نیازمندان و بینوایانتان صدقه بدهید ؛ به بزرگان خود احترام ، و بر کوچک هایتان ترحّم ، و به بستگانتان نیکی کنید ؛ زبانتان را نگه دارید ؛ چشم هایتان را از آنچه نگاه به آن حلال نیست ، بپوشانید ؛ گوش هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست ، فرو بندید ؛ به یتیمان مردم ، محبّت کنید تا بر

یتیمان شما محبّت ورزند ؛ از گناهانتان به پیشگاه خداوند توبه کنید ؛ در هنگام نمازها ، دستانتان را بر آستان او به دعا بلند کنید ، که آن هنگام (وقت نماز) ، برترینِ ساعت هاست و خداوند با نظر رحمت به بندگانش

می نگرد و هر گاه با او مناجات کنند ، پاسخشان می دهد و چون او را صدا بزنند ، جوابشان می گوید و چون او را بخوانند ، اجابتشان می کند .

ای مردم ! جان های شما در گرو کارهای شماست ، پس با آمرزش خواهی خود ، آنها را آزاد سازید ؛ و پشت های شما از بار گناهانتان سنگین است ، پس با طول دادن سجده های خود ، آنها را سبک کنید ، و بدانید که خداوند که یادش والاست به عزّت خود ، سوگند خورده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نمی کند و در روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان [برای حساب]می ایستند ، آنان را با آتش ، هراسان نمی سازد .

ای مردم ! هر که از شما در این ماه ، روزه داری را افطار دهد ، پاداش او برای آن ، نزد خدا ، آزاد کردن یک برده و آمرزش گناهان گذشته اوست» .

پس گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما تواناییِ این کار را نداریم !

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خود را از آتش نگه دارید ، هر چند با یک دانه خرما ؛ مخود را از آتش نگه دارید ، هر چند با یک جرعه آب .

ای مردم ! هر کس اخلاقش را در این ماه ، نیکو سازد ، برای او وسیله عبور از صراط خواهد بود ، در آن روز که گام ها بر صراط می لغزد ؛ و هر کس در این ماه بر بردگان خود آسان بگیرد ، خداوند حساب او را سبک خواهد گرفت ؛ و هر کس در این ماه ، شرّ خود را [از دیگران] باز دارد ، خداوند در روز دیدارش ، غضب خویش را از او باز خواهد داشت ؛ و هر که در این ماه ، یتیمی را گرامی بدارد ، در روز دیدار ، خداوند ، گرامی اش خواهد داشت ؛ و هر که در آن به خویشاوند خود نیکی کند ، در روز دیدار ، خداوند با رحمتش به او نیکی خواهد کرد ؛ و هر کس در آن از خویشان خود ببُرد ، خداوند در روز دیدار ، رحمتش را از او قطع خواهد نمود ؛ و هر کس در آن ، نماز مستحبّی بخواند ، برای او دوری از آتش ، نوشته می شود ؛ و هر کس واجبی را در آن ادا کند ، پاداش کسی را دارد که هفتاد واجب را در ماه های دیگر ، ادا کرده است ؛ و هر کس در آن بر من زیاد صلوات بفرستد ، خداوند در روزی که وزنه اعمال ، سبک می شود ، وزنه اعمال او را بیفزاید ؛ و هر کس در آن ، آیه ای از قرآن تلاوت کند ، پاداش کسی را دارد که در ماه های دیگر ، ختم قرآن کرده است .

ای مردم ! در این ماه ، درهای بهشت ، بازند . پس ، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نبندد ؛ و درهای دوزخ ، بسته اند . پس ، از

پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نگشاید ؛ و شیطان ها در بندند . پس ، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما مسلّط نسازد» .

من برخاستم و گفتم : ای پیامبر خدا ! برترینِ کارها در این ماه چیست؟

فرمود : «ای ابو الحسن ! برترینِ کارها در این ماه ، پرهیز از حرام های الهی است» . سپس گریست .

گفتم : ای پیامبر خدا ! سبب گریه شما چیست؟

فرمود : «ای علی ! بر این می گریم که حرمت تو را در این ماه می شکنند . گویا می بینم تو در حال نماز برای پروردگار خویشی ، که نگون بخت ترینِ اوّلین و آخرین ، همو که برادر پی کننده ناقه قوم ثمود است ، برمی خیزد و بر فرق سرت ضربتی می زند و محاسنت ، از خون سرت ، رنگین می شود» .

گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا در آن حالت ، دینم سالم است؟

فرمود : «دینت ، سالم است» .

سپس فرمود : «ای علی ! هر کس تو را بکشد ، مرا کشته است و هر کس تو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و هر کس تو را ناسزا گوید ، مرا ناسزا گفته است ؛ چرا که تو از من هستی ، همچون جان من . روح تو ، از روح من است و سرشت تو ، از سرشت من . خدای متعال ، من و تو را آفرید و من و تو را برگزید و مرا برای پیامبری ، و تو را برای امامت ، انتخاب کرد . هر کس امامت تو را انکار کند ، نبوّت مرا انکار کرده است .

ای علی ! تو وصیّ من ، پدر فرزندان من ، همسر دختر من و جانشین من بر امّتم هستی ، در حال حیاتم و پس از مرگم . فرمان تو ، فرمان من است و نهی تو ، نهی من است . سوگند به خدایی که مرا به نبوّت برانگیخت و مرا بهترینِ آفریدگان قرار داد ، تو حجّت پروردگار بر خلق اویی و امین او بر رازش و

جانشین او بر بندگانش» .

.

ص: 92

. .

ص: 93

. .

ص: 94

..

ص: 95

. .

1369.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از دعای ایشان در روز احزاب) الإمام الباقر علیه السلام :خَطَبَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله النّاسَ فی آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَعبانَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنی عَلَیهِ ، ثُمَّ قالَ :

«أیُّهَا النّاسُ ، قَد أظَلَّکُم شَهرٌ فیهِ لَیلَهٌ خَیرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، وهُوَ شَهرُ رَمَضانَ ؛ فَرَضَ اللّهُ عز و جل صِیامَهُ ، وجَعَلَ قِیامَ لَیلِهِ نافِلَهً ، فَمَن تَطَوَّعَ بِصَلاهِ لَیلَهٍ فیهِ کانَ کَمَن تَطَوَّعَ بِسَبعینَ لَیلَهً فیما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ ، وجَعَلَ لِمَن تَطَوَّعَ فیهِ بِخَصلَهٍ مِن خِصالِ الخَیرِ وَالبِرِّ کَأجرِ مَن أدّی فَریضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالی ، ومَن أدّی فیهِ فَریضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالی کانَ کَمَن أدّی سَبعینَ فَریضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالی فیما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ .

وهُوَ شَهرُ الصَّبرِ ، وإنَّ الصَّبرَ ثَوابُهُ الجَنَّهُ ، وهُوَ شَهرُ المُواساهِ ، وهُوَ شَهرٌ یَزیدُ اللّهُ فی رِزقِ المُؤمِنِ فیهِ ، ومَن فَطَّرَ فیهِ مُؤمِنا صائِما کانَ لَهُ عِندَ اللّهِ بِذلِکَ عِتقُ رَقَبَهٍ ومَغفِرَهٌ لِذُنوبِهِ فیما مَضَی» .

فَقیلَ : یا رَسولَ اللّهِ ، لَیسَ کُلُّنا یَقدِرُ عَلی أن یُفَطِّرَ صائِما !

فَقالَ : «إنَّ اللّهَ کَریمٌ یُعطی هذَا الثَّوابَ لِمَن لا یَقدِرُ إلاّ عَلی مَذقَهٍ مِن لَبَنٍ یُفَطِّرُ بِها صائِما ، أو شَربَهِ ماءٍ عَذبٍ ، أو تَمَراتٍ ، لا یَقدِرُ عَلی أکثَرَ مِن ذلِکَ .

ومَن خَفَّفَ فیهِ عَن مَملوکِهِ خَفَّفَ اللّهُ عَنهُ حِسابَهُ .

وهُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَهٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَهٌ ، وآخِرُهُ الإجابَهُ وَالعِتقُ مِنَ النّارِ .

ولا غِنی بِکُم عَن أربَعِ خِصالٍ : خَصلَتانِ تُرضونَ اللّهَ عز و جل بِهِما ، وخَصلَتانِ لاغِنی بِکُم عَنهُما ، فَأمَّا اللَّتانِ تُرضونَ اللّهَ عز و جل بِهِما : فَشَهادَهُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ،

وأنَّنی رَسولُ اللّهِ .

وأمَّا اللَّتانِ لا غِنی بِکُم عَنهُما : فَتَسأَلونَ اللّهَ فیهِ حَوائِجَکُم وَالجَنَّهَ ، وتَسأَلونَ اللّهَ العافِیَهَ ، وتَعوذونَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ» . (1) .

1- .المقنعه : ص 306 ، الكافى : ج 4 ص 66 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 359 ح 26 .

1370.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا در آخرین جمعه شعبان ، خطبه خواند . خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود :

«ای مردم ! ماهی بر شما سایه افکنده که در آن ، شبی است بهتر از هزار ماه ، و آن ، ماه رمضان است . خداوند ، روزه اش را واجب ساخته و نماز در شبش را مستحب قرار داده است . پس هر کس یک شب در آن ، نماز مستحب بخواند ، گویا هفتاد شب نماز مستحب در ماه های دیگر خوانده است . و برای کسی که در آن ، کار نیک مستحبّی از کارهای نیک انجام دهد ، پاداشی همچون پاداش کسی قرار داده که واجبی از واجبات الهی را انجام داده است ، و هر کس در آن ، واجبی از واجبات خداوند را ادا کند ، همچون کسی خواهد بود که در ماه های دیگر ، هفتاد واجب از واجبات الهی را انجام داده است .

این ماه ، ماه صبر است و پاداش صبر ، بهشت است . این ماه ، ماه مواسات (همدردی با دیگران در نیازها) است و ماهی است که در آن ، خداوند ، روزیِ مؤمن را می افزاید . هر کس مؤمن روزه داری را در آن افطار دهد ، نزد خداوند ، پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته اش را دارد» .

گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما توان افطار دادن به روزه دار را نداریم .

فرمود : «خداوند ، کریم است ؛ این ثواب را به کسی نیز می دهد که برای افطار دادن ، جز بر جرعه ای شیر یا جرعه ای آب و یا چند خرما قدرت ندارد و بیش از این را نمی تواند .

هر کس در این ماه بر برده خویش سبک بگیرد ، خداوند هم حسابش را سبک می گیرد .

ماه رمضان ، ماهی است که آغازش رحمت ، میانش آمرزش ، و پایانش اجابت و آزادی از آتش دوزخ است .

شما از چهار خصلت ، بی نیاز نیستید : دو خصلت که خدا را با آنها راضی می کنید ، و دو خصلت که از آن دو ، بی نیاز نیستید . امّا آن دو خصلتی که

خدا را با آنها راضی می کنید ، شهادت به این است که : معبودی جز خداوند نیست و

من فرستاده خدایم . و امّا دو خصلتی که از آن بی نیاز نیستید ، از خداوند ، نیازهایتان و بهشت را بطلبید و از خداوند ، عافیت بخواهید و از آتش به خداوند پناه ببرید» . .

1371.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :دعائم الإسلام :عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أنَّهُ خَطَبَ النّاسَ آخِرَ يَومٍ مِن شَعبانَ ، فَقالَ :

«أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد أظَلَّكُم شَهرٌ عَظيمٌ ، شَهرٌ مُبارَكٌ ، شَهرٌ فيهِ لَيلَةٌ العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ . مَن تَقَرَّبَ فيهِ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ كانَ كَمَن أدّى فَريضَةً فيما سِواهُ ، ومَن أدّى فيهِ فَريضَةً كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً فيما سِواهُ . وهُوَ شَهرُ الصَّبرِ ؛ وَالصَّبرُ ثَوابُهُ الجَنَّةُ ، وشَهرُ المُواساهِ ، شَهرٌ يُزادُ فيهِ فى رِزقِ المُؤمِنِ ؛ مَن فَطَّرَ فيهِ صائِما كانَ لَهُ مَغفِرَةٌ لِذُنوبِهِ وعِتقُ رَقَبَتِهِ مِنَ النّارِ ، وكانَ لَهُ مِثلُ أجرِهِ مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِن أجرِهِ شَى ءٌ» .

فَقالَ بَعضُ القَومِ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَيسَ كُلُّنا يَجِدُ ما يُفَطِّرُ الصّائِمَ !

فَقالَ صلى الله عليه و آله : «يُعطِى اللّهُ هذَا الثَّوابَ مَن فَطَّرَ صائِما عَلى مَذقَةِ لَبَنٍ أوتَمرَةٍ أو شَربَةِ ماءٍ ، ومَن أشبَعَ صائِما سَقاهُ اللّهُ مِن حَوضى شَربَةً لا يَظمَأُ بَعدَها . وهُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَةٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَةٌ ، وآخِرُهُ عِتقٌ مِنَ النّارِ ؛ مَن خَفَّفَ عَن مَملوكِهِ فيهِ غَفَرَ اللّهُ لَهُ وأعتَقَهُ مِنَ النّارِ . وَاستَكثِروا فيهِ مِن أربَعِ خِصالٍ ؛ خَصلَتانِ تُرضونَ بِهِما رَبَّكُم ، وخَصلَتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما ، فَأمَّا الخَصلَتانِ اللَّتانِ تُرضونَ بِهِما رَبَّكُم : فَشَهادَةُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وتَستَغفِرونَهُ ، وأمَّا اللَّتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما : فَتَسأَلونَ اللّهَ الجَنَّةَ ، وتَعوذونَ بِهِ مِنَ النّارِ» . (1) .

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 268 ؛ صحيح ابن خزيمه : ج 3 ص 191 ح 1887 .

1371.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام :در آخرین روز شعبان ، پیامبر خدا برای مردم خطبه خواند و فرمود :

«ای مردم ! ماهی بزرگ بر شما سایه افکنده است ، ماهی مبارک ، ماهی که در آن ، شبی است که عمل در آن ، بهتر از عمل در هزار ماه است . هر کس با کار نیکی از نیکی ها در آن به خداوند تقرّب جوید ، گویا واجبی را در ماه های دیگر ادا کرده است ، و هر کس واجبی را در آن انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب را در ماه های دیگر انجام داده است .

و آن ، ماه صبر است و پاداش صبر ، بهشت است . ماه مواسات(همدردی) است و ماهی است که روزیِ مؤمن در آن افزوده می شود . هر کس روزه داری را در آن افطار دهد ، پاداشش آمرزش گناهانش و آزادی اش از آتش است و برای او به اندازه آن [روزه دار] ، پاداش است ، بی آن که از اجر او چیزی کاسته شود» .

برخی گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما آن اندازه چیزی نداریم که روزه داری را افطار دهیم .

فرمود : «خداوند ، این پاداش را به کسی می دهد که روزه داری را به اندازه جرعه ای شیر یا دانه ای خرما و یا جرعه ای آب ، افطار دهد . و هر کس روزه داری را سیر کند ، خداوند ، او را از حوض من چنان سیراب می کند که پس از آن هرگز تشنه نمی گردد .

این ، ماهی است که آغازش رحمت ، میانش آمرزش و پایانش آزادی از آتش است . هر که در این ماه بر برده خود آسان بگیرد ، خداوند ، او را می آمرزد و از آتش ، آزادش می کند . در این ماه ، چهار کار را زیاد انجام دهید ، که با دو کار ، پروردگارتان را راضی می کنید و از دو کار هم بی نیاز نیستید . امّا دو کاری که پروردگارتان را با آنها راضی می کنید ، شهادت به یکتایی خداوند و آمرزش خواهی از اوست . و امّا آن دو که از آنها بی نیاز نیستید ، از خداوند ، بهشت بخواهید و از آتش به او پناه ببرید» . .

1372.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وذلِكَ فى ثَلاثٍ بَقينَ مِن شَعبانَ ، قالَ لِبِلالٍ : «نادِ فِى النّاسِ» ، فَجَمَعَ النّاسَ ، ثُمَّ صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ :

«أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذَا الشَّهرَ قَد خَصَّكُمُ اللّهُ بِهِ وحَضَرَكُم ، وهُوَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، لَيلَهُ فيهِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، تُغَلَّقُ فيهِ أبوابُ النّارِ وتُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ الجِنانِ ؛ فَمَن أدرَكَهُ ولَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ ، ومَن أدرَكَ والِدَيهِ ولَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ ، ومَن ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ فَلَم يَغفِرِ اللّهُ لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ» . (1)1373.عنه صلى الله عليه و آله (أيضا) الإمام علىّ عليه السلام :لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ قامَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، كَفاكُمُ اللّهُ عَدُوَّكُم مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وقالَ : «ادْعُونِى أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (2) ووَعَدَكُمُ الإِجابَةَ ، ألا وأبوابُ السَّماءِ مُفَتَّحَةٌ مِن أوَّلِ لَيلَةٍ مِنهُ ، ألا وَالدُّعاءُ فيهِ مَقبولٌ . (3)1374.عنه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ بَينَ شَعبانَ وشَوّالٍ شَهرَ رَمَضانَ الَّذى أُنزِلَ فيهِ القُرآنُ ، وهُوَ شَهرُ اللّهِ تَعالى ذِكرُهُ ، وهُوَ شَهرُ البَرَكَةِ ، وهُوَ شَهرُ المَغفِرَةِ ، وهُوَ شَهرُ الرَّحمَةِ ، وهُوَ شَهرُ التَّوبَةِ ، وهُوَ شَهرُ الإِنابَةِ ، وهُوَ شَهرُ قِراءَةِ القُرآنِ ، وهُوَ شَهرُ الاِستِغفارِ ، وهُوَ شَهرُ الصِّيامِ ، وهُوَ شَهرُ الدُّعاءِ ، وهُوَ شَهرُ العِبادَةِ ، وهَوُ شَهرُ الطّاعَةِ ، وهُوَ شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّةِ . مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ لَم يُغفَر لَهُ إلى قابِلٍ ، فَأَيُّكُم مُتَّثِقٌ (يَثِقُ) بِبُلوغِ شَهرِ رَمَضانَ قابِلٍ؟! صوموهُ صِيامَ مَن يَرى أنَّهُ لا يَصومُ بَعدَهُ أبَدا ؛ فَكَم مِن صائِمٍ لَهُ عاما أوَّلَ أمسى عامَكُم هذا فِى القَبرِ مَدفونا ، وأصبَحَ فِى التُّرابِ وَحيداً فَريدا ! يُنَبِّهُكُمُ اللّهُ مِن

رَقدَةِ الغافِلينَ ، وغَفَرَ لَنا ولَكُم يَومَ الدّينِ . (4) .

1- .الكافى : ج 4 ص 67 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 363 ح 31 .
2- .غافر : 60 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 98 ح 1837 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 372 ح 56 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 117 ح 112 .

1372.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امام باقر علیه السلام :چون ماه رمضان در حال فرا رسیدن بود و سه روز از شعبان مانده بود ، پیامبر خدا به بلال فرمود : «مردم را خبر کن» .

مردم گرد آمدند . [پیامبر صلی الله علیه و آله] بر منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت . سپس فرمود :

«ای مردم! خداوند ، شما را به این ماه ، ویژه ساخته است و اینک فرا می رسد . آن ، سرور ماه هاست [و]در آن ، شبی بهتر از هزار ماه است . درهای آتش در آن بسته می شوند و درهای بهشت در آن گشوده می گردند . پس دور باد از رحمت حق ، کسی که این ماه را دریابد و آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق ، کسی که پدر و مادرش را دریابد و [با نیکی به آنان] آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق ، کسی که مرا نزد او یاد کنند و او بر من درود نفرستد! خدا او را نیامرزد!» .1373.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امام علی علیه السلام:چون ماه رمضان رسید ، پیامبر خدا ایستاد ، خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: «ای مردم! خداوند شرّ دشمنان شما را (اعم از جن و انس) برطرف کرد و فرمود: «مرا بخوانید ، تا اجابت کنم شما را» و به شما وعده اجابت داد. آگاه باشید که درهای آسمان از اوّلین شبِ این ماه ، گشوده اند و دعا در آن پذیرفته است».1374.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان ماه شعبان و شوّال ، ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده است و آن ، ماه خدای متعال است ، ماه برکت ، ماه آمرزش ، ماه رحمت ، ماه توبه و ماه بازگشت به سوی خدا ، ماه قرائت قرآن ، ماه استغفار ، ماه روزه داری ، ماه دعا ، ماه عبادت ، ماه طاعت و ماه آزاد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت .

هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود ، تا سال آینده آمرزیده نخواهد شد . پس ، کدامتان اطمینان دارید که به ماه رمضان آینده برسید؟

آن را روزه بدارید ، روزه داشتن کسی که می اندیشد پس از آن ، دیگر آن ماه را روزه نخواهد داشت . چه بسا روزه داری که آن را سال نخست ، روزه گرفته ؛ امّا امسال در گور آرمیده است و در خاک ، یکه و تنها مانده است . خداوند ، شما

را از خواب غفلت بیدار کند و ما و شما را در روز جزا بیامرزد ! .

2 / 2خِطاباتُ أميرِ المُؤمِنينَ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ1377.عنه صلى الله عليه و آله (فيما عَلَّمَهُ جَبرَئيلُ عليه السلام مِنَ الدُّ) الإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا جاءَ شَهرُ رَمَضانَ خَطَبَ النّاسَ قائِلاً :إنَّ هذَا الشَّهرَ المُبارَکَ الَّذِى افتَرَضَ اللّهُ صِيامَهُ ولَم يَفتَرِض قِيامَهُ قَد أتاكُم . ألا إنَّ الصَّومَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَحدَهُما ، ولكِن مِنَ اللَّغوِ وَالكَذِبِ وَالباطِلِ .
(1)1378.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام فى أوَّلِ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى مَسجِدِ الكوفَهِ ، فَحَمِدَ اللّهَ بِأفضَلِ الحَمدِ وأشرَفِها وأبلَغِها ، وأثنى عَلَيهِ بِأحسَنِ الثَّناءِ ، وصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قالَ :

«أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذَا الشَّهرَ شَهرٌ فَضَّلَهُ اللّهُ عَلى سائِرِ الشُّهورِ كَفَضلِنا أهلَ البَيتِ عَلى سائِرِ النّاسِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ السَّماءِ وأبوابُ الرَّحمَهِ ، ويُغَلَّقُ فيهِ أبوابُ النِّيرانِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُسمَعُ فيهِ النِّداءُ ، ويُستَجابُ فيهِ الدُّعاءُ ، ويُرحَمُ فيهِ البُكاءُ ؛ وهُوَ شَهرٌ فيهِ لَيلَهٌ نَزَلَتِ المَلائِكَهُ فيها مِنَ السَّماءِ ؛ فَتُسَلِّمُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ بِإذنِ رَبِّهِم إلى مَطلَعِ الفَجرِ ، وهِىَ لَيلَهُ القَدرِ ؛ قُدِّرَ فيها وِلايَتى قَبلَ أن خُلِقَ آدَمُ عليه السلام بِألفَى عامٍ ، صِيامُ يَومِها أفضَلُ مِن صِيامِ ألفِ شَهرٍ ، وَالعَمَلُ فيها أفضَلُ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ .

أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ شُموسَ شَهرِ رَمَضانَ لَتَطلُعُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ ، وإنَّ أقمارَهُ لَيَطلُعُ (2) عَلَيهِم بِالرَّحمَهِ ، وما مِن يَومٍ ولَيلَهٍ مِنَ الشَّهرِ إلاّ وَالبِرُّ مِنَ اللّهِ

تَعالى يَتَناثَرُ مِنَ السَّماءِ عَلى هذِهِ الاُمَّهِ ، فَمَن ظَفِرَ مِن نِثارِ اللّهِ بِدُرَّهٍ كَرُمَ عَلَى اللّهِ يَومَ يَلقاها ، وما كَرُمَ عَبدٌ عَلَى اللّهِ إلاّ جَعَلَ الجَنَّهَ مَثواهُ .

عِبادَ اللّهِ ، إنَّ شَهرَكُم لَيسَ كَالشُّهورِ ؛ أيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ ؛ هُوَ شَهرٌ الشَّياطينُ فيهِ مَغلولَهٌ مَحبوسَهٌ ؛ هُوَ شَهرٌ يَزيدُ اللّهُ فيهِ الأرزاقَ وَالآجالَ ، ويَكتُبُ فيهِ وَفدَ بَيتِهِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُقبَلُ أهلُ الإيمانِ بِالمَغفِرَهِ وَالرِّضوانِ ، وَالرَّوحِ وَالرَّيحانِ ، ومَرضاهِ المَلِكِ الدَّيّانِ .

أيُّهَا الصّائِمُ ، تَدَبَّر أمرَكَ ؛ فَإنَّكَ فى شَهرِكَ هذا ضَيفُ رَبِّكَ ، اُنظُر كَيفَ تَكونُ فى لَيلِكَ ونَهارِكَ؟ وكَيفَ تَحفَظُ جَوارِحَكَ عَن مَعاصى رَبِّكَ؟ اُنظُر ألاّ

تَكونَ بِاللّيلِ نائِما وبِالنَّهارِ غافِلاً ؛ فَيَنقَضِىَ شَهرُكَ وقَد بَقِىَ عَلَيكَ وِزرُكَ ؛ فَتَكونَ عِندَ استيفاءِ الصّائِمينَ اُجورَهُم مِنَ الخاسِرينَ ، وعِندَ فَوزِهِم بِكرامَهِ مَليكِهِم مِنَ المَحرومينَ ، وعِندَ سَعادَتِهِم بِمُجاوَرَهِ رَبِّهِم مِنَ المَطرودينَ .

أيُّهَا الصّائِمُ ، إن طُرِدتَ عَن بابِ مَليكِكَ فَأَىَ بابٍ تَقصِدُ؟ وإن حَرَمَكَ رَبُّكَ فَمَن ذَا الَّذى يَرزُقُكَ؟ وإن أهانَكَ فَمَن ذَا الَّذى يُكرِمُكَ؟ وإن أذَلَّكَ فَمَن ذَا الَّذى يُعِزُّكَ؟ وإن خَذَلَكَ فَمَن ذَا الَّذى يَنصُرُكَ؟ وإن لَم يَقبَلكَ فى زُمرَهِ عَبيدِهِ فَإِلى مَن تَرجِعُ بِعُبودِيَّتِكَ؟ وإن لَم يُقِلكَ عَثرَتَكَ فَمَن تَرجو لِغُفرانِ ذُنوبِكَ؟ وإن طالَبَكَ بِحَقِّهِ فَماذا يَكونُ حُجَّتُكَ؟

أيُّهَا الصّائِمُ ، تَقَرَّب إلَى اللّهِ بِتِلاوَهِ كِتابِهِ فى لَيلِكَ ونَهارِكَ ؛ فَإِنَّ كِتابَ اللّهِ شافِعٌ مُشَفَّعٌ يَشفَعُ يَومَ القِيامَهِ لِأَهلِ تِلاوَتِهِ ، فَيَعلونَ دَرَجاتِ الجَنَّهِ بِقِراءَهِ آياتِهِ .

بَشِّر أيُّهَا الصّائِمُ ! فَإِنَّكَ فى شَهرٍ صِيامُكَ فيهِ مَفروضٌ ، ونَفَسُكَ فيهِ تَسبيحٌ ، ونَومُكَ فيهِ عِبادَهٌ ، وطاعَتُكَ فيهِ مَقبولَهٌ ، وذُنوبُكَ فيهِ مَغفورَهٌ ، وأصواتُكَ فيهِ مَسموعَهٌ ، ومُناجاتُكَ فيهِ مَرحومَهٌ . ولَقَد سَمِعتُ حَبيبى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ :

«إنَّ للّهِ تَبارَكَ وتَعالى عِندَ فِطرِ كُلِّ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عُتَقاءَ مِنَ النّارِ لا يَعلَمُ عَدَدَهُم إلاَّ اللّهُ هُوَ فى عِلمِ الغَيبِ عِندَهُ ، فَإِذا كانَ آخِرُ لَيلَهٍ مِنهُ أعتَقَ فيها مِثلَ ما أعتَقَ فى جَميعِهِ» .

فَقامَ إلَيهِ رَجُلٌ مِن هَمدانَ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَكَ بِهِ حَبيبُكَ فى شَهرِ رَمَضانَ .

فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ أخى وَابنَ عَمّى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فَحَفِظَ فيهِ نَفسَهُ مِنَ المَحارِمِ دَخَلَ الجَنَّهَ» .

قالَ الهَمدانِىُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَكَ بِهِ أخوكَ وَابنُ عَمِّكَ فى شَهرِ رَمَضانَ .

قالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ خَليلى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن صامَ رَمَضانَ إيمانا وَاحتِسابا دَخَلَ الجَنَّهَ» .

قالَ الهَمدانِىُّ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَكَ بِهِ خَليلُكَ فى هذَا الشَّهرِ .

فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ سَيِّدَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن صامَ رَمَضانَ فَلَم يُفطِر فى شَىءٍ مِن لَياليهِ عَلى حَرامٍ دَخَلَ الجَنَّةَ» .

فَقالَ الهَمدانِىُّ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَکَ بِهِ سَيِّدُ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ فى هذَا الشَّهرِ .

فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ أفضَلَ الأَنبِياءِ وَالمُرسَلينَ وَالمَلائِکَهِ المُقَرَّبينَ يَقولُ : إنَّ سَيِّدَ الوَصِيِّينَ يُقتَلُ فى سَيِّدِ الشُّهورِ .

فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما سَيِّدُ الشُّهورِ ، ومَن سَيِّدُ الوَصِيِّينَ؟

قالَ : أمّا سَيِّدُ الشُّهورِ فَشَهرُ رَمَضانَ ، وأمّا سَيِّدُ الوَصِيِّينَ فَأَنتَ يا عَلِىُّ .

فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَإِنَّ ذلِکَ لَکائِنٌ؟

قالَ : إى ورَبّى ، إنَّهُ يَنبَعِثُ أشقى اُمَّتى شَقيقُ عاقِرِ ناقَهِ ثَمودَ ، ثُمَّ يَضرِبُکَ ضَربَةً عَلى فَرقِکَ تُخضَبُ مِنها لِحيَتُکَ» .

فَأَخَذَ النّاسُ بِالبُکاءِ وَالنَّحيبِ . فَقَطَعَ عليه السلام خُطبَتَهُ ونَزَلَ . (3) .

1- .درر الأحاديث النبويّه : ص 75 . وراجع : السنن الكبرى : ج 4 ص 351 ح 7955 .
2- .القياس أن يقال : «لَتَطلُعُ» .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 107 ح 101 .

2 / 2خطبه های امیر مؤمنان ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان1376.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام هر گاه ماه رمضان فرا می رسید ، برای مردم چنین خطبه می خواند :این ماه مبارک ، که خداوند روزه داریِ آن را واجب ساخته است ، شما را فرا رسید . آگاه باشید که روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست ؛ بلکه پرهیز از بیهوده و دروغ و ناروا نیز هست .1377.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از جمله دعایی که جبرئیل علیه السلام به ایشان آم) امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : علی علیه السلام در اوّلین روز ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند . پس خدا را به بهترین ستایش و برترین و رساترین ثنا ستود و بر پیامبرش محمّد صلی الله علیه و آله درود فرستاد . سپس فرمود :

«ای مردم! این ماه ، ماهی است که خداوند ، آن را بر ماه های دیگر برتری داده است ، مانند برتری ما اهل بیت بر دیگر مردم . و آن ، ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت ، در آن گشوده می شوند و درهای آتش در آن بسته می گردند . و ماهی است که در آن ندا شنیده می شود و دعا مستجاب می گردد و گریه مورد ترحّم قرار می گیرد .

ماهی است که در آن ، شبی وجود دارد که فرشتگان از آسمان فرود آمده ، بر مردان و زنان روزه دار ، به اذن پروردگارشان تا طلوع سپیده سلام می دهند و آن شب ، شب قدر است . دو هزار سال پیش از آن که آدم علیه السلامآفریده شود ، ولایت من در آن شب ، مقدّر شد . روزه گرفتن آن ، برتر از روزه داری هزار ماه است و عمل در آن ، برتر از عمل در هزار ماه است .

ای مردم! خورشید ماه رمضان بر مردان و زنان روزه دار ، با رحمت می تابد و ماه آن با رحمت بر آنان نورافشانی می کند و هیچ روز و شبی از این ماه نیست ،

مگر آن که پروردگار متعال ، بر سر این امّت ، نیکی می افشاند . پس هر کس از ریزش نعمت الهی ذرّه ای بهره مند گردد ، در روز دیدارش با خدا ،

نزد خداوند ، گرامی خواهد بود و هیچ بنده ای نزد خدا گرامی نگردد ، مگر آن که خداوند ، بهشت را جایگاه او قرار می دهد .

بندگان خدا ! این ماه شما ، همچون دیگر ماه ها نیست . روزهایش برترین روزهاست و شب هایش برترین شب ها و ساعاتش برترین ساعات است . آن ، ماهی است که شیطان ها در آن در بند و زندانی اند ؛ ماهی که خداوند در آن ، روزی ها و اجل ها را می افزاید و میهمانان خانه اش را می نویسد ؛ ماهی که اهل ایمان با آمرزش و رضای الهی ، با شادی و نعمت های الهی ، و با خشنودی فرمانروای دادگر و توانا ، پذیرفته می شوند .

ای روزه دار ! در کار خویش نیک بنگر ، که در این ماه ، میهمان پروردگار خویش هستی . بنگر که در شب و روزت چگونه ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی خدا حفظ می کنی . بنگر تا مبادا شب در خواب باشی و روز در غفلت ؛ پس این ماه بر تو بگذرد و بار گناهت همچنان بر دوشت مانده باشد ؛ پس آن گاه که روزه داران پاداش های خود را می گیرند ، تو از زیانکاران باشی و آن گاه که به کرامت فرمانروای خویش نایل می شوند ، از محرومان گردی و آن گاه که به همسایگی با پروردگارشان سعادتمند می شوند ، تو از طردشدگان باشی !

ای روزه دار ! اگر از درگاه صاحبت رانده شوی ، به کدام درگاه روی خواهی آورد؟ و اگر پروردگارت محروم سازد ، کیست که روزی ات دهد؟ و اگر تو را خوار شمرد ، کیست که اکرامت کند؟ و اگر ذلیلت ساخت ، کیست که عزّتت بخشد؟ و اگر تو را وا گذاشت ، کیست که یاری ات کند؟ و اگر تو را در جمع بندگانش نپذیرفت ، بندگی ات را به آستان چه کس خواهی برد؟ و اگر از خطایت در نگذشت ، برای آمرزش گناهانت به که امید خواهی بست؟ و اگر حقّ خویش را از تو طلبید ، حجّت تو چه خواهد بود؟

ای روزه دار ! در شب و روزت با تلاوت کتاب خدا ، به او تقرّب بجوی ، که همانا کتاب خدا ، شفیعی است که روز قیامت ، شفاعتش برای قرآن خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن ، از درجه های بهشت بالا می روند .

مژده ای روزه دار ! تو در ماهی هستی که روزه داری ات در آن ، واجب ، نَفَس کشیدنت در آن ، تسبیح ، خُفتنت در آن ، عبادت ، طاعتت در آن ،

پذیرفته ، گناهانت در آن ، آمرزیده ، صداهایت در آن ، شنیده شده ، و مناجات در آن ،

مورد ترحّم است . از حبیبم پیامبر خدا شنیدم که می فرمود :

خداوند متعال را در هنگام افطار هر شب ماه رمضان ، آزادشدگانی از آتش است که شمار آنان را کسی جز خداوند نمی داند . شمار آنان ، نزد او در علم غیب است . پس چون آخرین شب این ماه شود ، خداوند به شمار همه کسانی که در تمام این ماه آزاد کرده ، آزاد خواهد نمود » .

مردی از قبیله هَمْدان برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه حبیب تو درباره ماه رمضان فرمود ، بیشتر بگو .

فرمود : «باشد ! شنیدم که برادر و پسر عمویم ، پیامبر خدا ، می فرمود : هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و خود را در این ماه از حرام ها نگه دارد ، وارد بهشت می شود » .

آن مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه برادر و پسر عمویت درباره ماه رمضان فرمود ، بیشتر بگو .

فرمود : «باشد ! شنیدم که دوستم پیامبر خدا می فرمود : هر کس از روی ایمان و به خاطر اجر الهی ، [ماه]رمضان را روزه بدارد ، وارد بهشت می شود » .

مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه دوستت درباره این ماه فرمود ، بیشتر بگو .

فرمود : «باشد ! شنیدم که سَرور اوّلین و آخرین ، پیامبر خدا می فرمود : هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و در شب های آن حرام نخورد ، وارد بهشت می شود » .

مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه سرور اوّلین و آخرین با تو درباره این ماه گفت ، بیشتر بگو .

فرمود : «باشد ! شنیدم که برترینِ پیامبران و فرستادگان و فرشتگان مقرّب می فرمود : همانا سَرور اوصیا ، در سَرور ماه ها کشته می شود .

گفتم : ای پیامبر خدا ! سرور ماه ها ، کدام است و سرور اوصیا کیست؟

فرمود : امّا سرور ماه ها ، ماه رمضان است و امّا سرور اوصیا ، تویی ، ای علی ! .

گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا چنین خواهد شد؟

فرمود : آری ، به پروردگارم سوگند ! همانا نگون بخت ترینِ امّت من ، برادرِ پی کننده ناقه ثمود ، برمی خیزد و ضربتی بر فرق سرت می زند که محاسنت از خون آن ، رنگین می شود » .

پس مردم شروع به گریه و شیون کردند . علی علیه السلام خطبه اش را به پایان برد و فرود آمد .

.

ص: 104

. .

ص: 105

. .

ص: 106

. .

ص: 107

. .

2 / 3كَلامُ ثامِنِ الحُجَجِ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ1380.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) الإمام الرضا عليه السلام :الحَسَناتُ فى شَهرِ رَمَضانَ مَقبولَةٌ ، وَالسَّيِّئاتُ فيهِ مَغفورَةٌ . مَن قَرَأَ فى شَهرِ رَمَضانَ آيَةً مِن كِتابِ اللّهِ عز و جل كانَ كَمَن خَتَمَ القُرآنَ فى غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ، ومَن ضَحِكَ فيهِ فى وَجهِ أخيهِ المُؤمِنِ لَم يَلقَهُ يَومَ القِيامَهِ إلاّ ضَحِكَ فى وَجهِهِ وبَشَّرَهُ بِالجَنَّهِ ، ومَن أعانَ فيهِ مُؤمِنا أعانَهُ اللّهُ تَعالى عَلَى الجَوازِ عَلَى الصِّراطِ يَومَ تَزِلُّ فيهِ الأقدامُ ، ومَن كَفَّ فيهِ غَضَبَهُ كَفَّ اللّهُ عَنهُ غَضَبَهُ يَومَ القِيامَهِ ، ومَن نَصَرَ فيهِ مَظلوما نَصَرَهُ اللّهُ عَلى كُلِّ مَن عاداهُ فِى الدُّنيا ، ونَصَرَهُ يَومَ القِيامَهِ عِندَ الحِسابِ وَالميزانِ .

شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ البَرَكَهِ ، وشَهرُ الرَّحمَهِ ، وشَهرُ المَغفِرَهِ ، وشَهرُ التَّوبَهِ وَالإنابَهِ ؛ مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ فَفى أىِ شَهرٍ يُغفَرُ لَهُ؟ ! فَاسأَلُوا اللّهَ أن يَتَقَبَّلَ مِنكُم فيهِ الصِّيامَ ، ولا يَجعَلَهُ آخِرَ العَهدِ مِنكُم ، وأن يُوَفِّقَكُم فيهِ لِطاعَتِهِ ويَعصِمَكُم مِن مَعصِيَتِهِ ، إنَّهُ خَيرُ مَسؤولٍ . (1) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 97 ح 82 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 341 ح 5 .

2 / 3 سخن امام هشتم ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان

2 / 3سخن امام هشتم ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان1383.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام :حسنات در ماه رمضان ، پذیرفته اند و گناهان در آن ، آمرزیده . هر کس در ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا بخواند ، مثل کسی است که در غیر آن ، ختم قرآن کرده باشد و هر کس در این ماه ، به صورت برادر مؤمنش بخندد ، خدا را در قیامت دیدار نخواهد کرد ، مگر آن که در چهره او خواهد خندید و به بهشت ، مژده اش خواهد داد .

و هر کس در آن ماه ، مؤمنی را یاری کند ، خداوند ، او را بر گذشتن از صراط ، در آن روز که قدم ها بر آن می لغزد ، یاری خواهد کرد . و هر کس در آن ، خشم خود را نگه دارد ، خداوند نیز روز قیامت ، خشمش را از او نگه خواهد داشت . و هر کس در آن ، ستم دیده ای را یاری کند ، خداوند ، او را در دنیا بر ضدّ کسی که با وی دشمنی نماید ، یاری می کند و روز قیامت نیز هنگام حساب و میزان ، یاری اش می نماید .

ماه رمضان ، ماه برکت است ، ماه رحمت ، ماه آمرزش ، ماه توبه و بازگشت به سوی خدا . هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود ، پس در چه ماهی آمرزیده گردد؟ ! پس ، از خداوند بخواهید که در این ماه ، روزه شما را بپذیرد و آن را آخرین رمضان شما قرار ندهد و شما را بر طاعت خویش توفیق دهد و از نافرمانی خود نگه دارد ، که او بهترین کسی است که از او درخواست می شود .

.

الفصل الثالث : أسباب التّهيّؤ لضيافه اللّه3 / 1تَقديمُ التَّوبَهِ1383.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهرويّ :دَخَلتُ عَلى أبِى الحَسَنِ عَلِيِ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلام فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَعبانَ ، فَقالَ لى :

«يا أبَا الصَّلتِ ، إنَّ شَعبانَ قَد مَضى أكثَرُهُ ، وهذا آخِرُ جُمُعَهٍ مِنهُ ، فَتَدارَک فيما بَقِىَ مِنهُ تَقصيرَکَ فيما مَضى مِنهُ ، وعَلَيکَ بِالإقبالِ عَلى ما يَعنيکَ وتَرکِ ما لا يَعنيکَ ، وأكثِر مِنَ الدُّعاءِ وَالاِستِغفارِ وتِلاوَهِ القُرآنِ ، وتُب إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِکَ ؛ لِيُقبِلَ شَهرُ اللّهِ إلَيکَ وأنتَ مُخلِصٌ للّهِ عز و جل ، ولا تَدَعَنَّ أمانَهً فى عُنُقِکَ إلاّ أدَّيتَها ، ولا فى قَلبِکَ حِقدا عَلى مُؤمِنٍ إلاّ نَزَعتَهُ ، ولا ذَنبا أنتَ مُرتَكِبُهُ إلاّ [أ]قلَعتَ عَنهُ ، وَاتَّقِ اللّهَ وتَوَكَّل عَلَيهِ فى سِرِّ أمرِکَ وعَلانِيَتِکَ « وَ مَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْ ءٍ قَدْرا » (1) ، وأكثِر مِن أن تَقولَ فيما بَقِىَ مِن هذَا الشَّهرِ :

اللّهُمَّ إن لَم تَكُن قَد غَفَرتَ لَنا فيما مَضى مِن شَعبانَ فَاغفِر لَنا فيما بَقِىَ مِنهُ .

فَإنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يُعتِقُ فى هذَا الشَّهرِ رِقابا مِنَ النّارِ لِحُرمَهِ شَهرِ رَمَضانَ» . (2) .

1- .الطلاق : 3 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 51 ح 198 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 73 ح 17 .

3 / 1 توبه ، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان

فصل سوم : اسباب آمادگی برای میهمانی خدا3 / 1توبه ، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان1387.عنه صلی الله علیه و آله :عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد السلام بن صالح هروی :در آخرین جمعه ماه شعبان ، خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم . به من فرمود :

«ای ابو صَلْت ! بیشترِ شعبان گذشته است و این ، آخرین جمعه از آن است . پس در آنچه از آن مانده ، کوتاهی هایت را در آنچه گذشته است ، جبران کن . به کاری روی آور که برایت مفید باشد و آنچه را بیهوده است و به تو مربوط نیست ، وا گذار .

زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن داشته باش و از گناهانت به درگاه خدا توبه کن ، تا در حالی ماه خدا سوی تو آید که برای خدا خالص شده باشی . هیچ امانتی را بر عهده خویش باقی نگذار ، مگر آن که ادا کرده باشی ، و هیچ کینه ای را در دلت نسبت به مؤمنی نگاه مدار ، مگر آن که از دل به در آورده باشی ، و هیچ گناهی را که مرتکب می شدی ، رها مکن ، مگر این که از آن ، دست برداشته باشی .

از خدا پروا کن و در نهان و آشکار کارت ، بر او توکّل کن «و هر کس بر خدا توکّل کند ، او برایش بس است . خداوند ، فرمان خویش را پیش خواهد برد . به یقین ، خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است» .

و در باقی مانده این ماه ، زیاد بگو :

خدایا ! اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته است ، نیامرزیده ای ، پس ما را در

باقی مانده آن ببخشای ! .

همانا خداوند متعال ، در این ماه به احترام ماه رمضان ، بسیاری را [از آتش] آزاد می کند» .

.

3 / 2صِيامُ ثَلاثَهِ أيّام مِن آخِرِ شَعبانَ1386.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») السنن الكبرى عن أنس :قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أىُ الصَّومِ أفضَلُ؟ قالَ : «صَومُ شَعبانَ تَعظيما لِرَمَضانَ» . (1)1387.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن صامَ ثَلاثَهَ أيّامٍ مِن آخِرِ شَعبانَ ووَصَلَها بِشَهرِ رَمَضانَ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ صَومَ شَهرَينِ مُتَتابِعَينِ . (2)3 / 3إصلاحُ الطَّعام1390.عنه صلى الله عليه و آله :رسولَ اللّه صلَى الله عليه و آله :كُلُوا الحَلالَ يَتِمَّ لَكُم صَومُكُم . (3)1388.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عدّه الداعى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«العِبادَهُ مَعَ أكلِ الحَرامِ كَالبِناءِ عَلَى الرَّملِ» . وقيلَ : عَلَى الماءِ . (4)1389.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :إرشاد القلوب عن حذيفه بن اليمان رفعه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«إنَّ قَوما يَجيؤونَ يَومَ القِيامَهِ ولَهُم مِنَ الحَسَناتِ أمثالُ الجِبالِ ، فَيَجعَلُهَا اللّهُ هَباءً مَنثورا ، ثُمَّ يُؤمَرُ بِهِم

إلَى النّارِ» .

فَقالَ سَلمانُ : صِفهُم لَنا يا رَسولَ اللّهِ .

فَقالَ : «أما إنَّهُم قَد كانوا يَصومونَ ويُصَلّونَ ، ويَأخُذونَ اُهبَهً مِنَ اللَّيلِ ، ولكِنَّهُم كانوا إذا عَرَضَ لَهُم شَىءٌ مِنَ الحَرامِ وَثَبوا عَلَيهِ» . (5) .

1- .السنن الكبرى : ج 4 ص 503 ح 8517 ؛ ثواب الأعمال : ص 86 ح 14 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 94 ح 1829 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 72 .
3- .كنز العمّال : ج 15 ص 844 ح 43356 نقلاً عن الديلمى .
4- .عدّه الداعى : ص 141 وص 284 وفيه «الدعاء» بدل «العباده» ، بحار الأنوار : ج 103 ص 16 ح 73 .
5- .إرشاد القلوب : ص 191 وراجع : تفسير القمّى : ج 2 ص 112 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 293 ح 35 .

3 / 2 سه روز روزه داری در آخر شعبان

3 / 3 اصلاح غذا

اشاره

3 / 2سه روز روزه در آخر شعبان1392.عنه صلی الله علیه و آله (فی حِرزٍ لَهُ) السنن الکبری به نقل از انس :به پیامبر خدا گفتند : کدام روزه برتر است؟ فرمود : «روزه شعبان در بزرگداشتِ رمضان» .1391.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام :هر کس سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و آنها را به ماه رمضان متّصل کند ، خداوند برای او پاداش روزه دو ماه پیاپی را می نویسد .3 / 3اصلاح غذا1394.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :غذای حلال بخورید تا روزه برای شما کامل گردد .1393.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») عدّه الداعی به نقل از پیامبر خدا :«عبادت با حرامخواری ، همچون ساختن بنا بر شنزار است» و نیز نقل شده است : «همچون ساختن بنا بر آب» .1394.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) إرشاد القلوب به نقل از حذیفه بن یمان :پیامبر خدا فرمود : «روز قیامت ، گروهی می آیند ، در حالی که حسناتشان همچون کوه هاست . خداوند ، همه آنها را نابود و پراکنده می سازد . سپس فرمان می رسد که آنان را به آتش بیفکنید» .

سلمان گفت : ای پیامبر خدا! آنان را برای ما توصیف کن .

فرمود : «آنان ، کسانی هستند که روزه گرفته ، نماز خوانده و شب زنده داری کرده اند ؛ لیکن هر گاه حرامی بر آنان عرضه می شده ، بر آن می شتافتند» .

.

ص: 114

. .

ص: 115

. .

ص: 116

. .

سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذا
انواع خوردنی ها و آشامیدنی های حرام

سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذاخوردن و نوشیدن به هنگام افطار و سحر ، جان مایه روزه داری است . از این رو ، در نظر اسلام ، حلال یا حرام بودن خوردنی ها و نوشیدنی ها ، اندازه و نوع آنها و همچنین انگیزه روزه داران از خوردن و آشامیدن ، در میزان بهره وری از روزه نقشی اساسی دارند و در دستاوردهای روزه دار از برکات این میهمانی ، بسیار مؤثّرند . نخستین شرط بهره وری از روزه ، آن است که نیروی تأمین کننده و پشتوانه انسان برای روزه گرفتن ، حلال باشد . غذای حرام ، نه تنها در بهره مندی انسان از آثار و برکات روزه ، نقش تخریبی دارد ، بلکه آفتی است که همه عبادت ها را تهدید می کند ، بدان گونه که در روایات گذشته اشاره شد . از این رو ، از پیامبر خدا روایت شده است : العِبادَهُ مَعَ أکلِ الحَرامِ کَالبِناءِ عَلَی الرَّملِ ؛ عبادت همراه با حرامخواری ، مثل بنا ساختن بر شنزار است . بر این پایه ، برای روزه دار ، شناخت غذاهای حرام ، اهمّیتی ویژه دارد .

انواع خوردنی ها و آشامیدنی های حرامخوردنی ها و آشامیدنی های حرام ، چند قسم اند : 1 . آنچه حرمت ذاتی دارد ، مثل : گوشت حیوانات حرام گوشت ، تخم پرندگان حرام گوشت ، بعضی از اعضای حیوانات حلال گوشت (مانند : نرینه ، بچه دان ، دُنبلان ، مثانه ، غدّه های بدن ، کیسه صفرا ، نخاع) ، اعیان نجس (مانند : مُردار ، خون ، گوشت خوک ، شراب و هر مایع مست کننده دیگر) . 2 . آنچه حرمت عَرَضی دارد ، مانند : غذاهایی که به سبب برخورد با عین نجس ، متنجّس شده اند ، یا برای جسم و جان انسان ، زیان عمده دارند . 3 . آنچه با مال حرام تهیّه می شود ، مثل : سفره های افطاری ای که بدون اجازه قانونی ، هزینه شان از بیت المال ، پرداخت می شود . 4 . آنچه از مال مخلوط به حرام ، تهیّه می شود . 5 . آنچه از مالی تهیّه می شود که حقوق شرعی آن (مانند : خمس و زکات) پرداخت نشده است . 6 . آنچه با مال حلال فراهم می شود ؛ ولی در کیفیّت و مقدار آن ، اسراف می گردد .

.

پرهیز از غذاهای شبهه ناک

پرهیز از غذاهای شبهه ناکاگر روزه دار بخواهد از روزه اش بهره ببرد ، سزاوار است که نه تنها از غذاهایی که حرمتشان قطعی است ، بلکه از غذاهای شبهه ناک هم پرهیز کند . غذاهای شبهه ناک دو گونه اند : نوع اوّل : غذاهایی که در ظاهر ، حلال شمرده می شوند ، مثل : غذایی که میزبانِ مسلمان برای میهمانش تهیّه می کند ؛ ولی میهمان ، احتمال می دهد که از مال حرام باشد . نوع دوم : غذاهایی که در ظاهر ، حرام شمرده می شوند ، مثل : غذایی که از مال مخلوط به حرام تهیّه می شود ، به گونه ای که جدا کردن حلال و حرام آن ، ممکن نیست . نکته قابل توجّه در این زمینه ، آن است که اسلام برای استفاده از این گونه غذاها ، راه حل دارد و برای رهایی از پیامدهای آن ، تدبیری اندیشیده است ، مانند پرداخت خمس مال شبهه ناک . از این راه ، روزه دار می تواند از مشکل غذاهای شبهه ناکی که بخصوص در میهمانی ها می خورد و یا به میهمانان خود می دهد ، برهد ، تا روزه ماه رمضان پاک و دارای آثار معنوی بیشتری باشد .

.

انگیزه های خوردن و آشامیدنانگیزه ای که روزه دار در خوردن و آشامیدن در وقت افطار و سحر دارد ، تأثیر مهمّی در بهره وری کامل از برکات روزه دارد . در یکی از توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به ابو ذر غفاری ، چنین آماده است :

1399.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) « یا أبا ذَرٍّ! لِیَکُن لَکَ فی کُلِّ شَی ءٍ نِیَّهٌ صالِحَهٌ حَتَّی الأَکلِ وَ النَّومِ ؛

ای ابو ذر! برای هر چیزی نیّت خوب داشته باش ، حتّی برای خوردن و خوابیدن .میان روزه داری که سحری و افطار را تنها برای رفع گرسنگی و تشنگی می خورد ، با کسی که آنها را به قصد قربت و کسب رضای الهی می خورد ، فرق بسیار است . نورانیّت روزه ای که روزه دار با قصد قربت غذا می خورد ، هرگز با روزه ای که روزه دار با انگیزه حیوانی و خواسته نفْس غذا می خورد و نیرو می گیرد ، برابر نیست . روشن است که انگیزه خدایی در این کار که روزه دار می گوید : «به قصد تقرّب به خدا ، غذا می خورم» نیازمند مقدّماتی است که با این عمل ، هماهنگ باشد ، که از جمله آنها ، تناسب نوع و مقدار غذا با نیاز بدن است . بر اساس مقدّمات و توضیح هایی که گذشت ، می توان فشرده سخن را در زمینه اصلاح غذا به وسیله روزه دار ، در سه نکته زیر خلاصه کرد که پایبندی و رعایت آنها موجب می شود تا روزه دار ، هر چه بیشتر ، از مواهب و دستاوردهای ضیافت الهی ، بهره مند گردد : 1 . حلال بودن آنچه خورده و آشامیده می شود و پرهیز از غذاهای حرام و شبهه ناک . 2 . تناسب نوع و مقدار غذاها و نوشیدنی ها با نیاز و خواسته بدن و پرهیز روزه دار از غذاهای رنگارنگ و افزون از حدّ نیاز . 3 . خوردن و آشامیدن به قصد قربت و با انگیزه کسب رضای الهی و اطاعت از فرمان او . عالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ، در پایان بحثی که درباره انواع روزه داران از جهت برخوردشان با خوردنی ها و آشامیدنی ها دارد ، می گوید : برخی از آنان ، همه خورد و خوراکشان ، حلال و دور از اسراف و تجمّل است ؛ بلکه در مقدار خوردنی و آشامیدنی شان ، حتّی از اندازه حلال و غیر مکروه هم متواضعانه می کاهند و این گونه از لذّت می گذرند و در خورشت ، به یک نوع ، بسنده می کنند ، یا بعضی از لذّت ها و فزونی ها را ترک می کنند . درجات آنان نزد پروردگارشان ، که نگاه دارنده تلاش ها و مجاهدت های

آنان است ، محفوظ است و آنان پاداش می یابند و هیچ ستمی به آنان نمی شود . خداوند ، آنان را به بهترین کارهایشان پاداش می دهد و از عطای خویش ، بی حساب بر آنان می افزاید . پس هیچ کس نمی داند چه پاداش های بزرگی که مایه چشم روشنی است و برایشان پنهان نگه داشته شده است خواهند داشت ؛ پاداش هایی که بر هیچ دلی خطور نکرده است . خدایا ! ما را هم از آنان قرار بده !

.

ص: 120

. .

ص: 121

. .

الفصل الرابع : أدعيه التّهيّؤ لضيافه اللّه4 / 1دعاءُ آخِرِ لَيلَهٍ مِن شَعبانَ1401.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») الإمام الصادق علیه السلام : مِمّا كانَ يَقولُهُ فی آخِرِ لَيلَهٍ مِن شَعبانَ وأوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ اللّهُمَّ إنَّ هذَا الشَّهرَ المُبارَکَ الَّذي أنزِلَ فيهِ القُرآنُ هُدیً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدی وَالفُرقانِ قَد حَضَرَ ، فَسَلِّمنا فيهِ وَسَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا فی يُسرٍ مِنکَ وعافِيَهٍ ، يا مَن أخَذَ القَليلَ وشَكَرَ الكَثيرَ اقبَل مِنّی اليَسيرَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ أن تَجعَلَ لی إلی كُلِّ خَيرٍ سَبيلاً ، ومِن كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعا ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، يا مَن عَفا عَنّی وعَمّا خَلَوتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئاتِ ، يا مَن لَم يُؤاخِذنی بِارتِكابِ المَعاصی ، عَفوَکَ عَفوَکَ عَفوَکَ يا كَريمُ ، إلهی وَعَظتَنی فَلَم أتَّعِظ ، وزَجَرتَنی عَن مَحارِمِکَ فَلَم أنزَجِر ، فَما عُذری؟ فَاعفُ عَنّی يا كَريمُ ، عَفوَکَ عَفوَکَ .

اللّهُمّ ، إنّی أسأَلُکَ الرّاحَهَ عِندَ المَوتِ ، وَالعَفوَ عِندَ الحِسابِ ، عَظُمَ الذَّنبُ مِن عَبدِکَ فَليَحسُنِ التَّجاوُزُ مِن عِندِکَ ، يا أهلَ التَّقوی ويا أهلَ المَغفِرَهِ ، عَفوَکَ عَفوَکَ .

اللّهُمَّ إنّی عَبدُکَ وَابنُ عَبدِکَ وَابنُ أمَتِکَ ، ضَعيفٌ فَقيرٌ إلی رَحمَتِکَ ، وأنتَ مُنزِلُ الغِنی وَالبَرَکَهِ عَلَی العِبادِ ، قاهِرٌ مُقتَدِرٌ ، أحصَيتَ أعمالَهُم وقَسَمتَ أرزاقَهُم ، وجَعَلتَهُم مُختَلِفَهً ألسِنَتُهُم وألوانُهُم ، خَلقا مِن بَعدِ خَلقٍ ، لا يَعلَمُ العِبادُ عِلمَکَ ، ولا يَقدِرُ العِبادُ قَدرَکَ ، وكُلُّنا فَقيرٌ إلی رَحمَتِکَ ، فَلا تَصرِف عَنّی وَجهَکَ ، وَاجعَلنی مِن صالِحی خَلقِکَ فِی العَمَلِ وَالأمَلِ وَالقَضاءِ وَالقَدَرِ .

اللّهُمَّ أبقِنی خَيرَ البَقاءِ ، وأفنِنی خَيرَ الفَناءِ ؛ عَلی مُوالاهِ أولِيائِکَ ومُعاداهِ أعدائِکَ وَالرَّغبَهِ إلَيکَ وَالرَّهبَهِ مِنکَ ، وَالخُشوعِ وَالوَفاءِ وَالتَّسليمِ لَکَ ، وَالتَّصديقِ بِكِتابِکَ ، وَاتِّباعِ سُنَّهِ رَسولِکَ .

اللّهُمَّ ما كانَ فی قَلبی مِن شَکٍّ أو ريبَهٍ ، أو جُحودٍ أو قُنوطٍ ، أو فَرَحٍ أو بَذَخٍ ، أو بَطَرٍ أو خُيَلاءَ ، أو رِياءٍ أو سُمعَهٍ ، أو شِقاقٍ أو نِفاقٍ ، أو كُفرٍ أو فُسوقٍ أو عِصيانٍ ، أو عَظَمَهٍ أو شَیءٍ لا تُحِبُّ ، فَأسأَلُکَ يا رَبِّ أن تُبدِلَنی مَكانَهُ إيمانا بِوَعدِکَ ، ووَفاءً بِعَهدِکَ ، ورِضا بِقَضائِکَ ، وزُهدا فِی الدُّنيا ، ورَغبَهً فيما عِندَکَ ، واُثرَهً وطُمَأنينَهً وتَوبَهً نَصوحا ، أسأَلُکَ ذلِکَ يا رَبَّ العالَمينَ .

إلهى أنتَ مِن حِلمِکَ تُعصى ، ومِن کَرَمِکَ وَجودِکَ تُطاعُ ؛ فَکَأنَّکَ لَم تُعصَ ، وأنَا ومَن لَم یَعصِکَ سُکّانُ أرضِکَ ، فَکُن عَلَینا بِالفَضلِ جَوادا ، وبِالخَیرِ عَوّادا ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً دائِمَةً لا تُحصی ولا تُعَدُّ ، ولا یَقدِرُ قَدرَها غَیرُکَ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 850 ح 911 .

فصل چهارم : دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا

4 / 1 دعای شب آخر شعبان

فصل چهارم : دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا4 / 1دعای شب آخر شعبان1403.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امام صادق علیه السلام : از جمله دعاهایی که در آخرین شب شعبان و اوّلین شب ماه رمضان می خوانْد خداوندا ! این ماه مبارک ، که قرآن را در آن فرو فرستاده ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده ای ، فرا رسید . پس ، ما را در این ماه ، سالم بدار و نیز آن را برای ما سالم بدار و آن را با آسانی و تن درستی از سوی خودت ، از ما دریافت کن . ای که اندک را می گیری و پاداش بسیار می دهی ! اندک را از من بپذیر !

خداوندا ! از تو می خواهم که به سوی هر نیکی ، راهی و در برابر هر آنچه دوست نداری ، باز دارنده ای برایم قرار دهی ! ای مهربان ترینِ مهربانان؛ ای که از من و از گناهانی که در نهان انجام داده ام ، چشم پوشیدی ؛ ای آن که مرا به خاطر نافرمانی ها مؤاخذه ننمودی ! ببخشای ، ببخشای ، ببخشای ، ای بزرگوار !

خدایا ! پندم دادی ، پند نگرفتم ! از گناهانت بازم داشتی ، دست برنداشتم ! چه عذری دارم؟ ! پس بر من ببخشای ، ای بزرگوار ! ببخشای ، ببخشای !

خداوندا ! از تو آسودگی را به هنگام مرگ و بخشایش را به هنگام حساب ، می خواهم . بنده ات گناه بزرگ آوْرْد . اینک ، گذشت از سوی تو ، نیکوست ، ای شایسته تقوا و ای شایسته آمرزش ! ببخشای ، ببخشای !

خداوندا ! من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو ام ، ناتوانی که نیازمند رحمت توست ؛ و تویی که بر بندگانت ، توانگری و برکت را فرو می فرستی و چیره بااقتداری و کارهای بندگان را شمرده و روزی هایشان را تقسیم کرده ای و آنان را با زبان ها و رنگ های گوناگون ، قرار داده ای ، آفرینشی پس از آفرینشی .

بندگان ، نه دانش تو را دارند و نه قدرت تو را . همه ما نیازمند رحمت توییم . پس ، روی رحمت را از من برنگردان و مرا در کار و امید و تقدیر خویش ، از بندگان شایسته ات قرار بده !

خداوندا ! مرا به نیکوترین ماندن ، باقی بدار و به بهترین فنا ، فانی ساز : بر دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت و شوق به درگاهت و هراس از عظمتت و خشوع و وفا و تسلیم نسبت به خودت و باور به کتابت و پیروی از سنّت فرستاده ات .

خداوندا ! آنچه در دلم هست ، از : شک و تردید ، یا انکار و یأس ، یا شادی بی جا و غرور ، یا سرمستی و غرور ، یا ریا و آوازه خواهی ، یا دشمنی و نفاق ، یا کفر و تبهکاری و نافرمانی ، یا خودبزرگ بینی و یا هر چه که دوست نمی داری پروردگارا از تو می خواهم که آنها را به ایمان به وعده ات ، وفا به پیمانت ، رضا به تقدیرت ، پارسایی در دنیا ، شوق به آنچه پیش توست ، بزرگواری ، آرامش و توبه راستین ، تبدیل کنی ! ای پروردگار جهانیان ! اینها را از تو می طلبم .

خدایا ! چون بردباری ، نافرمانی ات می کنند و چون بزرگوار و بخشنده ای ، فرمانت می برند ، آن چنان که گویا نافرمانی ات نکرده اند . من و آن که نافرمانی تو نکرده است ، ساکنان زمین توییم . پس با عطای خویش بر ما ، بخشنده و خیررسان باش ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

درود خدا بر محمّد و خاندان او ، درودی پیوسته و بی شمار ، درودی که ارزش آن را کسی جز تو نداند ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

ص: 124

. .

ص: 125

. .

4 / 2أدعِيَهُ رُؤيَهِ هِلالِ شَهرِ رَمَضانَ1406.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءٍ عَلَّمَهُ أميرَالمُؤمِنينَ عليه السل) الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا اُهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ استَقبَلَ القِبلَهَ ورَفَعَ يَدَيهِ فَقالَ :

اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإِيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإِسلامِ ، وَالعافِيَهِ المُجَلِّلَهِ ، وَالرِّزقِ الواسِعِ ، ودَفعِ الأَسقامِ . اللّهُمَّ ارزُقنا صِيامَهُ وقِيامَهُ وتِلاوَهَ القُرآنِ فيهِ . اللّهُمَّ سَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا وسَلِّمنا فيهِ . (1)1407.عنه صلى الله عليه و آله (كانَ إذا أتاهُ الأَمرُ ممّا يُعجِبُهُ قالَ) الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: كانَ عَلِيٌّ عليه السلام إذا كانَ بِالكوفَهِ يَخرُجُ وَالنّاسُ مَعَهُ يَتَراءى هِلالَ شَهرِ رَمَضانَ ، فَإِذا رَآهُ قالَ :

اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإِيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإِسلامِ ، وصِحَّهٍ مِنَ السُّقمِ ، وفَراغٍ لِطاعَتِکَ مِنَ الشُّغلِ ، وَاكفِنا بِالقَليلِ مِنَ النَّومِ .1408.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام كانَ إذا اُهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ قالَ :اللّهُمَّ أدخِلهُ عَلَينا بِالسَّلامَهِ وَالإِسلامِ ، وَاليَقينِ وَالإِيمانِ ، وَالبِرِّ وَالتَّوفيقِ لِما تُحِبُّ وتَرضى .4 / 3أدعِيَهُ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ1407.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (وقتى به چيزى بر مى خوْرد كه او را خوش حال مى كر) الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ يَقولُ :

اللّهُمَّ إنَّهُ قَد دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ ، اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ

القُرآنَ وجَعَلتَهُ بَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ . اللّهُمَّ فَبارِک لَنا فى شَهرِ رَمَضانَ ، وأعِنّا عَلى صِيامِهِ وصَلاتِهِ ، وتَقَبَّلهُ مِنّا . (2) .

1- .الكافى : ج 4 ص 70 ح 1 . 2 . الإقبال : ج 1 ص 65 . 3 . الكافى : ج 4 ص 74 ح 4 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 137 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 340 ح 1 .

4 / 2 دعاهای دیدن هِلال ماه رمضان
4 / 3 دعاهای ورود ماه رمضان

الف دعای پیامبر صلی الله علیه و آله

4 / 2دعاهای دیدن هِلال ماه رمضان1409.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام باقر علیه السلام :هر گاه هِلال ماه رمضان دیده می شد ، پیامبر خدا دستانش را رو به قبله بلند می کرد و می گفت :

«خداوندا ! آن را با ایمنی و ایمان ، با سلامت و اسلام ، با عافیت فراگیر ، با روزیِ گسترده و با دفع بیماری ها ، بر ما بتابان !

خداوندا ! توفیق روزه داری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن به ما روزی کن !

خداوندا ! آن را برای ما سالم بدار و آن را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن ، سلامت بدار !» .1410.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خویش علیهم السلام :علی علیه السلام ، آن گاه که در کوفه بود ، همراه مردم برای دیدن هلال ماه رمضان بیرون می شد و چون آن را می دید ، می فرمود :

«خداوندا ! آن را با ایمنی ، ایمان ، سلامت ، اسلام ، درستی از بیماری و آسودگی برای طاعت خویش ، به ما بنمایان و ما را به اندکی خواب ، کفایت کن !» .1411.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) امام صادق علیه السلام وقتی هِلال ماه رمضان دیده می شد :خدایا ! این ماه را با سلامت و اسلام ، یقین و ایمان ، نیکی و توفیق بر آنچه دوست داری و می پسندی ، بر ما وارد کن .4 / 3دعاهای ورود ماه رمضانالف دعای پیامبر صلی الله علیه و آله1412.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به نقل از جبرئیل علیه السلام) امام صادق علیه السلام :چون ماه رمضان وارد می شد ، پیامبر خدا می فرمود:

«خداوندا ! ماه رمضان وارد شد. خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که

در آن قرآن را فرو فرستادی و آن را نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار دادی ! خداوندا ! در ماه رمضان برای ما برکت قرار بده وما را بر روزه داری و نمازِ آن یاری کن و آن را از ما بپذیر !» .

.

ب دُعاءُ الإمامِ زَينِ العابِدينَ1414.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ :الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِحَمدِهِ ، وجَعَلَنا مِن أهلِهِ ؛ لِنَكونَ لاِءِحسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ ، ولِيَجزِيَنا عَلى ذلِكَ جَزاءَ المُحسِنينَ .

وَالحَمدُ للّهِ الَّذى حَبانا بِدينِهِ ، وَاختَصَّنا بِمِلَّتِهِ ، وسَبَّلَنا فى سُبُلِ إحسانِهِ ، لِنَسلُكَها بِمَنِّهِ إلى رِضوانِهِ ؛ حَمدا يَتَقَبَّلُهُ مِنّا ، ويَرضى بِهِ عَنّا .

وَالحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ مِن تِلكَ السُّبُلِ شَهرَهُ رَمَضانَ ؛ شَهرَ الصِّيامِ ، وشَهرَ الإسلامِ ، وشَهرَ الطَّهورِ ، وشَهرَ التَّمحيصِ ، وشَهرَ القِيامِ « الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ » . (1)

فَأَبانَ فَضيلَتَهُ عَلى سائِرِ الشُّهورِ بِما جَعَلَ لَهُ مِنَ الحُرُماتِ المَوفورَةِ وَالفَضائِلِ المَشهُورَةِ ، فَحَرَّمَ فيهِ ما أحَلَّ فى غَيرِهِ إعظاما ، وحَجَرَ فيهِ المَطاعِمَ وَالمَشارِبَ إكراما ، وجَعَلَ لَهُ وَقتا بَيَّنا ؛ لا يُجيزُ جَلَّ وعَزَّ أن يُقَدَّمَ قَبلَهُ ، ولا يَقبَلُ أن يُؤَخَّرَ عَنهُ .

ثُمَّ فَصَّلَ لَيلَةً واحِدَةً مِن لَياليهِ عَلى لَيالى ألفِ شَهرٍ ، وسَمّاها لَيلَةَ القَدرِ « تَنَزَّلُ الْمَلَئِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ » (2)

، سَلامٌ دائِمُ البَرَكَهِ إلى طُلوعِ الفَجرِ عَلى مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ بِما أحكَمَ مِن قَضائِهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وألهِمنا مَعرِفَةَ فَضلِهِ ، وإجلالَ حُرمَتِهِ ، وَالتَّحَفُّظَ مِمّا حَظَرتَ فيهِ ، وأعِنّا عَلى صِيامِهِ بِكَفِّ الجَوارِحِ عَن مَعاصيكَ ، وَاستِعمالِها فيهِ بِما يُرضيكَ ؛ حَتّى لا نُصغِيَ بِأسماعِنا إلى لَغوٍ ، ولا نُسرِعَ بِأبصارِنا إلى لَهوٍ ، وحَتّى لا نَبسُطَ أيدِيَنا إلى مَحظورٍ ، ولا نَخطُوَ بِأقدامِنا إلى مَحجورٍ ، وحَتّى لا تَعِيَ بُطونُنا إلاّ ما أحلَلتَ ، ولا تَنطِقَ أسنَتُنا إلاّ بِما مَثَّلتَ ، ولا نَتَكَلَّفَ إلاّ ما يُدنى مِن ثَوابِكَ ، ولا نَتَعاطى إلاَّ الَّذى يَقى مِن عِقابِكَ ، ثُمَّ خَلِّصِ ذلِكَ كُلَّهُ مِن رِياءِ المُرائينَ ، وسُمعَهِ المُسمِعينَ ، لا نُشرِكُ فيهِ أحَدا دونَكَ ، ولا نَبتَغى فيهِ مُرادا سِواكَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وقِفنا فيهِ عَلى مَواقيتِ الصَّلَواتِ الخَمسِ بِحُدودِهَا الَّتى حَدَّدتَ ، وفُروضِهَا الَّتى فَرَضتَ ، ووَظائِفِهَا الَّتى وَظَّفتَ ،

وأوقاتِهَا الّتى وَقّتَّ ، وأنزِلنا فيها مَنزِلَةَ المُصيبينَ لِمَنازِلِها ؛ الحافِظينَ لِأَركانِها ؛ المُؤَدّينَ لَها فى أوقاتِها ، عَلى ما سَنَّهُ عَبدُکَ ورَسولُکَ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ فى رُکوعِها وسُجودِها وجَميعِ فَواضِلِها ، عَلى أتَمِّ الطَّهورِ وأسبَغِهِ ، وأبيَنِ الخُشوعِ وأبلَغِهِ .

ووَفِّقنا فيهِ لِأَن نَصِلَ أرحامَنا بِالبِرِّ وَالصِّلَهِ ، وأن نَتَعاهَدَ جيرانَنا بِالْإِفضالِ وَالعَطِيَّهِ ، وأن نُخَلِّصَ أموالَنا مِنَ التَّبِعاتِ ، وأن نُطَهِّرَها بِإِخراجِ الزَّکَواتِ .

وأن نُراجِعَ مَن هاجَرَنا ، وأن نُنصِفَ مَن ظَلَمَنا ، وأن نُسالِمَ مَن عادانا ، حاشا مَن عودِىَ فيکَ ولَکَ ؛ فَإِنَّهُ العَدُوُّ الّذى لا نُواليهِ ، وَالحِزبُ الّذى لا نُصافيهِ .

وأن نَتَقَرَّبَ إلَيکَ فيهِ مِنَ الأَعمالِ الزّاکِيَهِ بِما تُطَهِّرُنا بِهِ مِنَ الذُّنوبِ ، وتَعصِمُنا فيهِ مِمّا نَستَأنِفُ مِنَ العُيوبِ ؛ حَتّى لا يورِدَ عَلَيکَ أَحَدٌ مِن مَلائِکَتِکَ إلّا دونَ ما نورِدُ مِن أبوابِ الطّاعَهِ لَکَ ، وأنواعِ القُربَهِ إلَيکَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحَقِّ هذَا الشَّهرِ ، وبِحَقِّ مَن تَعَبَّدَ لَکَ فيهِ مِن ابتِدائِهِ إلى وَقتِ

فَنائِهِ مِن مَلَکٍ قَرَّبتَهُ ، أو نَبِىٍ أرسَلتَهُ ، أو عَبدٍ صالِحٍ اِختَصَصتَهُ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأهِّلنا فيهِ لِما وَعَدتَ أولِياءَکَ مِن کَرامَتِکَ ، وأوجِب لَنا فيهِ ما أوجَبتَ لِأَهلِ المُبالَغَهِ فى طاعَتِکَ ، وَاجعَلنا فى نَظمِ مَنِ استَحَقَّ الرَّفيعَ الأعلى بِرَحمَتِکَ .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وجَنِّبنَا الإِلحادَ فى تَوحيدِکَ ، وَالتَّقصيرَ فى تَمجيدِکَ ، وَالشَّکَّ فى دينِکَ ، وَالعَمى عَن سَبيلِکَ ، وَالإِغفالَ لِحُرمَتِکَ ، وَالاِنخِداعَ لِعَدُوِّکَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وإذا کانَ لَکَ فى کُلِّ لَيلَهٍ مِن لَيالى شَهرِنا هذا رِقابٌ يُعتِقُها عَفوُکَ أو يَهَبُها صَفحُکَ ، فَاجعَل رِقابَنا مِن تِلکَ الرِّقابِ ، وَاجعَلنا لِشَهرِنا مِن خَيرِ أهلٍ وأصحابٍ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَامحَق ذُنوبَنا مَعَ امِّحاقِ هِلالِهِ ، وَاسلَخ عَنّا تَبِعاتِنا مَعَ انسِلاخِ أيّامِهِ ؛ حَتّى يَنقَضِىَ عَنّا وقَد صَفَّيتَنا فيهِ مِنَ الخَطيئاتِ وأخلَصتَنا فيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وإن مِلنا فيهِ فَعَدِّلنا ، وإن زِغنا فيهِ فَقَوِّمنا ، وإنِ اشتَمَلَ عَلَينا عَدُوُّکَ الشَّيطانُ فَاستَنقِذنا مِنهُ .

اللّهُمَّ اشحَنهُ بِعِبادَتِنا إيّاکَ ، وزَيِّن أوقاتَهُ بِطاعَتِنا لَکَ ، وأعِنّا فى نَهارِهِ عَلى صِيامِهِ ، وفى لَيلِهِ عَلَى الصَّلاهِ وَالتَّضَرُّعِ إلَيکَ ، وَالخُشوعِ لَکَ وَالذِّلَّهِ بَينَ يَدَيکَ ؛ حَتّى لا يَشهَدَ نَهارُهُ عَلَينا بِغَفلَهٍ ، ولا لَيلُهُ بِتَفريطٍ .

اللّهُمَّ وَاجعَلنا فى سائِرِ الشُّهورِ وَالْأَيّامِ كَذلِکَ ما عَمَّرْتَنا ، وَاجعَلنا مِن عِبادِکَ الصّالِحينَ «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» (3)

، «وَ الَّذِينَ

يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَ جِعُونَ» (4) ، ومِنَ الَّذينَ «يُسَرِعُونَ فِى الْخَيْرَ تِ وَ هُمْ لَهَا سَبِقُونَ» . (5)

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ فى كُلِّ وَقتٍ وكُلِّ أوانٍ وعَلى كُلِّ حالٍ ، عَدَدَ ما صَلَّيتَ عَلى مَن صَلَّيتَ عَلَيهِ ، وأضعافَ ذلِکَ كُلِّهِ بِالأَضعافِ الَّتى لا يُحصيها غَيرُکَ ، إنَّکَ فَعّالٌ لِما تُريدُ . (6) .

1- .البقره : 185 .
2- .القدر : 4 .
3- .المؤمنون : 11 .
4- .المؤمنون : 60 .
5- .المؤمنون : 61 .
6- .الصحيفه السجّاديّه : ص 165 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : ص 607 ح 695 نحوه .

ب دعای امام سجّاد علیه السلام

ب دعای امام سجّاد علیه السلام1416.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش ، آن گاه که ماه رمضان وارد می شد :سپاس ، خدایی را که ما را به حمد خویش راه نمود و ما را از ستایشگران خود قرار داد تا از سپاس گزاران نعمتش باشیم و برای آن ، به ما پاداش نیکوکاران را بدهد.

ستایش ، خدایی را که دینش را به ما ارزانی داشت و ما را ویژه آیین خود ساخت و ما را در راه های احسان خویش راهی ساخت تا با منّت او آن را به سوی رضایتش بپوییم؛ ستایشی که از ما بپذیرد و آن را از ما بپسندد. و ستایش ، برای خدایی است که یکی از آن راه ها را ، ماه خودش رمضان قرار داد ، ماه روزه داری ، ماه اسلام ، ماه پاک کننده ، ماه آزمون و پاکی ، و ماه عبادت «که در آن قرآن نازل شده است ، برای هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان» .

پس ، برتری آن را بر ماه های دیگر ، با احترام های فراوان و برتری های مشهور ، روشن ساخت. پس ، از روی بزرگداشت ، آنچه را در غیر این ماه ، حلال ساخته بود ، در این ماه ، حرام کرد ، و از روی گرامیداشت ، در آن از خوردنی ها و آشامیدنی ها بر حذر داشت و برای آن ، وقتی روشن قرار داد ، بی آن که اجازه دهد که از آن پیش افتند و نه می پذیرد که از آن ، تأخیر اندازند.

سپس یکی از شب های آن را بر شب های هزار ماه ، برتری بخشید و آن را «شب قدر» نامید که « فرشتگان و «روح» در آن شب ، با اذن پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند» ؛ شبی سلامت با برکت پیوسته تا صبح دم ، برای هر کس از بندگانش که بخواهد ، با هر حکم مسلّمی که تقدیر کرده باشد.

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناخت فضیلتش ، بزرگداشت احترامش و پرهیز (از آنچه بر حذرمان داشته ای) را به ما الهام کن و ما را با نگه داشتن اعضا از نافرمانی تو و به کارگیری آنها در این ماه بر آنچه خشنودت می سازد ، بر روزه داریِ آن یاری کن تا با گوش

هایمان به آنچه بیهوده است ، گوش نسپاریم و با چشم هایمان شتابان به بازیچه ننگریم و دستانمان را به آنچه ممنوع است ، نگشاییم و با گام هایمانْ به سوی حرام ، راه نپوییم و شکم هایمان جز آنچه را حلال کرده ای ، در بر نگیرد و زبان هایمان ، جز آنچه را تو فرموده ای ، نگوید و جز در آنچه به ثوابت نزدیکمان می سازد ، نکوشیم و جز به آنچه از کیفرت نگهمان می دارد ، نپردازیم ! آن گاه همه اینها را پیراسته از ریای ریاکاران و آوازه جویی آوازه جویان قرار بده تا کسی را شریک تو نگیریم و خواسته ای جز تو در این ماه نجوییم !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و در این ماه ، ما را بر اوقات نمازهای پنجگانه آگاهی ده ، با آن حدودی که خود مشخّص کرده ای و واجباتی که لازم نموده ای و تکالیفی که به آنها موظّف ساخته ای و اوقاتی که تعیین کرده ای ! ما را در این ماه در مرتبه کسانی فرود آر که به مراتب آن رسیده و ارکان آن را نگهبان اند و آنها را در اوقاتش انجام می دهند ، آن گونه که بنده ات و فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد در رکوع و سجود و همه آدابش، سنّت نهاده است، با کامل ترین وضو و روشن ترین و رساترین خشوع !

ما را در این ماه ، توفیق ده که به خویشانمان نیکی و احسان کنیم و با بخشش و عطا ، به همسایگانمان رسیدگی کنیم و اموال خویش را از حقوق دیگران جدا سازیم و با پرداخت زکات ، آنها را پاک کنیم و با کسی که از ما بریده ، بپیوندیم و با هر که بر ما ستم کرده ، انصاف داشته باشیم و با هر که با ما دشمنی کرده ، آشتی کنیم ، جز با آن که در راه تو و برای تو با او دشمنی می شود؛ چرا که او دشمنی است که هرگز با او دوستی نمی کنیم و از حزبی است که هرگز با آن ، دلْ صاف نمی کنیم.

و [توفیق ده که] در این ماه با کارهای پاکی که ما را به سبب آنها از گناهان ، پاک می کنی ، به تو نزدیک شویم و ما را در آن ، از این که عیب ها را از سر بگیریم ، نگاه داری ، تا این که هیچ یک از فرشتگانت جز کمتر از آنچه از ابواب طاعتت انجام می دهیم و انواع تقرّب ها که به درگاهت می جوییم ، به درگاهت نیاورد.

خداوندا ! از تو می خواهم ، به حقّ این ماه و به حقّ هر کس که تو را در آن ،

از آغاز تا انجامش ، عبادت کرده ، از فرشته ای که مقرّب داشته ای یا پیامبری که فرستاده ای و یا بنده شایسته ای که او را برگزیده ای ، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در آن ، شایسته کرامتی سازی که به دوستان خود وعده داده ای و آنچه را برای کوشایان در طاعتت مقرّر ساخته ای ، برای ما هم قرار دهی و ما را در زمره آنانی قرار دهی که با رحمتت ، والاترین مرتبه بهشت را لایق گشته اند.

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از انحراف در یکتایی ات ، کوتاهی در بزرگداشتت ، شک در دینت ، کوری به راهت ، غفلت از احترامت و فریب خوردن از دشمنت ، شیطان رانده شده ، دور بدار !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در هر شبی از شب های این ماهِ ما ، عفو تو کسانی را آزاد می کند یا گذشت تو آنان را می بخشاید ، ما را هم از آن آزادشدگان قرار بده و ما را از بهترین یاران و اهل این ماه قرار بده !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و با ناپدید شدن هلال این ماه ، گناهان ما را محو کن و با پایان یافتن روزهای آن ، پیامدهای گناهان ما را به پایان بر ، تا در حالی این ماه از ما بگذرد که از گناهان ، پاکمان ساخته و از بدی ها جدایمان کرده ای !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن به انحراف رفتیم ، راستمان کن و اگر کج رفتیم ، برپایمان دار و اگر دشمنت (شیطان) ، ما را احاطه کرد ، از چنگ او رهایمان ساز !

خداوندا ! این ماه را آکنده از پرستش خودت گردان و اوقاتش را با فرمان بُرداری ما از تو بیارای و ما را در روزش بر روزه داری ، و در شبش بر نماز و نالیدن به درگاهت و خشوع برایت و خاکساری در پیشگاهت یاری کن تا روز آن ، بر غفلت ما ، و شبش به کوتاهی ما گواهی ندهد !

خداوندا ! در ماه ها و روزهای دیگر نیز تا زنده ایم ، ما را چنین قرار بده و ما را از بندگان شایسته خود قرار بده؛ « آنان که بهشت را به میراث می برند و در آن جاویدان اند» «وآنان که هر چه انجام می دهند ، در حالی است که دل هایشان

هراسان است که به سوی پروردگارشان باز می گردند» و آنان که «در انجام دادن نیکی ها می شتابند و پیشتاز در خیرات اند».

خداوندا! بر محمّد و خاندانش ، هر لحظه و هر زمان و هر حال درود فرست ، به شمار همه آنان که برایشان درود فرستاده ای و چندین برابر همه آنها ، که شمارَش را جز تو نمی داند! همانا تو هر چه خواهی ، می کنی.

.

ص: 130

. .

ص: 131

. .

ص: 132

. .

ص: 133

. .

ج أدعِيَهُ الإمامِ الصّادِقِ1418.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ فَقُل :

اللّهُمَّ قَد حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وقَدِ افتَرَضتَ عَلَينا صِيامَهُ ، وأنزَلتَ فيهِ القُرآنَ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ . اللّهُمَّ أعِنّا عَلى صِيامِهِ ، اللّهُمَّ تَقَبَّلهُ مِنّا ، وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)1419.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :دُعاءٌ آخَرُ إن دَعَوتَ بِهِ أوَّلَ لَيلَهٍ فى شَهرِ الصِّيامِ فَقَدِّم لَفظَ :«لَيلَتى هذِهِ» عَلى «يَومى هذا» ، وإن دَعَوتَ بِهِ أوَّلَ يَومٍ مِنَ الشَّهرِ فَادعُ بِاللَّفظَهِ الَّتى يَأتى فيهِ ، وَالَّذى رَجَحَ فى خاطِرى أنَّ الدُّعاءَ بِهِ فى أوَّلِ يَومٍ مِنهُ . رَوَيناهُ بِإسنادِنا إلى أبى مُحَمَّدٍ هارونَ بنِ موسَى التَّلَّعُكبَرِىِّ ، بِإسنادِهِ إلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلامقالَ : يَقولُ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ :

اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ المُبارَكُ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وجَعَلتَهُ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ قَد حَضَرَ ، فَسَلِّمنا فيهِ وسَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا فى

يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ .

وأسأَلُكَ اللّهُمَّ أن تَغفِرَ لى فى شَهرى هذا ، وتَرحَمَنى فيهِ ، وتُعتِقَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ ، وتُعطِيَنى فيهِ خَيرَ ما أعطَيتَ أحَدا مِن خَلقِكَ ، وخَيرَ ما أنتَ مُعطيهِ ، ولا تَجعَلهُ آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ صُمتُهُ لَكَ مُنذُ أسكَنتَنى أرضَكَ إلى يَومى هذا ، وَاجعَلهُ عَلَىَ أتَمَّهُ نِعمَهً ، وأعَمَّهُ عافِيَهً ، وأوسَعَهُ رِزقا ، وأجزَلَهُ وأهنَأهُ .

اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ وبِوَجهِكَ الكَريمِ ومُلكِكَ العَظيمِ ، أن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومى هذا ، أو يَنقَضِىَ بَقِيَّهُ هذَا اليَومِ ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، أو يَخرُجَ هذَا الشَّهرُ ؛ ولَكَ قِبَلى مَعَهُ تَبِعَهٌ أو ذَنبٌ أو خَطيئَهٌ تُريدُ أن تُقايِسَنى بِذلِكَ ، أو تُؤاخِذَنى بِهِ ، أو تَقِفَنى بِهِ مَوقِفَ خِزيٍ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، أو تُعَذِّبَنى بِهِ يَومَ ألقاكَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اَللّهُمَّ إنّى أدعوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيرُكَ ، ولِرَحمَهٍ لا تُنالُ إلاّ بِكَ ، ولِكَربٍ لا يَكشِفُهُ إلاّ أنتَ ، ولِرَغبَهٍ لا تُبلَغُ إلاّ بِكَ ، ولِحاجَهٍ لا تُقضى دونَكَ .

اللّهُمَّ فَكَما كانَ مِن شَأنِکَ ما أرَدتَنی بِهِ مِن مَسألَتِکَ ، ورَحِمتَنی بِهِ مِن ذِکرِکَ ، فَلیَکُن مِن شَأنِکَ سَیِّدِی الإِجابَهُ لی فیما دَعَوْتُکَ ، وَالنَّجاهُ لی فیما قَد فَزِعتُ إلَیکَ مِنهُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافتَح لی مِن خَزائِنِ رَحمَتِکَ رَحمَهً لا تُعَذِّبُنی بَعدَها أبَدا فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، وَارزُقنی مِن فَضلِکَ الواسِعِ رِزقا حَلالاً طَیِّبا لا تُفقِرُنی بَعدَهُ إلی أحَدٍ سِواکَ أبَدا ، تَزیدُنی بِذلِکَ لَکَ شُکرا ، وإلَیکَ فاقَهً وفَقرا ، وبِکَ عَمَّن سِواکَ غِنیً وتَعَفُّفا .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن تَکونَ جَزاءَ إحسانِکَ الإِساءَهُ مِنّی ،

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن اُصلِحَ عَمَلی فیما بَینی وبَینَ النّاسِ ، واُفسِدَهُ فیما بَینی وبَینَکَ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن تُحَوِّلَ سَریرَتی بَینی وبَینَکَ ، أو تَکونَ مُخالِفَهً لِطاعَتِکَ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن یَکونَ شَیءٌ مِنَ الأَشیاءِ آثَرَ عِندی مِن طاعَتِکَ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِکَ قَلیلاً أو کَثیراً اُریدُ بِهِ أحَداً غَیرَکَ ، أو أعمَلَ عَمَلاً یُخالِطُهُ رِیاءٌ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن هَویً یُردی مَن یَرکَبُهُ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أجعَلَ شَیئا مِن شُکری فیما أنعَمتَ بِهِ عَلَیَّ لِغَیرِکَ ؛ أطلُبُ بِهِ رِضا خَلقِکَ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أتَعَدّی حَدّا مِن حُدودِکَ ؛ أتَزَیَّنُ بِذلِکَ لِلنّاسِ ، وأرکَنُ بِهِ إلَی الدُّنیا .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِطاعَتِکَ مِن مَعصِیَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، جَلَّ ثَناءُ وَجهِکَ ، لا اُحصِی الثَّناءَ عَلَیکَ ولَو حَرَصتُ ، وأنتَ کَما أثنَیتَ عَلی نَفسِکَ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ .

اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَیکَ مِن مَظالِمَ کَثیرَهٍ لِعِبادِکَ عِندی ، فَأَیُّما عَبدٍ مِن عِبادِکَ أو أمَهٍ مِن إمائِکَ کانَت لَهُ قِبَلی مَظلِمَهٌ ظَلَمتُهُ إیّاها فی مالِهِ أو

بَدَنِهِ أو عِرضِهِ لا أستَطيعُ أداءَ ذلِکَ إلَيهِ ولا أتَحَلَّلَها مِنهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأرضِهِ أنتَ عَنّى بِما شِئتَ وكَيفَ شِئتَ ، وهَبها لى .

وما تَصنَعُ يا سَيِّدى بِعَذابى وقَد وَسِعَت رَحمَتُکَ كُلَّ شَىءٍ !؟ وما عَلَيکَ يا رَبِّ أن تُكرِمَنى بِرَحمَتِکَ ولا تُهينَنى بِعَذابِکَ !؟ ولا يَنقُصُکَ يا رَبِّ أن تَفعَلَ بى ما سَأَلتُکَ وأنتَ واجِدٌ لِكُلِّ شَىءٍ !

اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ مِن كُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ ، ومِمّا ضَيَّعتُ مِن فَرائِضِکَ وأداءِ حَقِّکَ مِنَ الصَّلاهِ وَالزَّكاهِ ، وَالصِّيامِ ،

وَالجِهادِ ، وَالحَجِّ ، وَالعُمرَهِ ، وإسباغِ الوُضوءِ ، وَالغُسلِ مِنَ الجَنابَهِ ، وقِيامِ اللَّيلِ ، وكَثرَهِ الذِّكرِ ، وكَفّارَهِ اليَمينِ ، وَالاِستِرجاعِ فِى المَعصِيَهِ ، وَالصُّدودِ مِن كُلِّ شَىْءٍ قَصَّرتُ فيهِ ؛ مِن فَريضَهٍ أو سُنَّهٍ فَإِنّى أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ مِنهُ ، ومِمّا رَكِبتُ مِنَ الكَبائِرِ ، وأتَيتُ مِنَ المَعاصى ، وعَمِلتُ مِنَ الذُّنوبِ ، وَاجتَرَحتُ مِنَ السَّيِّئاتِ ، وأصَبتُ مِنَ الشَّهَواتِ ، وباشَرتُ مِنَ الخَطايا ، مِمّا عَمِلتُهُ مِن ذلِکَ عَمدا أو خَطَأً ؛ سِرّا أو عَلانِيَهً .

فَإِنّى أتوبُ إلَيکَ مِنهُ ومِن سَفکِ الدَّمِ ، وعُقوقِ الوالِدَينِ ، وقَطيعَهِ الرَّحِمِ ، وَالفَرارِ مِنَ الزَّحفِ ، وقَذفِ المُحصَناتِ ، وأكلِ أموالِ اليَتامى ظُلماً ، وشَهادَهِ الزّورِ ، وكِتمانِ الشَّهادَهِ ، وأن أشتَرِىَ بِعَهدِکَ فى نَفسى ثَمَنا قَليلاً ، وأكلِ الرِّبا وَالغُلولِ ، وَالسُّحتِ وَالسِّحرِ ، وَالكِتمانِ وَالطِّيَرَهِ ، وَالشِّركِ وَالرِّياءِ ، وَالسَّرِقَهِ وشُربِ الخَمرِ ، ونَقصِ المِكيالِ وبَخسِ الميزانِ ، وَالشِّقاقِ وَالنِّفاقِ ، ونَقضِ العَهدِ وَالفِريَهِ ، وَالخِيانَهِ وَالغَدرِ ، وإخفارِ الذِّمَّهِ وَالحَلفِ ، وَالغيبَهِ وَالنَّميمَهِ وَالبُهتانِ ، وَالهَمزِ وَاللَّمزِ وَالتَّنابُزِ بِالألقابِ ، وأذَى الجارِ ودُخولِ بَيتٍ بِغَيرِ إذنٍ ، وَالفَخرِ وَالكِبرِ وَالإِشراكِ وَالإِصرارِ وَالاِستِكبارِ ، وَالمَشيِ فِى الأَرضِ مَرَحاً ، وَالجَورِ فِى الحُكمِ ، وَالاِعتِداءِ فِى الغَضَبِ ، ورُكوبِ الحَمِيَّهِ ، وتَعَصُّدِ الظّالِمِ ، وعَونِ عَلَى الإِثمِ وَالعُدوانِ ، وقِلَّهِ العَدَدِ فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ ، ورُكوبِ الظَّنِّ وَاتِّباعِ الهَوى ، وَالعَمَلِ بِالشَّهوَهِ ، وَالأَمرِ بِالمُنكَرِ ، وَالنَّهيِ عَنِ المَعروفِ ، وفَسادٍ فِى الأَرضِ ، وجُحودِ الحَقِّ ، وَالإِدلاءِ إلَى الحُكّامِ بِغَيرِ حَقٍّ ، وَالمَكرِ وَالخَديعَهِ ، وَالبُخلِ ، وقَولٍ فيما لا أعلَمُ ، وأكلِ الميتَهِ وَالدَّمِ ولَحمِ الخِنزيرِ وما أُهِلَّ لِغَيرِ اللّهِ بِهِ ، وَالحَسَدِ وَالبَغيِ وَالدُّعاءِ إلَى الفاحِشَهِ .

وَالتَّمَنّى بِما فَضَّلَ اللّهُ ، وَالإِعجابِ بِالنَّفسِ ، وَالمَنِّ بِالعَطِيَّهِ ، وَالاِرتِكابِ إلَى الظُّلمِ ، وجُحودِ القُرآنِ ، وقَهرِ اليَتيمِ ، وَانتِهارِ السّائِلِ ، وَالحِنثِ فِى الأَيمانِ وكُلِّ يَمينٍ كاذِبَهٍ فاجِرَهٍ ، وظُلمِ أحَدٍ مِن خَلقِکَ فى أموالِهِم وأشعارِهِم

وأعراضِهِمَ وأبشارِهِم .

وما رَآهُ بَصَرى ، وسَمِعَهُ سَمعى ، ونَطَقَ بِهِ لِسانى ، وبَسَطَت إلَيهِ يَدى ، ونَقَلَت إلَيهِ قَدَمى ، وباشَرَهُ جِلدى ، وحَدَّثَت بِهِ نَفسى مِمّا هُوَ لَکَ مَعصِيَهٌ ، وکُلِّ يَمينٍ زورٍ .

ومِن کُلِّ فاحِشَهٍ وذَنبٍ وخَطيئَهٍ عَمِلتُها فى سَوادِ اللَّيلِ وبَياضِ النَّهارِ ، فِى مَلاءٍ أو خَلاءٍ ، مِمّا عَلِمتُهُ أو لَم أعلَمهُ ، ذَکَرتُهُ أو لَم أذکُرهُ ، سَمِعتُهُ أو لَم أسمَعهُ ، عَصَيتُکَ فيهِ رَبّى طَرفَهَ عَينٍ ، وفيما سِواها مِن حِلٍّ أو حَرامٍ تَعَدَّيتُ فيهِ أو قَصَّرتُ عَنهُ ، مُنذُ يَومَ خَلَقتَنى إلى أن جَلَستُ مَجلِسى هذا ، فَإِنّى أتوبُ إلَيکَ مِنهُ ، وأنتَ يا کَريمُ تَوّابٌ رَحيمٌ .

اللّهُمَّ يا ذَا المَنِّ وَالفَضلِ وَالمَحامِدِ الَّتى لا تُحصى ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاقبَل تَوبَتى ، ولا تَرُدَّها لِکَثرَهِ ذُنوبى وما أسرَفتُ عَلى نَفسى ؛ حَتّى لا أرجِعَ فى ذَنبٍ تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ، فَاجعَلها يا عَزيزُ تَوبَهً نَصوحا صادِقَهً مَبرورَهً لَدَيکَ مَقبولهً مَرفوعَهً عِندَکَ ، فى خَزائِنِکَ الَّتى ذَخَرتَها لِأَولِيائِکَ حينَ قَبِلتَها مِنهُم ورَضيتَ بِها عَنهُم .

اللّهُمَّ إنَّ هذِهِ النَّفسَ نَفسُ عَبدِکَ ، وأسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُحَصِّنَها مِنَ الذُّنوبِ وتَمنَعَها مِنَ الخَطايا وتَحرُزَها مِنَ السَّيِّئاتِ ، وتَجعَلَها فى حِصنٍ حَصينٍ مَنيعٍ لا يَصِلُ إلَيها ذَنبٌ ولا خَطيئَهٌ ، ولا يُفسِدُها عَيبٌ ولا مَعصِيَهٌ ؛ حَتّى أَلقاکَ يَومَ القِيامَهِ وأنتَ عَنّى راضٍ وأنَا مَسرورٌ ، تَغبِطُنى مَلائِکَتُکَ وأنبِياؤُکَ وجَميعُ خَلقِکَ ، وقَد قَبِلتَنى وجَعَلتَنى طائِعا طاهِرا زاکِيا عِندَکَ مِنَ الصّادِقينَ .

اللّهُمَّ إنّى أعتَرِفُ لَکَ بِذُنوبى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلها ذُنوبا لا تُظهِرُها لِأَحَدٍ مِن خَلقِکَ ، يا غَفّارَ الذُّنوبِ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، سُبحانَکَ اللّهُمَّ وبِحَمدِکَ عَمِلتُ سوءاً وظَلَمتُ نَفسى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى ، إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ .

اللّهُمَّ إن کانَ مِن عَطائِکَ ومَنِّکَ وفَضلِکَ وفى عِلمِکَ وقَضائِکَ أن تَرزُقَنِى التَّوبَهَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاعصِمنى بَقِيَّهَ عُمُرى ، وأحسِن مَعونَتى فِى الجِدِّ وَالاِجتِهادِ وَالمُسارَعَهِ إلى ما تُحِبُّ وتَرضى وَالنَّشاطِ وَالفَرَحِ وَالصِّحَّهِ ، حَتّى أبلُغَ فى عِبادَتِکَ وطاعَتِکَ الَّتى يَحِقُّ لَکَ عَلَىَ رِضاکَ .

وأن تَرزُقَنى بِرَحمَتِکَ ما أُقيمُ بِهِ حُدودَ دينِکَ ، وحَتّى أعمَلَ فى ذلِکَ بِسُنَنِ نَبِيِّکَ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ ، وَافعَل ذلِکَ بِجَميعِ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ فى

مَشارِقِ الأرضِ ومَغارِبِها ، اللّهُمَّ إنَّکَ تَشکُرُ اليَسيرَ وتَغفِرُ الکَثيرَ ، وأنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ تَقولُها ثَلاثا . (2) .

1- .الکافی : ج 4 ص 74 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 383 ح 2 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 119 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 326 ح 1 .

ج دعاهای امام صادق علیه السلام1413.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه ماه رمضان رسید ، بگو:

«خداوندا! ماه رمضان فرا رسید ، که روزه داری اش را بر ما واجب ساخته ای و در آن قرآن را فرو فرستاده ای ، تا هدایتگر مردم باشد و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان. خداوندا! بر روزه داریِ آن یاری مان کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن ، سلامت بدار و آن را همراه آسانی و عافیت ، از ما دریافت کن! همانا تو بر هر چیزْ توانایی ، ای مهربان ترین مهربانان!».1414.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال [سیّد ابن طاووس گوید] :دعای دیگری است که اگر در شب اوّل ماهِ روزه خواندی ، لفظِ «امشبم» را بر «امروزم» مقدّم بدار و اگر در نخستین روز از ماه خواندی ، به همان لفظی بخوان که در دعا آمده است. آنچه در نظر من برتر است ، این است که این دعا در اوّلین روز ماه رمضان خوانده شود. این دعا را با سند خود به ابو محمّد هارون بن موسی تَلَّعُکبری و با سندش به امام صادق علیه السلام ، روایت کرده ایم که فرمود: «چون ماه رمضان فرا رسد ، می گویی:

خداوندا! این ماه مبارک رمضان ، که در آن قرآن را فرو فرستاده ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده ای ، فرا رسیده است. پس ، ما را در آن و آن را برای ما سلامت بدار و آن را همراه با آسانی و عافیت از سوی خودت ، از ما دریافت کن!

خداوندا! از تو می خواهم که در این ماه ، مرا بیامرزی و بر من رحمت آوری و از آتش برهانی و بهترین چیزی که به هر یک از آفریدگانت داده ای و خواهی داد ، به من هم بدهی ، و از وقتی که مرا در زمین خود جای داده ای تا امروز ، آن را آخرین ماه رمضانی قرار مدهی که برایت روزه گرفته ام. آن را برای من پر نعمت ترین، با عافیت ترین، پر روزی ترین، سرشارترین و گواراترین ماه،قراربده!

خداوندا! به تو و وجود بزرگوار و فرمان روایی بزرگت پناه می برم. مبادا خورشید ، امروز غروب کند ، یا بقیّه این روز سپری شود ، یا سپیده این

شبْ طلوع نماید ، یا این ماه پایان پذیرد ، در حالی که هنوز گناه و خطای نبخشوده ای داشته باشم که می خواهی مرا به سبب آن ، مورد سختگیری و مؤاخذه قرار دهی ، یا مرا در دنیا و آخرت در جایگاه خواری نگه داری و یا در روزی که دیدارت می کنم ، به سبب آن عذابم کنی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! تو را می خوانم ، برای اندوهی که جز تو آن را نمی زداید و برای رحمتی که جز به تو به دست نمی آید و برای غم جانکاهی که جز تو آن را برطرف نمی سازد و برای خواسته ای که جز به تو نمی توان به آن رسید و برای نیازی که جز با تو بر نمی آید.

خداوندا ! همان گونه که از شأن تو بود که از من خواستی تا از درگاه تو بخواهم و از رحمت تو بود که تو را یاد کنم ، سرورم ! این نیز از شأن تو باشد که دعایم را اجابت کنی و از آنچه به درگاه تو نالیدم ، نجاتم بخشی.

خداوندا ! بر محمّد و دودمان محمّد درود فرست و از گنجینه های رحمت خویش بر من چنان رحمتی بگشای که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت عذابم نکنی ، و از نعمت گسترده ات چنان روزیِ حلال و پاکیزه ای روزی ام کن که پس از آن به کسی جز تو نیازمندم نسازی و به سبب آن بر سپاس گزاری ام برایت بیفزایی و نیازمندی مرا به خودت بیشتر کنی و از غیر خودت بی نیازتر و عفیف ترم گردانی !

خدایا ! پناه می برم به تو از این که پاداش نیکی ات از سوی من ، بدی باشد.

خدایا ! پناه می برم به تو از این که کارِ میان خودم و مردم را اصلاح کنم؛ ولی کار میان خودم و تو را خراب سازم.

خدایا ! پناه می برم به تو از این که در نظرم چیزی برتر از اطاعت تو باشد.

خدایا ! پناه می برم به تو از این که طاعتی کم یا زیاد را به خاطر کسی جز تو انجام دهم یا کاری آمیخته به ریا انجام دهم.

خدایا ! پناه می برم به تو از تسلیم نفْس شدن ، که هر که مرتکبش شود ، هلاکش می سازد.

خدایا! پناه می برم به تو از این که سپاسم بر نعمتی که به من دادی ، برای جز تو باشد و در پیِ پسند آفریده های تو باشم.

خدایا! پناه می برم به تو از این که از مرزی از مرزهایت فراتر روم ، تا بدین سبب ، خود را برای مردم بیارایم ، یا میل به دنیا داشته باشم.

خدایا! از کیفرت به بخشایشت پناه می برم و از خشمت به خرسندی ات ، و از نافرمانی ات به طاعتت و از تو به خودت. ثنای ذاتت ، بزرگ است. هر چه بخواهم و بکوشم ، از عهده ثنای تو بر نمی آیم و تو ، آن گونه ای که خویش را ستوده ای. منزّهی و با حمد تو ستایش و تسبیحت می گویم.

خداوندا! به خاطر حقوق بسیاری که از بندگانت بر گردن دارم ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت توبه می کنم. پس ، هر بنده ای از بندگانت و هر کنیزی از کنیزانت که حقّی بر گردن من دارد و به او در مورد مال و بدن و آبرویش ستم کرده ام و یارای ادای حقّ او و حلالیّت خواهی از او را ندارم ، پس از آن که بر محمّد و خاندانش درود می فرستی ، وی را خودت ، با هر چه و به هر شکلی که می خواهی ، از من راضی ساز و آن حق را بر من ببخش!

سرورم! عذاب مرا می خواهی چه کنی؛ تو که رحمتت همه چیز را فراگیر است؟ خدایا! چه می شود که مرا با رحمت خویش اکرام کنی و با عذابت خوارم نگردانی؟ پروردگارا! اگر آنچه را از تو خواستم ، برآوری ، چیزی از تو کم نمی شود ، که تو همه چیز داری.

خداوندا! از تو آمرزش می خواهم؛ و از هر گناهی که از آن توبه کردم ، امّا دوباره مرتکب شدم ، به درگاهت توبه می کنم؛ و از هر چه از واجباتت و ادای حقّت تباه کردم ، از : نماز و زکات ، روزه و جهاد ، حج و عمره ، وضوی کامل و غسل جنابت ، شب زنده داری و یاد فراوان ، کفّاره دروغ و بازگشت خواهی در

گناه و جلوگیری از هر چه در آن کوتاهی کردم ، از: واجب و مستحب ، از تو آمرزش می خواهم و از آن به سویت روی می آورم؛ و از هر گناه کبیره و معصیت و بدی ای که مرتکب شدم و در پی شهوات رفتم و یا خطا کردم ، به عمد یا خطا ، نهان و یا آشکار ، توبه می کنم.

من به درگاهت توبه می کنم ، از آن [گناه] و نیز از: ریختن خون ، نافرمانی پدر و مادر ، قطع رَحِم ، فرار از میدان جنگ ، تهمت زدن به زنان

پاک دامن ، ظالمانه خوردن مال یتیمان ، شهادت دروغ دادن ، کتمان شهادت ، و این که عهد تو را درباره خودم به بهایی اندک بفروشم ، و از: رباخواری ، خیانت در غنائم ، مال حرام ، جادوگری ، کتمان ، فال بد زدن ، شرک ، ریا ، سرقت ، میخواری ، کاستن از پیمانه ، کم فروشی ، دشمنی ، دورویی ، پیمان شکنی ، دروغ بستن ، خیانت ، نیرنگ زدن ، وفا نکردن به پیمان (تعهّد) و سوگند ، غیبت ، سخن چینی کردن ، تهمت زدن ، مسخره کردن با چشم و اشاره ، نام بد نهادن بر دیگران ، آزردن همسایه ، ورود بی اجازه به یک خانه ، فخر ، تکبّر ، شرک ورزیدن ، اصرار بر گناه ، سرکشی کردن ، راه رفتن مغرورانه ، حکم ظالمانه نمودن ، تجاوز از حق به هنگام خشم ، تعصّب ورزیدن ، یاری رسانی به ستمگر ، کمک کردن به گناه و دشمنی ، کاستی شمار خانواده و ثروت و فرزند ، با گمانْ عملی کردن ، در پیِ هوای نفْس بودن ، عمل به شهوت ، فرمان دادن به منکر ، نهی از معروف ، تباهگری در زمین ، انکار حق ، به ناحق به حاکمان رشوه دادن ، مکر نمودن و فریب دادن ، بخل ورزیدن ، سخن گفتنْ آن جا که نمی دانم ، خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام خدا [هنگام ذبحْ] بر آن گفته نشده ، حسد ورزیدن ، ستم کردن ، دعوت به فحشا ، آرزوی داشتن آنچه خداوند [به دیگری] عطا کرده است ، خودپسندی ، منّت

نهادن به خاطر بخشش، مرتکب ظلم شدن، انکار قرآن، راندن یتیم و نیازمند، شکستن قَسَم ، هر سوگند دروغ و ناروا ، ستم کردن به هر یک از بندگانت در اموال و موها و آبروها و پوست هایشان ، و آنچه را چشمم دیده و گوشم شنیده و زبانم گفته و دستم انجام داده و گامم به سوی آن رفته و پوستم به آن رسیده و هر گناهی که پیش خودم و با خودم گفته ام ، و از هر سوگند دروغ.

و از: هر زشتی و گناه و خطایی که کرده ام، در تاریکی شب یا روشنایی روز ، در جمع یا خلوت ، دانسته یا ندانسته ، آنچه در یاد دارم یا به یادم نیست ، شنیده ام یا نشنیده ام، در مورد هر آنچه به اندازه چشم بر هم زدنی در آن ، پروردگارم را نافرمانی کرده ام و در غیر اینها ، از حلال یا حرامی که از حق فراتر رفته ام یا کوتاه آمده ام، از آن روز که مرا آفریده ای ، تا اینک که در جایگاهم نشسته ام ؛ پس ، من از آن به درگاهت توبه می کنم و تو ای بزرگوار! توبه پذیر و مهربانی.

خداوندا! ای صاحب منّت و احسان و خوبی های بی شمار! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و توبه ام را بپذیر و به خاطر فزونی گناهانم و اسرافم بر خویش ، توبه ام را رد مکن ، تا آن که گناهی را که از آن پیش

تو توبه کردم ، دوباره انجامش ندهم. توبه ام را ای خدای عزیز توبه ای خالصانه ، راستین ، پذیرفته درگاهت و بالا رفته تا آستانت قرار بده ، در آن گنجینه های رحمتی که برای دوستانت ذخیره ساخته ای، آن گاه که توبه آنان را پذیرفته و از ایشان راضی شده ای !

خداوندا ! این جان ، جان بنده توست. از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و جانم را از گناهان ، نگاه داری و از خطاها باز داری و از بدی ها محافظت کنی و آن را در دژی استوار و نفوذناپذیر قرار دهی تا گناه و خطایی به آن نرسد و عیب و عصیانی تباهش نسازد ، تا آن که در روز قیامت ، در حالی دیدارت کنم که از من خشنودی و من خوش حالم و فرشتگان و پیامبرانت و همه آفریدگانت بر من رشک می برند ، آن گاه که مرا پذیرفته ای و مرا فرمان بردار و پاک ، نزد خودت از راستان ، قرار داده ای !

خداوندا ! در پیشگاهت به گناهانم اعتراف می کنم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهانم را چنان گردان که بر هیچ یک از آفریدگانت آشکار نسازی ، ای آمرزنده گناهان ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! تو منزّهی ای خداوند و تو را می ستایم. بد کردم و بر خویشتن ستم نمودم؛ پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز! همانا تو بخشاینده مهربانی.

خداوندا ! اگر از عطا و منّت و احسانت چنین است و در علم و تقدیرت ، این است که توبه را روزی ام کنی ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در باقی مانده عمرم نگه دار و در تلاش و کوشش و شتاب به سوی آنچه دوست داری و می پسندی و در نشاط و شادمانی و تن درستی ، نیکو یاری ام کن تا در بندگی و طاعت تو ، آن گونه که شایسته توست ، به رضای تو برسم !

می خواهم که با رحمت خویش ، آنچه را با آن احکام دین تو را بر پا دارم ، روزی ام کنی و در این راه، به سنّت پیامبرت که درود تو بر او و خاندانش باد عمل کنم. این را با همه مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین انجام بده !

[پس سه بار می گویی:] خداوندا ! تو کار اندک را سپاس گفته و پاداش می دهی و گناهِ بسیار را می آمرزی و تو آمرزنده و مهربانی».

.

ص: 136

. .

ص: 137

. .

ص: 138

. .

ص: 139

. .

ص: 140

. .

ص: 141

. .

ص: 142

. .

ص: 143

. .

د دُعاءُ الإمامِ الكاظِم1416.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الكافى عن علىّ بن رئاب عن الإمام الكاظم علیه السلام :اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلَ دُخولِ السَّنَهِ ، وذَكَرَ أنَّهُ مَن دَعا بِهِ مُحتَسِبا مُخلِصا لَم تُصِبهُ فى تِلكَ السَّنَهِ فِتنَهٌ ولَا آفَهٌ يُضَرُّ بِها دينُهُ وبَدَنُهُ ، ووَقاهُ اللّهُ عَزَّ ذِكرُهُ شَرَّ ما يَأتى بِهِ تِلكَ السَّنَهَ :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى دانَ لَهُ كُلُّ شَى ءٍ ، وبِرَحمَتِكَ الَّتى وَسِعَت كُلَّ شَى ءٍ ، وبِعِزَّتِكَ الَّتى قَهَرتَ بِها كُلَّ شَى ءٍ ، وبِعَظَمَتِكَ الَّتى تَواضَعَ لَها كُلُّ شَى ءٍ ، وبِقُوَّتِكَ الَّتى خَضَعَ لَها كُلُّ شَى ءٍ ، وبِجَبَروتِكَ الَّتى غَلَبَت كُلَّ شَى ءٍ ،

وبِعِلمِكَ الَّذى أحاطَ بِكُلِّ شَى ءٍ ، يا نورُ يا قُدّوسُ ، يا أوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَى ءٍ ويا باقى بَعدَ كُلِّ شَى ءٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا أللّهُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُنزِلُ النِّقَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُديلُ الأَعداءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى يُستَحَقُّ بِها نُزولُ البَلاءِ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَكشِفُ الغِطاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَهتِكُ العِصَمَ ، وأَلبِسنى دِرعَكَ الحَصينَهَ الَّتى لا تُرامُ ، وعافِنى مِن شَرِّ ما اُحاذِرُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ فى مُستَقبِلِ سَنَتى هذِهِ .

اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وَالأَرَضينَ السَّبعِ وما فيهِنَّ وما بَينَهُنَّ ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، ورَبَّ السَّبعِ المَثانى وَالقُرآنِ العَظيمِ ، ورَبَّ إسرافيلَ وميكائيلَ وجَبرَئيلَ ، ورَبَّ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آلهوأَهلِ بَيتِهِ سَيِّدِ المُرسَلينَ وخاتَمِ النَّبِيِّينَ ، أسأَلُكَ بِكَ وبِما سَمَّيتَ يا عَظيمُ ، أنتَ الَّذى تَمُنُّ بِالعَظيمِ وتَدفَعُ كُلَّ مَحذورٍ ، وتُعطى كُلَّ جَزيلٍ وتُضاعِفُ مِنَ الحَسَناتِ بِالقَليلِ وَالكَثيرِ وتَفعَلُ ما تَشاءُ ، يا قَديرُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا رَحيمُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأَهلِ بَيتِهِ ، وأَلبِسنى فى مُستَقبِلِ هذِهِ السَّنَهِ سِترَكَ ، ونَضِّر وَجهى بِنورِكَ ، وأَحِبَّنى بِمَحَبَّتِكَ ، وبَلِّغنى رِضوانَكَ وشريفَ كَرامَتِكَ وجَزيلَ عَطائِكَ مِن خَيرِ ما عِندَكَ ومِن خَيرِ ما أنتَ مُعطٍ أحَدا مِن خَلقِكَ ، وأَلبِسنى مَعَ ذلِكَ عافِيَتَكَ ، يا مَوضِعَ كُلِّ شَكوى ويا شاهِدَ كُلِّ نَجوى ، ويا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّهٍ ويا دافِعَ كُلِّ ما تَشاءُ مِن بَلِيَّهٍ ، يا كَريمَ العَفوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، تَوَفَّنى

عَلى مِلّهِ إبراهيمَ وفِطرَتِهِ ، وعَلى دينِ مُحَمَّدٍ وسُنَّتِهِ ، وعَلى خَيرِ وَفَاهٍ فَتَوَفَّنى ؛ مُوالِيا لِأَولِيائِکَ مُعادِيا لِأَعدائِکَ .

اللّهُمَّ وجَنِّبنى فى هذِهِ السَّنَهِ كُلَّ عَمَلٍ أو قَولٍ أو فِعلٍ يُباعِدُنى مِنکَ ، وَاجلِبنى إلى كُلِّ عَمَلٍ أو قَولٍ أو فِعلٍ يُقَرِّبُنى مِنکَ فى هذِهِ السَّنَهِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، وَامنَعنى مِن كُلِّ عَمَلٍ أو فِعلٍ أو قَولٍ يَكونُ مِنّى أخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ وأخافُ مَقتَکَ إيّايَ عَلَيهِ ، حَذَرا أن تَصرِفَ وَجهَکَ الكَريمَ عَنّى فَأستَوجِبَ بِهِ نَقصا مِن حَظّى لى عِندَکَ ، يا رَؤوفُ يا رَحيمُ .

اللّهُمَّ اجعَلنى فى مُستَقبِلِ هذِهِ السَّنَهِ فى حِفظِکَ وجِوارِکَ وكَنَفِکَ ، وجَلِّلنى سِترَ عافِيَتِکَ ، وهَب لى كَرامَتَکَ ، عَزَّ جارُکَ وجَلَّ ثَناءُ وَجهِکَ ولا إلهَ غَيرُکَ .

اللّهُمَّ اجعَلنى تابِعا لِصالِحِ مَن مَضى مِن أولِيائِکَ وألحِقنى بِهِم ، وَاجعَلنى مُسَلِّما لِمَن قالَ بِالصِّدقِ عَلَيکَ مِنهُم ، وأعوذُ بِکَ يا إلهى أن تُحيطَ بِهِ خَطيئَتى وظُلمى وإسرافى عَلى نَفسى وَاتِّباعى لِهَوايَ وَاشتِغالى بِشَهَواتى ، فَيَحولَ ذلِکَ بَينى وبَينَ رَحمَتِکَ ورِضوانِکَ ، فَأكونَ مَنسِيّا عِندَکَ ، مُتَعَرِّضا لِسَخَطِکَ ونِقمَتِکَ .

اللّهُمَّ وَفِّقنى لِكُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرضى بِهِ عَنّى،وقَرِّبنى بِهِ إلَيکَ زُلفى.

اللّهُمَّ كَما كَفَيتَ نَبِيَّکَ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله هَولَ عَدُوِّهِ ، وفَرَّجتَ هَمَّهُ وكَشَفتَ غَمَّهُ وصَدَقتَهُ وَعدَکَ وأنجَزتَ لَهُ مَوعِدَکَ بِعَهدِکَ ، اللّهُمَّ بِذلِکَ فَاكفِنى هَولَ هذِهِ السَّنَهِ وآفاتِها وأسقامَها وفِتنَتَها وشُرورَها وأحزانَها وضيقَ المَعاشِ فيها ، وبَلِّغنى بِرَحمَتِکَ كَمالَ العافِيَهِ بِتَمامِ دَوامِ العافِيَهِ وَالنِّعمَهِ عِندى إلى مُنتَهى أجَلى ، أسأَلُکَ سُؤالَ مَن أساءَ وظَلَمَ وَاعتَرَفَ ، وأسأَلُکَ أن تَغفِرَ لى ما مَضى مِنَ الذُّنوبِ الَّتى حَصَرَتها حَفَظَتُکَ وأحصَتها كِرامُ مَلائِكَتِکَ عَلَىَ ، وأن تَعصِمَنى إلهى مِنَ الذُّنوبِ فيما بَقِىَ مِن عُمُرى إلى مُنتَهى أجَلى ، يا أللّهُ يا رَحمانُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ وآتِنى كُلَّ ما سَأَلتُکَ ورَغِبتُ إلَيکَ فيهِ ؛ فَإِنَّکَ أمَرتَنى بِالدُّعاءِ وتَكَفَّلتَ لى بِالإِجابَهِ . (1) .

1- .الكافى : ج 4 ص 72 ح 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 102 ح 1848 .

د دعای امام کاظم علیه السلام

د دعای امام کاظم علیه السلام1418.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن رئاب :امام کاظم علیه السلام فرمود: «در ماه رمضان در طلیعه ورود سال این دعا را بخوان» و فرمود: «هر کس این دعا را به خاطر پاداش الهی و مخلصانه بخواند ، در آن سال ، فتنه و آفتی که به دین و بدن او زیان برساند ، به او نخواهد رسید و خدای متعال ، او را از بدی های آن سال نگه می دارد :

خداوندا! تو را به آن نامت که هر چیزْ بدان گردن نهاده است ، و به آن رحمتت که هر چیزْ را فرا گرفته است ، و به آن قدرتت که با آن بر هر چیزْ غلبه یافته ای، و به آن عظمتت که هر چیزْ در برابر آن فروتن است ، و به آن توانمندی و شوکتی که بر هر چیزْ غالب است ، و به آن دانشت که بر هر چیزْ احاطه دارد ، می خوانم.

ای نور ، ای بی عیب! ای آغاز قبل از هر چیز و ای ماندگار پس از هر چیز! ای خداوند ، ای بخشایشگر ، ای خداوند! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهانی را از من ببخشای که نعمت ها را تغییر می دهند ، و گناهانی را از من بیامرز که دشمنان را چیره می سازند ، و گناهانی را از من بیامرز که امید را قطع می کنند ، و گناهانی را از من بیامرز که به سبب آنها بلا نازل می شود ، و گناهانی را از من بیامرز که باران آسمان را نگه می دارند ، و گناهانی را از من بیامرز که پرده را کنار می زنند ، و گناهانی را از من بیامرز که نابودی را نزدیک می سازند ، و گناهانی را از من بیامرز که پشیمانی را به همراه می آورند ، و گناهانی را از من بیامرز که رشته های پیوند (با تو را) می بُرند ، و مرا از آن زره محکم خویش، که آسیبی به آن نمی رسد، بپوشان و در باقی مانده این سال ، مرا از شرّ آنچه شب و روز از آن حذر می کنم ، ایمن گردان!

خداوندا! ای پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و میان آنهاست! ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار سوره حمد و قرآن بزرگ! ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل! و ای پروردگار محمّد صلی الله علیه و آله آن که سرور رسولان و آخر پیامبران است و خاندانش!

به حقّ خودت و به آنچه نامیده ای ای بزرگ! ای تویی که نعمت بزرگ عطا می کنی و هر بدی را باز می داری و هر پاداش فراوانی را عطا می کنی و حسنات را چند برابر می کنی و در برابر کار کم پاداش فراوان می دهی و آنچه می خواهی ، می کنی! ای توانا ، ای خداوند! ای بخشایشگر ، ای مهربان! از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و در باقی مانده این سال ، پوشش خود را بر من بپوشانی و با فروغ خود ، چهره ام را طراوت بخشی و با محبّت خویش دوستم بداری و مرا به رضوان و کرامت ارجمند خود و پاداش فراوانت (از خیر آنچه پیش توست و از خیر آنچه به هر یک از بندگانت می دهی) برسانی و افزون بر اینها عافیت خود را بر من بپوشانی.

ای جایگاه هر شِکوه ، ای گواه هر نجوا ، ای دانای هر نهان! ای برگرداننده هر بلایی که بخواهی ، ای نیکوبخشایش ، ای نیک گذشت! مرا بر آیین و سرشت ابراهیم و بر دین و سنّت محمّد و با بهترین مرگ ، بمیران ، در حالی که دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم!

خداوندا! در این سال ، مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از تو دورم می کند ، دور بدار ، و در این سال ، مرا به هر کار و سخن و رفتاری که به تو نزدیکم می سازد ، بگمار ای مهربان ترینِ مهربانان و مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از من سر زند و از زیان فرجامش بیم داشته باشم و از خشمت بر خودْ بترسم ، باز دار ، مبادا که روی عنایتت را از من برگردانی و من مستوجب کاهش بهره ام از نزد تو گردم ، ای خیرخواه ، ای مهربان!

خداوندا! در باقی مانده این سال ، مرا در حفظ ، جوار و پناه خود قرار بده و با پوشش عافیتت مرا بپوشان و کرامتت را بر من ارزانی دار ، ای که پناهت استوار و ثنای ذاتت باشُکوه است و معبودی جز تو نیست!

خداوندا! مرا پیرو دوستان شایسته ات که درگذشته اند، قرار بده و مرا به آنان ملحق ساز و مرا پذیرای کسی قرار بده که از طرف آنان بر تو راست گفته است! و به تو پناه می برم ای خدا از این که خطا و ظلم و اسرافم بر خود و پیروی از هوای نفْسم و پرداختن به خواسته های دلم مرا فرا گیرد و این ، میان من و رحمت و رضای تو فاصله اندازد و نزد تو از فراموش شدگان ، و در معرض خشم و عقوبتت باشم.

خداوندا! مرا به هر کار شایسته ای که تو را از من خرسند می سازد ، موفّق بدار و مرتبه ام را به خودت نزدیک گردان!

خداوندا! آن سان که پیامبرت محمّد را از بیم دشمنش کفایت کردی و برای اندوهش گشایش ایجاد کردی و غصّه اش را برطرف ساختی و وعده ات را برای او محقّق نمودی و به عهد و پیمانت با او وفا کردی خدایا به حقّ این بزرگواری ات ، مرا هم در این سال ، از هراس و آفت ها و بیماری ها و فتنه ها و بدی ها و اندوه ها و تنگناهای زندگی ، کفایت کن و مرا با رحمت خویش ، به عافیت کامل و دوام عافیت و نعمتت در نزدم تا پایان عمرم برسان!

از تو می خواهم ، خواستن آن که بد کرده و ستم کرده و اعتراف نموده است. از تو می خواهم که گناهان گذشته ام را که مراقبان و فرشتگان بزرگوارت بر من بر شمرده اند ، ببخشایی و مرا تا آخر عمرم از گناهانْ نگه داری. ای خدا ، ای مهربان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هر چه را از تو خواستم و در درگاهت به آن اظهار علاقه کردم ، عطایم کن! همانا تو مرا به دعا فرمان داده ای و عهده دار اجابت گشته ای» .

.

ص: 146

. .

ص: 147

. .

ص: 148

. .

ص: 149

. .

ه دُعاءُ الإمامِ الجَوادِ1420.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن عبد العظیم بن عَبد اللّه الحسنی :صَلّی أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ الرِّضا علیه السلام صَلاةَ المَغرِبِ فی لَیلَهٍ رَأی فیها هِلالَ شَهرِ رَمَضانَ ، فَلَمّا فَرَغَ مِنَ الصَّلاهِ ونَوَی الصِّیامَ رَفَعَ یَدَیهِ فَقالَ :

اللّهُمَّ ، یا مَن یَملِکُ التَّدبیرَ وهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، یا مَن یَعلَمُ خائِنَهَ الأعیُنِ وما تُخفِی الصُّدورُ وتُجِنُّ الضَّمیرُ وهُوَ اللّطیفُ الخَبیرُ ، اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن نَوی فَعَمِلَ ، ولا تَجعَلنا مِمَّن شَقِیَ فَکَسِلَ ، ولا مِمَّن هُوَ عَلی غَیرِ عَمَلٍ یَتَّکِلُ ، اللّهُمَّ صَحِّح أبدانَنا مِنَ العِلَلِ ، وأعِنّا عَلی مَا افتَرَضتَ عَلَینا مِنَ العَمَلِ ، حَتّی یَنقَضِیَ عَنّا شَهرُکَ هذا وقَد أدَّینا مَفروضَکَ فیهِ عَلَینا ، اللّهُمَّ أعِنّا عَلی صِیامِهِ ، ووَفِّقنا لِقِیامِهِ ، ونَشِّطنا فیهِ لِلصَّلاهِ ، ولا تَحجُبنا مِنَ القِراءَهِ ، وسَهِّل لَنا فیهِ إیتاءَ الزَّکاهِ .

اللّهُمَّ لا تُسَلِّط عَلَینا وَصَبا ولا تَعَبا ولا سَقَما ولا عَطَبا ، اللّهُمَّ ارزُقنَا الإفطارَ مِن رِزقِکَ الحَلالِ ، اللّهُمَّ سَهِّل لَنا فیهِ ما قَسَمتَهُ مِن رِزقِکَ ویَسِّر ما قَدَّرتَهُ مِن أمرِکَ ، وَاجعَلهُ حَلالاً طَیِّبا نَقِیّا مِنَ الآثامِ ، خالِصا مِنَ الآصارِ وَالأجرامِ .

اللّهُمَّ ، لا تُطعِمنا إلاّ طَیِّبا غَیرَ خَبیثٍ ولا حَرامٍ ، وَاجعَل رِزقَکَ لَنا حَلالاً لا یَشوبُهُ دَنَسٌ ولا أسقامٌ ، یا مَن عِلمُهُ بِالسِّرِّ کَعِلمِهِ بِالإعلانِ ، یا مُتَفَضِّلاً عَلی عِبادِهِ بِالإحسانِ ، یا مَن هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، وبِکُلِّ شَیءٍ عَلیمٌ خَبیرٌ ، ألهِمنا ذِکرَکَ وجَنِّبنا عُسرَکَ ، وأنِلنا یُسرَکَ وَاهدِنا لِلرَّشادِ ، ووَفِّقنا لِلسَّدادِ ، وَاعصِمنا مِنَ البَلایا ، وصُنّا مِنَ الأوزارِ وَالخَطایا ، یا مَن لا یَغفِرُ عَظیمَ الذُّنوبِ غَیرُهُ ، ولا یَکشِفُ السَّوءَ إلاّ هُوَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ وأکرَمَ الأکرَمینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ الطَّیِّبینَ ، وَاجعَل صِیامَنا مَقبولاً ، وبِالبِرِّ وَالتَّقوی

مَوصولاً ، وکَذلِکَ فَاجعَل سَعیَنا مَشکورا ، وقِیامَنا مَبرورا ، وقُرآنَنا مَرفوعا ، ودُعاءَنا مَسموعا ، وَاهدِنا لِلحُسنی ، وجَنِّبنَا العُسری ، ویَسِّرنا لِلیُسری ، وأعلِ لَنَا الدَّرَجاتِ ، وضاعِف لَنَا الحَسَناتِ ، وَاقبَل مِنَّا الصَّومَ وَالصَّلاهَ ، وَاسمَع مِنَّا الدَّعَواتِ ، وَاغفِر لَنَا الخَطیئاتِ ، وتَجاوَز عَنَّا السَّیِّئاتِ ، وَاجعَلنا مِنَ العامِلینَ الفائِزینَ ولا تَجعَلنا مِنَ المَغضوبِ عَلَیهِم ولاَ الضّالّینَ ، حَتّی یَنقَضِیَ شَهرُ رَمَضانَ عَنّا وقَد قَبِلتَ فیهِ صِیامَنا وقِیامَنا ، وزَکَّیتَ فیهِ أعمالَنا ، وغَفَرتَ فیهِ ذُنوبَنا ، وأجزَلتَ فیهِ مِن کُلِّ خَیرٍ نَصیبَنا ، فَإنَّکَ الإلهُ المُجیبُ وَالرَّبُّ القَریبُ ، وأنتَ بِکُلِّ شَیءٍ مُحیطٌ . (1) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 76 .

ه دعای امام جواد علیه السلام

ه دعای امام جواد علیه السلام1421.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) الإقبال به نقل از عبدالعظیم حسنی :امام جواد علیه السلام در شبی که هِلال ماه رمضان را دید ، نماز مغرب را خوانْد و پس از پایان نماز ، چون نیّت روزه کرد ، دست برداشت و چنین گفت:

«خداوندا ! ای آن که مالک تدبیری و بر هر چیز ، توانایی ! ای آن که نگاه های ناروای چشم ها را می دانی و از آنچه در سینه ها نهان و در درون ، پنهان است ، باخبری ! ای خدای باریک بین و آگاه !

خداوندا ! ما را از آنانی قرار ده که نیّت کردند و عمل نمودند ، و از آنانی قرار مده که بدبخت شدند و سستی نشان دادند ، و نه از آنان که به غیر عمل ، تکیه کردند.

خداوندا ! بدن های ما را از بیماری ها سالم بدار و بر کاری که بر ما واجب ساخته ای، یاری ده تا آن که این ماهت بر ما بگذرد ، در حالی که تکلیف واجبت را ادا کرده باشیم.

خداوندا ! بر روزه داری اش یاری مان کن و بر عبادتش توفیقمان ده و برای نماز در آن ، نشاطمان بخش و ما را از قرائت [قرآن] ، محروم نگردان و پرداخت زکات را در آن برای ما آسان ساز !

خداوندا ! بر ما درد مدام ، خستگی ، بیماری و نابودی را چیره مساز !

خداوندا ! به ما افطاری از روزیِ حلالت روزی گردان !

خداوندا ! آنچه را در آن از روزی ات بر ما تقسیم کرده ای و آنچه را از فرمانت بر ما مقدّر ساخته ای، برایمان آسان گردان و آن روزی را حلال ، پاک ، دور از آلودگی ها و پیراسته از گناهان و جُرم ها قرار بده !

خداوندا ! جز پاکیزه نیالوده و غیر حرامْ به ما نخوران ، و روزیِ خود را برای ما حلال و به دور از آلودگی و بیماری ها قرار بده !

ای که نهان را چون آشکار می دانی! ای که بر بندگانت با فضل ، نیکی می کنی! ای که بر هر چیز ، توانا و از هر چیز ، آگاه و به هر چیز ، دانایی! یادت

را به ما الهام کن ، و ما را از دشواری دور گردان ، و به آسانی ات برسان ، و به درستکاری ، رهنمونمان باش ، و به راه درست توفیقمان ده ، و از بلاها نگاهمان دار و از گناهان و خطاها مصونمان ساز!

ای آن که جز او کسی گناهان بزرگ را نبخشاید و جز او بدی را برطرف نسازد! ای مهربان ترینِ مهربانان و گرامی ترینِ گرامیان! بر محمّد و دودمان پاکش درود فرست و روزه داریِ ما را بپذیر و به نیکی و تقوا پیوسته ساز. نیز تلاشمان را پاداش یافته ، عبادتمان را پذیرفته ، قرآن خوانی مان را بالارفته ، و دعاهایمان را شنیده قرار بده ، و ما را به بهترین کار ، هدایت کن ، و از سختی ، دورمان ساز ، و آسانی را برایمان هموار گردان ، و درجات ما را بالا ببر ، و حسنات ما را بیفزای ، و روزه و نمازمان را بپذیر ، و دعاهایمان را بشنو ، و خطاهایمان را ببخشای ، و از بدی هایمان درگذر ، و ما را از عمل کنندگانِ کامیاب قرار بده و از آنانی قرار مده که بر آنان خشم گرفته ای و نه گم راهان ، تا آن که ماه رمضان ، در حالی از ما بگذرد که روزه داری و عبادتمان را پذیرفته باشی ، کارهایمان را پاک ساخته باشی ، گناهانمان را آمرزیده ، و بهره ما را از هر خیری در این ماه ، فراوان قرار داده باشی! همانا تو معبود اجابت کننده و پروردگار نزدیکی ، و تو بر هر چیز ، احاطه داری».

.

ص: 152

. .

ص: 153

. .

ص: 154

. .

ص: 155

اشاره

بخش سوم : آداب میهمانی خدا

.

الفصل الأوّل : آداب الصّيام1 / 1أهَمُّ الآدابِأ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ1424.يامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأعمالِ فى هذَا الشَّهرِ؟

فَقالَ : «يا أبَا الحَسَنِ ، أفضَلُ الأَعمالِ فى هذَا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ» . (1)1425.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : «مَن لَم تَصُم جَوارِحُهُ عَن مَحارِمى ، فَلا حاجَةَ فى أن يَدَعَ طَعامَهُ وشَرابَهُ مِن أجلى» . (2)1426.عنه صلى الله عليه و آله (فى صِفَهِ اللّهِ جَلَّ وعَلا) الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِجابِرِ بنِ عَبدِ اللّهِ : «يا جابِرُ ، هذا شَهرُ رَمَضانَ ؛ مَن صامَ نَهارَهُ وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ وعَفَّ بَطنَهُ وفَرجَهُ وكَفَّ لِسانَهُ ، خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَخُروجِهِ مِنَ الشَّهرِ» .

فَقالَ جابِرٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أحسَنَ هذَا الحَديثَ!

فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «يا جابِرُ ، وما أشَدَّ هذِهِ الشُّروطَ!» . (3) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 78 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 358 ح 25 .
2- .تاريخ أصبهان : ج 2 ص 124 ح 1280 ، كنز العمّال : ج 8 ص 508 ح 23867 .
3- .الكافى : ج 4 ص 87 ح 2 .

فصل یکم : آداب روزه داری

1 / 1 مهم ترین آداب

الف پرهیز از حرام های خدا

فصل اوّل : آداب روزه داری1 / 1مهم ترین آدابالف پرهیز از حرام های خدا1428.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:گفتم : ای پیامبر خدا! برترینِ کارها در این ماه چیست؟ فرمود: «ای ابو الحسن! برترینِ کارها در این ماه ، پرهیز از حرام های خداست».1428.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند می فرماید: «هر کس اعضایش از حرام های من ، روزه دار نباشد ، نیازی نیست که به خاطر من ، خوراک و نوشیدنی اش را ترک کند».1429.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) امام باقر علیه السلام:پیامبر خدا به جابر بن عبد اللّه فرمود: «ای جابر! این ، ماه رمضان است. هر کس روزش را روزه بدارد و بخشی از شبش را به عبادت برخیزد و شکم و شهوتش را پاک نگه دارد و زبانش را حفظ کند ، از گناهانش بیرون می شود ، آن گونه که از این ماه بیرون می شود».

جابر گفت: ای پیامبر خدا! این سخن ، چه نیکوست!

پیامبر خدا فرمود : «ای جابر! و این شرط ها چه سخت است!» .

.

1430.عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن تَأمَّلَ خَلفَ امرَأهٍ حَتّى يَتَبَيَّنَ لَهُ حَجمُ عِظامِها مِن وَراءِ ثِيابِها وهُوَ صائِمٌ ، فَقَد أفطَرَ . (1)1431.عنه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) فاطمه عليهاالسلام :ما يَصنَعُ الصّائِمُ بِصِيامِهِ إذا لَم يَصُن لِسانَهُ وسَمعَهُ وبَصَرَهُ وجَوارِحَهُ؟! (2)ب الاِجتِنابُ عَنِ الغيبَهِ1430.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصّائِمُ فى عِبادَهٍ وإن كانَ نائِماً عَلى فِراشِهِ ؛ ما لَم يَغتَب مُسلِماً . (3)1431.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله :إذَا اغتابَ الصّائِمُ أفطَرَ . (4)1432.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فِى الدُّعاءِ) عنه صلى الله عليه و آله :مَن اغتابَ مُسلِماً أو مُسلِمَهً لَم يَقبَلِ اللّهُ تَعالى صَلاتَهُ ولا صِيامَهُ أربَعينَ يَوماً ولَيلَهً ، إلاّ أن يَغفِرَ لَهُ صاحِبُهُ . (5)1432.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعا) مسند أبى يعلى عن عبيد مولى رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ امرَأتَينِ كانَتا صائِمَتَينِ ، فَكانَتا تَغتابانِ النّاسَ ، فَدَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِقَدَحٍ ، فَقالَ لَهُما : «قيئا !» فَقاءَتا قَيحاً ودَماً ولَحماً عَبيطاً .

ثُمَّ قالَ : «إنَّ هاتَينِ صامَتا عَنِ الحَلالِ ، وأفطَرَتا عَلَى الحَرامِ» . (6)ج الاِجتِنابُ عَنِ السَّبِّ1433.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أبى عليه السلام قالَ : «سَمِعَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله امرَأهً تُسابُّ جارِيَهً لَها وهِىَ

صائِمَهٌ ، فَدَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِطَعامٍ فَقالَ لَها : كُلى! فَقالَت : أنَا صائِمَهٌ يا رَسولَ اللّهِ!

فَقالَ : كَيفَ تَكونينَ صائِمَهً وقَد سَبَبتِ جارِيَتَكِ؟! إنَّ الصَّومَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ، وإنَّما جَعَلَ اللّهُ ذلِكَ حِجاباً عَن سِواهُما مِنَ الفَواحِشِ مِنَ الفِعلِ وَالقَولِ يُفطِرُ الصّائِمَ . ما أقَلَّ الصُّوّامَ وأكثَرَ الجُوّاعَ !» . (7) .

1- .معانى الأخبار : ص 410 ح 95 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 290 ح 7 .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 268 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 295 ح 25 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 122 ح 124 .
4- .عوالى اللآلى : ج 1 ص 263 ح 53 ؛ نصب الرايه : ج 2 ص 482 .
5- .جامع الأخبار : ص 412 ح 1141 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 258 ح 53 .

6- .مسند أبي يعلى : ج 2 ص 234 ح 1573 .
7- .النوادر للأشعرى : ص 22 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 293 ح 16 .

ب پرهیز از غیبت کردن

ج پرهیز از دشنام دادن

1434.عنه صلی الله علیه و آله (فی حَدیثِ المِعراجِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر روزه داری که در پشت سرِ زنی با دقّت بنگرد ، تا حدّی که حجم استخوان بندی زن از پشت لباسش برای او آشکار شود ، روزه اش را افطار کرده است.1435.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) حضرت فاطمه علیهاالسلام:روزه دار ، اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را نگه ندارد ، با روزه اش می خواهد چه کند؟ب پرهیز از غیبت کردن1434.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیث معراج) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:روزه دار ، تا وقتی که از مسلمانی غیبت نکند ، در حال عبادت است ، هر چند در بسترش خفته باشد.1435.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر گاه روزه دارْ غیبت کند ، روزه اش را گشوده است.1436.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس درباره مرد و زن مسلمانی غیبت کند ، خداوند تا چهل شبانه روز ، نماز و روزه اش را نمی پذیرد ، مگر آن که آن شخص از وی درگذرد.1437.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) مسند أبی یعلی به نقل از عبید ، غلام پیامبر خدا :دو زن ، روزه بودند و درباره مردم غیبت می کردند. پیامبر خدا ظرفی طلبید و به آن دو گفت: «قی کنید». آن دو ، چرک و خون و گوشت تازه ، قی کردند.

سپس فرمود: «این دو زن با حلال روزه گرفتند؛ امّا با حرام افطار کردند».ج پرهیز از دشنام دادن1438.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پدرم فرمود : «پیامبر خدا شنید که زنی روزه دار ، کنیز خود را دشنام می دهد. پس ، غذایی طلب کرد و به او گفت: «بخور» .

زن گفت: من روزه ام ، ای پیامبر خدا!

فرمود: «چگونه روزه ای ، که کنیزت را دشنام دادی؟! روزه ، تنها نخوردن غذا و نوشیدنی نیست و همانا خداوند ، روزه را حجابی در برابر کار و سخن زشت قرار داده ، که روزه دار با آن ، روزه را افطار می کند. روزه داران ، چه اندک اند و گرسنگان چه بسیار!».

1439.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعائِهِ يَومَ بَدرٍ) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ صالِحٍ يُشتَمُ فَيَقولُ : إنّى صائِمٌ سَلامٌ عَلَيکَ لا أشتِمُکَ کَما شَتَمتَنى ، إلاّ قالَ الرَّبُّ تَبارَکَ وتَعالى : «اِستَجارَ عَبدى بِالصَّومِ مِن شَرِّ عَبدى ، فَقَد أجَرتُهُ مِنَ النّارِ» . (1)1438.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :لا تُسابَّ وأنتَ صائِمٌ ، فَإِن سَبَّکَ أحَدٌ فَقُل : إنّى صائِمٌ ، وإن کُنتَ قائِما فَاجلِس . (2)د الاِجتِنابُ عَنِ الکِذبِ1440.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الکَذبَةَ لَيُفطِرُ الصِّيامَ ، وَالنَّظرَةَ بَعدَ النَّظرَةِ ، وَالظُّلمَ کُلَّهُ ؛ قَليلَهُ وکَثيرَهُ . (3)ه الاِجتِنابُ عَنِ الرِّياءِ1441.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يُرائى فَقَد أشرَکَ . (4)و الاِجتِنابُ عَن کُلِّ ما يَکرَهُهُ اللّهُ1442.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الصِّيامَ لَيسَ مِنَ الأَکلِ وَالشُّربِ فَقَط ؛ إنَّمَا الصِّيامُ مِنَ اللَّغوِ

وَالرَّفَثِ ، فَإِن سابَّکَ أحَدٌ أو جَهِلَ عَلَيکَ فَقُل : إنّى صائِمٌ . (5) .

1- .الكافى : ج 4 ص 88 ح 5 .
2- .السنن الكبرى للنسائى : ج 2 ص 241 ح 3259 ، كنز العمّال : ج 8 ص 508 ح 23868 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 195 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 352 .
4- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 82 ح 17140 ؛ مجمع البيان : ج 6 ص 771 .
5- .صحيح ابن حبّان : ج 8 ص 256 ح 3479 ، كنز العمّال : ج 8 ص 507 ح 23864 و 23866 .

د پرهیز از دروغ

ه پرهیز از ریا

و پرهیز از هر چه خدا خوش نمی دارد

1443.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هیچ بنده شایسته ای نیست که دشنامش دهند و بگوید: «من روزه دارم. سلام بر تو! به تو دشنام نمی دهم ، آن گونه که دشنامم دادی» ، مگر آن که پروردگار متعال گوید: «بنده من از شرّ بنده من ، به روزه پناه برد. من هم او را از آتش ، پناه دادم».1442.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:وقتی روزه داری ، دشنام مده ، و اگر کسی دشنامت داد ، بگو: «من روزه ام» و اگر ایستاده بودی ، بنشین [تا خشمت فرونشیند] .د پرهیز از دروغ1444.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:دروغ ، روزه را باطل می کند؛ همچنین نگاهِ پس از نگاه؛ و همه [گونه های] ستم: اندکش و بسیارش.ه پرهیز از ریا1445.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس ریاکارانه روزه بگیرد ، شرک ورزیده است.و پرهیز از هر چه خدا خوش نمی دارد1445.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. همانا روزه ، پرهیز از بیهوده گویی و دشنام دادن است. پس اگر کسی دشنامت داد ، یا با تو

نابخردی کرد ، بگو: من روزه ام.

.

1446.مسند أبی یعلی (به نقل از ابُو هُرَیره) الإمام زین العابدین علیه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ ... وأعِنّا عَلی صِیامِهِ بِکَفِّ الجَوارِحِ عَن مَعاصیکَ وَاستِعمالِها فیهِ بِما یُرضیکَ ؛ حَتّی لا نُصغِیَ بِأسماعِنا إلی لَغوٍ، ولا نُسرِعَ بِأبصارِنا إلی لَهوٍ ، وحَتّی لا نَبسُطَ أیدِیَنا إلی مَحظورٍ، ولا نَخطُوَ بِأقدامِنا إلی مَحجورٍ ، وحَتّی لا تَعِیَ بُطونُنا إلاّ ما أحلَلتَ، ولا تَنطِقَ ألسِنَتُنا إلاّ بِما مَثَّلتَ ، ولا نَتَکَلَّفَ إلاّ ما یُدنی مِن ثَوابِکَ ، ولا نَتَعاطی إلاّ الَّذی یَقی مِن عِقابِکَ . (1)1447.رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) الإمام الصادق علیه السلام :إذا صُمتَ فَلیَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ وفَرجُکَ ولِسانُکَ ، وتَغُضَّ بَصَرَکَ عَمّا لا یَحِلُّ النَّظَرُ إلَیهِ ، وَالسَّمعَ عَمّا لا یَحِلُّ استِماعُهُ إلَیهِ ، وَاللِّسانَ مِنَ الکَذِبِ وَالفُحشِ . (2)1447.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») عنه علیه السلام :صَومُ شَهرِ رَمَضانَ فَرضٌ فی کُلِّ عامٍ ، وأدنی ما یَتِمُّ بِهِ فَرضُ صَومِهِ : العَزیمَهُ مِن قَلبِ المُؤمِنِ عَلی صَومِهِ بِنِیَّهٍ صادِقَهٍ ، وتَرکُ الأکلِ وَالشُّربِ وَالنِّکاحِ فی نَهارِهِ کُلِّهِ ، وأن یَجمَعَ فی صَومِهِ التَّوَقّیَ لِجَمیعِ جَوارِحِهِ وکَفَّها عَن مَحارِمِ اللّهِ رَبِّهِ مُتَقَرِّبا بِذلِکَ کُلِّهِ إلَیهِ ؛ فَإذا فَعَلَ ذلِکَ کانَ مُؤَدِّیا لِفَرضِهِ . (3)1448.عنه صلی الله علیه و آله (فی وَصفِ اللّه ِ تَعالی) سعد السعود :مِن سُنَنِ إدریسَ علیه السلام : إذا دَخَلتُم فِی الصِّیامِ طَهِّروا نُفوسَکُم مِن کُلِّ دَنَسٍ ونَجَسٍ ، وصوموا للّهِ بِقُلوبٍ خالِصَهٍ صافِیَهٍ مُنَزَّهَهٍ عَنِ الأفکارِ السَّیِّئَهِ وَالهَواجِسِ المُنکَرَهِ ؛ فَإنَّ اللّهَ یحیس القُلوبَ اللَّطِخَهَ وَالنِّیّاتِ المَدخولَهَ ، ومَعَ صِیامِ أفواهِکُم مِنَ المَآکِلِ فَلتَصُم جَوارِحُکُم مِنَ المَآثِمِ ؛ فَإنَّ

اللّهَ لا یَرضی عَنکُم أن تَصوموا مِنَ المَطاعِمِ فَقَط،لکِن مِنَ المَناکیرِ کُلِّها وَالفَواحِشِ بِأسرِها. (4) .

1- .الصحیفه السجّادیّه : ص 166 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : ص 608 ح 695 وفیه «نَسرح» بدل «نسرع» .
2- .الهدایه : ص 189 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 295 ح 26 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 268 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 294 ح 25 .
4- .سعد السعود : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 293 ح 17 وج 11 ص 283 ح 11 .

1449.عنه صلی الله علیه و آله (مِن خُطبَتِهِ فی غَدیرِ خُمٍّ) امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش به هنگام ورود ماه رمضان :خداوندا !... ما را بر روزه داریِ این ماه یاری کن ، با نگه داشتن اعضا از نافرمانی ات و به کارگیری آنها در آنچه خشنودت می سازد ، تا آن که با گوش هایمان به بیهوده گوش نسپاریم و با چشم هایمان به بازیچه نشتابیم و دستان خویش را به آنچه ممنوع است ، نگشاییم و با گام هایمان ، به سوی آنچه حرام است ، راه نپوییم ، و تا آن که شکممان جز از آنچه حلال کرده ای ، پُر نشود و زبان هایمان جز به آنچه فرموده ای ، گویا نشود و خود را جز در آنچه ما را به پاداش تو نزدیک می سازد ، به زحمت نیفکنیم و جز به آنچه از کیفرت باز می دارد ، نپردازیم.1450.صحیح مسلم :امام صادق علیه السلام:هر گاه روزه گرفتی ، گوش و چشم و شهوت و زبانت هم روزه باشند ، و چشمت را از آنچه نگاه به آن حلال نیست و گوشَت را از آنچه شنیدنش حلال نیست و زبانت را از دروغ و دشنام ، حفظ کن .1451.کفایه الأثر عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری :امام صادق علیه السلام:روزه ماه رمضان ، در هر سال ، واجب است و کمترین چیزهایی که وجوب روزه اش با آنها به کمال می رسد ، تصمیم قلبی مؤمن است (که آن را با نیّت راست ، روزه بدارد) و در تمام روز ، خوردن و آشامیدن و آمیزش را ترک کند و در روزه اش تلاش خود را در نگهداری همه اعضایش از حرام های الهی قرار دهد و با همه اینها به خداوند ، تقرّب بجوید. پس اگر چنین کند ، واجبِ این ماه را ادا کرده است.1448.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در توصیف خدای متعال) سعد السعود:از سنّت های ادریس علیه السلام است که: «چون وارد روزه شدید ، جان هایتان را از هر آلودگی و پلیدی ای پاک سازید ، و با دل های خالص ، صاف و پاک از اندیشه های بد و خطوراتِ ناپسند ، برای خدا روزه بگیرید؛ همانا خداوند ، دل های آلوده و نیّت های خراب را تباه می سازد . و همراه با روزه بودنِ دهان هایتان از خوردنی ها ، اعضایتان هم از گناهان ، روزه باشند؛

چرا که خداوند از این که تنها از غذاها روزه دار باشید ، از شما خشنود نمی شود؛ لیکن از همه زشتی ها و ناپسندی ها پرهیز کنید». .

راجع : ص 168 (ما لا ينبغى للصائم) .

1 / 2ما يَنبَغى قَبلَ الصِّيامِأ السَّحور1453.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :السَّحورُ بَرَكَةٌ . (1)1452.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :تَسَحَّروا مِن آخِرِ اللَّيلِ ؛ وهُوَ الغِذاءُ المُبارَكُ . (2)1453.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :تَسَحَّروا ولَو بِجُرَعِ الماءِ ، ألا صَلَواتُ اللّهِ عَلَى المُتَسَحِّرينَ! (3)1454.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) عنه صلى الله عليه و آله :تَعاوَنوا بِأكلِ السَّحورِ عَلى صِيامِ النَّهارِ ، وبِالنَّومِ عِندَ القَيلولَهِ عَلى قِيامِ اللَّيلِ . (4)1455.عنه صلى الله عليه و آله (مِن دُعاءٍ لَهُ لِلوِقايَهِ مِنَ المَحذوراتِ) الكافى عَن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ السَّحورِ لِمَن أرادَ الصَّومَ ، أ واجِبٌ هُوَ عَلَيهِ؟

فَقالَ : «لا بَأسَ بِألاّ يَتَسَحَّرَ إن شاءَ ، وأمّا فى شَهرِ رَمَضانَ فَإِنَّهُ أفضَلُ أن يَتَسَحَّرَ ، نُحِبُّ ألاّ يُترَكَ فى شَهرِ رَمَضانَ» . (5) .

1- .الكافى : ج 4 ص 95 ح 3 ؛ مسند أبى يعلى : ج 6 ص 58 ح 6416 .
2- .مسند الشاميّين : ج 3 ص 90 ح 1853 ، كنز العمّال : ج 8 ص 511 ح 23890 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 198 ح 566 ؛ كنز العمّال : ج 8 ص 525 ح 23974 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 199 ح 571 ؛ سنن ابن ماجه : ج 1 ص 540 ح 1693 .
5- .الكافى : ج 4 ص 94 ح 1 .

1 / 2 آنچه پیش از روزه گرفتن ، سزاوار است

الف خوردن سحری

ر . ک : ص 169 (آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیست).

1 / 2آنچه پیش از روزه گرفتن ، سزاوار استالف خوردن سحری1457.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خوردن سحری ، برکت است.1458.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:آخر شب ، سحری بخورید و آن ، غذای بابرکتی است.1459.عنه صلی الله علیه و آله (مِن خُطبَتِهِ فی غَدیرِ خُمٍّ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:سحری بخورید ، هر چند که یک جرعه آب باشد . هلا! درودهای خدا بر سحری خوران!1460.الکافی عن أحمد بن محمّد بن خالد رفعه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:با سحری خوردن ، روزه داریِ روز را و با خواب قیلوله (نیم روز) ، شب زنده داری را یاری کنید.1457.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای «جوشن (در دعای «جوشن کبیر») الکافی به نقل از ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که می خواهد روزه بگیرد ، سحری خوردن واجب است؟

فرمود : «اشکالی ندارد که اگر خواست ، سحری نخورد؛ ولی در ماه رمضان ، بهتر است که سحری بخورد. دوست داریم که در ماه رمضان ، سحری خوردن ترک نشود» .

.

ب أفضَلُ السَّحورِ1460.الكافى (به نقل از احمد بن محمّد بن خالد ، در حديثى كه س) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :نِعمَ سَحورُ المُؤمِنِ التَّمرُ .
1461(1).رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ اليَومِ الثّالِثِ مِنَ الشَّهرِ) الإمام الصادق عليه السلام :أفضَلُ سَحورِكُمُ السَّويقُ وَالتَّمرُ .
1462(2).عنه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءٍ لَهُ) تهذيب الأحكام عن جابر :سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : «كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيُفطِرُ عَلَى الأَسوَدَينِ قُلتُ : رَحِمَکَ اللّهُ ! ومَا الأَسوَدانِ؟

قالَ : التَّمرُ وَالماءُ ، وَالزَّبيبُ وَالماءُ ويَتَسَحَّرُ بِهِما» . (3)راجع : ص 174 (ما يَنبَغى عِندَ الإِفطارِ / قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ) .

1 / 3ما يَنبَغي لِلصّائِمِ السِّواک1464.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى وَصفِ اللّه ِ تَعالى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا صُمتُم فَاستاكوا بِالغَداهِ ولا تَستاكوا بِالعَشِيِّ ، فَإِنَّهُ لَيسَ مِن صائِمٍ تَيبَسُ شَفَتاهُ بِالعَشِيِّ إلاّ كانَ نورا بَينَ عَينَيهِ يَومَ القِيامَهِ . (4)ب الطِّيب1466.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى دُعاءِ الجَوشَنِ الكَبيرِ) الكافى عن الحسن بن راشد :كانَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام إذا صامَ تَطَيَّبَ بِالطّيبِ ، ويَقولُ : «الطّيبُ تُحفَهُ الصّائِمِ» . (5) .

1- .سنن أبى داود : ج 2 ص 303 ح 2345 ؛ بحار الأنوار : ج 62 ص 296 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 198 ح 567 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 312 ح 5 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 198 ح 569 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 12 ح 2 .
4- .المعجم الكبير : ج 4 ص 78 ح 3696 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 114 ح 260 .
5- .الكافى : ج 4 ص 113 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 54 ح 89 .

ص: 167

ب برترین سَحَری

1 / 3 آنچه برای روزه دار ، شایسته است

الف مسواک زدن

ب عطر زدن

ب برترین سَحَری1465.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (از دعای ایشان در روز احزاب) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خرما ، سحریِ خوبی برای مؤمن است.1466.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) امام صادق علیه السلام:بهترین سحری های شما ، سویق و خرماست.1467.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) تهذیب الأحکام به نقل از جابر :شنیدم که امام باقر علیه السلاممی فرمود: «پیامبر خدا با دو چیز سیاه ، افطار می کرد» .

گفتم : خدا رحمتت کند! دو سیاه کدام اند؟

فرمود : «خرما و آب ، و کشمش و آب ، و نیز با این دو ، سحری می خورد».ر . ک : ص 175 (آنچه هنگام افطار سزاوار است / خواندن سوره قدر).

1 / 3آنچه برای روزه دار ، شایسته استالف مسواک زدن1469.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چون روزه گرفتید ، صبح ، مسواک بزنید و شب ، مسواک نزنید؛ چون هیچ روزه داری نیست که شب ، لب هایش خشک شود ، مگر آن که روز قیامت ، نوری پیشاپیش او خواهد بود.ب عطر زدن1471.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حسن بن راشد :امام صادق علیه السلام ، وقتی روزه می گرفت ، خود را با عطر خوش بو می ساخت و می فرمود: «بوی خوش ، هدیه روزه دار است».

.

1472.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن تَطَيَّبَ بِطيبٍ أوَّلَ النَّهارِ وهُوَ صائِمٌ لَم يَفقُد عَقلَهُ . (1)ج القَيلولَه1471.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن فَعَلَهُنَّ قَوِىَ عَلى صِيامِهِ : أن يَكونَ أوَّلُ فِطرِهِ عَلى ماءٍ ... ولا يَدَعَ القائِلَةَ . (2)1472.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :قيلوا ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُطعِمُ الصّائِمَ ويَسقيهِ فى مَنامِهِ . (3)راجع : ص 164 ، ح 131 .

1 / 4ما لا يَنبَغى لِلصّائِمأ السَّفَرُ فى شَهرِ رَمَضانَ1474.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :لَيسَ لِلعَبدِ أن يَخرُجَ فى سَفَرٍ إذا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ ؛ لِقَولِ اللّهِ عز و جل : «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (4) . (5)1475.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ فَلِلّهِ فيهِ شَرطٌ ، قالَ اللّهُ تَعالى : « فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» ، فَلَيسَ لِلرَّجُلِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ أن يَخرُجَ إلاّ فى حَجٍّ ، أو عُمرَةٍ ، أو مالٍ يَخافُ تَلَفَهُ ، أو أخٍ يَخافُ هَلاكَهُ ، ولَيسَ لَهُ أن يَخرُجَ فى إتلافِ مالِ أخيهِ ، فَإِذا مَضَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ

فَلْيَخرُج حَيثُ شاءَ . (6) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 86 ح 1804 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 290 ح 9 .
2- .الفردوس : ج 1 ص 371 ح 1496 ، كنز العمّال : ج 8 ص 525 ح 23971 .
3- .الكافى : ج 4 ص 65 ح 14 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 290 ح 8 .
4- .البقره : 185 .
5- .الخصال : ص 614 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 322 ح 3 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 216 ح 626 .

ج خواب نیم روز

1 / 4 آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیست

الف مسافرت در ماه رمضان

1476.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس که روزه دار است ، اگر اوّلِ روز عطر بزند ، عقلش را از دست نمی دهد.ج خواب نیم روز1478.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چهار کار است که هر کس آنها را انجام دهد ، بر روزه داری ، نیرو می گیرد: آغاز افطارش با آب باشد... و خواب قیلوله (نیم روز) را ترک نکند.1479.عنه صلی الله علیه و آله (وقَد سُئِلَ عَنِ الإِیمانِ) امام کاظم علیه السلام:در نیم روز بخوابید؛ به درستی که خداوند ، روزه دار را در خوابش سیر و سیراب می کند.ر . ک : ص 165 ، ح 131.

1 / 4آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیستالف مسافرت در ماه رمضان1477.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:سزاوار نیست وقتی که ماه رمضان می رسد ، بنده به سفر برود ؛ چون خداوند فرموده است: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد» .1478.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:وقتی ماه رمضان وارد می شود ، خداوند در آن شرطی دارد. خداوند فرموده است: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد». پس وقتی ماه رمضان وارد شد ، شخص نمی تواند بیرون رود ، مگر برای حج ، یا عمره ، یا مالی که بیم دارد تلف شود ، یا برادری که می ترسد

هلاک گردد. نیز حق ندارد برای تلف کردن مال برادرش بیرون رود. پس چون شب بیست و سوم گذشت ، می تواند هر جا که خواست ، برود.

.

ب ما يُؤَدّى إلَى الضَّعفِ1480.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (وقتى درباره ايمان ، مورد پرسش قرار گرفت) الكافى :عَن مُحمّدِ بنِ مسلمٍ عَن أبى جعفرٍ عليه السلام أنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَدخُلُ الحَمّامَ وهُوَ صائِمٌ ، فَقالَ : «لا بَأسَ ما لَم يَخشَ ضَعفا» . (1)1481.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن سعيد الأعرج :سَألتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الصّائِمِ يَحتَجِمُ؟

فَقالَ : «لا بَأسَ ، إلاّ أن يَتَخَوَّفَ عَلى نَفسِهِ الضَّعفَ» . (2)ج ما يُمكِنُ أن يُؤَدِّىَ إلى نَقضِ الصَّوم1483.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ كَرِهَ لى سِتَّ خِصالٍ ، ثُمَّ كَرِهتُهُنَّ لِلأوصِياءِ مِن وُلدى وأتباعِهِم مِن بَعدى : الرَّفَثُ فِى الصَّومِ . (3)1484.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن أبى بصير :سَألتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن رَجُلٍ كَلَّمَ امرَأَتَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ وهُوَ صائِمٌ ؟

فَقالَ : «لَيسَ عَلَيهِ شَىءٌ ... ولا يَنبَغى لَهُ أن يَتَعَرَّضَ لِرَمَضانَ» . (4)1485.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أسبِغِ الوُضوءَ ... وبالِغ فِى الاِستِنشاقِ إلاّ أن تَكونَ صائِما . (5)د رِوايَةُ الشِّعرِ1487.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن حمّاد بن عثمان :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : «يُكرَهُ رِوايَةُ

الشِّعرِ لِلصّائِمِ ولِلمُحرِمِ ، وفِى الحَرَمِ وفى يَومِ الجُمُعَهِ ، وأن يَروِىَ بِاللَّيلِ» .

قُلتُ : وإن كانَ شِعرَ حَقٍّ؟

قالَ : «وإن كانَ شِعرَ حَقٍّ» . (6) .

1- .الكافى : ج 4 ص 109 ح 3 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 260 ح 774 .
3- .الكافى : ج 4 ص 89 ح 11 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 272 ح 824 .
5- .سنن أبى داود : ج 1 ص 36 ح 142 ، كنز العمّال : ج 9 ص 305 ح 26129 .

6- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 195 ح 558 .

ب آنچه به ضعف می انجامد

ج آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامد

د شعرخوانی

ب آنچه به ضعف می انجامد1489.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از محمّد بن مسلم :از امام باقر علیه السلام درباره کسی پرسیدند که وارد حمّام می شود ، در حالی که روزه است. فرمود: «تا وقتی که بیم ضعف نداشته باشد ، بی اشکال است».1483.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از سعید اَعرج :از امام صادق علیه السلامپرسیدم: روزه دار ، حجامت می کند؟ فرمود: «اشکالی ندارد ، مگر این که بر خویش بترسد که ضعیف شود».ج آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامد1485.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند ، شش کار را برای من خوش نداشت. من هم آنها را برای اوصیای خود که فرزندانم هستند و پیروانشان پس از خویش ، خوش ندارم ، از جمله : آمیزش جنسی در هنگام روزه را.1486.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام درباره مردی که در ماه رمضان و در حال روزه با زنش حرف می زند ، پرسیدم.

فرمود: «عیبی ندارد... ؛ ولی سزاوار نیست که متعرّض رمضان شود».1487.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:وضو را کامل و پُر آب بگیر... و استنشاق را کامل انجام بده ، مگر آن که روزه باشی.د شعرخوانی1489.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از حمّاد بن عثمان :شنیدم که امام صادق علیه السلام

می فرمود: «برای روزه دار و مُحرِم ، و در حَرَم و روز جمعه و در وقت شب ، شعر خواندن مکروه است».

گفتم: هر چند شعر حق باشد؟

فرمود: «اگرچه شعر حق باشد».

راجع : ص 156 (أهمّ الآداب) .

1 / 5ما يَنبَغى عِندَ الإفطارِ التَّعجيل1494.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما عَجَّلُوا الإفطارَ وأخَّرُوا السَّحورَ . (1)1495.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مِن فِقهِ الرَّجُلِ فى دينِهِ تَعجيلُ فِطرِهِ وتَأخيرُ سَحورِهِ . (2)1490.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :دعائم الإسلام :رُوِّينا عَن عَلِيٍّ عليه السلام أنَّهُ قالَ : «السُّنَّةُ تَعجيلُ الفِطرِ ، وتَأخيرُ السَّحورِ ، وَالاِبتِداءُ بِالصَّلاهِ يَعنى صَلاةَ المَغرِبِ قَبلَ الفِطرِ إلاّ أن يَحضُرَ الطَّعامُ ، فَإن حَضَرَ بُدِئَ بِهِ ثُمَّ صَلّى ، ولَم يَدَعِ الطَّعامَ ويَقومُ إلَى الصَّلاهِ» .

وذَكَرَ عليه السلام أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله اُتِىَ بِكَتِفِ جَزورٍ مَشوِيَّهٍ وقَد أذَّنَ بِلالٌ ، فَأَمَرَهُ فَكَفَّ هُنَيهَةً حَتّى أكَلَ وأكَلنا مَعَهُ ، ثُمَّ عادَ بِلَبَنٍ فَشَرِبَ وشَرِبنا ، ثُمَّ أمَرَ بِلالاً فَأقامَ وصَلّى وصَلّينا مَعَهُ . (3) .

1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 71 ح 21370 ، كنز العمّال : ج 8 ص 510 ح 23885 .
2- .تاريخ دمشق : ج 52 ص 138 ح 10956 ، كنز العمّال : ج 8 ص 511 ح 23890 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 280 .

1 / 5 آنچه هنگام افطار، سزاوار است

الف عجله

ر . ک : ص 157 (مهم ترین آداب) .

1 / 5آنچه هنگام افطار، سزاوار استالف عجله1495.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:امّت من ، تا وقتی که زود افطاری بخورند و سحری را به تأخیر اندازند ، در نیکی اند.1496.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:از دین شناسی مرد ، زود افطاری خوردن و تأخیر در سحری خوردن است.1497.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام:از علی علیه السلام برای ما روایت شده که فرمود: «زود افطاری خوردن و دیر سحری خوردن ، مستحب است و ابتدا به نماز (یعنی نماز مغرب) نمودن قبل از افطار ، مستحب است ، مگر آن که غذا حاضر باشد . پس اگر حاضر بود ، ابتدا غذا خورده می شود و سپس نماز خوانده می شود. خوب نیست که غذا را بگذارد و به نماز بایستد».

و امام علی علیه السلام یاد کرد که کتف بریان شده شتری را نزد پیامبر خدا آوردند ، در حالی که بلال، اذان گفته بود. دستور داد که بلال [در گفتن اقامه] اندکی درنگ کند ، تا آن که ایشان خورد و ما هم خوردیم. سپس اندکی شیر خورد و ما هم خوردیم. سپس دستور داد بلال اقامه بگوید. آن گاه نماز خواند و ما نیز با ایشان نماز خواندیم.

.

ب تَقديمُ الصَّلاةِ1496.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :تُقَدِّمُ الصَّلاةَ عَلَى الإفطارِ ، إلاّ أن تَكونَ مَعَ قَومٍ يَبتَدِئونَ بِالإفطارِ فَلا تُخالِف عَلَيهِم وأفطِر مَعَهُم ، وإلاّ فَابدَأ بِالصَّلاةِ ؛ فَإنَّها أفضَلُ مِنَ الإفطارِ ، وتُكتَبُ صَلاتُكَ وأنتَ صائِمٌ أحَبُّ إلَيَّ . 1ج الصَّدَقَه1498.سنن الترمذى (به نقل از ابو خزامه ، از پدرش) الإمام الرضا عليه السلام :مَن تَصَدَّقَ وَقتَ إفطارِهِ عَلى مِسكينٍ بِرَغيفٍ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذَنبَهُ ، وكَتَبَ لَهُ ثَوابَ عِتقِ رَقَبَهٍ مِن وُلدِ إسماعيلَ . (1)1499.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِيٌّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام إذا كانَ اليَومُ الَّذى يَصومُ فيهِ أمَرَ بِشاةٍ فَتُذبَحُ وتُقطَعُ أعضاءً وتُطبَخُ ، فَإذا كانَ عِندَ المَساءِ أكَبَّ عَلَى القُدورِ حَتّى يَجِدَ ريحَ المَرَقِ وهُوَ صائِمٌ ، ثُمَّ يَقولُ : «هاتُوا القِصاعَ ، اِغرِفوا لِاِلِ فُلانٍ وَاغرِفوا لِاِلِ فُلانٍ» ، ثُمَّ يُؤتى بِخُبزٍ وتَمرٍ فَيَكونُ ذلِكَ عَشاءَهُ ، صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلى آبائِهِ . (2)راجع : ص 186 (ما يؤكّد استحبابه من الأعمال / كثره الإنفاق) .

د قِراءَةُ سورَهِ القَدرِ1499.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام :مَن قَرَأ «إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» عِندَ فُطورِهِ وعِندَ سَحورِهِ ، كانَ فيما بَينَهُما كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فى سَبيلِ اللّهِ تَعالى . (3) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 96 ح 80 وص 106 ح 97 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 318 ح 10 .
2- .الكافى : ج 4 ص 68 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 317 ح 6 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 240 .

ب جلو انداختن نماز

ج صدقه

د خواندن سوره قدر

ب جلو انداختن نماز1501.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:نماز را بر افطار مقدّم می داری ، مگر آن که با گروهی باشی که اوّل ، افطار می کنند. پس با آنان مخالفت نکن و با ایشان افطار کن ، وگرنه اوّل ، نماز بخوان؛ چرا که بهتر از افطار است و نمازت با حالت روزه نوشته می شود و این نزد من ، محبوب تر است.ج صدقه1503.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:هر کس پیش از افطار کردنش گِرده ای نان به بینوایی صدقه دهد ، خداوندْ گناهش را می آمرزد و برای او ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل را می نویسد.1504.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:امام سجّاد علیه السلام هر روز که روزه می گرفت ، دستور می داد که گوسفندی ذبح شود و قطعه قطعه و پخته گردد. عصر که می شد ، بر روی دیگ ها خم می شد تا بوی آب گوشت را در حال روزه احساس کند. سپس می فرمود: «ظرف ها را بیاورید. برای فلان خانواده بریزید. برای فلان خانواده بریزید...». سپس نان و خرمای خشک می آوردند و غذایش همان بود. درود خدا بر او و پدرانش باد!ر . ک : ص 187 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / بسیار انفاق کردن) .

د خواندن سوره قدر1507.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام:هر کس هنگام افطاری و سحری خوردن ، سوره «إنّا أنزلناه»

بخواند ، میان آن دو [وقت ،] همچون کسی خواهد بود که در راه خدا به خون خویش آغشته است.

.

ه الدُّعاء1502.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لِكُلِّ عَبدٍ صائِمٍ دَعوَهٌ مُستَجابَهٌ عِندَ إفطارِهِ ، اُعطِیَها فِی الدُّنیا أو ذُخِرَ لَهُ فِی الآخِرَهِ . (1)و الدُّعاءُ بِالمَأثورِ عِندَ الإفطارِ1504.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن أبی داود :عَن مُعاذِ بنِ زُهرَهَ أنَّهُ بَلَغَهُ أنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله كانَ إذا أفطَرَ قالَ :

اللّهُمَّ لَكَ صُمتُ وعَلی رِزقِكَ أفطَرتُ . (2)1505.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره گوسفند مسمومی که از آن خورد) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ لِلصّائِمِ عِندَ فِطرِهِ دَعوَهً :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُكَ بِرَحمَتِكَ الَّتی وَسِعَت كُلَّ شَیءٍ أن تَغفِرَ لی ذُنوبی . (3)1506.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :ما مِن عَبدٍ یَصومُ فَیَقولُ عِندَ إفطارِهِ :

«یا عَظیمُ یا عَظیمُ ؛ أنتَ إلهی لا إلهَ لی غَیرُكَ ، اِغفِر لِیَ الذَّنبَ العَظیمَ ؛ إنَّهُ لا یَغفِرُ الذَّنبَ العَظیمَ إلاّ العَظیمُ» إلاّ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَیَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (4)1507.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :جاءَ قَنبَرٌ مَولی عَلِیٍّ علیه السلام بِفِطرِهِ إلَیهِ ... فَلَمّا أرادَ أن یَشرَبَ قالَ :

بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ لَكَ صُمنا وعَلی رِزقِكَ أفطَرنا ، فَتَقَبَّل مِنّا إنَّكَ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ . (5) .

1- .نوادر الأُصول : ج 1 ص 190 ، كنز العمّال : ج 8 ص 451 ح 23613 .
2- .سنن أبی داود : ج 2 ص 306 ح 2358 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 300 ح 947 .
3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 583 ح 1535 ، مستدرک الوسائل : ج 7 ص 361 ح 8417 نقلاً عن درر اللآلی وفیه «إنّ للصائم عند فطره دعوه لا تردّ ، فیقول إذا أفطر : ...» .
4- .الإقبال : ج 1 ص 240 ؛ تاریخ دمشق : ج 54 ص 238 ح 11479 .
5- .تهذیب الأحكام : ج 4 ص 200 ح 578 ، بحار الأنوار : ج 40 ص 339 ح 24 .

ه دعا

و خواندن دعاهای وارد شده هنگام افطار

ه دعا1509.کنز العمّال عن ابن عبّاس عن رسول اللّه صلی الله عپیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر بنده روزه داری ، هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب دارد ، که آن ، یا در دنیا به او داده می شود و یا برای آخرتش ذخیره می شود.و خواندن دعاهای وارد شده هنگام افطار1510.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :سنن أبی داوود به نقل از معاذ بن زهره :به من چنین رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آلهھر گاه افطار می کرد ، می گفت:

«خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر روزیِ تو افطار کردم».1511.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی اللَه علیه و آله:روزه دار را هنگام افطارش ، دعایی چنین است:

«پروردگارا! تو را به آن رحمتت که هر چیز را فرا گرفته است ، می خوانم که گناهانم را بیامرزی».1512.المعجم الکبیر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هیچ بنده ای نیست که روزه بگیرد و هنگام افطارش بگوید: «ای بزرگ ، ای بزرگ! تو معبود منی. هیچ معبودی جز تو نیست. گناه بزرگ مرا بیامرز! همانا گناه بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد» ، مگر آن که از گناهانش بیرون می آید ، همچون روزی که مادرش او را زاده است.1513.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:قنبر ، غلام علی علیه السلام ، افطاری را نزد وی آورد ... . چون خواست بیاشامد ، فرمود :

«به نام خدا . خداوندا! برای تو روزه گرفتیم و با روزیِ تو افطار کردیم . پس ، از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی» .

.

1510.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الحسن علیه السلام :إنَّ لِكُلِّ صائِمٍ عِندَ فُطورِهِ دَعوَةً مُستَجابَةً ، فَإِذا كانَ أوَّلُ لُقمَةٍ فَقُل :

بِاسمِ اللّهِ ، يا واسِعَ المَغفِرَةِ اغفِر لى . (1)

فَإِنَّهُ مَن قالَها عِندَ إفطارِهِ غُفِرَ لَهُ . (2)ز الإفطارُ بِالتَّمرِ ، أوِ الزَّبيبِ ، أوِ الشَّىءِ الحُلوِ ، أوِ اللَّبَنِ ، أوِ الماءِ الفاتِرِ1512.المعجم الكبير (به نقل از رافع بن خديج) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ ما يَبدَأُ بِهِ الصّائِمُ بِزَبيبٍ أو شَىءٍ حُلوٍ . (3)1513.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أوَّلُ ما يُفطِرُ عَلَيهِ فى زَمَنِ الرُّطَبِ الرُّطَبُ ، وفى زَمَنِ التَّمرِ التَّمرُ . (4)1514.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا صامَ فَلَم يَجِدِ الحَلواءَ أفطَرَ عَلَى الماءِ . (5)1515.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن فَعَلَهُنَّ قَوِىَ عَلى صِيامِهِ : أن يَكونَ أوَّلُ فِطرِهِ عَلى ماءٍ ، ولا يَدَعَ السَّحورَ ، ولا يَدَعَ القائِلَةَ ، وأن يَشُمَّ شَيئا مِن طيبٍ . (6)1516.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ عَلِيّاً علیه السلام كانَ يَستَحِبُّ أن يُفطِرَ عَلَى اللَّبَنِ . (7)1517.عنه صلى الله عليه و آله :عنه علیه السلام :أفطِر عَلَى الحُلوِ ، فَإِن لَم تَجِدهُ فَأفطِر عَلَى الماءِ ؛ فَإِنَّ الماءَ طَهورٌ . (8)1518.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إذا أفطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الماءِ الفاتِرِ نَقّى كَبِدَهُ ، وغَسَلَ الذُّنوبَ مِنَ

القَلبِ ، وقَوَّى البَصَرَ وَالحَدَقَ . (9) .

1- .وفى رِوايَةٍ أُخرى : «بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، يا واسِعَ المَغفِرَةِ اغفِر لى» .
2- .الإقبال : ج 1 ص 244 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 14 ح 2 .
3- .الفردوس : ج 1 ص 358 ح 1445 ؛ طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : ص 8 وفيه «الزبيب أو التمر أو شىء حلو» .
4- .الكافى : ج 4 ص 153 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 314 ح 15 .
5- .الكافى : ج 4 ص 152 ح 1 .
6- .الفردوس : ج 1 ص 371 ح 1496 ، كنز العمّال : ج 8 ص 525 ح 23971 .

7- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 199 ح 574 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 12 ح 2
.
8- .المقنعه : ص 317 ، بحار الأنوار : ج 80 ص 10 ح 7 .
9- .الكافى : ج 4 ص 152 ح 2 .

1519.عنه صلی الله علیه و آله :امام الحسن علیه السلام:«هر روزه دار ، هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب دارد. پس چون وقت اوّلین لقمه شد ، بگو:

به نام خدا. ای گسترده آمرزش! مرا بیامرز».

پس هر که هنگام افطارش چنین گوید ، آمرزیده می شود».ز افطار با خرما یا کشمش یا شیرینی یا شیر یا آب وِلَرم1514.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:برترین چیزی که روزه دار ، افطارش را با آن آغاز می کند ، کشمش یا چیزی شیرین است.1515.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:اوّلین چیزی که پیامبر خدا روزه اش را با آن افطار می کرد ، در زمانِ رُطَب ، رطب بود و در زمانِ خرما ، خرما .1516.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:پیامبر خدا ، هر گاه روزه بود و حلوا (شیرینی) نمی یافت ، با آب افطار می کرد.1517.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چهار چیز است که هر که آنها را انجام دهد ، بر روزه داری ، نیرو می یابد: آغاز افطارش ، با آب باشد؛ سحری خوردن را ترک نکند؛ خواب نیم روز را ترک نکند ؛ و بوی خوش ببوید.1518.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:علی علیه السلام خوش می داشت که با شیر ، افطار کند.1519.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:با شیرینی افطار کن و اگر نیافتی ، با آب افطار کن؛ چرا که آب ، پاک کننده است.1520.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه روزه دار با آب ولرم افطار کند ، کبدش را تمیز می کند ، آلودگی ها را از دلش می شوید و چشم و سیاهی آن را نیرو می بخشد.

.

ح الشُّكرُ إذا أفطَرَ عِندَ قَوم1522.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا طَعِمَ عِندَ أهلِ بَيتٍ قالَ لَهُم : «طَعِمَ عِندَكُمُ الصّائِمونَ ، وأكَلَ عِندَكُمُ الأبرارُ ، وصَلَّت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ الأخيارُ» . (1) .

1- .الكافى : ج 6 ص 294 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 454 ح 20 .

ح سپاسگزاری ، هنگام افطار نزد دیگران

ح سپاسگزاری ، هنگام افطار نزد دیگران1522.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا ، هر گاه نزد خانواده ای غذا می خورد ، به آنان می گفت: «روزه داران ، نزد شما افطاری بخورند و نیکان ، پیش شما غذا بخورند و فرشتگان نیکو ، بر شما درود بفرستند !».

.

الفصل الثانى : ما يؤكّد استحبابه من الأعمال2 / 1التَّطَوُّعُ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ1525.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن تَطَوَّعَ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ فى شَهرِ رَمَضانَ كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ عز و جل ، ومَن أدّى فيهِ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالى فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ . (1)راجع : ص 90 (خطابات النبىّ عند حضور شهر رمضان) .

2 / 2تَفطيرُ الصّائِمينَ1526.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن فَطَّرَ صائِما كانَ لَهُ مِثلُ أجرِهِ مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِنهُ شَىءٌ ، وما عَمِلَ بِقُوَّهِ ذلِكَ الطَّعامِ مِن بِرٍّ . (2)1527.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :فِطرُكَ لِأَخيكَ المُسلِمِ وإدخالُكَ السُّرورَ عَلَيهِ أعظَمُ أجرا مِن صِيامِكَ . (3) .

1- .المقنعه : ص 341 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 202 ح 582 .
3- .الجعفريّات : ص 60 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 126 ح 7 .

فصل دوم : کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است

2 / 1 همه کارهای نیک

2 / 2 افطاری دادن به روزه داران

اشاره

فصل دوم : کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است2 / 1همه کارهای نیک1527.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:کسی که در ماه رمضان ، یکی از کارهای نیک را انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدا را انجام داده است و هر کس در این ماه ، واجبی از واجبات خدا را انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدای متعال را در ماه های دیگر انجام داده است.ر . ک : ص 91 (خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان) .

2 / 2افطاری دادن به روزه داران1531.الطرائف عن محمّد بن علیّ المکّی بإسناده :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس روزه داری را افطاری دهد ، مثل پاداش و هر عمل خوبی که روزه دار با نیروی آن غذا انجام می دهد ، بدون آن که از پاداشش چیزی کم شود ، برای افطاری دهنده است.

.

1532.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِيُّ ، ثَلاثُ فَرَحاتٍ لِلمُؤمِنِ فِى الدُّنيا : لِقاءُ الإِخوانِ ، وتَفطيرُ الصّائِمِ ، وَالتَّهَجُّدُ مِن آخِرِ اللَّيلِ. (1)1533.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَطَّرَ مُؤمِنا فى شَهرِ رَمَضانَ كانَ لَهُ بِذلِكَ عِتقُ رَقَبَهٍ ومَغفِرَهٌ لِذُنوبِهِ فيما مَضى ، فَإِن لَم يَقدِر إِلاّ عَلى مَذقَهِ لَبَنٍ فَفَطَّرَ بِها صائِما أَو شَربَهٍ مِن ماءٍ عَذبٍ وتَمرٍ لا يَقدِرُ عَلى أكثَرَ مِن ذلِكَ ، أعطاهُ اللّهُ هذَا الثَّوابَ . (2)1534.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :لَأَن أُفَطِّرَ رَجُلاً مُؤمِنا فى بَيتى أَحَبُّ إِلَىَّ مِن عِتقِ كَذا وكَذا نَسَمَهٍ مِن وُلدِ إسماعيلَ . (3)راجع : ص 90 (خطابات النبىّ عند حضور شَهر رَمَضان) .

تعليققال العالم الربانى ملكى تبريزى قدس سره : من مهمّات أعمال هذا الشهر إفطار [أى تفطير]الصائمين ، وقد سمعتَ أجر ذلک فى خطبه النبىّ صلى الله عليه و آله ، والأهمُّ فى ذلک أيضا إخلاصُ النيّه والتأدّب بأدب اللّه جلّ جلاله وألاّ يكون باعِثُه على ذلک إلاّ تحصيل رضاه ، لا إظهار شرف الدنيا ولا شرف الآخره ، ولا التقليد ولا رسوم العادات ، ويَهتَمّ فى تخليص عمله من هذه القصود ، ويختبرها ببعض الكواشف ، ولا يطمئنّ من تلبيس الهوى والشيطان ، ويكون فى ذلک مستمدّا من اللّه جلّ جلاله فى أصل إفطاره ، وفى تعيين من يُفطّره من المؤمنين ، وفيما يفطّر به مِنَ الطعام ، وكيفيّه معاملته مع ضيفه ، فإنّ ذلک كلّه تختلف كيفيّاته مع القصود ، ويَعرف أهل اليقظه مداخل الشيطان فيها ، فيَجتَنِبُ عمّا يوافق أمرَه ويتّبع ما يوافق لأمر مولاه ورضا مالِكِ دينه ودنياه ، فيفوز بقبوله ومثوباته فوق آماله ومُناه . وهكذا يهتمّ فى إخلاص قصده بقبول دعوه الغير للإفطار ويجتهد فى ذلک ، وقد ينتفع المخلِصُ من قبول دعوه مؤمن وحضور مجلسه وإفطاره معه بما لا ينتفع غيره من عباده دهر من الدهور ، ولذا كانت هِمَّهُ الأولياء على تخليص الأعمال لا تكثيرها اعتبارا من عمل آدم وإبليس ، وقد رُدَّت مِنَ الخبيث عبادهُ آلاف السنين وقُبِلَ من آدم توبه واحده مع الإخلاص ، وصارَت سببا لِاجتِبائِه واصطِفائِه . (4)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 360 ح 5762 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 247 ح 8 .

2- .المحاسن : ج 2 ص 158 ح 1430 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 316 ح 4 .
3- .المحاسن : ج 2 ص 157 ح 1426 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 316 ح 3 .
4- .المراقبات : ص 139 .

نکته

1534.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:افطاری دادنت به برادر مسلمانت و خوش حال کردن او ، پاداشی بزرگ تر از روزه داری تو دارند.1535.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام :ای علی! مؤمن در دنیا سه خوش حالی دارد: دیدار برادران ، افطاری دادن به روزه دار ، و تهجّد در آخر شب.1536.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس مؤمنی را در ماه رمضان افطاری دهد ، پاداش کارش [پاداشی برابر با پاداش]آزاد کردن بنده و [نیز] آمرزش گناهان گذشته اوست. پس اگر بجز جرعه ای شیر یا جرعه ای آب گوارا و خرما به روزه داری افطاری ندهد و بیش از این هم نتواند ، خداوندْ همان پاداش را به او می دهد.1537.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:اگر مرد مؤمنی را در خانه ام افطاری دهم ، برایم محبوب تر از آن است که فلان تعداد بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنم.ر . ک : ص 91 (خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان) .

نکتهعالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گفته است : از مهم ترین کارهای این ماه ، افطاری دادن به روزه داران است. پاداش آن را در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده ای. مهم تر ، آن است که در این کار ، نیّت خالص و مؤدّب شدن به ادب الهی باشد و این که انگیزه آن جز به دست آوردن رضای خدا نباشد ، نه ابراز شرافت دنیا و نه شرافت آخرت ، نه تقلید و نه رسم و عادت. باید بکوشد تا عمل خود را از این هدف ها خالص سازد و آن را با برخی آزمون ها بیازماید و از فریبکاری هوای نفْس و شیطان ، خاطرجمع نباشد و هم در اصل افطاری دادن ، هم در تعیین کسانی که به آنان افطاری می دهد (مؤمنان) ، هم در نوع غذا و هم در کیفیّت برخورد با میهمانش ، از خداوند مدد بجوید؛ چرا که همه اینها با اهداف مختلف ، کیفیّت های متفاوت می یابند. بیداردلان ، راه های ورود شیطان را در این موارد می شناسند و از آنچه موافق دستور شیطان است ، پرهیز می کنند و پیرو چیزی می شوند که موافق فرمان و رضایتِ مالک دین و دنیایشان است. در نتیجه به پذیرش الهی نایل می شوند و از پاداش های او بیش از حدّ آرزوهایشان برخوردار می گردند. همچنین درباره قبول

دعوت دیگری برای افطار،در اخلاص نیّتش بکوشد؛ چون گاه کسی که با اخلاص ، دعوت مؤمنی را می پذیرد و در مجلس و افطار او حاضر می شود ، بهره ای می برد که با عبادتِ دراز مدّت ، به آن نمی رسد. از این رو ، همّت اولیای خدا بر خالص سازی کارها بوده است ، نه زیاد بودن آنها. و این ، عبرت گرفتن از کار آدم و ابلیس است؛ چرا که عبادت هزاران ساله آن خبیث ، رد شد و یک بار توبه خالصانه آدم ، پذیرفته گشت و مایه برگزیدگی اش شد.

.

2 / 3كَثرَةُ الإنفاقِ1536.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی عن أنس :سُئِلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : ... أیُّ الصَّدَقَهِ أفضَلُ؟ قالَ : «صَدَقَهٌ فی رَمَضانَ» . (1)1537.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری عن ابن عبّاس :کانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أجوَدَ النّاسِ بِالخَیرِ ، وکانَ أجوَدُ ما یَکونُ فی رَمَضانَ حینَ یَلقاهُ جِبریلُ ، وکانَ جِبریلُ علیه السلام یَلقاهُ کُلَّ لَیلَهٍ فی رَمَضانَ حَتّی یَنسَلِخَ ، یَعرِضُ عَلَیهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله القُرآنَ ، فَإذا لَقِیَهُ جِبریلُ علیه السلامکانَ أجوَدَ بِالخَیرِ مِنَ الرّیحِ المُرسَلَهِ . (2)1538.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :مَن تَصَدَّقَ فی شَهرِ رَمَضانَ بِصَدَقَهٍ صَرَفَ اللّهُ عَنهُ سَبعینَ نَوعا مِنَ البَلاءِ . (3) .

1- .سنن الترمذی : ج 3 ص 51 ح 663 ، کنز العمّال : ج 8 ص 557 ح 24149 وص 591 ح 24292 .
2- .صحیح البخاری : ج 2 ص 672 ح 1803 .
3- .ثواب الأعمال : ص 171 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 179 ح 18 .

2 / 3بسیار انفاق کردن1541.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از انس :از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند:... کدام صدقه برتر است؟

فرمود: «صدقه در [ماه] رمضان» .1542.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از ابن عبّاس :پیامبر صلی الله علیه و آله در بخشش ، از همه مردم بخشنده تر بود و بیشترین بخشندگی او ، وقتی بود که در ماه رمضان ، جبرئیل او را دیدار می کرد و جبرئیل در [ماه] رمضان ، هر شب ، ایشان را دیدار می کرد تا آن که ماه رمضان سپری شود. و پیامبر صلی الله علیه و آله ، قرآن را بر او عرضه می کرد. پس وقتی جبرئیل او را دیدار می کرد ، در بخشندگی ، بخشنده تر از بادِ وزان [نسبت به باران] بود.1543.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در ماه رمضان صدقه ای بدهد ، خداوندْ هفتاد نوع بلا را از او بر می گرداند.

.

1544.رجال الكشّى عن ابن عبّاس :الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :أحسِنوا إلى عِيالِكُم ووَسِّعوا عَلَيهِم ؛ فَإِنَّهُ قَد أُروى عَنِ العالِمِ عليه السلام أَنَّهُ قالَ : «إنَّ اللّهَ لا يُحاسِبُ الصّائِمَ عَلى ما أنفَقَهُ فى مَطعَمٍ ولا مَشرَبٍ ، وإنَّهُ لا إسرافَ فى ذلِکَ» . (1)راجع: ص 174 (ما ينبغى عند الإفطار / الصدقه) .

2 / 4كَثرَهُ تِلاوَهِ القُرآنِ1542.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى آدابِ شَهرِ رَمَضانَ :أكثِروا فيهِ مِن تِلاوَهِ القُرآنِ . (2)1543.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :لِكُلِّ شَى ءٍ رَبيعٌ ، ورَبيعُ القُرآنِ شَهرُ رَمَضانَ . (3)1544.رجال الكشّى (به نقل از ابن عبّاس) الكافى عن علىّ بن أبى حمزه :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ أبو بَصيرٍ : جُعِلتُ فِداکَ ! أقرَأُ القُرآنَ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَهٍ؟ فَقالَ : «لا» . قالَ : فَفى لَيلَتَينِ؟ قالَ : «لا» . قالَ : فَفى ثَلاثٍ؟ قالَ : «ها» وأشارَ بِيَدِه .

ثُمَّ قالَ : «يا أبا مُحَمَّدٍ ، إنَّ لِرَمَضانَ حَقّا وحُرمَهً لا يُشبِهُهُ شَى ءٌ مِنَ الشُّهورِ ، وكانَ أصحابُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله يَقرَأُ أحَدُهُمُ القُرآنَ فى شَهرٍ أو أقَلَّ ؛ إنَّ القُرآنَ لا يُقرَأُ هَذرَمَهً ولكِن يُرَتَّلُ تَرتيلاً ، فَإذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ الجَنَّهِ فَقِف عِندَها وسَلِ اللّهَ عز و جل الجَنَّهَ ، وإذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَقِف عِندَها وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ» . (4) .

1- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 206 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 317 ح 7 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 95 ح 78 .
3- .الكافى : ج 2 ص 630 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 386 ح 1 .
4- .الكافى : ج 2 ص 617 ح 2 .

1545.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام:به نانخوران خود ، نیکی کنید و بر آنان توسعه دهید ، که من از عالِم علیه السلام روایت می کنم که گفت: «خداوند ، روزه دار را بر آنچه در خوردنی و آشامیدنی خرج کرده ، محاسبه نمی کند و در این مورد ، اسرافی نیست».ر . ک : ص 175 (آنچه هنگام افطار ، سزاوار است / صدقه) .

2 / 4زیاد قرآن خواندن1549.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آداب ماه رمضان :در این ماه ، زیاد قرآن بخوانید.1550.الطرائف :امام باقر علیه السلام:هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ، ماه رمضان است.1548.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن حمزه :خدمت امام صادق علیه السلامرسیدم. ابو بصیر به او عرض کرد: فدایت شوم! آیا در ماه رمضان ، قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه».

گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه».

گفت: در سه شب؟ [امام علیه السلام] با اشاره دست فرمود : «آری».

سپس فرمود: «ای ابو محمّد! رمضان ، حق و حرمتی دارد که هیچ یک از ماه ها شبیه آن نیست. هر کدام از اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله قرآن را در یک ماه یا کمتر می خواند. قرآن نباید تندتند خوانده شود؛ بلکه با ترتیل و آرامش خوانده می شود. هر گاه به آیه ای رسیدی که یاد بهشت در آن است ، درنگ کن و از خدا بهشت بخواه ، و هر گاه به آیه ای رسیدی که یاد آتش در آن است ، بِایست و از آتش به درگاه خدا پناه ببر».

.

2 / 5كَثرَةُ الاِستِغفارِ1551.الطرائف عن محمّد بن علىّ المكّى بإسناده ، قال :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فى رَمَضانَ يُنادى مُنادٍ بَعدَ ثُلُثِ اللَّيلِ الأَوَّلِ ، أو ثُلُثِ اللَّيلِ الآخِرِ : ألا سائِلٌ يَسأَلُ فَيُعطى؟ ألا مُستَغفِرٌ يَستَغفِرُ فَيُغفَرَ لَهُ؟ ألا تائِبٌ يَتوبُ فَيَتوبَ اللّهُ عَلَيهِ؟ (1)1551.الطرائف (به نقل از محمّد بن على مكّى ، با اِسناد خود) الإمام علىّ عليه السلام :عَلَيكُم فى شَهرِ رَمَضانَ بِكَثرَةِ الاِستِغفارِ وَالدُّعاءِ ؛ فَأَمَّا الدُّعاءُ فَيُدفَعُ بِهِ عَنكُمُ البَلاءُ ، وأَمَّا الاِستِغفارُ فَيَمحى ذُنوبَكُم . (2)1552.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِىٌّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام إذا كانَ شَهرُ رَمَضانَ لَم يَتَكَلَّم إلاّ بِالدُّعاءِ وَالتَّسبيحِ وَالاِستِغفارِ وَالتَّكبيرِ . (3)راجع : ص 90 (تأهيل الناس لضيافه اللّه) وص 110 (أسباب التهيّؤ لضيافه اللّه / تقديم التوبه) .

2 / 6كَثرَةُ الدُّعاءِ وَالذِّكرِالكتاب« وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِى وَلْيُؤْمِنُواْ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ » . (4)

.

1- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 311 ح 3628 ، كنز العمّال : ج 2 ص 112 ح 3393 .
2- .الكافى : ج 4 ص 88 ح 7 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 378 ح 2 .
3- .الكافى : ج 4 ص 88 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 65 ح 35 .
4- .البقره : 186 .

2 / 5 زیاد استغفار کردن

2 / 6 زیاد دعا خواندن و ذکر گفتن

2 / 5زیاد استغفار کردن1554.حلیه الأولیاء (به نقل از اَنَس) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: و یا یک سوم آخر آن در رمضان ، پس از گذشتن یک سوم اوّل شب منادی ندا می دهد: «آیا خواهنده ای هست تا بخواهد و به او بدهند؟ آیا استغفار کننده ای هست که آمرزش بخواهد و آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده ای هست که توبه کند و خداوند هم توبه اش را بپذیرد؟».1555.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:در ماه رمضان ، زیاد استغفار و دعا کنید ؛ امّا دعا ، که به سبب آن ، بلا از شما دور می شود ، و امّا استغفار ، که گناهانتان را محو می کند.1556.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه ماه رمضان بود ، امام سجّاد علیه السلام جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر ، سخنی نمی گفت.ر . ک : ص 91 (آمادگی برای میهمانی خدا) . و ص 111 (اسباب آمادگی برای میهمانی خدا ، توبه ، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان) .

2 / 6زیاد دعا خواندن و ذکر گفتنقرآن« و چون بندگان من از تو درباره من پرسند ، پس به یقین ، من نزدیکم ؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند ، اجابت می کنم. پس ، مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند؛ باشد که به راه حق درآیند» .

.

الحديث1558.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ اللَّيلَهِ الثّامِنَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ هذا شَهرُكَ الَّذى أمَرتَ فيهِ عِبادَكَ بِالدُّعاءِ وضَمِنتَ لَهُمُ الإجابَهَ ، وقُلتَ : «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» . (1)1559.الغيبه ، نعمانى (به نقل از عبد اللّه بن عبّاس) فضائل الأوقات عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ رَمَضانُ تَغَيَّرَ لَونُهُ ، وكَثُرَت صَلاتُهُ ، وَابتَهَلَ فِى الدُّعاءِ وأشفَقَ مِنهُ . (2)1560.تاريخ دمشق (به نقل از محمّد سعدى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله : تَبارَكَ وتَعالى رَمَضانُ شَهرُ اللّهِ اِستَكثِروا فيهِ مِنَ التَّهليلِ وَالتَّكبيرِ وَالتَّحميدِ وَالتَّمجيدِ وَالتَّسبيحِ . (3)راجع : ص 90 (تأهيل الناس لضيافه اللّه) .

2 / 7كَثرَهُ الصَّلاهِ1564.الكافى :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن قامَ رَمَضانَ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (4)1563.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعا) عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى مِنكُم فى هذَا الشَّهرِ للّهِ عز و جل رَكعَتَينِ يَتَطَوَّعُ بِهِما ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (5)1564.الكافى:الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا جاءَ شَهرُ رَمَضانَ زادَ فِى الصَّلاهِ ، وأنَا أزيدُ فَزيدوا . (6) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 269 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 27 ح 2 .
2- .فضائل الأوقات للبيهقى : ص 49 ح 84 ؛ الإقبال : ج 1 ص 69 .
3- .النوادر للأشعرى : ص 17 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 381 ح 6 .
4- .صحيح البخارى : ج 1 ص 22 ح 37 .
5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 293 ح 46 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 361 ح 29 .
6- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 60 ح 204 .

حدیث1566.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای شب هشتم ماه رمضان :خداوندا! این ، ماه توست ؛ ماهی که بندگانت را فرمان داده ای در آن تو را بخوانند و اجابت دعایشان را بر عهده گرفته ای و گفته ای : «و چون بندگان من از تو درباره من پرسند ، پس به یقین ، من نزدیکم ؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند ، اجابت می کنم» .1567.عنه صلی الله علیه و آله :فضائل الأوقات به نقل از عایشه :هر گاه ماه رمضان وارد می شد ، رنگ چهره پیامبر خدا دگرگون می شد و نمازش افزون می گشت و در دعا به درگاه خدا می نالید و از او بیمناک می شد.1568.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:ماه رمضان ، ماه خدای متعال است. در آن ، «لا إله إلاّ اللّه » و تکبیر و حمد و تمجید و تسبیح ، بسیار بگویید.ر . ک : ص 91 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

2 / 7زیاد نماز خواندن1565.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را از روی ایمان و به امید پاداش الهی [به نماز و عبادت] برخیزد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود .1566.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس از شما در این ماه ، دو رکعت نماز مستحب برای خدا بخواند ، خداوندْ او را می آمرزد.1567.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان می آمد ، پیامبر خدا بر نمازش می افزود. من نیز می افزایم؛ پس شما هم بیفزایید.

.

1568.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد عن أبی حمزه الثمالی :کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ سَیِّدُ العابِدینَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِما یُصَلّی عامَّهَ اللَّیلِ فی شَهرِ رَمَضانَ ، فَإِذا کانَ السَّحَرُ دَعا بِهذَا الدُّعاءِ : إلهی لا تُؤَدِّبنی بِعُقوبَتِکَ ... . (1)1569.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :شَهرُ رَمَضانَ لا یُشبِهُهُ شَیءٌ مِنَ الشُّهورِ ؛ لَهُ حَقٌّ وحُرمَهٌ ، أکثِر مِنَ الصَّلاهِ مَا استَطَعتَ . (2)1570.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الرضا علیه السلام :کانَ أبی یَزیدُ فِی العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ فی کُلِّ لَیلَهٍ عِشرینَ رَکعَهً . (3)راجع : ص 340 (نوافل شهر رمضان) .

2 / 8العُمرَه1574.الإمام زین العابدین علیه السلام :رسول اللّه صلی الله علیه و آله لِامرَأهٍ مِنَ الأنصارِ :إذا کانَ رَمَضانُ اعتَمِری فیهِ ؛ فَإِنَّ عُمرَهً فی رَمَضانَ حَجَّهٌ . (4)1572.مسند ابن حنبل (به نقل از صهیب) الکافی عن الولید بن صبیح :قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام : بَلَغَنا أنَّ عُمرَهً فی شَهرِ رَمضانَ تَعدِلُ حَجَّهً .

فَقالَ : «إنَّما کانَ ذلِکَ فِی امرَأَهٍ وَعَدَها رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَقالَ لَها : اِعتَمِری فی شَهرِ رَمَضانَ فَهِیَ لَکِ حَجَّهٌ» . (5) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 582 ح 691 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 82 ح 2 .
2- .الکافی : ج 2 ص 619 ح 5 وج 4 ص 154 ح 1 وفیه «لشهر رمضان حرمه وحقّ لا یشبهه شیء من الشهور ، صلّ ما استطعت فی شهر رمضان تطوّعا باللیل والنهار» .
3- .تهذیب الأحکام : ج 3 ص 67 ح 219 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 384 ح 2 .
4- .صحیح البخاری : ج 2 ص 631 ح 1690 ؛ الجعفریّات : ص 67 .
5- .الکافی : ج 4 ص 535 ح 1 .

1573.التوحيد (به نقل از عبد اللّه بن مسعود) مصباح المتهجّد به نقل از ابو حمزه ثمالى :امام سجّاد در ماه رمضان ، همه شب را نماز مى خواند و سحر كه مى شد ، اين دعا را مى خواند: «إلهى! لا تؤدّبنى بعقوبتک...» .1574.امام زين العابدين عليه السلام :امام صادق عليه السلام:ماه رمضان ، ماهى است كه هيچ يک از ماه ها شبيه آن نيست. آن ، حق و حرمتى دارد. تا مى توانى [در اين ماه] ، زياد نماز بخوان .1575.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :امام رضا عليه السلام:پدرم در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب ، بيست ركعت بر نمازهايش مى افزود .ر . ک : ص 341 (نوافل ماه رمضان) .

2 / 8عُمره1575.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :پيامبر خدا صلى الله عليه و آله خطاب به زنى از انصار :چون [ماه] رمضان شود ، در آن عمره به جاى آور؛ چرا كه يک عمره در رمضان ، [برابر با] حج است.1576.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى به نقل از وليد بن صبيح :به امام صادق عليه السلام عرض كردم : به ما چنين رسيده كه عمره در رمضان ، با حج برابر است .

فرمود : «اين در مورد زنى بود كه پيامبر خدا به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان ، عمره به جا آور ، كه برايت حج است ».

است ، يا آن كه بمانم تا ماه بگذرد و روزه ام را تمام كنم؟

در پاسخ ، نامه اى به خطّ خويش نوشت: «رحمت خدا بر تو! پرسيدى كه كدام عمره برتر است؟ عمره ماه رمضان ، برتر است. خداىْ رحمتت كند !».

.

1577.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن حمّاد بن عثمان :کانَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام إذا أرادَ العُمرَةَ انتَظَرَ إلی صَبیحَهِ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ثُمَّ یَخرُجُ مُهِلاًّ فی ذلِکَ الیَومِ . (1)2 / 9الاِعتِکاف1580.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اِعتِکافُ عَشرِ شَهرِ رَمَضانَ یَعدِلُ حَجَّتَینِ وعُمرَتَینِ . (2)1581.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :اِعتَکَفَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فی شَهرِ رَمَضانَ فِی العَشرِ الأَوَّلِ ، ثُمَّ اعتَکَفَ فِی الثّانِیَهِ فِی العَشرِ الوُسطی ، ثُمَّ اعتَکَفَ فِی الثّالِثَهِ فِی العَشرِ الأَواخِرِ ، ثُمَّ لَم یَزَل یَعتَکِفُ فِی العَشرِ الأَواخِرِ . (3)2 / 10قِراءَهُ سورَهِ الفَتحِ فِی التَّطَوُّعِ1581.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن یزید بن هارون عن المسعودی :بَلَغَنی أنَّهُ مَن قَرَأَ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ : «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحا مُّبِینا» (4)

فِی التَّطَوُّعِ ، حُفِظَ ذلِکَ العامَ . (5) .

1- .الکافی : ج 4 ص 536 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 118 ح 44 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 188 ح 2101 ؛ المعجم الکبیر : ج 3 ص 128 ح 2888 .
3- .الکافی : ج 4 ص 175 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 4 ح 2 .
4- .الفتح : ج 1 .
5- .الإقبال : ج 1 ص 75 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 350 ح 19 نقلاً عن القطب الراوندی فی النوادر وفیه «من قرأ أوّل لیله من شهر رمضان «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحا مُّبِینا» حفظ إلی مثلها من قابل» .

2 / 9 اعتکاف

2 / 10 خواندن سوره فتح در نمازهای مستحب

1582.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان :هر گاه امام صادق علیه السلاممی خواست عمره انجام دهد ، تا صبح بیست و سوم ماه رمضان صبر می کرد و در همان روز ، تلبیه می گفت و به سوی مکه می رفت .2 / 9اعتکاف1585.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:اعتکاف ده روز ماه رمضان ، برابر دو حج و دو عمره است.1586.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا در ماه رمضان ، در ده روز اوّل ، معتکف شد. سال بعد ، در ده روز وسط ، و در سال سوم ، در ده روز آخر معتکف شد. سپس پیوسته در ده روز آخر ، معتکف شد.2 / 10خواندن سوره فتح در نماز مستحب1583.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از یزید بن هارون ، از مسعودی :به من چنین روایت رسیده که هر کس در هر شبی از ماه رمضان ، در نماز مستحب ، سوره «إنّا فَتَحنا» بخواند ، آن سال ، محفوظ می ماند.

.

الفصل الثالث : الأدعيه المشتركه3 / 1أدعِيَهُ الصَّلَواتِ المَكتوبَهأ دُعاءُ «اللّهُمَّ أدخِل عَلى أهلِ القُبورِ السُّرورَ»1588.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن دَعا بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ بَعدَ المَكتوبَهِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، وهُوَ :

اللّهُمَّ أدخِل عَلى أهلِ القُبورِ السُّرورَ ، اللّهُمَّ أغنِ كُلَّ فَقيرٍ ، اللّهُمَّ أشبِع كُلَّ جائِعٍ ، اللّهُمَّ اكسُ كُلَّ عُريانٍ ، اللّهُمَّ اقضِ دَينَ كُلِّ مَديونٍ ، اللّهُمَّ فَرِّج عَن كُلِّ مَكروبٍ ، اللّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَريبٍ ، اللّهُمَّ فُكَّ كُلَّ أسيرٍ ، اللّهُمَّ أصلِح كُلَّ فاسِدٍ مِن اُمورِ المُسلِمينَ ، اللّهُمَّ اشفِ كُلَّ مَريضٍ ، اللّهُمَّ سُدَّ فَقرَنا بِغِناكَ ، اللّهُمَّ غَيِّر سُوءَ حالِنا بِحُسنِ حالِكَ ، اللّهُمَّ اقضِ عَنَّا الدَّينَ وأغنِنا مِنَ الفَقرِ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (1)ب دُعاءُ الحَجِّ1590.تفسير العيّاشى عن الحسين بن زيد بن علىّ عن جعفر بالإمام الصادق والإمام الكاظم عليهماالسلام :تَقولُ فى شَهرِ رَمَضانَ مِن أوَّلِهِ إلى آخِرِهِ بَعدَ

كُلِّ فَريضَهٍ :

اللّهُمَّ ارزُقنى حَجَّ بَيتِكَ الحَرامِ فى عامى هذا وفى كُلِّ عامٍ ما أبقَيتَنى فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ وسَعَهِ رِزقٍ ، ولا تُخلِنى مِن تِلكَ المَواقِفِ الكَريمَهِ وَالمَشاهِدِ الشَّريفَهِ ، وزِيارَهِ قَبرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ وفى جَميعِ حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ فَكُن لى .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فى لَيلَهِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ ولا يُبَدَّلُ ، أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المَشكورِ سَعيُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ ، المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُم ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ أن تُطيلَ عُمُرى فى طاعَتِكَ ، وتُوَسِّعَ عَلَىَّ رِزقى ، وتُؤَدِّىَ عَنّى أمانَتى ودَينى ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . (2) .

1- .المصباح للكفعمى : ص 816 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 120 ح 3 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 79 .

الف دعای «اَللّهمَّ أَدْخِلْ عَلی أَهْلِ القُبورِ السُّرورَ»

ب دعای حج

فصل سوم : دعاهای مشترک3 / 1دعاهای نمازهای واجبالف دعای «اَللّهمَّ أَدْخِلْ عَلی أَهْلِ القُبورِ السُّرورَ»1591.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «خدا آنچه را بخ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در ماه رمضان ، پس از نماز واجب ، این دعا را بخواند ، خداوندْ گناهان او را تا روز قیامت می آمرزد. دعا این است:

«خداوندا ! بر خفتگان گورها ، شادی وارد کن. خداوندا ! هر نیازمندی را بی نیاز بگردان. خداوندا ! هر گرسنه ای را سیر کن. خداوندا ! هر برهنه ای را بپوشان. خداوندا ! بدهیِ هر بدهکاری را ادا کن. خدایا ! گرفتاریِ هر گرفتاری را برطرف ساز. خدایا ! هر غریبی را به [وطنش] باز گردان. خدایا ! هر اسیری را برهان. خدایا ! هر تباهی ای را از کارهای مسلمانان ، سامان بخش. خدایا ! هر بیماری را شفا بده. خدایا ! نیازمندیِ ما را با بی نیازیِ خویش برطرف ساز. خدایا ! بد حالیِ ما را با حال نیک خودت ، تغییر بده. خدایا ! بدهیِ ما را ادا کن و ما را از فقر ، بی نیاز گردان؛ همانا تو بر هر چیز ، توانایی».ب دعای حج1592.الأمالی، شجری (به نقل از اوزاعی) امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام:از اوّل تا پایان ماه رمضان ، پس از هر نماز واجب

می گویی:

«خداوندا ! امسال و در هر سال ، تا وقتی مرا زنده می داری ، حجّ خانه خودت را روزی ام کن ، در آسانی و تن درستی و وسعت روزی از سوی خودت؛ و جای مرا در آن جایگاه های ارزشمند و حرم های شریف ، خالی مگذار و از زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و خاندانش باد محرومم مکن؛ و در همه نیازهای دنیا و آخرت ، برای من باش !

خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی از فرمان قطعی در شب قدر ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته ، تلاششان پاداش یافته ، گناهانشان آمرزیده ، و خطاهایشان پوشیده است؛ و در آنچه تقدیر و حتمی می کنی ، این را قرار بده که عمرم را در فرمان بُرداری ات بلند گردانی و روزی ام را بر من وسعت بخشی و امانت و بدهیِ مرا از جانب من ادا کنی ! آمین ، ای پروردگار جهانیان !».

.

ج دُعاءُ «يا عَلِيُّ يا عَظيمُ»1594.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :تَدعو عَقيبَ كُلِّ فَريضَةٍ فى شَهرِ رَمَضانَ لَيلاً كانَ أو نَهارا فَتَقولُ :

يا عَلِيُّ يا عَظيمُ يا غَفورُ يا رَحيمُ ، أنتَ الرَّبُّ العَظيمُ الَّذى لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ ، وهذا شَهرٌ عَظَّمتَهُ وكَرَّمتَهُ وشَرَّفتَهُ وفَضَّلتَهُ عَلَى الشُّهورِ ، وهُوَ الشَّهرُ الَّذى فَرَضتَ صِيامَهُ عَلَىَّ وهُوَ شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ ، وجَعَلتَ فيهِ لَيلَةَ القَدرِ وجَعَلتَها خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ ، فَيا ذَا المَنِّ ولا يُمَنُّ عَلَيکَ ، مُنَّ عَلَىَّ بِفَكاكِ رَقَبَتى مِنَ النّارِ فيمَن تَمُنُّ عَلَيهِ ، وأدخِلنِى الجَنَّةَ بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 79 .

ج دعای «یا عَلیُّ یا عَظیمُ»

ج دعای «یا عَلیُّ یا عَظیمُ»1596.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال:در ماه رمضان، پس از هر نماز واجب، چه شب باشد و چه روز، می گویی:

«ای والا ، ای بزرگ ، ای آمرزنده ، ای مهربان ! تو ، آن پروردگار بزرگی که همانند او ، چیزی نیست و او شنوای بیناست ، و این ، ماهی است که آن را بزرگ داشته ، کرامت و شرافت بخشیده ، و بر [دیگر] ماه ها برتری داده ای ، و این ، ماهی است که روزه داریِ آن را بر من واجب کرده ای ، و آن ، ماه رمضان است که در آن ، قرآن را برای راهنمایی مردم و به عنوان نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان [جداکننده حق از باطل] ، نازل کرده ای و شب قدر را در آن قرار داده و آن را بهتر از هزار ماه قرار داده ای. پس ، ای صاحب نعمت و منّت که کسی را بر تو منّتی نیست ! با آزاد کردنم از آتش ، بر من نیز ، در جمع آنان که بر ایشان منّت می گذاری ، منّت گذار و وارد بهشتم کن ! به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

3 / 2أدعِيَهُ كُلِّ لَيلَةٍ الدُّعاءُ لِلحَجِّ1596.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ :الإمام الصادق عليه السلام فِي الدُّعاءِ فِى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ إنّى أسأَلُکَ فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فِى الأَمرِ الحَكيمِ مِنَ القَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ ولا يُبَدَّلُ ، أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِکَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ ، المَشكورِ سَعيُهُم ، وأن تَجعَلَ فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فِى الأَمرِ الحَكيمِ فى لَيلَةِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ ولا يُبَدَّلُ أن تُطيلَ عُمُرى وأن تُوَسِّعَ عَلَىَّ فى رِزقى ، وأن تَجعَلَنى مِمَّن تَنتَصِرُ بِهِ لِدينِکَ ولا تَستَبدِلَ بى غَيرى . (1)1597.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :عَن مُحَمَّدِ بنِ أبى عُمَيرٍ عَمَّن ذَكَرَهُ عَن بَعضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام أنَّهُ قالَ : مَن قالَ هذَا الدُّعاءَ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ غُفِرَت لَهُ ذُنوبُ أربَعينَ سَنَةً : اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وَافتَرَضتَ عَلى عِبادِکَ فيهِ الصِّيامَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنى حَجَّ بَيتِکَ الحَرامِ فى عامى هذا وفى كُلِّ عامٍ ، وَاغفِر لى تِلکَ الذُّنوبَ العِظامَ ؛ فَإِنَّهُ لا يَغفِرُها غَيرُکَ يا رَحمانُ يا عَلاّمُ . (2) .

1- .الكافى : ج 4 ص 161 ح 3 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 144 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 311 ح 5 .

الف دعا برای حج

3 / 2دعاهای هر شبالف دعا برای حج1597.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در دعا در هر شب از ماه رمضان :خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی ، از فرمان قطعی در امر حکیمانه ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته ، گناهانشان پوشیده ، نافرمانی هایشان آمرزیده ، و تلاششان پاداش یافته است ، و [از تو می خواهم] در آنچه قطعی و مقدّر می کنی ، از آن فرمان قطعی در امر حکیمانه در شب قدر ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، مرا عمری طولانی بخشی و به روزی ام وسعت دهی و مرا از آنانی قرار دهی که دین تو را یاری می کنند ، و دیگری را جایگزین من نسازی !1598.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از محمّد بن ابی عمیر ، از کسانی ، از بعضی از خاندان محمّد صلی الله علیه و آله :هر کس این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند ، گناهان چهل ساله اش آمرزیده می شود:

«خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان ، ماهی که در آن ، قرآن نازل کرده ای و در آن روزه را بر بندگانت واجب ساخته ای ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و حجّ خانه خودت را امسال و هر سال ، روزی ام کن و آن گناهان بزرگ مرا بیامرز ، که آنها را جز تو نمی آمرزد ! ای بخشنده ، ای بسیار دانا !».

.

ب دُعاءُ حُسنِ القَضاءِ1600.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فِی الدُّعاءِ عِندَ کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَ إنّی أسألُکَ فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ فِی الأمرِ الحَکیمِ فی لَیلَهِ القَدرِ فِی القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولا یُبَدَّلُ ، أن تُطیلَ عُمُری وأن تُوَسِّعَ عَلَیَ فی رِزقی،وأن تَجعَلَنی مِمَّن تَنتَصِرُ بِهِ ولا تَستَبدِلَ بی غَیری. (1)ج الصَّلاهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ1602.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الجواد علیه السلام :یُستَحَبُّ أن تُکثِرَ مِن أن تَقولَ فی کُلِّ وَقتٍ مِن لَیلٍ أو نَهارٍ مِن أوَّلِ الشَّهرِ إلی آخِرِهِ :

یا ذَا الَّذی کانَ قَبلَ کُلِّ شَیءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ کُلَّ شَیءٍ ، ثُمَّ یَبقی ویَفنی کُلُّ شَیءٍ ، یا ذَا الَّذی لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ ، ویا ذَا الَّذی لَیسَ فِی السَّماواتِ العُلی ولا فِی الأَرَضینَ السُّفلی ولا فَوقَهُنَّ ولا تَحتَهُنَّ ولا بَینَهُنَّ إلهٌ یُعبَدُ غَیرُهُ . لَکَ الحَمدُ حَمدا لا یَقوی عَلی إحصائِهِ إلاّ أنتَ . فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلاهً لا یَقوی عَلی إحصائِها إلاّ أنتَ . (2)د دُعاءُ الاِفتِتاحِ1602.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن أبی عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السکونی :سَألتُ أبا بَکرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِیَّ أن یُخرِجَ إلَیَّ أدعِیَهَ شَهرِ رَمَضانَ الَّتی کانَ عَمَّهُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عُثمانَ بنِ اَلسَّعیدِ العَمرِیُّ یَدعو بِها ، فَأخرَجَ إلَیَّ دَفتَرا مُجَلَّداً بِأحمَرَ ، فَنَسَختُ مِنهُ أدعِیَهً کَثیرَهً ، وکانَ مِن جُملَتِها :

وتَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَإنَّ الدُّعاءَ فی هذَا الشَّهرِ تَسمَعُهُ المَلائِکَهُ وتَستَغفِرُ لِصاحِبِهِ ، وهُوَ :

اللّهُمَّ إنّی أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِکَ وأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّکَ ، وأیقَنتُ أنَّکَ أرحَمُ الرّاحِمینَ فی مَوضِعِ العَفوِ وَالرَّحمَهِ ، وأشَدُّ المُعاقِبینَ فی مَوضِعِ النَّکالِ وَالنَّقِمَهِ ، وأعظَمُ المُتَجَبِّرینَ فی مَوضِعِ الکِبرِیاءِ وَالعَظَمَهِ .

اللّهُمَّ أذِنتَ لی فی دُعائِکَ ومَسأَلَتِکَ ، فَاسمَع یا سَمیعُ مِدحَتی ، وأجِب یا رَحیمُ دَعوَتی ، وأقِل یا غَفورُ عَثرَتی ، فَکَم یا إلهی مِن کُربَهٍ قَد فَرَّجتَها ! وهُمومٍ قَد کَشَفتَها ! وعَثرَهٍ قَد أقَلتَها ! ورَحمَهٍ قَد نَشَرتَها ! وحَلقَهِ بَلاءٍ قَد فَکَکتَها ! .

الحَمدُ للّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ صاحِبَهً ولا وَلَدا ولَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ ولَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وکَبِّرهُ تَکبیرا . الحَمدُ للّهِ بِجَمیعِ مَحامِدِهِ کُلِّها عَلی

جَميعِ نِعَمِهِ كُلَها . الحَمدُ للّهِ الّذى لا مُضادَّ لَهُ فى مُلكِهِ ولا مُنازِعَ لَهُ فى أمرِهِ . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا شَريكَ لَهُ فى خَلقِهِ ، ولا شَبيهَ لَهُ فى عَظَمَتِهِ . الحَمدُ للّهِ الفاشى فِى الخَلقِ أمرُهُ وحَمدُهُ ، الظّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجدُهُ ، الباسِطِ بِالجودِ يَدَهُ ، الَّذى لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ ولا تَزيدُهُ كَثرَةُ العَطاءِ إلاّ جودا وكَرَما ، إنَّهُ هُوَ العَزيزُ الوَهّابُ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ قَليلاً مِن كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بى إلَيهِ عَظيمَةٍ وغِناكَ عَنهُ قَديمٌ ، وهُوَ عِندى كَثيرٌ وهُوَ عَلَيكَ سَهلٌ يَسيرٌ .

اللّهُمَّ إنَّ عَفوَكَ عَن ذَنبى وتَجاوُزَكَ عَن خَطيئَتى ، وصَفحَكَ عَن ظُلمى وسَترَكَ عَلى قَبيحِ عَمَلى ، وحِلمَكَ عَن كَثيرِ جُرمى عِندَما كانَ مِن خَطَئى وعَمدى ، أطمَعَنى فى أن أسأَلَكَ ما لا أستَوجِبُهُ مِنكَ الَّذى رَزَقتَنى مِن رَحمَتِكَ وأرَيتَنى مِن قُدرَتِكَ وعَرَّفتَنى مِن إجابَتِكَ ، فَصِرتُ أدعوكَ آمِنا وأسأَلُكَ

مُستَأنِسا لا خائِفا ولا وَجِلاً ، مُدِلاًّ عَلَيكَ فيما قَصَدتُ فيهِ إلَيكَ، فَإن أبطَأَ عَنّى عَتَبتُ بِجَهلى عَلَيكَ ، ولَعَلَّ الَّذى أبطَأَ عَنّى هُوَ خَيرٌ لى ؛ لِعِلمِكَ بِعاقِبَهِ الاُمورِ ، فَلَم أرَ مَولىً كَريما أصبَرَ عَلى عَبدٍ لَئيمٍ مِنكَ عَلَىَّ .

يا رَبِّ ، إنَّكَ تَدعونِى فَاُوَلّى عَنكَ ، وتَتَحَبَّبُ إلَىَّ فَأَتَبَغَّضُ إلَيكَ ، وتَتَوَدَّدُ إلَىَّ فَلا أقبَلُ مِنكَ ، كَأنَّ لِىَ التَّطَوُّلَ عَلَيكَ ، فَلَم يَمنَعكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحمَهِ لى وَالإحسانِ إلَىَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَىَّ بِجودِكَ وكَرَمِكَ ، فَارحَم عَبدَكَ الجاهِلَ وجُد عَلَيهِ بِفَضلِ إحسانِكَ إنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ .

الحَمدُ للّهِ مالِكِ المُلكِ مُجرِى الفُلكِ ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ الإصباحِ ، دَيّانِ الدّينِ رَبِّ العالَمينَ ، الحَمدُ للّهِ عَلى حِلمِهِ بَعدَ عِلمِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلَى عَفوِهِ بَعدَ قُدرَتِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلى طولِ أناتِهِ فى غَضَبِهِ وهُوَ القادِرُ عَلى ما يُريدُ ، الحَمدُ للّهِ خالِقِ الخَلقِ باسِطِ الرِّزقِ ذِى الجَلالِ وَالإكرامِ وَالفَضلِ وَالإنعامِ ، الَّذى بَعُدَ فَلا يُرى وقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجوى تَبارَكَ وتَعالى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لَيسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ ولا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ ولا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الأعِزّاءَ وتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ العُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدرَتِهِ ما يَشاءُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى يُجيبُنى حينَ اُنادِيهِ ، ويَستُرُ عَلَىَّ كُلَّ عَورَهٍ وأنَا أعصيهِ ، ويُعَظِّمُ النِّعمَهَ عَلَىَّ فَلا اُجازيهِ ، فَكَم مِن مَوهِبَهٍ هَنيئَهٍ قَد أعطانى ! وعَظيمَهٍ مَخوفَهٍ قَد كَفانى ! وبَهجَهٍ مونِقَهٍ قَد أرانى ! فَأُثنى عَلَيهِ حامِدا وأذكُرُهُ مُسَبِّحا .

الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُهتَكُ حِجابُهُ ولا يُغلَقُ بابُهُ ، ولا يُرَدُّ سائِلُهُ ولا يُخَيَّبُ آمِلُهُ .

الحَمدُ للّهِ الّذى يُؤمِنُ الخائِفينَ ويُنَجّى الصّالِحينَ ، ويَرفَعُ المُستَضعَفينَ ويَضَعُ المُستَكبِرينَ ، ويُهلِكُ مُلوكا ويَستَخلِفُ آخَرينَ ، وَالحَمدُ للّهِ قاصِمِ الجَبّارينَ مُبيرِ الظّالِمينَ ، مُدرِكِ الهارِبينَ نَكالِ الظّالِمينَ ، صَريخِ المُستَصرِخينَ مَوضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ مُعتَمَدِ المُؤمِنينَ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى مِن خَشيَتِهِ تَرعَدُ السَّماءُ

وسُكّانُها ، وتَرجُفُ الأَرضُ وعُمّارُها ، وتَموجُ البِحارُ ومَن يَسبَحُ فى غَمَراتِها ، الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِهذا وما كُنّا لِنَهتَدِىَ لَولا أن هَدانَا اللّهُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى يَخلُقُ ولَم يُخلَق ويَرزُقُ ولا يُرزَقُ ويُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، ويُميتُ الأَحياءَ ويُحيِى المَوتى وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وأمينِكَ وصَفِيِّكَ وحَبيبِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، وحافِظِ سِرِّكَ ومُبَلِّغِ رِسالاتِكَ ، أفضَلَ وأحسَنَ وأجمَلَ وأكمَلَ وأزكى وأنمى وأطيَبَ وأطهَرَ وأسنى وأكثَرَ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ وتَحَنَّنتَ وسَلَّمتَ عَلى أَحَدٍ مِن عِبادِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وصَفوَتِكَ وأهلِ الكَرامَهِ عَلَيكَ مِن خَلقِكَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيٍّ أميرِ المُؤمِنينَ ووَصِيِّ رَسولِ رَبِّ العالَمينَ ، عَبدِكَ ووَلِيِّكَ وأخى رَسولِكَ وحُجَّتِكَ عَلى خَلقِكَ وآيَتِكَ الكُبرى وَالنَّبَاءِ العَظيمِ وصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَهِ الطّاهِرَهِ فاطِمَهَ سَيِّدَهِ نِساءِ العالَمينَ ، وصَلِّ عَلى سِبطَيِ الرَّحمَهِ وإمامَيِ الهُدى الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ ، وصَلِّ عَلى أئِمَّهِ المُسلِمينَ : عَلِيِ بنِ الحُسَينِ ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وموسَى بنِ جَعفَرٍ وعَلِيِ بنِ موسى ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍ وعَلِيِ بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍ وَالخَلَفِ المَهدِيِّ حُجَجِكَ عَلى عِبادِكَ وأُمنَائِكَ فى بِلادِكَ صَلاةً كَثيرَةً دائِمَةً .

اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى وَلِيِ أمرِكَ القائِمِ المُؤَمَّلِ وَالعَدلِ المُنتَظَرِ ، وحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ وأيِّدهُ بِروحِ القُدُسِ يا رَبَّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ اجعَلهُ الدّاعِىَ إلى كِتابِكَ وَالقائِمَ بِدينِكَ ، وَاستَخلِفهُ فِى الأَرضِ كَمَا استَخلَفتَ الَّذينَ مِن قَبلِهِ ، مَكِّن لَهُ دينَهُ الَّذى ارتَضَيتَهُ لَهُ ، أبدِلهُ مِن بَعدِ خَوفِهِ أمنا يَعبُدُكَ لا يُشرِكُ بِكَ شَيئا .

اللّهُمَّ أعِزَّهُ وأعزِز بِهِ ، وَانصُرهُ وَانتَصِر بِهِ وَانصُرهُ نَصرا عَزيزا وَافتَح لَهُ فَتحا

مُبينا وَاجعَل لَهُ مِن لَدُنكَ سُلطانا نَصيرا .

اللّهُمَّ أظهِر بِهِ دينَکَ وسُنَّةَ نَبِيِّکَ ؛ حَتّى لا يَستَخفِىَ بِشَىءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَةَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ .

اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إلَيکَ فى دَولَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وأهلَهُ وتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وأهلَهُ ، وتَجعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ إلى طاعَتِکَ وَالقادَةِ إلى سَبيلِکَ ، وتَرزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنيا وَالآخِرَةِ .

اللّهُمَّ ما عَرَّفتَنا مِنَ الحَقِّ فَحَمِّلناهُ وما قَصُرنا عَنهُ فَبَلِّغناهُ .

اللّهُمَّ المُم بِهِ شَعَثَنا وَاشعَب بِهِ صَدعَنا وَارتُق بِهِ فَتقَنا ، وكَثِّر بِهِ قِلَّتَنا ، وأعِزَّ بِهِ ذِلَّتَنا ، وأغنِ بِهِ عائِلَنا ، وَاقضِ بِهِ عَن مَغرَمِنا ، وَاجبُر بِهِ فَقرَنا ، وسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، ويَسِّر بِهِ عُسرَنا ، وبَيِّض بِهِ وُجوهَنا ، وفُکَّ بِهِ أسرَنا، وأنجِح بِهِ طَلِبَتَنا ، وأنجِز بِهِ مَواعيدَنا ، وَاستَجِب بِهِ دَعوَتَنا ، وأعطِنا بِهِ سُؤلَنا ، وبَلِّغنا بِهِ مِنَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ آمالَنا ، وأعطِنا بِهِ آمالَنا ، وأعطِنا بِهِ فَوقَ رَغبَتِنا ، يا خَيرَ المَسؤولينَ وأوسَعَ المُعطينَ ، اِشفِ بِهِ صُدورَنا ، وأذهِب بِهِ غَيظَ قُلوبِنا ، وَاهدِنا بِهِ لِمَا اختُلِفَ فيهِ مِنَ الحَقِّ بِإذنِکَ ؛ إنَّکَ تَهدى مَن تَشاءُ إلى صِراطٍ مُستَقيمٍ ، وَانصُرنا بِهِ عَلى عَدُوِّکَ وعَدُوِّنا إلهَ الحَقِّ آمينَ .

اللّهُمَّ إنّا نَشكو إلَيکَ فَقدَ نَبِيِّنا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ وغَيبَةَ إمامِنا ، وكَثرَةَ عَدُوِّنا ، وقِلَّةَ عَدَدِنا ، وشِدَّةَ الفِتَنِ بِنا ، وتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَينا ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأعِنّا عَلى ذلِکَ بِفَتحٍ تُعَجِّلُهُ ، وبِضُرٍّ تَكشِفُهُ ونَصرٍ تُعِزُّهُ ، وسُلطانِ حَقٍّ تُظهِرُهُ ، ورَحمَةٍ مِنکَ تُجَلِّلُناها وعافِيَةٍ [مِنکَ]تُلبِسُناها بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 102 ح 264 .
2- .المقنعه : ص 320 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 138 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 108 ، مصباح المتهجّد : ص 577 ح 690 .

ب دعا برای تقدیر نیکو

ج صلوات بر پیامبر و خاندانش

د دعای افتتاح

ب دعا برای تقدیر نیکو1604.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در دعایی در هر شب از ماه رمضان :خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی ، از فرمان قطعی در امر حکیمانه خویش در شب قدر ، در آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که عمرم را طولانی سازی و روزی ام را وسعت بخشی و مرا از کسانی قرار دهی که با او دینت را یاری می کنی و دیگری را جایگزین من نسازی !ج صلوات بر پیامبر و خاندانش1604.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام جواد علیه السلام:مستحب است در هر وقتی از شب یا روز از اوّل تا پایان این ماه ، زیاد بگویی:

«ای آن که پیش از هر چیز بود ، سپس همه چیز را آفرید ، سپس باقی می مانَد و همه چیز ، فانی می شود !ای آن که چیزی همانند او نیست ! ای آن که نه در آسمان های بلند و نه در زمین های پایین و نه بالای آنها و نه زیر آنها و نه میان آنها ، معبودی جز او نیست که پرستیده شود ! تو را حمد و سپاس ، حمدی که کسی جز تو بر شمارش آن توانا نیست. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ درودی که کسی جز تو ، شمارش آن را نتواند !».د دعای افتتاح1606.التوحید عن محمّد بن أبی عمیر :الإقبال به نقل از ابو عمرو محمّد بن محمّد بن نصر سَکونی :از ابو بکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری می خوانده ، برای من درآورد. پس دفتری را که جلد قرمز داشت ، بیرون آورد. من ، دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم که از جمله آنها ، این بود : و در هر شب از ماه رمضان ، این دعا را می خوانی چرا که فرشتگان دعاهای ماه رمضان را می شنوند و برای دعا کنندگان استغفار می کنند ، و آن دعا این است :

«خداوندا! من ستایشت را با حمد تو آغاز می کنم و تو با نعمت خویش ، توفیق دهنده بر راه درستی.

یقین دارم که تو ، در جای گذشت و رحمت ، مهربان ترینِ مهربانانی و در جای کیفر و انتقام ، سرسخت ترینِ کیفردهندگانی و در جایگاه بزرگی و عظمت ، بزرگ ترین جبّارانی.

خداوندا! اذنم داده ای تا تو را بخوانم و از تو بخواهم . پس ، ای شنوا! ستایشم را بشنو ، و ای مهربان! دعایم را اجابت کن ، و ای آمرزنده! از لغزشم درگذر. خدایا! چه بسیار اندوهی که برطرفش ساختی و غمی که آن را زدودی و لغزشی که از آن در گذشتی و رحمتی که آن را گستردی و زنجیره بلایی که آن را از هم گسستی!

ستایش، خدایی را که نه همسری گرفته و نه فرزندی، و نه او را در پادشاهی، شریکی است و نه او را از روی خواری، سرپرستی. او را به شایستگی، تکبیر بگوی و بزرگ بدار. خداراسپاس،باهمه ستودگی هایش،برهمه نعمت هایش.

سپاس ، خدایی را که نه او را در حکمرانی ، ضدّی است و نه در فرمانش ، او را مخالفی.

سپاس ، خدایی را که در میان آفریدگانش ، شریکی ندارد و در عظمتش ، بی همتاست.

سپاس ، خدایی را که فرمان او و ستایشش در میان خَلق ، پراکنده و آشکار است ؛ آن که شُکوهش با بخشندگی ، هویداست و دستش به سخاوت ، گشوده است؛ آن که بخشش زیاد ، نه از گنجینه هایش می کاهد و نه بر آن می افزاید ، مگر بر بخشندگی و کَرَمش. همانا او قدرتمند بخشنده است.

خداوندا! از تو اندکی از نیاز فراوانم را می خواهم ، با آن که نیازم به آن ، بسیار است و بی نیازیِ تو از آن ، دیرین. آن نزد من ، بسیار است ؛ امّا بر تو آسان و ناچیز .

خداوندا! بخشایش تو از گناهم ، و گذشت تو از خطایم ، و چشم پوشی تو از ظلمم ، و پرده پوشی تو بر کار زشتم ، و بردباری تو از گناه بسیارم آن جا که به عمد یا خطا گناه کردم مرا به طمع انداخت تا از تو چیزی بخواهم

که از سوی تو شایسته آن نیستم ، چیزی که از رحمت خویش ، روزی ام کردی و از قدرت خود ، نشانم دادی و از اجابت خویش ، مرا شناساندی.

پس چنین گشتم که با ایمنی ، تو را می خوانم و بی وحشت و ترس ، از تو می خواهم و نیز در آنچه به درگاهت روی می آورم ، با ناز و عشوه ، طلب می کنم . پس اگر حاجتم دیر برآید ، جاهلانه عتابت می کنم ، با آن که شاید آنچه تأخیر افتاده ، برایم بهتر باشد؛ چرا که تو فرجام کارها را می دانی. پس ، هیچ مولای بزرگواری را بر بنده ای فرومایه ، شکیباتر از تو بر خود ندیده ام.

پروردگارا! تو مرا می خوانی؛ من از تو روی برمی گردانم . توبه من دوستی می کنی؛ من با تو بی مهری می کنم. تو با من مهربانی می کنی؛ من از تو نمی پذیرم، گویا که من بر تو نعمت و منّت دارم؛ امّا اینها باز هم تو را از رحمت بر من و نیکی و بخشش از روی جود و کَرَم به من ، باز نمی دارند. پس ، این بنده نادانت را ترحّم کن و با فضل و احسانت بر او ببخش! همانا تو بخشنده بزرگواری.

ستایش، خدایی را که مالکِ فرمان روایی است، روان سازنده کشتی ، مسخّر کننده بادها، شکافنده صبح ، جزا دهنده روز جزا و پروردگار جهانیان است.

خدا را سپاس بر بردباری اش پس از علمش. خدا را سپاس بر گذشتش پس از قدرتش. خدا را سپاس بر تحمّل طولانی اش پس از خشمش ، در حالی که او بر هر چه بخواهد ، تواناست.

خدا را سپاس ، که آفریدگار خَلق است ، گشاینده روزی ، صاحب شُکوه و بزرگواری و احسان و نعمت دهی؛ آن که دور است ، پس دیده نمی شود ، و نزدیک است ، آن چنان که نجوا را شاهد است. بزرگوار و والاست.

سپاس ، خدایی را که نه مخالفی دارد که با او برابری کند ، و نه مشابهی دارد که با او همتا شود ، و نه پشتیبانی دارد تا از او حمایت کند . با قدرت خویش ، قدرتمندان را شکست داده و بزرگان ، در پیشگاه عظمتش ، فروتنی کرده اند . پس با قدرتش به آنچه می خواهد ، رسیده است .

سپاس، خدایی را که چون می خوانمش، پاسخم می دهد و با آن که نافرمانی اش می کنم ، هر عیب مرا می پوشاند و نعمت خویش را بر من بزرگ می دارد و من سپاسش نمی گزارم . چه بسیار موهبت و بخشش

بزرگی که به من بخشید و چه بسیار امر بزرگ و ترسناکی که از من دفع کرد و چه بسیار شادمانیِ دل ربایی که نشانم داد ! پس ، او را ستایشگرانه ثنا می گویم و به پاکی و بی عیبی ، یادش می کنم .

سپاس ، خدایی را که پرده اش دریده نمی شود ، درش بسته نمی گردد ، درخواست کننده از او برگردانده نمی شود و آرزومند او محروم نمی گردد.

سپاس ، خدایی را که بیمناکان را ایمن می سازد ، شایستگان را نجات می بخشد ، ضعیف شمرده شدگان را رفعت می دهد ، مستکبران را پست می کند و پادشاهانی را هلاک می کند و پادشاهان دیگری را جایگزین می سازد.

سپاس ، خدایی را که در هم کوبنده جبّاران ، نابودکننده ستمگران ، دریابنده فراریان ، کیفر دهنده ظالمان ، فریادرس درماندگان ، جایگاه [تأمین] نیازهای خواهندگان و تکیه گاه مؤمنان است.

سپاس، خدایی را که از بیم او آسمان ها و آسمانیان و زمین و آبادکنندگانش می لرزند و دریاها و آنچه در اعماقشان شناور است ، در جوش و خروش اند.

« سپاس ، خدایی را که ما را به این [دین] هدایت کرد و اگر او هدایتمان نمی کرد ، هرگز راه نمی یافتیم».

سپاس ، خدایی را که می آفریند و خود ، آفریده نیست؛ روزی می دهد ، ولی روزی خور نیست ؛ می خوراند ، ولی خورنده نیست؛ زندگان را می میراند و مردگان را زنده می کند و او زنده نامیراست. نیکی به دست اوست و او بر هر چیز ، تواناست.

خداوندا ! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات ، امین و برگزیده ات ، محبوب و انتخاب شده ات از میان بندگانت ، رازدارت و رساننده رسالت هایت ، درود فرست ، به بهترین ، نیکوترین ، زیباترین ، کامل ترین ، پاک ترین ، رشدیابنده ترین ، پاکیزه ترین ، والاترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و نعمت ؛ و درودی که به هر یک از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگانت و آفریدگان صاحب کرامتت فرستاده ای !

خداوندا ! بر علی ، امیر مؤمنان ، وصیّ فرستاده پروردگار جهانیان ، بنده و دوستت و برادر پیامبرت و حجّت تو بر آفریدگانت و نشانه بزرگ تو و خبر بزرگ درود فرست ! و بر بانوی راست کردار پاک ، فاطمه ، سَرور زنان

جهان ، درود فرست ! و بر دو نواده رحمت و دو پیشوای هدایت ، حسن و حسین ، دو سَرور جوانان بهشتی ، درود فرست ! و بر پیشوایان مسلمانان: علی بن الحسین ، محمّد بن علی ، جعفر بن محمّد ، موسی بن جعفر ، علی بن موسی ، محمّد بن علی ، علی بن محمّد ، حسن بن علی و جانشین او مهدی ، حجّت های تو بر بندگانت و امینان تو در سرزمین هایت ، درود فرست ، درودی فراوان و پیوسته !

خداوندا ! بر عهده دار فرمانت ، امام قائم ، که مورد آرزوست و عدالت مورد انتظار است ، درود فرست و او را با فرشتگان مقرّب خویش ، فرا گیر و او را ای پروردگار جهانیان با روح القدس مؤیّد بدار !

خداوندا ! او را دعوت کننده به کتابت و برپاکننده دینت قرار بده ، و او را در زمین ، جانشین ، قرار بده ، آن گونه که پیشینیان از او را جانشین ساختی ، و آیینی را که برای او پسندیده ای ، برای او حاکم ساز ، و او را پس از بیمش ایمنی بخش تا تنها تو را بپرستد و چیزی را شریک تو قرار ندهد !

خداوندا ! او را عزّت بخش و [ما را] به او عزیز (مقتدر) بگردان و او را به

پیروزی برسان و او را یاری کن ، یاری ای قدرتمندانه ، و برای او فتحی آشکار قرار بده و از پیش خود ، قدرتی برخوردار از یاری برای وی قرار بده !

خداوندا ! با او دین خود و سنّت پیامبرت را چیره ساز تا از حق هیچ چیزی ، از بیم احدی از مردم ، پنهان نماند !

خداوندا ! ما از درگاه تو دولت کریمه ای را می خواهیم که با آن ، اسلام و مسلمانان را عزّت بخشی و نفاق و منافقان را خوار گردانی و ما را در آن حکومت ، از دعوتگران به طاعتت و فرماندهان و پیشوایان راهت قرار دهی و با آن ، کرامت دنیا و آخرت را روزیِ ما کنی .

خداوندا ! آنچه از حق به ما شناساندی ، توفیق عمل به آن را هم به ما ببخش و آنچه بِدان دست نیافتیم ، ما را به آن برسان !

خداوندا ! پراکندگیِ ما را با وجود او وحدت بخش و آشفتگیِ ما را با او به سامان برسان و تفرقه ما را با او بزدای و اندکیِ ما را با او افزون گردان و خواریِ ما را با او به عزّت برسان و نیازمندِ ما را با او بی نیاز کن و بدهیِ بدهکار ما را با او ادا کن و تنگ دستیِ ما را با او جبران ساز و نیازِ ما

را با او برطرف گردان و سختیِ ما را با او آسان ساز و چهره های ما را با او سفید گردان و گرفتارِ ما را با او رها ساز و خواسته ما را با او برآور و وعده هایی را که به ما داده ای ، با او محقّق ساز و دعایمان را با او اجابت فرما و خواسته ما را با او عطا کن و آرزوهای ما را در دنیا و آخرت با او برآور و آمال ما را با او عطا فرما و ما را به برکت او بالاتر از خواسته مان عطا کن ! ای بهترین درخواست شدگان ، ای گسترده ترین عطا کنندگان ! دل های ما را با او شفا بخش و کینه دل های ما را با او بزدای و در آنچه از حق ، مورد اختلاف است ، به اذن خودت ، ما را با او به حق هدایت کن همانا تو هر که را بخواهی ، به راه راست هدایت می کنی و ما را با او بر دشمن خودت و دشمن ما یاری کن ! ای خدای حق ، آمین !

خداوندا ! ما به درگاهت شِکوه می آوریم فقدان پیامبرمان را که درود تو بر او و خاندانش باد و غیبت پیشوایمان را ، و فزونی دشمنمان را ، و اندکیِ شمارمان را ، و سختیِ فتنه ها را بر ما ، و هماهنگی [مردم] زمان را به زیان ما. پس بر محمّد و دودمان محمّد درود فرست و ما را بر این خواسته ها، یاری کن ، با فتحی که زود پیش می آوری و با رنجی که می زدایی و با یاری ای که مایه قدرت می سازی و با حکومت حقّی که آشکار و پیروزش می کنی و با رحمتی از سوی خود ، که بر ما شامل می کنی و عافیتی از سوی خود ، که بر ما می پوشانی ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

ص: 206

. .

ص: 207

. .

ص: 208

. .

ص: 209

. .

ص: 210

. .

ص: 211

. .

ص: 212

. .

ص: 213

. .

ه دُعاءُ «الدُّخولُ فِی الصّالِحینَ»1605.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :دُعاءٌ آخَرُ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِنهُ :

اللّهُمَّ بِرَحمَتِکَ فِی الصّالِحینَ فَأَدخِلنا ، وفی عِلِّیِّینَ فَارفَعنا ، وبِکَأسٍ مِن مَعینٍ مِن عَینِ سَلسَبیلٍ فَاسقِنا ، ومِنَ الحورِ العینِ بِرَحمَتِکَ فَزَوِّجنا ، ومِنَ الوِلدانِ المُخَلَّدینَ کَأَنَّهُم لُؤلُؤٌ مَکنونٌ فَأَخدِمنا ، ومِن ثِمارِ الجَنَّهِ ولُحومِ الطَّیرِ فَأَطعِمنا ، ومِن ثِیابِ السُّندُسِ وَالحَریرِ وَالإِستَبرَقِ فَأَلبِسنا ، ولَیلَهَ القَدرِ وحَجَّ بَیتِکَ الحَرامِ وقَتلاً فی سَبیلِکَ فَوَفِّق لَنا ، وصالِحَ الدُّعاءِ وَالمَسأَلَهِ فَاستَجِب لَنا ، یا خالِقَنَا اسمَع وَاستَجِب لَنا . وإذا جَمَعتَ الأَوَّلینَ وَالآخِرینَ یَومَ القِیامَهِ فَارحَمنا ، وبَراءَهً مِنَ النّارِ فَاکتُب لَنا ، وفی جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا ، وفی عَذابِکَ وهَوانِکَ فَلا تَبتَلِنا ، ومِنَ الزَّقّومِ وَالضَّریعِ فَلا تُطعِمنا ، ومَعَ الشَّیاطینِ فَلا تَجمَعنا ، وفِی النّارِ عَلی وُجوهِنا فَلا تَکُبَّنا ، ومِن ثِیابِ النّارِ وسَرابیلِ القَطِرانِ فَلا تُلبِسنا ، ومِن کُلِّ سوءٍ یا لا إلهَ إلاّ أنتَ بِحَقِّ لا إلَهَ إلاّ أنتَ فَنَجِّنا . (1)3 / 3أدعِیَهُ الأَسحارِ دُعاءُ أبی جَعفَرٍ علیه السلام1609.کتاب سلیم بن قیس عن سلیم :الإقبال :عَن أیّوبَ بنِ یَقطینٍ أنَّهُ کَتَبَ إلی أبِی الحَسَنِ الرِّضا علیه السلام یَسأَلُهُ أن یُصَحِّحَ لَهُ هذَا الدُّعاءَ ، فَکَتَبَ إلَیهِ : «نَعَم ، وهُوَ دُعاءُ أبی جَعفَرٍ علیه السلام بِالأَسحارِ فی شَهرِ رَمَضانَ .

قالَ أبی علیه السلام : قالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : لَو یَعلَمُ النّاسُ مِن عِظَمِ هذِهِ المَسائِلِ عِندَ اللّهِ وسُرعَهِ إجابَتِهِ لِصاحِبِها لاَقتَتَلوا عَلَیهِ ولَو بِالسُّیوفِ ، وَاللّهُ یَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن یَشاءُ .

وقالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : لَو حَلَفتُ لَبَرِرتُ أنَّ اسمَ اللّهِ الأَعظَمَ قَد دَخَلَ فیها ، فَإِذا دَعَوتُم فَاجتَهِدوا فِی الدُّعاءِ فَإِنَّهُ مِن مَکنونِ العِلمِ ، وَاکتُموهُ إلاّ مِن أهلِهِ ، ولَیسَ مِن أهلِهِ المُنافِقونَ وَالمُکَذِّبونَ وَالجاحِدونَ ، وهُوَ دُعاءُ المُباهَلَهِ تَقولُ :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن بَهائِکَ بِأَبهاهُ وکُلُّ بَهائِکَ بَهِیٌّ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِبَهائِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن جَمالِکَ بِأَجمَلِهِ وکُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن جَلالِکَ بِأَجَلِّهِ وکُلُّ جَلالِکَ جَلیلٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن عَظَمَتِکَ بِأعظَمِها وکُلُّ عَظَمَتِکَ عَظیمَهٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن نورِکَ بِأنوَرِهِ وکُلُّ نورِکَ نَیِّرٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِنورِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن رَحمَتِکَ بِأوسَعِها وکُلُّ رَحمَتِکَ واسِعَهٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِرَحمَتِکَ

كُلَها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألَکَ مِن کَلِماتِکَ بِأتَمِّها وکُلّ کَلِماتِکَ تامَّةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن کَمالِکَ بِأکمَلِهِ وکُلُّ کَمالِکَ کامِلٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن أسمائِکَ بِأکبَرِها وکُلُّ أسمائِکَ کَبیرَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِأسمائِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن عِزَّتِکَ بِأعَزِّها وکُلُّ عِزَّتِکَ عَزیزَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِعِزَّتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن مَشِیَّتِکَ بِأمضاها وکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن قُدرَتِکَ بِالقُدرَةِ الَّتِى استَطَلتَ بِها عَلى کُلِّ شَیءٍ وکُلُّ قُدرَتِکَ مُستَطیلَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِقُدرَتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن عِلمِکَ بِأنفَذِهِ وکُلُّ عِلمِکَ نافِذٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِعِلمِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن قَولِکَ

بِأَرضاهُ وکُلُّ قَولِکَ رَضِیٌ،اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِقَولِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن مَسائِلِکَ بِأحَبِّها إلَیکَ وکُلُّ مَسائِلِکَ إلَیکَ حَبیبَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِمَسائِلِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن شَرَفِکَ بِأشرَفِهِ وکُلُّ شَرَفِکَ شَریفٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِشَرَفِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن سُلطانِکَ بِأدوَمِهِ وکُلُّ سُلطانِکَ دائِمٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِسُلطانِکِ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن مُلکِکَ بِأفخَرِهِ وکُلُّ مُلکِکَ فاخِرٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِمُلکِکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن عُلُوِّکَ بِأعلاهُ وکُلُّ عُلُوِّکَ عالٍ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِعُلُوِّکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن مَنِّکَ بِأقدَمِهِ وکُلُّ مَنِّکَ قَدیمٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ مِن آیاتِکَ بِأکرَمِها وکُلُّ آیاتِکَ کَریمَةٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِآیاتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِما أنتَ فیهِ مِنَ الشَّأنِ وَالجَبَروتِ ، وأسألُکَ بِکُلِّ شَأنٍ وَحدَهُ وَجَبَروتٍ وَحدَها ، اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِما تُجیبُنى بِهِ حینَ أسألُکَ فَأجِبنى یا أللّهُ ، وَافعَل بى کَذا وکَذا .

وتَذکُرُ حاجَتَکَ ، فَإنَّکَ تُعطاها إن شاءَ اللّهُ تَعالى» . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 143 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 175 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 94 ح 2 .

ه دعای «ورود به جمع صالحان»

3 / 3 دعاهای سحر

الف دعای امام باقر علیه السلام

ه دعای «ورود به جمع صالحان»1608.المعجم الکبیر (به نقل از ابن عبّاس ، درباره این سخن خدا : {Q}) الإقبال در بخشی از دعایی دیگر برای هر شب :خداوندا ! به رحمتت ، ما را در جمع شایستگان ، وارد کن و در بهشت برین ، بالایمان ببر و به ما جامی گوارا از چشمه سلسبیل ، بنوشان و به رحمتت ، از حوریان بهشتی همسرمان گردان و از پسرکانِ جاودان [در بهشت ،] که همچون لؤلؤ پوشیده اند ، به خدمت ما بگمار و از میوه های بهشتی و گوشت های پرندگان ، غذایمان ده و از جامه های دیبا و پرنیان و زربفت بر ما بپوشان و توفیق درک شب قدر و حجّ خانه خودت و شهادت در راهت را به ما بده و دعا و خواسته شایسته ما را اجابت کن ای آفریدگار ما ! بشنو و اجابت کن و آن گاه که در روز قیامت ، اوّلین و آخرین را گرد آوری ، بر ما ترحّم کن و امان نامه نجات از آتش را برایمان بنویس و ما را در جهنّم به غل و زنجیر مکش و ما را دچار عذاب و خواری از سوی خود مساز و از زقّوم و ضریع به ما مخوران و ما را با شیطان ها یک جا قرار مده و ما را به رو در آتش دوزخ میفکن و از جامه های آتشین و پیراهن های گدازنده بر ما مپوشان و ما را از هر بدی ای آن که هیچ معبودی جز تو نیست ، به حقّ آن که معبودی جز تو نیست برهان !3 / 3دعاهای سحرالف دعای امام باقر علیه السلام1612.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال درباره ایّوب بن یقطین :وی نامه ای به امام رضا علیه السلامنوشت واز او خواست که درستیِ این دعا را بیان کند.

امام علیه السلام به او نوشت: «آری. این ، دعای امام باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان است . پدرم فرمود که امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم از عظمت این خواسته ها نزد خداوند و سرعت اجابت آنها برای صاحبانش خبر داشتند ، بر سر آن با یکدیگر به جنگ می پرداختند، حتّی با شمشیر؛ و خداوند، رحمتش را به هر کس بخواهد، ویژه می سازد .

و امام باقر علیه السلام فرمود: اگر قسم بخورم ، راست گفته ام که اسم اعظم خداوند ، در این دعاست . پس هر گاه دعا کردید ، در دعا بکوشید؛ چرا که آن از دانش نهفته است و آن را جز از اهلش ، از دیگران پنهان بدارید. منافقان ، تکذیب کنندگان و منکِران ، از اهل آن نیستند و این ، دعای مباهله است. چنین می گویی :

«خداوندا ! من از تو درخواست می کنم ، از جلوه های نورانیّتت ، به برترین جلوه اش ، در حالی که همه جلوه های تو نورانی است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه جلوه های نورانی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از زیبایی هایت ، به زیباترینش ، در حالی که همه جمال تو زیباست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه زیبایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم، از شُکوه هایت ، به شکوهمندترینش ، در حالی که همه شُکوه تو باشُکوه است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه شُکوهت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از عظمت هایت ، به بزرگ ترینش ، در حالی که همه عظمتت بزرگ است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه عظمتت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از فروغ هایت ، به فروزان ترینش ، در حالی که همه فروغ تو فروزان است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه فروغت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم، و از رحمت هایت، به گسترده ترینش ، در حالی که همه رحمتت گسترده است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه رحمتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از سخنانت ، به کامل ترینش ، در حالی که همه سخنانت کامل است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه سخنانت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از کمال هایت به کامل ترینش ، در حالی که همه کمالت کامل است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه کمالت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از نام هایت ، به بزرگ ترینش ، در حالی که همه نام هایت بزرگ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه نام هایت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از عزّت هایت به تواناترینش ، در حالی که همه عزّتت شکست ناپذیر است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه عزّتت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از اراده هایت ، به نافذترینش ، در حالی که همه اراده ات نافذ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه اراده ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آن توانی که با آن بر هر چیز ، احاطه یافتی ، در حالی که همه توانت فراگیر است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم، به همه توانایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از دانش هایت به نافذترینش ، در حالی که همه دانشت نافذ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه دانشت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از گفتارهایت ، به پسندیده ترینش ، در حالی که همه گفتارت پسندیده است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه گفتارت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از خواسته های برآمده در درگاهت ، به محبوب ترینِ آنها در پیشگاهت ، در حالی که همه آن خواسته ها نزد تو محبوب است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه خواسته های برآمده در درگاهت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از شرافت هایت ، به شریف ترینش ، در حالی که همه شرافتت شریف است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه شرافتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از فرمان روایی هایت به ماناترینش ، در حالی که همه فرمان روایی ات ماناست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه فرمان روایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از پادشاهی هایت ، به والاترینش ، در حالی که همه پادشاهی تو والاست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم، به همه پادشاهی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از والایی هایت به بلندمرتبه ترینش ، در حالی که همه والایی تو بلندمرتبه است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه والایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از احسان هایت ، به کهن ترینش ، در حالی که همه احسان تو دیرین است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه احسانت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از آیاتت ، به گرامی ترینش ، در حالی که همه آیاتت گرامی است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه آیاتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آن جایگاه و شُکوهی که در آنی ، و از تو درخواست می کنم ، به هر جایگاهی به تنهایی ، و به هر شُکوهی به تنهایی. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آنچه وقتی تو را به آن بخوانم ، جوابم می دهی.

پس خداوندا ! دعایم را اجابت کن و با من چنین و چنان کن» .

حاجت خود را یاد می کنی ، إن شاء اللّه برآورده می شود .

.

ص: 216

. .

ص: 217

. .

ب دُعاءُ أبی حَمزَةَ الثُّمالِیّ1611.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد عن أبی حمزه الثمالی :کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ سَیِّدُ العابِدینَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِما یُصَلّی عامَّةَ اللَّیلِ فی شَهرِ رَمَضانَ ، فَإِذا کانَ (فِی) السَّحَرِ دَعا بِهذَا الدُّعاءِ :

إلهی لا تُؤَدِّبنی بِعُقوبَتِکَ ، ولا تَمکُر بی فی حیلَتِکَ ، مِن أینَ لِیَ الخَیرُ یا رَبِّ ولا یوجَدُ إلاّ مِن عِندِکَ ، ومِن أینَ لِیَ النَّجاهُ ولا تُستَطاعُ إلاّ بِکَ ، لاَ الَّذی

أحسَنَ استَغنی عَن عَونِکَ ورَحمَتِکَ ولاَ الَّذی أساءَ وَاجتَرَأَ عَلَیکَ ولَم یُرضِکَ خَرَجَ عَن قُدرَتِکَ ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ حَتّی یَنقَطِعَ النَّفَسُ بِکَ عَرَفتُکَ وأنتَ دَلَلتَنی عَلَیکَ ودَعَوتَنی إلَیکَ ، ولَولا أنتَ لَم أدرِ ما أنتَ .

الحَمدُ للّهِ الَّذی أدعوهُ فَیُجیبُنی وإن کُنتُ بَطیئاً حینَ یَدعونی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أسأَلُهُ فَیُعطینی وإن کُنتُ بَخیلاً حینَ یَستَقرِضُنی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی أُنادیهِ کُلَّما شِئتُ لِحاجَتی وأخلو بِهِ حَیثُ شِئتُ لِسِرّی بِغَیرِ شَفیعٍ فَیَقضی لی حاجَتی .

الحَمدُ للّهِ الَّذی لا أدعو غَیرَهُ ، ولَو دَعَوتُ غَیرَهُ لَم یَستَجِب لی دُعائی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی لا أرجو غَیرَهُ ، ولَو رَجَوتُ غَیرَهُ لَأَخلَفَ رَجائی، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی وَکَلَنی إلَیهِ فَأکرَمَنی ولَم یَکِلنی إلَی النّاسِ فَیُهینونی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی تَحَبَّبَ إلَیَ وهُوَ غَنِیٌّ عَنّی ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی یَحلُمُ عَنّی حَتّی کَأَنّی لاذَنبَ لی،فَرَبّی أحمَدُ شَیءٍ عِندی وأحَقُّ بِحَمدی.

اللّهُمَّ إنّی أجِدُ سُبُلَ المَطالِبِ إلَیکَ مُشرَعَةً ، ومَناهِلَ الرَّجاءِ إلَیکَ مُترَعَةً ، وَالاِستِعانَةَ بِفَضلِکَ لِمَن أمَّلَکَ مُباحَةً ، وأبوابَ الدُّعاءِ إلَیکَ لِلصّارِخینَ مَفتوحَةً ، وأعلَمُ أنَّکَ لِلرّاجینَ بِمَوضِعِ إجابَهٍ ولِلمَلهوفینَ بِمَرصَدِ إغاثَهٍ ، وأنَّ فِی اللَّهفِ إلی جودِکَ وَالرِّضا بِقَضائِکَ عِوَضا مِن مَنعِ الباخِلینَ ومَندوحَةً عَمّا فی أیدِی المُستَأثِرینَ ، وأنَّ الرّاحِلَ إلَیکَ قَریبُ المَسافَهِ ، وأنَّکَ لا تَحتَجِبُ عَن خَلقِکَ إلاّ أن تَحجِبَهُمُ الأعمالُ دونَکَ ، وقَد قَصَدتُ إلَیکَ بِطَلِبَتی وتَوَجَّهتُ إلَیکَ بِحاجَتی ، وجَعَلتُ بِکَ استِغاثَتی وبِدُعائِکَ تَوَسُّلی مِن غَیرِ استِحقاقٍ لِاِستِماعِکَ مِنّی ولاَ استیجابٍ لِعَفوِکَ عَنّی ، بَل لِثِقَتی بِکَرَمِکَ وسُکونی إلی صِدقِ وَعدِکَ ولَجَئی إلَی الإیمانِ بِتَوحیدِکَ ، ویَقینی بِمَعرِفَتِکَ مِنّی ألاّ رَبَّ لی غَیرُکَ ، ولا إلهَ إلاّ أنتَ وَحدَکَ لا شَریکَ لَکَ .

اللّهُمَّ أنتَ القائِلُ وقَولَکَ حَقٌّ ووَعدُکَ صِدقٌ : وَاسألُوا اللّهَ مِن فَضلِهِ إنَّ اللّهَ كانَ بِكُم رَحيما ، ولَيسَ مِن صِفاتِکَ يا سَيِّدی أن تَأمُرَ بِالسُّؤالِ وتَمنَعَ العَطِيَّةَ ، وأنتَ المَنّانُ بِالعَطِيّاتِ عَلی أهلِ مَملَكَتِکَ وَالعائِدُ عَلَيهِم بِتَحَنُّنِ رَأفَتِکَ .

إلهی رَبَّيتَنی فی نِعَمِکَ وإحسانِکَ صَغيرا وتَوَّهتَ بِاسمی كَبيرا ، فَيا مَن رَبّانی فِی الدُّنيا بِإحسانِهِ وتَفَضُّلِهِ ونِعَمِهِ ، وأشارَ لی فِی الآخِرَهِ إلی عَفوِهِ وكَرَمِهِ ، مَعرِفَتی يا مَولایَ دَلَّتنی (دَليلی) عَلَيکَ ، وحُبّی لَکَ شَفيعی إلَيکَ ، وأنَا واثِقٌ مِن دَليلی بِدَلالَتِکَ وساكِنٌ مِن شَفيعی إلی شَفاعَتِکَ ، أدعوکَ يا سَيِّدی بِلِسانٍ قَد أخرَسَهُ ذَنبُهُ ، رَبِّ أناجيکَ بِقَلبٍ قَد أوبَقَهُ جُرمُهُ ، أدعوکَ يا رَبِّ راهِبا راغِبا راجِيا خائِفا ، إذا رَأيتُ مَولایَ ذُنوبی فَزِعتُ ، وإذا رَأيتُ كَرَمَکَ طَمِعتُ ، فَإن عَفَوتَ فَخَيرُ راحِمٍ ، وإن عَذَّبتَ فَغَيرُ ظالِمٍ ، حُجَّتی يا أللّهُ فی جُرأتی عَلَی مَسألَتِکَ مَعَ إتيانی ما تَكرَهُ : جودُکَ وكَرَمُکَ ، وعُدَّتی فی شِدَّتی مَعَ قِلَّهِ حَيائی : رَأفَتُکَ ورَحمَتُکَ ، وقَد رَجَوتُ ألاّ تُخَيِّبَ بَينَ ذَينِ وذَينِ مُنيَتی ، فَحَقِّق رَجائی وَاسمَع دُعائی يا خَيرَ مَن دَعاهُ داعٍ وأفضَلَ مَن رَجاهُ راجٍ ، عَظُمَ يا سَيِّدی أمَلی وساءَ عَمَلی ، فَأعطِنی مِن عَفوِکَ بِمِقدارِ أمَلی ولاَ تُؤاخِذنی بِأسوَءِ عَمَلی ، فَإنَّ كَرَمَکَ يَجِلُّ عَن مُجازاهِ المُذنِبينَ ، وحِلمَکَ يَكبُرُ عَن مُكافاهِ المُقَصِّرينَ ، وأنَا يا سَيِّدی عائِذٌ بِفَضلِکَ هارِبٌ مِنکَ إلَيکَ ، مُنتَجِزٌ (مُتَنَجِّزٌ) ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِکَ ظَنّاً ، وما أنَا يا رَبِّ وما خَطَری ، هَبنی بِفَضلِکَ وتَصَدَّق عَلَیَّ بِعَفوِکَ ، أی رَبِّ جَلِّلنی بِسِترِکَ وَاعفُ عَن تَوبيخی بِكَرَمِ وَجهِکَ ، فَلَوِ اطَّلَعَ اليَومَ عَلی ذَنبی غَيرُکَ ما فَعَلتُهُ ، ولَو خِفتُ تَعجيلَ العُقوبَهِ لاَجتَنَبتُهُ ، لا لِأنَّکَ أهوَنُ النّاظِرينَ إلَیَ وأخَفُّ المُطَّلِعينَ عَلَیَ ، بَل لِأنَّکَ يا رَبِّ خَيرُ السّاتِرينَ وأحكَمُ الحاكِمينَ وأكرَمُ الأكرَمينَ ، سَتّارُ العُيوبِ غَفّارُ الذُّنوبِ عَلاّمُ الغُيوبِ ، تَستُرُ الذَّنبَ بِكَرَمِکَ وتُؤَخِّرُ

العُقوبَهَ بِحِلمِکَ ، فَلَکَ الحَمدُ عَلی حِلمِکَ بَعدَ عِلمِکَ وعَلی عَفوِکَ بَعدَ قُدرَتِکَ ، ويَحمِلُنی ويُجَرِّئُنی عَلی مَعصِيَتِکَ حِلمُکَ عَنّی ، ويَدعونی إلَی قِلَّهِ الحَياءِ سَترُکَ عَلَیَ ، ويُسرِعُنی إلَی التَّوَثُّبِ عَلی مَحارِمِکَ مَعرِفَتی بِسَعَهِ رَحمَتِکَ وعَظيمِ عَفوِکَ .

يا حَليمُ يا كَريمُ ، يا حَیُ يا قَيّومُ ، يا غافِرَ الذَّنبِ يا قابِلَ التَّوبِ ، يا عَظيمَ المَنِّ يا قَديمَ الإحسانِ ، أينَ سِترُکَ الجَميلُ؟ أينَ عَفوُکَ الجَليلُ؟ أينَ فَرَجُکَ القَريبُ؟ أينَ غِياثُکَ السَّريعُ؟ أينَ رَحمَتُکَ الواسِعَهُ؟ أينَ عَطاياکَ الفاضِلَهُ؟ أينَ مَواهِبُکَ الهَنيئَهُ؟ أينَ صَنائِعُکَ السَّنِيَّهُ؟ أينَ فَضلُکَ العَظيمُ؟ أينَ مَنُّکَ الجَسيمُ؟ أينَ إحسانُکَ القَديمُ؟ أينَ كَرَمُکَ يا كَريمُ؟ بِهِ فَاستَنقِذنی وبِرَحمَتِکَ فَخَلِّصنی .

يا مُحسِنُ يا مُجمِلُ ، يا مُنعِمُ يا مُفضِلُ ، لَسنا نَتَّكِلُ فِى النَّجاهِ مِن عِقابِکَ عَلى أعمالِنا ، بَل بِفَضلِکَ عَلَينا لِأَنَّکَ أهلُ التَّقوى وأهلُ المَغفِرَهِ ، تُبدِئُ بِالإِحسانِ نِعَما وتَعفو عَنِ الذَّنبِ کَرَما ، فَما نَدرى ما نَشکُرُ ، أجَميلَ ما تَنشُرُ أم قَبيحَ ما تَستُرُ؟ أم عَظيمَ ما أبلَيتَ وأولَيتَ؟ أم کَثيرَ ما مِنهُ نَجَّيتَ وعافَيتَ؟ يا حَبيبَ مَن تَحَبَّبَ إلَيکَ ، ويا قُرَّهَ عَينِ مَن لاذَ بِکَ وَانقَطَعَ إلَيکَ ، أنتَ المُحسِنُ ونَحنُ المُسيؤونَ ، فَتَجاوَز يا رَبِّ عَن قَبيحِ ما عِندَنا بِجَميلِ ما عِندَکَ ، وأىُ جَهلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جودُکَ ، أو أىُ زَمانٍ أطوَلُ مِن أناتِکَ ، وما قَدرُ أعمالِنا فى جَنبِ نِعَمِکَ ، وکَيفَ نَستَکثِرُ أعمالاً نُقابِلُ بِها کَرَمَکَ ، بَل کَيفَ يَضيقُ عَلَى المُذنِبينَ ما وَسِعَهُم مِن رَحمَتِکَ ، يا واسِعَ المَغفِرَهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَهِ ، فَوَعِزَّتِکَ يا سَيِّدى لَو نَهَرتَنى ما بَرِحتُ مِن بابِکَ ولا کَفَفتُ عَن تَمَلُّقِکَ لِمَا انتَهى إلَىَ مِنَ المَعرِفَهِ بِجودِکَ وکَرَمِکَ ، وأنتَ الفاعِلُ لِما تَشاءُ ، تُعَذِّبُ مَن تَشاءُ بِما تَشاءُ کَيفَ تَشاءُ ، وتَرحَمُ مَن تَشاءُ بِما تَشاءُ کيفَ تَشاءُ .

لا تُسأَلُ عَن فِعلِکَ ، ولا تُنازَعُ فى مُلکِکَ ، ولا تُشارَکُ فى أمرِکَ ، ولا تُضادُّ فى حُکمِکَ ولا يَعتَرِضُ عَلَيکَ أحَدٌ فى تَدبيرِکَ ، لَکَ الخَلقُ وَالأَمرُ تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ .

يا رَبِّ هذا مَقامُ مَن لاذَ بِکَ وَاستَجارَ بِکَرَمِکَ وألِفَ إحسانَکَ ونِعَمَکَ ، وأنتَ الجَوادُ الَّذى لا يَضيقُ عَفوُکَ ولا يَنقُصُ فَضلُکَ ولا تَقِلُّ رَحمَتُکَ ، وقَد تَوَثَّقنا مِنکَ بِالصَّفحِ القَديمِ وَالفَضلِ العَظيمِ وَالرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، أفَتُراکَ يا رَبِّ تُخلِفُ ظُنونَنَا أو تُخَيِّبُ آمالَنا؟ کَلاّ يا کَريمُ لَيسَ هذا ظَنُّنا بِکَ ولا هذا فيکَ طَمَعُنا ، يا رَبِّ ، إنَّ لَنا فيکَ أمَلاً طَويلاً کَثيرا ، إنَّ لَنا فيکَ رَجاءً عَظيما ، عَصَيناکَ ونَحنُ نَرجو أن تَستُرَ عَلَينا ودَعَوناکَ ونَحنُ نَرجو أن تَستَجيبَ لَنا ، فَحَقِّق رَجاءَنا مَولانا فَقَد عَلِمنا ما نَستَوجِبُ بِأعمالِنا ، ولکِنَّ عِلمَکَ فينا وعِلمَنا بِأَنَّکَ لا تَصرِفُنا عَنکَ حَثَّنا عَلَى الرَّغبَهِ إلَيکَ ، وإن کُنّا غَيرَ مُستَوجِبينَ لِرَحمَتِکَ فَأنتَ أهلٌ أن تَجودَ عَلَينا وعَلَى المُذنِبينَ بِفَضلِ سَعَتِکَ ، فَامنُن عَلَينا بِما أنتَ أهلُهُ وجُد عَلَينا فَإِنّا مُحتاجونَ إلى نَيلِکَ ، يا غَفّارُ بِنورِکَ اهتَدَينا ، وبِفَضلِکَ استَغنَينا ، وبِنِعمَتِکَ أصبَحنا وأمسَينا ، ذُنوبُنا بَينَ يَدَيکَ نَستَغفِرُکَ اللّهُمَّ مِنها ونَتوبُ إلَيکَ ، تَتَحَبَّبُ إلَينا بِالنِّعَمِ ونُعارِضُکَ بِالذُّنوبِ ، خَيرُکَ إلَينا نازِلٌ وشَرُّنا إلَيکَ صاعِدٌ ، ولَم يَزَل ولا يَزالُ مَلَکٌ کَريمٌ يَأتيکَ عَنّا بِعَمَلٍ قَبيحٍ فَلا يَمنَعُکَ ذلِکَ أن تَحوطَنا بِنِعَمِکَ وتَتَفَضَّلَ عَلَينا بِآلائِکَ ، فَسُبحانَکَ ما أحلَمَکَ وأعظَمَکَ وأکرَمَکَ مُبدِئا ومُعيدا ، تَقَدَّسَت أسماؤُکَ وجَلَّ ثَناؤُکَ وکَرُمَ صَنائِعُکَ وفِعالُکَ ، أنتَ إلهى أوسَعُ فَضلاً وأعظَمُ حِلما مِن أن تُقايِسَنى بِفِعلى وخَطيئَتى ، فَالعَفوَ العَفوَ سَيِّدى سَيِّدى سَيِّدى .

اللّهُمَّ اشغَلنا بِذِكرِكَ ، وأعِذنا مِن سَخَطِكَ وأجِرنا مِن عَذابِكَ ، وَارزُقنا مِن مَواهِبِكَ ، وأنعِم عَلَينا مِن فَضلِكَ ، وَارزُقنا حَجَّ بَيتِكَ وزِيارَةَ قَبرِ

نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ ورَحمَتُكَ ومَغفِرَتُكَ ورِضوانُكَ عَلَيهِ وعَلى أهلِ بَيتِهِ إنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ ، وَارزُقنا عَمَلاً بِطاعَتِكَ ، وتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِكَ وسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ .

اللّهُمَّ اغفِر لي ولِوالِدَيَّ وَارحَمهُما كَما رَبَّيانى صَغيرا ، اِجزِهِما بِالإِحسانِ إحسانا وبِالسَّيِّئاتِ غُفرانا ، اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ،وتابِع بَينَنا وبَينَهُم فِى الخَيراتِ ، اللّهُمَّ اغفِر لِحَيِّنا ومَيِّتِنا ، شاهِدِنا وغائِبِنا ، ذَكَرِنا وأُنثانا ، صَغيرِنا وكَبيرِنا ، حُرِّنا ومَملوكِنا ، كَذِبَ العادِلونَ بِاللّهِ وضَلّوا ضَلالاً بَعيدا وخَسِروا خُسرانا مُبينا .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاختِم لى بِخَيرٍ وَاكفِنى ما أهَمَّنى مِن أمرِ دُنيايَ وآخِرَتى ولا تُسَلِّط عَلَىَ مَن لا يَرحَمُنى ، وَاجعَل عَلَىَ مِنكَ واقِيَةً باقِيَةً ، ولا تَسلُبنى صالِحَ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَىَ ، وَارزُقنى مِن فَضلِكَ رِزقا واسِعا حَلالاً طَيِّبا ، اللّهُمَّ احرُسنى بِحَراسَتِكَ وَاحفَظنى بِحِفظِكَ وَاكلَأنى بِكِلاءَتِكَ ، وَارزُقنى حَجَّ بَيتِكَ الحَرامِ فى عامِنا هذا وفى كُلِّ عامٍ وزِيارَةِ قَبرِ نَبِيِّكَ ، ولا تُخلِنى يا رَبِّ مِن تِلكَ المَشاهِدِ الشَّريفَهِ وَالمَواقِفِ الكَريمَهِ .

اللّهُمَّ ثُب عَلَىَ حَتّى لا أعصِيَكَ وألهِمنِى الخَيرَ وَالعَمَلَ بِهِ ، وخَشيَتَكَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ما أبقَيتَنى يا رَبَّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ إنّى كُلَّما قُلتُ : قَد تَهَيَّأتُ وتَعَبَّأتُ وقُمتُ لِلصَّلاهِ بَينَ يَدَيكَ وناجَيتُكَ ، ألقَيتَ عَلَىَ نُعاسا إذا أنَا صَلَّيتُ ، وسَلَبتَنى مُناجاتَكَ إذا أنَا ناجَيتُ ، ما لى كُلَّما قُلتُ : قَد صَلَحَت سَريرَتى وقَرُبَ مِن مَجالِسِ التَّوابينَ مَجلِسى ، عَرَضَت لى بَلِيَّهٌ أزالَت قَدَمى وحالَت بَينى وبَينَ خِدمَتِكَ .

سَيِّدى لَعَلَّكَ عَن بابِكَ طَرَدتَنى وعَن خِدمَتِكَ نَحَّيتَنى ، أو لَعَلَّكَ رَأَيتَنى مُستَخِفّا بِحَقِّكَ فَأَقصَيتَنى ، أو لَعَلَّكَ رَأَيتَنى مُعرِضا عَنكَ فَقَلَيتَنى ، أو لَعَلَّكَ

وَجَدتَنى فى مَقامِ الكاذِبينَ فَرَفَضتَنى ، أو لَعَلَّكَ رَأَيتَنى غَيرَ شاكِرٍ لِنَعمائِكَ فَحَرَمتَنى ، أو لَعَلَّكَ فَقَدتَنى مِن مَجالِسِ العُلَماءِ فَخَذَلتَنى ، أو لَعَلَّكَ رَأَيتَنى فِى الغافِلينَ فَمِن رَحمَتِكَ آيَستَنى ، أو لَعَلَّكَ رَأَيتَنى آلِفَ مَجالِسِ البَطّالينَ فَبَينى وبَينَهُم خَلَّيتَنى ، أو لَعَلَّكَ لَم تُحِبَّ أن تَسمَعَ دُعائى فَباعَدتَنى ، أو لَعَلَّكَ بِجُرمى وجَريرَتى كافَيتَنى ، أو لَعَلَّكَ بِقِلَّهِ حَيائى مِنكَ جازَيتَنى ، فَإِن عَفَوتَ يا رَبِّ فَطالَما عَفَوتَ عَنِ المُذنِبينَ قَبلى ؛ لِأَنَّ كَرَمَكَ أى رَبِّ يَجِلُّ عَن

مُجازاهِ المُذنِبينَ ، وحِلمَكَ يَكبُرُ عَن مُكافاهِ المُقَصِّرينَ ، وأنَا عائِذٌ بِفَضلِكَ هارِبٌ مِنكَ إلَيكَ ، مُنتَجِزٌ (مُتَنَجِّزٌ) ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِكَ ظَنّاً .

إلهى أنتَ أوسَعُ فَضلاً وأعظَمُ حِلما مِن أن تُقايِسَنى بِعَمَلى ، أو أن تَستَزِلَّنى بِخَطيئَتى ، وما أنَا يا سَيِّدى وما خَطَرى؟! هَبنى بِفَضلِكَ سَيِّدى ، وتَصَدَّق عَلَىَ بِعَفوِكَ وجَلِّلنى بِسِترِكَ ، وَاعفُ عَن تَوبيخى بِكَرَمِ وَجهِكَ .

سَيِّدى أنَا الصَّغيرُ الَّذى رَبَّيتَهُ ، وأنَا الجاهِلُ الَّذى عَلَّمتَهُ ، وأنَا الضّالُّ الَّذى هَدَيتَهُ ، و(أنَا) الوَضيعُ الَّذى رَفَعتَهُ ، وأنَا الخائِفُ الَّذى آمَنتَهُ ، وَالجائِعُ الَّذى أشبَعتَهُ ، وَالعَطشانُ الَّذى أروَيتَهُ ، وَالعارِى الَّذى كَسَوتَهُ وَالفَقيرُ الَّذى أغنَيتَهُ ، وَالضَّعيفُ الَّذى قَوَّيتَهُ ، وَالذَّليلُ الَّذى أعزَزتَهُ ، وَالسَّقيمُ الَّذى شَفَيتَهُ ، وَالسّائِلُ الَّذى أعطَيتَهُ ، وَالمُذنِبُ الَّذى سَتَرتَهُ والخاطِئُ الَّذى أقَلتَهُ ، وأنَا القَليلُ الَّذى كَثَّرتَهُ ، وَالمُستَضعَفُ الَّذى نَصَرتَهُ ، وأنَا الطَّريدُ الَّذى آوَيتَهُ .

أنَا يا رَبِّ الَّذى لَم أستَحيِكَ فِى الخَلاءِ ولَم أُراقِبكَ فِى المَلاءِ ، أنَا صاحِبُ الدَّواهِى العُظمى ، أنَا الَّذى عَلى سَيِّدِهِ اجتَرى ، أنَا الَّذى عَصَيتُ جَبّارَ السَّماءِ ، أنَا الَّذى أعطَيتُ على مَعاصِى الجَليلِ الرُّشا ، أنَا الَّذى حينَ بُشِّرتُ بِها خَرَجتُ إلَيها أسعى ، أنَا الَّذى أمهَلتَنى فَمَا ارعَوَيتُ ، وسَتَرتَ عَلَىَ فَمَا استَحيَيتُ ، وعَمِلتُ بِالمَعاصى فَتَعَدَّيتُ ، وأسقَطتَنى مِن عَينِكَ فَما بالَيتُ ،

فَبِحِلمِكَ أمهَلتَنى وبِسِترِكَ سَتَرتَنى ، حَتّى كَأَنَّكَ أغفَلتَنى ، ومِن عُقوباتِ المَعاصى جَنَّبتَنى حَتّى كَأَنَّكَ استَحيَيتَنى .

إلهى لَم أعصِكَ حينَ عَصَيتُكَ وأنَا بِرُبوبِيَّتِكَ جاحِدٌ ، ولا بِأَمرِكَ مُستَخِفٌّ ، ولا لِعُقوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ ، ولا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ ، لكِن خَطيئَةٌ عَرَضَت وسَوَّلَت لى نَفسى وغَلَبَنى هَوايَ وأعانَتنى عَلَيها شِقوَتى، وغَرَّنى سِترُكَ المُرخى عَلَىَ ، فَقَد عَصَيتُكَ وخالَفتُكَ بِجَهدى ، فَالآنَ مِن عَذابِكَ مَن يَستَنقِذُنى؟ ومِن أيدِى الخُصَماءِ غَدا مَن يُخَلِّصُنى؟ وبِحَبلِ مَن أتَّصِلُ إن أنتَ قَطَعتَ حَبلَكَ عَنّى؟ فَوا سَوأتا عَلى ما أحصى كِتابُكَ مِن عَمَلِىَ الَّذى لَولا ما أرجو مِن كَرَمِكَ وسَعَهِ رَحمَتِكَ ، ونَهيِكَ إيّايَ عَنِ القُنوطِ لَقَنَطتُ عِندَما أتَذَكَّرُها ، يا خَيرَ مَن دَعاهُ داعٍ وأفضَلَ مَن رَجاهُ راجٍ .

اللّهُمَّ بِذِمَّهِ الإسلامِ أتَوَسَّلُ إلَيكَ ، وبِحُرمَهِ القُرآنِ أعتَمِدُ عَلَيكَ ، وبِحُبِّ النَّبِيِ الاُمِّيِ القُرَشِيِ الهاشِمِيِ العَرَبِيِ التِّهامِيِ المَكِّيِ المَدَنِيِ أرجُو الزُّلفَةَ لَدَيكَ ، فَلا توحِشِ استيناسَ إيمانى ، ولا تَجعَل ثَوابى ثَوابَ مَن عَبَدَ سِواكَ ، فَإنَّ قَوما آمَنوا بِألسِنَتِهم لِيَحقِنوا بِهِ دِماءَهُم فَأدرَكوا ما أمَّلوا ، وإنّا آمَنّا بِكَ

بِألسِنَتِنا وقُلوبِنا لِتَعفُوَ عَنّا فَأدرِكنا ما أمَّلنا ، وثَبِّت رَجاءَکَ فی صُدورِنا،ولا تُزِغ قُلوبَنا بَعدَ إذ هَدَیتَنا وهَب لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَةً إنَّکَ أنتَ الوَهّابُ ، فَوَعِزَّتِکَ لَو انتَهَرتَنی ما بَرِحتُ مِن بابِکَ ولا کَفَفتُ عَن تَمَلُّقِکَ لِما أُلهِمَ قَلبی مِنَ المَعرِفَهِ بِکَرَمِکَ وسَعَهِ رَحمَتِکَ ، إلی مَن یَذهَبُ العَبدُ إلاّ إلی مَولاهُ ، وإلی مَن یَلتَجِئُ المَخلوقُ إلاّ إلی خالِقِهِ .

إلهی لَو قَرَنتَنی بِالأَصفادِ ، ومَنَعتَنی سَیبَکَ مِن بَینِ الأَشهادِ ، ودَلَلتَ عَلی فَضائِحی عُیونَ العِبادِ ، وأمَرتَ بی إلَی النّارِ وحُلتَ بَینی وبَینَ الأبرارِ ، ما قَطَعتُ رَجائی مِنکَ وما صَرَفتُ تَأمیلی لِلعَفوِ عَنکَ ، ولا خَرَجَ حُبُّکَ مِن

قَلبی ، أنَا لا أنسی أیادِیَکَ عِندی وسِترَکَ عَلَیَ فی دارِ الدُّنیا .

سَیِّدی أخرِج حُبَّ الدُّنیا مِن قَلبی ، اِجمَع بَینی وبَینَ المُصطَفی وآلِهِ خِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وخاتَمِ النَّبِیِّینَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ وسَلَّمَ ، وَانقُلنی إلی دَرَجَهِ التَّوبَهِ إلَیکَ ، وأعِنّی بِالبُکاءِ عَلی نَفسی فَقَد أفنَیتُ بِالتَّسویفِ وَالآمالِ عُمُری ، وقَد نَزَلتُ مَنزِلَهَ الآیِسینَ مِن خَیرِی ، فَمَن یَکونُ أسوَأ حالاً مِنّی إن أنَا نُقِلتُ عَلی مِثلِ حالَی إلی قَبری ، لَم أمَهِّدهُ لِرَقدَتی ولَم أفرُشهُ بِالعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجعَتی ، وما لی لا أبکی وما أدری إلی ما یَکونُ مَصیری ، وأری نَفسی تُخادِعُنی وأیّامی تُخاتِلُنی؟ وقَد خَفَقَت عِندَ رَأسی أجنِحَهُ المَوتِ ، فَما لی لا أبکی؟ ! أبکی لِخُروجِ نَفسی ، أبکی لِظُلمَهِ قَبری ، أبکی لِضیقِ لَحدی ، أبکی لِسُؤالِ مُنکَرٍ ونَکیرٍ إیّایَ ، أبکی لِخُروجی مِن قَبری عُریانا ذَلیلاً حامِلاً ثِقلی عَلی ظَهری ، أنظُرُ مَرَّهً عَن یَمینی وأُخری عَن شِمالی ، إذِ الخَلائِقُ فی شَأنٍ غَیرِ شَأنی ، لِکُلِّ امرِیءٍ مِنهُم یَومَئِذٍ شَأنٌ یُغنیهِ ، وُجوهٌ یَومَئِذٍ مُسفِرَهٌ ضاحِکَهٌ مُستَبشِرَهٌ ، ووُجوهٌ یَومَئِذٍ عَلَیها غَبَرَهٌ تَرهَقُها قَتَرَهٌ وذِلَّهٌ ، سَیِّدی عَلَیکَ مُعَوَّلی ومُعتَمَدی ورَجائی وتَوَکُّلی ، وبِرَحمَتِکَ تَعَلُّقی ، تُصیبُ بِرَحمَتِکَ مَن تَشاءُ وتَهدی بِکَرامَتِکَ مَن تُحِبُّ ، فَلَکَ الحَمدُ عَلی ما نَقَّیتَ مِنَ الشِّرکِ قَلبی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی بَسطِ لِسانی ، أفَبِلِسانی هذا الکالِّ أشکُرُکَ؟ أم بِغایَهِ جَهدی فی عَمَلی أُرضیکَ؟ وما قَدرُ لِسانی یا رَبِّ فی جَنبِ شُکرِکَ وما قَدرُ عَمَلی فی جَنبِ نِعَمِکَ وإحسانِکَ إلَیَ .

إلهی إنَّ جودَکَ بَسَطَ أمَلی ، وشُکرَکَ قَبِلَ عَمَلی ، سَیِّدی إلَیکَ رَغبَتی وإلَیکَ رَهبَتی وإلَیکَ تَأمیلی ، قَد ساقَنی إلَیکَ أمَلی وعَلَیکَ یا واحِدی عَلِقَت هِمَّتی وفیما عِندَکَ انبَسَطَت رَغبَتی ، ولَکَ خالِصُ رَجائی وخَوفی ، وبِکَ أنِسَت مَحَبَّتی وإلَیکَ ألقَیتُ بِیَدی ، وبِحَبلِ طاعَتِکَ مَدَدتُ رَهبَتی .

مَولایَ بِذِکرِکَ عاشَ قَلبی ، وبِمُناجاتِکَ بَرَّدتَ أَلَمَ الخَوفِ عَنّی ، فَیا مَولایَ ویا مُؤَمَّلی ویا مُنتَهی سُؤلی ، فَرِّق بَینی وبَینَ ذَنبِیَ المانِعِ لی مِن لُزومِ طاعَتِکَ ، فَإِنَّما أسأَلُکَ لِقَدیمِ الرَّجاءِ فیکَ وعَظیمِ الطَّمَعِ مِنکَ ، الَّذی أوجَبتَهُ عَلی نَفسِکَ مِنَ الرَّأفَهِ وَالرَّحمَهِ ، فَالأمرُ لَکَ وَحدَکَ ، وَالخَلقُ کُلُّهُم عِیالُکَ وفی قَبضَتِکَ ، وکُلُّ شَیءٍ خاضِعٌ لَکَ تَبارَکتَ یا رَبَّ العالَمینَ .

إلهی ارحَمنی إذَا انقَطَعَت حُجَّتی ، وکَلَّ عَن جَوابِکَ لِسانی وطاشَ عِندَ سُؤالِکَ إیّایَ لُبّی ، فَیا عَظیمَ رَجائی لا تُخَیِّبنی إذَا اشتَدَّت فاقَتی ، ولا تَرُدَّنی لِجَهلی ، ولا تَمنَعنی لِقِلَّهِ صَبری ، أعطِنی لِفَقری وَارحَمنی لِضَعفی ، سَیِّدی عَلَیکَ مُعتَمَدی ومُعَوَّلی ورَجائی وتَوَکُّلی ، وبِرَحمَتِکَ تَعَلُّقی وبِفَنائِکَ أحُطُّ رَحلی ، ولِجودِکَ أقصُدُ طَلِبَتی ، وبِکَرَمِکَ أی رَبِّ أستَفتِحُ دُعائی ، ولَدَیکَ أرجو غِنی فاقَتی ، وبِغِناکَ أجبُرُ عَیلتی ، وتَحتَ ظِلِّ عَفوِکِ قِیامی ، وإلی جودِکَ وکَرَمِکَ أرفَعُ بَصَری ، وإلی مَعروفِکَ أدیمُ نَظَری ، فَلا تُحرِقنی بِالنّارِ وأنتَ مَوضِعُ أمَلی ، ولا تُسکِنّی الهاوِیَهَ فَإِنَّکَ قُرَّهُ عَینی ، یا سَیِّدی لا تُکَذِّب ظَنّی بِإِحسانِکَ ومَعروفِکَ ، فَإِنَّکَ ثِقَتی ولا تَحرِمنی ثَوابَکَ فَإِنَّکَ العارِفُ بِفَقری .

إلهی إن کانَ قَد دَنا أجَلی ولَم یُقَرِّبنی مِنکَ عَمَلی ، فَقَد جَعَلتُ الاِعترافَ إلَیکَ بِذَنبی وَسائِلَ عِلَلی .

إلهی إن عَفَوتَ فَمَن أولی مِنکَ وإن عَذَّبتَ فَمَن أعدَلُ مِنکَ فِی الحُکمِ . اِرحَم فی هذِهِ الدُّنیا غُربَتی ، وعِندَ المَوتِ کُربَتی ، وفِی القَبرِ وَحدَتی ، وفِی اللَّحدِ وَحشَتی وإذا نُشِرتُ لِلحِسابِ بَینَ یَدَیکَ ذُلَّ مَوقِفی ، وَاغفِر لی ما خَفِیَ عَلَی الآدَمِیِّینَ مِن عَمَلی ، وأدِم لی ما بِهِ سَتَرتَنی ، وَارحَمنی صَریعا عَلَی الفِراشِ تُقَلِّبُنی أیدی أحِبَّتی ، وتَفَضَّل عَلَیَ مَمدودا عَلَی المُغتَسَلِ یُقَلِّبُنی صالِحُ

جیرَتی ، وتَحَنَّن عَلَیَ مَحمولاً قَد تَناوَلَ الأَقرِباءُ أطرافَ جِنازَتی ، وجُد عَلَیَ مَنقولاً قَد نَزَلتُ بِکَ وَحیدا فی حُفرَتی ، وَارحَم فی ذلِکَ البَیتِ الجَدیدِ غُربَتی حَتّی لا أستَأنِسَ بِغَیرِکَ ، یا سَیِّدی إن وَکَلتَنی إلی نَفسی هَلَکتُ ، سَیِّدی فَبِمَن أستَغیثُ إن لَم تُقِلنی عَثرَتی؟ فَإلی مَن أفزَعُ إن فَقَدتُ عِنایَتَکَ فی ضَجعَتی؟وإلی مَن ألتَجِئُ إن لَم تُنَفِّس کُربَتی؟ سَیِّدی مَن لی ومَن یَرحَمُنی إن لَم تَرحَمنی؟ وفَضلَ مَن اُؤَمِّلُ إن عَدِمتُ فَضلَکَ یَومَ فاقَتی؟ وإلی مَنِ الفِرارُ مِنَ الذُّنوبِ إذَا انقَضی أجَلی؟ سَیِّدی لا تُعَذِّبنی وأنَا أرجوکَ .

إلهى حَقِّق رَجائى وآمِن خَوفى فَإِنَّ كَثرَةَ ذُنوبى لا أرجو فيها إلاّ عَفوَکَ ، سَيِّدى أنَا أسأَلُکَ ما لا أستَحِقُّ وأنتَ أهلُ التَّقوى وأهلُ المَغفِرَهِ فَاغفِر لى ، وألبِسنى مِن نَظَرِکَ ثَوبا يُغَطّى عَلَىَ التَّبِعاتِ وتَغفِرُها لى ولا اُطالَبُ بِها ، إنَّکَ ذو مَنٍّ قَديمٍ وصَفحٍ عَظيمٍ وتَجاوُزٍ كَريمٍ .

إلهى أنتَ الَّذى تُفيضُ سَيبَکَ عَلى مَن لا يَسأَلُکَ وعَلَى الجاحِدينَ بِرُبوبِيَّتِکَ ، فَكَيفَ سَيِّدى بِمَن سَأَلَکَ وأيقَنَ أنَّ الخَلقَ لَکَ وَالأَمرَ إلَيکَ؟ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ يا رَبَّ العالَمينَ ، سَيِّدى عَبدُکَ بِبابِکَ أقامَتهُ الخَصاصَهُ بَينَ يَدَيکَ ، يَقرَعُ بابَ إحسانِکَ بِدُعائِهِ ويَستَعطِفُ جَميلَ نَظَرِکَ بِمَكنونِ رَجائِهِ،فَلا تُعرِض بِوَجهِکَ الكَريمِ عَنّى وَاقبَل مِنّى ما أقولُ ، فَقَد دَعَوتُکَ بِهذَا الدُّعاءِ وأنَا أرجو ألاّ تَرُدَّنى مَعرِفَةً مِنّيبِرَأفَتِکَ ورَحمَتِکَ ، إلهى أنتَ الَّذى لايُحفيکَ سائِلٌ ولا يَنقُصُکَ نائِلٌ؛أنتَ كَما تَقولُ وفَوقَ ما نَقولُ.

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ صَبرا جَميلاً وفَرَجا قَريبا وقَولاً صادِقا وأجرا عَظيما ، أسأَلُکَ يا رَبِّ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، أسأَلُکَ اللّهُمَّ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ مِنهُ عِبادُکَ الصّالِحونَ ، يا خَيرَ مَن سُئِلَ وأجوَدَ مَن أعطى ، أعطِنى سُؤلى فى نَفسى وأهلى ووالِدَىَ ووَلَدى وأهلِ حُزانَتى وإخوانى فيکَ ،

وأرغِد عَيشى وأظهِر مُرُوَّتى وأصلِح جَميعَ أحوالى ، وَاجعَلنى مِمَّن أطَلتَ عُمُرَهُ وحَسَّنتَ عَمَلَهُ ، وأتمَمتَ عَلَيهِ نِعمَتَکَ ورَضيتَ عَنهُ ، وأحيَيتَهُ حَياةً طَيِّبَةً فى أدوَمِ السُّرورِ وأسبَغِ الكَرامَهِ وأتَمِّ العَيشِ ، إنَّکَ تَفعَلُ ما تَشاءُ ولا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُکَ .

اللّهُمَّ خُصَّنى مِنکَ بِخاصَّهِ ذِكرِکَ ، ولا تَجعَل شَيئا مِمّا أتَقَرَّبُ بِهِ فى آناءِ اللَّيلِ وأطرافِ النَّهارِ رِياءً ولا سُمعَةً ولا أشَرا ولا بَطَرا وَاجعَلنى لَکَ مِنَ الخاشِعينَ .

اللّهُمَّ أعطِنِى السَّعَهَ فِى الرِّزقِ ، وَالأَمنَ فِى الوَطَنِ ، وقُرَّهَ العَينِ فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ وَالمُقامَ فى نِعَمِکَ عِندى ، وَالصِّحَّهَ فِى الجِسمِ وَالقُوَّهَ فِى البَدَنِ وَالسَّلامَهَ فِى الدّينِ ، وَاستَعمِلنى بِطاعَتِکَ وطاعَهِ رَسولِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ أبَدا مَا استَعمَرتَنى ، وَاجعَلنى مِن أوفَرِ عِبادِکَ عِندَکَ نَصيبا فى كُلِّ خَيرٍ أنزَلتَهُ وتُنزِلُهُ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَهِ القَدرِ وما أنتَ مُنزِلُهُ فى كُلِّ سَنَهٍ ، مِن رَحمَهٍ تَنشُرُها وعافِيَهٍ تُلبِسُها وبَلِيَّهٍ تَدفَعُها وحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها وسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنها ، وَارزُقنى حَجَّ بَيتِکَ الحَرامِ فى عامى هذا وفى كُلِّ عامٍ ، وَارزُقنى رِزقا واسِعا مِن فَضلِکَ الواسِعِ ، وَاصرِف عَنّى يا سَيِّدِى الأَسواءَ ، وَاقضِ عَنّى الدَّينَ وَالظُّلاماتِ حَتّى لا أتَأَدّى بِشَىءٍ مِنهُ ، وخُذ عَنّى

بِأسماعِ وأبصارِ أعدائی وحُسّادی وَالباغینَ عَلَیَ وَانصُرنی عَلَیهِم ، وأقِرَّ عَینی وفَرِّح قَلبی ، وَاجعَل لی مِن هَمّی وکَربی فَرَجا ومَخرَجا ، وَاجعَل مَن أرادَنی بِسوءٍ مِن جَمیعِ خَلقِکَ تَحتَ قَدَمَیَ ، وَاکفِنِی شَرَّ الشَّیطانِ وشَرَّ السُّلطانِ وسَیِّئاتِ عَمَلی ، وطَهِّرنی مِنَ الذُّنوبِ کُلِّها ، وأجِرنی مِنَ النّارِ بِعَفوِکَ وأدخِلنِی الجَنَّةَ بِرَحمَتِکَ وزَوِّجنی مِنَ الحورِ العینِ بِفَضلِکَ ، وألحِقنی بِأولِیائِکَ الصّالِحینَ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الأبرارِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الأخیارِ صَلَواتُکَ عَلَیهِم وعَلی أجسادِهِم وأرواحِهِم ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ .

إلهی وسَیِّدی وعِزَّتِکَ وجَلالِکَ لَئِن طالَبتَنی بِذُنوبی لأُطالِبَنَّکَ بِعَفوِکَ ، ولَئِن طالَبتَنی بِلُؤمی لأُطالِبَنَّکَ بِکَرَمِکَ ، ولَئِن أدخَلتَنِی النّارَ لأُخبِرَنَّ أهلَ النّارِ بِحُبّی لَکَ .

إلهی وسَیِّدی إن کُنتَ لا تَغفِرُ إلاّ لِأَولِیائِکَ وأهلِ طاعَتِکَ فَإلی مَن یَفزَعُ المُذنِبونَ؟وإن کُنتَ لاتُکرِمُ إلاّ أهلَ الوَفاءِ بِکَ فَبِمَن یَستَغیثُ المُسیؤونَ؟

إلهی إن أدخَلتَنِی النّارَ فَفی ذلِکَ سُرورُ عَدُوِّکَ ، وإن أدخَلتَنِی الجَنَّةَ فَفی ذلِکَ سُرورُ نَبِیِّکَ ، وأنَا وَاللّهِ أعلَمُ أنَّ سُرورَ نَبِیِّکَ أحَبُّ إلَیکَ مِن سُرورِ عَدُوِّکَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ أن تَملَأَ قَلبی حُبّا لَکَ وخَشیَةً مِنکَ وتَصدیقا لَکَ وإیمانا بِکَ وفَرَقا مِنکَ وشَوقا إلَیکَ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ ، حَبِّب إلَیَ لِقاءَکَ وأحبِب لِقائی ، وَاجعَل لی فی لِقائِکَ الرّاحَةَ وَالفَرَجَ وَالکَرامَةَ .

اللّهُمَّ ألحِقنی بِصالِحِ مَن مَضی وَاجعَلنی مِن صالِحِ مَن بَقِیَ ، وخُذ بی سَبیلَ الصّالِحینَ وأعِنّی عَلی نَفسی بِما تُعینُ بِهِ الصّالِحینَ عَلی أنفُسِهِم ، وَاختِم عَمَلی بِأحسَنِهِ وَاجعَل ثَوابی مِنهُ الجَنَّةَ بِرَحمَتِکَ ، وأعِنّی عَلی صالِحِ ما أعطَیتَنی ، وثَبِّتنی یا رَبِّ ولا تَرُدَّنی فی سوءٍ اِستَنقَذتَنی مِنهُ یا رَبَّ العالَمینَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ إیمانا لا أجَلَ لَهُ دونَ لِقائِکَ ، أحیِنی ما أحیَیتَنی عَلَیهِ وتَوَفَّنی إذا تَوَفَّیتَنی عَلَیهِ ، وَابعَثنی إذا بَعَثتَنی عَلَیهِ وأبرِئ قَلبی مِنَ الرِّیاءِ وَالشَّکِّ وَالسُّمعَهِ فی دینِکَ حَتّی یَکونَ عَمَلی خالِصا لَکَ .

اللّهُمَّ أعطِنی بَصیرَةً فی دینِکَ وفَهما فی حُکمِکَ وفِقها فی عِلمِکَ ، وکِفلَینِ مِن رَحمَتِکَ ووَرَعا یَحجُزُنی عَن مَعاصیکَ وبَیِّض وَجهی بِنورِکَ وَاجعَل رَغبَتی فیما عِندَکَ ، وتَوَفَّنی فی سَبیلِکَ وعَلی مِلَّهِ رَسولِکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الکَسَلِ وَالفَشَلِ وَالهَمِّ وَالجُبنِ وَالبُخلِ وَالغَفلَهِ وَالقَسوَهِ

وَالذِّلَّهِ وَالمَسکَنَهِ وَالفَقرِ وَالفاقَهِ وکُلِّ بَلِیَّهٍ ، وَالفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وأعوذُ بِکَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ وبَطنٍ لا یَشبَعُ وقَلبٍ لا یَخشَعُ ودُعاءٍ لا یُسمَعُ وعَمَلٍ لایَنفَعُ،وأعوذُ بِکَ یا رَبِّ عَلی نَفسی ودینی ومالی وعَلی جَمیعِ ما رَزَقتَنی مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ إنَّکَ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ .

اللّهُمَّ إنَّهُ لا یُجیرُنی مِنکَ أحَدٌ ولا أجِدُ مِن دونِکَ مُلتَحَدا ، فَلا تَجعَل نَفسی فی شَیءٍ مِن عَذابِکَ ، ولا تَرُدَّنی بِهَلَکَهٍ ولا تَرُدَّنی بِعَذابٍ ألیمٍ .

اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّی وأعلِ ذِکری وَارفَع دَرَجَتی وحُطَّ وِزری ولا تُذَکِّرنی بِخَطیئَتی ، وَاجعَل ثَوابَ مَجلِسی وثَوابَ مَنطِقی وثَوابَ دُعائی رِضاکَ وَالجَنَّهَ ، أعطِنی یا رَبِّ جَمیعَ ما سَأَلتُکَ وزِدنی مِن فَضلِکَ ، إنّی إلَیکَ راغِبٌ یا رَبَّ العالَمینَ .

اللّهُمَّ إنَّکَ أنزَلتَ فی کِتابِکَ أن تَعفُوَ عَمَّن ظَلَمَنا ، وقَد ظَلَمنا أنفُسَنا فَاعفُ عَنّا فَإنَّکَ أولی بِذلِکَ مِنّا ، وأمَرتَنا ألاّ نَرُدَّ سائِلاً عَن أبوابِنا وقَد جِئتُکَ سائِلاً فَلا تَرُدَّنی إلاّ بِقَضاءِ حاجَتی ، وأمَرتَنا بِالإحسانِ إلی ما مَلَکَت أیمانُنا ونَحنُ أرِقّاؤُکَ فَأعتِق رِقابَنا مِنَ النّارِ .

یا مَفزَعی عِندَ کُربَتی ، ویا غَوثی عِندَ شِدَّتی ، إلَیکَ فَزَعتُ وبِکَ استَغَثتُ ولُذتُ ، لا أَلوذُ بِسِواکَ ولا أطلُبُ الفَرَجَ إلاّ مِنکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فَأَغِثنی وفَرِّج عَنّی ، یا مَن یَقبَلُ الیَسیرَ ویَعفو عَنِ الکَثیرِ ، اِقبَل مِنّی الیَسیرَ وَاعفُ عَنّی الکَثیرَ إنَّکَ أنتَ الرَّحیمُ الغَفورُ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ إیمانا تُباشِرُ بِهِ قَلبی، ویَقینا حَتّی أعلَمَ أنَّهُ لَن یُصیبَنی إلاّ ما کَتَبتَ لی ، ورَضِّنی مِنَ العَیشِ بِما قَسَمتَ لی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 582 ح 691 ، الإقبال : ج 1 ص 157 ، المصباح للکفعمی : ص 781 .

ب دعای ابو حمزه ثُمالی

ب دعای ابو حمزه ثُمالی1613.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد به نقل از ابو حمزه ثمالی :امام سجّاد علیه السلام در ماه رمضان ، همه شب را نماز می خواند و چون سحر می شد ، این دعا را می خواند:

«خدایا! مرا با کیفرت ادب نکن و با عقوبت غافلگیرکننده ات ، به من نیرنگ مزن. پروردگارا! برایم از کجا خیر تواند بود ، با آن که جز از پیش تو یافت نمی شود؛ و برایم از کجا رهایی خواهد بود ، با آن که جز به یاری ات ، در توان

نیست؟ نه آن که نیکی کند ، از یاری و رحمتت بی نیاز است و نه آن که بدی کند و بر تو گستاخ شود و تو را ناخرسند سازد ، از قلمرو قدرتت بیرون. ای پروردگار من ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من!...» .

بگوید تا آن که نفَس قطع شود .

«تو را با تو شناختم و تو خود ، مرا بر خودت راهنمایی کردی و به سویت خواندی و اگر تو نبودی ، نمی دانستم که تو چیستی.

سپاس ، خدایی را که او را می خوانم ، پس جوابم می دهد ، هر چند وقتی مرا می خوانَد ، کاهلم.

سپاس ، خدایی را که از او می خواهم ، پس عطایم می کند ، هر چند وقتی از من وام می خواهد ، بخیلم.

سپاس ، خدایی را که هر گاه بخواهم ، برای نیازم او را می خوانم و هر گاه بخواهم ، برای راز و نیازم با او خلوت می کنم ، بدون هیچ واسطه ای . او نیز حاجتم را برمی آورد.

سپاس، خدایی راکه جز او را نمی خوانم ، و اگر جز او را بخوانم ، دعایم را اجابت نمی کند .

سپاس ، خدایی را که جز به او امید ندارم ، و اگر جز به او امید بندم ، امیدم را ناامید می کند.

سپاس ، خدایی را که مرا به خودش وا گذاشت. پس گرامی ام داشت و مرا به مردم وا نگذاشت تا خوارم سازند .

سپاس ، خدایی را که با من اظهار دوستی کرد ، با آن که او از من ، بی نیاز است .

سپاس ، خدایی را که نسبت به [گناهانِ] من بردباری می ورزد ، چنان که گویی مرا گناهی نیست. پس ، پروردگارم ، پیش من ستوده ترین چیز و شایسته ترین کس به ستایش من است .

خداوندا ! من راه های نیازخواهی را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید به درگاهت را پُرآب می یابم و یاری جستن از احسان تو را برای امیدواران به تو روا می بینم و درهای دعا به پیشگاهت را برای فریادخواهان ، گشوده می یابم؛ و می دانم که برای امیدواران، در جایگاه اجابتی و برای پریشان خاطران، در کمینِ فریادرسی ، و [می دانم که] در نالیدن به درگاه جود تو و خرسندی از تقدیر تو ، بهترین عوض از بخلِ بخیلان است و وسعت و بی نیازی از آنچه در دست دنیاطلبان است و [نیز می دانم] آن که به سوی تو کوچ کند ، راهش نزدیک است و تو خود را از بندگانت نمی پوشانی ، مگر آن که کارهای بدِ آنان ، حجابی میان آنان و تو گردد. من خواسته ام را به درگاه تو آورده ام و نیازم را نزد تو باز می گویم و پناهجویی ام را به نزد تو و وسیله جویی ام را با دعا به آستان تو قرار داده ام ، بی آن که شایسته آن باشم که از من بشنوی و یا از من درگذری؛ بلکه از آن رو که به بزرگواری ات اطمینان دارم و به درستیِ وعده ات دل آرامم و به ایمان به یگانگی ات پناه برده ام و یقین دارم که مرا چنان می شناسی که پروردگاری جز تو و معبودی غیر از تو ندارم، که تو یگانه بی شریکی.

خداوندا ! تو فرموده ای و سخنت حق و وعده ات راست است که: «از فضل (احسان) خدا بخواهید» «همانا خداوند به شما مهربان است» و از صفات تو ای سَرور من آن نیست که به خواستن ، فرمان دهی ، ولی عطا نکنی ، در حالی که تو با بخشش هایت ، به اهل مملکت خویش نعمت دهنده ای و با رأفت و مهربانی ات ، به آنان عنایت داری.

خداوندا! مرا از کوچکی ، در دامان نعمت و احسانت پروراندی و در بزرگی هم بلندآوازه ام کردی. پس ، ای آن که در دنیا با نیکی و احسان و نعمت هایش مرا پروَرْد و در آخرت به بخشایش و بزرگواری اش اشارتم فرمود! ای مولای من! معرفتم ، راهنمای من بر توست و محبّتم به تو ، واسطه من به درگاهت است و من به راهنمایی تو ، به این راهنمایم اطمینان دارم و به شفاعت تو ، به شفیع خود دل گرمم.

سرورم! تو را با زبانی می خوانم که گناهش ، آن را لال کرده است و با قلبی با تو نجوا می کنم که جرمش ، او را به هلاکت افکنده است.

پروردگارا! تو را می خوانم ، بیمناک و مشتاق ، و امیدوار و ترسان. مولای من! چون به گناهانم می نگرم ، وحشت زده می نالم و چون بر کَرَمت چشم می دوزم ، امیدوار می شوم. پس اگر ببخشایی ، بهترین مهربانی و اگر عذاب کنی ، ستم نکرده ای.

خدایا! حجّت من در گستاخی ام بر خواستن از تو ، با این که آنچه را نمی پسندی ، انجام داده ام، بخشش و کَرَم توست و پشتوانه ام در سختیِ خویش با وجود بی شرمی ام، رأفت و مهربانی توست. امید بسته ام که بین اینها ، ناامیدم نمی کنی . پس ، امیدم را برآور و دعایم را بشنو ، ای بهترین کسی که نیایشگر ، او را می خواند و برترین کسی که امیدوار ، به او امید می بندد!

سرورم! آرزویم بزرگ ، ولی کردارم زشت است؛ از بخشایش خود به اندازه آرزویم عطا کن و مرا به بدترین کارم مؤاخذه نکن. تو بزرگوارتر از آنی که گنهکاران را کیفر دهی و بردبارتر از آنی که کوتاهی کنندگان را مجازات کنی.

سرورم! به احسانت پناهنده ام و از تو به سوی خودت می گریزم و وعده گذشتی را که به خوش بینان به خویش داده ای ، حتمی می دانم. پروردگارا! مگر من کیستم و چه اهمّیتی دارم؟ به احسانت مرا ببخشای و به گذشتت بر من منّت گذار. پروردگارا! با پوششت مرا بپوشان و با ذات بزرگوارت از سرزنشم درگذر. اگر امروز ، کسی جز تو بر گناهم آگاه می شد ، انجامش نمی دادم و اگر از کیفر امروزت بیم داشتم ، از آن پرهیز می کردم ، [البتّه] نه آن که پیش من بی مقدارترینِ بینندگان یا ناچیزترینِ مطّلعان از من باشی ؛ بلکه چون تو ای پروردگارِ بهترینِ پوشانندگان و دادگرترینِ داوران و بزرگوارترینِ بزرگوارانی؛ [و] عیب پوش و خطابخش

و غیب دانی؛ [و] با کَرَمت گناه را می پوشی و با بردباری ات ، کیفر را به تأخیر می افکنی. پس ، تو را

سپاس بر بردباری ات پس از دانستنت ، و بر گذشتت پس از قدرتت. بردباری ات به من ، بر گناه ، گستاخم می کند و عیب پوشی ات بر من ، به بی شرمی ام می کشاند و شناختی که از رحمت گسترده و گذشت بزرگ تو دارم ، مرا در روی آوردن به گناهان ، شتاب می بخشد.

ای بردبار ، ای بزرگوار ، ای زنده پابرجا ، ای آمرزنده گناه ، ای پذیرنده توبه ، ای بزرگ منّت و ای دیرین احسان! کجاست پوشش زیبایت؟ کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست پناه دادنِ سریعت؟ کجاست رحمت گسترده ات؟ کجاست بخشش های فراوانت؟ کجاست عطاهای گوارایت؟ کجاست رفتارهای ارجمندت؟ کجاست فضل بزرگ و منّت عظیم و احسان دیرینت؟ کَرَمت کجاست ، ای کریم؟ با کَرَمت ، نجاتم بخش و با رحمتت ، رهایم کن!

ای احسان کننده ، ای زیباکردار ، ای نعمت بخش و ای صاحب احسان! در نجات از کیفرت ، به اعمال خود تکیه نمی کنیم؛ بلکه به احسانت بر ما ، دل بسته ایم؛ چرا که تو اهل تقوا و اهل آمرزشی. از روی نعمت ، آغازگر احسانی و از روی کَرَم ، بخشاینده گناه. نمی دانیم چگونه سپاست گوییم و کدام نعمتت را شکر کنیم: آیا بر آن زیبایی ای که می گستری؟ یا بر آن زشتی ای که می پوشانی؟ یا بر آن بلاها و امتحان های بزرگی که آسان ساختی؟ و یا آن سختی های بسیاری که از آنها نجات و عافیت بخشیدی؟

ای دوستِ آن که به درگاهت مهر ورزد! ای نور چشم آن که به تو پناه آورَد و از دیگران بگسلد! تو نیکوکاری و ما بدکاریم. پس ، پروردگارا! به زیباییِ لطف و کَرَمت ، از زشتی گناهمان درگذر!

پروردگارا! کدام نابخردی است که بخشش تو نتواند آن را فرا گیرد؟ یا کدام زمان ، بلندمدّت تر از تحمّل توست؟ و اندازه کارهای ما در کنار نعمت های تو چیست؟ و چگونه کارهای زشتمان را در مقابل بزرگواری ات ، زیاد بشماریم؟ بلکه چگونه مجال بر گنهکاران ، تنگ می شود ، با آن رحمت گسترده تو که آنان را فرا گرفته است؟

ای گسترده آمرزش ، ای گشاده دست به رحمت! به عزّتت سوگند ای سرورم اگر مرا برانی ، از درگاهت نروم و از التماس به تو دست بر ندارم؛ چرا که تو را با جود و کَرَم می شناسم. تو آنچه را بخواهی ، می

کنی؛ و هر که را هر گونه بخواهی ، عذاب می کنی؛ و هر که را به هر سبب که بخواهی ، هر گونه که بخواهی ، رحم می کنی.

در کار تو ، چون و چرا نیست و در فرمان روایی ات کسی مخالف نیست. در فرمانت ، بی شریکی و در حکومتت ، بی رقیبی و در تدبیرت ، کسی بر تو ایراد نمی گیرد. آفرینش و فرمان ، برای توست. خجسته است خداوند ، پروردگار جهانیان.

پروردگارا ! این ، جایگاه کسی است که به تو روی آورده و به آستان کَرَمت پناهنده شده و همدم احسان و نعمت های توست. تو ، آن بخشنده ای هستی که گذشتِ تو تنگ نمی شود و احسانت کاسته و رحمتت کم نمی گردد. ما به عفو دیرین تو و احسان بزرگ و رحمت گسترده ات ، اطمینان داریم. پروردگارا ! آیا ممکن است بر خلاف گمانمان با ما رفتار کنی و یا آرزوهایمان را بر نیاوری؟ هرگز ، ای بزرگوار ! نه گمانِ ما به تو این گونه است و نه انتظار ما از تو ، چنین.

پروردگارا ! ما به درگاهت آرزویی طولانی و بسیار و بزرگ داریم. نافرمانی ات کرده ایم؛ لیک امید آن داریم که بر ما بپوشانی. تو را خوانده ایم و امید استجابت داریم. مولای ما ! امیدمان را برآور ، که می دانیم با کارهایمان مستحقّ چه کیفری هستیم؛ لیکن این که به ما آگاهی و این که می دانیم روی رحمت از ما برنمی گردانی ، ما را بر آن داشته که به درگاهت رغبت کنیم ، هر چند شایسته رحمتت نباشیم؛ امّا تو شایسته آنی که بر ما و گنهکاران ، با احسان گسترده ات ، بخشش کنی. پس ، آن گونه که تو شایسته آنی ، بر ما منّت بگذار و بر ما ببخش ، که ما نیازمند احسان توییم.

ای آمرزنده ! به فروغ تو ، راه یافته ایم و به احسان تو ، بی نیاز شده ایم و صبح و شام ما ، همدم نعمت توست. گناهانمان پیش روی توست؛ از آنها به درگاهت آمرزش می طلبیم و توبه می کنیم. تو با نعمت ها ، به ما محبّت می کنی و ما با گناهان ، با تو مخالفت می کنیم. نیکیِ تو بر ما فرود می آید؛ ولی بدیِ ما به سویت بالا می رود. همیشه فرشته ای بزرگوار ، از ما کار زشت به حضورت می آورد؛ امّا این ، سبب نمی شود که نعمت ها و نیکی هایت را از ما دریغ بداری. پس ، منزّهی تو ، از آغاز تا انجام. چه بردبار و بزرگ و کریم بوده ای و هستی ! نام هایت مقدّس ، ستایشت بزرگ ، و نعمت ها و کارهایت بزرگوارانه بوده است. خدایا ! احسان و بردباری ات ، گسترده تر و بزرگ تر از آن است که آن را با رفتار و خطای من مقایسه کنی. پس سرورم ، سرورم ، سرورم ! ببخشای ، ببخشای !

خداوندا! ما را به یاد خودت مشغول دار و از خشم و عذابت پناهمان ده و از نعمت هایت روزی مان بخش و از احسان خود بر ما نعمت بده و حجّ خانه ات و زیارت قبر پیامبرت را که درود و رحمت و آمرزش و رضوان تو بر او و

خاندانش باد روزی مان کن. همانا تو نزدیک و شنوایی؛ و به ما عمل به فرمانبری ات را روزی کن و ما را بر آیین خود و سنّت پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران!

خداوندا! مرا و پدر و مادرم را بیامرز و رحمتشان کن ، آن گونه که در خُردی ، تربیتم کردند. آنان را در مقابل نیکی ، پاداش نیک و در مقابل گناهان ، آمرزش عطا کن. خداوندا! مردان و زنان مؤمن ، زندگان و مردگانشان را بیامرز و در نیکی ها میان ما و آنان پیونده بده. خدایا! زنده و مرده ما را ، حاضر و غایب ما را ، مرد و زن ما را ، کوچک و بزرگ ما را و آزاد و برده ما را ببخشای. آنان که از خدا برگشتند ، دروغ گفتند و بسیار گم راه شدند و به خسارتی آشکار دچار گشتند.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و کار مرا با نیکی به پایان ببر و درباره آنچه (از کار دنیا و آخرتم) مرا پریشان خاطر کرده ، کفایتم کن و آن که را بر من رحم نمی کند ، بر من چیره مگردان و از پیش خود ، برایم نگه دارنده و باقی دارنده قرار بده ، و نعمت های شایسته ای را که به من داده ای ، از من مگیر ، و از فضل خویش ، مرا روزیِ گسترده و حلال و پاکیزه ، عطا کن. خداوندا! با نگاهبانی ات ، مرا نگهبان باش و با نیروی نگه دارنده ات ، مرا نگه دار و با حمایتت ، مرا در پناه خود بگیر و حجّ خانه با حرمت خودت و زیارت قبر پیامبرت را امسال و هر سال ، روزی ام گردان و مرا از آن حرم های با شرافت و جاهای با کرامت ، دور مگردان.

خداوندا! توفیق توبه ام ده تا نافرمانی ات نکنم ، و نیکی و عمل به نیکی را به من الهام کن و خشیت خودت را در شب و روز ، تا زنده ام ، ارزانی ام دار ، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! من هر چه پیش خود گفتم که: «آماده و مهیّا شدم و برای نماز و مناجات در پیشگاهت ایستادم» ، [ولی] هنگام نمازم بر من حالت خواب انداختی و توفیق مناجاتت را هنگام مناجاتم از من گرفتی. مرا چه شده که هر گاه گفته ام: «درونم پاک و شایسته شده است و به مجالس توبه کاران

راه یافته ام» ، باز هم بلایی برایم پیش آمده ، گامم را لغزانده و مرا از خدمتت باز داشته است؟

سرورا ! شاید مرا از درگاهت رانده و از خدمتت دورم کرده ای ! یا شاید چون دیده ای حقّت را سبک می شمارم ، دورم ساخته ای ! یا شاید چون دیده ای که از تو روی گردانم ، بر من غضب کرده ای ! یا شاید چون مرا در زمره دروغگویان یافته ای ، ردّم کرده ای ! یا شاید چون نسبت به نعمت هایت ناسپاسم دیده ای ، محرومم ساخته ای ! یا شاید چون

مرا در مجالس عالِمان نیافته ای، مرا وا گذاشته ای ! یا شاید چون مرا در جمع غافلان دیده ای ، از رحمتت نومیدم کرده ای ! یا شاید چون دیده ای که همدم مجالس اهل باطلم ، مرا با همانان وا گذاشته ای ! یا شاید چون دوست نداشتی دعایم را بشنوی ، دورم کرده ای ! یا شاید مرا به جرم و خطایم کیفر داده ای ! و یا شاید مرا به بی شرمی ام مجازات کرده ای !

پروردگارا ! پس اگر درگذری ، چه بسیار گنهکارانی که پیش از من از آنان درگذشته ای؛ چرا که کَرَمت ای پروردگار بالاتر از آن است که بندگانِ مقصّر را کیفر دهی. من پناهنده به فضل تو ام [و] از تو به سوی تو گریزانم [و]وعده ای را که داده ای که از هر که به تو خوش گمان باشد ، درمی گذری ، حتمی می دانم.

خدایا ! احسان تو گسترده تر، و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا با عملم بسنجی ، یا به خطایم خوارم گردانی ، و مگر ای سرورم من چیستم و چه اهمّیتی دارم؟ مرا ای مولای من به فضل خویش ببخشای و با گذشت خود بر من ، منّت بگذار و با خطاپوشی ات ، مرا بپوشان و با ذات بزرگوارت ، از سرزنشم درگذر.

سرورم ! منم آن کوچکی که تربیتش کردی. منم آن نادانی که علمش آموختی. منم آن گم راهی که هدایتش کردی. منم آن پَستی که رفعتم دادی. منم آن ترسانی که آرامَش ساختی و گرسنه ای که سیرش کردی و تشنه ای که سیرابش ساختی و عریانی که جامه اش پوشاندی و تنگ دستی که بی نیازش کردی و ناتوانی که نیرومندش ساختی و خواری که عزّتش بخشیدی و بیماری که شفایش دادی و خواهانی که عطایش کردی و گنهکاری که گناهش را پوشاندی و خطاکاری که از او درگذشتی. منم آن اندکی که فزونش کردی و ناتوانی که یاری اش کردی و رانده ای که پناهش دادی.

پروردگارا! منم آن که در نهان ، از تو شرم نکردم و در آشکار ، تو را مراقب نبودم. منم صاحب مصیبت های بزرگ. منم آن که بر سَرور خود ، گستاخی کردم. منم آن که خدای جبّارِ آسمان را نافرمانی کردم. منم آن که بر گناهان بزرگ ، رشوه دادم. منم آن که چون مژده گناه بزرگ به من دادند ، شتابان به سویش رفتم. منم آن که مهلتم دادی؛ امّا از گناه برنگشتم ، و بر من پرده افکندی؛ امّا شرم نکردم و نافرمانی ها کردم و از حد گذشتم ، و مرا از چشم خود انداختی؛ ولی باز هم اعتنا نکردم. پس با بردباری ات ، مهلتم دادی و با

پرده پوشی ات مرا پوشاندی ، تا آن جا که گویی از من غافل شده ای و مرا از کیفرهای گناهانم دور داشته ای، تا آن جا که گویا تو از من شرم کرده ای.

خدایا! آن گاه که نافرمانی ات کردم ، نه پروردگاری ات را منکر بودم و نه فرمانت را سبک می شمردم و نه خود را در معرض کیفرت قرار می دادم و نه وعیدهای تو را نادیده می انگاشتم؛ بلکه گناهی بود که پیش آمد. نفْس [امّاره]من نیز آن را بر من مشتبه ساخت و هوسم بر من چیره شد. بدبختی ام هم به یاری اش آمد و پرده پوشی ات بر من نیز مغرورم ساخت. پس با اختیار و تلاش خودم ، تو را نافرمانی و مخالفت کردم. پس ، اینک کیست که از عذابت نجاتم دهد؟ و فردای قیامت ، چه کسی از دست دشمنان ، رهایم سازد؟ اگر تو ریسمان رحمتت را از من بگسلی ، به ریسمان چه کس آویزم؟ پس ، وای بر من از کردار زشتم ، که کتاب تو آن را بر من به شمار آورده است! اگر امیدی که به کَرَم و رحمت گسترده ات دارم ، نبود و تو نهی نکرده بودی که ناامید نباشم ، وقتی گناهانم را یاد می کردم ، مأیوس می شدم ، ای بهترین کسی که هر نیایشگر او را خوانده است و [ای] برترین کسی که هر امیدواری به او امید بسته است!

خداوندا! به سبب پیمان اسلام به تو توسّل می جویم و به احترام قرآن ، بر تو تکیه می کنم و با عشقی که به پیامبر اُمّیِ قُرَشیِ هاشمیِ عربیِ تَهامیِ مکّیِ مدنی دارم ، امیدوارم که در پیشگاهت مقرّب شوم. پس اُنس مرا به سبب ایمانم ، به وحشت ، مبدّل مکن و پاداش مرا ، پاداش آن که جز تو را پرستید ، قرار مده؛ چرا که گروهی برای حفظ جانشان ، به زبان ، ایمان آوردند و به خواسته شان رسیدند ، و ما با زبان ها و دل هایمان به تو ایمان آورده ایم تا از ما درگذری. پس ، ما را به خواسته هایمان برسان و امیدت را در سینه هایمان استوار بدار و پس از آن که هدایتمان کردی ، دل

هایمان را به گم راهی میفکن و ما را از پیش خودت رحمتی بخش ، که همانا تویی بخشنده !

پس به عزّتت سوگند ، اگر مرا برانی ، از درگاهت نمی روم و دست از تملّق به آستانت برنمی دارم؛ چرا که کَرَم و رحمت گسترده ات ، بر دلم الهام شده است. بنده ، جز به درگاه مولایش کجا می رود؟ و آفریده ، جز به آستان آفریدگارش کجا پناه می برد؟

خدایا ! اگر مرا به بندها و زنجیرها بکشی و از میان همه ، مرا از رحمتت محروم کنی و چشم بندگانت را به رسوایی هایم باز کنی و فرمان دهی که به آتشم افکنند و میان من و نیکان ، جدایی اندازی ، امیدم را از تو نمی گسلم و آرزوی بخشش را از تو برنمی گردانم و محبّتت ، از دلم بیرون نمی رود. من ،

هرگز نعمت هایت را در حق خودم از یاد نمی برم و آنچه را در سرای دنیا بر من پوشاندی ، فراموش نمی کنم.

سرور من ! محبّت دنیا را از دلم بیرون کن و میان من و محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله(که برگزیده تو از میان آفریدگانت ، و خاتم پیامبرانت است) و خاندانش ، جمع کن و مرا به رتبه توبه در درگاهت منتقل ساز و یاری ام کن تا بر خویش بگریم؛ چرا که عمرم را با تأخیر انداختن ها و آرزوها تباه کردم و به جایگاه ناامیدانِ از خیر خویش ، فرود آمده ام. اگر مرا با همین حال به گورم ببرند ، چه کسی بدحال تر از من است ، که نه آن را آماده آرمیدنم ساخته ام و نه آن را با عمل صالح ، برای خوابیدنم فرش کرده ام؟ چرا نگریم ، در حالی که نمی دانم سرنوشتم چه خواهد شد؟ نَفْس من با من نیرنگ می کند و روزگارم با من خدعه می ورزد و عقاب مرگ بر بالینم بال و پر می زند. پس چرا نگریم؟ !

می گریم برای جان کندنم ، می گریم برای تاریکی گورم ، می گریم برای تنگیِ قبرم ، می گریم برای سؤال نکیر و منکر از من ، می گریم بر این که عریان و خوار ، با بار سنگین گناهان بر دوش ، از گورم بیرون می آیم ، که گاهی به راست می نگرم و گاهی به چپ ، در حالی که هر کس در حالتی است غیر از حالت من. هر کس از آنان را آن روز ، کاری است که او را بس است. آن روز ، چهره هایی سفید و خندان و شادمان اند و چهره هایی غبارآلود و خوار و ذلیل.

سرورم ! تکیه گاه و اعتماد و امید و توکّلم بر توست و به رحمتت وابسته ام. رحمتت را به هر کس خواهی ، می رسانی و به بزرگواری ات هر که را خواهی ، هدایت می کنی. تو را سپاس ، که دلم را از شرک ، پاک ساختی و تو را شکر ، که زبانم را گشودی. آیا با این زبان گنگ ، سپاست گویم ، یا با نهایت تلاش در کارم ، خشنودت سازم؟ مگر پروردگارا اندازه زبانم در کنار شُکر تو چه قدر است و کارم در برابر نعمت ها و احسانت بر من ، چه ارزشی دارد؟

خدایا ! بخشندگی ات ، آرزویم را گسترده ، و سپاس گزاری ات کارم را پذیرفته است. سرورا ! شوق و رغبت و آرزومندی ام ، به توست. آرزویم ، مرا به سوی تو می کشاند و ای یکتا پروردگارم همّتم به تو وابسته است و شوقم به پاداشی که نزد توست ، بال گشوده است. امید و هراس خالصانه ام، برای توست و محبّتم ، با تو اُنس گرفته است .دستم را به درگاه رحمتت ، و هراسم را به رشته طاعتت آویخته ام.

مولای من ! دلم زنده به یاد توست و با مناجات به درگاهت ، رنج هراس را از خویش آرام ساخته ام. پس ، ای مولای من ، ای امید من ، و ای نهایتِ خواسته ام ! میان من و گناهم ، که مرا از اطاعت پیوسته باز داشته ، جدایی افکن ! خواست من از تو ، به خاطر این است که امید دیرینم به تو ، و آرزوی بزرگم از توست که آن را بر خویش حتمی کرده ای ، از سرِ رأفت و رحمت . فرمان ، تنها از آنِ توست و مردم ، همه نانخوران تو و در قبضه اراده تو هستند و همه چیز ، فرمان بردار توست. خجسته ای، ای پروردگار جهانیان !

خدایا ! مرا رحم کن ، آن گاه که دلیلم قطع می شود و زبانم از پاسخ دادن به تو باز می ماند و هوش و خِرَدم آن گاه که از من سؤال می کنی به اضطراب می افتد. پس ، ای امید بزرگم ! آن گه که نیازم شدّت می یابد ، محرومم مکن و به نادانی ام ردّم منما و به خاطر کم صبری ام محرومم مگردان ! چون نیازمندم ، عطایم کن و چون ناتوانم ، رحمم کن !

سرورا ! تکیه گاه و اعتماد و امید و توکّلم بر توست و دل بستگی ام به رحمت توست. به درگاه احسانت ، بار می افکنم و خواسته ام را از آستان جود تو می طلبم و دعایم را پروردگارا به کَرَم تو باز می گشایم و رفع نیازم را از پیشگاه تو امیدوارم و ناداری خود را با توانگری تو جبران می کنم . زیر سایه بخشایشت ایستاده ام و نگاهم را به آستانِ جود و کَرَمت دوخته ام و چشمم پیوسته به لطف و احسان توست. پس ، مرا که به تو

امید بسته ام ، به آتش مسوزان و در دوزخم جای نده؛ چرا که تو فروغ دیدگان منی. ای سرورم! گمانِ نیکویی را که به احسانت دارم ، دروغ مگردان، که تو تکیه گاه منی؛ و از پاداش خود محرومم مساز ، که نیازم را می شناسی!

خدایا! اگر زمان مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نساخته است ، اعتراف به گناه خود را اسباب عذرخواهی ام قرار داده ام.

خدایا! اگر عفو کنی ، از تو شایسته تر کیست؟ و اگر کیفر دهی ، از تو دادگرتر در داوری کیست؟

[خدایا!] ، رحم کن در این دنیا به غربتم ، و هنگام مرگ به غم و حسرتم! و در قبر به تنهایی و وحشتم! و هنگامی که برای حساب زنده می شوم در پیشگاهت به وقوف ذلیلانه ام! و آنچه را (از کارم) بر آدمیان پوشیده است ، بیامرز و پوشش خود را بر خطایم ادامه بده و مرا رحم کن ، آن گاه که بر بستر مرگ افتاده ام و دست های دوستانم مرا می گردانند! بر من لطف کن ، آن گاه که مرا بر سنگِ غسل خوابانده اند و همسایگان خوبم مرا به چپ و راست

می چرخانند! و بر من احسان کن ، آن دم که مرا با تابوت برمی دارند و خویشاوندان ، اطراف جنازه ام را می گیرند! و بر من کَرَم کن ، آن گاه که در گورم تنها به حضورت می آیم! در آن خانه نو بر غربتم ترحّم کن ، تا جز به تو اُنس نگیرم!

سرورا! اگر مرا به خودم وا گذاری ، تباه می شوم. سرورم! اگر گناهم را نیامرزی ، به که پناه برم و اگر عنایتت را در آرامگاهم از دست بدهم ، به چه کسی روی آورم و اگر گرفتاری ام را برطرف نسازی ، به که پناهنده شوم؟

سرورم! من ، که را دارم و کیست که بر من رحم کند ، اگر تو بر من ترحّم نکنی؟ و به احسانِ که آرزو بندم ، اگر هنگام نیازم ، از احسان تو محروم گردم؟ و اگر اَجَلَم فرا رسد ، از گناهانم به سوی چه کسی بگریزم؟ سرورم! عذابم مکن ، در حالی که به تو امیدوارم.

خدایا! امیدم را برآور و هراسم را ایمنی بخش؛ چرا که درباره گناهان فراوانم ، جز به عفو تو امید ندارم!

سرورم! من از تو ، چیزی را طلب می کنم که سزاوار آن نیستم و تو ، اهل تقوا و آمرزشی . پس مرا بیامرز و از نگاه کریمانه ات ، جامه ای بر من بپوشان که پیامدهای گناهم را بر من بپوشاند و [بدین ترتیب ،] آنها را ببخشایی و به خاطر آنها مؤاخذه نشوم! همانا تو صاحب احسان دیرین و گذشت بزرگ و چشم پوشیِ کریمانه ای.

خدایا! تو آن کریمی هستی که با پروردگاری ات ، احسان خویش را حتّی بر آنان که از تو درخواست نمی کنند و بر آنان که انکارت می کنند ، سرازیر می کنی. پس ، با آن که دست نیاز به درگاهت دارد و یقین دارد که عالَم آفرینش ، برای تو و امور ، به سوی توست ، چگونه خواهی بود؟ خجسته و والا گشته ای ، ای پروردگار جهانیان!

سرورم! بنده ات به درگاه توست [و] نیاز ، او را در آستانت قرار داده است. با دعایش ، درِ رحمتت را می کوبد و با امید درونی اش ، چشم به عنایت و توجّه زیبای تو دوخته است. پس ، چهره کریمانه ات را از من بر مگردان و آنچه را می گویم ، از من بپذیر! من تو را با این دعا خوانده ام و امیدوارم که ردّم نمی کنی؛ چرا که به رأفت و مهربانی ات آشنایم. خدایا! تو آنی که هیچ پُرسنده ای ، به ستوهت نمی آورد و هیچ بخششی ، از تو نمی کاهد. تو ، آن گونه ای که خود می گویی و برتر از آنی که ما می گوییم.

خداوندا! از تو صبری نیکو ، گشایشی نزدیک ، گفتاری صادقانه و پاداشی بزرگ می طلبم. پروردگارا! از تو از همه نیکی ها می خواهم : آنچه می دانم و آنچه نمی دانم. پروردگارا! از تو بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته ات از تو می طلبند ، می خواهم.

ای بهترین درخواست شونده ، ای بخشنده ترین عطابخش! خواسته ام را درباره خودم ، خانواده ام ، پدر و مادرم ، فرزندانم ، خاندانم و برادران دینی ام ،

برآور؛ زندگی ام را سرشار و جوان مردی ام را آشکار کن؛ همه احوالم را سامان بخش؛ مرا از آنانی قرار ده که عمرشان را طولانی ، و کارشان را نیکو ساخته ای و نعمتت را بر آنان کامل گردانده ای و از آنان خرسندی و آنان را با زندگی پاک و مداوم ترین مسرّت و سرشارترین کرامت و کامل ترین زندگانی ، حیات بخشیده ای! تو آنچه را خواهی ، انجام می دهی و آنچه جز تو بخواهد ، انجام نمی گیرد.

خداوندا ! مرا از سوی خودت به یاد ویژه ات ، مخصوص گردان و آنچه را با آن ، در لحظات شب و ساعات روز ، به درگاهت تقرّب می جویم ، برای ریا و نامجویی و از روی برتری طلبی و بی خیالی ، قرار مده و مرا از خاشعان درگاهت قرار بده !

خداوندا ! مرا گشایش در روزی ، امنیّت در وطن ، روشنایی چشم در مورد خانواده و مال و فرزند ، پایندگی نعمت هایت نزد من ، درستی در انجام دادن کارها ، نیرومندی در بدن و سلامت در دین عطا کن؛ و تا مرا عمر می دهی ، مرا در خدمت اطاعت خودت و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله ، به کار گیر و مرا از بهره مندترین بندگانت قرار بده ، در بهره بردن از هر خیری که در ماه رمضان در شب قدر و در طول سال ، نازل کرده و می کنی ، و از هر رحمتی که می گسترانی و عافیتی که می پوشانی و بلایی که برمی گردانی و حسناتی که قبول می کنی و گناهانی که می بخشایی؛ و زیارت خانه خودت را امسال و همه سال روزی ام کن و از رحمت گسترده ات ، روزیِ گسترده عطایم کن !

سرورم ! بدی ها را از من برگردان؛ وام ها و حقوق مردم را از جانب من ادا کن تا به هیچ یک از آنها آزرده نشوم؛ گوش ها و چشم های دشمنانم و حسودان به من و ستمگران بر من را به روی من ببند و مرا بر آنان یاری کن؛ چشمم را فروغ بخش؛ دلم را شاد گردان؛ برایم از اندوه و رنجم ، گشایش و رهایی قرار بده؛ هر که را از همه آفریدگانت نسبت به من قصد بدی دارد ، زیر پاهایم [تحت سلطه ام] قرار ده؛ شرّ شیطان ، شرّ حکومت و بدی های عملم را از من کفایت کن؛ از همه گناهان ، پاکم کن؛ با عفو خویش ، از آتشم نگه دار و با رحمت خویش به بهشتم درآور؛ به فضل خویش ، با حوریان بهشتی قرینم ساز و مرا به دوستان شایسته ات ، محمّد و خاندان شایسته و پاکیزه و پاک و خوبش که درود تو و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد ملحق ساز !

خدایا و سرورا ! به عزّت و جلالَت سوگند که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی ، تو را به بخشایشت طلب می کنم ، و اگر مرا به فرومایگی ام بازخواست کنی ، تو را به کَرَمت درخواست می کنم ، و اگر مرا به آتش افکنی ، به دوزخیان خواهم گفت که دوستت دارم .

خدایا و سرورا ! اگر جز دوستان و مطیعانت را نمی آمرزی ، پس گنهکاران به که روی آورند؟ و اگر جز اهل وفا را نمی نوازی ، پس بدکاران به که پناهنده شوند؟

خدایا ! اگر مرا به آتش افکنی ، شادمانیِ دشمنت در این است ، و اگر به بهشتم ببری ، پیامبرت خرسند می شود ، و من به خدا سوگند می دانم که شادمانیِ پیامبرت را بیش از شادی دشمنت دوست داری.

خداوندا ! از تو می خواهم که دلم را از محبّت به تو و خَشیت از خودت ، از تصدیق تو و ایمان به خودت ، و از بیم از تو و اشتیاق به خودت بیاکَنی.

ای شکوهمند باکرامت ! دیدارت را محبوبم گردان و دیدارم را دوست بدار و برایم در دیدار خودت ، آسایش و گشایش و کرامت قرار بده !

خداوندا ! مرا به گذشتگانِ شایسته ملحق ساز و از آیندگانِ شایسته قرار بده؛ مرا به راه صالحان بدار و مرا در غلبه بر نفْس خود یاری کن ، به آنچه صالحان را برای غلبه بر نفْسشان یاری می کنی؛ کارم را به بهترین صورت به پایان ببر و با رحمت خویش پاداش عملم را بهشت قرار بده و مرا در به کارگیری شایسته آنچه عطایم کردی ، یاری کن؛ مرا پروردگارا ثابت قدم بدار و مرا به آن بدی که از آن نجاتم دادی ، بر مگردان ، ای پروردگار جهانیان !

خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که پایانی جز دیدارت نداشته باشد. تا مرا زنده داشته ای ، بر آن ایمان ، زنده بدارم و چون می میرانی ، بر آن بمیرانم و چون مرا برانگیختی ، بر آن برانگیز؛ و دلم را از ریا ، تردید و آوازه خواهی در دینت ، پیراسته کن تا کارم ، خالص برای تو باشد !

خداوندا ! مرا بصیرتی در دینت ، فهمی در حُکمَت ، ژرف نگری در دانشت ، دو سهم از رحمتت ، و پرهیزی بازدارنده از نافرمانی ات ، عطا کن و با نور خویش ، روسفیدم گردان و اشتیاقم را به آنچه نزد توست ، قرار بده و مرا در راهت و بر آیین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران !

خداوندا ! به درگاهت پناه می برم از : تنبلی ، بی حالی ، سستی ، اندوه ،

ترس ، بخل ، غفلت ، سنگ دلی ، خواری ، بیچارگی ، تنگ دستی ، نیازمندی و از هر بلا و از زشتی های آشکار و نهان. به تو پناه می برم از نَفْسی که قانع نمی شود ، شکمی که سیر نمی گردد ، دلی که خشوع نمی یابد ، دعایی که اجابت نمی شود و عملی که سود نمی بخشد. و به تو پروردگارا از شیطانِ رانده شده پناه می برم درباره خودم ، دینم ، مالم و همه آنچه روزی ام کرده ای. همانا تویی تو شنوای دانا.

خداوندا ! جز تو ، کسی مرا از قهرت پناه نمی دهد و جز تو ، پشت و پناهی نمی یابم. پس ، مرا در هیچ عذابی قرار مده و مرا به سوی هلاکت ، و مرا به سوی عذاب دردناک ، باز نگردان !

خداوندا ! از من پذیرا باش؛ یادم را بلند و رتبه ام را والا گردان؛ بار گناهم را فرو ریز؛ گناهم را به یادم نینداز؛ پاداش نشستن و سخن گفتن و نیایشم را رضای خود و بهشت قرار بده؛ و همه آنچه را از تو خواستم و بیش از آن را پروردگارا از احسان خویش عطایم کن ! من مشتاق تو هستم ، ای پروردگار جهانیان !

خداوندا ! در کتاب خویش ، چنین نازل کرده ای که : از آن که بر ما ستم کرد ، درگذریم. ما به خود ، ستم کرده ایم. پس ، از ما درگذر ، که تو بر این گذشت ، سزاوارتر از مایی؛ و ما را فرمان داده ای که نیازمندی را از درِ خود نرانیم. اینک من ، نیازمندانه ، به درگاهت آمده ام. مرا جز با برآوردن حاجتم ، بر نگردان؛ و ما را به احسان به بردگانمان دستور داده ای. ما بردگان توییم. پس ، ما را از آتش دوزخ برهان !

ای پناهگاه من در هنگام رنج و بلایم ! ای فریادرس من در هنگام گرفتاری ام ! به درگاه تو نالیدم و به آستان تو پناه آوردم و جز به درگاهت به دیگری پناه نمی برم و جز از تو ، گشایش نمی طلبم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و پناهم ده و گرفتاری ام را بزدای !

ای آن که اندک را می پذیری و از گناهِ بسیار درمی گذری ! اندکم را بپذیر و گناهِ فراوانم را ببخشای ! همانا تو مهربان و آمرزنده ای.

خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که دلم را همدم آن سازی و یقینی که بدانم جز آنچه برایم مقدّر کرده ای ، به من نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه برایم سهم نهاده ای ، خرسند ساز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !» .

.

ص: 220

. .

ص: 221

. .

ص: 222

. .

ص: 223

. .

ص: 224

. .

ص: 225

. .

ص: 226

. .

ص: 227

. .

ص: 228

. .

ص: 229

. .

ص: 230

. .

ص: 231

. .

ص: 232

. .

ص: 233

. .

ص: 234

. .

ص: 235

. .

ص: 236

. .

ص: 237

. .

ص: 238

. .

ص: 239

. .

ص: 240

. .

ص: 241

. .

ص: 242

. .

ص: 243

. .

ص: 244

. .

ص: 245

. .

ج دُعاءُ «يا عُدَّتی فی کُربَتی»1615.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد :ویَدعو أیضا فِی السَّحَرِ بِهذَا الدُّعاءِ :

یا عُدَّتی فی کُربَتی ، ویا صاحِبی فی شِدَّتی ، ویا وَلِیِّی فی نِعمَتی ، ویا غایَتی فی رَغبَتی ، أنتَ السّاتِرُ عَورَتی وَالمُؤمِنُ رَوعَتی وَالمُقیلُ عَثرَتی ، فَاغفِر لی خَطیئَتی .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ خُشوعَ الإیمانِ قَبلَ خُشوعِ الذُّلِّ فِی النّارِ ، یا واحِدُ یا أحَدُ یا صَمَدُ یا مَن لَم یَلِد ولَم یولَد ولَم یَکُن لَهُ کُفُوا أحَدٌ ، یا مَن یُعطی مَن سَأَلَهُ تَحَنُّنا مِنهُ ورَحمَةً ، ویَبتَدِئُ بِالخَیرِ مَن لَم یَسأَلهُ تَفَضُّلاً مِنهُ وکَرَما ، بِکَرَمِکَ الدّائِمِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وأهلِ بَیتِهِ ، وهَب لی رَحمَةً واسِعَةً جامِعَةً أبلُغُ بِها خَیرَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ .

اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ لِما تُبتُ إلَیکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فیهِ ، وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ خَیرٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنی فیهِ ما لَیسَ لَکَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاعفُ عَن ظُلمی وجُرمی بِحِلمِکَ وجودِکَ یا کَریمُ ، یا مَن لا یَخیبُ سائِلُهُ ولا یَنفَدُ نائِلُهُ ، یا مَن عَلا فَلا شَیءَ فَوقَهُ ودَنا فَلا شَیءَ دونَهُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارحَمنی یا فالِقَ البَحرِ لِموسی ، اللَّیلَهَ اللَّیلَهَ اللَّیلَهَ ، السّاعَهَ السّاعَهَ السّاعَهَ .

اللّهُمَّ طَهِّر قَلبی مِنَ النِّفاقِ ، وعَمَلی مِنَ الرِّیاءِ ، ولِسانی مِنَ الکَذِبِ ، وعَینی مِنَ الخِیانَهِ فَإنَّکَ تَعلَمُ خائِنَهَ الأعیُنِ وما تُخفِی الصُّدورِ .

یا رَبِّ هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ المُستَجیرِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ المُستَغیثِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ الهارِبِ إلَیکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ مَن یَبوءُ لَکَ بِخَطیئَتِهِ ویَعتَرِفُ بِذَنبِهِ ویَتوبُ إلی رَبِّهِ ، هذا مَقامُ البائِسِ الفَقیرِ ،

هذا مَقامُ الخائِفِ المُستَجیرِ ، هذا مَقامُ المَحزونِ المَکروبِ ، هذا مَقامُ المَحزونِ المَغمومِ المَهمومِ ، هذا مَقامُ الغَریبِ الغَریقِ ، هذا مَقامُ المُستَوحِشِ الفَرِقِ ، هذا مَقامُ مَن لا یَجِدُ لِذَنبِهِ غافِرا غَیرَکَ ولا لِضَعفِهِ مُقَوِّیا إلاّ أنتَ ، ولا لِهَمِّهِ مُفَرِّجا سِواکَ .

يا أللّهُ يا كَريمُ ، لا تُحرِق وَجهى بِالنّارِ بَعدَ سُجودى لَکَ وتَعفيرى بِغَيرِ مَنٍّ مِنّى عَلَيکَ ، بَل لَکَ الحَمدُ وَالمَنُّ وَالتَّفَضُّلُ عَلَىَ . اِرحَم أى رَبِّ أى رَبِّ أى رَبِّ حَتّى يَنقَطِعَ النَّفَسُ ضَعفى وقِلَّةَ حيلَتى ورِقَّةَ جِلدى وتَبَدُّدَ أوصالى وتَناثُرَ لَحمى وجِسمى وجَسَدى ووَحدَتى ووَحشَتى فى قَبرى وجَزَعى مِن صَغيرِ البَلاءِ . أسأَلُکَ يا رَبِّ قُرَّةَ العَينِ وَالاِغتِباطَ يَومَ الحَسرَةِ وَالنَّدامَةِ ، بَيِّض وَجهى يا رَبِّ يَومَ تَسوَدُّ فيهِ الوُجوهُ ، آمِنّى مِنَ الفَزَعِ الأكبَرِ ، أسأَلُکَ البُشرى يَومَ تُقَلَّبُ فيهِ القُلوبُ وَالأبصارُ ، وَالبُشرى عِندَ فِراقِ الدُّنيا . الحَمدُ للّهِ الَّذى أرجوهُ عَونا فى حَياتى ، وأُعِدُّهُ ذُخرا لِيَومِ فاقَتى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أدعوهُ (و) لا أدعو غَيرَهُ ولَو دَعَوتُ غَيرَهُ لَخَيَّبَ دُعائى . الحَمدُ للّهِ الَّذى أرجوهُ ولا أرجو غَيرَهُ ولَو رَجَوتُ غَيرَهُ لَأَخلَفَ رَجائى ، الحَمدُ للّهِ المُنعِمِ المُحسِنِ المُجمِلِ المُفضِلِ ذِى الجَلالِ وَالإكرامِ ، وَلِيِ کُلِّ نِعمَةٍ ، وصاحِبِ کُلِّ حَسَنَةٍ ، ومُنتَهى کُلِّ رَغبَةٍ ، وقاضِى کُلِّ حاجَةٍ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنِى اليَقينَ وحُسنَ الظَّنِّ بِکَ ، وأثبِت رَجاکَ فى قَلبى ، وَاقطَع رَجائى عَمَّن سِواکَ حَتّى لا أرجُوَ غَيرَکَ ولا أثِقَ إلاّ بِکَ . يا لَطيفا لِما يَشاءُ ، الطُف لى فى جَميعِ أحوالى بِما تُحِبُّ وتَرضى . يا رَبِّ إنّى ضَعيفٌ عَلَى النّارِ فَلا تُعَذِّبنى بِالنّارِ . يا رَبِّ ارحَم دُعائى وتَضَرُّعى وخَوفى وذُلّى ومَسکَنَتيوتَعويذى وتَلويذى .

يا رَبِّ إنّى ضَعيفٌ عَن طَلَبِ الدُّنيا وأنتَ واسِعٌ کَريمٌ ، أسأَلُکَ يا رَبِّ بِقُوَّتِکَ

عَلى ذلِکَ وقُدرَتِکَ عَلَيهِ وغِناکَ عَنهُ وحاجَتى إلَيهِ ، أن تَرزُقَنى فى عامى هذا وشَهرى ويَومى هذا وساعَتى هذِهِ رِزقا تُغنينى بِهِ عَن تَکَلُّفِ ما فى أيدِى النّاسِ ؛ مِن رِزقِکَ الحَلالِ الطَّيِّبِ .

أى رَبِّ ، مِنکَ أطلُبُ وإلَيکَ أرغَبُ وإيّاکَ أرجو وأنتَ أهلُ ذلِکَ ، لا أرجو غَيرَکَ ولا أثِقُ إلاّ بِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . أى رَبِّ ، ظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى وَارحَمنى وعافِنى ، يا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ ، ويا جامِعَ کُلِّ فَوتٍ ، ويا بارِئَ النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ،يا مَن لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ ولا تَشتَبِهُ عَلَيهِ الأصواتُ ، ولا يَشغَلُهُ شَىءٌ عَن شَىءٍ أعطِ مُحَمَّدا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ أفضَلَ ما سَأَلَکَ وأفضَلَ ما سَألتَ لَهُ وأفضَلَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ إلى يَومِ القِيامَةِ ، وهَب لِىَ العافِيَةَ حَتّى تُهَنِّئَنِى المَعيشَةَ ، وَاختِم لى بِخَيرٍ حَتّى لا تَضُرَّنِىَ الذُّنوبُ .

اللّهُمَّ رَضِّنى بِما قَسَمتَ لى حَتّى لا أسأَلَ أحَدا شَيئا ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَافتَح لى خَزائِنَ رَحمَتِکَ ، وَارحَمنى رَحمَةً لا تُعَذِّبُنى بَعدَها أبَدا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَارزُقنى مِن فَضلِکَ الواسِعِ رِزقا حَلالاً طَيِّبا لا تُفقِرُنى

إلى أحَدٍ بَعدَهُ سِواکَ ، تَزیدُنی بِذلِکَ شُکرا وإلَیکَ فاقَةً وفَقرا وبِکَ عَمَّن سِواکَ غِنیً وتَعَفُّفا ، یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ ، یا مُنعِمُ یا مُفضِلُ ، یا مَلیکُ یا مُقتَدِرُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاکفِنِی المُهِمَّ کُلَّهُ ، وَاقضِ لی بِالحُسنی بارِک لی فی جَمیعِ اُموری وَاقضِ لی جَمیعَ حَوائِجی .

اللّهُمَّ یَسِّر لی ما أخافُ تَعسیرَهُ فَإِنَّ تَیسیرَ ما أخافُ تَعسیرَهُ عَلَیکَ یَسیرٌ ، وسَهِّل لی ما أخافُ حُزونَتَهُ ، ونَفِّس عَنّی ما أخافُ ضیقَهُ ، وکُفَّ عَنّی ما أخافُ غَمَّهُ ، وَاصرِف عَنّی ما أخافُ بَلِیَّتَهُ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

اللّهُمَّ املَأ قَلبی حُبّا لَکَ وخَشیَةً مِنکَ ، وتَصدیقا وإیمانا بِکَ وفَرَقا مِنکَ وشَوقا إلَیکَ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ .

اللّهُمَّ إنَّ لَکَ حُقوقا فَتَصَدَّق بِها عَلَیَّ ، ولِلنّاسِ قِبَلی تَبِعاتٌ فَتَحَمَّلها عَنّی ، وقَد أوجَبتَ لِکُلِّ ضَیفٍ قِریً وأنا ضَیفُکَ فَاجعَل قِرایَ اللَّیلَةَ الجَنَّةَ ، یا وَهّابَ الجَنَّهِ ، یا وَهّابَ المَغفِرَهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِکَ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 598 ح 692 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 95 ح 2 .

ج دعای «یا عُدَّتی فی کُرْبَتی»

ج دعای «یا عُدَّتی فی کُرْبَتی»1617.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد:نیز در سحر ، این دعا را بخواند:

«ای پشتوانه من در پریشانی ام! ای همراه من در سختی ام! ای سرپرست من در برخورداری ام! ای منتهای اشتیاقم! تویی پوشاننده عیبم و ایمنی بخش هراسم و درگذرنده از خطایم. پس ، گناهم را بیامرز!

خداوندا! از تو فروتنیِ ایمان را پیش از خواری و ذلّت آتش ، می طلبم.

ای یگانه! ای یکتا! ای بی نیاز! ای آن که نزاده است و زاده کسی نیست و هیچ همتایی ندارد! ای آن که از روی مهربانی و رحمت خویش ، به هر که از او بخواهد ، عطا می کند و از روی فضل و بزرگواری ، هر که را هم که از او درخواست نکند ، بی تقاضا عطایش می کند! به حقّ کَرَم دائمت ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا رحمتی گسترده و فراگیر ببخش که با آن به خیر دنیا و آخرت برسم!

خداوندا! از تو به خاطر گناهی که از آن به درگاهت توبه کردم ، ولی باز انجامش دادم ، آمرزش می طلبم و از تو به خاطر هر نیکی که خواستم خالصانه انجامش دهم ، ولی نیّت های غیر خدایی به آن آمیخت ، آمرزش می خواهم.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ای بزرگوار به خاطر بردباری و بخششت ، از ستم و جرمم درگذر!

ای آن که خواهانش ناکام نشود و برخوردار از نعمتش ، بی بهره نماند! ای آن که برتری یافت؛ پس ، چیزی برتر از او نیست! ای آن که نزدیک شد؛ پس ، چیزی نزدیک تر از او نیست! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر من رحمت آور ای شکافنده دریا برای موسی همین امشب ، همین امشب ، همین امشب ، همین ساعت ، همین ساعت ، همین ساعت!

خداوندا ! دلم را از نفاق ، پاک گردان و عملم را از ریا ، و زبانم را از دروغ ، و چشمم را از خیانت ، پاکیزه دار ، که تو چشم های خیانتکار و آنچه را در سینه ها نهان است ، می دانی !

پروردگارا ! این ، جایگاه کسی است که از دوزخ ، به تو پناه می آورد. این ، جایگاه کسی است که از آتش ، به تو پناهنده می شود . این ، جایگاه کسی است که از آتش ، از درگاه تو یاری می جوید. این ، جایگاه کسی است که از آتش ، به درگاه تو می گریزد. این ، جایگاه کسی است که از خطایش ، به آستان تو روی می آورد و به گناهش اعتراف دارد و به سوی پروردگارش توبه می کند. این ، جایگاه پریشانِ نیازمند است. این ، جایگاه ترسان پناهجوست. این ، جایگاه

غمگین گرفتار است. این ، جایگاه اندوهگین غمناک پریشان خاطر است. این ، جایگاه بی کس غرق گشته است. این ، جایگاه وحشت زده هراسان است. این ، جایگاه کسی است که برای گناهش آمرزنده ، و برای ناتوانی اش توانبخش ، و برای اندوهش غم زدایی جز تو نمی یابد.

ای خدا ، ای بزرگوار! چهره ام را به آتش مسوزان ، پس از آن که بدون منّتی از من بر تو ، در پیشگاهت سجده کرده و به خاک افتاده ام؛ بلکه تو را بر من حقّ سپاس و منّت و احسان است. رحم کن ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای پروردگار! » بگوید تا آن که نَفَس قطع شود «ناتوانی و بیچارگی ام را ، نازکی پوست و از هم گسستن رگ هایم را ، فروپاشی گوشت و بدن و جسمم را ، تنهایی و وحشتم را در گورم ، و بی تابی ام را از بلای کوچک !

پروردگارا ! از درگاهت، در روز حسرت و پشیمانی، فروغ دیده و شادمانی می طلبم.

پروردگارا ! آن روز که چهره ها سیاه می شود ، روسفیدم گردان و در روز هراس بزرگ ، ایمنم ساز! از تو ، آن روز که دل ها و دیده ها هراسان و نگران می شوند و هنگام جدایی از دنیا ، بشارت می طلبم.

سپاس ، خدایی را که در زندگی ام به یاری او امیدوارم و برای روز نیازم ، ذخیره اش می شمارم.

سپاس ، خدایی را که تنها او را می خوانم و دیگری را نمی خوانم و اگر دیگری را بخوانم ، دعایم را ناکام می گذارد.

سپاس ، خدایی را که به او امید دارم و جز به او امیدم نیست و اگر به غیر او امیدوار شوم ، ناامیدم می کند.

سپاس ، خدایی را که نعمت بخش و نیکوکار و اهل احسان و نیکی و دارای شُکوه و بزرگواری است و صاحب هر نعمت و حسنه ای است و نهایت هر اشتیاق و برآورنده هر نیاز است.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا یقین و خوش باوری به خودت روزی گردان؛ امیدت را در دلم استوار دار ؛ امیدم را از جز خودت ببُر تا به غیر خودت امید نبندم و جز به تو اطمینان نکنم !

ای صاحب لطف ، به هر چه خواهی ! در همه حالاتم ، آن گونه که دوست داری و می پسندی ، به من لطف کن !

پروردگارا ! بر آتش دوزخ ، ناتوانم. پس به آتش ، عذابم مکن !

پروردگارا ! بر دعا و نالیدنم ، بر بیم و خواری و نیازمندی ام ، بر پناهجویی و

پناهندگی ام ، رحم کن !

پروردگارا ! من از دنیا طلبیدن ناتوانم. تو هم وسعت بخش و بزرگواری. پروردگارا ! از تو ، که بر خواسته دنیایی ام توانایی و از آن بی نیازی و من بدان نیازمندم ، می خواهم که در همین سال و همین ماه و همین روز و همین ساعت ، از روزیِ حلال و پاک خود ، چنان روزی ام دهی که از زحمت دستیابی به آنچه در دست مردم است، بی نیازم گردانی.

پروردگارا ! از تو می خواهم و به تو مشتاقم و از تو امید دارم و تو شایسته آنی. به غیر تو امید ندارم و جز به تو اعتماد نمی کنم ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

پروردگارا ! بر خویش ستم کردم. پس ، مرا بیامرز و ترحّم کن و از من درگذر !

ای شنوای هر صدا ! ای گردآورنده هر از دست رفته ! ای بازآفریننده آدمیان ، پس از مرگ ! ای آن که نه تاریکی ، او را فرا می گیرد و نه صداها بر او اشتباه می شود و نه چیزی او را از چیزی غافل می سازد ! به محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد بهترین چیزی را که از تو خواسته و برترین

چیزی را که تو برایش خواسته ای و برترین چیزی که تا روز قیامت برای او از تو می خواهند ، عطا کن و مرا هم عافیت بخش تا زندگی ام را گوارا کند و مرا عاقبت به خیر گردان تا گناهان ، زیانم نرسانند !

خداوندا ! به آنچه قسمتم کردی ، راضی ام گردان تا از کسی چیزی نخواهم !

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گنجینه های رحمتت را بر من بگشای و مرا چنان رحمتی عنایت کن که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت ، عذابم نکنی و از احسان گسترده ات ، چنان روزیِ حلال و پاکیزه ای روزی ام گردان که پس از آن به هیچ کس جز خودت ، نیازمندم نسازی و به خاطر آن ، سپاسم را بیفزایی و نیازم را به درگاهت و بی نیازی و پرهیزم را از جز خودت ، افزون کنی !

ای نیکویی کننده ، ای صاحب لطف ، ای نعمت بخش ، ای عطاکننده ، ای فرمانروا ، ای توانمند ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و همه مهمّات امورم را برآور وبه بهترین صورت برایم ادا کن و همه کارهایم را خجسته گردان و همه نیازهایم را برآور !

خداوندا ! آنچه را از دشواری اش می ترسم ، برایم آسان ساز؛ چرا که آسان ساختن آنچه از دشواری اش بیمناکم ، بر تو آسان است؛ و آنچه را از سختی و ناهنجاری اش می ترسم ، برایم آسان کن ؛ و آنچه را از تنگنایی اش هراس دارم ، غمش را از من بزدای ؛ و آنچه را از اندوهش نگرانم ، از من دور بدار؛ و آنچه را از گرفتاری اش ترسانم ، از من بگردان ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! دلم را از محبّت و خشیت خودت و از باور و ایمان به خودت و از خوف از تو و اشتیاق به خویش ، لبریز گردان ، ای صاحب شُکوه و بزرگواری !

خداوندا ! تو را [بر من] حقوقی است. پس ، آنها را بر من ببخش ! مردم را نیز بر من حقوقی است. آنها را هم از جانب من بر عهده گیر ! برای هر میهمانی ، پذیرایی ای واجب کرده ای. من هم میهمان تو ام. پس ، امشب ، پذیرایی مرا بهشت قرار بده ، ای بخشنده بهشت ، ای عطاکننده آمرزش ! قدرت و نیرویی جز به تو نیست».

.

ص: 248

. .

ص: 249

. .

ص: 250

. .

ص: 251

. .

د دُعاءُ «يا مَفزَعی عِندَ کُربَتی»1614.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :دعاءٌ آخَرُ فِی السَّحرِ نُقِلَ مِن أصلٍ عتیقٍ مِن اُصولِ أصحابِنا ، أوَّلُ رِوایَتِهِ عَنِ الحَسَنِ بنِ مَحبوبٍ ، وتاریخُ کِتابَتِهِ سَنَهُ ثَلاثٍ وسَبعینَ وثَلاثِمِئَهٍ :

یا مَفزَعی عِندَ کُربَتی ، ویا غَوثی عِندَ شِدَّتی ، إلَیکَ فَزِعتُ وبِکَ استَغَثتُ وبِکَ لُذتُ ، لا ألوذُ بِسِواکَ ولا أطلُبُ الفَرَجَ إلاّ مِنکَ ، فَأَغِثنی وفَرِّج عَنّی ، یا مَن یَقبَلُ الیَسیرَ ویَعفو عَنِ الکَثیرِ ، اِقبَل مِنّی الیَسیرَ وَاعفُ عَنّی الکَثیرَ إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحیمُ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ إیمانا تُباشِرُ بِهِ قَلبی، ویَقینا حَتّی أعلَمَ أنَّهُ لَن یُصیبَنی إلاّ ما کَتَبتَ لی ، ورَضِّنی مِنَ العَیشِ بِما قَسَمتَ لی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

یا عُدَّتی فی کُربَتی ، ویا صاحِبی فی شِدَّتی ، ویا وَلِیّی فی نِعمَتی ، ویا غایَتی فی رَغبَتی ، أنتَ السّاتِرُ عَورَتی وَالآمِنُ رَوعَتی وَالمُقیلُ عَثرَتی ، فَاغفِر لی خَطیئَتی یا أرحَمَ الرّاحِمین . (1)ه التَّسبیح1616.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :وقالَ فِی الکِتابِ المَذکورِ : التَّسبیحُ فِی السَّحرِ :

سُبحانَ مَن یَعلَمُ جَوارِحَ القُلوبِ ، سُبحانَ مَن یُحصی عَدَدَ الذُّنوبِ ، سُبحانَ مَن لا تَخفی عَلَیهِ خافِیَهٌ فِی السَّماواتِ وَالأَرَضینَ ، سُبحانَ الرَّبِّ الوَدودِ ،

سُبحانَ الفَردِ الوَترِ ، سُبحانَ العَظیمِ الأَعظَمِ ، سُبحانَ مَن لا یَعتَدی عَلی أهلِ مَملَکَتِهِ ، سُبحانَ مَن لا یُؤاخِذُ أهلَ الأَرضِ بِألوانِ العَذابِ ، سُبحانَ الحَنّانِ المَنّانِ ، سُبحانَ الرَّؤوفِ الرَّحیمِ ، سُبحانَ الجَبّارِ الجَوادِ ، سُبحانَ الحَلیمِ الکَریمِ ، سُبحانَ البَصیرِ العَلیمِ ، سُبحانَ البَصیرِ الواسِعِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إقبالِ النَّهارِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إدبارِ النَّهارِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إدبارِ اللَّیلِ وإقبالِ النَّهارِ ، ولَهُ الحَمدُ وَالمَجدُ وَالعَظَمَهُ وَالکِبریاءُ مَعَ کُلِّ نَفَسٍ ، وکُلِّ طَرفَهِ عَینٍ وکُلِّ لَمحَهٍ سَبَقَ فی عِلمِهِ ، سُبحانَکَ مِل ءَ ما أحصی کِتابُکَ ، سُبحانَکَ زِنَهَ عَرشِکَ ، سُبحانَکَ سُبحانَکَ سُبحانَکَ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 183 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 100 ح 2 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 184 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 100 ح 2 .

د دعای «یا مَفْزَعی عِندَ کُرْبتی»

ه تسبیح

د دعای «یا مَفْزَعی عِندَ کُرْبتی»1618.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به علی علیه السلام) الإقبال:دعایی دیگر برای وقت سحر است که از یکی از منابع کهن اصحاب ما، نقل شده است. اوّل روایت وی ، نام حسن بن محبوب است و تاریخ نوشتن آن ، سال 373 [ق] :

«ای پناهگاه من در هنگام گرفتاری ام ! ای فریادرس من در هنگام سختی ام ! به آستان تو پناه آورده ام و تو را به فریادرسی می خوانم و به تو پناهنده شده ام. جز به تو به کسی پناه نمی برم و جز از تو ، از کسی گشایش نمی طلبم. پس به فریادم برس و گشایشم ده !

ای که طاعت اندک را می پذیری و از گناه بسیار می گذری ! اندکِ مرا بپذیر و بسیارِ مرا ببخشای ! همانا تویی آمرزنده مهربان.

خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که با آن همیشه در دلم باشی ، و یقینی که بدانم جز آنچه برایم نوشته ای ، مرا نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه قسمتم فرموده ای ، خرسند ساز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

ای تکیه گاه (ذخیره) من در گرفتاری ام ! ای همدم من در سختی ام ! ای سرپرست من در نعمتم ! ای نهایت آرزوی من در خواسته ام ! تویی که عیب پوش منی و ایمنی بخش هراس منی و پذیرای پوزش منی. پس ، خطایم را بیامرز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».ه تسبیح1620.عنه صلی الله علیه و آله (أیضا) الإقبال:در همان کتاب آمده است: تسبیح هنگام سحر [چنین است] :

«منزّه است خدایی که دستاوردهای دل ها را می داند. منزّه است آن که تعداد گناهان را بر می شمارد. منزّه است آن که هیچ پوشیده و پنهانی در

آسمان ها و زمین ها بر او پنهان نیست. منزّه است پروردگار مهربان. منزّه است آن یکتای بی همتا. منزّه است آن بزرگِ بزرگ تر. منزّه است آن که

به اهل مملکتش تجاوز نمی کند. منزّه است آن که زمینیان را با انواع عذاب ها تنبیه نمی کند. منزّه است آن مهرورز نعمت بخش. منزّه است آن خیرخواه مهربان. منزّه است آن شوکتمند بخشنده. منزّه است آن بُردبار بزرگوار. منزّه است آن بینای دانا . منزّه است آن بینای نعمت گستر. منزّه است خداوند ، هنگام روی آوردن روز. منزّه است خداوند ، هنگام به پایان رسیدن روز. منزّه است خداوند ، هنگام فرو رفتن شب و برآمدن روز. با هر نَفَس ، با هر چشم بر هم زدن ، با هر اشاره ای که در علم او هست ، او را ستایش و بزرگواری و عظمت و کبریایی است. منزّهی تو ، به اندازه ای که کتابت برشمرده است. منزّهی تو ، همسنگِ عرشت. منزّهی تو ، منزّهی تو ، منزّهی تو».

.

3 / 4أدعِيَهُ كُلِّ يَومٍأ دُعاءُ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ1624.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى :عَن عَبدِ الرَّحمنِ بنِ بَشيرٍ عَن بَعضِ رِجالِهِ أنَّ عَلِىَ بنَ الحُسَينِ عليهماالسلامكانَ يَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :

اللّهُمَّ إنَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ ، وهذا شَهرُ الصِّيامِ ، وهذا شَهرُ الإنابَهِ، وهذا شَهرُ التَّوبَهِ، وهذا شَهرُ المَغفِرَهِ وَالرَّحمَهِ، وهذا شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّهِ، اللّهُمَّ فَسَلِّمهُ لى وتَسَلَّمهُ مِنى، وأعِنّى عَلَيهِ بِأفضَلِ عَونِکَ، ووَفِّقنى فيهِ لِطاعَتِکَ ، وفَرِّغنى فيهِ لِعِبادَتِکَ ودُعائِکَ وتِلاوَهِ كِتابِکَ ، وأعظِم لى فيهِ البَرَكَهَ وأحسِن لى فيهِ العاقِبَهَ ، وأصِحَّ لى فيهِ بَدَنى وأوسِع فيهِ رِزقى ، وَاكفِنى فيهِ ما أهَمَّنى وَاستَجِب لى فيهِ دُعائى وبَلِّغنى فيهِ رَجائى .

اللّهُمَّ أذهِب عَنّى فيهِ النُّعاسَ وَالكَسَلَ وَالسَّآمَهَ وَالفَترَهَ وَالقَسوَهَ وَالغَفلَهَ وَالغِرَّهَ .

اللّهُمَّ جَنِّبنى فيهِ العِلَلَ وَالأَسقامَ ، وَالهُمومَ وَالأَحزانَ ، وَالأَعراضَ وَالأَمراضَ ، وَالخَطايا وَالذُّنوبَ ، وَاصرِف عَنّى فيهِ السّوءَ وَالفَحشاءَ وَالجَهدَ وَالبَلاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَناءَ إنَّکَ سَميعُ الدُّعاءِ .

اللّهُمَّ أعِذنى فيهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ وهَمزِهِ ولَمزِهِ ونَفثِهِ ونَفخِهِ ووَسواسِهِ وكَيدِهِ ومَكرِهِ وحِيَلِهِ وأمانِيِّهِ وخُدَعِهِ وغُرورِهِ وفِتنَتِهِ ورَجلِهِ وشَرَكِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وأخدانِهِ وأشياعِهِ وأولِيائِهِ وشُرَكائِهِ وجَميعِ كَيدِهِم .

اللّهُمَّ ارزُقنى فيهِ تَمامَ صِيامِهِ وبُلوغَ الأَمَلِ فى قِيامِهِ ، وَاستِكمالَ ما يُرضيکَ فيهِ صَبرا وإيمانا ويَقينا وَاحتِسابا ، ثُمَّ تَقَبَّل ذلِکَ مِنّا بِالأضعافِ الكَثيرَهِ وَالأجرِ العَظيمِ .

اللّهُمَّ ارزُقنى فيهِ الجِدَّ وَالاِجتِهادَ وَالقُوَّهَ وَالنَّشاطَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالرَّغبَهَ وَالرَّهبَهَ وَالجَزَعَ وَالرِّقَّهَ وصِدقَ اللِّسانِ ، وَالوَجَلَ مِنکَ وَالرَّجاءَ لَکَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيکَ وَالثِّقَهَ بِکَ ، وَالوَرَعَ عَن مَحارِمِکَ بِصالِحِ القَولِ ومَقبولِ السَّعيِ ومَرفوعِ العَمَلِ ومُستَجابِ الدُّعاءِ ولا تَحُل بَينى وبَينَ شَىءٍ مِن ذلِکَ بِعَرَضٍ ولا مَرَضٍ ولا هَمٍّ ولا غَمٍّ بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1) .

1- .الكافى : ج 4 ص 75 ح 7 .

الف دعای امام سجّاد علیه السلام

3 / 4دعاهای هر روزالف دعای امام سجّاد علیه السلام1622.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در جمع فرزندان عبد المطّلب که هنگام مرگِ ایشان) الکافی به نقل از عبد الرحمان بن بشیر ، از برخی راویان خود :امام سجّاد علیه السلامدر هر روز از ماه رمضان ، این دعا را می خواند :

«خداوندا ! این ، ماه رمضان است. این ، ماه روزه داری است. این ، ماه بازگشت است. این ، ماه توبه است. این ، ماه آمرزش و رحمت است. این ، ماه آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است.

خداوندا ! آن را برایم سلامت بدار و آن را از من ، سالم بگیر و مرا با بهترین یاری ات ، بر [روزه داریِ] آن ، یاری کن و به اطاعتت در آن ، توفیقم ده و مرا برای عبادت و دعا به درگاهت و خواندن کتابت ، فارغ گردان و برکتم را در آن ، بزرگ بدار و عاقبتم را در آن ، نیکو کن و بدنم را در آن سلامت بدار و روزی ام را در آن ، وسعت بخش و آنچه اندوهگینم می سازد ، برطرف ساز و دعایم را در آن ، اجابت کن و مرا به امیدم برسان !

خداوندا ! در آن ، چُرت و کسالت و ملالت و سستی و سنگ دلی و غفلت و غرور را از من دور کن !

خداوندا ! در این ماه ، مرا از دردها و بیماری ها ، غم ها و اندوه ها ، عوارض و مرض ها و از لغزش ها و گناهان ، دور بدار و در این ماه ، بدی و زشتی و مشقّت و بلا و خستگی و رنج را از من برگردان ! همانا تو شنوای دعایی.

خداوندا ! در این ماه ، مرا از شیطان رانده شده و بدگویی و عیبجویی اش ، از نفوذ و دم و وسوسه و نیرنگ و حیله و آرزوهای شیطانی ، از فریب و غرور و فتنه و پیاده نظام شیطان ، و از شریکان و یاران و پیروان و

دوستان و هواداران و هواخواهان و شریکان او و از همه کید و نیرنگ آنان ، پناه ده !

خداوندا ! در این ماه ، روزه داریِ کامل ، عبادت در نهایت آرزو ، و به کمال رساندن آنچه را خرسندت می سازد ، از روی صبر و ایمان و یقین و خلوص ، روزی ام کن. سپس آن را چندین برابر و با پاداش بزرگ ، از ما قبول فرما !

خداوندا ! در این ماه ، جدّیت و تلاش ، نیرو و نشاط ، بازگشت و توبه ، شوق و خوف ، تضرّع و رقّت ، راستگویی ، بیم از خودت ، امید و توکّل و اعتماد به خودت و پرهیز از حرام هایت را روزی ام کن ، با سخنی شایسته و تلاشی پذیرفته و عملی به سوی خدا بالارفته و دعایی اجابت شده؛ و میان من و این خواسته ها، با هیچ عارضه و بیماری و غم و اندوهی ، فاصله نینداز ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

ب دُعاءُ «اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ»1624.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :البلد الأمین :ثُمَّ ادعُ بِما ذَکَرَهُ السَّیِّدُ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ بنِ باقی رحمه الله فِی اختِیارِهِ ؛ فَقَد رُوِیَ أنَّهُ مَن دَعا بِهِ کُلَّ یَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَ أربَعینَ سَنَةً،وهُوَ :

اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذی أنزَلتَ فیهِ القُرآنَ وَافتَرَضتَ عَلی عِبادِکَ فیهِ الصِّیامَ ، اُرزُقنی حَجَّ بَیتِکَ الحَرامِ فی هذَا العامِ وفی کُلِّ عامٍ ، وَاغفِر لِیَ الذُّنوبَ العِظامَ ؛ فَإِنَّهُ لا یَغفِرُها غَیرُکَ یا ذَا الجَلالِ وَالإِکرامِ . (1) .

1- .البلد الأمین : ص 223 ، المزار الکبیر : ص 628 .

ب دعای «اللّهمّ ربَّ شهر رمضان»

ب دعای «اللّهمّ ربَّ شهر رمضان»1626.عنه علیه السلام :البلد الأمین:سپس دعایی را بخوان که سیّد علی بن الحسین بن باقی رحمه اللهآن را در کتابش (الاختیار) نقل کرده است. روایت شده که هر کس آن را در هر روز از ماه رمضان بخواند ، خداوند گناهان چهل سال او را می آمرزد. آن دعا ، این است:

«خداوندا! ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را نازل کرده و روزه داری در آن را

بر بندگانت واجب ساخته ای! امسال و همه سال، حجّ خانه خودت را روزی ام کن و گناهان بزرگ مرا بیامرز؛ چرا که جز تو ، آنها را نمی آمرزد ، ای صاحب شُکوه و بزرگواری!».

.

3 / 5دُعاءُ الجَوشَنِ الكَبيرِ1626.امام على عليه السلام :الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام: نَزَلَ جَبرَئيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِيِ صلى الله عليه و آلهوهُوَ فى بَعضِ غَزَواتِهِ وعَلَيهِ جَوشَنٌ ثَقيلٌ آلَمَهُ ثِقلُهُ ، وقالَ : «يا مُحَمَّدُ رَبُّکَ يُقرِئُکَ السَّلَامَ ويَقولُ لَکَ : اِخلَع هذَا الجَوشَنَ وَاقرَأ هذَا الدُّعاءَ ، فَهُوَ أمانٌ لَکَ ولِاُمَّتِکَ ؛ فَمَن قَرَأَهُ عِندَ خُروجِهِ مِن مَنزِلِهِ أو حَمَلَهُ ، حَفِظَهُ اللّهُ وأوجَبَ حَقَّهُ عَلَيهِ ، ووَفَّقَهُ اللّهُ تَعالى لِصالِحِ الأعمالِ ...

ومَن دَعا بِهِ بِنِيَّةٍ خالِصَةٍ فى أوَّلِ شَهرِ رَمَضانَ رَزَقَهُ اللّهُ تَعالى لَيلَةَ القَدرِ ، وخَلَقَ لَهُ سَبعينَ ألفَ مَلَکٍ يُسَبِّحونَ اللّهَ ويُقَدِّسونَهُ ، وجَعَلَ ثَوابَهُم لَهُ . [يا مُحَمَّدُ ، مَن دَعا بِهِ لَم يَبقَ بَينَهُ وبَينَ اللّهِ تَعالى حِجابٌ ، ولَم يَطلُب مِنَ اللّهِ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ] ... .

ومَن دَعا بِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ ثَلاثَ مَرّاتٍ [أو مَرَّةً واحِدَةً] حَرَّمَ اللّهُ تَعالى جَسَدَهُ عَلَى النّارِ ، وأوجَبَ لَهُ الجَنَّةَ ، وَوَكَّلَ اللّهُ بِهِ مَلَکَينِ يَحفَظانِهِ مِنَ المَعاصى، وكانَ فى أمانِ اللّهِ طولَ حَياتِهِ، يا مُحَمَّدُ، ولا تُعَلِّمهُ إلاّ لِمُؤمِنٍ تَقِيٍ».

قالَ الحُسَينُ عليه السلام : أوصانى أبى عَلِىُ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام بِحِفظِ هذَا الدُّعاءِ

وتَعظيمِهِ ، وأن أكتُبَهُ عَلى كَفَنِهِ ، وأن اُعَلِّمَهُ أهلى وأحُثَّهُم عَلَيهِ ، وهُوَ ألفُ اسمٍ وفيهِ الاِسمُ الأعظَمُ . (1) .

1- .المصباح للكفعمى : ص 332 أورده فى الحاشيه ، بحار الأنوار : ج 94 ص 382 وج 81 ص 331 ح 32 .

3 / 5دعای جوشن کبیر1629.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام به نقل از پدرش ، از جدّش علیهماالسلام :در یکی از جنگ ها که پیامبر خدا زره سنگینی در بر داشت و سنگینی آن آزارش می داد ، جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت: «ای محمّد! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: این زره را بر کن و این دعا را بخوان ، که برای تو و امّت تو ، مایه ایمنی است.

هر کس آن را در هنگام بیرون آمدن از خانه بخواند یا با خود داشته باشد، خداوندْ او را حفظ می کند و حقّ او را بر خود لازم می سازد و او را به کارهای شایسته موفّق می دارد... .

و هر کس با نیّت خالص ، آن را در آغاز ماه رمضان بخواند ، خداوند متعال ، شب قدر را روزی او می کند و برایش هفتاد هزار فرشته می آفریند که خدا را تسبیح می گویند و تقدیس می کنند و پاداش آنان را برای او قرار می دهد.

ای محمّد! هر کس این دعا را بخواند ، میان او و خدای متعال ، حجابی نمی ماند و از خداوند ، چیزی درخواست نمی کند ، مگر آن که خدا آن را به وی عطا می کند ... .

و هر کس آن را در ماه رمضان سه بار [یا یک بار] بخواند ، خداوندْ بدن او را بر آتش ، حرام می کند و بهشت را برایش حتمی می سازد و دو فرشته بر او می گمارد که از گناهانْ نگاهش دارند و تا زنده است ، در امان خدا خواهد بود. ای محمّد! آن را جز به مؤمن پرهیزگار ، نیاموز».

امام حسین علیه السلام فرمود: «پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام ، مرا به حفظ و بزرگداشت این دعا توصیه فرمود و نیز این که آن را بر کفن او بنویسم و آن را به خانواده ام بیاموزم و بر خواندنش تشویق کنم. این دعا ، هزار نام است و اسم اعظم ، در آن است».

.

1630.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :المصباح للكفعمى :دُعاءُ الجَوشَنِ الكَبيرِ مَروِىٌ عَنِ النَّبِيِ صلى الله عليه و آله وهُوَ مِئَةُ فَصلٍ كُلُّ فَصلٍ عَشَرَةُ أسماءٍ ، وتَقولُ فى آخِرِ كُلِّ فَصلٍ مِنها :

سُبحانَکَ يا لا إلهَ إلاّ أنتَ الغَوثَ الغَوثَ خَلِّصنا مِنَ النّارِ يا رَبِّ .

الأَوَّل : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ ، يا رَحيمُ ، يا كَريمُ ، يا مُقيمُ ، يا عَظيمُ ، يا قَديمُ ، يا عَليمُ ، يا حَليمُ ، يا حَكيمُ .

الثّانى : يا سَيِّدَ السّاداتِ ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ ، يا رافِعَ الدَّرَجاتِ ، يا وَلِىَ الحَسَناتِ ، يا غافِرَ الخَطيئاتِ ، يا مُعطِىَ المَسأَلاتِ ، يا قابِلَ التَّوباتِ ، يا سامِعَ الأَصواتِ ، يا عالِمَ الخَفِيّاتِ ، يا دافِعَ البَلِيّاتِ .

الثّالِث : يا خَيرَ الغافِرينَ ، يا خَيرَ الفاتِحينَ ، يا خَيرَ النّاصِرينَ ، يا خَيرَ الحاكِمينَ ، يا خَيرَ الرّازِقينَ ، يا خَيرَ الوارِثينَ ، يا خَيرَ الحامِدينَ ، يا خَيرَ الذّاكِرينَ ، يا خَيرَ المُنزِلينَ ، يا خَيرَ المُحسِنينَ .

الرّابِع : يا مَن لَهُ العِزَّهُ وَالجَمالُ ، يا مَن لَهُ القُدرَهُ وَالكَمالُ ، يا مَن لَهُ المُلکُ وَالجَلالُ ، يا مَن هُوَ الكَبيرُ المُتَعالِ ، يا مُنشِئَ السَّحابِ الثِّقالِ ، يا مَن هُوَ شَديدُ المِحالِ ، يا مَن هُوَ سَريعُ الحِسابِ ، يا مَن هُوَ شَديدُ العِقابِ ، يا مَن عِندَهُ حُسنُ الثَّوابِ ، يا مَن عِندَهُ اُمُّ الكِتابِ .

الخامِس : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا حَنّانُ ، يا مَنّانُ ، يا دَيّانُ ، يا بُرهانُ ، يا سُلطانُ ، يا رِضوانُ ، يا غُفرانُ ، يا سُبحانُ ، يا مُستَعانُ ، يا ذَا المَنِّ وَالبَيانِ .

السّادِس : يا مَن تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ ، يا مَنِ استَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِهِ ،

يا مَن ذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، يا مَن خَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِهَيبَتِهِ ، يا مَنِ انقادَ كُلُّ شَىءٍ مِن خَشيَتِهِ ، يا مَن تَشَقَّقَتِ الجِبالُ مِن مَخافَتِهِ ، يا مَن قامَتِ السَّماواتُ بِأَمرِهِ ، يا مَنِ استَقَرَّتِ الأَرَضونَ بِإِذنِهِ ، يا مَن يُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ ، يا مَن لا يَعتَدى عَلى أهلِ مَملَكَتِهِ .

السّابِع : يا غافِرَ الخَطايا ، يا كاشِفَ البَلايا ، يا مُنتَهَى الرَّجايا ، يا مُجزِلَ العَطايا ، يا واهِبَ الهَدايا ، يا رازِقَ البَرايا ، يا قاضِيَ المَنايا ، يا سامِعَ الشَّكايا ، يا باعِثَ البَرايا ، يا مُطلِقَ الأُسارى .

الثّامِن : يا ذَا الحَمدِ وَالثَّناءِ ، يا ذَا الفَخرِ وَالبَهاءِ يا ذَا المَجدِ وَالسَّناءِ ، يا ذَا العَهدِ وَالوَفاءِ ، يا ذَا العَفوِ وَالرِّضاءِ ، يا ذَا المَنِّ وَالعَطاءِ ، يا ذَا الفَضلِ وَالقَضاءِ ، يا ذَا العِزِّ وَالبَقاءِ ، يا ذَا الجودِ وَالسَّخاءِ ، يا ذَا الآلاءِ وَالنَّعماءِ .

التّاسِع : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ يا مانِعُ ، يا دافِعُ ، يا رافِعُ ، يا صانِعُ ، يا نافِعُ ، يا سامِعُ ، يا جامِعُ ، يا شافِعُ ، يا واسِعُ ، يا مُوَسِّعُ .

العاشِر : يا صانِعَ کُلِّ مَصنوعٍ ، يا خالِقَ کُلِّ مَخلوقٍ ، يا رازِقَ کُلِّ مَرزوقٍ ، يا مالِکَ کُلِّ مَملوکٍ ، يا کاشِفَ کُلِّ مَکروبٍ ، يا فارِجَ کُلِّ مَهمومٍ ، يا راحِمَ کُلِّ مَرحومٍ ، يا ناصِرَ کُلِّ مَخذولٍ ، يا ساتِرَ کُلِّ مَعيوبٍ ، يا مَلجَأَ کُلِّ مَطرودٍ .

الحادى عَشَر : يا عُدَّتى عِندَ شِدَّتى ، يا رَجائى عِندَ مُصيبَتى ، يا مُؤنِسى عِندَ وَحشَتى ، يا صاحِبى عِندَ غُربَتى ، يا وَلِيِّى عِندَ نِعمَتى ، يا غِياثى عِندَ کُربَتى ، يا دَليلى عِندَ حَيرَتى ، يا غِنائى عِندَ افتِقارى ، يا مَلجَئى عِندَ اضطِرارى ، يا مُعينى عِندَ مَفزَعى .

الثّانى عَشَر : يا عَلاّمَ الغُيوبِ ، يا غَفّارَ الذُّنوبِ ، يا سَتّارَ العُيوبِ ، يا کاشِفَ الکُروبِ ، يا مُقَلِّبَ القُلوبِ ، يا طَبيبَ القُلوبِ ، يا مُنَوِّرَ القُلوبِ ، يا أنيسَ القُلوبِ ، يا مُفَرِّجَ الهُمومِ ، يا مُنَفِّسَ الغُمومِ .

الثّالِث عَشَر : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا جَليلُ ، يا جَميلُ ، يا وَکيلُ ، يا کَفيلُ ، يا دَليلُ ، يا قَبيلُ ، يا مُديلُ ، يا مُنيلُ ، يا مُقيلُ ، يا مُحيلُ .

الرّابع عَشَر : يا دَليلَ المُتَحَيِّرينَ ، يا غِياثَ المُستَغيثينَ ، يا صَريخَ المُستَصرِخينَ ، يا جارَ المُستَجيرينَ ، يا أمانَ الخائِفينَ ، يا عَونَ المُؤمِنينَ ، يا راحِمَ المَساکينِ ، يا مَلجَأَ العاصينَ ، يا غافِرَ المُذنِبينَ ، يا مُجيبَ دَعوَةِ المُضطَرّينَ .

الخامِس عَشَر : يا ذَا الجودِ وَالإحسانِ ، يا ذَا الفَضلِ وَالامتِنانِ ، يا ذَا الأَمنِ وَالأَمانِ ، يا ذَا القُدسِ وَالسُّبحانِ ، يا ذَا الحِکمَةِ وَالبَيانِ ، يا ذَا الرَّحمَةِ وَالرِّضوانِ ، يا ذَا الحُجَّةِ وَالبُرهانِ ، يا ذَا العَظَمَةِ وَالسُّلطانِ ، يا ذَا الرَّأفَةِ وَالمُستَعانِ ، يا ذَا العَفوِ وَالغُفرانِ .

السّادِس عَشَر : يا مَن هُوَ رَبَّ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ إلهُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ خالِقُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ صانِعُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ بَعدَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ فَوقَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ عالِمٌ بِكُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ قادِرٌ عَلى كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ يَبقى ويَفنى كُلُّ شَىءٍ .

السّابِع عَشَر : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ باسمِکَ يا مُؤمِنُ ، يا مُهَيمِنُ ، يا مُکَوِّنُ ، يا مُلَقِّنُ ، يا مُبَيِّنُ ، يا مُهَوِّنُ ، يا مُمَکِّنُ ، يا مُزَيِّنُ ، يا مُعلِنُ ، يا مُقَسِّمُ .

الثّامِن عَشَر : يا مَن هُوَ فى مُلکِهِ مُقيمٌ ، يا مَن هُوَ فى سُلطانِهِ قَديمٌ ، يا مَن هُوَ فى جَلالِهِ عَظيمٌ ، يا مَن هُوَ عَلى عِبادِهِ رَحيمٌ ، يا مَن هُوَ بِکُلِّ شَىءٍ عَليمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن عَصاهُ حَليمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن رَجاهُ کَريمٌ ، يا مَن هُوَ فى صُنعِهِ حَکيمٌ ، يا مَن هُوَ فى حِکمَتِهِ لَطيفٌ ، يا مَن هُوَ فى لُطفِهِ قَديمٌ .

التّاسِع عَشَر : يا مَن لا يُرجى إلاّ فَضلُهُ ، يا مَن لا يُسأَلُ إلاّ عَفوُهُ ، يا مَن لا يُنظَرُ إلاّ بِرُّهُ ، يا مَن لا يُخافُ إلاّ عَدلُهُ ، يا مَن لا يَدومُ إلاّ مُلکُهُ ، يا مَن لا سُلطانَ إلاّ

سُلطانُهُ ، يا مَن وَسِعَت کُلَّ شَىءٍ رَحمَتُهُ ، يا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ ، يا مَن أحاطَ بِکُلِّ شَىءٍ عِلمُهُ ، يا مَن لَيسَ أحَدٌ مِثلَهُ .

العِشرون : يا فارِجَ الهَمِّ ، يا کاشِفَ الغَمِّ ، يا غافِرَ الذَّنبِ ، يا قابِلَ التَّوبِ ، يا خالِقَ الخَلقِ ، يا صادِقَ الوَعدِ ، يا موفِىَ العَهدِ ، يا عالِمَ السِّرِّ ، يا فالِقَ الحَبِّ ، يا رازِقَ الأنامِ .

الحادى وَالعِشرون: اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا عَلِىُ ، يا وَفِىُ ، يا غَنِىُ، يا مَلِىُ ، يا حَفِىُ ، يا رَضِىُ ، يا زَکِىُ ، يا بَدِىُ ، يا قَوِىُ ، يا وَلِىُ .

الثّانى وَالعِشرون : يا مَن أظهَرَ الجَميلَ ، يا مَن سَتَرَ القَبيحَ ، يا مَن لَم يُؤاخِذ بِالجَريرَهِ ، يا مَن لَم يَهتِکِ السِّترَ ، يا عَظيمَ العَفوِ ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، يا واسِعَ المَغفِرَهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَهِ ، يا صاحِبَ کُلِّ نَجوى ، يا مُنتَهى کُلِّ شَکوى .

الثّالث والعِشرون : يا ذَا النِّعمَهِ السّابِغَهِ ، يا ذَا الرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، يا ذَا المِنَّهِ السّابِقَهِ ، يا ذَا الحِکمَهِ البالِغَهِ ، يا ذَا القُدرَهِ الکامِلَهِ ، يا ذَا الحُجَّهِ القاطِعَهِ ، يا ذَا الکَرامَهِ الظّاهِرَهِ ، يا ذَا العِزَّهِ الدّائِمَهِ ، يا ذَا القُوَّهِ المَتينَهِ ، يا ذَا العَظَمَهِ المَنيعَهِ .

الرّابِع والعِشرون : يا بَديعَ السَّماواتِ ، يا جاعِلَ الظّلَماتِ ، يا راحِمَ العَبَراتِ ، يا مُقيلَ العَثَراتِ ، يا ساتِرَ العَوراتِ ، يا مُحيِىَ الأَمواتِ ، يا مُنزِلَ الآياتِ ، يا مُضَعِّفَ الحَسَناتِ ، يا ماحِىَ السَّيِّئاتِ ، يا شَديدَ النَّقِماتِ .

الخامِس وَالعِشرون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا مُصَوِّرُ ، يا مُقَدِّرُ ، يا مُدَبِّرُ ، يا مُطَهِّرُ ، يا مُنَوِّرُ ، يا مُيَسِّرُ ، يا مُبَشِّرُ ، يا مُنذِرُ ، يا مُقَدِّمُ ، يا مُؤَخِّرُ .

السّادِس وَالعِشرون : يا رَبَّ البَيتِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الشَّهرِ الحَرام ، يا رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ ، يا رَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ، يا رَبَّ المَسجِدِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، يا رَبَّ النّورِ وَالظَّلامِ ، يا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ ،

يا رَبَّ القُدرَةِ فِى الأَنامِ .

السّابِع وَالعِشرون : يا أحكَمَ الحاكِمينَ ، يا أعدَلَ العادِلينَ ، يا أصدَقَ الصّادِقينَ ، يا أطهَرَ الطّاهِرينَ ، يا أحسَنَ الخالِقينَ ، يا أسرَعَ الحاسِبينَ ، يا أسمَعَ السّامِعينَ ، يا أبصَرَ النّاظِرينَ ، يا أشفَعَ الشّافِعينَ ، يا أكرَمَ الأَكرَمينَ .

الثّامِن وَالعِشرون : يا عِمادَ مَن لا عِمادَ لَهُ ، يا سَنَدَ مَن لا سَنَدَ لَهُ ، يا ذُخرَ مَن لا ذُخرَ لَهُ ، يا حِرزَ مَن لا حِرزَ لَهُ ، يا غِياثَ مَن لا غِياثَ لَهُ ، يا فَخرَ مَن لا فَخرَ لَهُ ، يا عِزَّ مَن لا عِزَّ لَهُ ، يا مُعينَ مَن لا مُعينَ لَهُ ، يا أنيسَ مَن لا أنيسَ لَهُ ، يا أمانَ مَن لا أمانَ لَهُ .

التّاسِع وَالعِشرون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا عاصِمُ ، يا قائِمُ ، يا دائِمُ ، يا راحِمُ ، يا سالِمُ ، يا حاكِمُ ، يا عالِمُ ، يا قاسِمُ ، يا قابِضُ ، يا باسِطُ .

الثَّلاثون : يا عاصِمَ مَنِ استَعصَمَهُ ، يا راحِمَ مَنِ استَرحَمَهُ ، يا غافِرَ مَنِ استَغفَرَهُ ، يا ناصِرَ مَنِ استَنصَرَهُ ، يا حافِظَ مَنِ استَحفَظَهُ ، يا مُكرِمَ مَنِ استَكرَمَهُ ، يا مُرشِدَ مَنِ استَرشَدَهُ ، يا صَريخَ مَنِ استَصرَخَهُ ، يا مُعينَ مَنِ استَعانَهُ ، يا مُغيثَ مَنِ استَغاثَهُ .

الحادى وَالثَّلاثون : يا عَزيزا لا يُضامُ ، يا لَطيفا لا يُرامُ ، يا قَيّوما لا يَنامُ ، يا دائِما لا يَفوتُ ، يا حَيّا لا يَموتُ ، يا مَلِكا لا يَزولُ ، يا باقِيا لا يَفنى ، يا عالِما لا يَجهَلُ يا صَمَدا لا يُطعَمُ ، يا قَوِيّا لا يُضعَفُ .

الثّانى وَالثَّلاثون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا أحَدُ ، يا واحِدُ ، يا شاهِدُ ، يا ماجِدُ ، يا حامِدُ ، يا راشِدُ ، يا باعِثُ ، يا وارِثُ ، يا ضارُّ ، يا نافِعُ .

الثّالِث وَالثّلاثون : يا أعظَمَ مِن كُلِّ عَظيمٍ ، يا أكرَمَ مِن كُلِّ كَريمٍ ، يا أرحَمَ مِن كُلِّ رَحيمٍ ، يا أعلَمَ مِن كُلِّ عَليمٍ ، يا أحكَمَ مِن كُلِّ حَكيمٍ ، يا أقدَمَ مِن كُلِّ قَديمٍ ، يا أكبَرَ مِن كُلِّ كَبيرٍ ، يا ألطَفَ مِن كُلِّ لَطيفٍ ، يا أجَلَّ مِن كُلِّ جَليلٍ ،

يا أعَزَّ مِن كُلِّ عَزيزٍ .

الرّابِع وَالثَّلاثون : يا كَريمَ الصَّفحِ ، يا عَظيمَ المَنِّ ، يا كَثيرَ الخَيرِ ، يا قَديمَ الفَضلِ ، يا دائِمَ اللُّطفِ ، يا لَطيفَ الصُّنعِ ، يا مُنَفِّسَ الكَربِ ، يا كاشِفَ الضُّرِّ ، يا مالِكَ المُلكِ ، يا قاضِيَ الحَقِّ .

الخامِس وَالثَّلاثون : يا مَن هُوَ فى عَهدِهِ وَفِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى وَفائِهِ قَوِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى قُوَّتِهِ عَلِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى عُلُوِّهِ قَريبٌ ، يا مَن هُوَ فى قُربِهِ لَطيفٌ ، يا مَن هُوَ فى لُطفِهِ شَريفٌ ، يا مَن هُوَ فى شَرَفِهِ عَزيزٌ ، يا مَن هُوَ فى عِزِّهِ عَظيمٌ ، يا مَن هُوَ فى عَظَمَتِهِ مَجيدٌ ، يا مَن هُوَ فى مَجدِهِ حَميدٌ .

السّادِس وَالثَّلاثون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا كافى ، يا شافى ، يا وافى ، يا مُعافى ، يا هادى ، يا داعى ، يا قاضى ، يا راضى ، يا عالى ، يا باقى .

السّابِع وَالثَّلاثون : يا مَن كُلُّ شَىءٍ خاضِعٌ لَهُ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ خاشِعٌ لَهُ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ كائِنٌ لَهُ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ مَوجودٌ بِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ مُنيبٌ إلَيهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ خائِفٌ مِنهُ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ قائِمٌ بِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ صائِرٌ إلَيهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ يُسَبِّحُ بِحَمدِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ هالِكٌ إلاّ وَجهَهُ .

الثّامِن وَالثَّلاثون : يا مَن لا مَفَرَّ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَفزَعَ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَقصَدَ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَنجى مِنهُ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا يُرغَبُ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِهِ ، يا مَن لا يُستَعانُ إلاّ بِهِ ، يا مَن لا يُتَوَكَّلُ إلاّ عَلَيهِ ، يا مَن لا يُرجى إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُعبَدُ إلاّ إيّاهُ .

التّاسِع وَالثَّلاثون : يا خَيرَ المَرهوبينَ ، يا خَيرَ المَرغوبينَ ، يا خَيرَ المَطلوبينَ ، يا خَيرَ المَسؤولينَ ، يا خَيرَ المَقصودينَ ، يا خَيرَ المَذكورينَ ، يا خَيرَ المَشكورينَ ، يا خَيرَ المَحبوبينَ ، يا خَيرَ المَدعُوّينَ ، يا خَيرَ المُستَأنِسينَ .

الأَربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا غافِرُ ، يا ساتِرُ ، يا قادِرُ ، يا قاهِرُ ،

يا فاطِرُ ، يا كاسِرُ ، يا جابِرُ ، يا ذاكِرُ ، يا ناظِرُ ، يا ناصِرُ .

الحادى وَالأربَعون : يا مَن خَلَقَ فَسَوّى ، يا مَن قَدَّرَ فَهَدى ، يا مَن يَكشِفُ البَلوى ، يا مَن يَسمَعُ النَّجوى ، يا مَن يُنقِذُ الغَرقى ، يا مَن يُنَجّى الهَلكى ، يا مَن يَشفِى المَرضى ، يا مَن أضحَكَ وأبكى ، يا مَن أماتَ وأحيا ، يا مَن خَلَقَ الزَّوجَينِ الذَّكَرَ وَالأُنثى .

الثّانى وَالأَربَعون : يا مَن فِى البَرِّ وَالبَحرِ سَبيلُهُ ، يا مَن فِى الآفاقِ آياتُهُ ، يا مَن فِى الآياتِ بُرهانُهُ ، يا مَن فِى المَماتِ قُدرَتُهُ ، يا مَن فِى القُبورِ عِبرَتُهُ ، يا مَن فِى القِيامَهِ مُلكُهُ ، يا مَن فِى الحِسابِ هَيبَتُهُ ، يا مَن فِى الميزانِ قَضاؤُهُ ، يا مَن فِى الجَنَّهِ ثَوابُهُ ، يا مَن فِى النّارِ عِقابُهُ .

الثّالِث وَالأَربَعون : يا مَن إلَيهِ يَهرَبُ الخائِفونَ ، يا مَن إلَيهِ يَفزَعُ المُذنِبونَ ، يا مَن إلَيهِ يَقصُدُ المُنيبونَ ، يا مَن إلَيهِ يَرغَبُ الزّاهِدونَ ، يا مَن إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرونَ ، يا مَن بِهِ يَستَأنِسُ المُريدونَ ، يا مَن بِهِ يَفتَخِرُ المُحِبّونَ ، يا مَن فى عَفوِهِ يَطمَعُ الخاطِئونَ يا مَن إلَيهِ يَسكُنُ الموقِنونَ ، يا مَن عَلَيهِ يَتَوَكَّلُ المُتَوَكِّلونَ .

الرّابِع وَالأَربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا حَبيبُ ، يا طَبيبُ ، يا قَريبُ ، يا رَقيبُ ، يا حَسيبُ ، يا مُهيبُ ، يا مُثيبُ ، يا مُجيبُ ، يا خَبيرُ ، يا بَصيرُ .

الخامِس وَالأَربَعون : يا أقرَبَ مِن كُلِّ قَريبٍ ، يا أحَبَّ مِن كُلِّ حَبيبٍ ، يا أبصَرَ مِن كُلِّ بَصيرٍ ، يا أخبَرَ مِن كُلِّ خَبيرٍ ، يا أشرَفَ مِن كُلِّ شَريفٍ ، يا أرفَعَ مِن كُلِّ رَفيعٍ ، يا أقوى مِن كُلِّ قَوِىٍّ ، يا أغنى مِن كُلِّ غَنِىٍّ ، يا أجوَدَ مِن كُلِّ جَوادٍ ، يا أرأفَ مِن كُلِّ رَؤوفٍ .

السّادِس وَالأَربَعون : يا غالِبا غَيرَ مَغلوبٍ ، يا صانِعا غَيرَ مَصنوعٍ ، يا خالِقا غَيرَ مَخلوقٍ ، يا مالِكا غَيرَ مَملوكٍ ، يا قاهِرا غَيرَ مَقهورٍ ، يا رافِعا غَيرَ مَرفوعٍ ،

يا حافِظا غَيرَ مَحفوظٍ ، يا ناصِرا غَيرَ مَنصورٍ ، يا شاهِدا غَيرَ غائِبٍ ، يا قَريبا غَيرَ بَعيدٍ .

السّابِع والأَربَعون : يا نورَ النّورِ ، يا مُنَوِّرَ النّورِ ، يا خالِقَ النّورِ ، يا مُدَبِّرَ النّورِ ، يا مُقَدِّرَ النّورِ ، يا نورَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا قَبلَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا بَعدَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا فَوقَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا لَيسَ كَمِثلِهِ نورٌ .

الثّامِن وَالأَربَعون : يا مَن عَطاؤُهُ شَريفٌ ، يا مَن فِعلُهُ لَطيفٌ ، يا مَن لُطفُهُ مُقيمٌ ، يا مَن إحسانُهُ قَديمٌ ، يا مَن قَولُهُ حَقٌّ ، يا مَن وَعدُهُ صِدقٌ ، يا مَن عَفوُهُ فَضلٌ ، يا مَن عَذابُهُ عَدلٌ ، يا مَن ذِكرُهُ حُلوٌ ، يا مَن فَضلُهُ عَميمٌ .

التّاسِع وَالأربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسألَكَ بِاسمِكَ يا مُسَهِّلُ ، يا مُفَضِّلُ ، يا مُبَدِّلُ ، يا مُذَلِّلُ ، يا مُنَزِّلُ ، يا مُنَوِّلُ ، يا مُفَصِّلُ ، يا مُجزِلُ ، يا مُمهِلُ ، يا مُجمِلُ .

الخَمسون : يا مَن يَرى ولا يُرى ، يا مَن يَخلُقُ ولا يُخلَقُ ، يا مَن يَهدى ولا يُهدى ، يا مَن يُحيى ولا يُحيا ، يا مَن يُسأَلُ ولا يَسأَلُ ، يا مَن يُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، يا مَن يُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيهِ ، يا مَن يَقضى ولا يُقضى عَلَيهِ ، يا مَن يَحكُمُ ولا يُحكَمُ عَلَيهِ ، يا مَن لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ .

الحادى وَالخَمسون : يا نِعمَ الحَسيبِ ، يا نِعمَ الطَّبيبِ ، يا نِعمَ الرَّقيبِ ، يا نِعمَ القَريبِ ، يا نِعمَ المُجيبِ ، يا نِعمَ الحَبيبِ ، يا نِعمَ الكَفيلِ ، يا نِعمَ الوَكيلِ ، يا نِعمَ المَولى ، يا نِعمَ النَّصيرِ .

الثّانى وَالخَمسون : يا سُرورَ العارِفينَ ، يا مُنَى المُحِبّينَ ، يا أنيسَ المُريدينَ ، يا حَبيبَ التَّوّابينَ ، يا رازِقَ المُقِلّينَ ، يا رَجاءَ المَدينينَ ، يا قُرَّةَ عَينِ العابِدينَ ، يا مُنَفِّسا عَنِ المَكروبينَ ، يا مُفَرِّجا عَنِ المَغمومينَ ، يا إلهَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ .

الثّالِث وَالخَمسون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا رَبَّنا ، يا إلهَنا ، يا سَيِّدَنا ،

يا مَولانا ، يا ناصِرَنا ، يا حافِظَنا ، يا دَليلَنا ، يا مُعينَنا ، يا حَبيبَنا ، يا طَبيبَنا .

الرّابِع وَالخَمسون : يا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالأَبرارِ ، يا رَبَّ الصِّدّيقينَ وَالأَخيارِ ، يا رَبَّ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، يا رَبَّ الصِّغارِ وَالكِبارِ ، يا رَبَّ الحُبوبِ وَالثِّمارِ ، يا رَبَّ الأَنهارِ وَالأَشجارِ ، يا رَبَّ الصَّحارى وَالقِفارِ ، يا رَبَّ البَرارى وَالبِحارِ ، يا رَبَّ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، يا رَبَّ الإِعلانِ وَالإِسرارِ .

الخامِس وَالخَمسون : يا مَن نَفَذَ فى كُلِّ شَىءٍ أمرُهُ ، يا مَن لَحِقَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلمُهُ ، يا مَن بَلَغَت إلى كُلِّ شَىءٍ قُدرَتُهُ ، يا مَن لا تُحصِى العِبادُ نِعَمَهُ ، يا مَن لا تَبلُغُ الخَلائِقُ شُكرَهُ ، يا مَن لا تُدرِكُ الأَفهامُ جَلالَهُ ، يا مَن لا تَنالُ الأَوهامُ كُنهَهُ ، يا مَن العَظَمَةُ وَالكِبرِياءُ رِداؤُهُ ، يا مَن لا تَرُدُّ العِبادُ قَضاءَهُ ، يا مَن لا مُلكَ إلاّ مُلكُهُ ، يا مَن لا عَطاءَ إلاّ عَطاؤُهُ .

السّادِس وَالخَمسون : يا مَن لَهُ المَثَلُ الأَعلى ، يا مَن لَهُ الصِّفاتُ العُليا ، يا مَن لَهُ الآخِرَةُ وَالأُولى ، يا مَن لَهُ جَنَّةُ المَأوى ، يا مَن لَهُ الآياتُ الكُبرى ، يا مَن لَهُ الأَسماءُ الحُسنى ، يا مَن لَهُ الحُكمُ وَالقَضاءُ ، يا مَن لَهُ الهَواءُ وَالفَضاءُ يا مَن لَهُ العَرشُ وَالثَّرى ، يا مَن لَهُ السَّماواتُ العُلى .

السّابِع وَالخَمسون : اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ بِاسمِکَ یا عَفُوُّ ، یا غَفورُ ، یا صَبورُ ، یا شَکورُ، یا رَؤوفُ ، یا عَطوفُ ، یا مَسؤولُ ، یا وَدودُ ، یا سُبّوحُ، یا قُدّوسُ.

الثّامِن وَالخَمسون : یا مَن فِی السَّماواتِ عَظَمَتُهُ ، یا مَن فِی الأَرضِ آیاتُهُ ، یا مَن فی کُلِّ شَیءٍ دَلائِلُهُ ، یا مَن فِی البِحارِ عَجائِبُهُ ، یا مَن فِی الجِبالِ خَزائِنُهُ ، یا مَن بَدَأَ الخَلقَ ثُمَّ یُعیدُهُ ، یا مَن إلَیهِ یَرجِعُ الأَمرُ کُلُّهُ ، یا مَن أظهَرَ فی کُلِّ شَیءٍ لُطفَهُ ، یا مَن أحسَنَ کُلَّ شَیءٍ خَلَقَهُ ، یا مَن تُصَرَّفُ فِی الخَلائِقِ قُدرَتُهُ .

التّاسِع وَالخَمسون : یا حَبیبَ مَن لا حَبیبَ لَهُ ، یا طَبیبَ مَن لا طَبیبَ لَهُ ،

یا مُجیبَ مَن لا مُجیبَ لَهُ ، یا شَفیقَ مَن لا شَفیقَ لَهُ ، یا رَفیقَ مَن لا رَفیقَ لَهُ ، یا مُغیثَ مَن لا مُغیثَ لَهُ ، یا دَلیلَ مَن لا دَلیلَ لَهُ ، یا أنیسَ مَن لا أنیسَ لَهُ ، یا راحِمَ مَن لا راحِمَ لَهُ ، یا صاحِبَ مَن لا صاحِبَ لَهُ .

السِّتّون : یا کافِیَ مَنِ استَکفاهُ ، یا هادِیَ مَنِ استَهداهُ ، یا کالِئَ مَنِ استَکلاهُ ، یا راعِیَ مَنِ استَرعاهُ ، یا شافِیَ مَنِ استَشفاهُ ، یا قاضِیَ مَنِ استَقضاهُ ، یا مُغنِیَ مَنِ استَغناهُ، یا موفِیَ مَنِ استَوفاهُ، یا مُقَوِّیَ مَنِ استَقواهُ ، یا وَلِیَ مَنِ استَولاهُ .

الحادی وَالسِّتّون : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِاسمِکَ یا خالِقُ یا رازِقُ ، یا ناطِقُ یا صادِقُ ، یا فالِقُ یا فارِقُ ، یا فاتِقُ یا راتِقُ ، یا سابِقُ یا سامِقُ .

الثّانی وَالسِّتّون : یا مَن یُقَلِّبُ اللَّیلَ وَالنَّهارَ ، یا مَن جَعَلَ الظُّلُماتِ وَالأَنوارَ ، یا مَن خَلَقَ الظِّلَّ وَالحَرورَ ، یا مَن سَخَّرَ الشَّمسَ وَالقَمَرَ ، یا مَن قَدَّرَ الخَیرَ وَالشَّرَّ ، یا مَن خَلَقَ المَوتَ وَالحَیاهَ ، یا مَن لَهُ الخَلقُ وَالأمرُ ، یا مَن لَم یَتَّخِذ صاحِبَهً وِلا وَلَدا ، یا مَن لَیسَ لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ ، یا مَن لَم یَکُن لَهُ وَلِیٌ مِنَ الذُّلِّ .

الثّالِثُ وَالسِّتّون : یا مَن یَعلَمُ مُرادَ المُریدینَ ، یا مَن یَعلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ ، یا مَن یَسمَعُ أنینَ الواهِنینَ ، یا مَن یَری بُکاءَ الخائِفینَ ، یا مَن یَملِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ ، یا مَن یَقبَلُ عُذرَ التّائِبینَ ، یا مَن لا یُصلِحُ عَمَلَ المُفسِدینَ ، یا مَن لا یُضیعُ أجرَ المُحسِنینَ، یا مَن لا یَبعُدُ عَن قُلوبِ العارِفینَ،یا أجوَدَ الأجوَدینَ.

الرّابِعُ وَالسِّتّون : یا دائِمَ البَقاءِ ، یا سامِعَ الدُّعاءِ ، یا واسِعَ العَطاءِ ، یا غافِرَ الخَطاءِ ، یا بَدیعَ السَّماءِ ، یا حَسَنَ البَلاءِ ، یا جَمیلَ الثَّناءِ ، یا قَدیمَ السَّناءِ ، یا کَثیرَ الوَفاءِ ، یا شَریفَ الجَزاءِ .

الخامِسُ وَالسَّتّون : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِاسمِکَ یا سَتّارُ یا غَفّارُ ، یا قَهّارُ یا جَبّارُ ، یا صَبّارُ یا بارُّ ، یا مُختارُ یا فَتّاحُ ، یا نَفّاحُ یا مُرتاحُ .

السّادِسُ وَالسِّتّون : یا مَن خَلَقَنی وسَوّانی ، یا مَن رَزَقَنی وَرَبّانی ، یا مَن أطعَمَنی وسَقانی ، یا مَن قَرَّبَنی وأدنانی ، یا مَن عَصَمَنی وکَفانی ، یا مَن حَفِظَنی وکَلانی ، یا مَن أعَزَّنی وأغنانی ، یا مَن وَفَّقَنی وهَدانی ، یا مَن آنَسَنی وآوانی ، یا مَن أماتَنی وأحیانی .

السّابِع وَالسِّتّون : یا مَن یُحِقُّ الحَقَّ بِکَلِماتِهِ ، یا مَن یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ ، یا مَن یَحولُ بَینَ المَرءِ وقَلبِهِ ، یا مَن لا تَنفَعُ الشَّفاعَةُ إلاّ بِإذنِهِ ، یا مَن هُوَ أعلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبیلِهِ ، یا مَن لا مُعَقِّبَ لِحُکمِهِ ، یا مَن لا رادَّ لِقَضائِهِ ، یا مَن انقادَ کُلُّ شَیءٍ لِأَمرِهِ ، یا مَنِ السَّماواتُ مَطوِیّاتٌ بِیَمینِهِ ، یا مَن یُرسِلُ الرِّیاحَ بُشرا بَینَ یَدَی رَحمَتِهِ .

الثّامِنُ وَالسِّتّون : یا مَن جَعَلَ الأَرضَ مِهادا ، یا مَن جَعَلَ الجِبالَ أوتادا ، یا مَن جَعَلَ الشَّمسَ سِراجا ، یا مَن جَعَلَ القَمَرَ نورا ، یا مَن جَعَلَ اللَّیلَ لِباسا ، یا مَن جَعَلَ النَّهارَ مَعاشا ، یا مَن جَعَلَ النَّومَ سُباتا ، یا مَن جَعَلَ السَّماءَ بِناءً ، یا مَن جَعَلَ الأَشیاءَ أزواجا ، یا مَن جَعَلَ النّارَ مِرصادا .

التّاسِعُ وَالسِّتّون : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِاسمِکَ یا سَمیعُ یا شَفیعُ ، یا رَفیعُ یا مَنیعُ ، یا سَریعُ یا بَدیعُ ، یا کَبیرُ یا قَدیرُ ، یا خَبیرُ یا مُجیرُ .

السَّبعون : یا حَیّا قَبلَ کُلِّ حَیٍ ، یا حَیّا بَعدَ کُلِّ حَیٍ ، یا حَیُّ الَّذی لَیسَ کَمِثلِهِ حَیٌ ، یا حَیُ الَّذی لا یُشارِکُهُ حَیٌ ، یا حَیُ الَّذی لا یَحتاجُ إلی حَیٍ ، یا حَیُ الَّذی یُمیتُ کُلَّ حَیٍّ ، یا حَیُ الَّذی یَرزُقُ کُلَّ حَیٍ ، یا حَیّا لَم یَرِثِ الحَیاةَ مِن حَیٍ ، یا حَیُ الَّذی یُحیِی المَوتی ، یا حَیُ یا قَیّومُ لا تَأخُذُهُ سِنَهٌ ولا نَومٌ .

الحادی وَالسَّبعون : یا مَن لَهُ ذِکرٌ لا یُنسی ، یا مَن لَهُ نورٌ لا یُطفی ، یا مَن لَهُ نِعَمٌ لا تُعَدُّ ، یا مَن لَهُ مُلکٌ لا یَزولُ ، یا مَن لَهُ ثَناءٌ لا یُحصی ، یا مَن لَهُ جَلالٌ لا یُکَیَّفُ ، یا مَن لَهُ کَمالٌ لا یُدرَکُ ، یا مَن لَهُ قَضاءٌ لا یُرَدُّ ، یا مَن لَهُ صِفاتٌ

لا تُبَدَّلُ ، یا مَن لَهُ نُعوتٌ لا تُغَیَّرُ .

الثّانی وَالسَّبعون : یا رَبَّ العالَمینَ ، یا مالِکَ یَومِ الدّینِ ، یا غایَةَ الطّالِبینَ ، یا ظَهرَ اللاّجِئینَ ، یا مُدرِکَ الهارِبینَ ، یا مَن یُحِبُّ الصّابِرینَ ، یا مَن یُحِبُّ التَّوّابینَ ، یا مَن یُحِبُّ المُتَطَهِّرینَ ، یا مَن یُحِبُّ المُحسِنینَ ، یا مَن هُوَ أعلَمُ بِالمُهتَدینَ .

الثّالِثُ وَالسَّبعون : اللّهُمَّ إنّى أسألُکَ بِاسمِکَ یا شَفیقُ یا رَفیقُ ، یا حَفیظَ یا مُحیطُ ، یا مُقیتُ یا مُغیثُ ، یا مُعِزُّ یا مُذِلُّ ، یا مُبدِئُ یا مُعیدُ .

الرّابِعُ وَالسَّبعون : یا مَن هُوَ أحَدٌ بِلا ضِدٍّ ، یا مَن هُوَ فَردٌ بِلا نِدٍّ ، یا مَن هُوَ صَمَدٌ بِلا عَیبٍ ، یا مَن هُوَ وَترٌ بِلا کَیفٍ ، یا مَن هُوَ قاضٍ بِلا حَیفٍ ، یا مَن هُوَ رَبٌّ بِلا وَزیرٍ ، یا مَن هُوَ عَزیزٌ بِلا ذُلٍّ ، یا مَن هُوَ غَنِیٌ بِلا فَقرٍ ، یا مَن هُوَ مَلِکٌ بِلا عَزلٍ ، یا مَن هُوَ مَوصوفٌ بِلا شَبیهٍ .

الخامِسُ وَالسَّبعون : یا مَن ذِکرُهُ شَرَفٌ لِلذّاکِرینَ ، یا مَن شُکرُهُ فَوزٌ لِلشّاکِرینَ ، یا مَن حَمدُهُ عِزٌّ لِلحامِدینَ ، یا مَن طاعَتُهُ نَجاهٌ لِلمُطیعینَ ، یا مَن بابُهُ مَفتوحٌ لِلطّالِبینَ ، یا مَن سَبیلُهُ واضِحٌ لِلمُنیبینَ ، یا مَن آیاتُهُ بُرهانٌ لِلنّاظِرینَ ، یا مَن کِتابُهُ تَذکِرَهٌ لِلمُتَّقینَ ، یا مَن رِزقُهُ عُمومٌ لِلطّائِعینَ وَالعاصینَ ، یا مَن رَحمَتُهُ قَریبٌ مِنَ المُحسِنینَ .

السّادِسُ وَالسَّبعون : یا مَن تَبارَکَ اسمُهُ ، یا مَن تَعالى جَدُّهُ ، یا مَن لا إلهَ غَیرُهُ ، یا مَن جَلَّ ثَناؤُهُ ، یا مَن تَقَدَّسَت أسماؤُهُ ، یا مَن یَدومُ بَقاؤُهُ ، یا مَن العَظَمَهُ بَهاؤُهُ ، یا مَنِ الکِبرِیاءُ رِداؤُهُ ، یا مَن لا تُحصى آلاؤُهُ ، یا مَن لا تُعَدُّ نَعماؤُهُ .

السّابِعُ وَالسَّبعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ یا مُعینُ یا أمینُ ، یا مُبینُ یا مَتینُ ، یا مَکینُ یا رَشیدُ ، یا حَمیدُ یا مَجیدُ ، یا شَدیدُ یا شَهیدُ .

الثّامِنُ وَالسَّبعون : یا ذَا العَرشِ المَجیدِ ، یا ذَا القَولِ السَّدیدِ ، یا ذَا الفِعلِ

الرَّشیدِ ، یا ذَا البَطشِ الشَّدیدِ ، یا ذَا الوَعدِ وَالوَعیدِ ، یا مَن هُوَ الوَلِیُ الحَمیدُ ، یا مَن هُوَ فَعّالٌ لِما یُریدُ ، یا مَن هُوَ قَریبٌ غَیرُ بَعیدٍ ، یا مَن هُوَ عَلى کُلِّ شَیءٍ شَهیدٌ ، یا مَن هُوَ لَیسَ بِظَلّامٍ لِلعَبیدِ .

التّاسِعُ وَالسَّبعون : یا مَن لا شَریکَ لَهُ ولا وَزیرَ ، یا مَن لا شَبیهَ لَهُ ولا نَظیرَ ، یا خالِقَ الشَّمسِ وَالقَمَرِ المُنیرِ ، یا مُغنِیَ البائِسِ الفَقیرِ ، یا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغیرِ ، یا راحِمَ الشَّیخِ الکَبیرِ ، یا جابِرَ العَظمِ الکَسیرِ ، یا عِصمَهَ الخائِفِ المُستَجیرِ ، یا مَن هُوَ بِعِبادِهِ خَبیرٌ بَصیرٌ ، یا مَن هُوَ عَلى کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ .

الثَّمانون : یا ذَا الجُودِ وَالنِّعَمِ ، یا ذَا الفَضلِ وَالکَرَمِ ، یا خالِقَ اللَّوحِ وَالقَلَمِ ، یا بارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ ، یا ذَا البَأسِ وَالنِّقَمِ ، یا مُلهِمَ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، یا کاشِفَ الضُّرِّ وَالأَلَمِ ، یا عالِمَ السِّرِّ وَالهِمَمِ ، یا رَبَّ البَیتِ وَالحَرَمِ ، یا مَن خَلَقَ الأَشیاءَ مِنَ العَدَمِ .

الحادی وَالثّمانون : اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ بِاسمِکَ یا فاعِلُ یا جاعِلُ ، یا قابِلُ یا کامِلُ ، یا فاضِلُ یا فاصِلُ ، یا عادِلُ یا غالِبُ ، یا طالِبُ یا واهِبُ .

الثّانی وَالثَّمانون : یا مَن أنعَمَ بِطَولِهِ ، یا مَن أکرَمَ بِجودِهِ ، یا مَن جادَ بِلُطفِهِ ، یا مَن تَعَزَّزَ بِقُدرَتِهِ ، یا مَن قَدَّرَ بِحِکمَتِهِ ، یا مَن حَکَمَ بِتَدبیرِهِ ، یا مَن دَبَّرَ بِعِلمِهِ ، یا مَن تَجاوَزَ بِحِلمِهِ ، یا مَن دَنا فی عُلُوِّهِ ، یا مَن عَلا فی دُنُوِّهِ .

الثّالِثُ وَالثَّمانون : یا مَن یَخلُقُ ما یَشاءُ ، یا مَن یَفعَلُ ما یَشاءُ ، یا مَن یَهدی مَن یَشاءُ ، یا مَن یُضِلُّ مَن یَشاءُ ، یا مَن یُعَذِّبُ مَن یَشاءُ ، یا مَن یَغفِرُ لِمَن یَشاءُ ، یا مَن یُعِزُّ مَن یَشاءُ ، یا مَن یُذِلُّ مَن یَشاءُ ، یا مَن یُصَوِّرُ فِی الأَرحامِ ما یَشاءُ ، یا مَن یَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن یَشاءُ .

الرّابِعُ وَالثَّمانون : یا مَن لَم یَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ، یا مَن جَعَلَ لِکُلِّ شَیءٍ قَدرا ، یا مَن لا یُشرِکُ فی حُکمِهِ أحَدا ، یا مَن جَعَلَ المَلائِکَةَ رُسُلاً ، یا مَن جَعَلَ فِی

السَّماءِ بُروجا ، یا مَن جَعَلَ الأَرضَ قَرارا ، یا مَن خَلَقَ مِنَ الماءِ بَشَراً ، یا مَن جَعَلَ لِکُلِّ شَیءٍ أمَدا ، یا مَن أحاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلما ، یا مَن أحصی کُلَّ شَیءٍ عَدَدا .

الخامِسُ وَالثَّمانون : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِاسمِکَ یا أوَّلُ یا آخِرُ ، یا باطِنُ یا ظاهِرُ ، یا بَرُّ یا حَقُّ ، یا فَردُ یا وَترُ ، یا صَمَدُ یا سَرمَدُ .

السّادِسُ وَالثَّمانون : یا خَیرَ مَعروفٍ عُرِفَ ، یا أفضَلَ مَعبودٍ عُبِدَ ، یا أجَلَّ مَشکورٍ شُکِرَ ، یا أعَزَّ مَذکورٍ ذُکِرَ ، یا أعلی مَحمودٍ حُمِدَ ، یا أقدَمَ مَوجودٍ طُلِبَ ، یا أرفَعَ مَوصوفٍ وُصِفَ ، یا أکبَرَ مَقصودٍ قُصِدَ ، یا أکرَمَ مَسؤولٍ سُئِلَ ، یا أشرَفَ مَحبوبٍ عُلِمَ .

السّابِعُ وَالثَّمانون : یا حَبیبَ الباکینَ ، یا سَیِّدَ المُتَوَکِّلینَ ، یا هادِیَ المُضِلّینَ ، یا وَلِیَ المُؤمِنینَ ، یا أنیسَ الذّاکِرینَ ، یا مَفزَعَ المَلهوفینَ ، یا مُنجِیَ الصّادِقینَ ، یا أقدَرَ القادِرینَ ، یا أعلَمَ العالِمینَ ، یا إلهَ الخَلقِ أجمَعینَ .

الثّامِنُ وَالثَّمانون : یا مَن عَلا فَقَهَرَ ، یا مَن مَلَکَ فَقَدَرَ ، یا مَن بَطَنَ فَخَبَرَ ، یا مَن عُبِدَ فَشَکَرَ ، یا مَن عُصِیَ فَغَفَرَ ، یا مَن لا تَحویهِ الفِکَرُ ، یا مَن لا یُدرِکُهُ بَصَرٌ ، یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ أثَرٌ ، یا رازِقَ البَشَرِ ، یا مُقَدِّرَ کُلِّ قَدَرٍ .

التّاسِعُ وَالثّمانون : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِاسمِکَ یا حافِظَ یا بارِئُ ، یا ذارِئُ یا باذِخُ ، یا فارِجُ یا فاتِحُ ، یا کاشِفُ یا ضامِنُ ، یا آمِرُ یا ناهی .

التّسعون : یا مَن لا یَعلَمُ الغَیبَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یَصرِفُ السُّوءَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یَخلُقُ الخَلقَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یَغفِرُ الذَّنبَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یُتِمُّ النِّعمَةَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یُقَلِّبُ القُلوبَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یُدَبِّرُ الأَمرَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یُنَزِّلُ الغَیثَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یَبسُطُ الرِّزقَ إلاّ هُوَ ، یا مَن لا یُحیِی المَوتی إلاّ هُوَ .

الحادی وَالتِّسعون : یا مُعینَ الضُّعَفاءِ ، یا صاحِبَ الغُرَباءِ ، یا ناصِرَ الأَولِیاءِ ،

یا قاهِرَ الأَعداءِ ، یا رافِعَ السَّماءِ ، یا أنیسَ الأَصفِیاءِ ، یا حَبیبَ الأَتقِیاءِ ، یا کَنزَ الفُقَراءِ ، یا إلهَ الأَغنِیاءِ ، یا أکرَمَ الکُرَماءِ .

الثانی وَالتِّسعون : یا کافِیا مِن کُلِّ شَیءٍ ، یا قائِما عَلی کُلِّ شَیءٍ ، یا مَن لا یُشبِهُهُ شَیءٌ ، یا مَن لا یَزیدُ فی مُلکِهِ شَیءٌ ، یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ شَیءٌ ، یا مَن لا یَنقُصُ مِن خَزائِنِهِ شَیءٌ ، یا مَن لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ ، یا مَن لا یَعزُبُ عَن عِلمِهِ شَیءٌ ، یا مَن هُوَ خَبیرٌ بِکُلِّ شَیءٍ ، یا مَن وَسِعَت رَحمَتُهُ کُلَّ شَیءٍ .

الثّالِثُ وَالتِّسعون : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِاسمِکَ یا مُکرِمُ یا مُطعِمُ ، یا مُنعِمُ یا مُعطی ، یا مُغنی یا مُقنی ، یا مُفنی یا مُحیی ، یا مُرضی یا مُنجی .

الرّابِعُ وَالتِّسعون : یا أوَّلَ کُلِّ شَیءٍ وآخِرَهُ ، یا إلهَ کُلِّ شَیءٍ ومَلیکَهُ ، یا رَبَّ کُلِّ شَیءٍ وصانِعَهُ ، یا بارِئَ کُلِّ شَیءٍ وخالِقَهُ ، یا قابِضَ کُلِّ شَیءٍ وباسِطَهُ ، یا مُبدِئَ کُلِّ شَیءٍ ومُعیدَهُ ، یا مُنشِئَ کُلِّ شَیءٍ ومُقَدِّرَهُ ، یا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیءٍ ومُحَوِّلَهُ ، یا مُحیِیَ کُلِّ شَیءٍ ومُمیتَهُ ، یا خالِقَ کُلِّ شَیءٍ ووارِثَهُ .

الخامِسُ وَالتِّسعون : یا خَیرَ ذاکِرٍ ومَذکورٍ ، یا خَیرَ شاکِرٍ ومَشکورٍ ، یا خَیرَ حامِدٍ ومَحمودٍ ، یا خَیرَ شاهِدٍ ومَشهودٍ ، یا خَیرَ داعٍ ومَدعُوٍّ ، یا خَیرَ مُجیبٍ ومُجابٍ ، یا خَیرَ مُؤنِسٍ وأنیسٍ ، یا خَیرَ صاحِبٍ وجَلیسٍ ، یا خَیرَ مَقصودٍ ومَطلوبٍ ، یا خَیرَ حَبیبٍ ومَحبوبٍ .

السّادِسُ وَالتِّسعون : یا مَن هُوَ لِمَن دَعاهُ مُجیبٌ ، یا مَن هُوَ لِمَن أطاعَهُ حَبیبٌ ، یا مَن هُوَ إلی مَن أحَبَّهُ قَریبٌ ، یا مَن هُوَ بِمَنِ استَحفَظَهُ رَقیبٌ ، یا مَن هُوَ بِمَن رَجاهُ کَریمٌ ، یا مَن هُوَ بِمَن عَصاهُ حَلیمٌ ، یا مَن هُوَ فی عَظَمَتِهِ رَحیمٌ ، یا مَن هُوَ فی حِکمَتِهِ عَظیمٌ ، یا مَن هُوَ فی إحسانِهِ قَدیمٌ ، یا مَن هُوَ بِمَن أرادَ عَلیمٌ .

السّابِعُ وَالتِّسعون : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِاسمِکَ یا مُسَبِّبُ ، یا مُرَغِّبُ ، یا مُقَلِّبُ ، یا مُعَقِّبُ ، یا مُرَتِّبُ ، یا مُخَوِّفُ ، یا مُحَذِّرُ ، یا مُذَکِّرُ ، یا مُسَخِّرُ ، یا مُغَیِّرُ .

الثّامِنُ وَالتِّسعون : یا مَن عِلمُهُ سابِقٌ ، یا مَن وَعدُهُ صادِقٌ ، یا مَن لُطفُهُ ظاهِرٌ ، یا مَن أمرُهُ غالِبٌ ، یا مَن کِتابُهُ مُحکَمٌ ، یا مَن قَضاؤُهُ کائِنٌ ، یا مَن قُرآنُهُ مَجیدٌ ، یا مَن مُلکُهُ قَدیمٌ ، یا مَن فَضلُهُ عَمیمٌ ، یا مَن عَرشُهُ عَظیمٌ .

التّاسِعُ وَالتِّسعون : یا مَن لا یَشغَلُهُ سَمعٌ عَن سَمعٍ ، یا مَن لا یَمنَعُهُ فِعلٌ عَن فِعلٍ ، یا مَن لا یُلهیهِ قَولٌ عَن قَولٍ ، یا مَن لا یُغَلِّطُهُ سُؤالٌ عَن سُؤالٍ ، یا مَن لا یَحجُبُهُ شَیءٌ عَن شَیءٍ ، یا مَن لا یُبرِمُهُ إلحاحُ المُلِحّینَ ، یا مَن هُوَ غایَهُ مُرادِ المُریدینَ ، یا مَن هُوَ مُنتَهی هِمَمِ العارِفینَ ، یا مَن هُوَ مُنتَهی طَلَبِ الطّالِبینَ ، یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ ذَرَّهٌ فِی العالَمینَ .

المِئَه : یا حَلیما لا یَعجَلُ ، یا جَوادا لا یَبخَلُ ، یا صادِقا لا یُخلِفُ ، یا وَهّابا لا یَمَلُّ ، یا قاهِرا لا یُغلَبُ ، یا عَظیما لا یوصَفُ ، یا عَدلاً لا یَحیفُ ، یا غَنِیّا لا یَفتَقِرُ ، یا کَبیرا لا یَصغَرُ ، یا حافِظا لا یَغفُلُ .

سُبحانَکَ یا لا إلهَ إلاّ أنتَ ، الغَوثَ الغَوثَ ، خَلِّصنا مِنَ النّارِ یا رَبِّ . (1) .

1- .المصباح للکفعمی : ص 334 ، البلد الأمین : ص 402 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 384 .

1631.عنه صلی الله علیه و آله :المصباح کفعمی :دعای جوشن کبیر ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بخش است و هر بخشی ده نام است و در آخر هر بخش آن ، می گویی: «سبحانک یا لا إله إلاّ أنت ! الغَوث ، الغَوث ، الغَوث ، خَلِّصنا مِنَ النّار یا ربّ؛ منزّهی تو ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس . پروردگارا ! ما را از آتش ، نجات بده».

یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای خداوند ، ای بخشایشگر ، ای مهربان ، ای بزرگوار ، ای برپادارنده ، ای بزرگ ، ای دیرین ، ای دانا ، ای بردبار ، ای حکیم !».

دوم . «ای سَرور سَروران ، ای اجابت کننده دعاها ، ای بالابرنده رتبه ها، ای سرپرست نیکی ها، ای آمرزنده خطاها ، ای برآورنده خواسته ها، ای پذیرنده توبه ها، ای شنوای صداها ، ای دانای نهان ها، ای زداینده بلاها !».

سوم . «ای بهترینِ آمرزندگان ، ای بهترینِ گشایندگان ، ای بهترینِ یاوران ، ای بهترینِ داوران ، ای بهترینِ روزی دهندگان ، ای بهترینِ میراث بران ، ای بهترینِ ستایشگران ، ای بهترینِ یادآوران ، ای بهترینِ نازل کنندگان ، ای بهترینِ نیکوکاران !».

چهارم . «ای که عزّت و زیبایی ، از آنِ اوست؛ ای که قدرت و کمال ، از آنِ اوست؛ ای که فرمان روایی و جلال ، از آنِ اوست؛ ای آن که بزرگ و والاست؛ ای پدیدآورنده ابرهای سنگین و پربار؛ ای آن که سخت کیفر است؛ ای آن که زودحسابگر است؛ ای آن که عقوبتش دشوار است؛ ای آن که پاداش نیکو ، نزد اوست؛ ای آن که اصل علوم و حقایق ، پیش اوست !».

پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای مهرورز ، ای نعمت بخش ، ای پاداش دهنده ، ای برهان ، ای حاکم ، ای مایه خرسندی ، ای آمرزنده ، ای وارسته ، ای یاری خواسته شده ، ای صاحب نعمت و بخشنده نعمت بیان !».

ششم . «ای آن که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن است ، ای آن که هر

چیزی تسلیم قدرت اوست ، ای آن که هر چیزی در برابر قدرتش ذلیل است ، ای آن که هر چیزی در برابر هیبتش خاضع است ، ای آن که هر چیزی رامِ خشیت اوست ، ای آن که کوه ها از بیم او از هم می شکافند ، ای آن کهَ آسمان ها به فرمان او برپایند ، ای آن که زمین ها به اذن او پابرجایند ، ای آن که رعدْ تسبیحگوی حمد اوست ، ای آن که بر اهل مملکت خویش ستم نمی کند !».

هفتم . «ای بخشاینده خطاها ، ای زداینده بلاها ، ای نهایت آرزوها ، ای افزون کننده عطاها ، ای بخشنده هدایا ، ای روزی بخش بندگان ، ای برآورنده آرزوها ، ای شنوای شِکوه ها ، ای برانگیزنده آفریده ها ، ای آزادکننده اسیران !».

هشتم . «ای صاحب ستایش و ثنا ، ای صاحب فخر و شُکوه ، ای صاحب والایی و بزرگی ، ای صاحب عهد و وفا ، ای صاحب بخشایش و رضا ، ای صاحب نعمت و عطا ، ای صاحب تفکیک و تقدیر ، ای صاحب عزّت و جاودانگی ، ای صاحب سخاوت و بخشندگی ، ای صاحب موهبت ها و نعمت ها !».

نهم . «خداوندا ! تو را می خوانم ، ای بازدارنده ، ای زداینده ، ای بالابرنده ، ای آفریننده، ای سودرساننده، ای شنونده،ای گردآورنده، ای شفاعت پذیرنده، ای گسترده رحمت ، ای گسترنده !».

دهم . «ای پدیدآرنده هر پدیده ، ای آفریننده هر آفریده ، ای روزی رسان هر روزی خورنده ، ای صاحب هر بنده ، ای زداینده هر غصّه ، ای گشاینده هر غم زده ، ای رحم کننده هر رحمت شده ، ای یاور هر بی کس ، ای پوشاننده هر عیبناک ، ای پناهگاه هر رانده شده !».

یازدهم . «ای پشتوانه من در هنگام سختی ام ، ای امید من در هنگام مصیبتم ، ای همدم من در هنگام وحشتم ، ای همنشین من در هنگام غربتم ، ای سرپرست من در هنگام نعمت داری ام ، ای پناه من در هنگام گرفتاری ام ، ای راهنمای من در هنگام سرگردانی ام ، ای مایه بی نیازیِ من در هنگام نیازمندی ام ، ای پناهگاه من در هنگام درماندگی ام ، ای یاور من در هنگام هراسانی ام !».

دوازدهم . «ای دانای غیب ها ، ای آمرزنده گناه ها، ای پوشاننده عیب ها، ای زداینده سختی ها ، ای دگرگون ساز دل ها، ای طبیب قلب ها ، ای

روشنگر دل ها، ای همدم دل ها ، ای از بین برنده غم ها ، ای زداینده اندوه ها !».

سیزدهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای باعظمت ، ای زیبا ، ای نگهدار ، ای عهده دار ، ای راهنما ، ای روی آور به هستی ، ای چیره بر قدرت ها ، ای عطابخش ، ای پوزش پذیر ، ای کارساز عالم !».

چهاردهم . «ای رهنمای سرگشتگان ، ای فریادرس یاری خواهان ، ای دادرس دادخواهان ، ای پناه پناهجویان ، ای امان ترسانان ، ای یاور مؤمنان ، ای ترحّم کننده بر بینوایان ، ای پناهگاه گنهکاران ، ای آمرزنده خطاکاران ، ای پاسخگوی دعای درماندگان !».

پانزدهم . «ای صاحب بخشندگی و نیکی ، ای صاحب نعمت و منّت ، ای صاحب امنیّت و امان ، ای صاحب قداست و پاکی ، ای صاحب حکمت و گویایی ، ای صاحب رحمت و رضوان ، ای صاحب حجّت و برهان ، ای صاحب عظمت و فرمان روایی ، ای صاحب عطوفت و یاری رسانی ، ای صاحب گذشت و آمرزش !».

شانزدهم . «ای آن که پروردگار هر چیز است ، ای آن که معبود هر چیز است ، ای آن که آفریننده هر چیز است ، ای آن که پدیدآورنده هر چیز است ، ای آن که پیش از هر چیز [بوده] است ، ای آن که پس از هر چیز است ، ای آن که برتر از هر چیز است ، ای آن که دانا به هر چیز است ، ای آن که توانای بر هر چیز است ، ای آن که می ماند و هر چیزی فانی می شود !».

هفدهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای ایمنی بخش ، ای مقتدر ، ای هستی بخش ، ای تلقین کننده ، ای روشنگر ، ای آسان ساز ، ای قدرت بخش ، ای آراسته ساز ، ای آشکارکننده ، ای تقسیم کننده !».

هجدهم . «ای آن که در فرمان روایی اش پایدار است ، ای آن که در حکومتش دیرین است ، ای آن که در شُکوهش بزرگ است ، ای آن که به بندگانش مهربان است ، ای آن که به هر چیزی داناست ، ای آن که به نافرمانش بردبار است ، ای آن که به امیدوارش بخشنده است ، ای آن که در آفرینش خود حکیم است ، ای آن که در حکمتش با لطف است ، ای آن که در لطف و رحمتش دیرین است !».

نوزدهم . «ای آن که جز به احسان او امید نیست ، ای آن که جز بخشایش او را نخواهند ، ای آن که جز به نیکی او چشم امید نیست ، ای آن که جز از عدالتش بیمی نیست ، ای آن که جز فرمان روایيِ او پایدار نیست ، ای آن که

حکومتی جز حکومتش نیست ، ای آن که رحمتش فراگیر هر چیز است ، ای آن که رحمتش پیش از خشم اوست ، ای آن که دانشش دربرگیرنده هر چیز است ، ای آن که هیچ کس همچون او نیست !».

بیستم . «ای زداینده اندوه ، ای برطرف ساز غم ، ای آمرزنده گناه ، ای پذیرای توبه ، ای آفریننده خلق ، ای درست وعده ، ای وفاکننده به پیمان ، ای دانای نهان ، ای شکافنده دانه ، ای روزی بخش مردم !».

بیست و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای والا ، ای وفاکننده ، ای بی نیاز ، ای دارای مطلق ، ای دانای مهربان ، ای خرسندساز ، ای پاک ، ای سرآغاز ، ای نیرومند ، ای سرپرست (عهده دار) !».

بیست و دوم . «ای آن که زیبایی را آشکار کرد ، ای آن که زشتی را پوشاند ، ای آن که بندگان را به گناه نگرفت ، ای آن که پرده را ندرید ، ای بزرگ بخشایش ، ای نیکوگذشت ، ای گسترده آمرزش ، ای گشاده دست به رحمت ، ای آگاه از هر راز نهان ، ای نهایت هر شِکوه و حاجتمندی !».

بیست و سوم . «ای صاحب نعمت سرشار ، ای صاحب رحمت گسترده ، ای صاحب نعمت پیشین ، ای صاحب حکمت رسا ، ای صاحب قدرت کامل ، ای صاحب برهان محکم ، ای صاحب بزرگواریِ آشکار ، ای صاحب عزّت ابدی ، ای صاحب نیروی استوار ، ای صاحب عظمت دست نیافتنی !».

بیست و چهارم . «ای پدیدآورنده آسمان ها ، ای آفریننده تاریکی ها، ای رحم کننده بر اشک ها ، ای خطابخش لغزش ها ، ای پوشاننده عیب ها ، ای حیات بخش مرده ها ، ای نازل کننده آیه ها ، ای افزون ساز نیکی ها، ای زداینده گناه ها ، ای سخت انتقام !».

بیست و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای صورت آفرین ، ای تقدیرکننده ، ای تدبیرکننده ، ای پاک کننده ، ای روشنی بخش ، ای آسان ساز ، ای بشارت دهنده ، ای بیم دهنده ، ای پیش اندازنده ، ای تأخیرانداز‌نده !».

بیست و ششم . «ای پروردگار خانه گرامی (کعبه) ، ای پروردگار ماه حرام ، ای پروردگار شهر اَمن (مکّه) ، ای پروردگار رکن و مقام ، ای پروردگار مشعر الحرام ، ای پروردگار مسجد الحرام ، ای پروردگار غیرحَرَم و حَرَم ، ای پروردگار روشنی و تاریکی ، ای پروردگار درود و سلام ، ای پروردگار قدرت

در میان مردم !».

بیست و هفتم . «ای برترینِ داوران ، ای دادگرترینِ دادگران ، ای راستگوترینِ راستگویان ، ای پاک ترینِ پاکان ، ای بهترینِ آفرینندگان ، ای سریع ترینِ حسابگران ، ای شنواترینِ شنوایان ، ای بیناترینِ بینندگان ، ای شفاعت پذیرترینِ شفاعت پذیران ، ای بزرگوارترینِ بزرگواران !» .

بیست و هشتم . «ای تکیه گاه آن که بی تکیه گاه است ، ای نگهدار آن که بی نگهدار است ، ای ذخیره آن که بی پشتوانه است ، ای نگهبان آن که بی نگهبان است ، ای فریادرس آن که بی فریادرس است ، ای فخر آن که بی افتخار است ، ای عزّت بخش آن که بی عزّت است ، ای یاری رسان آن که بی یاور است ، ای همدم آن که بی همدم است ، ای ایمنی بخش آن که بی امان است !».

بیست و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای نگه دارنده ، ای برپادارنده ، ای همیشگی ، ای صاحب رحمت ، ای سلامت بخش ، ای داور ، ای دانا ، ای تقسیم کننده ، ای گیرنده ، ای گشاینده !».

سی ام . «ای نگهدار آن که از او عصمت طلبد ، ای ترحّم کننده بر آن که از او رحمت خواهد ، ای بخشاینده آن که از او آمرزش طلبد ، ای یاور آن که از او یاری جوید ، ای نگهدار آن که از او محافظت طلبد ، ای گرامی دارنده آن که از او کرامت خواهد ، ای راهنمای آن که از او هدایت طلبد ، ای فریادرس آن که او را به دادخواهی خوانَد ، ای یاریگر آن که از او کمک طلبد ، ای دادرس آن که از او پناه خواهد !».

سی و یکم . «ای قدرتمندی که خوار نگردد ، ای لطیفی که دست نیافتنی است ، ای پاینده ای که نمی خوابد ، ای ابدی ای که نابود نمی شود ، ای زنده ای که نمی میرد ، ای فرمان روایی که حکومتش پایان نمی پذیرد ، ای باقی بی فنا ، ای دانای بی جهل ، ای بی نیازی که نیازمند غذا نیست ، ای نیرومندی که ناتوان نمی گردد !».

سی و دوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای یکتا ، ای یگانه ، ای گواه ، ای باعظمت ، ای ستایش کننده ، ای راهنما ، ای برانگیزنده ، ای میراث بر ، ای زیان رسان ، ای سودبخش !».

سی و سوم . «ای بزرگ تر از هر بزرگ ، ای باکرامت تر از هر کریم ، ای مهربان تر از هر مهربان ، ای داناتر از هر دانا ، ای حکیم تر از هر حکیم ، ای پیشین تر از هر قدیم ، ای بزرگ تر از هر بزرگ ، ای مهرورزتر از هر صاحب

لطف ، ای شکوهنده تر از هر باشُکوه ، ای قدرتمندتر از هر شکست ناپذیر !».

سی و چهارم . «ای درگذرنده بزرگوار ، ای نعمت بخش بزرگ ، ای دارنده خیر بسیار ، ای دیرین عطا ، ای پیوسته لطف ، ای ظریف آفرینش ، ای غم زُدا ، ای زداینده درد و رنج ، ای مالک فرمان روایی ، ای دادگر حق !».

سی و پنجم . «ای آن که در پیمانش اهل وفاست ، ای آن که در وفایش تواناست ، ای آن که در توانایی اش والاست ، ای آن که در والایی اش نزدیک است ، ای آن که در نزدیکی اش لطیف است ، ای آن که در لطفش شریف است ، ای آن که در شرافتش قدرتمند است ، ای آن که در قدرتمندی اش بزرگوار است ، ای آن که در بزرگواری اش شکوهمند است ، ای آن که در شُکوهش ستوده است !».

سی و ششم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای کفایت کننده ، ای شفابخش ، ای وفاکننده ، ای عافیت دهنده ، ای هدایتگر ، ای دعوتگر ، ای دادگر ، ای راضی شونده ، ای والامقام ، ای پاینده !».

سی و هفتم . «ای آن که هر چیز ، خاضع در برابر اوست؛ ای آن که هر چیز ، خاشع برای اوست؛ ای آن که هر چیز ، برای او هست؛ ای آن که هر چیز ، به سبب او هست؛ ای آن که هر چیز ، بازگردنده به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، ترسان از اوست؛ ای آن که هر چیز ، برپا به اوست؛ ای آن که هر چیز ، برگشته به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، با ستایش خود ، تسبیح گوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، نابودشدنی است ، جز ذات او !».

سی و هشتم . «ای آن که گریزگاهی جز به سوی او نیست ، ای آن که پناهگاهی جز درگاه او نیست ، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست ، ای آن که راه نجاتی از او جز به سوی او نیست ، ای آن که رغبتی جز به

سوی او نیست ، ای آن که هیچ قدرت و توانی جز به او نیست ، ای آن که جز از او یاری نخواهند ، ای آن که جز بر او تکیه نکنند ، ای آن که جز به او امید نبندند ، ای آن که جز او را نپرستند !».

سی و نهم . «ای بهترین کسی که از او می ترسند ، ای بهترین کسی که به او اشتیاق دارند ، ای بهترینِ طلب شدگان ، ای بهترینِ درخواست شوندگان ، ای بهترینِ مقصودان ، ای بهترینِ یادشدگان ، ای بهترینِ سپاس گزاری شدگان ، ای بهترینِ محبوبان ، ای بهترینِ خوانده شدگان ، ای بهترینِ اُنس گرفتگان !».

چهلم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای آمرزنده ، ای پوشاننده ،

ای توانا ، ای غالب ، ای آفریننده ، ای شکننده ، ای جبران کننده ، ای یادکننده ، ای بیننده ، ای یاری کننده !».

چهل و یکم . «ای آن که آفرید ، پس سامان داد؛ ای آن که مقدّر کرد ، پس هدایت نمود؛ ای آن که گرفتاری را برطرف می سازد؛ ای آن که راز پنهان را می شنود؛ ای آن که غرق شدگان را نجات می دهد؛ ای آن که هلاک شدگان را می رهاند؛ ای آن که بیماران را شفا می بخشد؛ ای آن که خنداند و گریانید؛ ای آن که میرانْد و حیات بخشید؛ ای آن که دو جفت مرد و زن را آفرید !».

چهل و دوم . «ای آن که راهش در خشکی و دریاست ، ای آن که نشانه هایش در آفاق است ، ای آن که برهان او در نشانه هاست ، ای آن که قدرتش در مُردن افراد است ، ای آن که عبرتش در گورهاست ، ای آن که فرمان روایی اش در قیامت است ، ای آن که مهابت او در حسابرسی است ، ای آن که داوری اش در سنجش [اعمال]است ، ای آن که پاداشش در بهشت است ، ای آن که کیفرش در آتش دوزخ است !».

چهل و سوم . «ای آن که خائفان ، به سوی او می گریزند ؛ ای آن که گنهکاران ، به درگاه او پناه می برند ؛ ای آن که اهل انابت ، به او توجّه می کنند؛ ای آن که پارسایان ، به او مشتاق اند؛ ای آن که سرگردانان ، به آستان او پناه می آورند؛ ای آن که مریدان با او اُنس می گیرند؛ ای آن که دوستداران ، به او می بالند؛ ای آن که خطاکاران ، به بخشایش او طمع می ورزند؛ ای آن که اهل یقین ، با او آرامش می یابند؛ ای آن که اهل توکّل ، بر او تکیه می کنند !».

چهل و چهارم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای محبوب ، ای طبیب ، ای نزدیک ، ای مراقب ، ای حسابگر ، ای باهِیبت ، ای جزادهنده ، ای اجابت کننده ، ای آگاه ، ای بینا !».

چهل و پنجم . «ای نزدیک تر از هر نزدیک ، ای بهتر از هر محبوب ، ای بیناتر از هر بینا ، ای آگاه تر از هر آگاه ، ای برتر از هر شریف ، ای والاتر از هر والا ، ای نیرومندتر از هر نیرومند ، ای بی نیازتر از هر بی نیاز ، ای بخشنده تر از هر بخشنده ، ای مهربان تر از هر مهربان !».

چهل و ششم . «ای چیره ای که مغلوب نمی شود ، ای سازنده ای که ساخته شده نیست ، ای آفریننده ای که پدیده آمده نیست ، ای مالکی که بنده نیست ، ای غالبی که بی شکست است ، ای رفعت بخشی که کسی برتر از او

نیست ، ای نگهبانی که کسی نگهبان او نیست ، ای یاری کننده ای که نیازمند یاری نیست ، ای گواهی که غایب نیست ، ای نزدیکی که دور نیست !».

چهل و هفتم . «ای نورِ نور ، ای روشنی بخش نور ، ای آفریدگار نور ، ای تدبیرکننده نور ، ای تقدیرکننده نور ، ای فروغِ هر نور ، ای نور پیش از هر نور ، ای نور پس از هر نور ، ای نور برتر از هر نور ، ای نوری که نوری همچون او نیست !».

چهل و هشتم . «ای آن که عطایش باشرافت است ، ای آن که کارش از روی لطف است ، ای آن که لطفش همیشگی است ، ای آن که احسانش دیرین است ، ای آن که سخنش حق است ، ای آن که وعده اش راست است ، ای آن که گذشتش فضل است ، ای آن که کیفرش عادلانه است ، ای آن که یادش شیرین است ، ای آن که احسانش فراگیر است !».

چهل و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای آسان ساز ، ای عطابخش ، ای تبدیل کننده ، ای خوارسازنده ، ای فرودآورنده ، ای نعمت دهنده ، ای احسان کننده ، ای بخشنده نعمت بسیار ، ای مهلت دهنده ، ای نیکویی کننده !».

پنجاهم . «ای آن که می بیند و دیده نمی شود ، ای آن که می آفریند و آفریده نیست ، ای آن که هدایت می کند و به راهنمایی نیازش نیست ، ای آن که حیات می بخشد و حیاتش از کسی نیست ، ای آن که می پرسد و از

او حقّ پرسش نیست ، ای آن که غذا می دهد و غذایش ندهند ، ای آن که پناه می دهد و پناه نیاز ندارد ، ای آن که داوری می کند و نیازمند داوری نیست ، ای آن که حکم می کند و بر او حکم نمی شود ، ای آن که نه می زاید و نه زاده کسی است و کسی همتای او نیست !».

پنجاه و یکم . «ای حسابرس نیک ، ای طبیب خوب ، ای مراقب شایسته ، ای نزدیک خوب ، ای جواب دهنده خوب ، ای محبوب خوب ، ای عهده دار شایسته ، ای سرپرست خوب ، ای مولای نیکو ، ای یاور خوب !».

پنجاه و دوم . «ای شادمانی عارفان ، ای آرزوی دوستداران ، ای همدم مریدان، ای محبوب تائبان ، ای روزی دهنده تهی دستان ، ای امید بدهکاران ، ای نور چشم پرستشگران ، ای غم زدای گرفتاران ، ای گشایش بخش اندوهناکان ، ای معبود اوّلین و آخرین !».

پنجاه و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای پروردگار ما ، ای معبود

ما ، ای سرور ما ، ای مولای ما ، ای یاور ما ، ای نگهدار ما ، ای راهنمای ما ، ای کمک کننده ما ، ای محبوب ما ، ای طبیب ما !».

پنجاه و چهارم . «ای پروردگار پیامبران و نیکان ، ای پروردگار صدّیقان و شایستگان ، ای پروردگار بهشت و دوزخ ، ای پروردگار کوچکان و بزرگان ، ای پروردگار دانه ها و میوه ها ، ای پروردگار رودها و درختان ، ای پروردگار صحراها و دشت ها، ای پروردگار خشکی ها و دریاها ، ای پروردگار شب و روز ، ای پروردگار پیدا و پنهان !».

پنجاه و پنجم . «ای آن که فرمانش در هر چیز ، نافذ است؛ ای آن که دانشش به هر چیز ، پیوسته و محیط است؛ ای آن که قدرتش به هر چیز ، رسیده است؛ ای آن که بندگان ، نعمتش را نتوانند شمرد؛ ای آن که آفریدگان ، از سپاسش ناتوان اند؛ ای آن که فهم ها جلال او را در نمی یابند؛ ای آن که اندیشه ها به کُنه او نمی رسند؛ ای آن که عظمت و بزرگی ، جامه زیبنده اوست؛ ای آن که بندگان ، از تقدیرش سرپیچی نتوانند؛ ای آن که هیچ فرمان روایی ای جز فرمان روایيِ او نیست؛ ای آن که عطایی ، جز بخشش او نیست !».

پنجاه و ششم . «ای آن که برترین مثال ، از آنِ اوست؛ ای آن که صفات والا ، از آنِ اوست؛ ای آن که انجام و آغاز ، از آنِ اوست؛ ای آن که بهشتِ

جایگاه ابدی ، از آنِ اوست؛ ای آن که نشانه های بزرگ ، از آنِ اوست؛ ای آن که نام های نیکو ، از آنِ اوست؛ ای آن که حکم و تقدیر ، از آنِ اوست؛ ای آن که هوا و فضا ، از آنِ اوست؛ ای آن که عرش و زمین خاکی ، از آنِ اوست؛ ای آن که آسمان های بلند ، از آنِ اوست !».

پنجاه و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای باگذشت ، ای آمرزنده ، ای شکیبا ، ای پذیرای سپاس ، ای رئوف ، ای عطوف ، ای سؤال شده ، ای مهرورز ، ای منزّه ، ای وارسته !».

پنجاه و هشتم . «ای آن که عظمتش در آسمان هاست؛ ای آن که نشانه هایش در زمین است؛ ای آن که در هر چیز ، نشانه های راهنمای اوست؛ ای آن که شگفتی هایش در دریاهاست؛ ای آن که گنجینه هایش در کوه هاست؛ ای آن که آفرینش را آغاز می کند و سپس باز می آفریند؛ ای آن که همه کارها به او برمی گردد؛ ای آن که لطفش را در هر چیز ، آشکار ساخته است؛ ای آن که هر چه را آفریده ، نیکو آفریده است؛ ای آن که قدرتش در همه آفریده ها دست اندر کار است !».

پنجاه و نهم . «ای محبوب آن که محبوبی ندارد ، ای طبیب آن که طبیبی

ندارد ، ای پاسخگوی آن که جواب دهنده ای ندارد ، ای مهربانِ آن که مهربانی ندارد ، ای رفیق آن که همراهی ندارد ، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد ، ای راهنمای آن که راهنمایی ندارد ، ای همدم آن که مونسی ندارد ، ای رحم کننده بر آن که رحم کننده ای ندارد ، ای همنشین آن که بی همنشین است !».

شصتم . «ای کفایت کننده آن که از او کفایت خواهد ، ای راهنمای آن که از او هدایت جوید ، ای سرپرست آن که از او سرپرستی طلبد ، ای عهده دار آن که از او رعایت خواهد ، ای شفابخش آن که از او درمان جوید ، ای داور آن که او را به قضاوت خواند ، ای بی نیازکننده آن که از او بی نیازی طلبد ، ای وفاکننده آن که از او وفا جوید ، ای نیروبخش آن که از او قدرت طلبد ، ای سرپرست آن که او را به ولایت گزیند !».

شصت و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای آفریدگار ، ای روزی رسان ، ای گویا ، ای راست گفتار ، ای شکافنده ، ای جداکننده ، ای گشاینده بسته ها ، ای بر هم آورنده گشوده ها ، ای پیش از همه چیز ، ای برتر از هر چیز !».

شصت و دوم . «ای آن که شب و روز را می گرداند ، ای آن که تاریکی ها و روشنی ها را پدید آورد ، ای آن که سایه و گرمای خورشید را آفرید ، ای آن که آفتاب و ماه را رام ساخت ، ای آن که نیک و بد را مقدّر کرد ، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید ، ای آن که آفرینش و فرمانْ برای اوست ، ای آن که جفت و فرزند برنگرفت ، ای آن که در فرمان روایی بی شریک است ، ای آن که سرپرستی (یاری) برایش نیست ، البتّه نه از روی خواری !».

شصت و سوم . «ای آن که خواسته خواهندگان را می داند ، ای آن که درون خاموشان را می خواند ، ای آن که ناله خسته دلان را می شنود ، ای آن که گریه خائفان را می بیند ، ای آن که نیاز نیازمندان را داراست ، ای آن که عذرخواهیِ تائبان را پذیراست، ای آن که کار تبهکاران را سامان نمی بخشد ، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد، ای آن که از دل های عارفانْ دور نیست، ای با سخاوت ترینِ بخشندگان !».

شصت و چهارم . «ای همیشه باقی ، ای شنوای دعا ، ای گسترده عطا ، ای آمرزنده خطا ، ای پدیدآورنده آسمان ، ای شایسته آزمون ، ای زیباستایش ، ای دیرینْ شُکوه ، ای بسیار باوفا ، ای نیکوپاداش !».

شصت و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای عیب پوش ، ای آمرزنده ، ای فاتح ، ای صاحب عظمت ، ای بسیار شکیبا ، ای نیکوکار ، ای برگزیننده ، ای گشاینده ، ای نعمت بخش ، ای وسعت بخش !».

شصت و ششم . «ای آن که مرا آفرید و آراست ، ای آن که مرا روزی داد و تربیتم کرد ، ای آن که مرا سیر کرد و سیرابم نمود ، ای آن که مرا مقرّب و نزدیک ساخت ، ای آن که مرا حفظ کرد و کفایتم نمود ، ای آن که مرا نگه داشت و سرپرستی کرد ، ای آن که مرا بی نیاز ساخت و عزّتم بخشید ، ای آن که مرا توفیق داد و هدایتم کرد ، ای آن که همدم من شد و پناهم داد ، ای آن که مرا میراند و زنده کرد !».

شصت و هفتم . «ای آن که حق را با کلماتِ خود ثابت می کند ، ای آن که توبه را از بندگانش می پذیرد ، ای آن که میان انسان و دلش حایل می شود ، ای آن که شفاعتْ جز به اذن او سود نمی بخشد ، ای آن که او داناتر است به کسی که از راهش گم راه می شود ، ای آن که فرمانش را چیزی به تأخیر نمی اندازد ، ای آن که تقدیرش را چیزی برنمی گرداند ، ای آن که هر چیزی تسلیم فرمان اوست ، ای آن که آسمان ها پیچیده در

دست قدرت اوست ، ای آن که بادها را پیشاپیش رحمتش مژده رسان می فرستد !».

شصت و هشتم . «ای آن که زمین را گهواره ساخت ، ای آن که کوه ها را نگه دارنده زمین قرار داد ، ای آن که خورشید را چراغْ قرار داد ، ای آن که ماه را روشنایی قرار داد ، ای آن که شب را پوشش قرار داد ، ای آن که روز را وسیله معاش ساخت ، ای آن که خواب را مایه آرامش قرار داد ، ای آن که آسمان را بنایی افراشته ساخت ، ای آن که اشیاء را جفت قرار داد ، ای آن که آتش دوزخ را کمینگاه [کافران] قرار داد !».

شصت و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای شنوا ، ای شفاعت پذیر، ای والا ، ای بلندمرتبه ، ای سریع ، ای پدیدآورنده ، ای بزرگ ، ای توانا ، ای آگاه ، ای پناه دهنده !».

هفتادم . «ای زنده قبل از هر زنده ، ای زنده پس از هر زنده ، ای زنده ای که هیچ زنده ای همانند او نیست ، ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست ، ای زنده ای که به هیچ زنده ای نیازمند نیست ، ای زنده ای که هر زنده ای را می میراند ، ای زنده ای که هر زنده ای را روزی می دهد ، ای زنده ای که حیات را از هیچ زنده ای به ارث نبرده است ، ای زنده ای که مردگان را زنده می کند ، ای زنده ، ای پایداری که هیچ چُرت و خوابی او را فرا نمی گیرد !».

هفتاد و یکم . «ای آن که او را یادی فراموش نشدنی است ، ای آن که او را فروغی خاموشی ناپذیر است ، ای آن که او را نعمت های بی شمار است ، ای آن که او را حکومتی بی زوال است ، ای آن که او را ستایشی بی اندازه است ، ای آن که او را شُکوهی وصف ناپذیر است ، ای آن که او را کمالی دست نیافتنی است ، ای آن که او را تقدیری برگشت ناپذیر است ، ای آن که او را صفاتی

تبدیل ناشدنی است ، ای آن که او را اوصافی تغییرناپذیر است !».

هفتاد و دوم . «ای پروردگار جهانیان ، ای فرمان روای روز جزا ، ای منتهای خواسته طلب کنندگان ، ای پشت و پناه پناهندگان ، ای دریابنده گریزانان ، ای دوستدار شکیبایان ، ای دوستدار توبه کاران ، ای دوستدار پاکی جویان ، ای دوستدار نیکوکاران ، ای داناتر به ره یافتگان !» .

هفتاد و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای شفیق ، ای مهربان ، ای نگه دارنده ، ای احاطه یابنده ، ای نگهبان ، ای پناه دهنده ، ای عزّت بخش ، ای خوارکننده ، ای آغازکننده ، ای بازگرداننده !».

هفتاد و چهارم . «ای آن که یگانه بی ضد است ، ای آن که یکتای بی مانند است ، ای آن که بی نیاز بی عیب است ، ای آن که یکتایی بی چگونگی است ، ای آن که داور بی ستم است ، ای آن که پروردگار بی همکار است ، ای آن که قدرتمند بدون خواری است ، ای آن که توانگر بی نیاز است ، ای آن که پادشاه بدون عزل است ، ای آن که وصف شده ای بی مانند است !».

هفتاد و پنجم . «ای آن که یادش شرافتِ ذاکران است ، ای آن که سپاسش رستگاریِ شاکران است ، ای آن که ستایشش عزّت ستایشگران است ، ای آن که اطاعتش نجات فرمان برداران است ، ای آن که درش برای جویندگان باز است ، ای آن که راهش برای بازگردندگان روشن است ، ای آن که نشانه هایش برهانِ بینندگان است ، ای آن که کتابش مایه یاد اهل تقواست ، ای آن که روزی اش فراگیر مطیعان و نافرمانان است ، ای آن که رحمتش به نیکوکارانْ نزدیک است !».

هفتاد و ششم . «ای آن که نامش خجسته است؛ ای آن که عظمتش والاست؛ ای آن که معبودی جز او نیست؛ ای آن که ثنای او ، شکوهمند است؛ ای آن که نام هایش مقدّس است؛ ای آن که بقای او ، جاودانی است؛ ای آن که بزرگی ، جلوه اوست؛ ای آن که بزرگواری ، برازنده اوست؛ ای آن که موهباتش قابل شمارش نیست ؛ ای آن که نعمت های او بیرون از شمار است !».

هفتاد و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای یاور ، ای امان بخش ، ای روشنگر ، ای استوار ، ای قدرتمند ، ای راهنما ، ای ستوده ، ای باشُکوه ، ای سرسخت ، ای گواه !».

هفتاد و هشتم . «ای صاحب عرش شکوهمند؛ ای صاحب سخن استوار؛ ای صاحب رفتار درست؛ ای صاحب قدرتِ سخت؛ ای صاحب وعده و وعید؛

ای آن که سرپرست و ستوده است؛ ای آن که آنچه را بخواهد ، حتما انجام می دهد؛ ای آن که نزدیک است ، نه دور ؛ ای آن که بر هر چیز ، گواه است؛ ای آن که هرگز به بندگان ، ستمگر نیست !».

هفتاد و نهم . «ای آن که بی شریک و وزیر است ، ای آن که بی همتا و بی نظیر است ، ای آفریننده خورشید و ماه فروزان ، ای بی نیازکننده بینوای نیازمند ، ای روزی دهنده کودک خردسال ، ای ترحّم کننده بر پیر سال خورده ، ای جبران کننده استخوان شکسته ، ای نگه دارنده ترسان پناهنده ، ای آن که به بندگانش آگاه و بیناست ، ای آن که بر هر چیزی تواناست !».

هشتادم . «ای صاحب سخاوت و نعمت ها، ای صاحب احسان و بزرگواری ، ای آفریدگار لوح و قلم ، ای پدیدآورنده موران و آدمیان ، ای صاحب قدرت و انتقام ، ای الهام بخش عرب و عجم ، ای زداینده رنج و درد ، ای دانای نهان ها و نیّت ها، ای پروردگار کعبه و حرم ، ای آن که موجودات را از نیستی آفرید !».

هشتاد و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم : ای انجام دهنده ، ای آفریننده ، ای پذیرنده ، ای کامل ، ای نیکویی کننده ، ای جداکننده ، ای دادگر ، ای پیروز ، ای خواهنده ، ای بخشنده !».

هشتاد و دوم . «ای آن که با توانمندی اش نعمت بخشید ، ای آن که با بخشندگی اش کَرَم نمود ، ای آن که با لطفش جود ورزید ، ای آن که با قدرتش عزّت یافت ، ای آن که با حکمتش مقدّر کرد ، ای آن که با تدبیرش حکم کرد ، ای آن که با علمش تدبیر نمود ، ای آن که با بردباری اش گذشت کرد ، ای آن که با بلندی اش نزدیک است ، ای آن که با نزدیکی اش بلند است !».

هشتاد و سوم . «ای آن که هر چه بخواهد ، می آفریند؛ ای آن که هر چه بخواهد ، می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، هدایت می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، گم راه می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، کیفر می دهد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، می آمرزد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، عزّت می بخشد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، خوار می سازد؛ ای آن که آنچه را بخواهد ، در رحِم ها تصویرگری می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، به رحمت خویش مخصوص می سازد !».

هشتاد و چهارم . «ای آن که جفت و فرزندی نگرفت؛ ای آن که برای هر چیز ، اندازه ای قرار داد؛ ای آن که در فرمان روایی اش کسی را شریک نمی سازد؛ ای آن که فرشتگان را پیام رسانان خود قرار داد؛ ای آن که در

آسمان ، برج هایی قرار داد؛ ای آن که زمین را جایی آرام قرار داد ؛ ای آن که از آب ، بشری آفرید ؛ ای آن که برای هر چیز ، فرجامی قرار داد ؛ ای

آن که دانش او ، هر چیز را فرا گرفته است؛ ای آن که شمار هر چیز را می داند !».

هشتاد و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای اوّل ، ای آخر ، ای پنهان ، ای آشکار ، ای نیکو ، ای حق ، ای یکتا ، ای بی همتا ، ای بی نیاز ، ای همیشگی !».

هشتاد و ششم . «ای بهترین معروف شناخته شده ، ای برترین معبود پرستیده شده ، ای والاترین سپاسْ گفته شده ، ای مقتدرترین یادشده ای که یادش کرده اند ، ای برترین ستوده ای که ثنایش گفته اند ، ای قدیم ترین موجودی که طلبش کرده اند ، ای والاترین موصوفی که وصفش گفته اند ، ای بزرگ ترین مقصودی که به او روی آورده اند ، ای گرامی ترین درخواست شده ای که از او خواسته اند ، ای شریف ترین محبوبی که شناخته شده است !».

هشتاد و هفتم . «ای محبوب گریه کنندگان ، ای سَرور توکّل کنندگان ، ای هدایتگر گم راهان، ای سرپرست مؤمنان، ای همدم یادآوران، ای پناه درماندگان، ای نجات بخش راستگویان ، ای تواناترینِ توانایان ، ای داناترینِ دانایان ، ای معبود همه آفریدگان !».

هشتاد و هشتم . «ای آن که والا گشت و چیره شد ، ای آن که حکومت یافت و قدرتمند گشت ، ای آن که نهان گشت و از هر چیز خبر یافت ، ای آن که پرستیده شد و پاداش داد ، ای آن که نافرمانی شد و آمرزید ، ای آن که اندیشه ها او را در نیابند ، ای آن که چشمی او را نبیند ، ای آن که نشانی از او پنهان نماند ، ای روزی دهنده بشر ، ای تقدیرکننده هر اندازه !».

هشتاد و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای نگه دارنده ، ای پدیدآرنده ، ای آفریننده ، ای والا ، ای گشاینده ، ای فاتح ، ای آشکارکننده ، ای ضامن ، ای فرمان دهنده ، ای نهی کننده !».

نودم . «ای آن که جز او غیب نداند ، ای آن که جز او بلا را برطرف نکند ، ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند ، ای آن که جز او گناه را نیامرزد ، ای آن که جز او نعمت را کامل نسازد ، ای آن که جز او دل ها را دگرگون نکند ، ای آن که جز او کار را سامان ندهد ، ای آن که جز او باران نفرستد ، ای آن که جز او روزی نگستراند ، ای آن که جز او مردگان را حیات نبخشد !».

نود و یکم . «ای یاور ناتوانان ، ای همنشین غریبان ، ای یاریگر دوستان ،

ای کوبنده دشمنان ، ای برافرازنده آسمان ، ای همدم پاک دلان ، ای محبوب تقواپیشگان، ای گنج نیازمندان، ای معبود توانگران، ای کریم ترینِ بزرگواران !».

نود و دوم . «ای کفایت کننده از هر چیز ، ای نگهبان استوار بر هر چیز ، ای آن که چیزی همانند او نیست ، ای آن که چیزی در فرمان روایی اش نیفزاید ، ای آن که چیزی از او نهان نماند ، ای آن که از گنجینه هایش چیزی نکاهد ، ای آن که چیزی همانند او نیست ، ای آن که از دانش او چیزی پوشیده نیست ، ای آن که بر هر چیزی آگاه است ، ای آن که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است !».

نود و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای کَرَم کننده ، ای طعام دهنده ، ای نعمت بخش ، ای بخشنده ، ای بی نیازکننده ، ای عطاکننده ، ای فانی سازنده ، ای حیات بخش ، ای خرسندساز ، ای نجات بخش !».

نود و چهارم . «ای آغاز و انجام هر چیز ، ای معبود و مالک هر چیز ، ای پروردگار و آفریدگار هر چیز ، ای پدیدآورنده و آفریننده هر چیز ، ای گیرنده و گشاینده هر چیز ، ای هستی بخش و بازآفریننده هر چیز ، ای ایجادکننده و تقدیرکننده هر چیز ، ای هستی بخش و دگرگون ساز هر چیز ، ای حیات بخش و میراننده هر چیز ، ای آفریدگار و میراث بر هر چیز !».

نود و پنجم . «ای بهترین یادکننده و یادشده ، ای بهترین سپاس گزار و سپاس شده ، ای بهترین ستایشگر و ستوده ، ای بهترین گواه و گواهی شونده ، ای بهترین دعوتگر و خوانده شده ، ای بهترین پاسخ دهنده و اجابت شده ، ای بهترین مونس و همدم ، ای بهترین رفیق و همنشین ، ای بهترین مقصود و مطلوب ، ای بهترین دوستدار و دوست !».

نود و ششم . «ای آن که هر که را بخواندش ، پاسخ می دهد؛ ای آن که هر که را اطاعتش کند ، دوست می دارد؛ ای آن که به هر که دوستش بدارد ، نزدیک است؛ ای آن که نگهبان کسی است که از او نگهبانی خواهد؛ ای آن که به هر که امید به او بندد ، بزرگوار است؛ ای آن که به هر که نافرمانی اش کند ، بردبار است؛ ای آن که با همه عظمتش مهربان است؛ ای آن که با همه حکمتش بزرگ است؛ ای آن که در احسان خود ، دیرین است؛ ای آن که به هر که بخواهد ، داناست !».

نود و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای سبب ساز ،

ای شوق آفرین ، ای دگرگون ساز ، ای تعقیب کننده ، ای ترتیب دهنده ، ای ترساننده ، ای برحذردارنده ، ای یادآورنده ، ای تسخیرکننده ، ای تغییردهنده !».

نود و هشتم . «ای آن که دانشش پیشین است ، ای آن که وعده اش راست است ، ای آن که لطفش آشکار است ، ای آن که فرمانش چیره است ، ای آن که کتابش استوار است ، ای آن که تقدیرش حتمی است ، ای آن که قرآنش باعظمت است ، ای آن که فرمان روایی اش دیرین است ، ای آن که نعمتش فراگیر است ، ای آن که عرشش بزرگ است !».

نود و نهم . «ای آن که شنیدنی ، او را از شنیدن دیگر ، باز نمی دارد؛ ای آن که کاری ، او را از کار دیگر ، باز نمی دارد؛ ای آن که سخنی ، او را از سخن دیگر ، مشغول نمی سازد؛ ای آن که درخواستی ، او را از درخواست دیگر ، به خطا نمی افکند؛ ای آن که چیزی ، حجاب او نسبت به چیز دیگر نمی شود؛ ای آن که اصرار درخواست کنندگان ، او را به ستوه نمی آورد؛ ای آن که نهایت خواسته مریدان است؛ ای آن که منتهای همّت عارفان است؛ ای آن که نهایت خواسته جویندگان است؛ ای آن که در جهانیان ، چیزی بر او پوشیده نمی ماند !».

صدم . «ای بردباری که [در کیفر دادن ،] شتاب نمی کند؛ ای بخشنده ای که بخل نمی ورزد ، ای راستگویی که خلاف وعده عمل نمی کند؛ ای بخشنده ای که از بخشش ، خسته نمی شود؛ ای قدرتمندی که شکست نمی خورد؛ ای بزرگی که به وصف نمی آید؛ ای دادگری که ستم نمی کند؛ ای بی نیازی که فقیر نمی شود؛ ای بزرگی که کوچک نمی شود؛ ای نگهبانی که غافل نمی گردد !

منزّهی تو ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس. پروردگارا ! ما را از آتش ، نجات بده !». .

ص: 262

..

ص: 263

. .

ص: 264

..

ص: 265

..

ص: 266

..

ص: 267

..

ص: 268

..

ص: 269

. .

ص: 270

. .

ص: 271

..

ص: 272

. .

ص: 273

. .

ص: 274

. .

ص: 275

. .

ص: 276

..

ص: 277

..

ص: 278

. .

ص: 279

. .

ص: 280

. .

ص: 281

. .

ص: 282

. .

ص: 283

. .

ص: 284

..

ص: 285

. .

ص: 286

. .

ص: 287

. .

ص: 288

. .

ص: 289

. .

ص: 290

. .

ص: 291

..

الفصل الرابع : الآداب المختصَّه باللَّيالى4 / 1آدابُ اللَّيلَهِ الاُوليأ الغُسل1632.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :غُسلُ أوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ يُستَحَبُّ . (1)ب الصَّلاه1634.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَن صَلّى أوَّلَ لَيلَهٍ مِنَ الشَّهرِ رَكعَتَينِ بِسورَهِ الأَنعامِ وسَأَلَ اللّهَ أن يَكفِيَهُ ، كَفاهُ اللّهُ تَعالى ما يَخافُهُ فى ذلِکَ الشَّهرِ ، ووَقاهُ مِنَ المَخاوِفِ وَالأَسقامِ . (2)ج الدُّعاء1633.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :المقنعه :إذا صلّيت المغرب من هذه الليله وهى أوّل ليله فى الشهر فادعُ بهذا الدعاء وهو دعاء الحجّ فتقول (3) :

اللّهُمَّ (4) مِنکَ أطلُبُ حاجَتى ، ومَن طَلَبَ حاجَتَهُ إلى أحَدٍ مِنَ النّاس فَإنّى لا أطلُبُ حاجَتى إلاّ مِنکَ وَحدَکَ لاشَريکَ لَکَ ، وأسأَلُکَ بِفَضلِکَ ورِضوانِکَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَجعَلَ لى مِن عامى هذا إلى بَيتِکَ الحَرامِ سَبيلاً حَجَّهً مَبرورَهً مُتَقَبَّلَهً زاكِيَهً خالِصَهً لَکَ تَقَرُّ بِها عَينى وتَرفَعُ بِها دَرَجَتى وتَرزُقَنى أن أغُضَّ بَصَرى وأن أحفَظَ فَرجى وأن أكُفَّ عَن جَميعِ مَحارِمِکَ حَتّى لا يَكونَ شَىءٌ آثَرَ عِندى مِن طاعَتِکَ وخَشيَتِکَ وَالعَمَلِ بِما أحبَبتَ وَالتَّركِ لِما كَرِهتَ ونَهَيتَ عَنهُ ، وَاجعَل ذلِکَ فى يُسرٍ وعافِيَهٍ (5) وأوزِعنى شُكرَ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَىَّ . وأسأَلُکَ أن تَجعَلَ وَفاتى قَتلاً فى سَبيلِکَ تَحتَ رايَهِ نَبِيِّکَ محمّد صلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ مع أولِيائِکَ وأسأَلُکَ أن تَقتُلَ بى أعداءَکَ وأعداءَ رَسولِکَ ، وأسأَلُکَ أن تُكرِمَنى بِهَوانِ مَن شِئتَ مِن خَلقِکَ ولا تُهِنّى بِكَرامَهِ أحَدٍ مِن أولِيائِکَ . اللّهُمَّ اجعَل لى مَعَ الرَّسولِ سَبيلاً حَسبِىَ اللّهُ ، ما شاءَ اللّهُ وصلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطّاهِرينَ . (6) .

1- .الكافى : ج 3 ص 40 ح 2 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 75 ، بحارالأنوار : ج 91 ص 382 ح 6 وج 97 ص 133 ح 1 .
3- .فى الكافى ج 4 ص 74 ح 6 : «كان أبوعبد اللّه عليه السلام يدعو بهذا الدعاء فى شهر رمضان» بدل ما فى المتن ، وفى الإقبال ج 1 ص 78 : «عن أبى عبداللّه عليه السلام قال : ادع للحجّ فى ليالى شهر رمضان بعد المغرب ...» ، وفى بحار الأنوار ج 98 ص 1 ح 1 . : «دعاء الحجّ يدعى به أوّل ليله من شهر رمضان» .
4- .فى المصادر الأُخرى : «اللّهمّ إنّى بک ومنک أطلب ...» .
5- .فى بعض نسخ المصدر : «فى يسر منک وعافيه» وفى الكافى والإقبال : «فى يسر ويسار وعافيه» .

6- .المقنعه : ص 313 .

فصل چهارم : آداب مخصوص شب های ماه رمضان

4 / 1 آداب شب نخست

الف غسل

ب نماز

ج دعا

فصل چهارم : آداب مخصوص شب های ماه رمضان4 / 1آداب شب نخستالف غسل1635.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل اوّلین شب ماه رمضان ، مستحب است.ب نماز1637.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در شب اوّل این ماه ، دو رکعت نماز با سوره انعام بخواند و از خداوند بخواهد که او را کفایت کند ، خداوندْ او را در آن ماه ، از آنچه می ترسد ، کفایت می کند ، و او را از هراس ها و بیماری ها حفظ می کند.ج دعا1639.عنه صلی الله علیه و آله :المقنعه : شب اوّل ماه رمضان چون نماز مغرب امشب را خواندی ، این دعا را که دعای حج است ، بخوان :

«خداوندا ! حاجتم را از تو می طلبم. هر کس حاجتش را از یکی از مردمان می خواهد ؛ امّا من حاجتم را تنها از تو طلب می کنم . انبازی برای تو نیست . تو را به احسان و رضوانت می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی

و برای من از این سال ، راهی برای زیارت خانه خودت قرار دهی ، برای حجّی شایسته ، قبول شده ، پاک و خالص برای تو ، که چشمم را بدان روشن سازی و رتبه ام را بدان بالا بری و روزی ام کنی که چشم [از گناه] بر بندم و عفافم را نگه دارم و از همه گناهانت دست بردارم ، تا آن که هیچ چیز نزد من برگزیده تر و بهتر از طاعت تو و پروا کردن از تو و عمل به آنچه واجب کرده ای و ترک آنچه برای تو ناخوشایند است و از آن نهی کرده ای ، نباشد. و این همه را در آسانی و توانگری و تن درستی قرار بده و توفیقم بده نعمتی را که به من داده ای ، سپاس گویم ؛ و از تو می خواهم

که مرگم را کشته شدن در راهت ، زیر پرچم پیامبرت با دوستان خودت قرار دهی؛ و از تو می خواهم که دشمنانت و دشمنان پیامبرت به دست من کشته شوند؛ و از تو می خواهم که با خواریِ هر کدام از بندگانت که بخواهی ، بر من اکرام کنی و با اکرام هیچ یک از اولیایت ، مرا خوار نسازی. خداوندا! برای من راهی (ارتباطی) با پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بده! مرا خداوند ، بسنده است . و درود خداوند بر محمّد و خاندان پاکش باد!».

.

1640.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَقُل :

اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ ومُنزِلَ القُرآنِ ، هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وأنزَلتَ فيهِ آياتٍ بَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ ، اللّهُمَّ ارزُقنا صِيامَهُ وأعِنّا عَلى قِيامِهِ ، اللّهُمَّ سَلِّمهُ لَنا وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ ومُعافاةٍ ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ فيما يُفرَقُ مِنَ الأمرِ الحَكيمِ فى لَيلَةِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ ولا يُبَدَّلُ ، أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ

الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ المَشكورِ سَعيُهُمُ ، المَغفورِ ذَنبُهُمُ المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُم ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ أن تُطيلَ لى فى عُمُرى وتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنَ الرِّزقِ الحَلالِ . (1) .

1- .الكافى : ج 4 ص 71 ح 2 ، الإقبال : ج 1 ص 77 وص 145 .

1641.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی مَکارِمِ الأَخلاقِ) امام صادق علیه السلام:چون شب اوّل ماه رمضان شود ، بگو :

«خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان و نازل کننده قرآن ! این ، ماه رمضان است که در آن ، قرآن را فرو فرستادی و در آن ، آیه هایی روشن از هدایت و فرقان نازل کردی. خداوندا ! روزه داریِ آن را روزیِ ما کن و بر عبادت این ماه ، یاری مان نما ! خداوندا ! آن را برای ما سالم بدار و ما را در آن ، تن درست کن و آن را از ما همراه با آسانی از سوی خود و عافیت ، بگیر؛ و قرار بده در آنچه از قضا و تقدیر خویش قرار می دهی ، از امر حتمی در آنچه در شب قدر از فرمان حکیمانه ات مقدّر می کنی ، تقدیری که برنمی گردد و تغییر نمی یابد ، این که مرا از حاجیان خانه با حرمت خویش بنویسی ، از آنان که حجّشان نیکو و تلاششان قدردانی می شود و گناهانشان بخشوده و بدی هایشان پوشانده

می شود؛ و در آنچه مقرّر و مقدّر می کنی ، چنین قرار بده که عمرم را بلند گردانی و از روزیِ حلال ، بر من بگسترانی !». .

راجع : ص 122 (أدعيه التهيّؤ لضيافه اللّه) .

4 / 2آدابُ اللَّيلَهِ الخامِسَهَ عَشرَهَاللّيله الخامسه عشره من شهر رمضان المبارک هی لیله ولاده الإمام الحسن المجتبی علیه السلام ، وفی روایه أنّها لیله ولاده الإمام الجواد علیه السلام . قال الشیخ المفید قدس سره : فی یوم النصف منه سنه ثلاث من الهجره کان مولد سیّدنا أبی محمّد الحسن بن علیّ بن أبی طالب علیهماالسلام . وفی مثل هذا الیوم سنه خمس وتسعین ومِئه ولد سیّدنا أبو جعفر محمّد بن علیّ بن موسی علیهم السلام (1) ، وهو یوم سرور المؤمنین . ویستحبّ فیه الصدقه والتطوّع بالخیرات ، والإکثار من شکر اللّه تعالی علی ظهور حجّته وإقامه دینه بخلیفته فی العالمین وابن نبیّه سیّد المرسلین صلوات اللّه علیه وآله وسلّم . (2) وفیما یلی آداب لیله النّصف منه :

أ الغُسل1643.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال فی بَیانِ استِحبابِ الغُسلِ فی هذِهِ اللَّیلَهِ :أمَّا الغُسلُ فَرَوَیناهُ عَنِ

الشَّیخِ المُفیدِ رحمه الله . (3)

وفی رِوایَهٍ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام أنَّهُ یُستَحَبُّ لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (4) .

1- .المشهور أنّ ولادته علیه السلام کانت فی غیر هذا الیوم .
2- .مسارّ الشیعه : ص 24 .
3- .قال الشیخ المفید قدس سره فی مسارّ الشیعه ص23 : فی لیله النصف منه یستحبّ الغسل . وقال فی المقنعه ص311 : من سننه الغسل فی ستّ لیال منه ... ولیله النصف منه .
4- .الإقبال : ج 1 ص 293 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 40 ح 2 .

4 / 2 آداب شب پانزدهم

الف غسل

ر . ک : ص 123 (دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا) .

4 / 2آداب شب پانزدهمشب پانزدهم ماه مبارک رمضان ، شب میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام و به روایتی میلاد امام محمّد جواد علیه السلام است. شیخ مفید رحمه الله گفته است: «در نیمه رمضان سال سوم هجرت ، تولّد مولایمان ابو محمّد حسن بن علی بن ابی طالب علیهماالسلام اتّفاق افتاده است. نیز در چنین روزی در سال 195 [ق] ، سرورمان ابو جعفر محمّد بن علی بن موسی علیهماالسلام به دنیا آمده است و این روز ، روز شادی مؤمنان است و مستحب است صدقه دادن و انجام دادن کارهای نیک و شکرگزاری فراوان به درگاه خداوند به خاطر آشکار شدن حجّتش و برپایی دینش در میان جهانیان به وسیله جانشینش و فرزند پیامبرش ، سرور رسولان صلی الله علیه و آله». آنچه در پی می آید ، آداب شب نیمه رمضان است .

الف غسل1645.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال در بیان مستحب بودن غسل در این شب :امّا غسل ، ما آن را از شیخ مفید روایت کرده ایم.

و در روایتی از امام صادق علیه السلام است که غسل در شب نیمه ماه رمضان ، مستحب است.

.

ب الزِّيارَه1647.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :عَن أبِى المُفَضَّلِ الشَّيبانِىِّ ، بِإسنادِهِ مِن كِتابِ عَلِىِّ بنِ عبدِ الواحدِ النَّهدىِّ فى حَديثٍ ، يَقولُ فيهِ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام ، أنَّهُ قيلَ لَهُ : فَما تَرى لِمَن حَضَرَ قَبرَهُ يَعنِى الحُسَينَ عليه السلام لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ؟

فَقالَ : «بَخٍ بَخٍ! مَن صَلّى عِندَ قَبرِهِ لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَشرَ رَكَعاتٍ مِن بَعدِ العَشاءِ مِن غَيرِ صَلاَهِ اللَّيلِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ بِ«فاتِحَهِ الكِتابِ» وِ « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ ، وَاستَجارَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، كَتَبَهُ اللّهُ عَتيقاً مِنَ النّارِ ، ولَم يَمُت حَتّى يَرى فى مَنامِهِ مَلائِكَهً يُبَشِّرونَهُ بِالجَنَّهِ ، ومَلائِكَهً يُؤَمِّنونَهُ مِنَ النّارِ» . (1)ج الصَّلاهُ مِئَهَ رَكعَهٍ1649.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ مِئَهَ رَكعَهٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ ، أهبَطَ اللّهُ إلَيهِ عَشَرَهَ أملاكٍ يَدرَؤونَ عَنهُ أعداءَهُ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ ، وأهبَطَ اللّهُ عِندَ مَوتِهِ ثَلاثينَ مَلَكاً يُبَشِّرونَهُ بِالجَنَّهِ ، وثَلاثينَ مَلَكاً يُؤَمِّنونَهُ مِنَ النّارِ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 294 ، بحارالأنوار : ج 101 ص 349 ح 2 و ج 98 ص 40 ح 2 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 293 .

ب زیارت

ج نماز صد رکعت

ب زیارت1646.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از ابو مفضّل شیبانی ، به سند خود از کتابِ علی بن عبدالواحد نَهدی :به امام صادق علیه السلام گفتند: درباره آن که شب نیمه ماه رمضان به زیارت قبر حسین علیه السلام می رود ، چه می فرمایید؟

فرمود : «به به! هر کس شب نیمه ماه رمضان ، در کنار قبر آن امام ، پس از عشا ، چند رکعت غیر از نماز شب بخواند ، بدین صورت که در هر رکعت ، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو اللّه » را بخواند و به خداوند از آتشْ پناه ببرد ، خداوندْ او را آزاد شده از دوزخ قرار می دهد و او نمی میرد ، تا آن که در خواب می بیند که فرشتگانی او را به بهشت مژده می دهند و نیز فرشتگانی او را از آتش ، بیمه می کنند».ج نماز صد رکعت1648.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب نیمه شعبان ، صد رکعت نماز بخواند که در هر رکعت ، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو اللّه احد» بخواند ، خداوند ده فرشته به سوی او می فرستد که دشمنان او را از جنّ و انس ، از او دفع کنند ، و هنگام مرگش سی فرشته می فرستد که او را به بهشت مژده دهند و سی فرشته که او را مژده ایمنی از آتش دهند.

.

4 / 3آدابُ اللَّيلَهِ السّابِعَهِ وَالعِشرينَأ الغُسل1652.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن ابن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الغُسلِ فى شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ : «اِغتَسِل لَيلَهَ تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وسَبعٍ وعِشرينَ ، وتِسعٍ وعِشرينَ» . (1)ب الصَّلاه1654.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ مَن صَلّى لَيلَهَ سَبعٍ وعِشرينَ رَكعَتَينِ يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «فاتِحَهَ الكِتابِ» ، و « إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ » مَرَّهً ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » خَمساً وعِشرينَ مَرَّهً ، فَإِذا سَلَّمَ استَغفَرَ مِئَهَ مَرَّهٍ ، وصَلّى عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ مِئَهَ مَرَّهٍ ، فَقَد أدرَکَ لَيلَهَ القَدرِ . 2ج الدُّعاء1656.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن زيد بن علىّ عليه السلام :سَمِعتُ أبى عَلِىَّ بنَ الحُسَينِ عليه السلام لَيلَهَ سَبعٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ يَقولُ مِن أوَّلِ اللَّيلِ إلى آخِرِهِ :

اللّهُمَّ ارزُقنِى التَّجافِىَ عَن دارِ الغُرورِ وَالإِنابَهَ إلى دارِ الخُلودِ ، وَالاِستِعدادَ لِلمَوتِ قَبلَ حُلولِ الفَوتِ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 400 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 61 ح 2 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 402 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 63 ح 1 .

4 / 3 آداب شب بیستم و هفتم

الف غسل

ب نماز

ج دعا

4 / 3آداب شب بیستم و هفتمالف غسل1653.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از ابن ابی یعفور :از امام صادق علیه السلام درباره غسل در ماه رمضان پرسیدم. فرمود: «شب های: نوزدهم ، بیست و یکم ، بیست و سوم ، بیست و هفتم ، و بیست و نهم ، غسل کن».ب نماز1864.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب بیست و هفتم ، دو رکعت نماز بخواند (در هر رکعت «فاتحه الکتاب» و سوره « إنّا أنزلناه » را یک بار و سوره « قل هو اللّه أحد » را بیست و پنج بار) و چون سلام نماز را گفت ، صد بار استغفار کند و صد بار بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد ، شب قدر را درک کرده است.ج دعا1862.الإمام الصادق علیه السلام :الإقبال به نقل از زید بن علی علیه السلام :شنیدم که پدرم علی بن الحسین علیهماالسلامدر شب بیست و هفتم ماه رمضان ، از اوّل شب تا آخر آن می گفت:

«پروردگارا! فاصله گرفتن از سرای غرور و فریب را نصیبم کن و روی آوردن به سرای جاودانگی و آمادگی برای مرگ را پیش از آن که فرصت از دست برود ، روزی ام گردان!».

.

الفصل الخامس : الآداب المختصَّه بالأيّام5 / 1آدابُ اليَومِ الأَوَّلِأ الغُسل1857.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام عليّ عليه السلام :مَنِ اغتَسَلَ أوَّلَ يَومٍ مِنَ السَّنَهِ في ماءٍ جارٍ ، وصَبَّ عَلى رَأسِهِ ثَلاثينَ غُرفَهً ، كانَ دَواءً لِسَنَتِهِ ، وإنَّ أوَّلَ كُلِّ سَنَهٍ أوَّلُ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (1)ب الصَّلاه1855.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عن الوَشّاء ، قال :كانَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام إذا دَخَلَ شَهرٌ جَدِيدٌ يُصَلّي أوَّلَ يَومٍ مِنهُ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ لِكُلِّ يَومٍ مِنهُ إلى آخِرِهِ « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » فِى الرَّكعَهِ الأُولى ، وفِى الرَّكعَهِ الثّانِيَهِ « إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ » (2) ، ويَتَصَدَّقُ بِما يَتَسَهَّلُ ، فَيَشتَرى بِهِ سَلامَهَ ذلِکَ الشَّهرِ كُلِّهِ . (3) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 193 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 350 ح 3 .
2- .يَعنى : يَقرَأُ فِى الرَّكعَهِ الأُولى «الحَمْدَ» مَرَّهً و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ثَلاثينَ مَرَّهً ، وفِى الرَّكعَهِ الثّانِيَهِ : «الحَمدَ» مَرَّهً و « إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ » ثَلاثينَ مَرَّهً . انظر الدروع الواقيه : ص 43 46 فإنّه قدس سره أورده فيه مع الشرح والتفصيل .
3- .الإقبال : ج 1 ص 197 ، بحارالأنوار : ج 91 ص 381 ح 1 .

5 / 1 آداب روز اوّل

الف غسل
ب نماز

فصل پنجم : آداب مخصوص روزهای ماه رمضان5 / 1آداب روز اوّلالف غسل1850.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:هر کس در نخستین روز سال ، در آب جاری غسل کند و سی مشت آب بر سرش بریزد ، داروِی آن سالش خواهد بود. اوّل هر سال ، نخستین روز از ماه رمضان است.ب نماز1857.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از وشّاء :هر گاه ماه نو وارد می شد ، امام باقر علیه السلامدر اوّلین روز آن ، دو رکعت نماز می خواند. او برای هر روز آن تا آخر ماه ، در رکعت اوّل ، سوره « قل هو اللّه أحد » و در رکعت دوم ، سوره « إنّا أنزلناه فی لیله القدر » می خواند و در حدّی که می توانست ، صدقه می داد و بدین وسیله ، تن درستی در همه آن ماه را می خرید.

.

1856.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :مَن صَلّى عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ تَطَوُّعاً ، قَرَأَ فى اُولاهُما «اُمَّ الكِتابِ» ، و « إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحا مُّبِينا » وَالاُخرى ما أحَبَّ ، دَفَعَ اللّهُ تَعالى عَنهُ سوءَ سَنَتِهِ ، ولَم يَزَل فى حِرزِ اللّهِ تَعالى إلى مِثلِها مِن قابِلٍ . (1)5 / 2أدعِيَهُ كُلِّ يَوم1853.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :المصباح للكفعمى :يُستَحَبُّ أن يَدعُوَ فى أيّامِ شَهرِ رَمَضانَ بِهذِهِ الأدعِيَهِ لِكُلِّ يَومٍ دُعاءٌ عَلى حِدَهٍ مِن أوَّلِهِ إلى آخِرِهِ ، مِن كِتابِ الذَّخيرَهِ رَواهَا ابنُ عَبّاسٍ عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :

تَقولُ فِى اليَومِ الأَوَّلِ : «اللّهُمَّ اجعَل صِيامى فيهِ صِيامَ الصّائِمينَ ، وهَب لى جُرمى فيهِ يا إلَهَ العالَمينَ ، وَاعفُ عَنّى يا عافِياً عَنِ المُجرِمينَ» (2) لِيُعطى ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ . الخبر .

وفِى اليَومِ الثّانى : «اللّهُمَّ قَرِّبنى فيهِ إلى مَرضاتِکَ وجَنِّبنى فيهِ سَخَطَکَ ونَقِماتِکَ ، ووَفِّقنى فيهِ لِقِراءَهِ آياتِکَ بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ» لِيُعطى بِكُلِّ خُطوَهٍ لَهُ فى جَميعِ عُمُرِهِ عِبادَهَ سَنَهٍ صائِماً نَهارَها قائِماً لَيلَها .

وفِى اليَومِ الثّالِثِ : «اللّهُمَّ ارزُقنى فيهِ الذِّهنَ وَالتَّنبيهَ وأبعِدنى مِنَ السَّفاهَهِ وَالتَّمويهِ ، وَاجعَل لى نَصيباً فى كُلِّ خَيرٍ اُنزِلَ فيهِ (3) يا أجوَدَ الأجوَدينَ» لِيُبنى لَهُ بَيتٌ

فى جَنَّهِ الفِردَوسِ . الخبر .

وفِى اليَومِ الرّابِعِ : «اللّهُمَّ قَوِّنى فيهِ عَلى إقامَهِ أمرِکَ (4) وأوزِعنى لِأَداءِ شُكرِکَ بِكَرَمِکَ ، وَاحفَظنى بِحِفظِکَ وسِترِکَ يا أبصَرَ النّاظِرينَ» لِيُعطى فى جَنَّهِ الخُلدِ سَبعينَ ألفَ سَريرٍ عَلى كُلِّ سَريرٍ حَوراءُ .

وفِى اليَومِ الخامِسِ : «اللّهُمَّ اجعَلنى فيهِ مِنَ المُستَغفِرينَ ، وَاجعَلنى فيهِ مِن عِبادِکَ الصّالِحينَ وَاجعَلنى فيهِ مِن أولِيائِکَ المُتَّقينَ بِرَأفَتِکَ يا أكرَمَ الأكرَمينَ» (5) لِيُعطى فى جَنَّهِ المَأوى ألفَ ألفِ قَصعَهٍ ، فى كُلِّ قَصعَهٍ ألفُ ألفِ لَونٍ مِنَ الطَّعامِ .

وفِى اليَومِ السّادِسِ : «اللّهُمَّ لا تَخذُلنى [فيهِ] (6) لِتَعَرُّضِ مَعاصيکَ ، وأعِذنى مِن سِياطِ نِقمَتِکَ ومَهاويکَ ، وأجِرنى (7) مِن موجِباتِ سَخَطِکَ

بِمَنِّکَ وأیادیکَ یا مُنتَهی رَغبَهِ الرّاغِبینَ» لِیُعطِیَهُ اللّهُ أربَعینَ ألفَ مَدینَهٍ . الخبر .

وفِی الیَومِ السّابِعِ : «اللّهُمَّ أعِنّی [فیهِ] (8) عَلی صِیامِهِ وقِیامِهِ وجَنِّبنی فیهِ مِن هَفَواتِهِ وآثامِهِ ، وَارزُقنی ذِکرَکَ وشُکرَکَ بِدَوامِ هِدایَتِکَ یا هادِیَ المُؤمِنینَ» (9) لِیُعطی فِی الجَنَّهِ ما یُعطی الشُّهَداءُ وَالسُّعَداءُ وَالأولِیاءُ .

وفِی الیَومِ الثّامِنِ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ رَحمَهَ الأیتامِ وإطعامَ الطَّعامِ وإفشاءَ السَّلامِ ، وَارزُقنی فیهِ صُحبَهَ الکِرامِ ومُجانَبَهَ اللِّئامِ بِطَولِکَ یا أمَلَ الآمِلینَ» (10) لِیُرفَعَ عَمَلُهُ بِعَمَلِ

ألفِ صِدّیقٍ .

وفِی الیَومِ التّاسِعِ : «اللّهُمَّ اجعَل لی فیهِ نَصیباً مِن رَحمَتِکَ الواسِعَهِ ، وَاهدِنی فیهِ بِبَراهینِکَ القاطِعَهِ (11) ، وخُذ بِناصِیَتی إلی مَرضاتِکَ الجامِعَهِ بِمَحَبَّتِکَ یا أمَلَ المُشتاقینَ» لِیُعطی ثَوابَ بَنی إسرائیلَ .

وفِی الیَومِ العاشِرِ : «اللّهُمَّ اجعَلنی فیهِ مِنَ المُتَوَکِّلینَ عَلَیکَ ، الفائِزینَ لَدَیکَ ، المُقَرَّبینَ إلَیکَ [بِإحسانِکَ] (12) یا غایَهَ الطّالِبینَ» لِیَستَغفِرَ لَهُ کُلُّ شَیءٍ .

وفِی الیَومِ الحادی عَشَرَ : «اللّهُمَّ حَبِّب إلَیَّ فیهِ الإحسانَ وکَرِّه إلَیَّ فیهِ الفُسوقَ وَالعِصیانَ ، وحَرِّم عَلَیَّ فیهِ السَّخَطَ وَالنّیرانَ بِقُوَّتِکَ یا غَوثَ المُستَغیثینَ» لِیُکتَبَ لَهُ حَجَّهٌ مَقبولَهٌ مَعَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله . الخبر .

وفِی الیَومِ الثّانی عَشَرَ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ السَّترَ وَالعَفافَ وألبِسنی فیهِ لِباسَ القُنوعِ وَالکَفافِ ، ونَجِّنی فیهِ مِمّا أحذَرُ وأخافُ (13) ، بِعِصمَتِکَ یا عِصمَهَ الخائِفینَ» لِیُغفَرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأخَّرَ ، ویُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِ حَسَناتٍ .

وفِی الیَومِ الثّالِثَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ طَهِّرنی فیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالأقذارِ ، وصَبِّرنی عَلی کائِناتِ الأقدارِ ، ووَفِّقنی لِلتُّقی وصُحبَهِ الأبرارِ بِعَونِکَ یا قُرَّهَ عُیونِ المَساکینِ» لِیُعطی بِکُلِّ حَجَرٍ ومَدَرٍ حَسَنَهً ودَرَجَهً فِی الجَنَّهِ .

وفِی الیَومِ الرّابِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ لا تُؤاخِذنی فیهِ بِالعَثَراتِ وأقِلنی فیهِ مِنَ الخَطایا وَالهَفَواتِ ، ولا تَجعَلنی غَرَضاً لِلبَلایا وَالآفاتِ بِعِزِّکَ یا عِزَّ المُسلِمینَ» فَکَأنَّما صامَ مَعَ النَّبِیّینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ .

وفِی الیَوم الخامِسَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ طاعَةَ العابِدینَ ، وَاشرَح فیهِ صَدری بِإنابَهِ المُخبِتینَ (14) بِأمانِکَ یا أمانَ الخائِفینَ» لِیَقضِیَ اللّهُ لَهُ ثَمانینَ حاجَةً مِن حَوائِجِ الدُّنیا . الخبر .

وفِی الیَوم السّادِسَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ اهدِنی فیهِ لِعَمَلِ الأَبرارِ ، وجَنِّبنی فیهِ مُرافَقَهَ الأَشرارِ،وأدخِلنی فیهِ بِرَحمَتِکَ دارَالقَرارِ بِإلَهِیَّتِکَ یا إلهَ العالَمینَ»لِیُعطی یَومَ خُروجِهِ مِن قَبرِهِ نوراً ساطِعاً یَمشی بِهِ وحُلَّةً یَلبَسُها وناقَةً یَرکَبُها ویُسقیمِن شَرابِ الجَنَّهِ.

وفِی الیَوم السّابِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ اهدِنی فیهِ لِصالِحِ الأَعمالِ وَاقضِ لی فیهِ الحَوائِجَ وَالآمالَ ، یا مَن لا یَحتاجُ إلَی السُّؤالِ (15) ، یا عالِماً بِما فی صُدورِ العالَمینَ» لِیُغفَرَ لَهُ ولَو کانَ مِنَ الخاسِرینَ .

وفِی الیَوم الثّامِنَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ نَبِّهنی فیهِ لِبَرَکاتِ أسحارِهِ ، ونَوِّر قَلبی بِضِیاءِ أنوارِهِ ، وخُذ بِکُلِّ أعضائی إلَی اتِّباعِ آثارِهِ ، یا مُنَوِّرَ قُلوبِ العارِفینَ» لِیُعطی ثَوابَ ألفِ نَبِیٍّ .

وفِی الیَوم التّاسِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ وَفِّر [فیهِ] حَظّی بِبَرَکاتِهِ ، وسَهِّل سَبیلی إلی خَیراتِهِ ، ولا تَحرِمنی قَبولَ حَسَناتِهِ ، یا هادِیاً إلَی الحَقِّ المُبینِ» لِیَستَغفِرَ لَهُ مَلائِکَهُ السَّماواتِ وَالأرضِ ویَدعوا لَهُ .

وفِی الیَوم العِشرینَ : «اللّهُمَّ افتَح لی فیهِ أبوابَ الجِنانِ ، وأغلِق عَنّی أبوابَ النِّیرانِ ، ووَفِّقنی فیهِ لِتِلاوَهِ القُرآنِ ، یا مُنزِلَ السَّکینَهِ فی قُلوبِ المُؤمِنینَ» لِیُکتَبَ لَهُ بِکُلِّ مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ سِتّینَ سَنَهً مَقبولَهً . الخبر .

وفِی الیَوم الحادی وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ اجعَل لی فیهِ إلی مَرضاتِکَ دَلیلاً ، ولا تَجعَل عَلَیَّ فیهِ لِلشَّیطانِ سَبیلاً (16) ، یا قاضِیَ حَوائِجِ السّائِلینَ» لِیُنَوِّرَ اللّهُ قَبرَهُ ، ویُبَیِّضَ وَجهَهُ ، ویَمُرَّ عَلَی الصِّراطِ کَالبَرقِ الخاطِفِ .

وفِی الیَوم الثّانی وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ افتَح لی فیهِ أبوابَ فَضلِکَ وأنزِل عَلَیَّ فیهِ بَرَکاتِکَ ، ووَفِّقنی فیهِ لِموجِباتِ مَرضاتِکَ ، وأسکِنّی فیهِ بُحبوحَهَ جَنّاتِکَ یا مُجیبَ دَعوَهِ المُضطَرّینَ» لِیُهَوِّنَ اللّهُ عَلَیهِ سَکَراتِ المَوتِ ، ومَسأَلَهَ مُنکَرٍ ونَکیرٍ ویُثَبِّتُهُ بِالقَولِ الثّابِتِ .

وفِی الیَوم الثّالِثِ وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ اغسِلنی فیهِ مِنَ الذُّنوبِ وطَهِّرنی فیهِ مِنَ العُیوبِ ، وَامتَحِن فیهِ قَلبی بِتَقوَی القُلوبِ یا مُقیلَ عَثَراتِ المُذنِبینَ» لِیَمُرَّ عَلَی الصِّراطِ کَالبَرقِ الخاطِفِ مَعَ النَّبِیّینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ .

وفِی الیَومِ الرّابِعِ وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ فِیهِ ما یُرضیکَ وأعوذُ بِکَ فیهِ مِمّا یُؤذیکَ ، بِأن اُطیعَکَ ولا أعصِیَکَ ، یا عالِماً بِما فی صُدورِ العالَمینَ (17) لِیُعطی بِعَدَدِ کُلِّ شَعرَةٍ عَلی رَأسِهِ وجَسَدِهِ ألفَ خادِمٍ وألفَ غُلامٍ کَالمَرجانِ وَالیاقوتِ .

وفِی الیَومِ الخامِسِ وَالعِشرینَ : (18) «اللّهُمَّ اجعَلنی [فیهِ] مُحِبّاً لِأَولِیائِکَ ومُعادِیاً لِأَعدائِکَ ، ومُتَمَسِّکاً بِسُنَّهِ خاتَمِ أنبِیائِکَ یا عَظیماً فی قُلوبِ النَّبِیِّینَ» لِیُبنی لَهُ فِی الجَنَّهِ مِئَهُ قَصرٍ عَلی کُلِّ قَصرٍ خَیمَهٌ خَضراءُ .

وفِی الیَومِ السّادِسِ وَالعِشرینَ (19) : «اللّهُمَّ اجعَل سَعیی فیهِ مَشکوراً وذَنبی فیهِ

مَغفوراً ، وعَمَلی فیهِ مَقبولاً ، وعَیبی فیهِ مَستوراً ، یا أسمَعَ السّامِعینَ» لِیُنادی فِی القِیامَهِ : لا تَخَف ولا تَحزَن فَقَد غُفِرَ لَکَ .

وفِی الیَومِ السّابِعِ وَالعِشرینَ (20) : «اللّهُمَّ وَفِّر حَظّی فیهِ مِنَ النَّوافِلِ ، وأکرِمنی فیهِ بِإحضارِ الأحرازِ مِنَ (21) المَسائِلِ ، وقَرِّب وَسیلَتی إلَیکَ مِن بَینِ الوَسائِلِ ، یا مَن لا یَشغَلُهُ إلحاحُ المُلِحّینَ» فَکَأنَّما أطعَمَ کُلَّ جائِعٍ . الخبر .

وفِی الیَومِ الثّامِنِ وَالعِشرینَ (22) : «اللّهُمَّ غَشِّنی فِیهِ بِالرَّحمَهِ وَالتَّوفیقِ وَالعِصمَهِ ، وطَهِّر قَلبی مِن عائِباتِ التُّهَمَهِ ، یا رَؤوفاً بِعِبادِهِ المُؤمِنینَ» لَو قیسَ نَصیبُهُ فِی الجَنَّهِ بِالدُّنیا لَکانَ مِثلَها أربَعینَ مَرَّهً .

وفِی الیَومِ التّاسِعِ وَالعِشرینَ (23) : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ لَیلَهَ القَدرِ ، وصَیِّر لی کُلَّ عُسرٍ إلی یُسرٍ ، وَاقبَل مَعاذیری وحُطَّ عَنّی الوِزرَ یا رَحیماً بِعِبادِهِ المُؤمِنینَ» لِیُبنی لَهُ أَلفُ مَدینَهٍ فِی الجَنَّهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالزُّمُرُّدِ وَاللُّؤلُؤِ .

وفِی الیَومِ الثَّلاثینَ : «اللّهُمَّ اجعَل صِیامی فیهِ بِالشُّکرِ وَالقَبولِ عَلی ما تَرضاهُ ویَرضاهُ الرَّسولُ ، مُحکَمَهً فُروعُهُ بِالاُصولِ ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ» (24)

لِیُکرِمَهُ اللّهُ تَعالی کَرامَهَ الأَنبِیاءِ وَالأَوصِیاءِ . (25) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 197 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 353 ح 3 .

2- .فى الإقبال ج1 ص 229 : «اللّهمّ اجعل صيامى صيام الصائمين ، وقيامى قيام القائمين ، ونبّهنى فيه عن نومه الغافلين ، وهب لى جرمى يا إله العالمين» .
3- .فى الإقبال ج 1 ص 254 : «من كلّ خير تنزل فيه بجودک يا ...» .
4- .وزاد فى الإقبال ج 1 ص 257 هنا : «وأذقنى فيه حلاوه ذكرک» .
5- .فى الإقبال ج 1 ص 260 : «يا أرحم الراحمين» بدل «يا أكرم الأكرمين».
6- .مابين المعقوفين أثبتناه من الإقبال : ج 1 ص 263 .
7- .فى الإقبال : «ولاتضربنى فيه بسياط نقمتک وزحزحنى» بدل «وأعذنى من سياط نقمتک ومهاويک وأجرنى» .
8- .مابين المعقوفين أثبتناه من الإقبال : ج 1 ص 267 .
9- .فى الإقبال : «بدوامه بتوفيقک يا وليّ المؤمنين» بدل «بدوام .. .».
10- .فى الإقبال ج 1 ص 270 : «يا ملجأ الآملين» .
11- .فى الإقبال ج 1 ص 273 : «لبراهينک الساطعه» .
12- .ما بين المعقوفين أثبتناه من الإقبال : ج 1 ص 276 .
13- .فى الإقبال ج 1 ص 284 : «زيّنّى» بدل «ارزقنى» و«وحلّنى فيه بحليّ الفضل والإنصاف» بدل «ونجّنى فيه ممّا أحذر وأخاف» .
14- .فى الإقبال ج 1 ص 297 : «الخاشعين وأشعر فيه قلبى إنابه المخلصين» بدل «العابدين ... المخبتين» .
15- .فى الإقبال ج 1 ص 307 : «إلى التفسير والسؤال» .
16- .وزاد فى الإقبال ج 1 ص 369 هنا : «واجعل الجنّه منزلاً لى ومقيلاً» .
17- .وفى الإقبال ج 1 ص 392 : «يا عالماً بأحوال السائلين» وزاد فيه «والتوفيق» قبل «بأن أطيعک» .
18- .أورد هذا الدعاء فى الإقبال فى اليوم السادس والعشرين وفيه «مستنّاً» بدل «متمسّكاً» و«يا عاصم قلوب النبيّين» بدل «يا عظيماً فى قلوب النبيّين» .
19- .أورد هذا الدعاء فى الإقبال فى اليوم الخامس والعشرين وفيه «يا سامع أصوات المبتهلين» بدل «يا أسمع السامعين» .
20- .أورد هذا الدعاء فى الإقبال فى اليوم الثامن والعشرين وفيه «الأحلام فى المسائل» بدل «الأحراز من المسائل» .
21- .كذا فى المصدر ولعلّ عباره «الأحراز من» زائده .
22- .أورد هذا الدعاء فى الإقبال فى اليوم التاسع والعشرين وفيه «غياهب» بدل «عائبات» و«المذنبين» بدل «المؤمنين» .
23- .أورد هذا الدعاء فى الإقبال فى اليوم السابع والعشرين وفيه «يا رؤوفاً بعباده الصالحين» بدل «يا رحيماً بعباده المؤمنين» .
24- .وزاد فى الإقبال ج 1 ص 448 : «الأخيار الأبرار صلى اللّه عليهم».

25- .المصباح للكفعمى : ص 810 ، وأورد السيّد ابن طاووس قدس سره هذه الأدعيه ومن دون إسناد إلى المعصوم فى الإقبال موزّعه على الأبواب وباختلاف فى بعض الألفاظ والعبارات كما أشرنا إلى أهمّها فى الهوامش السابقه .

1852.الإمام الباقر علیه السلام :امام کاظم علیه السلام:هر کس هنگام فرا رسیدن ماه رمضان ، دو رکعت نماز مستحب بخواند و در رکعت اوّل ، «فاتحه» و «فتح» ، و در رکعت دوم ، هر سوره ای را که دوست داشت ، بخواند ، خداوندْ بدیِ آن سال را از او دور می کند و همواره در امان خداوند خواهد بود ، تا همان هنگام از سال آینده.5 / 2دعاهای هر روز ماه رمضان1849.عنه صلی الله علیه و آله :المصباح کفعمی :مستحب است که در روزهای ماه رمضان ، این دعاها خوانده شوند ، برای هر روز ، از اوّل تا آخر ماه ، دعایی جداگانه ، در کتاب الذخیره آمده که ابن عبّاس از پیامبر صلی الله علیه و آله ، چنین روایت کرده است:

در روز اول می گویی: «خداوندا! روزه مرا در این روز ، روزه روزه داران [واقعی]قرار بده و در آن ، خطایم را ببخش ای معبود جهانیان و از من در گذر ای بخشاینده مجرمان !»

تا هزار هزار حسنه داده شود... .

و در روز دوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به موجبات خرسندی ات نزدیک گردان و مرا از خشم و کیفر خویش دور ساز و مرا در آن ، توفیق خواندن آیاتت عطا کن ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !»

تا در برابر هر گامش در تمام عمرش ، پاداش عبادت یک سال را ، در حالی که روزش را روزه و شبش را به عبادت پرداخته ، داده شود.

و در روز سوم [می گویی]: «خداوندا! در این روز ، مرا ذهن و هوشیاری عطا کن و مرا از نابخردی و آمیختگی حق و باطل دور گردان و مرا از هر خیری که در آن نازل می شود ، بهره ای قرار بده ، ای بخشنده ترینِ بخشندگان !»

تا برای او خانه ای در بهشت فردوس بسازند... .

و در روز چهارم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا برای برپایی فرمانت ، نیرومند ساز و با کَرَمت ، توفیق سپاس گزاری ات را عطایم کن و با نگهداری خود ، مرا حفظ کن ، ای بیناترینِ بینندگان !»

تا در بهشت ابدی ، به او هفتاد هزار تخت بدهند که بر هر تختی ، یک حوری است.

و در روز پنجم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از آمرزش خواهان قرار بده و مرا در آن ، از بندگان شایسته ات قرار بده و مرا در آن ، از دوستان پرهیزگار خود قرار بده ، به مهربانی ات ، ای بزرگوارترینِ بزرگواران !»

تا در بهشت برین به او هزار هزار خوانِ غذا دهند که در هر خوانی ، هزار هزار رنگ غذاست.

و در روز ششم [می گویی] : «خداوندا! [در این روز ،] مرا به سبب رفتن به سراغ نافرمانی هایت خوار مگردان و مرا از تازیانه های انتقام و تأدیب خویش ، پناه بده و مرا از آنچه موجب خشم توست ، در امان دار، به نعمت و احسانت ، ای نهایت خواسته خواهندگان !»

تا خداوند به او چهل هزار شهر بدهد... .

و در روز هفتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به روزه داری و عبادتش یاری کن و مرا از سقوط و گناهانش دور بدار و با هدایت پیوسته ات ، یاد و سپاست را روزی ام کن ، ای هدایتگر مؤمنان !»

تا در بهشت ، آنچه به شهیدان و سعادتمندان و اولیا می دهند ، به او هم بدهند.

و در روز هشتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، توفیق ترحّم بر یتیمان و غذا دادن [به گرسنگان] و آشکارا سلام دادن را عطایم کن و همنشینی با بزرگواران و دوری از فرومایگان را روزی ام گردان ، به احسانت ، ای آرزوی آرزومندان !»

تا عمل او برابر با عمل هزار صدّیق ، بالا برده شود.

و در روز نهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از رحمت گسترده ات نصیبی قرار بده و در آن مرا به دلایل قاطع و روشن خود ، رهنمون باش و زمام اختیار مرا به سوی خرسندی های فراگیرت به دست گیر ، به محبّتت ، ای آرزوی مشتاقان !»

تا پاداش بنی اسرائیل را به او بدهند.

و در روز دهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، از تکیه کنندگان بر خودت ، از کامیابان در پیشگاهت و از نزدیکان آستانت قرار بده ، ای نهایت خواسته جویندگان !»

تا هر چیزی برای او آمرزش بخواهد.

و در روز یازدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، نیکی را در نظرم محبوب گردان و زشتکاری و نافرمانی را در نظرم ناخوشایند ساز و خشم و دوزخ را در آن بر من حرام کن ، به نیرویت ، ای پناه پناهجویان !»

تا برای او پاداش یک حجّ مقبول همراه پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته شود... .

و در روز دوازدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا پوشش و پاک دامنی ، روزی کن و جامه قناعت و کفاف را بر من بپوشان و مرا از آنچه حذر و بیم دارم ، نجات بده ، به نگهداری ات ، ای نگهدارِ ترسندگان !»

تا گناهان گذشته و آینده اش بخشوده شوند و بدی هایش تبدیل به خوبی گردند.

و در روز سیزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از آلودگی و پلیدی ها پاک کن و مرا بر حوادث تقدیرشده شکیبا ساز و مرا به تقوا و همنشینی با نیکان ، موفّق بدار ، به یاری ات ، ای نور چشم بینوایان !»

تا به شمار هر سنگ و کلوخی ، به او حسنه و درجه ای در بهشت داده شود.

و در روز چهاردهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا با لغزش ها مؤاخذه مکن و پوزش مرا از خطاها و لغزش ها بپذیر و مرا هدف تیر بلاها و آفت ها قرار مده ، به عزّتت ، ای مایه عزّت مسلمانان !»

[با این دعا] گویا با پیامبران ، شهیدان و صالحان ، روزه گرفته است.

و در روز پانزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، طاعت عابدان را روزی ام کن و دلم را به بازگشت و توبه خاشعان ، گشاده گردان ، به ایمن بخشی ات ، ای ایمنیِ هراسناکان !»

تا خداوند ، هشتاد حاجت از حاجت های دنیایی او را برآورد... .

و در روز شانزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به کار نیکان ، راهنمایی کن و در آن ، مرا از همنشینی با بَدان ، دور بدار و به رحمتت ، مرا در سرای جاوید ، وارد کن ، به خداوندی ات ، ای معبود جهانیان !»

تا در روزی که از گورش بیرون می آید ، نور تابناکی به او عطا شود که با فروغ آن ، راه برود و پوششی که آن را بپوشد و شتری که سوارش شود و از شراب بهشتی به او نوشانده شود.

و در روز هفدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به کارهای شایسته رهنمون باش و در آن ، حاجتت ها و آرزوهایم را برآور ، ای آن که نیاز به پرسش ندارد! ای آن که به آنچه در سینه های جهانیان است ، داناست !»

تا آمرزیده شود ، هر چند از زیانکاران باشد.

و در روز هیجدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به برکت های سحرگاهانش هشیار بگردان و دلم را با فروغ روشنی هایش نورانی کن و همه اعضایم را به پیروی از آثارش به کار گیر ، ای روشنگر دل های عارفان !»

تا پاداش هزار پیامبر یابد.

و در روز نوزدهم [می گویی] : «خداوندا! بهره مندیِ مرا از برکات این روز ، سرشار بگردان و راه مرا به سوی نیکی های آن آسان ساز و مرا از پذیرش نیکوکاری ها در آن محروم مگردان ، ای هدایتگر به سوی حقِّ آشکار !»

تا فرشتگان آسمان ها و زمین برای او آمرزش بخواهند و برایش دعا کنند.

و در روز بیستم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، درهای بهشت ها را به رویم بگشای و درهای آتش ها را به رویم بربند و در آن ، مرا به تلاوت قرآن موفّق بدار ، ای فرودآورنده آرامش در دل مؤمنان !»

تا به شمار همه آنان که ماه رمضان را روزه گرفته اند ، برای او شصت سال روزه مقبول بنویسند... .

و در روز بیست و یکم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، برایم راهنمایی به سوی رضامندی های خویش قرار بده و در آن برای شیطان ، راه نفوذی در من ، قرار مده ، ای برآورنده نیازهای سائلان !»

تا خداوند ، قبرش را نورانی و چهره اش را سفید کند و همچون برق جهنده بر صراط بگذرد.

و در روز بیست و دوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، درهای احسانت را به رویم بگشای و برکت های خویش را بر من فرودآور و مرا به آنچه موجب رضای توست ، موفّق گردان و مرا در میان بهشت های خودت جای ده ، ای پاسخگوی دعای درماندگان !»

تا خداوند ، سختی های جان کندن و سؤال منکر و نکیر را بر او آسان سازد و او را با عقیده ثابت ، استوار دارد.

و در روز بیست و سوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از گناهانْ بشوی و مرا در آن از عیب ها پاک گردان و دلم را در آن با تقوای دل ها بیازمای ، ای پوزش پذیر خطای گناهکاران !»

تا همچون برقِ جهنده همراه پیامبران و شهیدان و صالحان بر صراط بگذرد.

و در روز بیست و چهارم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، آنچه تو را خرسند می سازد ، از تو می خواهم و از آنچه تو را می آزارد ، به تو پناه می برم، به این که فرمان بردارت باشم و نافرمانی ات نکنم ، ای دانا به آنچه در سینه های جهانیان است !»

تا به شمار هر مویی که در سر و بدن اوست ، هزار خدمت گزار و هزار غلامش دهند که همچون مرجان و یاقوت اند.

و در روز بیست و پنجم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت و چنگ زننده به سنّت آخرینِ پیامبرانت قرار بده ، ای بزرگ در دل های پیامبران!»

تا در بهشت برای او صد قصر بسازند که بر هر قصری ، خیمه ای سبز است.

و در روز بیست و ششم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، تلاشم را

پاداش یافته و گناهم را در آن آمرزیده و عملم را قبول شده و عیبم را پوشیده قرار بده ، ای شنواترینِ شنوندگان!»

تا در قیامت به او خطاب شود: «نترس و اندوهگین مباش ، که آمرزیده شدی».

و در روز بیست و هفتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، بهره مرا از مستحبّات سرشار بگردان و با آماده ساختن خواسته ها در آن ، مرا گرامی بدار و وسیله ام را در آن از میان وسایل ، فراهم ساز ، ای آن که اصرار اصرارکنندگان ، او را مشغول نمی سازد!»

[با این دعا] گویا هر گرسنه ای را سیر کرده است... .

و در روز بیست و هشتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا در پوشش رحمت و توفیق و نگهداری قرار بده و دلم را از عیب های موجب تهمت ، پاک کن ، ای مهربان به بندگان مؤمنش!»

که اگر بهره اش را از بهشت با دنیا بسنجند ، چهل برابر آن خواهد بود.

و در روز بیستم و نهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، شب قدر را نصیبم کن و هر سختی را برایم آسان بگردان و پوزش هایم را بپذیر و بار گناهانم را از دوشم بردار ، ای مهربان به بندگان مؤمنش!»

تا در بهشت برای او هزار شهر از طلا و نقره و زمرّد و لؤلؤ بسازند.

و در روز سی ام [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، روزه ام را همراه با پاداش و پذیرش قرار بده ، بدان گونه که تو آن را می پسندی و پیامبر از

آن خرسند می شود ، در حالی که شاخ و برگش با ریشه ها محکم باشد ، به حقّ محمّد و خاندان پاکیزه و پاک او!»

تا خداوندْ او را به کرامت پیامبران و اوصیا ، گرامی بدارد.

.

ص: 306

. .

ص: 307

. .

ص: 308

. .

ص: 309

. .

ص: 310

. .

ص: 311

..

ص: 312

. .

ص: 313

. .

ص: 314

..

ص: 315

. .

5 / 3«دُعاءُ المُجيرِ» لِلأَيّامِ البيضِ مِن شَهرِ رَمَضانَرواه الكفعمى قدس سره فى البلد الأمين والمصباح ، وقال فى حاشيه مصباحه : «هذا الدعاء يسمّى «دعاء المجير» ، رفيع الشأن عظيم المنزله . وله نسخ كثيره ، أكملها ما رقمناه ، وهو مرويّ عن النبىّ صلى الله عليه و آله ، نزل جبريل عليه السلام وهو يصلّى فى مقام إبراهيم عليه السلام . وملخّص فضله أنّه من قرأه فى الأيّام البيض من شهر رمضان غفرت ذنوبه ... وبه يشفى اللّه تعالى المريض ويقضى الدين ...» . (1)

1845.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :البلد الأمين :دُعاءُ المُجيرِ وهُوَ مَروِىٌّ عَنِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ سُبحانَکَ يا أللّهُ ، تَعالَيتَ يا رَحمانُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا رَحيمُ ، تَعالَيتَ يا كَريمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا مَلِکُ ، تَعالَيتَ يا مالِکُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قُدّوسُ ، تَعالَيتَ يا سَلامُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُؤمِنُ ، تَعالَيتَ يا مُهَيمِنُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عَزيزُ ، تَعالَيتَ يا جَبّارُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُتَکَبِّرُ ، تَعالَيتَ يا مُتَجَبِّرُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خالِقُ ، تَعالَيتَ يا بارِئُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُصَوِّرُ ، تَعالَيتَ يا مُقَدِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا هادى ، تَعالَيتَ يا باقى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَهّابُ ، تَعالَيتَ يا تَوّابُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا فَتّاحُ ، تَعالَيتَ يا مُرتاحُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَيِّدى ، تَعالَيتَ يا مَولاىَ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قَريبُ ، تَعالَيتَ يا رَقيبُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ

يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُبدِئُ ، تَعالَيتَ يا مُعيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا حَميدُ ، تَعالَيتَ يا مَجيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا قَديمُ ، تَعالَيتَ يا عَظيمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَفورُ ، تَعالَيتَ يا شَکورُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا شاهِدُ ، تَعالَيتَ يا شَهيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَنّانُ ، تَعالَيتَ يا مَنّانُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا باعِثُ ، تَعالَيتَ يا وارِثُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُحيى ، تَعالَيتَ يا مُميتُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا شَفيقُ ، تَعالَيتَ يا رَفيقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا أنيسُ ، تَعالَيتَ يا مُؤنِسُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا جَليلُ ، تَعالَيتَ يا جَميلُ ،

أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خَبيرُ ، تَعالَيتَ يا بَصيرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَفِيُّ ، تَعالَيتَ يا مَلِيُّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مَعبودُ ، تَعالَيتَ يا مَوجودُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَفّارُ ، تَعالَيتَ يا قَهّارُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا مَذكورُ ، تَعالَيتَ يا مَشكورُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا جَوادُ ، تَعالَيتَ يا مَعاذُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا جَمالُ ، تَعالَيتَ يا جَلالُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سابِقُ ، تَعالَيتَ يا رازِقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا صادِقُ ، تَعالَيتَ يا فالِقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَميعُ ، تَعالَيتَ يا سَريعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَفيعُ ، تَعالَيتَ يا بَديعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا فَعّالُ ، تَعالَيتَ يا مُتَعالِ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا قاضى ، تَعالَيتَ يا راضى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قاهِرُ ، تَعالَيتَ يا ظاهِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عالِمُ ، تَعالَيتَ يا حاكِمُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ

يا دائِمُ ، تَعالَيتَ يا قائِمُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عاصِمُ ، تَعالَيتَ يا قاصِمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَنِيُّ ، تَعالَيتَ يا مُغنى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَفِيُّ ، تَعالَيتَ يا قَوِيُّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا كافى ، تَعالَيتَ يا شافى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُقَدِّمُ ، تَعالَيتَ يا مُؤَخِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا أوَّلُ ، تَعالَيتَ يا آخِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ظاهِرُ ، تَعالَيتَ يا باطِنُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَجاءُ ، تَعالَيتَ يا مُرتَجى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ذَا المَنِّ ، تَعالَيتَ يا ذَا الطَّولِ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَيُّ ، تَعالَيتَ يا قَيّومُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا واحِدُ ، تَعالَيتَ يا أحَدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَيِّدُ ، تَعالَيتَ يا صَمَدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قَديرُ ، تَعالَيتَ يا كَبيرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا والى ، تَعالَيتَ يا عالى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عَلِيُّ ، تَعالَيتَ يا أعلى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَلِيُّ ، تَعالَيتَ يا مَولى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ذارِئُ ، تَعالَيتَ يا بارِئُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خافِضُ ، تَعالَيتَ يا رافِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُقسِطُ ، تَعالَيتَ يا جامِعُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُعِزُّ ، تَعالَيتَ يا مُذِلُّ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حافِظُ ، تَعالَيتَ يا حَفيظُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا قادِرُ ، تَعالَيتَ يا مُقتَدِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا عَليمُ ، تَعالَيتَ يا حَليمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَكَمُ ، تَعالَيتَ يا حَكيمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُعطى، تَعالَيتَ يا مانِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ضارُّ، تَعالَيتَ يا نافِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ .

سُبحانَکَ یا مُجیبُ ، تَعالَیتَ یا حَسیبُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا عادِلُ ، تَعالَیتَ یا فاضِلُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا لَطِیفُ ، تَعالَیتَ یا شَرِیفُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا رَبُّ ، تَعالَیتَ یا حَقُّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا ماجِدُ ، تَعالَیتَ یا واحِدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا عَفُوُّ ، تَعالَیتَ یا مُنتَقِمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا واسِعُ ، تَعالَیتَ یا موسِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا رَؤوفُ ، تَعالَیتَ یا عَطوفُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا فَردُ ، تَعالَیتَ یا وَترُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا مُقیتُ ، تَعالَیتَ یا مُحیطُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا وَکیلُ ، تَعالَیتَ یا عَدلُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا مُبینُ ، تَعالَیتَ یا مَتینُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا بَرُّ ، تَعالَیتَ یا وَدودُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا رَشیدُ ، تَعالَیتَ یا مُرشِدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا نورُ ، تَعالَیتَ یا مُنَوِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا نَصیرُ ، تَعالَیتَ یا ناصِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ.سُبحانَکَ یا صَبورُ ، تَعالَیتَ یا صابِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ. سُبحانَکَ یا مُحصی ، تَعالَیتَ یا مُنشِی ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا سُبحانُ ، تَعالَیتَ یا دَیّانُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا مُغیثُ ، تَعالَیتَ یا غِیاثُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا فاطِرُ ، تَعالَیتَ یا حاضِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ یا مُجیرُ . سُبحانَکَ یا ذَا العِزِّ وَالجَمالِ ، تَبارَکتَ یا ذَا الجَبَروتِ وَالجَلالِ . سُبحانَکَ لا إلهَ إلاّ أنتَ ، سُبحانَکَ إنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمینَ ، فَاستَجَبنا لَهُ ونَجَّیناهُ مِنَ الغَمِّ ، وکَذلِکَ نُنجِی المُؤمِنینَ ، وصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ (أجمَعینَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ ، وحَسبُنَا اللّهُ ونِعمَ الوَکیلُ ؛ ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ) (2) . (3) .

1- .المصباح للکفعمی : ص 358 .
2- .أثبتنا مابین القوسین من المصباح ، وفی البلد الأمین : «ثمّ حمدِل وحسبِل وحولِق» .
3- .البلد الأمین : ص 362 ، المصباح للکفعمی : ص 358 .

5 / 3«دعای مُجیر» برای ایّام البیضِ ماه رمضان 1کفعمی ، این دعا را در البلد الأمین و المصباح روایت کرده و در حاشیه المصباح گفته است: «این دعا که دعای مجیر نامیده می شود ، دارای شأن والا و منزلت عظیم است و نسخه های بسیاری دارد که کامل ترین آنها ، همان است که ما آورده ایم. این دعا ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است. [ماجرای این دعا چنین است که] وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام ابراهیم نماز می خواند ، جبرئیل علیه السلامنازل شد [و آن را آورد]. خلاصه فضیلت آن ، این که: هر کس آن را در ایّام البیض ماه رمضان بخواند ، گناهانش آمرزیده شوند... و به سبب این دعا خداوند ، بیمار را شفا می دهد و بدهی را ادا می کند...».

1841.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :البلد الأمین [در بیان] دعای مُجیر ، روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله :به نام خداوند بخشنده مهربان. منزّهی تو ، ای خداوند! والایی تو ، ای بخشنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده!

منزّهی تو، ای مهربان! والایی تو،ای بزرگوار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای فرمان روا! والایی تو ، ای مالک! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای بی عیب ! والایی تو ، ای سلام! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ایمنی بخش! والایی تو ، ای حاکم بر همه چیز! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ارجمند! والایی تو ، ای غالب! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب بزرگی! والایی تو ، ای صاحب جبروت! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای آفریننده! والایی تو ، ای پدیدآورنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صورت آفرین! والایی تو ، ای تقدیرکننده! مارا از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای هدایتگر! والایی تو ، ای ماندگار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای بخشنده! والایی تو ، ای توبه پذیر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای گشاینده! والایی تو ، ای رحمت

آور (بهجت آفرین) ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سَرور من ! والایی تو ،

ای سرپرست من ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نزدیک ! والایی تو ، ای مراقب ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آغازگر ! والایی تو ، ای بازآفرین ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای ستوده ! والایی تو ، ای شکوهمند ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای خدای دیرین ! والایی تو ، ای بزرگ ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آمرزنده ! والایی تو ، ای سپاس گزار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای گواه ! والایی تو ، ای حاضر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای مهرورز ! والایی تو ، ای نعمت بخش ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای برانگیزاننده ! والایی تو ، ای میراث برنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای حیات بخش ! والایی تو ، ای میراننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای مهربان ! والایی تو ، ای اهل مدارا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای همدم ! والایی تو ، ای مونس ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای با عظمت ! والایی تو ، ای زیبا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آگاه ! والایی تو ، ای بینا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای پذیرنده ! والایی تو ، ای مهلت دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای معبود ! والایی تو ، ای موجود ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دانا ! والایی تو ، ای مهلت دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آمرزنده ! والایی تو ، ای قدرتمند ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یادشده ! والایی تو ، ای سپاس گزاری شده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بخشنده ! والایی تو ، ای پناهگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای زیبایی ! والایی تو ، ای شُکوه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سبقت گیرنده ! والایی تو ، ای روزی دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای راستگو ! والایی تو ، ای شکافنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شنوا ! والایی تو ، ای باشتاب ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای والا ! والایی تو ، ای پدیدآورنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بسیارکار ! والایی تو ، ای بلندمرتبه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای داور ! والایی تو ، ای راضی شونده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای قدرتمند ! والایی تو ، ای آشکار ! ما را از

آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دانا ! والایی تو ، ای حاکم ! ما را

از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای اَبَدی ! والایی تو ، ای همیشه پا برجا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نگه دارنده ! والایی تو ، ای در هم شکننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بی نیاز ! والایی تو ، ای بی نیازکننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای وفاکننده ! والایی تو ، ای نیرومند ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای کفایت کننده ! والایی تو ، ای شفادهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای مقدّم دارنده ! والایی تو ، ای تأخیر اندازنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نخست ! والایی تو ، ای فرجام ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آشکار ! والایی تو ، ای پنهان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای امید ! والایی تو ، ای امیدگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب نعمت ! والایی تو ، ای صاحب احسان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای زنده ! والایی تو ، ای همیشه برپا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یکتا ! والایی تو ، ای یگانه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سَرور ! والایی تو ، ای نفوذناپذیر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای توانا ! والایی تو ، ای بزرگ ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سرپرست ! والایی تو ، ای بلندمرتبه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای والا ! والایی تو ، ای برتر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب اختیار ! والایی تو ، ای سرپرست ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای هستی آفرین ! والایی تو ، ای آفریدگار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای پایین آورنده ! والایی تو ، ای بالابرنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دادگر ! والایی تو ، ای جمع کننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای عزّت بخش ! والایی تو ، ای خوارکننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نگهبان ! والایی تو ، ای نگهدار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای توانا ! والایی تو ، ای مقتدر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دانا ! والایی تو ، ای بردبار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای داور ! والایی تو ، ای استوارکار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای عطاکننده ! والایی تو ، ای بازدارنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده !

منزّهی تو ، ای زیان رسان ! والایی تو ، ای سودرسان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای اجابت کننده !

والایی تو ، ای حسابگر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای عادل ! والایی تو ، ای صاحب نعمت ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب لطف ! والایی تو ، ای باشرافت ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو، ای پروردگار ! والایی تو، ای حق ! ما را از آتشْ پناه بده، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب مجد ! والایی تو ، ای یگانه ! ما را از آتشْ پناه بده، ای پناه دهنده ! منزّهی تو، ای بخشاینده ! والایی تو، ای انتقام گیرنده ! ما را از آتشْ پناه بده، ای پناه دهنده ! منزّهی تو، ای گسترده(رحمت) ! والایی تو ، ای گستراننده(هستی) ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب رأفت ! والایی تو ، ای مهرورز ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یگانه ! والایی تو ، ای یکتا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای جزادهنده ! والایی تو ، ای فراگیر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای عهده دار ! والایی تو ، ای دادگر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای روشنگر ! والایی تو ، ای استوار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نیکی کننده ! والایی تو ، ای مهربان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای ره یافته ! والایی تو ، ای راهنما ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نور ! والایی تو ، ای روشنی بخش ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یاور ! والایی تو ، ای یاریگر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صبرپیشه ! والایی تو ، ای شکیبا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شمارنده ! والایی تو ، ای پدیدآورنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بی عیب ! والایی تو ، ای داور ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای پناه دهنده ! والایی تو ، ای پناهگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شکافنده ! والایی تو ، ای حاضر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب عزّت و زیبایی ! خجسته ای تو ، ای صاحب قدرت و شکوه ! منزّهی تو. « معبودی جز تو نیست . منزّهی تو . من از ستمگران بوده ام. پس ، او را اجابت کردیم و او را از اندوه رهاندیم و این گونه ، مؤمنان را نجات می بخشیم » .

و درود خدا بر محمّد و همه خاندانش باد و ستایش ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان است. و خداوند ، ما را بس است و خوب عهده داری است و هیچ قدرتی و نیرویی نیست ، مگر به خداوند والای بزرگ.

ص: 318

..

. .

ص: 320

. .

ص: 321

. .

ص: 322

. .

ص: 323

. .

الفصل السادس : الأعمال المختصَّه بالعشر الأواخر6 / 1الغُسل1845.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَغتَسِلُ فى شَهرِ رَمَضانَ فِي العَشرِ الأواخِرِ فى كُلِّ لَيلَةٍ .
(1)6 / 2الدُّعاء1842.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَةٍ :

أعوذُ بِجَلالِ وَجهِكَ الكَريمِ ، أن يَنقَضِيَ عَنّى شَهرُ رَمَضانَ أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، ولَكَ قِبَلى ذَنبٌ أو تَبِعَهٌ تُعَذِّبُنى عَلَيهِ . (2)1841.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن أيّوب بن يقطين أو غيره عنهم عليهم السلام: دُعاءُ العَشرِ الأَواخِرِ ، تَقولُ فِى اللَّيلَهِ الأُولى :

يا مولِجَ اللَّيلِ فِى النَّهارِ ومولِجَ النَّهارِ فِى اللَّيلِ ، ومُخرِجَ الحَيِّ مِنَ المَيِّتِ ومُخرِجَ المَيِّتِ مِنَ الحَيِّ ، يا رازِقَ مَن يَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا أللّهُ يا رَحيمُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يَذهَبُ بِالشَّکِّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنا فيها ذِكرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام .

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الثّانِيَهِ :

يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيلِ فَإِذا نَحنُ مُظلِمونَ ، ومُجرِىَ الشَّمسِ لِمُستَقَرِّها بِتَقديرِکَ يا عَزيزُ يا عَليمُ ، ومُقَدِّرَ القَمَرِ مَنازِلَ حَتّى عادَ کَالعُرجونِ القَديمِ ، يا نورَ کُلِّ نورٍ ومُنتَهى کُلِّ رَغبَهٍ ووَلِيَّ کُلِّ نِعمَهٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا قُدّوسُ يا أحَدُ يا واحِدُ يا فَردُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا [وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عَلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يَذهَبُ بِالشَّکِّ عَنّى

وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ النّارِ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِكرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ

مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام] . (3)

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الثّالِثَهِ :

يا رَبَّ لَيلَهِ القَدرِ وجاعِلَها خَيراً مِن ألفِ شَهرٍ ، ورَبَّ اللَّيلِ وَالنَّهارِ وَالجِبالِ وَالبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالأنوارِ وَالأرضِ وَالسَّماءِ ، يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا قَيّومُ ، يا أللّهُ يا بَديعُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانِى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ... .

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الرّابِعَهِ :

يا فالِقَ الإصباحِ وجاعِلَ اللَّيلِ سَکَناً وَالشَّمسِ وَالقَمَرِ حُسباناً ، يا عَزيزُ يا عَليمُ ، يا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ وَالقُوَّهِ وَالحَولِ وَالفَضلِ وَالإنعامِ وَالمُلکِ وَالإکرامِ ، (يا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ) يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا فَردُ يا وَترُ ، يا أللّهُ يا ظاهِرُ يا باطِنُ ، يا حَىُّ يا لا إلهَ إلاّ أنتَ ، لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن

تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى ورِضىً بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِی اللّیلَهِ الخامِسَهِ :

یا جاعِلَ اللَّیلِ لِباساً وَالنَّهارِ مَعاشاً وَالأَرضِ مِهاداً وَالجِبالِ أوتاداً ، یا أللّهُ یا قاهِرُ ، یا أللّهُ یا جَبّارُ ، یا أللّهُ یا سَمیعُ ، یا أللّه یا قَریبُ ، یا أللّهُ یا مُجیبُ ، یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُلیا وَالکِبرِیاءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّیِّینَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإیماناً یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی ورِضیً بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَریقِ ، وَارزُقنی فیها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَیکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

وتَقولُ فِی اللَّیلَهِ السّادِسَهِ :

یا جاعِلَ اللَّیلِ وَالنَّهارِ آیَتَینِ ، یا مَن مَحا آیَهَ اللَّیلِ وجَعَلَ آیَهَ النَّهارِ مُبصِرَهً لِتَبتَغوا فَضلاً مِنهُ ورِضواناً ، یا مُفَصِّلَ کُلِّ شَیءٍ تَفصیلاً ، یا ماجِدُ یا وَهّابُ یا أللّهُ یا جَوادُ ، یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ ، لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُلیا وَالکِبرِیاءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِهِ وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّیِّینَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن

تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإیماناً یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وتُرضِیَنی بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَریقِ ، وَارزُقنی فیها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَیکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

وتَقولُ فِی اللَّیلَهِ السّابِعَهِ :

یا مادَّ الظِّلِّ ولَو شِئتَ لَجَعَلتَهُ ساکِناً وجَعَلتَ الشَّمسَ عَلَیهِ دَلیلاً ثُمَّ قَبَضتَهُ إلَیکَ قَبضاً یَسیراً ، یا ذَا الجودِ وَالطَّولِ وَالکِبرِیاءِ وَالآلاءِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ عالِمُ الغَیبِ وَالشَّهادَهِ الرَّحمنُ الرَّحیمُ ، لا إلَهَ إلاّ أنتَ یا قُدّوسُ یا سَلامُ ، یا مُؤمِنُ یا مُهَیمِنُ ، یا عَزیزُ یا جَبّارُ ، یا مُتَکَبِّرُ یا أللّهُ یا خالِقُ یا بارِئُ یا مُصَوِّرُ ، یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُلیا وَالکِبرِیاءُ وَالآلاءُ .

أسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّیِّینَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإیماناً یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وتُرضِیَنی بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَریقِ ، وَارزُقنی فیها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَیکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

وتَقولُ فِی اللَّیلَهِ الثّامِنَهِ :

یا خازِنَ اللَّیلِ فِی الهَواءِ وخازِنَ النّورِ فِی السَّماءِ ، ومانِعَ السَّماءِ أن تَقَعَ عَلَی الأرضِ إلاّ بِإذنِهِ وحابِسَهُما أن تَزولا ، یا عَلیمُ یا غَفورُ ، یادائِمُ یا أللّهُ ، یا وارِثُ یا باعِثَ مَن فِی القُبورِ ، یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُلیا وَالکِبرِیاءُ وَالآلاءُ .

أسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّیِّینَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإیماناً یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وتُرضِیَنی بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَریقِ ، وَارزُقنی فیها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَیکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

وتَقولُ فِی اللَّیلَهِ التّاسِعَهِ :

یا مُکَوِّرَ اللَّیلِ عَلَی النَّهارِ ومُکَوِّرَ النَّهارِ عَلَی اللَّیلِ ، یا عَلیمُ یا حَکیمُ یا أللّهُ ، یا رَبَّ الأَربابِ وسَیِّدَ السّاداتِ لا إلهَ إلاّ أنتَ ، یا أقرَبَ إلَیَّ مِن حَبلِ الوَریدِ ، یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُلیا وَالکِبرِیاءُ وَالآلاءُ .

أسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّیِّینَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لی یَقیناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإیمانا یُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وتُرضِیَنی بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَریقِ ، وَارزُقنی فیها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَیکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفیقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام.

وتَقولُ فِی اللَّیلَهِ العاشِرَهِ :

الحَمدُ للّهِ لا شَريکَ لَهُ ، الحَمدُ للّهِ کَما يَنبَغی لِکَرَمِ وَجهِهِ وعِزِّ جَلالِهِ وکَما هُوَ أهلُهُ ، يا قُدّوسُ يا نورَ القُدسِ ، يا سُبّوحُ يا مُنتَهَی التَّسبيحِ ، يا رَحمانُ يا فاعِلَ الرَّحمَهِ ، يا عَليمُ يا کَبيرُ يا أللّهُ ، يا لَطيفُ يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا سَميعُ يا بَصيرُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنی وَالأَمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمی فی هذِهِ اللَّيلَهِ فِی السُّعَداءِ وروحی مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانی فی عِلِّيِّينَ وإساءَتی مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لی يَقينا تُباشِرُ بِهِ قَلبی وإيمانا يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّی وتُرضِيَنی بِما قَسَمتَ لی ، وآتِنا فِی الدُّنيا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وارزُقنی فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام . (4) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 358 ، بحارالأنوار : ج 81 ص 19 ح 24 .
2- .الکافی : ج 4 ص 160 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 156 ح 4 .
3- .أثبتنا ما بين المعقوفين من مصباح المتهجّد والمصادر الأخری ، وفی المصدر بعد «والأمثال العليا» : «ثمّ تعود إلی الدعاء الأوّل إلی قوله : أسألک أن تصلّی علی محمّد وأهل بيته إلی آخر الدعاء» .
4- .الکافی : ج 4 ص 164 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 154 ح 4 .

فصل ششم : اعمال مخصوص دهه آخر

6 / 1 غسل

6 / 2 دعا

فصل ششم : اعمال مخصوص دهه آخر6 / 1غسل1839.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب غسل می کرد.6 / 2دعا1836.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب چنین می گویی :

«به شُکوه ذات کریم تو پناه می برم که ماه رمضان بر من بگذرد ، یا سپیده امشب بدمد و مرا نزد تو ، گناه یا خطایی باشد که بر آن ، عذابم کنی» .1838.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از ایّوب بن یقطین یا دیگری ، از امامان علیهم السلام، درباره دعای دهه آخر :

در شب اوّل می گویی :

«ای فرو برنده شب در روز و فرو برنده روز در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ! ای روزی دهنده بی شمار ، به هر که خواهد ! ای خداوند ، ای بخشاینده ، ای خداوند ! ای مهربان ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و نامم را امشب در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب آتش سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ،

بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندانش محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب دوم می گویی:

«ای بیرون آورنده روز از شب که ما ، ناگهان در ظلمت قرار می گیریم و جاری کننده خورشید به سوی قرارگاهش به تقدیر خودت ! ای ارجمند ، ای دانا و ای تقدیرکننده ماه در برج ها (منزلگاه ها) تا آن که همچون شاخه زردِ کهنه گردد ! ای فروغ هر روشنایی و نهایت هر تمایل و آرزو و صاحب هر نعمت ! ای خداوند ، ای مهربان ! ای خداوند ، ای پاک ! ای یگانه ، ای یکتا ، ای بی نظیر ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب آتش سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ،

روزی ام گردان !».

و در شب سوم می گویی:

«ای پروردگار شب قدر و ای که آن را بهتر از هزار ماه قرار دادی ، و ای پروردگار شب و روز و کوه ها و دریاها و تاریکی ها و روشنایی ها و زمین و آسمان ! ای پدیدآورنده ، ای صورت آفرین ! ای مهربان ، ای صاحب احسان ! ای خداوند ، ای بخشنده ! ای خداوند ، ای برپای ! ای خداوند ، ای آفریننده ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب نامم در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و

گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب چهارم می گویی:

«ای شکافنده صبح و ای که شب را مایه آرامش ، و خورشید و ماه را وسیله اندازگیری [زمان] ، قرار دادی! ای ارجمند! ای دانا! ای صاحب نعمت و نیکی و نیرو و قدرت و احسان و عطا و پادشاهی و بزرگواری! ای صاحب شُکوه و بزرگواری! ای خداوند ، ای بخشاینده! ای خداوند ، ای یکتا، ای یگانه! ای خداوند ، ای آشکار ، ای پنهان! ای زنده ، ای آن که جز تو معبودی نیست! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی ونعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهانم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم

شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب پنجم می گویی:

«ای که شب را مایه پوشش ، و روز را وسیله کسب معاش ، و زمین را بستری گسترده ، و کوه ها را میخ های استوار ، قرار دادی! ای خداوند ، ای چیره! ای خداوند ، ای مقتدر! ای خداوند! ای شنوا! ای خداوند ، ای

نزدیک ! ای خداوند ، ای اجابت کننده ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها ازآنِ توست.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب ششم می گویی:

«ای که شب و روز را دو نشانه قرار داد ! ای که نشانه شب را زدود و نشانه روز را روشن قرار داد تا نیکی و رضای خداوندی را طلب کنید ! ای تفصیل دهنده هر چیز به تفصیلی شایسته ! ای شکوهمند ، ای بخشنده ! ای خداوند ، ای سخاوتمند ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و

گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب هفتم می گویی:

«ای گسترنده سایه ، اگر می خواستی ، آن را ساکن می ساختی و خورشید را نشان آن قرار می دادی و سپس آن را اندکی به سوی خویش بر می گرفتی! ای صاحب بخشندگی و احسان و بزرگی و نعمت ها! معبودی جز تو نیست. تو ، دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانی.

معبودی جز تو نیست. ای پاک ، ای بی عیب! ای ایمنی بخش ، ای حاکم بر هر چیز! ای مقتدر ، ای قدرتمند! ای صاحب بزرگی ، ای خداوند! ای آفریدگار ، ای پدیدآورنده ، ای صورت آفرین! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای روزی ام گردان !».

و در شب هشتم می گویی:

«ای خزینه دار شب در هوا و خزینه دار نور در آسمان و نگه دارنده آسمان از سقوط مگر به اذن او و نگه دارنده آن دو (آسمان و زمین) از نابودی! ای دانا ، ای آمرزنده! ای همیشگی ، ای خداوند! ای میراث بر ، ای برانگیزاننده خفتگان گورها! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب نهم می گویی:

«ای واردکننده شب بر روز ، و واردکننده روز بر شب ! ای دانا ، ای حکیم ، ای خداوند ! ای پروردگار همه پرورندگان و سَرور سَروران ! معبودی جز تو نیست. ای آن که از رگ گردن به من نزدیک تری ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نام مرا در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب دهم می گویی:

«ستایش ، برای خداست؛ شریکی ندارد. ستایش ، برای خداست ، آن گونه که شایسته ذات بزرگوار و عزّت شکوهمندی اوست و آن گونه که او سزاوار آن است. ای پاک ، ای فروغ پاکی ! ای منزّه ، ای نهایت ستودگی ! ای بخشنده ، ای رحمت ساز ! ای دانا ، ای بزرگ ، ای خداوند ! ای لطیف ، ای بزرگ ، ای خداوند ! ای شنوا ، ای بینا ، ای خداوند ! ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نام مرا در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را با والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم

شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

.

ص: 326

. .

ص: 327

. .

ص: 328

. .

ص: 329

. .

ص: 330

. .

ص: 331

..

ص: 332

. .

ص: 333

. .

ص: 334

. .

ص: 335

. .

6 / 3الاِعتِکاف1835.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در مناجات با حضرت حق عز و جل) الکافی عن الحلبی عن الإمام الصادق علیه السلام :«کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا کانَ العَشرُ الأَواخِرُ اعتَکَفَ فِی المَسجِدِ ، وضُرِبَت لَهُ قُبَّهٌ مِن شَعرٍ ، وشَمَّرَ المِئزَرَ ، وطَوی فِراشَهُ» 1 . وقالَ بَعضُهُم : وَاعتَزَلَ النِّساءَ .

فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : «أمَّا اعتِزالُ النِّساءِ فَلا» . (1)تعلیققال السیّد ابن طاووس قدس سره : اعلم أنّ کمال الاعتکاف هو إیقاف العقول والقلوب والجوارح علی مجرّد العمل الصالح ، وحبسها علی باب اللّه جلّ جلاله ، ومقدّس إرادته ، وتقییدها بقیود مراقباته ، وصیانتها عمّا یصون الصائم کمال صونه عنه ، ویزید علی احتیاط الصائم فی صومه زیاده معنی المراد من الاعتکاف ، والتلزّم بإقباله علی اللّه وترک الإعراض عنه . فمتی أطلق المعتکف خاطرا لغیر اللّه فی طرق أنوار عقله وقلبه ، أو استعمل جارحه فی غیر الطاعه لربّه ، فإنّه یکون قد أفسد من حقیقه کمال الاعتکاف بقدر ما غفل أو هوّن به من کمال الأوصاف . (2)

.

1- .الکافی : ج 4 ص 175 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 273 ح 102 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 357 .

نکته

6 / 3اعتکاف1835.عنه صلی الله علیه و آله : (فی المناجاه مع اللّه جلّ وعلی) الکافی به نقل از حلبی ، از امام صادق علیه السلام :«دهه آخر ماه رمضان که می شد ، پیامبر خدا در مسجد ، معتکف می شد و برای او چادری بافته شده از مو[ی چارپایان] برافراشته می گشت. کمر [به عبادت] می بست و بستر خود را جمع می کرد».

و برخی گفتند: از زنان نیز کناره می گرفت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «امّا کناره گیری از زنان ، نه».نکتهسیّد ابن طاووس گوید: کمال اعتکاف ، آن است که عقل و دل و اعضا را تنها برای عمل صالح ، اختصاص دهد و آنها را در آستان خدای متعال و اراده مقدّس او نگه دارد و نیز با قید و بندهای مراقبت الهی ، مقیّد سازد و آنها را از آنچه یک روزه دار خود را به نحو کامل از آنها نگه می دارد ، نگه دارد و بر احتیاط روزه دار در روزه اش ، معنای اراده شده از اعتکاف و همواره اقبال داشتن به سوی خدا و ترک اعراض از او ، بیفزاید. پس هر گاه معتکف ، در راه های انوار عقل و دلش ، خاطر را برای غیر خدا رها سازد،یا عضوی را در غیر اطاعت پروردگارش به کار گیرد ، به همان اندازه که غافل شود و یا کمال اوصاف را نادیده بگیرد ، حقیقت کمال اعتکاف را تباه ساخته است.

.

راجع : ص 196 (ما يؤكد استحبابه من الأعمال / الاعتكاف) .

6 / 4الاِجتِهادُ فِى العِبادَةِ1829.امام صادق عليه السلام :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يوقِظُ أهلَهُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ . (1)1828.المعجم الكبير (به نقل از ابن عمر) الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ إذا دَخَلَ العَشرُ الأَواخِرُ شَدَّ المِئزَرَ ، وَاجتَنَبَ النِّساءَ ، وأحيَا اللَّيلَ ، وتَفَرَّغَ لِلعِبادَةِ . (2) .

1- .سنن الترمذى : ج 3 ص 161 ح 795 ؛ مجمع البيان : ج 10 ص 787 .
2- .الكافى : ج 4 ص 155 ح 3 .

ر . ک : ص 197 (کارهایی که بر استحباب آنها ، تأکید شده است / اعتکاف) .

6 / 4تلاش برای عبادت1824.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر صلی الله علیه و آله خانواده خود را برای دهه آخر از [ماه] رمضان ، بیدار می کرد.1830.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون دهه آخر وارد می شد ، پیامبر خدا کمر را می بست و از زنان ، کناره می گرفت و شب را احیا می داشت و تنها به عبادت می پرداخت.

.

الفصل السابع : نوافل شهر رمضان7 / 1صَلاةُ رَكعَتَينِ فى كُلِّ لَيلَةٍ1656.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى اللهَ عليه و آله :مَن صَلّى فى شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَةٍ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ : بِ «فاتِحَهِ الكِتابِ» مَرَّةً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ثَلاثَ مَرّاتٍ إن شاءَ صَلاّهُما فى أوَّلِ اللَّيلِ وإن شاءَ فى آخِرِ اللَّيلِ وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ نَبِيّا ، إنَّ اللّهَ عز و جل يَبعَثُ بِكُلِّ رَكعَةٍ مِئَةَ أَلفِ مَلَكٍ يَكتُبونَ لَهُ الحَسَناتِ ويَمحونَ عَنهُ السَّيِّئاتِ ويَرفَعونَ لَهُ الدَّرَجاتِ ، وأعطاهُ ثَوابَ مَن أعتَقَ سَبعينَ رَقَبَةً . (1)7 / 2أَلفُ رَكعَةٍ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ1659.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنِ استَطَعتَ أن تُصَلِّىَ فى شَهرِ رَمَضانَ وغَيرِهِ فِى اليَومِ وَاللَّيلَةِ ألفَ رَكعَةٍ فَافعَل ؛ فَإِنَّ عَلِيّاً عليه السلام كانَ يُصَلِّى فِى اليَومِ وَاللَّيلَةِ أَلفَ رَكعَةٍ . (2) .

1- .بحار الأنوار : ج 96 ص 346 ح 11 نقلاً عن النوادر للراوندى .
2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 61 ح 209 .

فصل هفتم : نوافل ماه رمضان

1 / 7 دو رکعت نماز در هر شب

2 / 7 هزار رکعت در هر شب و روز

فصل هفتم : نوافل ماه رمضان7 / 1دو رکعت نماز در هر شب1659.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در ماه رمضان ، هر شب ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «فاتحه الکتاب» و سه بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند و اگر خواست ، این دو رکعت را در اوّل شب یا آخر شب بخواند سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت ، خداوند برای هر رکعت ، صد هزار فرشته می آفریند که برای او حسنات می نویسند و گناهان را از او محو می کنند و درجات او را بالا می برند و خداوند ، پاداش کسی را به او می دهد که هفتاد برده آزاد کرده باشد.7 / 2هزار رکعت در هر شب و روز1662.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:اگر بتوانی در ماه رمضان و غیر آن ، در شبانه روز ، هزار رکعت نماز بخوانی ، چنین کن؛ چرا که علی علیه السلام در شبانه روز ، هزار رکعت نماز می خواند.

.

7 / 3ألفُ رَكعَةٍ فِی الشَّهرِوهِیَ المُسَمّاهُ بِ «نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ»

1662.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :یُصَلّی فی شَهرِ رَمَضانَ إلی ألفِ رَکعَةٍ . (1)1827.عنه صلی الله علیه و آله :المقنعه :ومِن سُنَّتِهِ قِیامُ لَیلِهِ بِألفِ رَکعَةٍ سِوَی الإِحدی وَالخَمسینَ . (2) .

1- .المعتبر : ج 2 ص 368 ، وسائل الشیعه : ج 8 ص 35 ح 12 وفیه «تصلّی فی شهر رمضان ألف رکعه» .
2- .المقنعه : ص 311 .

7 / 3 هزار رکعت در ماه(معروف به نوافل ماه رمضان)

اشاره

7 / 3هزار رکعت در ماه(معروف به نوافل ماه رمضان)1823.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در ماه رمضان ، هزار رکعت نماز خوانده می شود.1822.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المقنعه:از مستحبّات [ماه] رمضان ، شب را با هزار رکعت نماز به عبادت پرداختن است ، به غیر از آن پنجاه و یک رکعت.

.

ص: 344

. .

سخنی درباره نوافل ماه رمضان و ترتیب آنها

اشاره

سخنی درباره نوافل ماه رمضان و ترتیب آنهاماه رمضان ، بجز نافله های نمازهای پنجگانه ، نافله هایی دارد. روایات اهل بیت علیهم السلام ، بر نافله های دیگری در این ماه ، تشویق و توصیه دارند که از این قرار است: 1. افزودن بر نماز[های مستحبّی] به طور کلّی ، 2. دو رکعت نماز در هر شب ، 3. نوافل مخصوص شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، 4. نوافل شب های: سیزدهم ، چهاردهم و پانزدهم ، 5 . نوافل مخصوص شب نیمه ماه رمضان ، 6. هزار رکعت نماز در هر شبانه روز ، بلکه در هر شب و در هر روز ، 7. هزار رکعت نماز در همه ماه رمضان ، 8 . نمازهای مخصوص هر شب به طور جداگانه.

.

یک . آزادی نمازگزار در گزینش

دو . تزاحم نداشتن با عبادتی مهم تر

سه . استحباب هزار رکعت در ماه رمضان

درباره این نافله ها و نمازهای اضافی ، نکات مهمّی وجود دارند که باید به آنها توجّه داشت. این نکات ، عبارت اند از:

یک . آزادی نمازگزار در گزینشظاهرا انگیزه نهفته در پس آن همه تأکید موجود در روایات برای انجام دادن این حجم بسیار از نوافل ، به این باز می گردد که نمازگزار ، برای انتخاب نمازی متناسب با حال و عمل و توان و وقت خویش ، فرصت گزینش داشته باشد و بهره بیشتری از برکات این ماه و فیض های معنوی آن ببرد ، وگرنه انجام دادن این همه نافله در ماه رمضان ، عملاً برای انسان ، شدنی نیست.

دو . تزاحم نداشتن با عبادتی مهم ترتوصیه به این نوافل ، مشروط به این است که انجام دادن آنها با یک تکلیف واجب یا مستحبّ مهم تر تزاحم نداشته باشد ، که در صورت مزاحم بودن ، ترک آنها لازم است.

سه . استحباب هزار رکعت در ماه رمضاندر میان نوافل ، تأکید ویژه ای بر انجام دادن هزار رکعت نماز نافله در ماه رمضان وجود دارد و روایات بسیاری ، کیفیّت آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلامبیان کرده اند. آنچه نزد فقهای مکتب اهل بیت علیهم السلام مشهور است، اعتقاد آنان به استحباب هزار رکعت در این ماه ، افزون بر بقیّه نوافل است. مرحوم ملاّ احمد نراقی (م 1245 ق) در مستند الشیعه ، هنگام نقل نمازهای مستحبّ غیر روزانه ، چنین گفته است: سوم. هزار رکعت نافله ماه رمضان ، افزون بر نافله های مشخّص شده است . این هزار رکعت ، طبق روایت و فتوای مشهورتر ، مستحب است ؛ بلکه از

.

چهار . چگونگی آوردن هزار رکعت نافله در ماه رمضان

سیّد و ابن ادریس حلّی و دیلمی ، اجماع بر آن نقل شده است ، امّا این ادعای اجماع با آنچه صاحب ریاض المسائل از شیخ صدوق نقل کرده و شیخ طوسی در کتاب خلاف به اصحاب ما نسبت می دهد و نیز با برخی روایات همخوان نیست ولی چون این موارد ، نادرند ، شیخ صدوق خود در کتاب من لایحضره الفقیه قائل به جواز شده است . و جواز ، مستلزم استحباب است . پس ، جواز آن ، اجماعی است.

چهار . چگونگی آوردن هزار رکعت نافله در ماه رمضانانجام دادن هزار رکعت نافله در ماه رمضان ، به یکی از دو ترتیب زیر است : 1. تا پایان شب بیستم ، هر شب بیست رکعت نافله می خواند: هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت پس از نماز عشا ، یا بر عکس. در دهه آخر نیز در هر شب ، ده رکعت پس از نماز عشا می افزاید. همچنین در سه شب قدر ، هر شب صد

.

رکعت ، بیشتر می خواند. 2. هر شب تا شب نوزدهم ، بیست رکعت نماز می خواند و در شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، هر شب ، صد رکعت نماز می افزاید. سپس در هشت شب آخر ، هر شب ، سی رکعت می افزاید تا مجموع آنها ، نهصد و بیست رکعت شود. امّا هشتاد رکعت باقی مانده را این گونه می خوانی: در هر جمعه از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز امیرمؤمنان ، علی علیه السلام ، دو رکعت نماز حضرت فاطمه علیهاالسلام ، و چهار رکعت نماز جعفر طیّار را می خوانی و در آخرین شب جمعه ، بیست رکعت برای امام علی علیه السلام و در شامگاه آن (شب شنبه) ، بیست رکعت برای حضرت فاطمه علیهاالسلاممی خوانی. از منابع حدیثی یادشده در متن ، چنین روشن می شود که برای هر یک از این دو شیوه روایاتی وجود دارند. از این رو ، مقتضای جمع بین روایات ، تخییر است ، آن گونه که در مستند الشیعه آمده است.

.

اشاره

بخش چهارم : شب قدر

.

الفصل الأوّل : فضائلها وخصائصها1 / 1فَضائِلُ لَيلَهِ القَدرِالقرآن«إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ * وَ مَآ أَدْرَاکَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ * لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ * سَلَمٌ هِىَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» . (1)

«حم * وَ الْکِتَبِ الْمُبِينِ * إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهٍ مُّبَرَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِيمٍ * أَمْرا مِّنْ عِندِنَآ إِنَّا کُنَّا مُرْسِلِينَ» . (2)

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» . (3)

الحديث1812.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، ولَيلَهُ القَدرِ سَيِّدَهُ اللَّيالى . (4) .

1- .القدر : 1 5 .
2- .الدخان : 1 5 .
3- .البقره : 185 .
4- .بحار الأنوار : ج 40 ص 54 ح 89 نقلاً عن كنز الفوائد .

فصل یکم : فضایل و ویژگی های شب قدر

1 / 1 فضایل شب قدر

فصل اوّل : فضایل و ویژگی های شب قدر1 / 1فضایل شب قدرقرآن« ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم * و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ * شب قدر ، بهتر از هزار ماه است * در آن شب ، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان در پیِ هر کاری فرود می آیند * آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است».

« حم * سوگند به کتاب روشنگر * همانا ما آن را در شبی خجسته نازل کردیم و همانا ما بیم دهندگان بودیم * در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود * فرمانی از سوی ماست و ما فرستنده [ی فرستادگان] هستیم» .

«ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است ، تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جدایی حق از باطل باشد».

حدیث1809.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:ماه رمضان ، سَرور ماه هاست و شب قدر ، سَرور شب ها.

.

1808.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى : إلهى اُريدُ قُربَکَ .

قالَ : «قُربى لِمَن يَستَيقِظُ لَيلَةَ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ رَحمَتَکَ .

قالَ : «رَحمَتى لِمَن رَحِمَ المَساكينَ لَيلَةَ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ الجَوازَ عَلَى الصِّراطِ .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن تَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ فى لَيلَهِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ أشجارَ الجَنَّهِ وثِمارَها .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن سَبَّحَ تَسبيحَهً فى لَيلَهِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ النَّجاهَ مِنَ النّارِ .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن استَغفَرَ فى لَيلَهِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ رِضاکَ .

قالَ : «رِضائَ لِمَن صَلّى رَكعَتَينِ فى لَيلَهِ القَدرِ» . (1)1807.مسند ابن حنبل (به نقل از مطرف بن عبد اللّه بن شخّير) ثواب الأعمال :عَن حُمرانَ أنَّهُ سَأَلَ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِنَّآ أنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهٍ مُّبَرَكَهٍ» .

قالَ : «نَعَم ، هِيَ لَيلَهُ القَدرِ ، وهِيَ مِن كُلِّ سَنَهٍ فى شَهرِ رَمَضانَ فِى العَشرِ الأَواخِرِ ، فَلَم يُنزَلِ القُرآنُ إلاّ فى لَيلَهِ القَدرِ . قالَ اللّهُ عز و جل : « فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » قالَ : يُقَدَّرُ فى لَيلَهِ القَدرِ كُلُّ شَىءٍ يَكونُ فى تِلکَ السَّنَهِ إلى مِثلِها مِن قابِلٍ مِن خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو طاعَهٍ أو مَعصِيَهٍ ، أو مَولودٍ أو أجَلٍ أو رِزقٍ ، فَما قُدِّرَ فى تِلکَ اللَّيلَهِ وقُضِيَ فَهُوَ مِنَ المَحتومِ وللّهِ فيهِ المَشِيَّهُ» .

قالَ : قُلتُ لَهُ : « لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» أىُّ شَىءٍ عُنِىَ بِها؟

قالَ : «العَمَلُ الصّالِحُ فيها مِنَ الصَّلاهِ وَالزَّكاهِ وأنواعِ الخَيرِ ، خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى أَلفِ شَهرٍ لَيسَ فيها لَيلَهُ القَدرِ ، ولَولا ما يُضاعِفُ اللّهُ لِلمُؤمِنينَ ما بَلَغوا ، ولكِنَّ اللّهَ عز و جل يُضاعِفُ لَهُمُ الحَسَناتِ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 145 ح 3 .
2- .ثواب الأعمال : ص 92 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 19 ح 41 .

1806.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:موسی گفت: خدایا! نزدیکی به تو را می خواهم.

فرمود: «نزدیکی به من ، برای کسی است که شب قدر را بیدار می ماند».

گفت: خدایا! رحمت تو را می خواهم.

فرمود: «رحمت من ، برای کسی است که در شب قدر بر بینوایان ترحّم کند».

گفت: خدایا! عبور از صراط را می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، صدقه ای بدهد».

گفت: خدایا! درختان و میوه های بهشتی می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، تسبیح گوید».

گفت: خدایا! رهایی از آتش را می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، آمرزش بخواهد و استغفار کند».

گفت: خدایا! خرسندی تو را می خواهم.

فرمود: «خرسندی من ، برای کسی است که در شب قدر ، دو رکعت نماز بگزارد».1807.مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبد اللّه بن الشّخّیر :ثواب الأعمال به نقل از حُمران :از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند: « همانا ما آن را در شبی خجسته نازل کردیم» پرسیدم.

فرمود: «آری. آن ، شب قدر است و آن ، در هر سال در ماه رمضان و در دهه آخر است. قرآن ، جز در شب قدر ، نازل نشده است.

خداوند فرموده است: « در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود» . در آن شب ، هر چیز نیک و بدی که در آن سال تا سال آینده خواهد شد و هر طاعت یا معصیتی ، یا هر نوزاد یا اَجَل یا روزی ای ، مقدّر می شود. پس ، آنچه در آن شب ، مقدّر و حتمی شود ، قطعی است و مشیّت خدا در همان است».

به امام علیه السلام گفتم: مقصود از: « شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» چیست؟

فرمود: «در آن شب ، کار شایسته (مثل: نماز و زکات و خوبی های گوناگون) بهتر از کار در هزار ماهی است که شب قدر در آنها نباشد و اگر چنین نبود که خداوند ، بر پاداش مؤمنان می افزاید ، به آن نمی رسیدند؛ لیکن خداوند بر حسنات آنان می افزاید». .

1806.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :قَلبُ شَهرِ رَمَضانَ لَيلَةُ القَدرِ . (1)1 / 2خَصائِصُ لَيلَةِ القَدرِ أ فيها تَقديرُ كُلِّ شَیءٍ يَكونُ فِی السَّنَهِالقرآن«تَنَزَّلُ الْمَلَئِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ» . (2)

«فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» . (3)

الحديث1805.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام فی قَولِ اللّهِ تعالى : «تَنَزَّلُ الْمَلَئِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا » : تَنَزَّلُ فيهَا المَلائِكَهُ وَالكَتَبَهُ إلَى السَّماءِ الدُّنيا ، فَيَكتُبونَ ما يَكونُ فِی السَّنَهِ مِن اُمورِ ما يُصيبُ العِبادَ ، وَالأمرُ عِندَهُ مَوقوفٌ ، لَهُ فيهِ المَشِيَّهُ ، فَيُقَدِّمُ ما يَشاءُ ، ويُؤَخِّرُ ما يَشاءُ ، ويَمحو ما يَشاءُ ويُثبِتُ ، وعِندَهُ اُمُّ الكِتابِ . (4) .

1- .الكافی : ج 4 ص 66 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 58 ص 376 ح 9 .
2- .القدر : 4 .
3- .الدخان : 4 .
4- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 281 ، الكافی : ج 4 ص 157 ح 3 عن أحدهما عليه السلام نحوه .

الف تقدیر هر چه در سال خواهد شد ، در آن شب است

1804.سنن الترمذی عن ابن مسعود :امام صادق علیه السلام:شب قدر ، قلب ماه رمضان است.1 / 2ویژگی های شب قدرالف تقدیر هر چه در سال خواهد شد ، در آن شب است«در آن شب ، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان در پیِ هر کاری فرود می آیند».

« در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود»» .

1667.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام درباره آیه « در آن شب ، فرشتگان و روح ، فرود می آیند» :در آن شب ، فرشتگان و نگارندگان [اعمال] ، به آسمان دنیا فرود می آیند و کارهایی را که به بندگان در طول سال خواهد رسید ، می نویسند و کار ، بسته به فرمان خدا و خواست اوست. آنچه را بخواهد ، جلو ، و آنچه را بخواهد ، عقب می اندازد ، و آنچه را بخواهد ، محو یا ثابت می کند؛ و اُمّ الکتاب (کتاب اصلی) پیش اوست.

.

1668.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام مِن وَصِيَّتِهِ لِوُلدِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :فَاجهَدوا أنفُسَكُم فَإِنَّ فيهِ تُقسَمُ الأَرزاقُ ، وتُكتَبُ الآجالُ ، وفيهِ يُكتَبُ وَفدُ اللّهِ الَّذينَ يَفِدونَ إلَيهِ ، وفيهِ لَيلَةٌ العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ . (1)1669.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :اللَّيلَةُ الَّتى يُفرَقُ فيها كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، يُنزَلُ فيها ما يَكونُ فى السَّنَهِ إلى مِثلِها من خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو رِزقٍ أو أمرٍ ، أو مَوتٍ أو حَياهٍ ، ويُكتَبُ فيها وَفدُ مَكَّةَ ؛ فَمَن كانَ فى تِلكَ السَّنَهِ مَكتوبا ، لَم يَستَطِع أن يَحبِسَ وإن كانَ فَقيرا مَريضا، ومَن لَم يَكُن فيها مَكتوبا، لَم يَستَطِع أن يَحُجَّ وإن كانَ غَنِيّا صَحيحا . (2)راجع : ص 370 (دور ثلاث ليال فى التقدير) وص 352 ، ح 246 .

ب هِيَ أوَّلُ السَّنَهِ وآخِرُها1667.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَةُ القَدرِ هِيَ أوَّلُ السَّنَهِ ، وهِيَ آخِرُها . (3)1668.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :رَأسُ السَّنَهِ لَيلَةُ القَدرِ ، يُكتَبُ فيها ما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ . (4)راجع : ص 30 (خصائص شهر رمضان / أوّل السنه) .

ج اِختِصاصُها بِوُلاهِ الأَمرِ1671.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى اللهِ عليه و آله :آمِنوا بِلَيلَهِ القَدرِ ؛ إنَّها تَكونُ لِعَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ ولِوُلدِهِ الأَحَدَ عَشَرَ مِن بَعدى . (5) .

1- .الكافى : ج 4 ص 66 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 341 ح 6 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 341 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 142 ح 3 .
3- .الكافى : ج 4 ص 160 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 16 ح 31 .
4- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 332 ح 1042 .
5- .الكافى : ج 1 ص 533 ح 12 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 15 ح 26 .

ب آغاز و پایان سال است

ج اختصاص آن به پیشوایان

1672.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در سفارش به فرزندانش هنگام فرا رسیدن ماه رمضان :خود را به تلاش افکنید ، که در این ماه ، روزی ها تقسیم می شوند و اَجَل ها نوشته می شوند ، و در این ماه ، میهمانان خدا که به زیارت خانه اش می روند ، نوشته (معیّن) می شوند و در آن ، شبی است که عمل در آن بهتر از عمل در هزار ماه است 1673.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در شبی که در آن هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود ، هر چه در طول سال تا شب قدر آینده خواهد شد (از: خیر و شر ، یا روزی و هر کاری ، یا مرگ و زندگی) ، فرو فرستاده می شود. در آن شب ، کاروانیان مکّه ، نوشته می شوند. پس از حاجیانِ آن سال ، هر که نوشته (تعیین) شده باشد ، نمی تواند به مکّه نرود ، هر چند تهی دست و بیمار باشد و هر که حجّ او مقدّر نباشد ، نمی تواند حج بگزارد ، هر چند ثروتمند و تن درست باشد.ر . ک : ص 371 (نقش سه شب در سرنوشت) . و ص 353 ، ح 246 .

ب آغاز و پایان سال است1671.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب قدر ، آغاز سال و پایان آن است.1672.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:سرِ سال ، شب قدر است. در آن شب ، آنچه از این سال تا سال آینده خواهد شد ، نوشته می شود.ر . ک : ص 31 (ویژگی های ماه رمضان / آغاز سال) .

ج اختصاص آن به پیشوایان1675.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:به شب قدر ایمان بیاورید. آن شب ، پس از من ، از آنِ علی بن ابی طالب و فرزندان یازده گانه اوست.

.

1676.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الجواد عليه السلام :إنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام قالَ لِابنِ عَبّاسٍ : «إنَّ لَيلَةَ القَدرِ فى كُلِّ سَنَةٍ ، وإنَّهُ يَنزِلُ فى تِلكَ اللَّيلَةِ أمرُ السَّنَةِ ، ولِذلِكَ الأمرِ وُلاهٌ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله» .

فَقالَ ابنُ عَبَّاسٍ : مَن هُم؟

قالَ عليه السلام : «أنَا وأحَدَ عَشَرَ مِن صُلبى أئِمَّهٌ مُحَدَّثونَ» .

1677(1).عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :قالَ لى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «يا عَلِىُّ ، أتَدرى ما مَعنى لَيلَةِ القَدرِ؟»

فَقُلتُ : لا ، يا رَسولَ اللّهِ .

فَقالَ صلى الله عليه و آله : «إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وتَعالى قَدَّرَ فيها ما هُوَ كائِنٌ إلى يَومِ القِيامَهِ ، فَكانَ فيما قَدَّرَ عز و جل وِلايَتُکَ ووِلايَهُ الأئِمَّهِ مِن وُلدِکَ إلى يَومِ القِيامَهِ» .

1679(2).معانى الأخبار عن أحمد بن أبى عبد اللّه عن أبيه رفالإمام الباقر عليه السلام :لاتَخفى عَلَينا لَيلَهُ القَدرِ ، إنَّ المَلائِكَهَ يَطوفونَ بِنا فيها .

1676(3).پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تفسير القمّى :قيلَ لِأبى جَعفَرٍ عليه السلام : تَعرِفونَ لَيلَهَ القَدرِ؟

فَقالَ : «وكَيفَ لانَعرِفُ لَيلَهَ القَدرِ وَالمَلائِكَهُ يَطوفونَ بِنا فيها» .

1802(4).عنه صلى الله عليه و آله :رجال الكشّى عن إسماعيل بن أبى حمزه :رَكِبَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يَوماً إلى حائِطٍ لَهُ مِن حيطانِ المَدينَهِ ، فَرَكِبتُ مَعَهُ إلى ذلِکَ الحائِطِ ومَعَنا سُلَيمانُ بنُ خالِدٍ .

فَقالَ لَهُ سُلَيمانُ بنُ خالِدٍ : جُعِلتُ فِداکَ ! يَعلَمُ الإمامُ ما فى يَومِهِ؟

فقالَ : «يا سُلَيمانُ ، وَالَّذى بَعَثَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّهِ وَاصطَفاهُ بِالرِّسالَهِ ، إنَّهُ لَيَعلَمُ

ما فى يَومِهِ ، وفى شَهرِهِ ، وفى سَنَتِهِ» .

ثُمَّ قالَ : «يا سُلَيمانُ ، أما عَلِمتَ أنَّ رُوحاَ تَنزِلُ عَلَيهِ فى لَيلَهِ القَدرِ فَيَعلَمُ ما فى تِلکَ السَّنَهِ إلى مِثلِها مِن قابِلٍ ، وعَلِمَ ما يَحدُثُ فَى اللَّيلِ وَالنَّهارِ» . (5) .

1- .الكافى : ج 1 ص 532 ح 11 وص 247 ح 2 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 15 ح 25 .
2- .معانى الأخبار : ص 315 ح 1 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 18 ح 38 .
3- .تفسير القمّى : ج 2 ص 290 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 13 ح 19 .
4- .تفسير القمّى : ج 2 ص 431 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 14 ح 23 .
5- .رجال الكشّى : ج 2 ص 646 ح 664 ، بحارالأنوار : ج 46 ص 272 ح 76

د نزول فرشتگان در آن شب بر صاحب الأمر

1801.عنه صلی الله علیه و آله :امام جواد علیه السلام:امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عبّاس فرمود: «شب قدر ، در هر سال هست. در آن شب ، برنامه سال ، فرود می آید و پس از پیامبر خدا ، آن برنامه را عهده دارانی است».

ابن عبّاس گفت: آنان کیان اند؟

[امیر مؤمنان علیه السلام] فرمود: «من و یازده نفر از نسل من ، پیشوایانی مُحدَّث [که از عالم غیب با آنان سخن گفته می شود] ».1800.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا می دانی معنای شب قدر چیست؟».

گفتم: نه ، ای پیامبر خدا!

فرمود: «خداوند متعال در آن شب ، آنچه را تا روز قیامت خواهد شد ، مقدّر کرده است و از جمله آنچه مقدّر کرده ، ولایت تو و ولایت امامان از نسل تو تا روز قیامت است».د نزول فرشتگان در آن شب بر صاحب الأمر1798.امام باقر علیه السلام :امام باقر علیه السلام:شب قدر بر ما پوشیده نمی مانَد. فرشتگان در آن شب ، گِرد ما می چرخند.1798.الإمام الباقر علیه السلام :تفسیر القمّی :به امام باقر علیه السلام گفتند: شب قدر را می شناسید؟

فرمود: «چگونه شب قدر را نشناسیم ، در حالی که فرشتگان در آن شب بر گِرد ما می چرخند؟!».1797.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از اسماعیل بن ابی حمزه :روزی ، امام باقر علیه السلامسوار [بر مَرکب] شد و به باغی که اطراف مدینه داشت ، رفت. من نیز سوار شدم و تا آن نخلستان همراهش بودم. سلیمان بن خالد نیز با ما بود. سلیمان بن خالد به امام علیه السلامگفت: فدایت شوم! آیا امام می داند که در روزش چه اتّفاقی می افتد؟

فرمود: «ای سلیمان! سوگند به آن که محمّد را به نبوّت برانگیخت و او را به

رسالت برگزید ، امام می داند که در روزش ، در ماهش و در سالش چه اتّفاقی خواهد افتاد».

سپس فرمود: «ای سلیمان! آیا نمی دانی که روح در شب قدر بر او فرود می آید و او آنچه را در این سال تا سال آینده و آنچه را در شب و روز رخ می دهد ، می داند؟».

.

1796.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات عن هشام :قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام : قَولَ اللّهَ تَعالی فی کِتابِهِ : «فِیهَا یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ » . (1)

قالَ : «تِلکَ لَیلَهُ القَدرِ یُکتَبُ فیها وَفدُ الحاجِّ ، وما یَکونُ فیها مِن طاعَهٍ أو مَعصِیَهٍ ، أو مَوتٍ أو حَیاهٍ ، ویُحدِثُ اللّهُ فی اللَّیلِ وَالنَّهارِ ما یَشاءُ ، ثُمَّ یُلقیهِ إلی صاحِبِ الأَرضِ» .

قالَ الحارِثُ بنُ المُغیرَهِ البَصرِیُّ ، قُلتُ : ومَن صاحِبُ الأَرضِ؟

قالَ : «صاحِبُکُم» . (2)1795.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی :قَولُهُ تَعالی : «تَنَزَّلُ الْمَلَئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا» قالَ (3) : «تَنَزَّلُ المَلائِکَهُ وروحُ القُدُسِ عَلی إمامِ الزَّمانِ ، ویَدفَعونَ إلَیهِ ما قَد کَتَبوهُ مِن هذِهِ الاُمورِ» . (4)ه سَلامٌ هِیَ حَتّی مَطلَعِ الفَجر1793.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ الشَّیطانَ لا یَخرُجُ فی هذِهِ اللَّیلَهِ حَتّی یُضِیءُ فَجرُها وَلا یَستَطِیعُ فیها عَلی أحَدٍ بِخَبَلٍ أو داءٍ ، أو ضَربٍ مِن ضُروبِ الفَسادِ ، ولا یُنفَذُ فیهِ سِحرُ ساحِرٍ» . (5) .

1- .الدخان : 4 .
2- .بصائر الدرجات : ص 221 ح 4 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 23 ح 51 .
3- .کذا فی المصدر مُضمرا .
4- .تفسیر القمّی : ج 2 ص 431 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 14 ح 23 .
5- .مجمع البیان : ج 10 ص 789 ؛ تفسیر القرطبی : ج 20 ص 137 .

ه آن شب ، تا دمیدن سپیده ایمن است

1792.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از هشام :به امام صادق علیه السلام گفتم: این سخن خداوند که « در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود»چیست؟

فرمود: «آن ، شب قدر است. در آن شب ، گروه حاجیان آنچه در آن سال (از: اطاعت و معصیت یا مرگ و زندگی) خواهد بود ، نوشته (مقدّر) می شود و خداوند در شب و روز ، آنچه را بخواهد ، پدید می آورد؛ سپس آن را به صاحب زمین می رساند».

حارث بن مغیره بصری گوید: گفتم: صاحب زمین کیست؟

فرمود: «پیشوای شما».1791.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی:درباره این آیه که : « در آن شب ، فرشتگان و روح فرود می آیند»فرمود: «فرشتگان و روح القدس بر امام زمان فرود می آیند و آنچه را از این کارها نوشته اند ، به وی تحویل می دهند».ه آن شب ، تا دمیدن سپیده ایمن است1789.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شیطان در این شب ، بیرون نمی آید تا آن که سپیده اش تابان شود و در آن شب ، او نمی تواند کسی را فلج یا دردمند سازد ، یا فسادی بر کسی وارد آورد. و در آن ، جادوی هیچ جادوگری کارگر نمی شود.

.

1797.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانِ :ثُمَّ فَصَّلَ لَيلَةً واحِدَةً من لَياليهِ عَلى لَيالى أَلفِ شَهرٍ ، وسَمّاها لَيلَةَ القَدرِ ، تَنَزَّلُ المَلائِكهُ وَالرّوحُ فيها بِإِذنِ رَبِّهِم مِن كُلِّ أمرٍ ، سَلامٌ دائِمُ البَرَكَهِ إلى طُلوعِ الفَجرِ عَلى مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ بِما أحكَمَ مِن قَضائِهِ . (1) .

1- .الصحيفه السجّاديّه : ص 166 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : ص 607 ح 695 وفيه إلى «طلوع الفجر» .

1796.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش هنگام شروع ماه رمضان :سپس از شب های این ماه ، یک شب را بر شب های هزار ماه ، برتری داد و آن را «شب قدر» نامید. در آن شب ، فرشتگان و «روح» به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. [آن شب ،] ایمن و پیوسته خجسته است ، تا دمیدن سپیده ، بر هر کس از بندگانش که بخواهد ، طبق تقدیری که استوار داشته است. .

الفصل الثانى : أىّ ليله هى؟2 / 1فِى العَشرِ الأَواخِرِ1792.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَحَرَّوا لَيلَةَ القَدرِ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ . (1)1791.عنه صلى الله عليه و آله :ثواب الأعمال :عَن حُمرانَ أَنَّهُ سَأَلَ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهٍ مُّبَرَكَهٍ » .

قالَ : «نَعَم ، هِىَ لَيلَةُ القَدرِ ، وهِىَ مِن كُلِّ سَنَهٍ فى شَهرِ رَمَضانَ فِى العَشرِ الأَواخِرِ» . (2)2 / 2لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ وإحدى وعِشرينَ وتِسعَ عَشرَةَ1788.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ عَلِيّاً كانَ يَتَحَرَّى لَيلَةَ القَدرِ ، لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ . (3) .

1- .صحيح البخارى : ج 2 ص 710 ح 1916 ، كنز العمّال : ج 8 ص 533 ح 24024 .
2- .ثواب الأعمال : ص 92 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 19 ح 41 .
3- .المصنّف لعبد الرزاق : ج 4 ص 251 ح 7696 .

فصل دوم : شبِ قدر چه شبی است؟

2 / 1 در دهه آخر

2 / 2 شب های بیست و سوم و بیست و یکم و نوزدهم

فصل دوم : شبِ قدر چه شبی است؟2 / 1در دهه آخر1784.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان بجویید.1783.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال :حمران از امام باقر علیه السلام درباره آیه: « همانا ، آن را در شبی خجسته نازل کردیم»پرسید.

فرمود: «آری. آن ، شب قدر است . آن شب ، در هر سال ، در ماه رمضان و در دهه آخر آن است».2 / 2شب های بیست و سوم و بیست و یکم و نوزدهم1780.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:همانا علی علیه السلام شب قدر را در شب: نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم می جست.

.

2 / 3لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ وإحدى وعِشرينَ1786.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن زرارِه عن الإمام الباقر عليه السلام ، قالَ :سَأَلْتُهُ عَن لَيلَهِ القَدرِ . قالَ : «هِىَ لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ» .

قُلتُ : أَلَيسَ إنَّما هِىَ لَيلَهٌ؟

قالَ : «بَلى» ،

قُلتُ : فَأَخبِرنى بِها .

فَقالَ : «وما عَلَيکَ أن تَفعَلَ خَيرا فى لَيلَتَينِ؟» . (1)2 / 4لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ1783.عنه صلى الله عليه و آله :رسولُ اللّه صلى الله عليه و آله :لَيلَهُ القَدرِ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (2)1782.عنه صلى الله عليه و آله :المصنّف عن أبى النضر :إنَّ عَبدَاللّهِ بنِ اُ نَيسٍ الجُهَنِىَّ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى رَجُلٌ شاسِعُ الدَّارِ فَأمُرنى بِلَيلَهٍ أنزِلُ فيها .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «اِنزِل لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ» . (3)1781.عنه صلى الله عليه و آله :السنن الكبرى عن عبد اللّه بن اُنيس :كُنّا بِالبادِيَهِ فَقُلنا : إن قَدِمنا بِأَهلينا شَقَّ عَلَينا ، وإن خَلَّفناهُم أصابَتهُم ضَيقَهٌ . فَبَعَثونى وكُنتُ أصغَرَهُم إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ،

فَذَكَرتُ لَهُ قَولَهُم ، فَأَمَرَنا بِلَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (4) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 58 ح 200 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 4 ح 4 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 375 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 160 ح 4 .
3- .المصنّف لعبد الرزاق : ج 4 ص 250 ح 7691 .
4- .السنن الكبرى : ج 4 ص 509 ح 8537 .

2 / 3 شب های بیست و سوم و بیست و یکم

2 / 4 شب بیست و سوم

2 / 3شب های بیست و سوم و بیست و یکم1778.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از زُراره :از امام باقر علیه السلام درباره شب قدر پرسیدم.

فرمود: «شب بیست و یکم یا بیست و سوم است».

گفتم: مگر نه این که شب قدر ، یک شب است؟

فرمود: «آری».

گفتم: پس ، آن را به من خبر بده.

فرمود: «چه عیبی دارد که در دو شب ، کار خیر انجام دهی؟ !».2 / 4شب بیست و سوم1775.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شب قدر ، شب بیست و سوم است.1779.مسند الشهاب عن عمران بن حصین :المصنَّف به نقل از ابو نضر :عبد اللّه بن اُ نَیس جُهَنی گفت: ای پیامبر خدا! من مردی هستم که خانه ام دور است. یک شب را دستور بده که بیایم و در مدینه بمانم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شب بیست و سوم بیا».1778.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :السنن الکبری به نقل از عبد اللّه بن اُ نَیس :در صحرا بودیم. گفتیم اگر با خانواده خود [به مدینه برای احیا] بیاییم ، بر ما سخت خواهد بود و اگر آنان را وا نهیم و خود بیاییم ، بر آنان تنگنا خواهد شد. مرا که کوچک ترین آنان بودم ، نزد پیامبر خدا فرستادند . سخن آنان را به ایشان باز گفتم. ما را دستور داد که شب بیست و سوم بیاییم.

.

1777.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الجُهَنِيَّ أتي إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ لى إبِلاً وغَنَما وغِلمَةً ، فَاُحِبُّ أن تَأمُرَنى لَيلَةً أدخُلُ فيها فَأشهَدُ الصَّلاةَ وذلِكَ فى شَهرِ رَمَضانَ فَدَعاهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَسارَّهُ فى اُذُنِهِ .

قالَ : فَكانَ الجُهَنِيُّ إذا كانَت لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ دَخَلَ بِإبِلِهِ وغَنَمِهِ وأهلِهِ ووُلدِهِ وغِلمَتِهِ ، فَكانَ تِلكَ اللَّيلَةُ لَيلَةَ ثَلاثٍ وعِشرينَ بِالمَدينَهِ ، فَإذا أصبَحَ خَرَجَ بِأهلِهِ وغَنَمِهِ وإبِلِهِ إلى مَكانِهِ . (1)1776.عنه صلى الله علَيه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ اللَّيلَةُ الَّتى يُفرَقُ فيها كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، وفيها يُكتَبُ وَفدُ الحاجِّ وما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ . (2)1775.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :إنَّ لَيلَةَ الثّالِثِ وَالعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ هِىَ لَيلَةُ الجُهَنِيِّ ، فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، وفيها تَثبُتُ البَلايا وَالمَنايا ، وَالآجالُ وَالأرزاقُ وَالقَضايا ، وجَميعُ ما يُحدِثُ اللّهُ عز و جل فيها إلى مِثلِها مِنَ الحَولِ .

فَطوبى لِعَبدٍ أحياها راكِعا وساجِدا ، ومَثَّلَ خَطاياهُ بَينَ عَينَيهِ ويَبكى عَلَيها ، فَإذا فَعَلَ ذلِكَ رَجَوتُ ألاّ يَخيبَ إن شاءَ اللّهُ . (3)راجع : ص 416 (ما يختصُّ باللّيلهِ الثالثه والعشرين) .

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 375 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 330 ح 1032 نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 9 ح 12 .
2- .الهدايه : ص 197 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 9 ح 11 .
3- .الدعوات : ص 207 ح 561 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 4 ح 5 .

1773.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :جُهَنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من شتران و گوسفندان و غُلامانی دارم. دوست دارم که دستور دهی یک شب را به مسجد بیایم و در نماز ، حاضر شوم. و این ، در ماه رمضان بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و در گوش او آهسته چیزی گفت.

از آن پس ، هر گاه شب بیست و سوم می شد ، جُهَنی با شتران و گوسفندان و خانواده و فرزندان و غلامانش وارد می شد ، آن شب (شب بیست و سوم) را در مدینه می مانْد و صبح که می شد ، با خانواده و گوسفندان و شترانش به جای خود بر می گشت.1772.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب بیست و سوم ، شبی است که در آن هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد. در آن شب ، گروه حاجیان و آنچه از این سال تا سال آینده خواهد شد ، نوشته می شوند.1771.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب بیست و سوم ماه رمضان ، شبِ جُهَنی است. در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد و در آن شب ، بلاها و مرگ ها و اَجَل ها و روزی ها و حوادث و مقدّرات ، ثبت می شوند ونیز همه آنچه خداوند متعال در آن شب تا سال آینده پدید می آورد.

پس خوشا به حال آن که آن شب را با رکوع و سجوده زنده بدارد و گناهانش را در برابر چشمش بیاورد و بر آنها بگرید. پس هر گاه چنین کند ، امید دارم که اگر خدا بخواهد ، محروم و ناکام نگردد.ر . ک : ص 417 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است).

.

2 / 5دورُ ثَلاثِ لَيالٍ فى التَّقديرِ1678.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :التَّقديرُ فى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ ، والإبرامُ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وَالإمضاءُ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (1)1679.معانى الأخبار (به نقل از احمد بن ابى عبد اللّه ، از پدرش ، در) الإقبال عن عبد اللّه بن سنان :سَألتُهُ (2) عَنِ النِّصفِ مِن شَعبانَ .

فَقالَ : «ما عِندى فيهِ شَىءٌ ، ولكِن إذا كانَت لَيلَهُ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، قُسِّمَ فيهَا (3) الأرزاقُ ، وكُتِبَ فيهَا الآجالُ ، وخَرَجَ فيها صِكاكُ الحاجِّ ، وَاطَّلَعَ اللّهُ إلى عِبادِهِ فَغَفَرَ اللّهُ لَهُم إلاّ شارِبَ مُسكِرٍ ، فَإذا كانَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، ثُمَّ يَنتَهى ذلِكَ ويَقضى» .

قالَ : قُلتُ إلى مَن؟

قالَ : «إلى صاحِبِكُم ، ولَولا ذلِكَ لَم يَعلَم» . (4)1680.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكافى عن إسحاق بن عمّار[عن أبى عبد اللّه عليه السلام] (5) ، قالَ :سَمِعتُهُ يَقولُ ، وناسٌ يَسألونَهُ يَقولونَ : الأرزاقُ تُقسَمُ لَيلَهَ النِّصفِ مِن شَعبانَ؟

قالَ : فَقالَ : «لا ، وَاللّهِ ما ذاكَ إلاّ فى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإنَّ فِى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ يَلتَقِى الجَمعانِ ، وفى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ «يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » (6) ، وفى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ

يُمضى ما أرادَ اللّهُ عز و جل مِن ذلِكَ ، وهِىَ لَيلَهُ القَدرِ الَّتى قَالَ اللّهُ عز و جل : «خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ »» . (7)

قالَ : قُلتُ : ما مَعنى قَولِهِ : يَلتَقِى الجَمعانِ؟

قالَ : «يَجمَعُ اللّهُ فيها ما أرادَ مِن تَقديمِهِ وتَأخيرِهِ ، وإرادَتِهِ وقَضائِهِ» .

قالَ : قُلتُ : فَما مَعنى يُمضيهِ فى ثَلاثٍ وعِشرينَ؟

قالَ: «إنَّهُ يَفرُقُهُ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ،ويَكونُ لَهُ فيهِ البَداءُ،فَإذا كانَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أمضاهُ،فَيَكونُ مِنَ المَحتومِ الَّذى لا يَبدو لَهُ فيهِ تَبارَكَ

وتَعالى». (8) .

1- .الكافى : ج 4 ص 159 ح 9 .
2- .الظاهر أنّه سأل الإمام الصادق عليه السلام .
3- .فى المصدر : «قسّم فيه» والتصويب من الطبعه الحجريّه .
4- .الإقبال : ج 1 ص 341 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 22 ح 50.
5- .مابين المعقوفين أثبتناه من الإقبال .
6- .الدخان : 4 .
7- .القدر : 3 .
8- .الكافى : ج 4 ص 158 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 144 ح 3 .

2 / 5نقش سه شب در سرنوشت1683.الإمام الصادق علیه السلام :امام صادق علیه السلام:سرنوشت (مُقَدَّر شدن) ، در شب نوزدهم است و محکم ساختن ، در شب بیست و یکم و امضا (حتمی سازی) ، در شب بیست و سوم.1684.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از عبد اللّه بن سنان :از امام علیه السلام درباره نیمه شعبان پرسیدم .

فرمود : «در نزد من چیزی درباره آن نیست ؛ امّا وقتی شب هفدهم ماه رمضان می شود ، روزی ها در آن تقسیم می شود ، اَجَل ها نوشته می شوند ، طومار حجّ حاجیان صادر می گردد ، خداوند بر بندگانش اشراف یافته ، آنان را می آمرزد ، بجز میخواره را . پس هر گاه شب بیست و سوم فرا می رسد ، در آن هر کار استواری فیصله می یابد ، سپس نهایی شده ، حتمی می گردد» .

گفتم : به چه کسی؟

فرمود : «به پیشوایتان . و اگر چنین نبود ، نمی دانست» .1774.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از اسحاق بن عمّار :در حالی که مردم از امام صادق علیه السلاممی پرسیدند و می گفتند: «آیا روزی ها در شب نیمه شعبان تقسیم می شود؟» ، فرمود: «نه ، به خدا چنین نیست ، مگر در شب نوزدهم ماه رمضان و بیست و یکم و بیست و سوم. در شب نوزدهم ، دو مجموعه به هم می رسند و در شب بیست و یکم ، « هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد» و در شب بیست و سوم ، از

آنها آنچه را اراده الهی باشد ، حتمی می شود و آن ، شب قدری است که خداوند فرموده: « بهتر از هزار ماه است» ».

گفتم: معنای این که دو مجموعه به هم می رسند ، چیست؟

فرمود: «آنچه را خداوند می خواهد که جلو یا عقب بیندازد و آن را اراده و مقدّر کند ، در آن شب ، گِرد می آورد».

گفتم: معنای این که آن را در شب بیست و سوم حتمی می سازد ، چیست؟

فرمود: «آن را در شب بیست و یکم فیصله می دهد ، و گاهی برای او بَداء (عوض شدن تصمیم) حاصل می شود ، و چون شب بیست و سوم شود ، آن را امضا می کند و آن گاه ، از مقدّرات حتمی خواهد شد که نظر خدای متعال درباره آن برنمی گردد».

.

راجع : ص 354 (خصائص ليله القدر / فيها تقدير كلّ شىء يكون فى السنه) .

2 / 6سَتَرَها نَظَراً لَكُم1770.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شرح نهج البلاغه عن ابن عراده :قيلَ [لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام] : أخبِرنا عَن لَيلَهِ القَدرِ؟

قالَ : «ما أخلو مِن أن أكونَ أعلَمُها فَأَستُرَ عِلمَها ، ولَستُ أشُكُّ أنَّ اللّهَ إنَّما يَستُرُها عَنكُم نَظَرا لَكُم ؛ لِأَ نَّهُ لَو أعلَمَكُموها عَمِلتُم فيها وتَرَكتُم غَيرَها ، وَأرجُو أن لا تُخطِئَكُم إن شاءَ اللّهُ» . (1)راجع : ص 376 ، ح 280 و ص 376 ، ح 283 وص 384 (حول ليله القدر / تحديد ليله القدر) .

.

1- .شرح نهج البلاغه : ج 20 ص 154 ؛ بحار الأنوار : ج 97 ص 5 ح 6 .

ر . ک : ص 355 (ویژگی های شب قدر / تقدیر هر چه در سال خواهد شد) .

2 / 6پوشیده بودن آن ، به سود شماست1765.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرح نهج البلاغه به نقل از ابن عراده :[به امیر مؤمنان علیه السلام] گفتند: ما را از شب قدر آگاه کن. فرمود: «خالی از این نیستم که آن را بدانم و از شما پنهان کنم . شک ندارم که خداوند به خاطر کمک کردن و مهلت دادن به شما آن را از شما می پوشاند؛ چون اگر آن را به شما اعلام می کرد ، در همان شب ، عمل می کردید و در غیر آن شب ، عبادت را ترک می کردید ، و امید آن دارم که اگر خدا بخواهد ، شب قدر را به خطا نگیرید».ر . ک : ص 377 ، ح 280 و 283 . و ص 385 (پژوهشی پیرامون شب قدر / تعیین شب قدر) .

.

2 / 7طُرُقُ مَعرِفَهِ لَيلَهِ القَدرِأ قِراءَهُ سورَهِ الدُّخانِ كُلَّ لَيلَهٍ مِن رَمَضانَ مِئَهَ مَرَّهٍ1764.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (خطاب به سلمان) الإمام الصادق عليه السلام :قالَ رَجُلٌ لِأبى جَعفَرٍ عليه السلام : ... يَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، كَيفَ أعرِفُ أنَّ لَيلَهَ القَدرِ تَكُونُ فى كُلِّ سَنَهٍ؟

قالَ : «إذا أتى شَهرُ رَمَضانَ فَاقرَأ سُورَهَ الدُّخانِ فى كُلِّ لَيلَهٍ مِئَهَ مَرَّهٍ ، فإذا أتَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، فَإنَّكَ ناظِرٌ إلى تَصديقِ الَّذى سَأَلتَ عَنهُ» . (1)ب قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ كُلَّ لَيلَهٍ مِن رَمَضانَ ألفَ مَرَّهٍ1762.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا أتى شَهرُ رَمَضانَ فَاقرَأ كُلَّ لَيلَهٍ «إنّآ أنزَلْنَاهُ» ألفَ مَرَّهٍ ، فإذا أتَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وَعِشرينَ ، فَاشدُد قَلبَكَ ، وَافتَح أُذُنَيكَ بِسِماعِ العَجائِبِ مِمّا تَرى . (2)راجع : ص 420 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / قراءه سوره القدر ألف مرّه) .

2 / 8عَلامَهُ لَيلَهِ القَدرِ1764.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (لِسَلمانَ) الكافى عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن عَلامَهِ لَيلَهِ القَدرِ .

فَقالَ : «عَلامَتُها أن تَطيبَ ريحُها ، وإن كانَت فى بَردٍ دَفِئَت ، وإن كانَت فى حَرٍّ بَرَدَت فَطابَت» . (3) .

1- .الكافى : ج 1 ص 251 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 379 ح 3 .
2- .الأمالى للصدوق : ص 751 ح 1007 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 379 ح 3 .
3- .الكافى : ج 4 ص 157 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 9 ح 12 .

2 / 7 راه های شناخت شب قدر

الف صد بار خواندن سوره دخان در هر شب ماه رمضان

ب هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان

2 / 8 نشانه شب قدر

2 / 7راه های شناخت شب قدرالف صد بار خواندن سوره دخان در هر شب ماه رمضان1760.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لعائِشَهَ) امام صادق علیه السلام:مردی به امام باقر علیه السلام گفت: ... ای پسر پیامبر! از کجا بدانم که در هر سال ، شب قدر است؟

فرمود: «هر گاه ماه رمضان آمد ، هر شب سوره دخان را صد بار بخوان. پس چون شب بیست و سوم آید ، به درست بودن آنچه از آن پرسیدی ، خواهی نگریست».ب هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان1758.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان آید ، هر شب ، هزار بار سوره «إنّا أنزلناه» بخوان. پس چون شب بیست و سوم آید ، دلت را محکم کن و گوش هایت را برای شنیدن شگفتی هایی از آنچه می بینی ، بگشای.ر . ک : ص 421 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / خواندن هزار بار سوره قدر).

2 / 8نشانه شب قدر1754.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از محمّد بن مسلم :از او (امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام) درباره نشانه شب قدر پرسیدم.

فرمود: «از نشانه آن ، این است که بوی آن خوش است. اگر در فصل سرما باشد ، آن شب گرم می شود و اگر در فصل گرما باشد ، خنک و خوب و خوش می شود».

.

2 / 9مَن يُدرِكُ لَيلَةَ القَدرِ1751.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله لَمَّا انصَرَفَ مِن عَرَفاتٍ وسارَ إلى مِنى ، دَخَلَ المَسجِدَ فَاجتَمَعَ إلَيهِ النّاسُ يَسأَلونَهُ عَن لَيلَةِ القَدرِ ، فَقامَ خَطيبا ، فَقالَ بَعدَ الثَّناءِ عَلَى اللّهِ عز و جل :

«أمّا بَعدُ ، فَإِنَّكُم سَأَلتُمونى عَن لَيلَةِ القَدرِ ولَم أطوِها عَنكُم لِأَنّى لَم أكُن بِها عالِما ، اِعلَموا أيُّهَا النّاسُ أنَّهُ مَن وَرَدَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ وهُوَ صَحيحٌ سَوِىٌّ فَصامَ نَهارَهُ ، وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ ، وواظَبَ عَلى صَلاتِهِ وهَجَّرَ إلى جُمُعَتِهِ ، وغَدا إلى عيدِهِ ؛ فَقَد أدرَكَ لَيلَةَ القَدرِ ، وفازَ بِجائِزَهِ الرَّبِّ عز و جل » .

(1)1758.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى مِن أوَّلِ شَهرِ رَمَضانَ إلى آخِرِهِ فى جَماعَهٍ ، فَقَد أخَذَ بِحَظٍّ مِن لَيلَهِ القَدرِ . (2)1757.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى المَغرِبَ وَالعِشاءَ فى جَماعَهٍ ، حَتّى يَنقَضِىَ شَهرُ رَمَضانَ ، فَقَد أصابَ مِن لَيلَهِ القَدرِ بِحَظٍّ وافِرٍ . (3)1756.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإقبال :فى كِتابِ عَلىِّ بنِ إسماعيلَ المِيثَمىِّ : فى كِتابٍ أصلُهُ عَن عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام : كانَ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ تَصَدَّقَ فى كُلِّ يَومٍ بِدِرهَمٍ ، فَيَقُولُ : «لَعَلّى اُصيبُ لَيلَةَ القَدرِ» . (4)راجع : ص 300 ، ح 227 .

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 97 ح 1834 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 18 ح 40 .
2- .كنز العمّال : ج 8 ص 545 ح 24090 نقلاً عن تاريخ بغداد .
3- .شعب الإيمان : ج 3 ص 340 ح 3707 ، كنز العمّال : ج 8 ص 545 ح 24091 .
4- .الإقبال : ج 1 ص 150 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 82 ح 1 .

اشاره

2 / 9آن که شب قدر را درمی یابد1752.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:پیامبر صلی الله علیه و آله ، چون از عرفات برگشت و به مِنا رفت ، وارد مسجد شد. مردم ، گِرد او جمع شدند و از شب قدر می پرسیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به سخن ایستاد و پس از ثنای الهی چنین فرمود:

«امّا بعد ، شما مرا از شب قدر پرسیدید ، بیان نکردن آن برای این نبود که نسبت به آن عالِم نبودم. بدانید ای مردم هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و او صحیح و سالم باشد ، پس ، روزش را روزه بدارد و بخشی از شب آن را به عبادت برخیزد و مواظب نمازش باشد و در گرمای آن به نماز جمعه اش برود و سحرگاه به نماز عیدش برود ، به یقین ، شب قدر را دریافته و به جایزه پروردگار ، دست یافته است».1751.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس از آغاز تا پایان ماه رمضان ، نماز را به جماعت بخواند ، بهره ای از شب قدر برده است.1750.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس نماز مغرب و عشا را به جماعت بخواند تا آن که ماه رمضان سپری شود ، بهره سرشاری از شب قدر برده است .1749.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:در کتاب علی بن اسماعیل میثمی ، چنین آمده است:

در نوشته ای که اصل آن از امام سجّاد علیه السلام است ، نقل شده که آن امام ، هر گاه ماه رمضان فرا می رسید ، هر روز ، یک درهم صدقه می داد و می فرمود: «شاید شب قدر را دریابم».ر . ک : ص 301 ، ح 227 .

.

ص: 378

. .

پژوهشی پیرامون شب قدر

اشاره

پژوهشی پیرامون شب قدر«إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ»؛

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

سخن درباره شب قدر است ؛ شب شکوهمند به سبب نزول قرآن؛ شبی که والاترین و پر برکت ترینِ شب های سال به شمار می رود؛ شبی بزرگ که پیامبر خدا آن را چنین ستوده است: شَهرُ رَمَضانَ سَیِّدُ الشُّهورِ ، و لَیلَهُ القَدرِ سَیِّدَهُ اللَّیالی ؛ ماه رمضان ، سَرور ماه ها و شب قدر ، سَرور شب هاست. جایگاه والای این شب و نقش رسای آن در میهمان سرای الهی و بهره وری از برکات و دست آوردهای این ضیافت الهی ، تا آن جاست که امام صادق علیه السلام آن را «قلبِ» این ماه نامیده است: قَلبُ شَهرِ رَمَضانَ لَیلَهُ القَدرِ ؛ قلب ماه رمضان ، شب قدر است. کسی که بخواهد ماه رمضان برای او ماهی زنده ، با نشاط ، حیات آفرین و سرشار و پربار باشد ، باید از این قلب ، مواظبت کند. مراقبت از این قلب ، ممکن است سرنوشت ساز و بیمه کننده همه عمر انسان باشد ، که « لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛ شب قدر ، بهتر از هزار شب است» .

.

یکم . معنای شب قدر

برای شناخت قلب ماه رمضان و به خاطر دست یافتن به دست آوردهای خوب این شب عظیم و پرثمر ، نکاتی را که برگرفته از ره نموده های روشنگر و زندگی ساز اهل بیت علیهم السلام است ، تقدیم می داریم:

یکم . معنای شب قدرآیه شریف « وَ مَآ أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ ؛ و تو چه دانی که شب قدر چیست؟» ، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که دست یافتن به معنای حقیقی شب قدر ، بسیار دشوار و فراتر از سطح ادراک توده های مردم است. روشن است که وقتی مخاطب این آیه ، پیامبر صلی الله علیه و آلهباشد ، پرسش موجود در آیه ، نشان دهنده عظمت و ارج شب قدر است؛ چرا که مفهوم شب قدر ، هرگز بر شخصیّتی عظیم که قرآن بر دل پاک او فرود آمده و جان او جایگاه شب قدر است ، و فرشتگان الهی در آن شب برای سامان بخشی به امور جهان و تقدیر هستی نزد او می آیند ، ناشناخته نیست . افزون بر این ، فراهم آمدن زمینه شناخت و شهود حقیقت شب قدر (هر چند اندک) برای شماری از اهل سیر و سلوک که با بهره گیری از تعالیم اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ، به آن رسیده اند گویای این حقیقت است. عالم ربّانی آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله در پاسخ این سؤال که: «معنای دیدار شب قدر و لذّت آن چیست؟» ، می گوید: دیدار شب قدر ، عبارت است از: کشف فرود آمدن امر آسمانی به زمین در این شب ، آن گونه که برای امام زمان علیه السلام آشکار می شود . دیدن آن حقیقت و توفیق یافتن به این دیدار و شهود ، کاری بس عظیم و والاست ، همان گونه که امام صادق علیه السلام آن را چنین توصیف فرموده است:

1746.مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت :إنَّ القَلبَ الَّذی یُعایِنُ ما یُنزَلُ فی لَیلَهِ القَدرِ لَعَظیمُ الشَّأنِ ؛

.

دوم . ویژگی های شب قدر

الف برنامه ریزی سال

1680.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دلی که آنچه را در شب قدر فرود آورده می شود ، می بیند ، بسی والاست.امّا اسلام ، مردم را در همین سطح به خود وا نگذارده است و برای آن که توده مردم نیز شناختی اجمالی از معنای شب قدر دریابند ، روایات دینی ، تصویری از آن حقیقت را در ضمن بیان ویژگی ها و فضایل آن شب ارائه داده اند که به نمونه هایی از آنها در ادامه اشاره می شود.

دوم . ویژگی های شب قدرالف برنامه ریزی سالدر بسیاری از روایات ، به عنوان نخستین ویژگی شب قدر ، بر این تأکید شده است که تقدیر امور مردم و سامان بخشی اوضاع و احوال آنان در طول سال ، در این شب رقم زده می شود؛ شبی که سرنوشت و فیصله یافتن همه کارهایی که تا سال آینده پیش خواهد آمد ، در این شب فرود می آید. شاید نزول قرآن در شب قدر نیز به لحاظ همین جهت باشد؛ کتابی که برنامه زندگی انسان را ارائه می کند. از همین جاست که انسان می تواند با بهره گیری از برنامه ای که قرآن آن را ترسیم نموده ، سرنوشت خود و زندگی اش را در شب قدر عوض کند و برای سال آینده خویش ، بهترین سرنوشت و برای خویش سودمندترین کسب و کار را تحقّق بخشد. در این جا دو مطلب مهم است که شایان توجّه اند : مطلب اوّل . رقم خوردن سرنوشت انسان در شب قدر ، در چارچوب مقدّرات او در علم ازلی خداوند است. به دیگر سخن ، به گفته روایات اهل بیت علیهم السلام ، آنچه در علم حضرت حق ، در طول سال برای مردمْ مقدّر است ، به صورت برنامه ای نوشته شده آشکار می شود که فرشتگان ، آن را می نویسند و به امام عصر علیه السلامتحویل می دهند. و این ، به تناسب کاری است که انسان در شب قدر انجام می دهد. مطلب دوم . بر اساس شماری از روایات ، تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال کامل بر او خواهد گذشت ، به معنای آن نیست که او به طور کامل در برابر این سرنوشت ، بی اختیار باشد ، بدان سان که برای تغییر آن ،

.

ب آغاز سال تقدیر

ج اختصاص داشتن به امام زمان

هیچ کاری از او بر نیاید؛ بلکه می تواند در سایه دعا و توسّل و با کارهای شایسته ، مقدّرات حتمی خود در شب قدر را نیز تغییر دهد. از این رو ، امام باقر علیه السلامفرموده است :

1685.عنه صلی الله علیه و آله (مِمّا أوصی بِهِ عَلِیّا علیه السلام) فَما قُدِّرَ فی تِلکَ اللَّیلَهِ وقُضِیَ فَهُوَ مِنَ المَحتُومِ وِلِلّهِ عز و جل فیهِ المَشِیَّهُ ؛ 1686.مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت :آنچه در آن شب ، مقدّر و معیّن شده ، حتمی است و خدا می تواند در آنها ، آن گونه که بخواهد ، عمل کند.با توجّه به ساختار و مضمون این گونه روایات و افزودن آن به ادلّه قطعی ، که بر «اجابت دعا در طول سال بخصوص در عرفات و حرم های مطهّر» دلالت دارند ، نمی توان ظاهر برخی روایات را پذیرفت که: مقدّرات شب قدر ، هرگز تغییریافتنی نیست.

ب آغاز سال تقدیردر درآمد کتاب توضیح دادیم که آغاز سال ، به اعتبارهای مختلف ، متفاوت است. روایاتی که «شب قدر» را آغاز سال می دانند که به برخی از آنها در کتاب اشاره شد به اعتبار سال برنامه ریزی امور مردم و سامان بخشی وضع آنان و آنچه پیش خواهد آمد ، صادر شده اند. با همین اعتبار ، شب قدر ، پایان سال نیز به شمار می رود؛ یعنی پایان سالِ برنامه ریزی شده ای که سپری شده و اوّل سال برنامه ریزی شده نو است.

ج اختصاص داشتن به امام زمانسومین ویژگی شب قدر ، این است که خدای سبحان ، کامل ترین و شایسته ترین و برترین انسان را از برنامه ریزی و حکم خود ، آگاه می سازد.

.

د بهتر از هزار شب !

تفسیر القمّی ، در ذیل آیه « تَنَزَّلُ الْمَلَئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا ؛ در آن شب ، فرشتگان و «روح» به فرمان پروردگارشان در پیِ هر کاری فرود می آیند»، چنین آمده است:

1689.الإمام علیّ علیه السلام :تَنَزَّلُ المَلائِکهُ و روحُ القُدُسِ عَلی إمامِ الزَّمانِ ، و یَدفَعونَ إلَیهِ ما قَد کَتَبوهُ مِن هذِهِ الاُمورِ ؛1690.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (إذا فَرَغَ مِن صَلاتِهِ) فرشتگان و روح القُدُس بر امام زمان فرود می آیند و از این امور ، آنچه را نوشته اند ، به او تقدیم می کنند.این نکته ، هر چند که با صراحت به امام معصوم نسبت داده نشده ؛ لیکن جمع بندی مضمون همه روایاتی است که در این باب آمده است. پس می توان گفت: از ویژگی های شب قدر ، اختصاص داشتن آن به امام مهدی عجّل اللّه فرجه است. از این رو ، توسّل به آن امام در این شب خاص ، نقش مؤثّری در گشایش کارهای انسان و گشودن آفاق در پیش او دارد و می تواند سرنوشت او را در جهتی که دست آوردهای بیشتری را در سال آینده نصیب او سازد ، تنظیم کند.

د بهتر از هزار شب !به تصریح قرآن کریم ، «لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛ شب قدر ، بهتر از هزار شب است» ، و این نشانگر استثنایی بودن این برهه خاصّ زمانی و برکاتی است که در بر دارد ، به نحوی که کار شایسته در آن ، با کار شایسته در عمری طولانی (بیش از هشتاد سال) برابر است. از این رو ، در تفسیر این آیه آمده است:

1690.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (هنگامی که از نمازش فراغت یافت) العَمَلُ الصّالِحُ فیها مِنَ الصَّلاهِ وَالزَّکاهِ وأنواعِ الخَیرِ ، خَیرٌ مِنَ العَمَلِ فی ألفِ شَهرٍ لَیسَ فیها لَیلَهُ القَدرِ ؛1745.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کار شایسته در آن شب (از قبیل: نماز ، زکات و انواع نیکی ها) بهتر از عمل در هزار ماهی است که شب قدر نداشته باشد.

.

سوم . تداوم شب قدر

این برکات گسترده و سرشار شب قدر ، تفسیرکننده تأکید و تشویق پیامبر صلی الله علیه و آلهو امامان علیهم السلام است که مسلمانان را بر بهره بردن از لحظه لحظه شب قدر فرا خوانده اند ، تا آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله از خوابیدن در شب بیست و سوم نهی فرموده است و به همین جهت ، فاطمه زهرا علیهاالسلام ، دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله ، نمی گذاشت که در آن شب ، کسی از اهل خانه اش بخوابد. آری ! کسی که از نعمت ایمان به قرآن برخوردار است و می داند که عمل در یک شب ، از نظر برکات ، برابر با حیات جاوید او و بهره مندی در طول حیات ابدی است ، نمی تواند این فرصت گران بها و موهبت بی نظیر را رایگان از دست بدهد.

سوم . تداوم شب قدربررسی آیات سوره قدر و تأمّل در روایات دینی ، نشان می دهند که شب قدر ، ویژه زمان نزول قرآن و دوران پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه همیشگی است و از آغاز آفرینش انسان بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت ؛ به چند دلیل : یکم . شب قدر ، ظرف نزول قرآن است و ظرف باید پیش از مظروف وجود داشته باشد. دوم . در سوره قدر ، فعل مضارع «تَنَزَّلُ (فرود می آیند)» به کار رفته و بر استمرار ، دلالت می کند. نیز جمله اسمیه: « سَلَمٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ ؛ آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است» ، مفهوم تداوم دارد. سوم . قرآن کریم بارها تأکید کرده که سنّت الهی در تدبیر جهان ، تغییرناپذیر است. از این رو ، این سنّت الهی که مربوط به تدبیر امور انسان ها و سرنوشت آنان است ، همه امّت ها و اقوام گذشته و حال و آینده را در بر می گیرد.

.

چهارم . تعیین شب قدر

چهارم . روایات فراوان (شاید در حدّ تواتر) ، تداوم شب قدر را پس از پیامبر خدا می رسانند. شماری از این روایات ، استمرار این شب را از آغاز خلقت و همراه انسان تا پایان عمر جهان ، تأیید می کنند. پس ، آنچه در تفسیر الدرّ المنثور ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: «خداوند ، شب قدر را به امّت من بخشید و آن را به پیشینیان عطا نکرده بود» ، علاوه بر ضعف سند ، در برابر قرائن و دلایل گذشته ، قابل اعتماد نیست.

چهارم . تعیین شب قدرقرآن کریم ، از یک سو ، نزول قرآن را در ماه رمضان می داند: « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْءَانُ ؛ ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است» و از سویی با صراحت ، نزول آن را در شب قدر می داند: « إِنَّآ أَنزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ ؛ آن را در شب قدر نازل کردیم». مقتضای جمع میان این دو آیه ، آن است که شب قدر ، حتما در ماه رمضان باشد. این ، در حالی است که در روایات اهل سنّت ، در بیان این که شب قدر ، کدام شب از شب های ماه رمضان است ، اختلافات فراوانی است ، به گونه ای که جمع میان آنها ممکن نیست. روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در تعیین شب قدر نقل شده ، به پنج دسته قابل تقسیم اند: دسته اوّل . روایاتی که شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان تعیین می کنند.

.

دسته دوم . روایاتی که می گویند: شب قدر را در یکی از سه شبِ: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم بجویید. دسته سوم . روایاتی که می گویند: شب قدر ، در یکی از دو شبِ بیست و یکم و بیست و سوم است. دسته چهارم . روایاتی که شب بیست و سوم را به طور معیّن ، شب قدر می دانند. دسته پنجم . روایاتی که دلالت می کنند بر این که شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، هر کدام به گونه ای در تعیین سرنوشت انسان ها و امور آنان نقش دارد؛ ولی نقش اساسی و نهایی ، مربوط به شب بیست و سوم است. تأمّل در این پنج دسته از روایات ، نشان می دهد که نه تنها میان آنها تعارضی نیست ، بلکه مؤیّد یکدیگرند. توضیح ، این که: از دید روایات اهل بیت علیهم السلام و شمار قابل توجّهی از روایات اهل سنّت ، شب قدر ، شب بیست وسوم است. از این رو ، ابن بابویه صدوق (م 381 ق) می فرماید: اتّفق مشایخنا رضی الله عنهم [فی لیله القدر] علی أنّها اللیله الثالثه والعشرون من شهر رمضان ؛ بزرگان ما درباره شب قدر ، همه یک سخن اند که: شب بیست و سوم ماه رمضان است. روایات دسته اوّل ، دوم و سوم که برای درک فضیلت شب قدر ، به احیا و کارهای خوب در دهه آخر ماه رمضان توصیه دارند، همچنین روایاتی که به اِحیای شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم سفارش دارند ، همگی به دو نکته بر می گردند:

.

پنجم . شب قدر در مناطق مختلف

نخست . مسلمانان از شب زنده داری شب های ماه رمضان ، بیشترین بهره را از عطایا و دستاوردهای آن داشته باشند. از این رو ، در روایتی که رازِ پوشیده بودن شب قدر را میان شب ها بیان می کند ، آمده است:

1744.عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ إنَّما یَستُرُها عَنکم نَظَرا لَکم ؛ 1743.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :خداوند ، آن را از شما پنهان داشته تا عنایت بیشتری به شما کند.دوم . گرچه شب قدر شب بیست و سوم است ، امّا به آن معنا نیست که آن دو شب ، دیگر هیچ نقشی نداشته و در تقدیر امور و سرنوشت انسان ، بی اثر باشند.

پنجم . شب قدر در مناطق مختلفیکی از مسائل مهم درباره شب قدر ، این است که : آیا شب قدر در مناطق مختلف ، یکی است یا متفاوت است؟ بررسی این موضوع ، به چند نظریّه می انجامد که به آنها اشاره می شود : 1. نظریّه منسوب به مشهور فقهای شیعه که معتقدند آغاز ماه های قمری در همه شهرها ، یکسان نیست؛ بلکه اتّحاد اُفق ، شرط ثبوت هلال است. بنا بر این نظریّه ، شب قدر ، در همه مناطق و شهرها یکی نخواهد بود. 2. شماری از محقّقان بر این عقیده اند که آغاز ماه های قمری ، در همه مناطق ، یکی است و اگر در یک منطقه ، هلال ماه رمضان دیده شود ، در مناطق دیگر هم ماه

.

رمضان آغاز می شود. (1) بر اساس این نظریّه ، شب قدر در همه مناطق ، یک شب

.

1- .آیهاللَّه خویی رحمه الله برای اثبات این نظریّه ، علاوه بر تمسّک به اطلاق روایات ، به یک مسئله نجومی نیز استدلال کرده ، می گوید: «ماه ، خودش جِرمی تاریک است و به سبب رویارویی با خورشید ، از آن نور می گیرد. پیوسته ، نیمی از ماه ، روشن و نیم دیگرش تاریک است ، جز آن که آن نیمه روشن همیشه برای ما دیدنی نیست؛ بلکه به خاطر اختلاف در گردش ماه ، کم و زیاد دیده می شود. در شب چهاردهم از هر ماه (، بلکه در شب پانزدهم ، اگر ماه سی روز باشد) ، به فاصله کمی از غروب خورشید ، وقتی ماه از افق مشرق طلوع می کند ، همه نیمه رو به مغربِ آن روشن است؛ چرا که با خورشید روبه روست ، همچنان که نیمه رو به شرقِ آن ، تاریک است. سپس این نور در شب های بعد ، سیر نزولی می یابد و بر اساس خطّ سیر ماه ، کم کم از وسعت آن کاسته می شود ، تا آن که در اواخر ماه به سمت مغرب می رسد و دیگر ، نیمه روشن آن به رو به خورشید است و همه نیمه تاریک آن ، رو به ماست. این ، همان است که از آن به «تحت الشعاع» و «محاق» تعبیر می شود که هیچ جزئی از آن دیده نمی شود؛ چرا که نیمه روشن آن ، نه تمامش (مثل شب چهاردهم) و نه بخشی از آن (مثل شب های پیش یا بعد از شب چهاردهم) ، رو به ما نیست. سپس کم کم از محاق در می آید و بخشی از آن از سمت مشرق آشکار می شود و به صورت هلال باریک دیده می شود. این ، معنای پیدایش و تولّد هلال است. پس ، هر گاه از آن اندکی هم دیده شود ، نشانگر این است که ماه قبلی پایان یافته و آغازی برای ماه جدید است. بنا بر این ، پیدایش هلال ، یعنی: بیرون آمدن آن از تحت الشعاع ، به اندازه ای که اجمالاً دیده شود. این مسئله ای واقعی و یکسان است و در شهری با شهر دیگر تفاوت ندارد ، و نه منطقه ای با منطقه دیگر؛ چون همان گونه که روشن شد ، نسبتی میان ماه و خورشید است ، نه ماه و زمین. پس اختلاف سرزمین ها تأثیری در پیدایش این پدیده طبیعی در فضا ندارد. بدین ترتیب ، پیدایش هلال ماه ، آغاز ماه قمری برای همه مناطق زمین است ، با همه اختلافی که در مشرق و مغرب دارند ، هر چند در بعضی مناطق به سبب مانع بیرونی (مثل: نور خورشید یا حایل شدن کوه ها و

شبیه آن) هلال دیده نشود. البتّه این ، در مورد مناطقی که محلّ دیدن آنها در شب ، مشترک یا نزدیک به هم است ، پذیرفتنی است ، به نحوی که یک شب برای هر دو منطقه ، شب باشد ، هر چند برای یک جا اوّلِ شب و برای جای دیگر پایانِ شب باشد که این مسئله بر یک نیم کره زمین منطبق می شود ، نه بر نیم کره دیگر که خورشید در هنگام غروب نزد ما در حال تابیدن بر آن است و روشن است که آن هنگام نزد آنان ، روز است و بی معناست که نسبت به آنان هم حکم شود که شب اوّل ماه است. شاید آیه شریف: « رَبُّ الْمَشْرِقَیْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَیْنِ» (الرحمن ، آیه 17) به این نکته اشاره می کند؛ چون زمین به لحاظ رو به خورشید بودن یا نبودن ، دو نیم دارد و هر نیمه مشرقی دارد و مغربی. هر گاه خورشید بر نیمی می تابد ، از نیم دیگر غروب می کند و به عکس. از این رو ، زمین دو مشرق دارد و دو مغرب. شاهد بر این ، آیه شریف: « یَلَیْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ؛ کاش میان من و تو فاصله میان دو مشرق بود !» (زخرف ، آیه 38) که می رساند این ، بیشترین و طولانی ترین فاصله میان دو نقطه زمین است ، یکی مشرق این نیمه و دیگری مشرق آن نیمه . بنا بر این ، اگر در یکی از دو نیم کره ، ماه قابل دیدن باشد ، حکم می شود که آن شب ، نسبت به ساکنان این نیمه - که در شب بودنِ آن برای آنان ، مشترک اند - اوّل ماه است ، هر چند در آغاز و پایان شب ، اختلاف داشته باشند...» تا آن جا که می گوید: «مقتضای این روایات که با واقعیّت هم منطبق است ، آن است که مدار حُکم ، بر اتّحاد اُفق نیست و هیچ مقتضی ای وجود ندارد که روایات را بر این حمل کنیم؛ چون هیچ وجهی برای این تقیید نگفته اند ، مگر مقایسه وضع هلال به اوقات نمازها ، که ضعف آن را شناختی و قیاسی مع الفارق است و توضیح بیشتر نمی خواهد. از سوی دیگر ، آنچه در دعای نماز عید آمده ، این مطلب را تأیید می کند ، آن جا که امام علیه السلام می فرماید: ~ تو را به حقّ این روز می خوانم ، روزی که آن را برای مسلمانان عید قرار داده ای { ، که به روشنی از آن فهمیده می شود که یک روز مشخّص که با کلمه ~این { به آن اشاره شده است ، عید همه مسلمانانی است که در اطراف کره زمین (با وجود اختلاف در اُفق ها) پراکنده اند ، نه آن که مخصوص شهری باشد ، نه شهر دیگر. آیه مربوط به شب قدر نیز که می گوید: بهتر از هزار شب است و هر کار حکمت آمیزی ، در آن فیصله می یابد ، همین گونه است و آیه در این ، ظهور دارد که: آن ، یک شب معیّن برای همه مردم و همه جهانیان است ، با احکام خاص ، نه این که هر منطقه و سرزمینی ، شبی مخصوص داشته باشد ، جدا از سرزمین دیگر» (مستند العروه الوثقی ، کتاب الصوم : ج 2 ص 118 - 122) .

معیّن خواهد بود. 3. شب قدر ، عبارت است از: یک دوره کامل شب در همه کره زمین. پس فرقی نیست که آغاز ماه های قمری در همه مناطق و سرزمین ها ، یکی باشد یا مختلف. توضیح ، آن که: «شب ، همان سایه نیم کره زمین است که بر نیم کره دیگر می افتد و می دانیم این سایه ، همراه با گردش زمین در حرکت است و یک دوره کامل آن ، در بیست و چهار ساعت انجام می شود. بنا بر این ، ممکن است شب قدر ، یک دوره کامل شب به دور زمین باشد؛ به این

.

معنا که مدّت بیست و چهار ساعت تاریکی (که تمام نقاط زمین را زیر پوشش خود قرار می دهد) شب قدر است که آغاز آن از یک نقطه شروع می شود و در نقطه ای دیگر پایان می گیرد». بر این اساس ، جدا کردن حکم شب قدر از حکم روز اوّل ماه ، درست نیست ، که اگر استدلال نظریّه سوم را بپذیریم و شب قدر را یک «بیست و چهار ساعت» بدانیم ، با همین محاسبه می توان نسبت به روز اوّل ماه نیز برخورد کرد و آن را در همه مناطق و سرزمین ها یکی شمرد ، بخصوص که اطلاق روایات هم مؤیّد این می شود. در نتیجه ، این نظریّه با نظریّه دوم یکی می شود. باری! به نظر ما ، نظریّه دوم ، به ظواهر قرآن و احادیث و به مقتضای عقل و اعتبار ، نزدیک تر است. و افزون بر همه استدلال هایی که برای تعیّن و وحدت لیله القدر شده ، می توان گفت که اهمّیت فوق العاده این شب بزرگ ، اقتضا می کرد که اهل بیت علیهم السلام بخصوص هنگامی که در اثر فتوحات بزرگ ، اسلام تا اقصی ممالک جهان پیشرفت کرده بود متعدّد بودن شب قدر را تذکّر دهند . لیکن با این حال ، با عنایت به نظریه مشهور ، رعایت احتیاط ، بی تردید ، موجب بهره گیری بیشتر از برکات ماه رمضان خواهد شد . و خوشا آنان که از این نعمت برخوردارند که برای شناخت و تعیین شب قدر ، نیازی به این گونه حرف ها ندارند و با چشم دل ، حقایق شب قدر و فرود فرشتگان و «روح» را می بینند و از برکات آن به بهترین شکل ، بهره های سرشار می برند. نعمتی که اینان از آن برخوردارند ، تنها شناخت شب قدر نیست؛ بلکه در تعیین اوّل ماه نیز چنین اند و نیازی به استهلال و گواهیِ شاهدان و بهره گیری از ابزار علمی و نجومی ندارند. عارف بزرگوار و فقیه وارسته ، سیّد ابن طاووس رحمه الله ، این حالت را چنین توصیف می کند: بدان که وقتی خداوند بخواهد مراد خود را به بندگانش بفهماند ، راه ، آن

.

ششم . بهترین اعمال در شب قدر

اشاره

منحصر به ادراک عقلی یا نگاه شرعی نیست؛ چرا که خداوند ، قدرت ذاتی دارد و می تواند هر چه را هر وقت اراده کند ، به بندگانش بشناساند. من ، کسی را به یقین می شناسم که اوّل ماه ها را می داند ، بی آن که به هلال بنگرد ، یاشاهدانْ پیش او گواهی دهند ، یا به روایاتی که گذشت عمل کند ، یا به سخن منجّم یا به استخاره یا به گفته اهل عدد و یا به خواب تکیه کند؛ بلکه او بر اساس فضل پروردگار جهان که به او فروغ خرد بخشیده است ، بی آن که خواسته باشد؛ و علم به بدیهیّات را به او عطا کرده ، بی آن که آن را طلبیده باشد می داند؛ لیکن تنها خودِ او مکلّف به آن یقینی است که به نحو معیّن به آن رسیده است. به نظر می رسد که در متن یاد شده ، اشاره سیّد ابن طاووس به خودش باشد و برای پرهیز از خودستایی ، به آن تصریح نکرده است.

ششم . بهترین اعمال در شب قدرمحدّث بزرگوار ، ابن بابویه رحمه الله در مجلس 93 از کتاب الأمالی ، پس از بیان نوافل شب های ماه رمضان و صد رکعت نماز برای هر یک از شب های بیست و یکم و بیست و سوم ، می گوید:

1737.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ومن أحیا هاتین اللیلتین بمذاکره العلم فهو أفضل ؛1736.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس این دو شب را با گفتگوی علمی احیا بدارد ، بهتر است.به نظر می رسد که این مطلب ، برگرفته از سخن پیامبر خدا به ابوذر است که در آن ، برتری علم را بر عبادت به تفصیل ، بیان ، و در پایان آن فرموده است:

1739.المستدرک علی الصحیحین عن اُسامه بن شریک :یا أبا ذَرٍّ الجُلوسُ ساعَةً عِندَ مُذاکرَهِ العِلمِ خَیرٌ لَک مِن عِبادَهِ سَنَهٍ صِیامِ نَهارِها وَقِیامِ لَیلِها ؛

.

الف کدام علم و کدام عبادت؟

ب نقش عبادت در پیدایش نور علم

ج سیره اهل بیت علیهم السلام

1738.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ای ابو ذر! یک ساعت نشستن برای گفتگوی علمی برای تو ، از عبادت یک سال که روزش را روزه بداری و شبش را به نماز بِایستی ، بهتر است.افزون بر این حدیث ، منابع حدیثی ، روایات بی شماری از اهل بیت علیهم السلام را نقل کرده اند که می رساند آموختن دانش ، به مراتب ، برتر از عبادت است؛ لیکن برای روشن تر شدن این موضوع ، توجّه به چند مطلب ضروری است:

الف کدام علم و کدام عبادت؟از دیدگاه فقهی ، «آموختن علم» ، احکام پنجگانه را دارد و بررسی متن احادیث فراوانی که علم را برتر از عبادت می دانند ، به روشنی می رساند که مقصود ، برتری آموختن واجب یا مستحب بر عبادات مستحب است.

ب نقش عبادت در پیدایش نور علماز نگاه متون اسلامی ، عبادات ، نقشی بنیادی در پیدایش و تداوم فروغ علم دارند. از این رو ، هدف احادیثی که علم را برتر از عبادت می دانند ، تضعیف یا انکار نقش سازنده عبادت در کنار علم نیست؛ بلکه تأکید بر همراه ساختن عبادت با علم و برحذر داشتن از عبادتِ ناآگاهانه است که نه تنها بی ارزش ، بلکه خطرآفرین است.

ج سیره اهل بیت علیهم السلامبررسی و تأمّل در سیره عملی اهل بیت علیهم السلام درباره شب قدر و عنایت ویژه آنان به عبادت و ذکر در شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، و توجّه به رهنمودها و سفارش هایی که به بهره گیری بیشتر از این شب ها داشته اند ، همگی به روشنی نشان می دهند که این شب ها ، جز در موارد استثنایی ، باید صرف عبادت و ذکر و نیایش و اُنس با خدای سبحان شوند.

.

البتّه این ، بدان معنا نیست که نتوان بخشی از شب قدر را به تألیف یا بیان معارف و علومی پرداخت که سطح آگاهی و معرفت مردم را بالا می برد؛ بلکه مقصود ، هشدار دادن به این نکته است که به بهانه و به استناد روایاتی که علم را بر عبادات ترجیح می دهند ، نباید در شب قدر ، از برکات اُنس با خداوند و بهره بردن از تضرّع در پیشگاه او ، غافل شد .

.

الفصل الثالث : آداب ليله القدر المشتركه3 / 1الغُسل1732.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :اِغتَسِل لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وَاجهَد أن تُحيِيَها . (1)1731.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :غُسلُ لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وغُسلُ لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ سُنَّهٌ لا تَترُكها ؛ فَإِنَّهُ يُرجى فى إحداهُنَّ لَيلَهُ القَدرِ . (2)1730.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن بكير بن أعين :سَألتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام : فى أىِّ اللَّيالى أغتَسِلُ فى شَهرِ رَمَضانَ؟

قالَ : «فى تِسعَ عَشرَةَ ، وفى إحدى وعِشرينَ ، وفى ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وَالغُسلُ أوَّلَ اللَّيلِ» .

قُلتُ : فَإِن نامَ بَعدَ الغُسلِ؟

قال : «هُوَ مِثلُ غُسلِ يَومِ الجُمُعَهِ ، إذَا اغتَسَلتَ بَعدَ الفَجرِ أجزَأَکَ» . (3) .

1- .الهدايه : ص 196 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 8 ح 11 .
2- .الكافى : ج 3 ص 40 ح 2 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 1 ص 373 ح 1142 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 12 ح 17 .

3 / 1 غسل

فصل سوم : آداب مشترک شب قدر3 / 1غسل1730.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب نوزدهم ماه رمضان و بیست و یکم و بیست و سوم ، غسل کن و بکوش که این شب ها را زنده بداری.1729.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق:غسلِ شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، مستحب است و آنها را ترک نکن؛ چرا که امید است شب قدر ، در یکی از آنها باشد.1728.عنه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از بکیر بن اعین :از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در کدام یک از شب های ماه رمضان ، غسل کنم؟

فرمود: «در نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم. و غسل در اوّل شب باشد».

گفتم: اگر [کسی] پس از غسل بخوابد؟

فرمود: «آن ، همانند غسل روز جمعه است. اگر پس از سپیده دم غسل کنی ، برایت کافی است».

.

3 / 2الإحياء1725.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحيا لَيلَةَ القَدرِ حُوِّلَ عَنهُ العَذابُ إلَى السَّنَهِ القابِلَهِ . (1)1724.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دعاى «جوشن كبير») الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله نَهى أن يُغفَلَ عَن لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وعَن لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، ونَهى أن يَنامَ أحَدٌ تِلكَ اللَّيلَهَ . (2)1726.عنه صلى الله عليه و آله :الأمالى عن يحيى بن العلاء :كانَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام مَريضا دَنِفا فَأُمِرَ ، فَأُخرِجَ إلى مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَكانَ فيهِ حَتّى أصبَحَ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (3)1725.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :مَنِ اغتَسَلَ لَيلَهَ القَدرِ وأحياها إلى طُلوعِ الفَجرِ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ . (4)راجع : ص 408 ، ح 302 وص 416 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / تأكيد الأحياء) .

3 / 3الدُّعاءأ تَأكيدُ الدُّعاءِ فى لَيلَهِ القَدرِ1721.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن الفضيل بن يسار :كانَ أبوجَعفَرٍ عليه السلام إذا كانَت لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ،

ولَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أخَذَ فِى الدُّعاءِ حَتّى يَزولَ اللَّيلُ ، فَإذا زالَ اللَّيلُ صَلّى . (5) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 345 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 145 ح 3 .
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 281 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 9 ح 12 .
3- .الأمالى للطوسى : ص 676 ح 1428 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 4 ح 4 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 137 ح 146 ، بحار الأنوار : ج 83 ص 128 ح 84 .
5- .الكافى : ج 4 ص 155 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 16 ح 29 .

3 / 2 شب زنده داری

3 / 3 دعا

الف تأکید بر دعا در شب قدر

3 / 2شب زنده داری1718.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس شب قدر را زنده بدارد ، تا سال آینده عذاب از او برگردانده می شود.1703.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام :پیامبر خدا نهی کرد که از شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، غفلت شود و نهی کرد که کسی در آن شب بخوابد.1700.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی بَیانِ ما کانَ فی صَحیفَهِ موسی علیه السلام) الأمالی به نقل از یحیی بن علاء :امام صادق علیه السلام سخت بیمار بود. دستور داد او را به مسجد پیامبر خدا بردند. آن جا بود ، تا صبح شبِ بیست و سوم ماه رمضان.1691.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:هر کس در شب قدر غسل کند و آن شب را تا سپیده دم زنده بدارد ، از گناهانش بیرون می آید.ر . ک : ص 409 ، ح 302 و ص 417 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / تأکید بر شب زنده داری) .

3 / 3دعاالف تأکید بر دعا در شب قدر1696.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از فُضَیل بن یَسار :وقتی شب بیست و یکم و شب بیست و

سوم می شد ، امام باقر علیه السلامشروع به دعا کردن می کرد تا شب سپری شود. چون شب می گذشت ، نماز می خواند.

.

1697.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن حمّاد بن عثمان :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام لَيلَةَ إحدى وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ لى : «يا حَمّادُ ، اغتَسَلتَ؟»

قُلتُ : نَعَم ، جُعِلتُ فِداكَ ! فَدَعا بِحَصيرٍ ، ثُمَّ قالَ : «إلى لِزقى فَصَلِّ» .

فَلَم يَزَل يُصَلِّى وأنَا اُصَلِّى إلى لِزقِهِ حَتّى فَرَغنا مِن جَميعِ صَلاتِنا ،

ثُمَّ أخَذَ يَدعو وأنَا اُؤَمِّنُ عَلى دُعائِهِ إلى أنِ اعتَرَضَ الفَجرُ ، فَأَذَّنَ وأقامَ ودَعا بَعضَ غِلمانِهِ ، فَقُمنا خَلفَهُ فَتَقَدَّمَ وصَلّى بِنا الغَداةَ . (1)راجع : ص 190 (ما يؤكّد استحبابه من الأعمال / كثره الدعاء والذكر) .

ب أدعِيَهُ لَيلَهِ القَدرِ1694.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :المعجم الأوسط :عَن عَبدِ اللّهِ بنِ يَزيدَ عَن عائِشَةَ أنَّها قالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إن وافَقتُ لَيلَةَ القَدرِ ما أسأَلُ اَللّهَ؟

قالَ [صلى الله عليه و آله] : «سَليهِ العافِيَةَ» . (2)1695.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال :دُعاءُ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عليهماالسلام فى لَيلَهِ القَدرِ :

يا باطِنا فى ظُهورِهِ ويا ظاهِرا فى بُطونِهِ ، يا باطِنا لَيسَ يَخفى يا ظاهرا لَيسَ يُرى ، يا مَوصوفا لا يَبلُغُ بَكَينونِيَّتِهِ مَوصوفٌ ولا حَدٌّ مَحدودٌ ، يا غائِبا غَيرَ مَفقودٍ ويا شاهِدا غَيرَ مَشهودٍ يُطلَبُ فَيُصابُ ، ولَم يَخلُ مِنهُ السَّمَاواتُ وَالأَرضُ وما بَينَهُما طَرفَةَ عَينٍ ، لا يُدرَكُ بِكَيفٍ ، ولا يُؤَيَّنُ بِأينٍ ، ولا بِحَيثٍ .

أنتَ نورُ النّورِ ورَبُّ الأَربابِ ، أحَطتَ بِجَميعِ الاُمورِ ، سُبحانَ مَن لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ ، سُبحانَ مَن هُوَ هكَذا ولا هكَذا غَيرُهُ .

ثُمَّ تَدعوهُ بِما تُريدُ . (3) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 366 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 157 ح 4 .
2- .المعجم الأوسط : ج 3 ص 66 ح 2500 ؛ مستدرک الوسائل : ج 7 ص 458 ح 8654 نحوه .
3- .الإقبال : ج 1 ص 382 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 165 ح 5 وفيه «دعاء علىّ بن الحسين عليهماالسلام» .

ب دعاهای شب قدر

اشاره

1696.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از حمّاد بن عثمان :شب بیست و یکم ماه رمضان ، خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «ای حمّاد! غسل کرده ای؟».

گفتم: آری ، فدایت شوم.

پس ، حصیری طلبید. سپس فرمود: «کنار من بیا و نماز بخوان».

امام علیه السلام همواره نماز می خواند و من نیز کنار او نماز می خواندم ، تا آن که از همه نمازهایمان فارغ شدیم. سپس شروع کرد به دعا کردن. من نیز دعای او را آمین می گفتم ، تا آن که سپیده دمید. اذان و اقامه گفت و بعضی از فرزندان نوجوان خود را صدا زد. ما پشت سرش ایستادیم و او جلو رفت و برای ما نماز صبح را به جماعت خواند.ر . ک : ص 191 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / زیاد دعا خواندن و ذکر گفتن).

ب دعاهای شب قدر1699.مسند ابن حنبل عن أبی العلاء بن الشخیر :المعجم الأوسط به نقل از عبد اللّه بن یزید : عایشه گفت: ای پیامبر خدا! اگر شب قدر را درک کردم ، از خدا چه بخواهم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از او عافیت بخواه».1875.جامع الأحادیث ، قمی :الإقبال در بیان دعای امام حسن مجتبی علیه السلام در شب قدر :«ای آن که در آشکاری اش پنهان است! ای آن که در نهان بودنش آشکار است! ای پنهانی که نهان نیست! ای آشکاری که دیده نمی شود! ای آن که هیچ توصیفگری به حقیقتِ هستی اش نمی رسد و به حدّی محدود نیست! ای غایبی که گم شده نیست! ای حاضری که دیده نمی شود : طلبش می کنند و به او می رسند ؛ آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست ، حتّی چشم بر هم زدنی ، تهی از او نیست ؛ نه به چگونگی ، درک می شود و نه به کجایی ، جایی برای او بیان می گردد!

تو فروغ فروغ ها و پروردگار پروردگارانی. تو بر همه چیز ، احاطه داری. منزّه است آن که چیزی همچون او نیست ، و او شنوای بیناست. منزّه است آن که این گونه است و جز او چنین نیست».

سپس هر چه خواستی دعا می کنی و از او می خواهی.

.

راجع : ص 324 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر / الدعاء) .

نكته لطيفهقالَ السيّد ابن طاووس قدس سره : كنت فى ليله جليله من شهر رمضان بعد تصنيف هذا الكتاب بزمان ، وأنا أدعو فى السّحر لمن يجب أو يحسن تقديم الدعاء له ولى ولمن يليق بالتّوفيق أن أدعو له ، فورد على خاطرى أنّ الجاحدين للّه جلّ جلاله ولنعمه والمستخفّين بحرمته ، والمبدّلين لحكمه فى عباده وخليقته ، ينبغى أن يبدأ بالدّعاء لهم بالهدايه من ضلالتهم ؛ فإنّ جنايتهم على الرّبوبيه ، والحكمه الإلهيّه، والجلاله النّبويّه أشدّ من جنايه العارفين باللّه وبالرّسول صلوات اللّه عليه وآله. فيقتضى تعظيم اللّه وتعظيم جلاله ، وتعظيم رسوله صلى الله عليه و آله وحقوق هدايته بمقاله وفعاله ، أن يقدّم الدّعاء بهدايه من هو أعظم ضرراً ، وأشدّ خطراً ، حيث لم يقدر أن يزال ذلک بالجهاد ، ومنعهم من الإلحاد والفساد . أقول : فدعوت لكلّ ضالّ عن اللّه بالهدايه إليه ، ولكلّ ضالٍّ عن الرّسول بالرّجوع إليه ، ولكلّ ضالّ عن الحقّ بالاعتراف به والاعتماد عليه . ثمّ دعوت لأهل التّوفيق والتّحقيق بالثّبوت على توفيقهم ، والزّياده فى تحقيقهم ، ودعوت لنفسى ومن يعنينى أمره بحسب ما رجوته من التّرتيب الّذى يكون أقرب إلى من أتضرّع إليه ، وإلى مراد رسوله صلى الله عليه و آله ، وقد قدّمت مهمّات الحاجات بحسب ما رجوت أن يكون أقرب إلى الإجابات . أفلا ترى ما تضمّنه مقدّس القرآن من شفاعه إبراهيم عليه السلام فى أهل الكفران !؟ فقال اللّه جل جلاله : «يُجَدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ * إِنَّ إِبْرَ هِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّ هٌ مُّنِيبٌ » (1) ، فمدحه جلّ جلاله على حلمه وشفاعته ومجادلته فى قوم لوط ، الّذين قد بلغ كفرهم إلى تعجيل نقمته . أما رأيت ما تضمّنته أخبار صاحب الرّساله وهو قدوه أهل الجلاله كيف كان كلّما آذاه قومه الكفّار وبالغوا فيما يفعلون . قال صلوات اللّه عليه وآله : «اللّهُمَّ اغفِر لِقَومى ؛ فَإِنَّهُم لا يَعلَمونَ» . أما رأيت الحديث عن عيسى عليه السلام : «كُن كَالشَّمسِ تَطلُعُ عَلَى البَرِّ وَالفاجِرِ» !؟ وقول نبيّنا صلوات اللّه عليه وآله : «اِصنَعِ الخَيرَ إلى أهلِهِ وإلى غَيرِ أهلِهِ ؛ فَإِن لَم يَكُن أهلَهُ فَكُن أنتَ أهلَهُ» . وقد تضمّن ترجيح مقام المحسنين إلى المسيئين قوله جلّ جلاله : «لاَّ يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِى الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُواْ إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ » (2) ، ويكفى أنّ محمّداً صلى الله عليه و آلهبعث رحمةً للعالمين . (3)

.

1- .هود : 75 .
2- .الممتحنه : 8 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 384 .

نکته ای لطیف

ر . ک : ص 325 (اعمال مخصوص دهه آخر / دعا) .

نکته ای لطیفمرحوم سیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: شبی ارجمند از ماه رمضان ، پس از گذشت مدّتی از تألیف این کتاب (الإقبال) ، در سحرگاه ، مشغول دعا بودم ، برای کسی که لازم و نیکوست که پیش از همه ، دعا برای او انجام گیرد ، و برای خودم ، و برای هر که لیاقت این توفیق را داشت که دعایش کنم. به خاطرم گذشت که ابتدا سزاوار است به آنان دعا کنم که مُنکر خدایند و نعمت های او را ناسپاسی می کنند و حرمت او را سبک می شمارند و حکم او را درباره بندگان و مخلوقاتش عوض می کنند؛ دعا کنم که خداوند از این گم راهی ، هدایتشان کند؛ چرا که جنایت آنان بر ساحت ربوبی خدا و حکمت الهی و جلالت نبوی ، سخت تر از جنایت عارفان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. بزرگداشت و تکریم جلالت خداوند و بزرگداشت پیامبر خدا و حقّ هدایت پیامبر صلی الله علیه و آلهبا سخنان و رفتار خویش ، ایجاب می کند که ابتدا برای هدایت کسی دعا شود که ضررش بزرگ تر و خطرش شدیدتر است ، که ایشان نتوانست با جهاد ، آن را بزداید و آنان را از کفر و فساد ، باز دارد. می گویم: دعا کردم که هر گم راه از خدا ، به سوی خدا هدایت شود و هر گم راه از پیامبر صلی الله علیه و آله ، به سوی او باز گردد و هر گم راه از حق ، حق را بپذیرد و بر آن تکیه کند. سپس برای اهل توفیق و پیروان حق ، دعا کردم که توفیقشان بپاید و حقجویی شان افزون شود. نیز برای خودم و کسانی که کارشان به من مربوط است ، بر اساس امیدی که داشتم و به ترتیبی که به خدا و به خواسته پیامبرش صلی الله علیه و آله نزدیک تر باشد ، دعا کردم و مهم ترین حاجت ها را طبق امیدی که داشتم به اجابت نزدیک تر است ، مقدّم داشتم. آیا نمی بینی که قرآن مقدّس ، وساطت ابراهیم علیه السلام برای ناسپاسان را بیان کرده است؟ خداوند می فرماید: « يُجَادِلُنَا فِی قَوْمِ لُوطٍ * إِنَّ إِبْرَ هِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّ هٌ مُّنِيبٌ ؛ درباره قوم لوط با ما مجادله می کند * همانا ابراهیم ، بردبار و نرم دل و بازگشت کننده [به سوی خدا] است» . خداوند ، بردباری و شفاعت و مجادله وی را درباره قوم لوط ، که کفر (ناسپاسی) آنان به آن جا رسیده بود که کیفرشان زود فرا رسید ، ستوده است. آیا ندیده ای که در میان روایات

مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله که پیشوای اهل جلالت است ، چنین آمده که هر گاه قوم کافر ، ایشان را آزار می داد و آزار را به نهایت می رساند ، پیامبر صلی الله علیه و آلهمی گفت: «خدایا! قوم مرا ببخشای. آنان نادان اند»؟ آیا حدیث عیسی علیه السلام را ندیده ای که: «همچون خورشید باش که بر نیک و بد ، یکسان می تابد»؟ و سخن پیامبرمان را ندیده ای که: «نیکی را هم به اهلش و هم به نااهل انجام بده؛ اگر او اهل خیر نیست ، تو اهل خیر باش»؟ این آیه شریف ، مقام آنان را که به بدکاران نیکی می کنند ، برتر می داند: « لاَّ يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُواْ إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ؛ خداوندْ شما را نهی نمی کند از این که به آنان بر سر دین با شما نجنگیدند و شما را از سرزمین خودتان بیرون نکردند ، نیکی و عدل و داد کنید. همانا خداوند ، دادگران را دوست می دارد» و همین بس که محمّد صلی الله علیه و آله ، به عنوان «رحمت برای جهانیان» برانگیخته شده است.

.

ج الاِستِشفاعُ بِالقُرآنِ1875.جامع الأحاديث للقمى :الإمام الباقر عليه السلام :تَأخُذُ المُصحَفَ فى ثَلاثِ لَيالٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَتَنشُرُهُ وتَضَعُهُ بَينَ يَدَيکَ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِکِتابِکَ المُنزَلِ وما فيهِ ، وفيهِ اسمُکَ الأَکبَرُ وأسماؤُکَ الحُسنى وما يُخافُ ويُرجى ، أن تَجعَلَنى من عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ .

وتَدعو بِما بَدا لَکَ مِن حاجَةٍ . (1) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 346 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 146 و ج 97 ص 4 ح 5 .

ج واسطه قرار دادن قرآن

ج واسطه قرار دادن قرآن1873.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:در سه شب از ماه رمضان ، قرآن را [به دست] می گیری ، باز می کنی و جلوی روی خود قرار می دهی و می گویی:

«خداوندا! تو را به کتابِ نازل شده ات می خوانم و به آنچه در آن است و نام بزرگ تر و نام های نیکوتر تو و آنچه مایه بیم و امید است ، در آن است که مرا

از آزادشدگانِ خودت از آتش قرار دهی» و برای هر نیازی که به نظرت می رسد ، دعا می کنی.

.

د الاِستِشفاعُ بِالقُرآنِ وأهلِ البَيتِ1871.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عن الإمام الصادق عليه السلام :خُذِ المُصحَفَ فَدَعهُ عَلى رَأسِكَ وقُل :

اللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا القُرآنِ ، وبِحَقِّ مَن أرسَلتَهُ بِهِ ، وبِحَقِّ كُلِّ مُؤمِنٍ مَدَحتَهُ فيهِ ، وبَحَقِّكَ عَلَيهِم فَلا أحَدَ أعرَفُ بِحَقِّكَ مِنكَ ، بِكَ يا أللّهُ عَشرَ مَرّاتٍ ثُمَّ تَقولُ : بِمُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِفاطِمَةَ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحَسَنِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحُسَينِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَشَرَ مَرّاتٍ ، بِموسَى بنِ جَعفَرٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ موسى عَشرَ مَرّاتٍ ، بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحُجَّهِ عَشرَ مَرّاتٍ وتَسأَلُ حاجَتَكَ .

وذَكَرَ فى حَديثِهِ إجابَهَ الدّاعى وقَضاءَ حَوائِجِهِ . (1)1870.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :خُذِ المُصحَفَ فى يَدِكَ وَارفَعهُ فَوقَ رَأسِكَ وقُل :

اللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا القُرآنِ ، وبِحَقِّ مَن أرسَلتَهُ إلى خَلقِكَ ، وبِكُلِّ آيَهٍ هِىَ فيهِ ، وبِحَقِّ كُلِّ مُؤمِنٍ مَدَحتَهُ فيهِ ، وبِحَقِّهِ عَلَيكَ ولا أحَدَ أعرَفُ بِحَقِّهِ مِنكَ .

يا سَيِّدى يا سَيِّدى يا سَيِّدى ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ عَشرَ مَرّاتٍ ، وبِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، و بِحَقِّ كُلِّ إمامٍ وتَعُدُّهُم حَتّى تَنتَهِىَ إلى إمامِ زَمانِكَ عَشرَ مَرّاتٍ .

فَإِنَّكَ لا تَقومُ مِن مَوضِعِكَ حَتّى يُقضى لَكَ حاجَتُكَ ، وتَيَسَّرَ لَكَ أمرُكَ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 346 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 146 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 347 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 146 .

د واسطه قرار دادن قرآن و اهل بیت علیهم السلام

د واسطه قرار دادن قرآن و اهل بیت علیهم السلام1868.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبالبه نقل از امام صادق علیه السلام : قرآن را بگیر و آن را بر سرت بگذار و بگو :

«خداوندا ! به حقّ این قرآن و به حقّ آن که او را با قرآن مبعوث کردی و به حقّ هر مؤمنی که در قرآن او را ستوده ای و به حقّی که بر آنان داری و هیچ کس به حقّ تو ، آشناتر از خودت نیست ، تو را قسم می دهم ، به خودت ، ای خداوند ! (ده بار) ».

سپس می گویی :

«به حقّ محمّد (ده بار) ، به حقّ علی (ده بار) ، به حقّ فاطمه (ده بار) ، به حقّ حسن (ده بار) ، به حقّ حسین (ده بار) ، به حقّ علی بن حسین (ده بار) ، به حقّ محمّد بن علی (ده بار) ، به حقّ جعفر بن محمّد (ده بار) ، به حقّ موسی بن جعفر (ده بار) ، به حقّ علی بن موسی (ده بار) ، به حقّ محمّد بن علی (ده بار) ، به حقّ علی بن محمّد (ده بار) ، به حقّ حسن بن علی (ده بار) ، به حقّ حجّت (ده بار) » و حاجت خویش را می طلبی .

[امام علیه السلام] در حدیث خود فرموده است که دعای دعاکننده ، مستجاب و حاجت هایش برآورده می شود.1867.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:قرآن را در دستت بگیر و آن را بالای سرت ببر و بگو:

«خداوندا ! به حقّ این قرآن ، و به حقّ آن که او را با قرآن به سوی بندگانت فرستادی ، و به هر آیه ای که در قرآن است و به حقّ هر مؤمنی که او را در قرآن ستوده ای و به حقّ او بر تو که هیچ کس به حقّ او داناتر از تو نیست ، ای سرورم ، ای سرورم ، ای سرورم ! خداوندا ، خداوندا ، خداوندا ! (ده بار) و به حقّ محمّد (ده بار) و به حقّ هر امام (ده بار) » و امامان را می شماری تا به امام زمانت برسی.

به یقین ، از جای خود بر نمی خیزی ، مگر آن که حاجتت برآید و کارت برایت آسان شود.

.

3 / 4زِيارَهُ الإمامِ الحُسَينِ1872.عنه صلى اللهِ عليه و آله :الإمام الصادقِ عليه السلام :إذا كانَ لَيلَهُ القَدرِ وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، نادى مُنادٍ تِلكَ اللَّيلَهَ مِن بُطنانِ العَرشِ : إنَّ اللّهَ تَعالى قَد غَفَرَ لِمَن أتى قَبرَ الحُسَينِ عليه السلامفى هذِهِ اللَّيلَهِ . (1)راجع : ص 418 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / تأكيد زياره الحسين) .

3 / 5الصَّلاهأ تَأكيدُ الصَّلاهِ فى لَيلَهِ القَدر1867.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَهَ القَدرِ إيمانا وَاحتِسابا غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (2)راجع : ص 396 (آداب ليله القدر المشتركه / الإحياء) وص 396 (تأكيد الدعاء فى ليله القدر) وص 408 ، ح 302 .

ب صَلاهُ رَكعَتَينِ1864.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى رَكعَتَينِ فى لَيلَهِ القَدرِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ : «فاتِحَهَ الكِتابِ» مَرَّهً و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » سَبعَ مَرّاتٍ ، فَإذا فَرَغَ يَستَغفِرُ سَبعينَ مَرَّهً ، لا يَقومُ مِن مَقامِهِ حَتّى يَغفِرَ اللّهُ لَهُ ولِأَبَوَيهِ ، وبَعَثَ اللّهُ مَلائِكَهً يَكتُبونَ لَهُ

الحَسَناتِ إلى سَنَهٍ أُخرى ، وبَعَثَ اللّهُ مَلائِكَهً إلَى الجِنانِ يَغرِسونَ لَهُ الأشجارَ ، ويَبنونَ لَهُ القُصورَ ، ويُجرونَ لَهُ الأنهارَ ، ولا يَخرُجُ مِنَ الدُّنيا حَتّى يَرى ذلِكَ كُلَّهُ . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 49 ح 111 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 166 ح 5 .
2- .الأمالى للطوسى : ص 150 ح 247 ؛ صحيح البخارى : ج 2 ص 672 ح 1802 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 344 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 144 ح 3 .

3 / 4 زیارت امام حسین

3 / 5 نماز

اشاره

الف تأکید بر نماز خواندن در شب قدر

ب دو رکعت نماز

3 / 4زیارت امام حسین1861.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه شب قدر شود که در آن ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد ، آن شب ، منادی از دل عرش بانگ بر می آورد که: «خداوند ، هر کس را امشب به زیارت قبر حسین علیه السلام آمد ، آمرزید».ر . ک : ص 419 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام) .

3 / 5نمازالف تأکید بر نماز خواندن در شب قدر1698.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر که در شب قدر ، از روی ایمان و برای پاداش الهی نماز بخواند ، خداوندْ گناه گذشته او را می آمرزد.ر . ک : ص 397 (آداب مشترک شب قدر / شب زنده داری) و ص 397 (تأکید بر دعا در شب قدر) و ص 409 ، ح 302.

ب دو رکعت نماز1701.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب قدر دو رکعت نماز بخواند (در هر رکعت: یک بار «فاتحه الکتاب» و هفت بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند) و چون فارغ شد ، هفتاد بار استغفار کند ، از جای خود بر نمی خیزد تا آن که خداوند ، او و پدر و مادرش را می آمرزد و خداوند ، فرشتگانی را بر می انگیزد که تا سال دیگر برای او حسنات می نویسند و خداوند ، فرشتگانی را به سوی بهشت می فرستد که

برای او درختانی بکارند و کاخ هایی بسازند و نهرهایی جاری کنند ، و از دنیا بیرون نمی رود تا آن که همه اینها را ببیند.

.

ج صَلاهُ مِئَهِ رَكعَهٍ (1)1703.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن إسماعيل بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن اغتَسَلَ لَيالِيَ الغُسلِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَهَيئَهِ يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ ...» .

فَقُلتُ : هَل فيها صَلاهٌ غَيرُ ما فى سائِرِ لَيالِى الشَّهرِ؟

قالَ : «لا ، إلاّ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإِنَّ فيها يَرجو لَيلَهَ القَدرِ ، ويُستَحَبُّ أن يُصَلِّيَ فِى كُلِّ لَيلَهٍ مِنها مِئَهَ رَكعَهٍ ، فى كُلِّ رَكعَهٍ : «الحَمدُ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » مِئَهً ، فَإِن فَعَلَ ذلِكَ أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ وأوجَبَ لَهُ الجَنَّهَ ، وشَفَّعَهُ فى مِثلِ رَبيعَهَ ومُضَرَ» . (2)1704.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن علىّ بن أبى حمزه الثمالى :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ أبوبَصيرٍ : جُعِلتُ فِداكَ ! اللَّيلَهُ الَّتى يُرجى فيها ما يُرجى؟

فَقالَ : «فى إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ ، إلى أن قالَ فَاطلُبها فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وصَلِّ فى كُلِّ واحِدَهٍ مِنهُما مِئَهَ رَكعَهٍ ، وأحيِهِما إنِ استَطَعتَ إلَى النّورِ وَاغتَسِل فيهِما» .

قُلتُ : فَإِن لَم أقدِر عَلى ذلِكَ وأنَا قائِمٌ؟

قالَ : «فَصَلِّ وأنتَ جالِسٌ» .

قُلتُ : فَإِن لَم أستَطِع؟

قالَ : «فَعَلى فِراشِكَ ، لا عَلَيكَ أن تَكتَحِلَ أوَّلَ اللَّيلِ بِشَىءٍ مِنَ النَّومِ» . (3) .

1- .قال الشيخ الحرّ العاملى رحمه الله فى وسائله : إنّ هذه المئه ركعه يحتمل كونها من جمله الألف ، ويحتمل عدم التداخل (وسائل الشيعه : ج 8 ص 21) .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 137 ص 147 .
3- .الكافى : ج 4 ص 156 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 2 ح 4 .

ج صد رکعت نماز

ج صد رکعت نماز1876.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از اسماعیل بن مهران :امام صادق علیه السلامفرمود : «هر که در شب های غسل ماه رمضان غسل کند ، از گناهانش بیرون می آید ، همچون روزی که مادرش او را زاده است...».

گفتم : آیا در آن شب ها، نمازی جز آنچه در شب های دیگر ماه است ، وجود دارد؟

فرمود : «نه ، مگر در شب بیست و یکم و بیست و سوم که در این شب ، امید شب قدر می رود. و مستحب است در هر شب از شب های قدر ، صد رکعت نماز خوانده شود ، در هر رکعت: یک بار حمد و صد بار سوره قل هو اللّه أحد . پس اگر چنین کند ، خداوند ، او را از آتش می رهاند و بهشت را برای او حتمی می سازد و شفاعت او را درباره جماعتی به شمار قبیله ربیعه و مُضَر می پذیرد».1704.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه ثمالی :نزد امام صادق علیه السلامبودم. ابو بصیر به امام علیه السلام گفت: فدایت شوم! شبی که درباره آن امید است ، کدام شب است؟

فرمود: «در شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم» تا آن که فرمود: «آن را در شب بیست و یکم و بیست و سوم بطلب و در هر یک از این دو شب ، صد رکعت نماز بخوان و اگر توانستی ، آن دو شب را تا سحرْ زنده بدار و در آن دو شب غسل کن».

گفتم : اگر توانایی نداشتم که آن را ایستاده بخوانم؟

فرمود : «نشسته نماز بخوان».

گفتم : اگر نتوانستم؟

فرمود : «در رخت خوابت بخوان. عیبی ندارد که در اوّل شب ، اندکی بخوابی».

ص: 410

راجع : ص 418 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / تأكيد الصلاه مئه ركعه) .

.

ص: 411

ر . ک : ص 419 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / تأکید بر صد رکعت نماز) .

.

الفصل الرابع : مايختصُّ بإحدى اللَّيالى4 / 1ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ التّاسِعَهَ عَشرَهَ1708.عنه صلى الله عليه و آله (لِمَن سَأَلَهُ : أىُّ النّاسِ أفضَلُ إيمانا ؟) الإقبال :رُوىَ أنَّهُ يُستَغفَرُ لَيلَهَ تِسعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ مِئَهَ مَرَّهٍ ، ويُلعَنُ قاتِلُ مَولانا عَلِىٍّ عليه السلام مِئَهَ مَرَّهٍ . (1)1709.عنه صلى الله عليه و آله :مسارّ الشيعه :وفى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَهَ مِنهُ يُكتَبُ وَفدُ الحاجِّ ، وفيها ضُرِبَ مَولانا أميرُالمُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالبٍ عليه السلام الضَّربَهَ الَّتى قَضى فيها نَحبَهُ عليه السلام ، وفيها غُسلٌ ... ، ويُصَلّى فيها مِنَ الألفِ رَكعَهٍ مِئَهَ رَكعَهٍ عَلَى التَّمامِ .

ويُستَحَبُّ فيها كَثرَهُ الاِستِغفارِ ، وَالصَّلاهُ عَلى نَبِىِّ اللّهِ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِاللّهِ صلى الله عليه و آلِهوَالاِبتِهالُ إلَى اللّهِ تَعالى فى تَجديدِ العَذابِ عَلى ظالِمِيهِم مِن سائِرِ الأنامِ، والإكثارُ مِنَ اللَّعنَهِ عَلى قاتِلِ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام ، وهِىَ لَيلَهٌ يَتَجَدَّدُ فيها حُزنُ أهلِ الإيمانِ. (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 344 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 144 ح 3 .
2- .مسارّ الشيعه : ص 25 .

فصل چهارم : آنچه مخصوص یکی از شب هاست

4 / 1 آنچه مخصوص شب نوزدهم است

فصل چهارم : آنچه مخصوص یکی از شب هاست4 / 1آنچه مخصوص شب نوزدهم است1709.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:روایت شده که شب نوزدهم ماه رمضان ، صد بار استغفار می شود و صد بار قاتل مولای ما علی علیه السلام ، لعنت می شود.1710.إرشاد القلوب :مسارّ الشیعه:در شب نوزدهم آن (ماه رمضان) ، گروه حاجیان نوشته (معیّن) می شود. در همان شب ، مولایمان امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب علیه السلام ، ضربتی خورد که در پیِ آن به شهادت رسید. و در آن شب ، غسل هست... و در آن شب ، صد رکعت تمام از هزار رکعت خوانده می شود.

و در آن شب ، مستحب است: بسیار استغفار کردن ، صلوات فرستادن بر پیامبر خدا محمّد بن عبد اللّه صلی الله علیه و آله ، دعا و نیایش به درگاه خدای متعال برای تجدید عذاب ستمگرانِ به دودمانِ پیامبر صلی الله علیه و آله از سایر مردم ، وبسیار لعنت کردن بر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام. و آن ، شبی است که اندوه اهل ایمان ، تجدید می شود.

.

4 / 2ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ الحادِيَهِ وَالعِشرينَأ تَأكيدُ الغُسلِ1714.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :غُسلُ لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ سُنَّهٌ . (1)راجع : ص 394 (آداب ليله القدر المشتركه / الغسل) .

ب تَأكيدُ الاِهتِمامِ بِهذِهِ اللَّيلَهِ1713.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الشيخ المفيد قدس سره 2 فى مسارّ الشيعه :فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ مِنهُ كانَ الإسراءُ بِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وفيها رَفَعَ اللّهُ عيسَى بنَ مَريَمَ عليهماالسلام ، وفيها قُبِضُ موسَى بنُ عِمرانَ عليه السلام ، وفى مِثلِها قُبِضُ وَصِيُّهُ يوشَعُ بنُ نونٍ عليه السلام ، وفيها كانَت وَفاهُ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام سَنَهَ أربَعينَ مِنَ الهِجرَهِ ولَهُ يَومَئِذٍ ثَلاثٌ وسِتّونَ سَنَهً .

وهِيَ اللَّيلَهُ الَّتي يَتَجَدَّدُ فيها أحزانُ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام وأشياعِهِم ، وَالغُسلُ فيها كَالَّذى ذَكَرتُهُ ، وصَلاهُ مِئَهِ رَكعَهٍ كَصَلاهِ لَيلَهِ تِسعَ عَشرَهَ حَسَبَ ما قَدَّمناهُ .

وَالإكثارُ مِنَ الصَّلاهِ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ، وَالاِجتِهادُ فِى الدُّعاءِ عَلى

ظالِمِيهِم ، ومُواصَلَهُ اللَّعنَهِ عَلى قاتِلى أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام ، ومَن طَرَّقَ عَلى ذلِكَ وسَبَّبَهُ ، وآثَرَهُ ورَضِيَهُ مِن سائِرِ النّاسِ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 359 ، بحارالأنوار : ج 81 ص 19 ح 25 .
2- .مسارّ الشيعه : ص 26 .

4 / 2 آنچه مخصوص شب بیست و یکم است

الف تأکید بر غسل

ب تأکید بر اهمّیت دادن به این شب

4 / 2آنچه مخصوص شب بیست و یکم استالف تأکید بر غسل1717.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل شب بیست و یکم ماه رمضان ، مستحب است.ر . ک : ص 395 (آداب مشترک شب قدر / غسل).

ب تأکید بر اهمّیت دادن به این شب1717.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شیخ مفید در مسارّ الشیعه :معراج پیامبر خدا ، در شب بیست و یکم این ماه ، بود و در چنین شبی ، خداوندْ عیسی بن مریم علیهماالسلام را بالا برد و در چنین شبی ، موسی بن عمران علیه السلام در گذشت و در مثل چنین شبی ، جانشین او یوشع بن نون در گذشت و در چنین شبی ، رحلت امیر مؤمنان علیه السلام در سال چهل هجری در 63 سالگی اتّفاق افتاد.

و این ، شبی است که اندوه های خاندان محمد صلی الله علیه و آله و پیروانشان تجدید می شود. و غسل در آن ، مثل همان است که یاد کردم و نماز صد رکعت ، مثل

نماز شبِ نوزدهم است ، طبق آنچه پیش تر گفتیم. و مستحب است بسیار صلوات فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد صلی الله علیه و آلهو تلاش در نفرین کردن بر ستمگرانِ بر آنان و پیوسته لعنت کردن بر قاتلان امیر مؤمنان علیه السلام و بر هر که راه را برای آن هموار کرد و سبب آن شهات شد و بر مردم دیگری که آن را برگزیدند و راضی به آن شدند.

.

4 / 3ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ الثّالِثَهِ وَالعِشرينَأ تَأكيدُ الغُسل1721.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن بريد بن معاويه عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :رَأَيتُهُ اغتَسَلَ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، مَرَّهً فى أوَّلِ اللَّيلِ ، ومَرَّهً فى آخِرِهِ . (1)راجع : ص 394 (آداب ليله القدر المشتركه / الغسل) .

ب تَأكيدُ الإحياءِ1878.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَطوى فِراشَهُ ، ويَشُدُّ مِئزَرَهُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وكانَ يوقِظُ أَهلَهُ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وكانَ يَرُشُّ وُجوهَ النِّيامِ بِالماءِ فى تِلكَ اللَّيلَهِ . (2)1879.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :دعائم الإسلام :كانَت فاطِمَهُ عليهاالسلام لا تَدَعُ أحَداً مِن أهلِها يَنامُ تِلكَ اللَّيلَهَ [اللَّيلَهَ الثّالِثَهَ وَالعِشرينَ] وتُداويهِم بِقِلَّهِ الطَّعامِ ، وتَتَأَهَّبُ لَها مِنَ النَّهارِ ، وتَقولُ : «مَحرومٌ مَن حُرِمَ خَيرَها» . (3) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 375 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 20 ح 25
2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 282 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 10 ح 12 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 282 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 10 ح 12 .

4 / 3 آنچه مخصوص شب بیست و سوم است

الف تأکید بر غسل

ب تأکید بر شب زنده داری

4 / 3آنچه مخصوص شب بیست و سوم استالف تأکید بر غسل1883.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از برید بن معاویه :دیدم امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوم از ماه رمضان غسل کرد: یک بار در اوّل شب ، یک بار هم در آخر آن .ر . ک : ص 395 (آداب مشترک شب قدر / غسل) .

ب تأکید بر شب زنده داری1883.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا در دهه آخر ماه رمضان ، بستر خود را جمع می کرد و کمرش را می بست و شب بیست و سوم ، خانواده خود را بیدار می کرد و در آن شب ، به صورت خفتگان ، آب می پاشید.1884.عنه صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام:فاطمه علیهاالسلام نمی گذاشت که کسی از خانواده اش در آن شب (شب بیست و سوم) بخوابد و [خواب] آنان را با کم خوردن درمان می کرد و از روز برای آن شب ، آماده می شد و می فرمود: «محروم ، کسی است که از خیر آن بی بهره بماند».

.

1885.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن جميل وهشام وحفص :مَرِضَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام مَرَضا شَديداً ، فَلَمّا كانَ لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أمَرَ مَوالِيَهُ فَحَمَلوهُ إلَى المَسجِدِ ، فَكانَ فيهِ لَيلَتَهُ . (1)راجع : ص 396 (آداب ليله القدر المشتركه / الإحياء) .

ج تَأكيدُ الصَّلاهِ مِئَةَ رَكعَهٍ1888.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :مَن أحيا لَيلَةَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وصَلّى فيها مِئَةَ رَكعَهٍ وَسَّعَ اللّهُ عَلَيهِ مَعيشَتَهُ ، وكَفاهُ أمرَ مَن يُعاديهِ ، وأعاذَهُ مِنَ الغَرقِ ، وَالهَدمِ ، وَالسَّرَقِ ، ومِن شَرِّ الدُّنيا ، ورَفَعَ عَنهُ هَولَ مُنكَرٍ ونَكيرٍ ، وخَرَجَ مِن قَبرِهِ ونورُهُ يَتَلَألَأُ لِأَهلِ الجَمعِ ، ويُعطى كِتابُهُ بِيَمينِهِ ، ويُكتَبُ لَهُ بَراءَهٌ مِنَ النّارِ ، وجَوازٌ عَلَى الصِّراطِ ، وأمانٌ مِنَ العَذابِ ، ويَدخُلُ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ ، ويُجعَلُ فيها مِن رُفَقاءِ النَّبِيِّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءُ وَالصّالِحينَ وحَسُنَ اُولئِکَ رَفيقاً . (2)1889.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :يُستَحَبُّ أن يُصَلّى فيها مِئَةَ رَكعَهٍ يُقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ : «الحَمدُ» وعَشرَ مَرّاتٍ « قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » . (3)د تَأكيدُ زِيارَهِ الإمامِ الحُسَينِ1891.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :وَلْيَحرِص مَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام فى شَهرِ رَمَضانَ أن لايَفوتَهُ لَيلَهُ الجُهَنِيِّ عِندَهُ ، وهِيَ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإِنَّهَا اللَّيلَهُ المَرجُوَّهُ . (4)1892.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الجواد عليه السلام :مَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ وهِيَ اللَّيلَهُ الَّتى يُرجى أن تَكونَ لَيلَهَ القَدرِ ، وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، صافَحَهُ

روحُ أربَعَهٍ وعِشرينَ ألفِ مَلَکٍ ونَبِيٍّ ، كُلُّهُم يَستَأذِنُ اللّهَ فى زِيارَهِ الحُسَينِ عليه السلامفى تِلکَ اللَّيلَهِ . (5) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 386 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 169 ح 5 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 138 ح 148 ، الإقبال : ج 1 ص 386 ، روضه الواعظين : ص 382 .
3- .الهدايه : ص 197 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 9 ح 11 .
4- .الإقبال : ج 1 ص 358 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 151 ح 4 .
5- .الإقبال : ج 1 ص 383 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 166 ح 4 .

ج تأکید بر صد رکعت نماز

د تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام

1884.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از جمیل و هشام و حفص :امام صادق علیه السلام به سختی بیمار شد. چون شب بیست و سوم فرا رسید ، به غلامان خود دستور داد او را به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود.ر . ک : ص 397 (آداب مشترک شب قدر / شب زنده داری).

ج تأکید بر صد رکعت نماز1887.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر کس شب بیست و سوم ماه رمضان را زنده بدارد و در آن صد رکعت نماز بخواند ، خداوندْ در زندگی او گشایش می دهد و کار دشمنان او را خود بر عهده می گیرد و او را از غرق شدن ، زیر آوار ماندن ، سرقت ، و از شرّ دنیا مصون می دارد و وحشت نکیر و منکر را از او بر می دارد ، و او در حالی از گور خویش بیرون می آید که نورش بر اهل رستاخیز می تابد ، و نامه عملش را به دست راستش می دهند و رهایی از آتش و عبور بر صراط و ایمنی از عذاب را برای او می نویسند و بدون حساب وارد بهشت می شود و در بهشت ، از همنشینان پیامبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان قرار داده می شود و آنان چه نیکو همنشینانی اند!1888.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:مستحب است در آن شب صد رکعت نماز خوانده شود ، در هر رکعت: یک بار «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد».د تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام1890.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:کسی که در ماه رمضان ، امام حسین علیه السلام را زیارت می کند ، مواظب باشد که نزد قبر آن امام بودن را در شب جُهَنی ، از دست ندهد ، و آن ، شب بیست و سوم است؛ شبی که امید است شب قدر باشد.1891.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام جواد علیه السلام:هر کس در شب بیست و سوم ماه رمضان ، امام حسین علیه السلام را زیارت کند همان شبی که امید است شب قدر باشد و در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد روح های بیست و چهار هزار

فرشته و پیامبر با او مصافحه می کنند ، که همگی از خداوندْ اذن می گیرند که آن شب ، حسین علیه السلام را زیارت کنند.

.

راجع : ص 406 (آداب ليله القدر المشتركه / زياره الإمام الحسين) .

ه قِراءَهُ سورَهِ العَنكَبوتِ وَالرّوم وَالدُّخان1894.الكافى عن صفوان بن مهران عن الإمام الصّادق عليه االإمام الصادق عليه السلام لِأبى بَصيرٍ :مَن قَرَأ سورَتَي : العَنكَبوتِ ، وَالرّوم فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، فَهُوَ وَاللّهِ يا أبا مُحَمَّدٍ مِن أهلِ الَجَنَّهِ لا أستَثنى فيهِ أبَداً ، ولا أخافُ أن يَكتُبَ اللّهُ عَلَىَّ فى يَمينى إثماً ، وإنَّ لِهاتَينِ السّورَتَينِ مِنَ اللّهِ مَكاناً . (1)1895.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فيما أوصى رَجُلاً مِن بَنى تَميم) الإقبال :ومِنَ الزِّياداتِ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ : قِراءَهُ سورَهِ «الدُّخان» فيها وفى كُلِّ لَيلَهٍ ... . (2)و قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ ألفَ مَرَّهٍ1897.عنه صلى الله عليه و آله :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :ومِنَ القِراءَهِ فيها سورَهُ : «إِنّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» ألفَ مَرَّهٍ ، وقَد تَقَدَّمَت رِوايَهٌ لِذلِكَ فى اللَّيلَهِ الأُولى عُموماً فِى الشَّهرِ كُلِّهِ .

ورُوِّينا تَخصيصَ قِراءَتِها فى هذِهِ اللَّيلَهِ بِعِدَّهِ طُرُقٍ إلى مَولانا أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام قالَ : «لَو قَرَأ رَجُلٌ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ : «إِنّآ أَنزَلْنَاهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» ألفَ مَرَّهٍ ، لَأَصبَحَ وهُوَ شَديدُ اليَقينِ بِالاِعتِرافِ

بِما يَختَصُّ فِينا ، وما ذاكَ إلاّ لِشَىءٍ عايَنَهُ فى نَومِهِ» . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 100 ح 261 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 19 ح 42 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 386 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 168 ح 5 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 382 .

ه خواندن سوره های عنکبوت ، روم و دُخان

و خواندن هزار بار سوره قدر

ر . ک : ص 407 (آداب مشترک شب قدر / زیارت امام حسین علیه السلام) .

ه خواندن سوره های عنکبوت ، روم و دُخان1895.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در سفارش هایش به مردی از قبیله بنی تمیم) امام صادق علیه السلام خطاب به ابو بصیر :هر کس دو سوره عنکبوت و روم را در ماه رمضان ، در شب بیست و سوم بخواند ، به خدا قسم ای ابو محمّد او از اهل بهشت است و هرگز در این سخن استثنا نمی کنم و نمی ترسم که خداوند ، در این سوگند گناهی بر من بنویسد. این دو سوره نزد خداوند ، جایگاهی والا دارند.1896.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:و از اعمال افزون در شب بیست و سوم ، خواندن سوره دُخان در آن شب و در هر شب است... .و خواندن هزار بار سوره قدر1898.عنه صلی الله علیه و آله :سیّد ابن طاووس در الإقبال :از قرائت قرآن در این شب [قرائتِ] هزار بار سوره «إنّا أنزلناه» است. روایتی برای این ، در شب اوّل ، به صورت کلّی (برای همه ماه) گذشت.

اختصاص خواندن این سوره در این شب نیز با سندهای چندی از امام صادق علیه السلامبرای ما روایت شده است ، که فرمود: «اگر کسی در شب بیست و سوم ماه رمضان ، هزار بار سوره إنّا أنزلناه بخواند ، صبح خواهد کرد ، در حالی که یقین او ، با اعتراف به آنچه مخصوص ماست ، استوار خواهد بود و این نیست ، مگر به سبب آنچه در خواب خود می بیند».

.

راجع : ص 374 (طرق معرفه ليله القدر / قراءه سوره القدر كلّ ليله من رمضان ألف مرّه) .

ز الدُّعاءُ لِصاحِبِ الأَمرِ1901.الإمام الصادق عليه السلام :مصباح المتهجّد عن محمّد بن عيسى بإسناده عن الصالحين عليهم السلام: تُكَرِّرُ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ هذَا الدُّعاءَ ساجِداً وقائِماً وقاعِداً وعَلى كُلِّ حالٍ ، وفى الشَّهرِ كُلِّهِ ، وكَيفَ ما أمكَنَكَ ومَتى حَضَرَ مِن دَهرِكَ . تَقولُ بَعدَ تَمجيدِ اللّهِ تَعالى وَالصَّلاهِ عَلَى النَّبِىِّ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله :

اللّهُمَّ كُن لِوَلِيِّكَ فُلانِ بنِ فُلانٍ فى هذِهِ السّاعَهِ وفى كُلِّ ساعَهٍ وَلِيّاً وحافِظاً ، وقائِداً وناصِراً ، ودَليلاً وعَيناً حَتّى تُسكِنَهُ أرضَكَ طَوعاً ، وتُمَتِّعَهُ فيها طَويلاً . (1)4 / 4فَضلُ يَومِ القَدرِ وأدَبُهُ1900.امام صادق عليه السلام (به نقل از پدرانش عليهم السلام) الإقبال عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام :«يَومُها مِثلُ لَيلَتِها» ، يَعنى : لَيلَهِ القَدرِ . (2)1901.امام صادق عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَهُ القَدرِ فى كُلِّ سَنَهٍ ، ويَومُها مِثلُ لَيلَتِها . (3)1902.المعجم الكبير عن عصمه :عنه عليه السلام :صَبيحَهُ يَومِ لَيلَهِ القَدرِ مِثلُ لَيلَهِ القَدرِ ؛ فَاعمَل وَاجتَهِد . (4) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 630 ح 709 ، الكافى : ج 4 ص 161 ح 4 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 351 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 149 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 4 ص 331 ح 1033 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 121 ح 1 .
4- .الأمالى للصدوق : ص 751 ح 1009 ، بحارالأنوار : ج 97 ص 11 ح 16 .

ز دعا برای امام زمان علیه السلام

4 / 4 فضیلت و آداب روز قدر

اشاره

ر . ک : ص 375 (راه های شناخت شب قدر / هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان) .

ز دعا برای امام زمان علیه السلام1904.السنّه لابن أبی عاصم عن عبد اللّه بن مسعود :مصباح المتهجّد به نقل از محمّد بن عیسی ، با سند خویش از امامان علیهم السلام :در شب بیست و سوم ماه رمضان ، این دعا در حال سجود ، ایستاده ، نشسته و در هر حال و در همه ماه و هر گونه و هر وقت از روزگارت که ممکن شود ، مکرّر خوانده می شود. پس از ستایش خدای متعال و درود بر پیامبر ، محمّد صلی الله علیه و آله ، می گویی :

«خداوندا! در این ساعت و در هر ساعت ، برای ولیّ خود ، فلانی پسر فلانی ، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و چشم باش ، تا آن که او را در زمین خود ، با اطاعت و رغبت مردم ساکن سازی و وی را در آن به مدّت طولانی بهره مند گردانی!».4 / 4فضیلت و آداب روز قدر1905.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) الإقبال به نقل از هشام بن حکم ، از امام صادق :روزِ شب قدر ، مثل شب قدر است.1906.الإمام علیّ علیه السلام (فی ذِکرِ حَدیثِ مِعراجِ النَّبِیِّ صلی الله علی) امام صادق علیه السلام:شب قدر ، در هر سال ، هست و روز شب قدر ، مثل شب قدر است.1905.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») امام صادق علیه السلام:صبح روز شب قدر ، مثل شب قدر است. پس ، عمل و تلاش کن.

.

تعليققالَ السيّدُ ابنُ طاووسَ قدس سره : «وَاعلَم أنَّ الرِّوايةَ وَردت مِن عدّهِ جهاتٍ عَنِ الصّادقينَ عَنِ اللّهِ جلَّ جَلالُه عَليهم أفضلُ الصَّلواتِ أنَّ يومَ ليلهِ القَدرِ مِثلُ لَيلتهِ ؛ فإيّاک أن تُهَوِّنَ بنهارِ تِسعَ عَشرَةَ ، أو إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وتَتَّكلَ على ما عَمِلتَه فى لَيلتِها وتَستَكثرَه لمولاکَ ، وأنتَ غافلٌ عَن عظيمِ نِعمتهِ ، وحقوقِ ربوبيّتهِ . وكُن فى هذهِ الأيَّامِ الثلاثهِ المعظَّماتِ على أبلغِ الغاياتِ ، فى العِباداتِ والدَّعواتِ ، واغتنامِ الحَياهِ قبلَ المَماتِ . أقولُ : والمهمُّ مِن هذهِ اللَّيالى فى ظاهرِ الرواياتِ عن الطّاهرينَ ما قَدَّمناهُ مِن التَّصريحِ أنّ ليلَه القَدرِ لَيلهُ ثلاثٍ وعِشرينَ ؛ فلا تُهمِل يَومَها» . (1)

راجع : ص 196 ، ح 197 .

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 350 .

بیان

بیانسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: بدان که روایت ، با سندهایی چند از امامان راستگو که برترینِ درودهای خداوند بر آنان باد از خدای متعال نقل شده است که: «روز شَب قدر ، مثل شب قدر است». پس مبادا روز نوزدهم یا بیست و یکم یا بیست و سوم را ناچیز بشماری و به آنچه در این سه شب انجام داده ای ، بسنده کنی و آن را نزد خدای خود زیاد به حساب آوری، در حالی که از نعمت بزرگ و حقوق پروردگاری اش غافل باشی! در این سه روز بزرگ و ارجمند ، بیشترین تلاش را در مورد: عبادت ها، دعاها و غنیمت شمردن زندگی پیش از فرا رسیدن مرگ ، داشته باش. می گویم: بنا به ظاهر روایاتی که از معصومان علیهم السلام نقل شده ، مهم در این شب ها ، همان است که به آن تصریح کردیم که: شب قدر ، شب بیست وسوم است. پس، درباره روزِ این شب، کوتاهی مکن.

ر . ک : ص 197 ، ح 197.

.

ص: 426

. .

اشاره

بخش پنجم : آداب بیرون آمدن از میهمانی خدا

.

ص: 428

..

مهم ترین آداب

مهم ترین آدابمهم ترینِ آدابِ بیرون آمدن از میهمان سرای الهی در ماه رمضان ، در این جا آشکار می شود که روزه دار به خویش بنگرد و در واپسین لحظه های این ماه ، خود را ارزیابی کند که تا چه اندازه به هدف این میهمانی الهی نزدیک شده است؟ آیا احساس می کند که به یک دگرگونی معنوی دست یافته است ، یا در همان نقطه ای مانده که در آغاز ماه رمضان بوده است؟ سیّد ابن طاووس رحمه الله ، در این زمینه ، ضمن بیان اعمال روز آخر ماه رمضان ، می گوید: و از آن جمله است: ارزیابی پرونده اعمالت از اوّل ماه تا آخرین روز آن و پیش از سپری گشتن آن... . پس بنگرد که هنگام ورود به میهمان سرای الهی و حضور در پیشگاه او ، چگونه بوده است و معرفت های خویش را نسبت به خداوند متعال و پیامبرش و ویژگانِ درگاهش و نیز مهم ترین کارهایی را که از تکالیف دنیوی و بزرگداشت های اخروی اوست ، ارزیابی کند . [نیز بنگرد که] آیا شناخت او نسبت به اینها و علاقه و اشتیاق و روی آوردنش به اینها و نشاط و کشش او به سوی اینها افزوده شده است ، یا حال او در کوتاهی و تدبیر ناشایست ، مثل آغاز ماه است؟ و همچنین آیا نسبت به تدبیر الهی ، در همه کارهایش حالت «رضا» داشته است؟ یا گاهی راضی بوده و گاهی از انتخاب خداوند در تدبیر کارش ، ناخرسند بوده است؟

.

و [بنگرد] که توکّلش بر خدای متعال چگونه بوده است؟ آیا نهایت آرامش و قرار به آستان مولای خویش را داشته ، یا در تکیه کردن به خدا ، گاهی نیازمند تکیه کردن به غیر خدا بوده و وابستگی های دنیایی اش را داشته است؟ و [بنگرد که] سپردن کارها به سررشته دار کارش چگونه بوده و چگونه به آگاهی خداوند از رازهای نهانش مراقبت داشته و در نهان و آشکارش ، چگونه با خداوند همدم بوده است؟ و نیز اطمینانش به وعده های خدای متعال و باورش به انجام گرفتن آن وعده ها چگونه بوده است؟ نیز برگزیدن خدای متعال بر غیر خدا به وسیله او چگونه بوده است؟ و [بنگرد که] محبّتش به خداوند ، خواستش برای نزدیک شدن به خداوند ، و کوششش در جلب رضای خداوند چگونه بوده است؟ و نیز اشتیاقش به رها شدن از سرای آزمون و رسیدن به منزلگاه های ایمنی از جفا ، چه سان بوده است؟ و [بنگرد که] آیا از انجام دادن تکلیف ، احساس سنگینی می کرده ، یا آن را از بزرگ ترین شرافت ها می دانسته است؟ نیز نسبت به آنچه خداوند ، ناپسند دانسته (مثل: غیبت ، دروغ ، سخن چینی ، حسد ، ریاست طلبی و هر چه او را از صاحب دنیا و آخرتش باز می دارد) ، چه حالتی داشته و چگونه آنها را ناپسند می شمرده است؟ و جز اینها [را نیز بنگرد] ، از جمله ، بیماری های دینی ای که برای برخی از انسان ها، گاهی از اوقات ، پیش می آید ، چگونه برای بهبود هر یک از این بیماری ها خدا را سپاس گفته و برای ادای حقّ نعمت پروردگار متعال و خوبی و احسان او اقدام کرده است؟ و باید خوش حالی او از بهبود بیماری های دینی ، مهم تر از بهبود بیماری های بدنی باشد و شادمانی او کامل تر از شادی اش برای دست یافتن به ثروت درهم و دینار باشد تا نشان تصدیقِ وجود تفاوت بین بهره وری از دنیای ناپایدار و آخرت ماندگار باشد.

.

می گویم: پس اگر دید که چیزی از بیماری ها و نیّت های بد او ، همچنان بر جای مانده و درمان این ماه با عبادتش ، سودی نکرده است ، پس بداند که گناه ، از ناحیه خود اوست و بلا از سوی خودش است. پس ، در پیشگاه خداوند که مولای اوست بگرید و برای از بین بردن آن ، از رحمت خداوند ، مدد بخواهد.

.

الفصل الأوّل : وداع شهر رمضان1 / 1وَداعُ الشَّهرِ فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِنهُ1911.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :دَخَلتُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَلَمّا بَصُرَ بى ، قالَ لى : «يا جابِرُ ، هذا آخِرُ جُمُعَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَوَدِّعهُ وقُل :

اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِيامِنا إيّاهُ ، فَإِن جَعَلتَهُ فَاجعَلنى مَرحوماً ، ولا تَجعَلنى مَحروماً .

فَإِنَّهُ مَن قالَ ذلِكَ ظَفِرَ بِإِحدَى الحُسنَيَينِ ، إمّا بِبُلوغِ شَهرِ رَمَضانَ [مِن قابِلٍ] ، (1) وإمّا بِغُفرانِ اللّهِ ورَحمَتِهِ» . (2)1 / 2وَداعُ الشَّهرِ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ1914.رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :الإقبال :اِعلَم أنَّ وَقتَ الوَداعِ لِشَهرِ الصِّيامِ رَوَيناهُ عَن أحَدِ الأئِمَّهِ عَلَيهِم

أفضَلُ السَّلامِ مِن كِتابٍ فيهِ مَسائِلُ جَماعَهٍ مِن أعيانِ الأَصحابِ ، وقَد وَقَّعَ عليه السلام بَعدَ كُلِّ مَسأَلَهٍ بِالجَوابِ ، وهذا لَفظُ ما وَجَدناهُ :

وَداعُ (3) شَهرِ رَمَضانَ مَتى يَكونُ؟ فَقَدِ اختَلَفَ أصحابُنا فَبَعضُهُم قالَ : هُوَ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ ، وبَعضُهُم قالَ : هُوَ فى آخِرِ يَومٍ مِنهُ ، إذا رُئِىَ هِلالُ شَوّالٍ .

الجَوابُ : «العَمَلُ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَياليهِ ، وَالوَداعُ يَقَعُ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ ، فَإِن خافَ أن يَنقُصَ الشَّهرُ جَعَلَهُ فى لَيلَتَينِ» . (4) .

1- .أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال ج 1 ص 422 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : ص 139 ح 149 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 172 ح 1 .
3- .فى المصدر : «من وداع» ، وحذفنا «من» طبقاً لبحار الأنوار .
4- .الإقبال : ج 1 ص 421 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 171 ح 1 .

فصل یکم : وداع با ماه رمضان

1 / 1 وداع با ماه در آخرین جمعه آن

1 / 2 وداع با ماه در آخرین شب آن

فصل اوّل : وداع با ماه رمضان1 / 1وداع با ماه در آخرین جمعه آن1918.عنه صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری :در آخرین جمعه ماه رمضان ، خدمت پیامبر خدا رسیدم. چون مرا دید ، به من فرمود: «ای جابر! این آخرین جمعه ماه رمضان است. با آن خداحافظی کن و بگو:

خداوندا! آن را آخرین روزه داریِ ما در این ماه قرار مده ، و اگر چنین قرار دادی ، مرا آمرزیده قرار بده و محرومم مگردان! .

هر کس چنین بگوید ، به یکی از دو نیکی می رسد: یا به ماه رمضان آینده می رسد ، یا به آمرزش و رحمت خدا نایل می شود».1 / 2وداع با ماه در آخرین شب آن1914.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:بدان که وقت وداع با ماه روزه را از یکی امامان علیهم السلام ، از کتابی که در آن سؤال های گروهی از بزرگان اصحاب است ، روایت کرده ایم. امام علیه السلام پس از سؤال ، پاسخ را نگاشته است. عین لفظ آنچه یافته ایم ، این است:

«وداع با ماه رمضان ، کِی است؟ اصحاب ما اختلاف دارند. برخی گویند: در آخرین شب این ماه است. و بعضی گویند: در آخرین روز آن ، آن گاه که هلال شوّال دیده شود.

پاسخ : عمل در ماه رمضان ، در شب های آن است. وداع هم در آخرین شب آن است. پس اگر بیم دارد که ماه کم باشد ، در دو شب ، وداع کند».

.

1915.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») الإمام الصادق علیه السلام :إذا کانَتَ آخِرُ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَقُل :

اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذی أنزَلتَ فیهِ القُرآنَ وقَد تَصَرَّمَ ، وأعوذُ بِوَجهِکَ الکَریمِ یا رَبِّ ، أن یَطلُعَ الفَجرُ مِن لَیلَتی هذِهِ أو یَتَصَرَّمَ شَهرُ رَمَضانَ ، ولَکَ قِبَلی تَبِعَهٌ أو ذَنبٌ تُریدُ أن تُعَذِّبَنی بِهِ یَومَ ألقاکَ . (1)1916.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») عنه علیه السلام :مَن وَدَّعَ شَهرَ رَمَضانَ فی آخِرِ لَیلَهٍ مِنهُ وقالَ :

اللّهُمَّ لاتَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِیامی لِشَهرِ رَمَضانَ ، وأعوذُ بِکَ أن یَطلُعَ فَجرُ هذِهِ اللَّیلَهِ إلاّ وقَد غَفَرتَ لی .

غَفَرَ اللّهُ تَعالی لَهُ قَبلَ أن یُصبِحَ ورَزَقَهُ الإِنابَهَ إلَیهِ . (2)1 / 3سیرهُ الإمامِ زَینِ العابدینَ فی آخَرِ لَیلَهٍ مِنهُ1919.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :کانَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ لا یَضرِبُ

عَبدا لَهُ ولا أمَهً ، وکانَ إذا أذنَبَ العَبدُ وَالأَمَهُ یَکتُبُ عِندَهُ أذنَبَ فُلانٌ ، أذنَبَت فُلانَهُ یَومَ کَذا وکَذا ، ولَم یُعاقِبهُ فَیَجتَمِعُ عَلَیهِمُ الأَدَبُ ، حَتّی إذا کانَ آخِرُ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ دَعاهُم وجَمَعَهُم حَولَهُ ، ثُمَّ أظهَرَ الکِتابَ ثُمَّ قَالَ : «یا فُلانُ ، فَعَلتَ کَذا وکَذا ولَم اُؤَدِّبکَ أتَذکُرُ ذلِکَ؟»

فَیَقولُ : بَلی ، یَابنَ رَسولِ اللّهِ ، حَتّی یَأتِیَ عَلی آخِرِهِم ویُقَرِّرَهُم جَمیعا .

ثُمَّ یَقومُ وَسَطَهُم ویَقولُ لَهُم : «إرفَعوا أصواتَکُم وقولوا : یا عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ ، إنَّ رَبَّکَ قَد أحصی عَلَیکَ کُلَّ ما عَمِلتَ ، کَما أحصَیتَ عَلَینا کُلَّ ما عَمِلنا ، وَلَدَیهِ کِتابٌ یَنطِقُ عَلَیکَ بِالحَقِّ ، لا یُغادِرُ صَغیرَهً ولا کَبیرَهً مِمّا أتَیتَ إلاّ أحصاها ، وتَجِدُ کُلَّ ما عَمِلتَ لَدَیهِ حاضِرا ، کَما وَجَدنا کُلَّ ما عَمِلنا لَدَیک حاضِرا ، فَاعفُ وَاصفَح کَما تَرجو مِنَ المَلیکِ العَفوَ ، وکَما تُحِبُّ أن یَعفُوَ المَلیکُ عَنکَ ، فَاعفُ عَنّا تَجِدهُ عَفُوّا ، وبِکَ رَحیما ، ولَکَ غَفورا ، ولا یَظلِمُ رَبُّک أحَدا ، کَما لَدَیکَ کِتابٌ یَنطِقُ عَلَینا بِالحَقِّ ، لا یُغادِرُ صَغیرَهً ولا کَبیرَهً مِمّا أتَیناها إلاّ أحصاها . فَاذکُر یا عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ ، ذُلَّ مَقامِکَ بَینَ یَدَی رَبِّکَ الحَکَمِ العَدلِ الَّذی لا یَظلِمُ مِثقالَ حَبَّهٍ مِن خَردَلٍ ، ویَأتی بِها یَومَ القِیامَهِ ،

وكَفى بِاللّهِ حَسيبا وشَهيدا ، فَاعفُ وَاصفَح يَعفو (3) عَنكَ المَليكُ ويَصفَحُ ؛ فَإِنَّهُ يَقولُ : « وَ لْيَعْفُواْ وَلْيَصْفَحُواْ أَلاَ تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ » (4) » .

قالَ : وهُوَ يُنادى بِذلِكَ عَلى نَفسِهِ ويُلَقِّنُهُم ، وهُم يُنادون مَعَهُ ، وهُوَ واقِفٌ بَينَهُم يَبكى ويَنوحُ ، ويَقولُ :

«رَبِّ إنَّكَ أمَرتَنا أن نَعفُوَ عَمَّن ظَلَمَنا ، فَقَد ظَلَمنا أنفُسَنا ، فَنَحنُ قَد عَفَونا عَمَّن ظَلَمَنا كَما أمَرتَ ، فَاعفُ عَنّا فَإنَّكَ أولى بِذلِكَ مِنّا ومِنَ المَأمورينَ ، وأمَرتَنا أن لا نَرُدَّ سائِلاً عَن أبوابِنا ، وقَد أتَيناكَ سُؤّالاً ومَساكينَ ، وقَد أنَخنا بِفِنائِكَ وبِبابِكَ ، نَطلُبُ نائِلَكَ ومَعروفَكَ وعَطاءَكَ ، فَامنُن بِذلِكَ عَلَينا ، ولا تُخَيِّبنا فَإنَّكَ أولى بِذلِكَ مِنّا ومِنَ المَأمورينَ . إلهى كَرُمتَ فَأكرِمنى ؛ إذ كُنتُ مِن سُؤّالِكَ ، وجُدتَ بِالمَعروفِ فَاخلِطنى بِأهلِ نَوالِكَ يا كَريمُ» .

ثُمَّ يُقبِلُ عَلَيهِم ويَقولُ : «قَد عَفَوتُ عَنكُم ، فَهَل عَفَوتُم عَنّى ومِمّا كانَ مِنّى إلَيكُم مِن سوءِ مَلَكَةٍ؟ فَإنّى مَليكُ سوءٍ ، لَئِيمٌ ظالِمٌ ، مَملوكٌ لِمَليكٍ كَريمٍ جَوادٍ عادِلٍ مُحسِنٍ مُتَفَضِّلٍ» ، فَيَقولونَ : قَد عَفَونا عَنكَ يا سَيِّدَنا وما أسَأتَ !

فَيَقولُ لَهُم : «قولوا : اللّهُمَّ اعفُ عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ كَما عَفا عَنّا ، وأعتِقهُ مِنَ النّارِ كَما أعتَقَ رِقابَنا مِنَ الرِّقِّ» ، فَيَقولونَ ذلِكَ ، فَيَقولُ : «اللّهُمَّ آمينَ يا رَبَّ العالَمين ، اِذهَبوا فَقَد عَفَوتُ عَنكُم ، وأعتَقتُ رِقابَكُم رَجاءَ لِلعَفوِ عَنّى وعِتقِ رَقَبَتى» ، فَيُعتِقُهُم . فَإذا كانَ يَومُ الفِطرِ أجازَهُم بِجَوائِزَ تَصونُهُم وتُغنيهِم عَمّا فى أيدِى النّاسِ ... . (5) .

1- .الكافى : ج 4 ص 164 ح 5 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 436 ، بحارالأنوار : ج 98 ص 181 ح 2 .
3- .كذا فى المصدر ، والقياس : يَعفُ .
4- .النور : 22 .
5- .الإقبال : ج 1 ص 443 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 186 .

1920.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون آخرین شب ماه رمضان شود ، بگو:

«خداوندا ! این ماه رمضان که در آن قرآن را نازل کرده ای ، سپری شد . پروردگارا ! به ذات بزرگوار تو پناه می برم از این که سپیده این شب بر من بدمد یا ماه رمضان به پایان رسد و تو را پیش من ، کیفر یا گناهی مانده باشد که بخواهی مرا در روزی که تو را دیدار می کنم ، به سبب آن ، عذاب کنی».1921.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در شب آخر ماه رمضان ، با آن وداع کند و بگوید :

«خداوندا ! این ماه را آخرین روزه داریِ من در ماه رمضان قرار مده ! پناه به تو می برم از این که سپیده این شب بدمد ، مگر آن که مرا آمرزیده باشی» ، خداوند متعال پیش از صبح ، او را می آمرزد و توفیق توبه به درگاهش به او روزی می کند.1 / 3سیره امام سجّاد در آخرین شب آن1924.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان وارد می شد ، امام علی بن الحسین علیهماالسلامغلام و کنیز خود را تنبیه نمی کرد و اگر غلام و کنیز ، خطا و نافرمانی می کردند ، پیش خود می نوشت: «فلان غلام و فلان کنیز در فلان روز و فلان وقت ، گناه کرد» و او را تنبیه نمی کرد و تنبیه آنان را نگه می داشت ، تا آن که آخرین شب ماه رمضان می شد. [پس ،] همه را صدا می کرد و دور خودش جمع می نمود. سپس آن نوشته را بیرون می آورد و می فرمود: «فلانی ! چنین و چنان کردی و من تو را تنبیه نکردم. آیا به یاد داری؟».

می گفت: آری ، ای پسر پیامبر خدا !

تا آن که به آخرین نفر می رسید و از همه اعتراف می گرفت. سپس میان آنان می ایستاد و به آنان می فرمود: «با صدای بلند بگویید: ای علی بن الحسین ! خداوند ، همه کارهایت را زیر نظر داشته است ، آن گونه که تو کارهای ما را زیر نظر داشته ای. نزد او نوشته ای است که به حق بر تو گواهی می دهد و هیچ کار کوچک و بزرگی را که کرده ای ، فروگذار نمی کند و همه را حسابرسی می کند و هر کاری را که کرده ای ، نزد او حاضر می یابی ، همان گونه که ما هر چه را کرده ایم، نزد تو حاضر یافتیم. پس ،

عفو کن و درگذر ، همچنان که تو از خدای بزرگ ، انتظار عفو داری و دوست داری که آن فرمان روا از تو درگذرد. پس ، از ما درگذر تا او را بخشاینده بیابی که او به تو مهربان و آمرزنده است و پروردگارت به کسی ستم نمی کند. همان گونه که نزد تو نوشته ای است که بر ضدّ ما به حق گواهی می دهد و هر کار ریز و درشتی را که انجام داده ایم ، بر شمرده است. پس ، ای علی بن الحسین ! به یادآور خواری ایستادنت را در برابر پروردگارت ، آن داور دادگر که به اندازه سنگینیِ خردلی به کسی ظلم نمی کند و آن را روز قیامت می آورد و خداوند به عنوان حسابگر و گواه ، کافی است. پس ، عفو کن و در گذر تا خدای فرمان روا هم از تو در گذرد و ببخشاید؛ چرا که خودِ او می فرماید: « و باید عفو کنند و گذشت نمایند. آیا دوست ندارید که خداوندْ شما را بیامرزد؟» ».

امام سجّاد علیه السلام این سخنان را درباره خود بلند می گفت و به آن غلامان تلقین می کرد. آنان نیز همراه وی هم صدا می شدند ، در حالی که وی میان آنان ایستاده بود و گریه و زاری می کرد و می گفت:

«خدایا ! ما را دستور داده ای که از هر که بر ما ستم کرده ، درگذریم. ما به خودمان ستم کرده ایم. ما از آن که بر ما ستم کرده ، گذشتیم ، آن گونه که تو فرمان دادی. پس ، تو هم از ما در گذر که تو به بخشایش ، سزاوارتر از ما و فرمانبرانی. تو ما را فرمان دادی که درخواست کننده ای را از درِ خود نرانیم. اینک ، ما به درگاه تو آمده ایم و سائلانی بینواییم و در آستان تو ، به خاک افتاده ایم و خواستار بخشش و احسان و عطای توییم. پس با عطای خود بر ما منّت بگذار و محروممان مکن ، که تو بر این ، از ما و فرمانبران ، سزاوارتری !

خدایا ! تو بزرگواری ، پس مرا گرامی بدار ؛ چون از خواهندگان درگاه تو ام ، و احسان خویش را عطا می کنی ، پس مرا هم به بهره مندان از احسانت بیامیز ، ای بزرگوار !».

سپس رو به آنان می کرد و می فرمود: «من شما را بخشیدم. آیا شما هم از من و از بدرفتاری من با خودتان درگذشتید؟ من مالک بدی هستم. فرومایه و ستمگرم. برده مالکی هستم که بزرگوار و بخشنده و دادگر و نیکوکار و اهل احسان است».

می گفتند: سرورا ! از تو درگذشتیم. تو بدی نکرده ای !

پس به آنان می فرمود: «بگویید: خدایا! از علی بن الحسین درگذر ، آن گونه که او از ما گذشت. او را از آتشْ آزاد کنْ ، آن گونه که ما را از بردگی رهانید».

آنان نیز چنین می گفتند .

پس می فرمود: «خدایا ، ای پروردگار جهانیان! اجابت کن. بروید ، شما را بخشودم و آزادتان کردم ، به امید آن که [خداوند] از من درگذرد و آزادم کند». پس ، آنان را آزاد می کرد.

روز عید فطر که می شد ، به آنان جایزه می داد که [آبروی] آنان را نگه دارد و از آنچه در دست مردم است ، بی نیازشان کند... .

.

ص: 436

. .

ص: 437

. .

1 / 4دُعاءُ الإمامِ زَينِ العابدينَ فى وَداعِ الشَّهرِ1927.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام :اَللّهُمَّ يا مَن لايَرغَبُ فِى الجَزاءِ ، ويا مَن لايَندَمُ عَلَى العَطاءِ ، ويا مَن لا يُكافِئُ

عَبدَهُ عَلَى السَّواءِ ، مِنَّتُکَ ابتِداءٌ ، وعَفوُکَ تَفَضُّلٌ ، وعُقوبَتُکَ عَدلٌ ، وقَضاؤُکَ خِيَرَةٌ ، إن أعطَيتَ لَم تَشُب عَطاءَکَ بِمَنٍّ ، وإن مَنَعتَ لَم يَکُن مَنعُکَ تَعَدِّيا ، تَشکُرُ مَن شَکَرَکَ وأنتَ ألهَمتَهُ شُکرَکَ ، وتُکافِئُ مِن حَمدِکَ وأنتَ عَلَّمتَهُ حَمدَکَ .

تَستُرُ عَلى مَن لَو شِئتَ فَضَحتَهُ ، وتَجودُ عَلى مَن لَو شِئتَ مَنَعتَهُ ، وکِلاهُما أهلٌ مِنکَ لِلفَضيحَهِ وَالمَنعِ ، غَيرَ أنَّکَ بَنَيتَ أفعالَکَ عَلَى التَّفَضُّلِ ، وأجرَيتَ قُدرَتَکَ عَلَى التَّجاوُزِ ، وتَلَقَّيتَ مَن عَصاکَ بِالحِلمِ ، وأمهَلتَ مَن قَصَدَ لِنَفسِهِ بِالظُّلمِ ، تَستَنظِرُهُم بِأناتِکَ إلَى الإنابَهِ ، وتَترُکُ مُعاجَلَتَهُم إلَى التَّوبَهِ لِکَيلا يَهلِکَ عَلَيکَ هالِکُهُم ، ولايَشقى بِنِعمَتِکَ شَقِيُّهُم إلاّ عَن طولِ الإعذارِ إلَيهِ ، وبَعدَ تَرادُفِ الحُجَّهِ عَلَيهِ ، کَرَما مِن عَفوِکَ يا کَريمُ ، وعائِدَهً مِن عَطفِکَ يا حَليمُ .

أنتَ الَّذى فَتَحتَ لِعِبادِکَ باباً إلى عَفوِکَ وسَمَّيتَهُ التَّوبَهَ ، وجَعَلتَ عَلى ذلِکَ البابِ دَليلاً مِن وَحيِکَ لِئَلاّ يَضِلّوا عَنهُ ، فَقُلتَ تَبارَکَ اسمُکَ : «تُوبُواْ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحا عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ يَوْمَ لاَ يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُو نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَنِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَآ إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَىْ ءٍ قَدِيرٌ » (1) فَما عُذرُ مَن أغفَلَ دُخولَ ذلِکَ المَنزِلِ بَعدَ فَتحِ البابِ ، وإقامَهِ الدَّليلِ .

وأنتَ الَّذى زِدتَ فِى السَّومِ عَلى نَفسِکَ لِعِبادِکَ تُريدُ رِبحَهُم فى مُتاجَرَتِهِم لَکَ ، وفَوزَهُم بِالوِفادَهِ عَلَيکَ وَالزِّيادَهِ مِنکَ ، فَقُلتَ تَبارَکَ اسمُکَ وتَعالَيتَ : «مَن جَآءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا» (2) وقلتَ : «مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَ لَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنبُلَهٍ مِّاْئَهُ حَبَّهٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَآءُ» (3) وقُلتَ : «مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضا حَسَنا فَيُضَعِفَهُ لَهُ أَضْعَافا كَثِيرَهً» (4) وما أنزَلتَ مِن نظائِرِهِنَّ فِى القُرآنِ مِن تَضاعيفِ الحَسَناتِ .

وأنتَ الّذى دَلَلتَهُم بِقَولِکَ مِن غَیبِکَ وتَرغیبِکَ الّذى فیهِ حَظّهُم عَلى ما لَو سَتَرتَهُ عَنهُم لَم تُدرِکهُ أبصارُهُم ، ولَم تَعِهِ أسماعُهُم ، ولَم تَلحَقهُ أوهامُهُم ، فَقلتَ : اذکُرونى أذکُرکُم وَاشکُرُوا لى ولا تَکفُرونِ وقُلتَ : «لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِیدٌ » (5) وقُلتَ : «ادْعُونِى أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ » (6) فَسَمَّیتَ دُعاءَکَ عِبادَةً وتَرکَهُ استِکباراً ، وتَوَعَّدتَ عَلى تَرکِهِ دُخولَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ ، فَذَکَروکَ بِمَنِّکَ ، وشَکَروکَ بِفَضلِکَ ، ودَعَوکَ بِأمرِکَ ، وتَصَدَّقوا لَکَ طَلَباً لِمَزیدِکَ ، وفیها کانَت نَجاتُهُم مِن غَضَبِکَ ، وفَوزُهِم بِرِضاکَ .

ولَو دَلَّ مَخلوقٌ مَخلوقاً مِن نَفسِهِ عَلى مِثلِ الَّذى دَلَلتَ عَلَیهِ عِبادَکَ مِنکَ ، کانَ مَوصوفاً بِالإحسانِ ، ومَنعوتاً بِالامتِنانِ ، ومَحموداً بِکُلِّ لِسانٍ ، فَلَکَ الحَمدُ ما وُجِدَ فى حَمدِکَ مَذهَبٌ ، وما بَقِیَ لِلحَمدِ لَفظٌ تُحمَدُ بِهِ ، ومَعنىً یَنصَرِفُ إلَیهِ ، یا مَن تَحَمَّدَ إلى عِبادِهِ بِالإحسانِ وَالفَضلِ ، وغَمَرَهُم بِالمَنِّ وَالطَّولِ ، ما أفشى فینا نِعمَتَکَ ، وأسبَغَ عَلَینا مِنَّتَکَ ، وأخَصَّنا بِبِرِّکَ ، هَدَیتَنا لِدینِکَ

الَّذى اصطَفَیتَ ، ومِلَّتِکَ الَّتِى ارتَضَیتَ ، وسَبیلِکَ الَّذى سَهَّلتَ ، وبَصَّرتَنَا الزُّلفَةَ لَدَیکَ ، وَالوُصولَ إلى کَرامَتِکَ .

اللّهُمَّ وأنتَ جَعَلتَ مِن صَفایا تِلکَ الوَظائِفِ ، وخَصائِصِ تِلکَ الفُروضِ شَهرَ رَمَضانَ الَّذى اختَصَصتَهُ مِن سائِرِ الشُّهورِ ، وتَخَیَّرتَهُ مِن جَمیعِ الأزمِنَهِ وَالدُّهورِ ، وآثَرتَهُ عَلى کُلِّ أوقاتِ السَّنَهِ بِما أنزَلتَ فیهِ مِنَ القُرآنِ وَالنّورِ ، وضاعَفتَ فیهِ مِنَ الإیمانِ ، وفَرَضتَ فیهِ مِنَ الصِّیامِ ، ورَغَّبتَ فیهِ مِنَ القِیامِ ، وأجلَلتَ فیهِ مِن لَیلَهِ القَدرِ الَّتى هِىَ خَیرٌ مِن ألفِ شَهرٍ .

ثُمَّ آثَرتَنا بِهِ عَلى سائِرِ الاُمَمِ ، وَاصطَفَیتَنا بِفَضلِهِ دونَ أهلِ المِلَلِ ، فَصُمنا بِأمرِکَ نَهارَهُ ، وَقُمنا بِعَونِکَ لَیلَهُ مُتَعَرِّضینَ بِصِیامِهِ وقِیامِهِ لِما عَرَّضتَنا لَهُ مِن رَحمَتِکَ ، وتَسَبَّبنا إلَیهِ مِن مَثوبَتِکَ . وأنتَ المَلِىءُ بِما رُغِبَ فیهِ إلَیکَ ، الجَوادُ بِما سُئِلَت مِن فَضلِکَ ، القَریبُ إلى مَن حاوَلَ قُربَکَ .

وقَد أقامَ فینا هذَا الشَّهرُ مُقامَ حَمدٍ ، وصَحِبَنا صُحبَةَ مَبرورٍ ، وأربَحَنا أفضَلَ أرباحِ العالَمینَ ، ثُمَّ قَد فارَقَنا عِندَ تَمامِ وَقتِهِ وانقِطاعِ مُدَّتِهِ ، ووَفاءِ عَدَدِهِ ، فَنَحنُ مُوَدِّعوهُ وَداعَ مَن عَزَّ فِراقُهُ عَلَینا ، وغَمَّنا وأوحَشَنَا انصِرافُهُ عَنّا ، ولَزِمَنا لَهُ الذِّمامُ المَحفوظُ وَالحُرمَهُ المَرعِیَّهُ ، وَالحَقُّ المَقضِیُّ ، فَنَحنُ قائِلونَ :

السَّلامُ عَلَیکَ یا شَهرَ اللّهِ الأکبَرَ ویا عیدَ أولِیائِهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ يا أكرَمَ مَصحوبٍ مِنَ الأوقاتِ ، ويا خَيرَ شَهرٍ فى الأيّامِ وَالسّاعاتِ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ قَرُبَت فيهِ الآمالُ ، ونُشِرَت فيهِ الأَعمالُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن قَرينٍ جَلَّ قَدرُهُ مَوجوداً ، وأفجَعَ فَقدُهُ مَفقوداً ومَرجُوٍّ آلَمَ فِراقُهُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن أليفٍ آنَسَ مُقبِلاً فَسَرَّ ، وأوحَشَ مُنقَضِياً فَمَضَّ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن مُجاوِرٍ رَقَّت فيهِ القُلوبُ ، وقَلَّت فيهِ الذُّنوبُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن ناصِرٍ أعانَ عَلَى الشَّيطانِ ، وصاحِبٍ سَهَّلَ سُبَلَ الإِحسانِ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما أكثَرَ عُتَقاءَ اللّهِ فيکَ ، وما أسعَدَ مَن رَعى حُرمَتَکَ بِکَ.

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أمحاکَ لِلذُّنوبِ وأستَرَکَ لِأَنواعِ العُيوبِ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أطولَکَ عَلَى المُجرِمينَ ، وأهيَبَکَ فى صُدورِ المُؤمِنينَ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ لا تُنافِسُهُ الأَيّامُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ هُوَ مِن كُلِّ أمرٍ سَلامٌ .

السَّلامُ عَلَيکَ غَيرَ كَريهِ المُصاحَبَهِ ، ولا ذَميمِ المُلابَسَهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ كَما وَفَدتَ عَلَينا بِالبَرَكاتِ ، وغَسَلتَ عَنّا دَنَسَ الخَطيئاتِ .

السَّلامُ عَلَيکَ غَيرَ مُوَدِّعٍ بَرَما ، ولامَتروكٍ صِيامُهُ سَأَماً .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن مَطلوبٍ قَبلَ وَقتِهِ ، ومَحزونٍ عَلَيهِ قَبلَ فَوتِهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ كَم مِن سوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنّا ، وكَم مِن خَيرٍ اُفيضَ بِکَ عَلَينا .

السَّلامُ عَلَيکَ وعَلى لَيلَهِ القَدرِ الَّتى هِىَ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أحرَصَنا بِالأَمسِ عَلَيکَ ، وأشَدَّ شَوقَنا غَداً إلَيکَ .

اليَّلامُ عَلَيکَ وعَلى فَضِلِکَ إلَّذى حُرمناهُ ، وعَلى مِاض مِن بَرَكاتِکَ سُلِبناهُ .

اللّهُمَّ إنّا أهلُ هذَا الشَّهرِ الّذى شَرَّفتَنا بِهِ ، ووَفّقتَنا بِمَنِّکَ لَهُ ، حينَ جَهِلَ الأَشقِياءُ وَقتَهُ ، وحُرِموا لِشَقائِهِم فَضلَهُ . أنتَ وَلِيُّ ما آثَرتَنا بِهِ مِن مَعرِفَتِهِ ، وهَدَيتَنا لَهُ مِن سُنَّتِهِ ، وقَد تَوَلَّينا بِتَوفيقِکَ صِيامَهُ وقِيامَهُ عَلى تَقصيرٍ ، وأَدَّينا فيهِ قَليلاً مِن كَثيرٍ .

اللّهُمَّ فَلَکَ الحَمدُ إقراراً بِالإِساءَهِ ، وَاعتِرافاً بِالإِضاعَهِ ، ولَکَ مِن قُلوبِنا عَقدُ

النَّدَمِ ، ومِن ألسِنَتِنا صِدقُ الاِعتِذارِ ، فَأجُرنا عَلى ما أصابَنا فيهِ مِنَ التَّفريطِ ، أجراً نَستَدرِکُ بِهِ الفَضلَ المَرغوبَ فيهِ ، ونَعتاضُ بِهِ مِن أنواعِ الذُّخرِ المَحروصِ عَلَيهِ ، وأوجِب لَنا عُذرَکَ عَلى ماقَصَّرنا فيهِ مِن حَقِّکَ ، وابلُغ بِأعمارِنا ما بَينَ أيدينا مِن شَهرِ رَمَضانَ المُقبِلِ ، فَإذا بَلَّغتَناهُ فَأَعِنّا عَلى تَناوُلِ ما أنتَ أهلُهُ مِنَ العِبادَهِ ، وأَدِّنا إلَى القِيامِ بِما يَستَحِقُّهُ مِنَ الطّاعَهِ ، وأجرِ لَنا مِن صالِحِ العَمَلِ ما يَكونُ دَرَكاً لِحَقِّکَ فِى الشَّهرَينِ مِن شُهورِ الدَّهرِ .

اللّهُمَّ وما ألمَمنا بِهِ فى شَهرِنا هذا مِن لَمَمٍ أو إثمٍ ، أو واقَعنا فيهِ مِن ذَنبٍ ، وَاكتَسَبنا فيهِ مِن خَطيئَهٍ عَلى تَعَمُّدٍ مِنّا ، أو عَلى نِسيانٍ ظَلَمنا فيهِ أنفُسَنا ، أو انتَهَكنا بِهِ حُرمَهً مِن غَيرِنا ؛ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاستُرنا بِسِترِکَ ، وَاعفُ عَنّا بِعَفوِکَ ، ولا تَنصِبنا فيهِ لِأَعيُنِ الشّامِتينَ ، ولاتَبسُط عَلَينا فيهِ أَلسُنَ الطّاغينَ ، وَاستَعمِلنا بِما يَكونُ حِطَّهً وكَفّارَهً لِما أنكَرتَ مِنّا فيهِ ، بِرَأفَتِکَ الَّتى لاتَنفَدُ وفَضلِکَ الَّذى لايَنقُصُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجبُر مُصيبَتَنا بِشَهرِنا ، وبارِک لَنا فى يَومِ عيدِنا وفِطرِنا ، وَاجعَلهُ مِن خَيرِ يَومٍ مَرَّ عَلَينا ، أجلَبِهِ لِعَفوٍ وأمحاهُ لِذَنبٍ ، وَاغفِر لَنا ماخَفِىَ مِن ذُنوبِنا وما عَلَنَ .

اللّهُمَّ اسلَخنا بِانسِلاخِ هذَا الشَّهرِ مِن خَطايانا ، وأخرِجنا بِخُروجِهِ مِن سَيِّئاتِنا ، وَاجعَلنا مِن أسعَدِ أهلِهِ بِهِ وأجزَلِهِم قِسماً فيهِ ، وأوفَرِهِم حَظّاً مِنهُ .

اللّهُمَّ ومَن رَعى (7) هذَا الشَّهرَ حَقَّ رِعايَتِهِ ، وحَفِظَ حُرمَتَهُ حَقَّ حِفظِها ، وقامَ بِحُدودِهِ حَقَّ قِيامِها ، وَاتَّقى ذُنوبَهُ حَقَّ تُقاتِها ، أو تَقَرَّبَ إلَيکَ بِقُربَهٍ أوجَبَت رِضاکَ لَهُ ، وعَطَفَت رَحمَتَکَ عَلَيهِ ، فَهَب لَنا مِثلَهُ مِن وُجدِکَ ، وأعطِنا أضعافَهُ

مِن فَضلِکَ ، فَإنَّ فَضلَکَ لايَغيضُ ، وإنَّ خَزائِنَکَ لاتَنقُصُ بَل تَفيضُ ، وإنَّ مَعادِنَ إحسانِکَ لاتَفنى ، وإنَّ عَطاءَکَ لَلعَطاءُ المُهَنَّأُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاكتُب لَنا مِثلَ اَجورِ مَن صامَهُ ، أو تَعَبَّدَ لَکَ فيهِ إلى يَومِ القِيامَهِ .

اللّهُمَّ إنّا نَتوبُ إلَيکَ فى يَومِ فِطرِنَا الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُؤمِنينَ عيداً وسُروراً ، ولِأهلِ مِلَّتِکَ مَجمَعاً ومُحتَشَداً مِن کُلِّ ذَنبٍ أذنَبناهُ ، أو سوءٍ أسلَفناهُ ، أو خاطِرِ شَرٍّ أضمَرناهُ ، تَوبَهَ مَن لا يَنطَوى عَلى رُجوعٍ إلى ذَنبٍ ، ولا يَعودُ بَعدَهاَ فى خَطيئَهٍ ، تَوبَهً نَصوحاً خَلَصَت مِنَ الشَّکِ وَالاِرتِيابِ ، فَتَقَبَّلها مِنّا وَارضَ عَنَّا وثَبِّتنا عَلَيها .

اللّهُمَّ ارزُقنا خَوفَ عِقابِ الوَعيدِ ، وشَوقَ ثَوابِ المَوعودِ ، حَتّى نَجِدَ لَذَّهَ ما نَدعوکَ بِهِ وکَآبَهَ ما نَستجيرُکَ مِنهُ ، وَاجعَلنا عِندَکَ مِنَ التَّوّابينَ الَّذينَ أوجَبتَ لَهُم مَحَبَّتَکَ ، وقَبِلتَ مِنهُم مُراجَعَه طاعَتِکَ ، يا أعدَلَ العادِلينَ .

اللّهُمَّ تَجاوَز عَن آبائِنا وأُمَّهاتِنا وأهلِ دينِنا جَميعاً مَن سَلَفَ مِنهُم ومَن غَبَرَ إلى يَومِ القِيامَهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنا وآلِهِ کَما صَلَّيتَ عَلى مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ کَما صَلَّيتَ عَلى أنبِيائِکَ المُرسَلينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ کَما صَلَّيتَ عَلى عِبادِکَ الصّالِحينَ ، وأفضَلَ مِن ذلِکَ يا رَبَّ العالَمينَ ، صَلاهً تَبلُغُنا بَرَکَتُها ، ويَنالُنا نَفعُها ، ويُستَجابُ لَها دُعاؤُنا ، إنَّکَ أکرَمُ مَن رُغِبَ إلَيهِ ، وأکفى مَن تُوُکِّلَ عَلَيهِ ، وأعطى مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ ، وأنتَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (8) .

1- .التحريم : 8 .
2- .الأنعام : 160 .
3- .البقره : 261 .
4- .البقره : 245 .
5- .إبراهيم : 7 .
6- .غافر : 60 .
7- .فى مصباح المتهجّد : «رعى حرمه هذا الشهر» ، وفى المصادر الاُخرى : «رعى حقّ هذا الشهر» .
8- .الصحيفه السجّاديّه : ص 171 الدعاء 45 ، مصباح المتهجّد : ص 642 ح 718 .

1 / 4دعای امام سجّاد در وداع با ماه1923.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام:خداوندا! ای آن که [در برابر عطاهایت ،] چشمداشت پاداش نداری ، و ای آن که از بخششْ پشیمان نمی شوی ، و ای آن که بنده ات را برابر

کرده اش پاداش نمی دهی [و بیشتر می دهی]! نعمت بخشی تو آغازگرانه است و بخشایشت ، از روی تفضّل و احسان. کیفر تو عدالت است و داوری ات بهترین. اگر عطا کنی ، آن را به منّت نمی آمیزی و اگر محروم کنی ، ندادنت از روی تجاوز نیست. هر که سپاست گوید ، پاداشش می دهی ، در حالی که شکرگزاری او نیز با الهام توست و هر که ستایشت کند ، جزایش می دهی ، با این که تو او را آموخته ای که ستایشت کند.

بر گناه کسی پرده می افکنی که اگر می خواستی ، رسوایش می کردی و بر کسی بخشش می کنی که اگر می خواستی ، محرومش می ساختی ، در حالی که هر دو از سوی تو شایسته رسوا ساختن و محروم کردن اند ، جز آن که تو کارهایت را بر تفضّل بنا نهاده ای و قدرتت را بر گذشتْ جاری ساخته ای. با هر که نافرمانی ات کند ، با بردباری برخورد کرده ای و هر که را قصد ستم بر خویشتن کند ، با بردباری ات مهلت داده ای تا باز گردد. و از کیفرشان چشم می پوشی تا توبه کنند ، تا هر کس از آنان که هلاک می شود ، با خواسته تو نباشد و هر که بدبخت می شود ، با نعمت تو شقاوت نیابد ، مگر پس از عذرآوری طولانی و تمام شدن حجّت بر وی. این ، از بزرگواری بخشایش توست ، ای کریم ، و احسانی از مهربانی توست ، ای بردبار!

تویی آن که برای بندگانت دری به سوی بخشایشت گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته ای و بر آن در ، راهنمایی از وحی خود گمارده ای تا آن را گم نکنند و فرموده ای ای که نامت خجسته است : « به درگاه خدا توبه ای راستین کنید. باشد که پروردگارتان خطاهایتان را بپوشاند و شما را وارد بهشت هایی کند که از زیر درختانش نهرها جاری اند ، در روزی که خداوند ، پیامبر و مؤمنانِ همراهش را خوار نمی سازد. نورشان پیشاپیش آنان و از سمت راستشان جلو می رود. می گویند: پروردگارا! نور ما را برای ما کامل کن و ما را بیامرز! همانا تو بر هر چیز ، توانایی» . پس ، آن که پس

از گشوده شدن این در و با وجود راهنما ، از ورود به این خانه غافل شود ، چه عذر و بهانه ای دارد؟

تویی آن که بهای معامله با بندگانت را به سود آنان افزوده ای تا در این داد و ستد با تو ، به آنان سود برسانی و در ورود به آستان تو کامیابشان کنی و از تو افزون یابند. تو خود فرموده ای ای که نامت خجسته و ذاتت والاست : « هر کس کار نیک انجام دهد ، پاداش او ده برابر است و هر که کار بد کند ، جز همانند آن ،

کیفر نیابد» و فرموده ای: « مَثَل آنان که در راه خدا دارایی خود را انفاق می کنند ، همچون مَثَل دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ، صد دانه باشد و خداوند برای هر که بخواهد ، چند برابر می کند» و فرموده ای: « کیست که به خداوند ، وام نیکو دهد تا خداوند هم آن را چند برابر بیشتر بیفزاید؟» و آیاتی از این گونه که در قرآن درباره چند برابر شدن پاداش حسنات نازل کرده ای.

تویی آن که با سخنان غیبی ات ، آنان را راهنمایی کرده ای و به آنچه بهره ایشان در آن است ، تشویق نموده ای؛ بر چیزی که اگر از آنان می پوشاندی ، دیدگانشان آن را در نمی یافت و گوش هایشان آن را درک نمی کرد و خیال هایشان به آن نمی رسید. و فرموده ای : « مرا یاد کنید تا یادتان کنم و مرا سپاس گویید و ناسپاسی ام نکنید »و فرموده ای: « اگر سپاس گویید ، بر شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید ، عذاب من سخت است» و فرموده ای: « مرا بخوانید تا پاسختان گویم. همانا آنان که از پرستش من سرکشی کنند ، زود است که با خواری وارد دوزخ شوند». نیایش به درگاهت را پرستش ، و ترک آن را کبرورزی نامیده ای و بر ترک دعا وعده ورود ذلیلانه به دوزخ داده ای. پس ، تو را به نعمتت یاد کردند و با احسانت سپاس گفتند و به فرمانت دعایت کردند و برای رسیدن به پاداش افزونت برایت صدقه دادند ، که در این کارها رهایی شان از خشم تو و رسیدن به رضای تو بود.

اگر آفریده ای آفریده دیگر را از سوی خود ، آن گونه که تو بندگانت را از سوی خود راهنمایی کرده ای ، راهنمایی می کرد ، او را به نیکوکاری و احسان وصف می کردند و به هر زبانی ستوده بود. پس ، تو را ستایش ، تا آن جا که راهی برای ستایشت یافت شود و واژه ای برای ستودنت مانده باشد و معنایی که لفظ ، به آن روی آورد.

ای آن که با نیکی و تفضّل بر بندگانش و غرقه کردن آنان در دریای احسان و بزرگواری اش ، ستوده بندگانش گشته است! چه آشکار است نعمت تو میان ما و چه سرشار است احسان تو بر ما و چه ویژه است نیکی تو برای ما. ما را به

دین برگزیده خودت و آیین پسندیده خویش و راهی که هموار ساختی ، رهنمون گشتی و برای راهی که ما را مقرَّب تو سازد و به کرامتت برساند ، بینایمان ساختی.

خداوندا! تو از جمله آن وظایفِ برگزیده و واجبات ویژه خویش ، ماه رمضان را قرار دادی ؛ ماهی که آن را از ماه های دیگر ویژه ساختی و در میان همه زمان ها و روزگاران ، آن را برگزیدی و بر همه اوقات سال ، آن را برتر ساختی ، با قرآن و نوری که در آن فرو فرستادی و ایمانی که در آن افزودی و روزه ای که در آن واجب کردی و عبادت و نمازی که بر آن تشویق فرمودی و شب قدری را (که بهتر از هزار ماه است) در آن بزرگ داشتی.

سپس ما را به وسیله آن بر امّت های دیگر و بر آیین های دیگر ، با فضل آن برگزیدی. از این رو ، روزش را به فرمانت روزه داشتیم و شبش را به یاری ات به عبادت برخاستیم ، در حالی که با این روزه داری و عبادتش ، خود را در معرض رحمتی قرار دادیم که برایمان فراهم آوردی و سببی یافتیم تا به پاداشت برسیم. تویی که بر هر چه در این ماه از آستانت بجویند ، توانایی و به هر چه از احسانت از تو بخواهند ، بخشنده ای و به هر که خواستار نزدیکی به تو باشد ، نزدیکی.

این ماه ، در میان ما ، ستوده مانْد و با ما به نیکی همنشینی کرد و برترین سودهای جهانیان را به ما رساند ، و چون وقتش پایان یافت و مدّتش سر آمد و شمارَش به آخر رسید ، از ما جدا شد. اینک از آن خداحافظی می کنیم ، همچون خداحافظی با کسی که فراقش بر ما سخت است و رخت بر بستن آن ما را اندوهگین و وحشت زده می کند و عهدی نگه داشتنی و احترامی مراعات کردنی و حقّی اداشدنی بر دوش ما می نهد. پس ، این گونه می گوییم:

بدرود ، ای برترین ماه خدا و ای عید اولیای خدا!

بدرود ، ای گرامی ترین اوقات همراه و ای بهترین ماه در میان روزها و ساعت ها!

بدرود ، ای ماهی که آرزوها در آن ، نزدیک و سفره عمل ها در آن ، گشوده شد !

بدرود ، ای همنشینی که تا بود ، ارزشمند بود و چون از دست می رود ، فقدانش غمبار است ، و ای امیدگاهی که هجرانش دردآور است !

بدرود ، ای همدمی که چون آمدی ، مایه الفت گشتی و شاد کردی و چون سپری شدی ، ما را به دردِ فراق نشاندی !

بدرود ، ای همسایه ای که با بودنت دل ها رقّت می یافت و گناهان کم می شد !

بدرود ، ای یاوری که ما را در غلبه بر شیطان یاری کردی ، و ای همنشینی که راه های نیکی را هموار ساختی !

بدرود ، که در تو آزادشدگان خدا [از آتشْ] چه بسیار بودند و چه خوش بخت اند آنان که حرمت تو را به خاطر تو نگه داشتند !

بدرود ، که چه آمرزنده گناهان و پوشاننده انواع عیب ها بودی !

بدرود ، که بر خطاکاران چه درازمدّت بودی و در سینه های مؤمنان چه شُکوهی داشتی !

بدرود ، ای ماهی که روزها [در ارزش] به پای تو نمی رسند !

بدرود ، ای ماهی که از هر امری ، ایمن بودی !

بدرود ، که نه همنشینی با تو ، ناخوشایند بود و نه همدمی با تو ، ناپسند.

بدرود ، آن گونه که چون آمدی ، برکات آوردی و گناهان را از ما شستی.

بدرود ، که خداحافظی با تو ، نه از روی خستگی بود و نه ترک روزه ، از روی ناراحتی.

بدرود ، که پیش از فرا رسیدنت تو را طلبیدیم و پیش از پایان یافتنت بر تو اندوهگین شدیم.

بدرود ، که چه بسا بدی که به خاطر تو از ما برطرف شد ، و چه بسا خیری که به سبب تو به ما رسید.

بدرود ، از تو و از شب قدر که بهتر از هزار ماه است.

بدرود ، که دیروز چه خواهانت بودیم و فردا چه شوقی به تو خواهیم داشت .

بدرود ، از تو و از فضیلت تو که از آن محروم شدیم و از برکات گذشته که از ما گرفته شد.

خداوندا ! ما اهل این ماهیم که به سبب آن ، شرافتمان دادی و با احسانت ، برای آن ، توفیقمان بخشیدی ، آن گاه که شقاوتمندان ، زمانش را نشناختند و به سبب شقاوتشان از فضیلتش محروم شدند. تو صاحب معرفت آن هستی که آن را به ما بخشیدی و به سنّت آن رهنمونمان گشتی؛ ما نیز با توفیق تو ، هر چند با تقصیر ، به روزی داری و عبادت آن پرداختیم و اندکی از حقّ بسیارِ آن را ادا کردیم.

خداوندا ! ستایشْ تو راست ، با اقراری که به بدکاریِ خود داریم و اعترافی که به تباهسازی آن می کنیم. در آستان تو ، از عمق دل هایمان پشیمانیم و

صادقانه زبان به پوزش گشوده ایم. پس با همه کوتاهی ها، بر آنچه در این ماه به ما رسیده است ، پاداشمان ده؛ پاداشی که با آن به احسان مورد رغبت در این ماه ، دست یابیم و آن را عوض ذخیره های گوناگونی که مورد اشتیاق است ، قرار دهیم؛ و عذرپذیری خود را بر کوتاهی ما در ادای حقّت حتمی گردان و عمرهای ما را تا ماه رمضان آینده طولانی گردان و چون ما را به آن رساندی ، به عبادتی که شایسته توست ، یاری مان کن و به انجام دادن طاعتی در خور عظمتت توفیقمان بده و آن چنان ما را به کار شایسته بگمار که ادای حقّ تو در این دو ماه (رمضان امسال و آینده) از ماه های روزگار ، باشد.

خداوندا ! در این ماه ، به هر لغزش و گناهی که نزدیک شدیم ، یا به هر گناهی که در افتادیم و هر خطایی را که به عمد یا اشتباه مرتکب شدیم و بر خویش ستم کردیم ، یا هر حرمتی را که از دیگری شکستیم [، با این همه] خدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست و با پوشش خود ، ما را بپوشان و با عفو خویش از ما در گذر و ما را در برابر دیدگان شماتت کنندگان قرار مده و زبان های طغیان گران را بر ما مگشای و ما را به

کاری بگمار که مایه ریزش گناهان و جبران زشتکاری هایمان در این ماه باشد ، به حقّ آن مهربانی ات که بی پایان است و آن احسانت که نمی کاهد !

خداوندا ! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مصیبت ما را بر [فقدان] این ماه ، جبران کن ، و عید ما و افطار ما را بر ما مبارک گردان و آن را از بهترین روزهای گذشته ما قرار بده؛ روزهایی که عفو تو را جلب کننده تر و گناه ما را محوکننده تر باشد ، و گناهان نهان و آشکار ما را بیامرز !

خداوندا ! با سپری شدن این ماه ، ما را از گناهانمان بیرون آر و با خروج این ماه ، ما را از بدی هایمان بیرون کن و ما را از کامیاب ترین و بهره مندترین مردم در این ماه ، قرار بده !

خداوندا ! هر کس که حقّ این ماه را به طور شایسته رعایت کرد و حرمتش را آن گونه که باید ، نگه داشت و حدود آن را به نحو شایسته انجام داد و در آن از گناهان به نحو شایسته پرهیز کرد ، یا به سوی تو با کاری که رضای تو را فراهم می آورد ، تقرّب جست و رحمتت را بر خویش معطوف داشت ، ما را نیز چون او از خزانه جودت عطا کن و از فضل خویش چندین برابر او به ما

ببخش؛ چرا که از فضل تو نمی کاهد و گنجینه هایت کاسته نمی شود بلکه افزوده می گردد و سرچشمه های احسانت پایان نمی پذیرد؛ و عطای تو ، عطای گواراست.

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و تا قیامت برای ما ، مثل پاداش های روزه داران و عبادت کنندگانِ در این ماه را بنویس !

خداوندا ! در این روز عید فطر که آن را برای مؤمنان ، عید و مایه سُرور و برای پیروان آیین خود ، مایه همایش و اجتماع قرار داده ای ، از هر گناهی که مرتکب شده ایم یا [هر] بدی که انجام داده ایم یا [هر] فکر بدی که در دل داشته ایم، به درگاهت توبه می کنیم؛ توبه کسی که در دل ، قصد گناه دوباره ندارد و پس از توبه ، به خطا روی نمی آورد ، توبه ای راستین و خالص از شک و شبهه. پس ، این توبه را از ما بپذیر و از ما خرسند باش و ما را بر این ، استوار بدار !

خداوندا ! بیم از کیفر وعده داده شده و شوق به پاداش وعده داده شده را روزیِ ما کن تا لذّت آنچه تو را به آن می خوانیم و رنج آنچه را از آن به تو

پناه می بریم ، دریابیم. ما را در پیشگاه خود ، از توبه کنندگانی قرار بده که محبّت خویش را برایشان حتمی ساخته ای و طاعت دوباره را از آنان پذیرفته ای ، ای دادگرترینِ دادگران!

خداوندا! از پدران و مادران و همه هم کیشان ما ، از گذشتگان و آیندگانشان تا روزِ قیامت در گذر!

خداوندا! بر پیامبرمان محمّد و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر فرشتگان مقرَّب خود درود فرستادی؛ و بر او و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر پیامبران فرستاده ات درود فرستادی؛ و بر او و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر بندگان صالح خود درود فرستادی و برتر از آن ای پروردگار جهانیان ، درودی که برکتش و سودش به ما برسد و دعای ما برای آن مستجاب شود! همانا تو بزرگوارترین کسی هستی که به او رغبت آرند و کارسازترین کسی که بر او توکّل کنند و بخشنده ترین کسی که از فضل او بخواهند و تو بر هر چیز ، توانایی.

.

ص: 440

. .

. .

ص: 442

. .

ص: 443

. .

ص: 444

. .

ص: 445

. .

ص: 446

. .

ص: 447

. .

ص: 448

. .

ص: 449

. .

ص: 450

. .

ص: 451

..

1 / 5دُعاءُ الإمام الصّادِقِ فى وَداعِ الشَّهرِ1926.پیامبر خدا صلى الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ فى کِتابِکَ المُنزَلِ : « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ » وهذَا شَهرُ رَمَضانَ وقَد تَصَرَّمَ ، فَأسأَلُکَ بِوَجهِکَ الکَرِيمِ وکَلِماتِکَ التّامَّهِ ، إن کانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنبٌ لَم تَغفِرهُ لِي ، أو تُرِيدُ أن تُعَذِّبَنِي عَلَيهِ أو تُقايِسَنى (1) بِهِ ، أن يَطلُعَ (2) فَجرُ هذِهِ اللَّيلَهِ أو يَتَصَرَّمَ هذا الشَّهرُ إلاَّ وقَد غَفَرتَهُ لى ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بِمَحامِدِکِ کُلِّها أوَّلِها وآخِرِها ، ما قُلتَ لِنَفسِکَ مِنها ، وما قالَ الخَلائِقَ الحامِدونَ ، المُجتَهِدونَ ، المَعدودونَ ، المُوَقِّرونَ ذِکرِکَ وَالشُّکرِ لَکَ ، الَّذينَ أعَنتَهُم عَلى أداءِ حَقِّکَ مِن أصنافِ خَلقِکَ ، مِنَ المَلائِکَهِ المُقَرَّبينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالمُرسَلينَ ، وأصنافِ النّاطِقينَ والمُسَبِّحينَ لَکَ مِن جَميعِ العالَمينَ ، عَلى أنَّکَ بَلَّغتَنا شَهرَ رَمَضانَ وعَلَينا مِن نِعَمِکَ ، وعِندَنا مِن قِسَمِکَ وإحسانِکَ وتَظاهُرِ امتِنانِکَ بِذلِکَ ، لَکَ مُنتَهَى الحَمدِ الخالِدِ الدّائِمِ الرّاکِدِ المُخَلَّدِ السَّرمَدِ الَّذى لا يَنفَدُ طولَ الأبَدِ ، جَلَّ ثَناؤُکَ أعَنتَنا عَلَيهِ حَتّى قَضَينا صِيامَهُ وقِيامَهُ ، مِن صَلاهٍ وما کانَ مِنّا فيهِ مِن بِرٍّ أو شُکرٍ أو ذِکرٍ .

اللّهُمَّ فَتَقَبَّلهُ مِنّا بِأحسَنِ قَبولِکَ وتَجاوُزِکَ وعَفوِکَ ، وصَفحِکَ وغُفرانِکَ وحَقيقَهِ رِضوانِکَ،حَتّى تُظَفِرَنا فيهِ بِکُلِّ خَيرٍ مَطلوبٍ، وجَزيلِ عَطاءٍ مَوهوبٍ ، وتوقِيَنا فيهِ مِن کُلِّ مَرهوبٍ أو بَلاءٍ مَجلوبٍ أو ذَنبٍ مَکسُوبٍ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِعَظيمِ ما سَأَلَکَ أحَدٌ مِن خَلقِکَ ، مِن کَريمِ أسمائِکَ وجَميلِ ثَنائِکَ وخاصَّهِ دُعائِکَ ، أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَ شَهرَنا هذا أعظَمَ شَهرِ رَمَضانَ مَرَّ عَلَينا مُنذُ أنزَلتَنا إلَى الدُّنيا بَرَکَهً ، فى عِصمَهِ دينى وخَلاصِ نَفسى ، وقَضاءِ حَوائِجى وتُشَفِّعَنى فى مَسائِلى وتَمامِ النِّعمَهِ عَلَيَّ ، وصَرفِ السُّوءِ عَنّى ولِباسِ العافِيَهِ لى فيهِ ، وأن تَجعَلَنى بِرَحمَتِکَ مِمَّن خِرتَ لَهُ لَيلَهَ القَدرِ وجَعَلتَها لَهُ خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ ، فى أعظَمِ الأجرِ وکَرائِمِ الذُّخرِ ، وحُسنِ الشُّکرِ وطولِ العُمُرِ ودَوامِ اليُسرِ .

اللّهُمَّ وأسأَلُکَ بِرَحمَتِکَ وطَولِکَ وعَفوِکَ ونَعمائِکَ ، وجَلالِکَ وقَديمِ إحسانِکَ وَامتِنانِکَ ، أن لا تَجعَلَهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا لِشَهرِ رَمَضانَ حَتّى تُبَلِّغَناهُ مِن قابِلٍ عَلى أحسَنِ حالٍ ، وتُعَرِّفَنى هِلالَهُ مَعَ النّاظِرينَ إلَيهِ والمُتَعَرِّفينَ لَهُ فى أعفى عافِيَتِکَ ، وأنعَمِ نِعمَتِکَ وأوسَعِ رَحمَتِکَ وأجزَلِ قَسمِکَ .

[اللّهُمَّ] يا رَبِّیَ الّذی لَیسَ لی رَبٌّ غَیرُهُ ، لا یَکونُ هذَا الوَداعُ مِنّی لَهُ وَداعَ فَناءٍ ولا آخِرَ العَهدِ مِنّی لِلِقاءِ ، حَتّی تُرِیَنیهُ مِن قابِلٍ فی أوسَعِ النِّعَمِ وأفضَلِ الرَّجاءِ ، وأنَا لَکَ عَلی أحسَنِ الوَفاءِ ، إنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ .

اللّهُمَّ اسمَع دُعائی وَارحَم تَضَرُّعی وتَذَلُّلی لَکَ واستِکانَتی وتَوَکُّلی عَلَیکَ ، وأنَا لَکَ مُسلِمٌ لا أرجو نَجاحا ولا مُعافاةً ولا تَشریفا ولا تَبلیغا إلّا بِکَ ومِنکَ ، فَامنُن عَلَیَّ جَلَّ ثَناؤُکَ وتَقَدَّسَت أسماؤُکَ ، بِتَبلیغی شَهرَ رَمَضانَ وأنا مُعافیً مِن کُلِّ مَکروهٍ ومَحذورٍ ومِن جَمیعِ البَوائِقِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذی أعانَنا عَلی صِیامِ هذَا الشَّهرِ وقِیامِهِ حَتّی بَلَّغَنی آخِرَ لَیلَهٍ مِنهُ . (3) .

1- .أی تحبط حسناتی بسببه (مرآه العقول : ج 16 ص 402) .
2- .فی مصباح المتهجّد : «أن لایطلع» وهو الظاهر (مرآه العقول : ج 16 ص 402) .
3- .الکافی : ج 4 ص 165 ح 6 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 164 ح 2033 .

اشاره

1 / 5دعای امام صادق در وداع با ماه رمضان1929.الدعوات :امام صادق علیه السلام:خداوندا ! تو در کتاب خویش که بر زبان پیامبرِ فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد جاری کردی، فرموده ای و سخن تو، حق است که : « ماه رمضان ، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است» . و این ، ماه رمضان است که سپری شد. از ذات بزرگوار و کلمات کامل تو می خواهم ، اگر گناهی بر من مانده که آن را برایم نیامرزیده ای و می خواهی مرا بر آن عذاب کنی و یا به سبب آن نیکی هایم را محو کنی ، سپیده این شب ندمد ، یا این ماه به پایان نرسد ، مگر این که آن را برای من آمرزیده باشی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! تو را ستایش ، با همه ستودگی هایت ، از آغاز تا پایانش ، آنچه را خودت برای خود فرموده ای و آنچه را بندگان ستایشگر ، تلاشگر ، نعمت شمار و برگزینندگان یاد و سپاس نعمت های تو گفته اند؛ آنان که از گروه های مختلف (آفریدگانت از فرشتگان مقرَّب ، پیامبران و فرستادگان) و از اصناف صاحب نطق (از همه عالَمیان که تسبیح گوی تو اند) یاری شان کردی تا حقّ تو را ادا کنند. [تو را ستایش بر این که] ما را به ماه رمضان رساندی و از نعمت هایت به ما بخشیدی و قسمت و احسان بر ما داشتی و این گونه ، نعمت هایت بر ما پیاپی گشت. نهایت ستایش ، برای توست ؛ ستایشی جاودان ، همیشگی ، ابدی ، پا بر جا و بی پایان که تا ابد پایان نپذیرد. ثنای تو شکوهمند است. ما را بر آن یاری کردی تا این که روزه و نماز آن را از جانب ما ادا کردی و نیز آنچه را (از نیکی ، شُکر یا ذکر) که در این ماه به وسیله ما انجام گرفت.

خداوندا ! با بهترین قبول و عفو و گذشت و آمرزشت و با حقیقت خرسندی ات ، از ما بپذیر تا در این ماه ، ما را بر هر خیر طلب شده و بخشش عطا شده نایل گردانی و در این ماه ، ما را از هر چیز بیمناک و گناه انجام شده ، ایمن داری !

خداوندا ! تو را به خواسته های بزرگ هر یک از بندگانت و تو را به نام های بزرگوارت و ثنای فراوانت و دعای ویژه ات می خوانم که بر محمّد و

خاندان محمّد درود فرستی و این ماه را ، بزرگ ترین و بابرکت ترین ماه رمضانی قرار دهی که از آغاز آفرینشمان بر ما گذشته است ، همراه با محفوظ ماندن دینم و رهایی جانم و ادای حاجتم و شفاعت پذیری در خواسته هایم و کامل شدن نعمت بر من و برگرداندن بدی از من و پوشاندن جامه عافیت بر من؛ و این که به رحمت خویش مرا از آنانی قرار دهی که شب قدر را برایشان فراهم آوردی و آن را بهتر از هزار ماه قرار دادی ، همراه با بزرگ ترین پاداش و ارزشمندترین ذخیره و عمر طولانی و سپاس شایسته و دارایی پیوسته.

خداوندا ! تو را می خوانم ، به رحمت و احسانت ، به گذشت و نعمت هایت ، به شُکوه و احسانِ دیرین و نعمت بخشی ات ، که این ماه را آخرین ماه رمضانِ ما قرار ندهی ، تا این که سال آینده ما را در بهترین حالت به آن برسانی و هلال آن را به ما بشناسانی ، همراه با آنان که به آن می نگرند و آن را می شناسند ، همراه با بهترین عافیتت و برترین نعمتت و گسترده ترین رحمتت و سرشارترین قسمتت.

خداوندا ، ای پروردگاری که مرا جز تو پروردگاری نیست ! این وداع ، وداع آخرین و آخرین دیدار من [با ماه رمضان]نباشد ، تا این که سال آینده آن را در کامل ترین نعمت ها و برترینِ امیدها به من بنمایانی ، در حالی که من بهترین وفادار به تو باشم ! همانا تو شنونده دعایی.

خداوندا ! دعایم را بشنو ، بر نالیدن و خضوع و فروتنی و توکّلم بر تو ، رحمت آور. من تسلیم تو ام. هیچ کامیابی ای ، تن درستی ای ، شرافت و نیز رسیدن به هدفی را جز با قدرت تو و از سوی تو امید ندارم. پس بر من منّت بگذار ای که ثنای تو باشُکوه و نام هایت مقدّس است و مرا به ماه رمضان برسان ، در حالی که از هر ناپسند و مشکلی سالم ، و از همه بدی ها دور باشم ! ستایش ، خدا را که یاری مان کرد تا این ماه را روزه بگیریم و عبادت کنیم تا آن که ما را به آخرین شبِ آن رساند.

.

. .

ص: 455

. .

نکته مهمّهقال السیّد ابن طاووس قدس سره : اعلم أنّک تدّعی فی بعض هذه الوداعات أنّ شهر رمضان أحزنک فراقه وفقده ، وأوجعک ما فاتک من فضله ورفده ، فیراد منک تصدیق هذه الدّعوی بأن یکون علی وجهک أثر الحزن والبلوی ، ولا تختم آخر یوم منه بالکذب فی المقال ، والخلل فی الفعال . (1)

.

1- .الإقبال : ج 1 ص 442 .

یک نکته مهم

یک نکته مهمسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: بدان که تو در بعضی از این وداع ها می گویی که فراق و فقدان ماه رمضان ، تو را محزون ساخته و رفتن فضیلت و عطایای آن از دستت ، ناراحتت کرده است. انتظار می رود که درستیِ این ادّعا با آثار حزن و ناراحتی در سیمایَت ، آشکار باشد و آخرین روز ماه رمضان را با گفتار دروغ و کار ناقص به پایان نبری.

.

الفصل الثانی : آداب لیله العید2 / 1الاِهتِمامُ بِاللَّیلَهِ1931.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :یَسُحُّ اللّهُ عز و جل مِنَ الخَیرِ فی أربَعِ لَیالٍ سَحّا : لَیلَهِ الأضحی ، وَالفِطرِ ... . (1)1932.پیامبر خدا صلی الله علَیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :إنِ استَطَعتَ أن تُحافِظَ عَلی لَیلَهِ الفِطرِ ولَیلَهِ النَّحرِ و ... فَافعَل ، وأکثِر فیهِنَّ مِنَ الدُّعاءِ وَالصَّلاهِ وتِلاوَهِ القُرآنِ . (2)1933.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :لَیلَهُ الفِطرِ اللَّیلَهُ الَّتی یَستَوفی فیهَا الأجیرُ أجرَهُ . (3)تعلیققالَ الشیخُ المفیدُ قدس سره : أوَّلُ لَیلَهٍ مِنهُ [شَهرِ شَوّالٍ] فیها غُسلٌ عِندَ وجُوبِ الشَّمسِ ، کَما ذَکَرنا ذلِکَ فی أوَّلِ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وفیها دُعاءُ الاِستِهلالِ وهُوَ عِندَ رُؤیَهِ الهِلالِ ، وفیهَا ابتِداءُ التَّکبیرِ عِندَ الفَراغِ مِن فَرضِ المَغرِبِ ، وَانتِهاؤُهُ عِندَ الفَراغِ مِن صَلاهِ العیدِ مِن یَومِ الفِطرِ ، فَیَکونُ ذلِکَ فی عَقِبِ أربَعِ صَلَواتٍ ... . وتَطابَقَتِ الآثارُ عَن أئِمَّهِ الهُدی علیهم السلام بِالحَثِّ عَلَی القِیامِ فی هذِهِ اللَّیلَهِ ، وَالاِنتِصابِ لِلمَسأَلَهِ وَالاِستغفارِ وَالدُّعاءِ . (4)

.

1- .کنز العمّال : ج 12 ص 322 ح 35215 نقلاً عن الدیلمی ، الدرّ المنثور : ج 7 ص 402 وفیه «یفتح اللّه الخیر ...» .
2- .مصباح المتهجّد : ص 852 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 123 ح 13 .
3- .الهدایه : ص 210 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 124 ح 15 .
4- .مسارّ الشیعه : ص 29 .

فصل دوم : آداب شب عید

2 / 1 اهمّیت دادن به این شب

بیان

فصل دوم : آداب شب عید2 / 1اهمّیت دادن به این شب1936.منیه المرید :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند در چهار شب ، پیوسته خیر فرو می ریزد: شب عید قربان و عید فطر... .1937.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:اگر بتوانی شب عید فطر و شب عید قربان و... را مراقبت کنی ، چنان کن و در این شب ها دعا و نماز و قرآن ، بسیار بخوان.1938.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب عید فطر ، شبی است که اجیر ، مزد کامل خود را دریافت می کند.بیانشیخ مفید فرموده است: در شب اوّل ماه شوّال ، هنگام غروب خورشید ، غسل [، مستحب]است ، همان گونه که این را در شب اوّل ماه رمضان گفتیم. در این شب ، دعای استهلال ، هنگام دیدن هلال ماه [، مستحب] است. نیز در این شب ، آغاز تکبیر پس از فراغت از نماز مغرب است و پایان آن ، فراغت از نماز عید در روز عید فطر. پس ، این تکبیرها ، پس از چهار نماز گفته می شود... . روایات امامان معصوم علیهم السلام همگی بر عبادت و نماز و پرداختن به درخواست و استغفار و توبه در این شب ، تأکید دارند.

.

راجع : ص 470 ، ح 342 .

2 / 2الغُسل1940.امام على عليه السلام (در بيان حديث معراج پيامبر صلى الله عليه و آله) الإقبال فيما يَختَصُّ بِلَيلَهِ عيدِ الفِطرِ :فَمِنهَا : الغُسلُ المَندوبُ المُشتَمِلُ عَلى غَسلِ الأجسادِ بِالماءِ ، وغَسلِ القُلوبِ مِنَ الذُّنوبِ .

ورُوِىَ أنَّهُ يُغتَسَلُ قَبلَ الغُروبِ مِن لَيلَتِهِ إذا عُلِمَ أنَّها لَيلَهُ العيدِ .

ورُوِىَ أنَّهُ يُغتَسَلُ أواخِرَ لَيلَهِ العيدِ . (1)2 / 3الصَّلاه1942.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَهَ الفِطرِ رَكعَتَينِ يَقرَأُ فى أوَّلِ رَكعَهٍ مِنهُمَا : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » ألفَ مَرَّهٍ ، وفى الرَّكعَهِ الثّانِيَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً ، لَم يَسأَلِ اللّهَ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ اللّهُ إيّاهُ . (2) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 457 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 115 .
2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 71 ح 228 .

2 / 2 غسل

2 / 3 نماز

ر . ک : ص 471 ، ح 342 .

2 / 2غسل1944.عنه صلی الله علیه و آله (فی قولِهِ تعالی : {Q} «ثُمَّ أَورَثنا الکتابَ ا) الإقبال در بیان اعمال مخصوص شب عید فطر :از جمله آنها غسلِ مستحب است که شامل شستن بدن با آب و شستن دل ها از گناهان می شود.

و روایت شده که قبل از غروب شب عید فطر غسل شود ، آن گاه که می داند آن شب ، شب عید است.

نیز روایت شده که اواخر شب عید ، غسل شود.2 / 3نماز1947.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب عید فطر ، دو رکعت نماز بخواند (در رکعت اوّل ، «حمد» و هزار بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، «حمد» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد») ، از خدای متعال چیزی درخواست نمی کند ، مگر آن که خداوند به او عطا می کند.

.

1944.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره آیه {Q} «آن گاه ، این کتاب را به آن بندگ) الکافی :رُوِیَ أَنَّ أمیرَالمُؤمِنینَ علیه السلام کانَ یُصَلّی فیها [أی لَیلَهِ الفِطرِ] رَکعَتَینِ یَقرَأُ فِی الأُولَی : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ألفَ مَرَّهٍ ، وفِی الثّانِیَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً . (1)2 / 4التَّکبیرُ بَعدَ الصَّلَواتِ1947.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن معاویه بن عمّار :سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام یَقولُ : «إنَّ فِی الفِطرِ تَکبیرا» .

قُلتُ : مَتی؟

قالَ : «فِی المَغرِبِ لَیلَهَ الفِطرِ ، وَالعِشاءِ ، وصَلاهِ الفَجرِ ، وصَلاهِ العیدِ ثُمَّ یَنقَطِعُ ، وهُوَ قَولُ اللّهِ تَعالی : «وَلِتُکْمِلُواْ الْعِدَّهَ وَلِتُکَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکُمْ» (2) وَالتَّکبیرُ أن یَقولَ :

اللّهُ أکبَرُ اللّهُ أکبَرُ اللّهُ أکبَرُ ، لا إلهَ إلاَّ اللّهُ واللّهُ أکبَرُ ، وللّهِ الحَمدُ عَلی ما هَدانا ، ولَهُ الشُّکرُ عَلی ما أولانا (3) » . (4)2 / 5زیارَهُ الإمام الحُسیَنِ1950.عنه صلی الله علیه و آله (لَمّا سُئلَ عَن أولِیاءِ اللّهِ) تهذیب الأحکام عن عبدالرحمن بن الحجّاج عن الإمام الصادق علیه السلام :«مَن زارَ قَبرَ

الحُسَینِ علیه السلام لَیلَهً مِن ثَلاثٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ» .

قُلتُ : أیُّ اللَّیالی جُعِلتُ فِداکَ ! ؟

قالَ : «لَیلَهُ الفِطرِ ، ولَیلَهُ الأَضحی ، ولَیلَهُ النِّصفِ مِن شَعبانَ» . (5) .

1- .الکافی : ج 4 ص 168 ح 3 .
2- .البقره : 185.
3- .وفی نسخه : «أبلانا» .
4- .الإقبال : ج 1 ص 459 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 116 ح 2.
5- .تهذیب الأحکام : ج 6 ص 49 ح 112 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 89 ح 23 .

2 / 4 تکبیر پس از نمازها

2 / 5 زیارت امام حسین

1951.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی:روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز می خوانْد: در رکعت اوّل ، «حمد» و هزار مرتبه سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، «حمد» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد».2 / 4تکبیر پس از نمازها1950.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (هنگامی که از اولیای خدا سؤال شد) الإقبال به نقل از معاویه بن عمّار :شنیدم که امام صادق علیه السلاممی فرمود: «در عید فطر ، تکبیر است».

گفتم: کِی؟

فرمود: «در نماز مغربِ شب عید فطر و عشا و نماز صبح و نماز عید. سپس قطع می شود. و این ، همان کلام الهی است که: « شمار را به کمال برسانید و خدا را بر این که هدایتتان کرده ، تکبیر بگویید».و تکبیر ، آن است که بگوید:

اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر. معبودی جز اللّه نیست. اللّه أکبر. خدا را سپاس بر این که هدایتمان کرد. خدا را سپاس بر این که نعمتمان داد ».2 / 5زیارت امام حسین1952.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در علّت نام گذاری شدن ایشان به داعی) تهذیب الأحکام به نقل از عبد الرحمان بن حَجّاج ، از امام صادق :«هر کس یک شب از سه شب ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوندْ گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد».

گفتم: فدایت شوم ! کدام شب ها؟

فرمود: «شب عید فطر ، شب عید قربان و شب نیمه شعبان».

.

1953.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (مِن كِتابِهِ إلى أهالى نَجرانَ) الإمام الصادق عليه السلام :مَن زارَ قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، ولَيلَةَ الفِطرِ ، ولَيلَةَ عَرَفَةَ فى سَنَةٍ واحِدَةٍ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ : ألفَ حَجَّةٍ مَبرورَةٍ وألفَ عُمرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ . وقُضِيَت لَهُ ألفُ حاجَةٍ مِن حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ . (1)2 / 6الإحياء1953.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (از نامه ايشان به اهالى نجران) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحيا لَيلَةَ العيدِ لَم يَمُت قَلبُهُ يَومَ تَموتُ القُلوبُ . (2)1954.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (هنگامى كه در آغاز دعوت ، خويشان نزديک خود را جم) عنه صلى الله عليه و آله :مَن قامَ لَيلَتَيِ العيدَينِ مُحتَسِبا للّهِ ، لَم يَمُت قَلبُهُ يَومَ تَموتُ القُلوبُ . (3)1955.الطبقات الكبرى :الإمام الكاظم عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ : «يُعجِبُنى أن يُفَرِّغَ الرَّجُلُ نَفسَهُ فِى السَّنَهِ أربَعَ لَيالٍ : لَيلَةَ الفِطرِ ، ولَيلَةَ الأضحى ، ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، وأوَّلَ لَيلَةٍ مِن رَجَبٍ» . (4) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 51 ح 119 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 90 ح 24 .
2- .ثواب الأعمال : ص 101 ح 1 ؛ المعجم الأوسط : ج 1 ص 57 ح 159 «من صلّى ليله الفطر والأضحى ...» .
3- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 567 ح 1782 ، كنز العمّال : ج 8 ص 548 ح 24105 .
4- .مصباح المتهجّد : ص 852 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 122 ح 12 .

1956.الطبقات الکبری :امام صادق علیه السلام:هر کس در یک سال ، شب نیمه شعبان ، شب عید فطر و شب عرفه قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوند برای او هزار حجّ مقبول و هزار عمره مقبول می نویسد و هزار حاجت از حاجت های دنیا و آخرت از او برآورده می شود.2 / 6شب زنده داری1958.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر که شب عید را زنده بدارد ، در آن روز که دل ها می میرند ، دل او نمی میرد.1959.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس دو شب عید [فطر و قربان] را به خاطر پاداش خدا به عبادت بپردازد ، در آن روز که دل ها می میرند ، دل او نمی میرد.1960.عنه صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: «این ، مرا شادمان می سازد که هر شخص در طول سال ، خودش را در چهار شب [برای عبادت ،] فارغ سازد: شب عید فطر ، شب عید قربان ، شب نیمه شعبان و شب اوّل ماه رجب».

.

2 / 7الدُّعاءُ بِالمَأثورِ1957.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمامِ الصادق علیه السلام :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ : مَن صَلّى لَيلَةَ الفِطرِ رَكعَتَينِ يَقرَأُ فِى الأُولى : «الحَمدَ» مَرَّةً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ألفَ مَرَّةٍ ، وفِى الثّانِيَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّةً واحِدَةً ، لَم يَسأَلِ اللّهَ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ .

الدُّعاءُ فى دُبُرِها :

يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا أللّهُ ، يا رَحيمُ يا أللّهُ ، يا مَلِكُ يا أللّهُ ، يا قُدّوسُ يا أللّهُ ، يا سَلامُ يا أللّهُ ، يا مُؤمِنُ يا أللّهُ ، يا مُهَيمِنُ يا أللّهُ ، يا عَزيزُ يا أللّهُ ، يا جَبّارُ يا أللّهُ ، يا مُتَكَبِّرُ يا أللّهُ ، يا خالِقُ يا أللّهُ ، يا بارِئُ يا أللّهُ ، يا مُصَوِّرُ يا أللّهُ ، يا عالِمُ يا أللّهُ ، يا عَظيمُ يا أللّهُ ، يا كَريمُ يا أللّهُ ، يا حَليمُ يا أللّهُ ، يا حَكيمُ يا أللّهُ ، يا سَميعُ يا أللّهُ ، يا بَصيرُ يا أللّهُ ، يا قَريبُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا جَوادُ يا أللّهُ ، يا واحِدُ يا أللّهُ ، يا وَلِيُّ يا أللّهُ ، يا وَفِيُّ يا أللّهُ ، يا مَولى يا أللّهُ ، يا قاضى يا أللّهُ ، يا سَريعُ يا أللّهُ ، يا شَديدُ يا أللّهُ ، يا رَؤوفُ يا أللّهُ ، يا رَقيبُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا جَوادُ يا أللّهُ .

يا ماجِدُ يا أللّهُ ، يا عَلِيُّ يا أللّهُ ، يا حَفيظُ يا أللّهُ ، يا مُحيطُ يا أللّهُ ، يا سَيِّدَ السّاداتِ يا أللّهُ ، يا أوَّلُ يا أللّهُ ، يا آخِرُ يا أللّهُ ، يا ظاهِرُ يا أللّهُ ، يا باطِنُ يا أللّهُ ، يا فاطِرُ يا أللّهُ ، يا قاهِرُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا وَدودُ يا أللّهُ ، يا نورُ يا أللّهُ ، يا دافِعُ يا أللّهُ ، يا مانِعُ يا أللّهُ ، [يا رافِعُ يا أللّهُ] ، يا فاتِحُ يا أللّهُ ، يا نَفّاعُ يا أللّهُ ، يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا جَميلُ يا أللّهُ ، يا شَهيدُ يا أللّهُ ، يا شاهِدُ يا أللّهُ ، يا مُغيثُ

يا أللّهُ ، يا حَبيبُ يا أللّهُ ، يا فاطِرُ يا أللّهُ ، يا مُطَهِّرُ يا أللّهُ ، يا مالِكُ يا أللّهُ ، يا مُقتَدِرُ يا أللّهُ ، يا قابِضُ يا أللّهُ ، يا باسِطُ يا أللّهُ ، يا مُحيي يا أللّهُ ، يا مُميتُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا باعِثُ يا أللّهُ ، يا مُعطى يا أللّهُ ، يا مُفضِلُ يا أللّهُ ، يا مُنعِمُ يا أللّهُ ، يا حَقُّ يا أللّهُ ، يا مُبينُ يا أللّهُ ، يا طَبيبُ يا أللّهُ ، يا مُحسِنُ يا أللّهُ ، يا مُجمِلُ يا أللّهُ ، يا مُبدِئُ يا أللّهُ ، يا مُعيدُ يا أللّهُ ، يا بارِئُ يا أللّهُ ، يا بَديعُ يا أللّهُ ، يا هادى يا أللّهُ ، يا كافى يا أللّهُ ، يا شافى يا أللّهُ ، يا عَلِيُّ يا أللّهُ ، يا حَنّانُ يا أللّهُ ، يا مَنّانُ يا أللّهُ ، يا ذَا الطَّولِ يا أللّهُ ، يا مُتَعالى يا أللّهُ ، يا عَدلُ يا أللّهُ ، يا ذَا المَعارِجِ يا أللّهُ ، يا صادِقُ يا أللّهُ ، يا دَيّانُ يا أللّهُ ، يا باقى يا أللّهُ ، يا ذَا الجَلال يا أللّهُ ، يا ذَا الإكرام يا أللّهُ ، يا مَعبودُ يا

أللّهُ ، يا مَحمودُ يا أللّهُ ، يا صانِعُ يا أللّهُ ، يا مُعينُ يا أللّهُ ، يا مُكَوِّنُ يا أللّهُ ، يا فَعّالُ يا أللّهُ ، يا لَطيفُ يا أللّهُ ، يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا غَفورُ يا أللّهُ ، يا شَكورُ يا أللّهُ ، يا نورُ يا أللّهُ ، يا حَنّانُ يا أللّهُ ، يا قَديرُ يا أللّهُ ، يا ربّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، أسألكُ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وتَمُنَّ عَلَىَّ بِرِضاكَ ، وتَعفُوَ عَنّى بِحِلمِكَ ، وتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِن رِزقِكَ الحَلالِ الطَّيِّبِ مِن حَيثُ أحتَسِبُ ومِن حَيثُ لا أحتَسِبُ ، فَإِنّى عَبدُكَ لَيسَ لى أحدٌ سِواكَ ، ولا أجِدُ أحَدا أسَألُهُ غَيرَكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ .

ثُمَّ تَسجُدُ وتَقولُ : يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا مُنزِلُ البَرَكاتِ ، بِكَ تُنزَلُ كُلُّ حاجَةٍ ، أسألُكَ بِكُلِّ اسمٍ فِى مَخزونِ الغَيبِ عِندَكَ ، وَالأَسماءِ المَشهوراتِ عِندَكَ المَكتوبَةِ عَلى سُرادِقِ عَرشِكَ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَقبَلَ مِنّى شَهرَ رَمَضانَ وتَكتُبَنى فِى الوافِدينَ إلى بَيتِكَ الحَرامِ وتَصفَحَ لى عَنِ الذُّنوبِ العِظامِ ، وتَستَخرِجَ (لى)

يا رَبِّ كُنوزَكَ يا رَحمانُ . (1) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 461 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 120 ح 8 .

2 / 7خواندن دعاهای رسیده1960.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام: که درود خدا بر او باد امیر مؤمنان فرمود: «هر کس در شب عید فطر ، دو رکعت نماز بخواند (در رکعت اوّل ، یک بار حمد و هزار بار سوره قل هو اللّه و در رکعت دوم ، حمد و یک بار سوره قل هو اللّه أحد) ، چیزی از خدا نمی خواهد ، مگر آن که به وی عطا می کند».

دعای در پی این نماز ، این است:

«ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! ای بخشاینده ، ای خداوند! ای مهربان ، ای خداوند! ای فرمان روا ، ای خداوند! ای پاک ، ای خداوند! ای بی عیب ، ای خداوند! ای ایمنی بخش ، ای خداوند ، ای حاکم ، ای خداوند! ای شکست ناپذیر ، ای خداوند! ای مقتدر ، ای خداوند! ای شکوهمند ، ای خداوند! ای آفریننده ، ای خداوند! ای پدیدآورنده ، ای خداوند! ای صورتگر ، ای خداوند! ای دانا ، ای خداوند! ای بزرگ ، ای خداوند! ای بزرگوار ، ای خداوند! ای بردبار ، ای خداوند! ای حکیم ، ای خداوند! ای شنوا ، ای خداوند! ای بینا ، ای خداوند! ای نزدیک ، ای خداوند! ای اجابت کننده ، ای خداوند! ای بخشنده ، ای خداوند! ای یکتا ، ای خداوند! ای سرپرست ، ای خداوند! ای وفاکننده ، ای خداوند! ای سَرور ، ای خداوند! ای داور ، ای خداوند! ای سریع ، ای خداوند! ای نیرومند ، ای خداوند! ای مهربان ، ای خداوند! ای مراقب ، ای خداوند! ای اجابت کننده ، ای خداوند! ای بخشنده ، ای خداوند!

ای شکوهمند ، ای خداوند! ای والا ، ای خداوند! ای نگهبان ، ای خداوند! ای فراگیر ، ای خداوند! ای سَرور سَروران ، ای خداوند! ای نخستین ، ای خداوند! ای واپسین ، ای خداوند! ای آشکار ، ای خداوند! ای نهان ، ای خداوند! ای شکافنده ، ای خداوند! ای غالب ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای مهرورز ، ای خداوند! ای نور ، ای خداوند! ای دفع کننده ، ای خداوند! ای بازدارنده ، ای خداوند! ای برافرازنده ، ای خداوند! ای گشاینده ، ای خداوند!

ای سودرسان ، ای خداوند ! ای باشُکوه ، ای خداوند ! ای زیبا ، ای خداوند ! ای گواه ، ای خداوند ! ای شاهد ، ای خداوند ! ای پناه دهنده ، ای خداوند ! ای دوست ، ای خداوند ! ای شکافنده ، ای خداوند ! ای پاک کننده ، ای خداوند ! ای صاحب ، ای خداوند ! ای توانگر ، ای خداوند ! ای گیرنده ، ای خداوند ! ای گسترنده ، ای خداوند ! ای زنده کننده ، ای خداوند ! ای میراننده ، ای خداوند ! ای اجابت کننده ، ای خداوند ! ای برانگیزنده ، ای خداوند ! ای عطاکننده ، ای خداوند ! ای احسان کننده ، ای خداوند ! ای نعمت بخش ، ای خداوند ! ای حق ، ای خداوند ! ای روشنگر ، ای خداوند ! ای طبیب ، ای خداوند ! ای نیکویی کننده ، ای خداوند ! ای زیباساز ، ای خداوند ! ای آغازگر ، ای خداوند ! ای بازآفرین ، ای خداوند ! ای آفریدگار ، ای خداوند ! ای نوآفرین ، ای خداوند ! ای راهنما ، ای خداوند ! ای کفایت کننده ، ای خداوند ! ای درمان کننده ، ای خداوند ! ای والا ، ای خداوند ! ای مهرورز ، ای خداوند ! ای نعمت بخش ، ای خداوند ! ای صاحب احسان ، ای خداوند ! ای والاقدر ، ای خداوند ! ای دادگر ، ای خداوند ! ای صاحب والایی ها ، ای خداوند ! ای راستگو ، ای خداوند ! ای پاداش دهنده ، ای خداوند ! ای ماندگار ، ای خداوند ! ای شکوهمند ، ای خداوند ! ای صاحب بزرگواری ، ای خداوند ! ای معبود ، ای خداوند ! ای ستوده ، ای خداوند ! ای سازنده ، ای خداوند ! ای یاور ، ای خداوند ! ای هستی بخش ، ای خداوند ! ای کارساز ، ای خداوند ! ای صاحب لطف ، ای خداوند ! ای با شکوه ، ای خداوند ! ای آمرزنده ، ای خداوند ! ای سپاس گزار ، ای خداوند ! ای نور ، ای خداوند ! ای دلسوز ، ای خداوند ! ای توانا ، ای خداوند ! ای پروردگار ، ای خداوند ! ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای خداوند ! ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای خداوند ! ای پروردگار ، ای خداوند ! ای پروردگار ، ای خداوند ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با رضایت خویش بر من منّت بگذاری و با بردباری خویش از من درگذری و از روزیِ حلال و پاکیزه خودت ، از آن جا که گمان دارم و از آن جا

که گمان ندارم ، بر من وسعت دهی ، که من بنده تو ام. جز تو ، کسی را ندارم و جز تو ، کسی را نمی یابم که از او بخواهم ، ای مهربان ترین مهربانان ! آنچه را خداوند بخواهد ، همان خواهد شد. نیرویی جز از خدای والای بزرگ نیست».

سپس سجده می کنی و می گویی:

«ای خداوند ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای فرودآورنده برکت ها! هر نیازی بر آستان تو عرضه می شود. تو را می خوانم ، به هر نامی که در گنجینه غیبْ نزد توست و نام های مشهوری که پیش توست و سراپرده عرش ، نگاشته شده است که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و ماه رمضان را از من بپذیری و مرا در زمره میهمانان خانه خود بنویسی و از گناهان بزرگ من ، چشم بپوشی و ای خدای مهربان گنجینه های رحمتت را برای من بیرون آوری».

.

ص: 468

. .

ص: 469

. .

1961.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن الحسن بن راشد :قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام : إنَّ النّاسَ یَقولونَ : إنَّ المَغفِرَةَ تَنزِلُ عَلی مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ لَیلَةَ القَدرِ .

فَقالَ : «یا حَسَنُ ، إنَّ القاریجارَ إنَّما یُعطی اُجرَتَهُ عِندَ فَراغِهِ ، ذلِکَ لَیلَةُ العیدِ» .

قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! فَما یَنبَغی لَنا أن نَعمَلَ فیها؟

فَقالَ : «إذا غَرَبتِ الشَّمسُ فَاغتَسِل ، وإذا صَلَّیتَ الثَّلاثَ المَغرِبَ فَارفَع یَدَیکَ وقُل :

یا ذَا المَنِّ یا ذَا الطَّولِ یا ذَا الجودِ ، یا مُصطَفِیا مُحَمَّدا وناصِرَهُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لی کُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ أحصَیتَهُ عَلَیَّ ونَسیتُهُ وهُوَ عِندَکَ فی کِتابِکَ .

وتَخِرُّ ساجِدا وتَقولُ مِئَةَ مَرَّةٍ : «أتوبُ إلَی اللّهِ» وأنتَ ساجِدٌ ، وتَسأَلُ حَوائِجَکَ» . (1) .

1- .الکافی : ج 4 ص 167 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 115 ح 1 .

1962.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حسن بن راشد :به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم می گویند: برای آنان که ماه رمضان را روزه گرفته اند ، در شب قدر ، آمرزش نازل می شود.

فرمود: «ای حسن ! کارگر ، مزد خودش را هنگام پایان کارش می گیرد ، و آن ، شب عید است».

گفتم: فدایت شوم ! در آن شب ، چه کاری شایسته است که انجام دهیم؟

فرمود: «چون خورشید غروب کرد ، غسل کن و چون سه رکعت نماز مغرب را به پایان بردی ، دستانت را بلند کن و بگو:

ای صاحب نعمت و احسان و بخشش ، ای برگزیننده و یاور محمّد ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر گناهی را که مرتکب شده ام و تو آنها را بر من شمرده ای و من فراموش کرده ام و نزد تو در کتاب (علم) تو ثبت است ، بیامرز !

و به سجده می افتی و در حال سجده ، صدر بار می گویی: «أتُوبُ إلی اللّه ؛ به درگاه خدا توبه می کنم» و از خداوند ، حاجت های خود را می طلبی . .

الفصل الثالث : آداب يوم العيد3 / 1الاِهتِمامُ بِيَومِ العيدِ1966.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : «إذا كانَ أوَّلُ يَومٍ مِن شَوّالٍ نادى مُنادٍ : أيُّهَا المُؤمِنونَ ، اُغدوا إلى جَوائِزِكُم» .

ثُمَّ قالَ : يا جابِرُ جَوائِزُ اللّهِ لَيسَت بِجَوائِزِ هؤُلاءِ المُلوكِ ، ثُمَّ قالَ : هُوَ يَومُ الجَوائِزِ . (1)1963.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المَلائِكَةَ يَقومونَ يَومَ العيدِ عَلى أفواهِ السِّكَّةِ ، ويَقولونَ :

«اغدوا إلى رَبٍّ كَريمٍ يُعطِى الجَزيلَ ويَغفِرُ العَظيمَ» . (2)1964.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فى بَعضِ الأعيادِ :إنَّما هُوَ عيدٌ لِمَن قَبِلَ اللّهُ صِيامَهُ وشَكَرَ قِيامَهُ ، وكُلُّ يَومٍ لا يُعصَى اللّهُ فيهِ فَهُوَ عيدٌ . (3)1965.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در پاسخ به سؤال از شمار پيامبران) كتاب من لا يحضره الفقيه :نَظَرَ الحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ عليهماالسلام إلَى النّاسِ فى يَومِ فِطرٍ

يَلعَبونَ ويَضحَكونَ . فَقالَ لِأَصحابِهِ وَالتَفَتَ إلَيهِم : «إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ شَهرَ رَمَضانَ مِضماراً لِخَلقِهِ يَستَبِقونَ فيهِ بِطاعَتِهِ إلى رِضوانِهِ ، فَسَبَقَ فيهِ قَومٌ فَفازُوا وتَخَلَّفَ آخَرونَ فَخابُوا ، فَالعَجَبُ كُلُّ العَجَبِ مِنَ الضّاحِكِ اللّاعِبِ فِى اليَومِ الَّذى يُثابُ فيهِ المُحسِنونَ ، ويَخيبُ فيهِ المُقَصِّرونَ ، وَايمُ اللّهِ لَو كُشِفَ الغِطاءُ لَشَغَلَ مُحسِنٌ بِإِحسانِهِ ، ومُسىءٌ بِإِساءَتِهِ» . (4) .

1- .الكافى : ج 4 ص 168 ح 3 و ص 68 ح 6 نحوه .
2- .مستدرک الوسائل : ج 6 ص 154 ح 6678 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
3- .نهج البلاغه : الحكمه 428 ، بحارالأنوار : ج 91 ص 136 ح 5 .
4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 174 ح 2057 وج 1 ص 511 ح 1479 ، الكافى : ج 4 ص 181 ح 5 .

3 / 1 اهمیت دادن به روز عید

فصل سوم : آداب روز عید3 / 1اهمیت دادن به روز عید1969.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون روز اوّل ماه شوّال شود ، منادی ندا می دهد: ای مؤمنان! صبحگاهان به سوی جایزه هایتان بشتابید».

سپس فرمود: «ای جابر! جایزه های خدا ، جوایز این پادشاهان نیست». سپس فرمود: «آن روز ، روزِ جایزه هاست».1970.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:فرشتگان ، روز عید ، سرکوچه ها و گذرها می ایستند و می گویند: «بشتابید به سوی پروردگار کریم که عطای بسیار می دهد و گناه بزرگ را می آمرزد».1971.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در برخی عیدها :این ، عید کسی است که خداوند ، روزه او را پذیرفته و عبادتش را قبول کرده است و هر روزی که در آن ، خدا معصیت نشود ، آن روز عید است.1967.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه :امام حسن مجتبی علیه السلام در روز عید فطری به مردمی نگاه کرد که به بازی و خنده مشغول بودند. رو به اصحاب خود کرده ، فرمود: «خدای متعال ، ماه رمضان را به عنوان میدانی برای مسابقه آفریدگانش آفرید

تا به وسیله فرمان بُرداری از خدا ، به سوی رضای الهی سبقت بگیرند. گروهی پیش افتاده ، برنده شدند و گروهی هم عقب مانده ، محروم گشتند. پس شگفت از خنده کننده بازیگر است در روزی که نیکوکاران پاداش می یابند و کوتاهی کنندگان ، ناکام می شوند. به خدا سوگند ، اگر پرده کنار رود ، نیکوکارْ سرگرم نیکوکاری خود خواهد شد و بدکار ، گرفتار بدکاری خویش!».

.

1968.الخصال (به نقل از ابو ذر) الإمام الرضا عليه السلام :إنَّما جُعِلَ يَومُ الفِطرِ العيدَ لِيَكونَ لِلمُسلِمينَ مُجتَمَعاً يَجتَمِعونَ فيهِ ، ويَبرُزونَ للّهِ عز و جل فَيُمَجِّدونَهُ عَلى ما مَنَّ عَلَيهِم ، فَيَكونُ يَومَ عَيدٍ ويَومَ اجتِماعٍ ، ويَومَ فِطرٍ ويَومَ زَكاةٍ ، ويَومَ رَغبَةٍ ويَومَ تَضَرُّعٍ ؛ ولِأَ نَّهُ أوَّلُ يَومٍ مِنَ السَّنَهِ يَحِلُّ فيهِ الأكلُ وَالشُّربُ ؛ لِأَنَّ أوَّلَ شُهورِ السَّنَهِ عِندَ أهلِ الحَقِّ شَهرُ رَمَضانَ ، فَأَحَبَّ اللّهُ عز و جل أن يَكونَ لَهُم فى ذلِكَ مَجمَعٌ يَحمَدونَهُ فيهِ ويُقَدِّسونَهُ ، وإنَّما جُعِلَ التَّكبيرُ فيها أكثَرَ مِنهُ فى غَيرِها مِنَ الصَّلاهِ ؛ لِأَنَّ التَّكبيرَ إنَّما هُوَ تَعظيمٌ للّهِ وتَمجيدٌ عَلى ما هَدى وعافى ، كَما قالَ اللّهُ عز و جل : «وَلِتُكَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ » (1) وإنَّما جُعِلَ فيهَا اثنَتا عَشرَةَ تَكبيرَةً ؛ لِأَ نَّهُ يَكونُ فى كُلِّ رَكعَتَينِ اثنَتا عَشرَةَ تَكبيرَةً ، وجُعِلَ سَبعٌ فِى الأُولى ، وخَمسٌ فِى الثّانِيَهِ ، ولَم يُسَوَّ بَينَهما ؛ لِأَنَّ السُّنَّهَ فِى الصَّلاهِ الفَريضَهِ أن تُستَفتَحَ بِسَبعِ تَكبيراتٍ فَلِذلِكَ بُدِئَ هاهُنا بِسَبعِ تَكبيراتٍ ، وجُعِلَ فِى الثّانِيَهِ خَمسُ تَكبيراَت ؛ لِأَنَّ التَّحريمَ مِنَ التَّكبيرِ فِي اَليَومِ وَاللَّيلَهِ خَمسُ تَكبيراتٍ ، ولِيَكونَ التَّكبيرُ فِى الرَّكعَتَينِ جَميعاً وَتراً وَتراً . (2) .

1- .البقره : 185 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 522 ح 1485 .

1969.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:روز فطر ، از آن جهت ، عید قرار داده شده است که مسلمانان ، اجتماعی داشته باشند که در آن روز گرد هم آیند و برای خدا بیرون آیند و او را بر نعمت هایی که به آنان داده است ، بستایند و روز عید ، روز تجمّع ، روز خوردن روزه ، روز زکات ، روز شوق و روز نیایش است؛ و برای آن که اوّلین روز از سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال است؛ چرا که ماه رمضان ، اوّلین ماه سال نزد اهل حق است. پس خداوند ، دوست داشت که در چنین روزی ، همایشی داشته باشند تا خدا را حمد و ستایش کنند و در این روز ، تکبیر در نماز ، از آن روی بیش از روزهای دیگر قرار داده شده که تکبیر ، بزرگداشت خداوند و ستایش و ثنای او بر نعمت هدایت است ، آن گونه که خداوند فرموده است: « تا خداوند را بر این که هدایتتان کرد ، بزرگ بدارید و باشد که شکر گزارید». و در آن روز ، دوازده تکبیر قرار داده شده است؛ چون در هر دو رکعت ، دوازده تکبیر است هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دوم قرار داده شده و آن دو ، یکسان نشده اند؛ چرا که مستحب است نماز واجب ، با هفت تکبیر آغاز شود. از این رو در این جا با هفت تکبیر آغاز شده است. و در رکعت دوم ، پنج تکبیر است؛ چرا که تکبیره الاحرام نمازها در شبانه روز ، پنج تکبیر است ، و برای این که تکبیرها در هر دو رکعت ، فردْ فردْ باشند. .

3 / 2مايَنبَغى قَبلَ الخُروجِ إلى الصَّلاهِأ الغُسل1973.عنه صلى الله عليه و آله :سنن ابن ماجه عن الفاكه بن سعد :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَغتَسِلُ يَومَ الفِطرِ ، ويَومَ النَّحرِ ، ويَومَ عَرَفَةَ . (1)1974.الإمام الصّادق عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ عَلِيّاً كانَ يَغتَسِلُ يَومَ الفِطرِ ، ويَومَ الأَضحى قَبلَ أن يَغدُوَ . (2)ب التَّزَيُّن1976.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :يَنبَغى لِمَن خَرَجَ إلَى العيدِ أن يَلبَسَ أحسَنَ ثِيابِهِ ، ويَتَطَيَّبَ بِأحسَنِ طيبِهِ . (3)ج الإفطار1978.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أرادَ أن يَخرُجَ إلَى المُصَلّى يَومَ الفِطرِ ، كانَ يُفطِرُ عَلى تَمَراتٍ أو زَبيباتٍ . (4)1979.عنه صلى الله عليه و آله :كتاب من لا يحضره الفقيه :كانَ عَلِيٌّ عليه السلام يأكُلُ يَومَ الفِطرِ قَبلَ أن يَغدُوَ إلَى المُصَلّى ، ولا يَأكُلُ يَومَ الأَضحى حَتّى يَذبَحَ . (5)1980.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن على بن محمّد النوفلى :قُلتُ لِأَبِى الحَسَنِ عليه السلام : إنّى أفطَرتُ يَومَ الفِطرِ

عَلى طينٍ 6 وتَمرٍ ،

فَقالَ لى : «جَمَعتَ بَرَكَةً وسُنَّةً» . (6) .

1- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 417 ح 1316 ، كنز العمّال : ج 7 ص 63 ح 17973 .
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : ج 3 ص 309 ح 5751 .
3- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 185 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 373 ح 27 .
4- .النوادر للراوندى : ص 187 ح 332 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 122 ح 11 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 508 ح 1464 .
6- .الكافى : ج 4 ص 170 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 174 ح 2056 وفيه «طين القبر» .

3 / 2 آنچه پیش از رفتن به سوی نماز ، سزاوار است

الف غسل

ب آراستگی

ج غذا خوردن

اشاره

3 / 2آنچه پیش از رفتن به سوی نماز ، سزاوار استالف غسل1975.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن ابن ماجه به نقل از فاکه بن سعد :پیامبر خدا روز عید فطر ، روز عید قربان و روز عرفه ، غسل می کرد.1976.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:علی علیه السلام روز عید فطر و روز عید قربان ، پیش از آن که بیرون برود ، غسل می کرد.ب آراستگی1978.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:کسی که برای نماز عید بیرون می رود ، سزاوار است بهترین جامه هایش را بپوشد و خود را با بهترین عطر ، خوش بو سازد.ج غذا خوردن1980.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا هر گاه می خواست در روز عید فطر به مصلاّ برود ، چند خرما یا کشمش می خورد.1981.عنه صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه :علی علیه السلام روز عید فطر ، پیش از آن که به مصلاّ برود ، چیزی می خوْرد و روز عید قربان ، چیزی نمی خوْرد تا آن که قربانی کند.1982.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن محمّد نوفلی :به امام هادی علیه السلام گفتم: من روز عید

فطر با انجیر و خرما افطار کردم .

به من فرمود: «برکت و استحباب را با هم جمع کرده ای !».

.

نکتهالسیّد ابن طاووس قدس سره : أقول : ولیکن نیّته فی إفطاره یوم العید امتثال أمر اللّه جلّ جلاله المجید فیکون فی عباده وسعاده فی إطعامه کماکان فی صیامه . (1)

د إخراجُ الزَّکاهِ1986.قصص الأنبیاء عن عمّار :کتاب من لا یحضره الفقیه :سُئِلَ الصّادِقُ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکّی » .

قالَ : «مَن أخرَجَ الفِطرَهَ» ، فَقیلَ لَهُ : «وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی» .

قالَ : «خَرَجَ إلَی الجَبّانَهِ فَصَلّی» . (2)1981.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ مِن تَمامِ الصَّومِ إعطاءُ الزَّکاهِ یَعنِی الفِطرَهَ کَما أنَّ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علَیه و آله مِن تَمامِ الصَّلاهِ ؛ لِأَنَّهُ مَن صامَ ولَم یُؤَدِّ الزَّکاهَ فَلا صَومَ لَهُ إذا تَرَکَها مُتَعَمِّدا ، ولا صَلاهَ لَهُ إذا تَرَکَ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ، إنَّ اللّهَ عز و جل قَد بَدَأَ بِها قَبلَ الصَّلاهِ ، قالَ : «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکّی * وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی» . (3)1982.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :مَن أدّی زَکاهَ الفِطرَهِ تَمَّمَ اللّهُ بِها ما نَقَصَ مِن زَکاهِ مالِهِ . (4) .

1- .الإقبال : ج 1 ص 478 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 1 ص 510 ح 1474 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 348 .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 183 ح 2085 .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : ج 2 ص 183 ح 2084 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 105 ح 9 .

نکته

ه پرداخت زکات

نکتهسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: باید نیّت روزه دار در خوردن روز عید ، فرمان بُرداری از امر خداوند متعال باشد تا در خوردن خود نیز ، مثل روزه گرفتنش ، در حال عبادت و سعادت باشد.

ه پرداخت زکات1986.قصص الأنبیاء (به نقل از عمّار) کتاب من لایحضره الفقیه:از امام صادق علیه السلام درباره آیه : « رستگار شد کسی که زکات داد» پرسیدند.

فرمود: «کسی که فطریه را بپردازد» .

گفتند: « و نام پروردگارش را یاد کرد ، پس نماز خواند»؟

فرمود: «[کسی که] به صحرا رفت ، پس نماز خواند».1987.قصص الانبیاء عن جابرِ بنِ عبد اللّه ِ :امام صادق علیه السلام:از کمال روزه ، پرداخت زکات (یعنی فطریه) است ، همان گونه که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آلهاز کمال نماز است؛ چرا که هر کس روزه بدارد ، امّا زکات نپردازد ، اگر به عمد ترک کرده باشد ، برای او روزه ای نیست ، و نیز کسی که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کند ، نمازی برای او نیست. خدای متعال ، پیش از نماز ، زکات را گفته است؛ فرموده است: « رستگار شد کسی که زکات داد * و نام پروردگارش را یاد کرد ، و نماز خواند» .1988.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:هر کس زکات فطره بپردازد ، خداوند به سبب آن ، آنچه را از زکات مالش کاسته است ، کامل می سازد.

.

1989.عنه صلى الله عليه و آله :التوحيد عن أبان وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن خَتَمَ صِيامَهُ بِقَولٍ صالِحٍ أو عَمَلٍ صالِحٍ تَقَبَّلَ اللّهُ مِنهُ صِيامَهُ» . فَقيلَ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، مَا القَولُ الصّالِحُ؟

قالَ : «شَهادَهُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وَالعَمَلُ الصّالِحُ إخراجُ الفِطرَهِ» . (1)3 / 3ما يَنبَغى فِى الخُروجِ إلَى الصَّلاهِأ الخُروجُ بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِ1989.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِ . (2)ب الدُّعاءُ عِندَ الخُروجِ1991.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :اُدعُ فِى العيدَينِ ويَومِ الجُمُعَهِ ، إذا تَهَيَّأتَ لِلخُروجِ بِهذَا الدُّعاءِ :

اللّهُمَّ مَن تَهَيَّأَ وتَعَبَّأَ وأعَدَّ وَاستَعَدَّ لِوِفادَهٍ إلى مَخلوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وطَلَبَ نائِلِهِ وجَوائِزِهِ وفَواضِلِهِ ونَوافِلِهِ ، فَإلَيكَ يا سَيِّدى وِفادَتى وتَهيِئَتى وتَعبِئَتى وإعدادى وَاستِعدادى رَجاءَ رِفدِكَ وجَوائِزِكَ ونَوافِلِكَ ، فَلا تُخَيِّبِ اليَومَ رَجائى ، يا مَن لا يَخيبُ عَلَيهِ سائِلٌ ولا يَنقُصُهُ نائِلٌ ، فَإنّى لَم آتِكَ اليَومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمتُهُ ولا شَفاعَهِ مَخلوقٍ رَجَوتُهُ ، ولكِن أتَيتُكَ مُقِرّا بِالظُّلمِ وَالإساءَهِ ، لا حُجَّهَ لى ولا عُذرَ ، فَأسأَلُكَ يا رَبِّ ، أن تُعطِيَنى مَسأَلَتى وتَقلِبَنى بِرَغبَتى ، ولا تَرُدَّنى مَجبوها ولا خائِبا ، يا عَظيمُ يا عَظيمُ يا عَظيمُ ، أرجوكَ لِلعَظيمِ ، أسأَلُكَ يا عَظيمُ أن تَغفِرَ لِىَ العَظيمَ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنى خَيرَ هذَا اليَومِ الَّذى شَرَّفتَهُ وعَظَّمتَهُ ، وتَغسِلُنى فيهِ مِن جَميعِ ذُنوبى وخَطاياىَ ، وزِدنى مِن فَضلِكَ إنَّكَ أنتَ الوَهّابُ . (3) .

1- .التوحيد : ص 22 ح 16 ، معانى الأخبار : ص 236 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 313 ح 8 .
2- .الإقبال : ج 1 ص 478 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 371 ح 23 .
3- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 142 ح 316 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 19 ح 5 .

3 / 3 آنچه هنگام رفتن به سوی نماز ، سزاوار است

اشاره

الف رفتن پس از طلوع آفتاب

ب دعا هنگام بیرون رفتن

1991.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :التوحید به نقل از اَبان و دیگری :امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس روزه داریِ خود را با سخن شایسته یا کار شایسته به پایان برساند ، خداوندْ روزه او را قبول می کند».

گفتند: ای پسر پیامبر خدا! سخن شایسته چیست؟

فرمود: «شهادت دادن به این که جز خداوند ، معبودی نیست؛ و کار شایسته ، پرداخت زکات فطره است».3 / 3آنچه هنگام رفتن به سوی نماز ، سزاوار استالف رفتن پس از طلوع آفتاب1995.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا ، پس از طلوع خورشید ، بیرون می رفت.ب دعا هنگام بیرون رفتن1992.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:روز عید فطر و عید قربان و روز جمعه ، چون آماده بیرون رفتن شدی ، این دعا را بخوان:

«خداوندا! هر کس که آماده و مهیّا شود و به امید عطا و بخشش و جایزه و احسانِ آفریده ای ، سازِ و برگ رفتن به حضور او فراهم سازد ، پس ای سرور من باریابی و آمادگی و تهیّه ساز و برگ و آماده شدنِ من ، به درگاه توست و به امید بخشش و جایزه ها و احسان های تو. پس امروز ناامیدم مکن! ای آن که هیچ نیازمندی از درگاهش محروم نمی شود و هیچ برخورداری ، از او نمی کاهد! من امروز کار شایسته ای به درگاهت نیاورده ام و به شفاعت آفریده ای هم امید نبسته ام؛ لیکن با اعتراف به ستم و بدی ، به درگاهت آمده ام. نه دلیلی دارم و نه عذری.

پروردگارا! از تو می خواهم که خواسته ام را بدهی و مرا با درخواستی برآورده برگردانی و مرا ناامید و بی بهره بر نگردانی! ای بزرگ ، ای بزرگ ، ای بزرگ! برای خواسته بزرگ به تو امیدوارم. ای بزرگ! از تو می خواهم که گناه بزرگ مرا ببخشایی. معبودی جز تو نیست.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نیکیِ امروز را که شرافت و عظمتش بخشیده ای ، روزی ام کن و در این روز ، مرا از همه گناهان و لغزش هایم بشوی و از احسان خود بر من بیفزای! همانا تویی تو بسیار بخشنده».

.

1993.علل الشرائع (به نقل از عبد اللّه بن يزيد بن سلّام) عنه عليه السلام :اُدعُ فِى الجُمُعَهِ وَالعيدَينِ ، إذا تَهَيَّأتَ لَلخُروجِ فَقُل :

اللّهُمَّ مَن تَهَيَّأَ فى هذَا اليَوم أو تَعَبَّأَ أو أعَدَّ وَاستَعَدَّ لِوِفادَهٍ إلى مَخلوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وجائِزَتِهِ ونَوافِلِهِ ، فَإِلَيکَ يا سَيِّدى كانَت وِفادَتى وتَهيِئَتى وإعدادى وَاستِعدادى ، رَجاءَ رِفدِکَ وجَوائِزِکَ ونَوافِلِکَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وخِيَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وعَلى أميرِ المُؤمِنينَ ووَصِىِّ رَسولِکَ ، وصَلِّ يا رَبِّ عَلى أئِمَّهِ المُؤمِنينَ : الحَسَنِ وَالحُسَينِ وعَلِىٍّ ومُحَمَّدٍ . وتُسَمّيهِم إلى آخِرِهِم حَتّى تَنتَهِىَ إلى صاحِبِکَ عليه السلام (1) وقُل :

اللّهُمَّ افتَح لَهُ فَتحا يَسيرا وَانصُرهُ نَصرا عَزيزا ، اللّهُمَّ أظهِر بِهِ دينَکَ وسُنَّهَ رَسولِکَ حَتّى لا يَستَخفِىَ بِشَىءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ .

اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إلَيکَ فى دَولَهٍ كَريمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وأهلَهُ ، وتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وأهلَهُ ، وتَجعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاهِ إلى طاعَتِکَ وَالقادَهِ إلى سَبيلِکَ ، وتَرزُقُنا بِها كَرامَهَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، اللّهُمَّ ما أنكَرنا مِن حَقٍّ فَعَرِّفناهُ وما قَصُرنا عَنهُ فَبَلِّغناهُ .

وتَدعُو اللّهَ لَهُ وعَلى عَدُوِّهِ ، وتَسأَلُ حاجَتَکَ ويَكونُ آخِرُ كَلامِکَ :

اللّهُمَّ استَجِب لَنا ، اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن تَذَكَّرَ فَيُذَكَّرُ . (2)1994.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام لَمّا خَرَجَ إلى صَلاهِ العيدِ ، وَقَفَ عَلَى البابِ وَقفَهً ، ثُمَّ قالَ :اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ (اللّهُ أكبَرُ) عَلى ما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِن بَهيمَهِ الأنعامِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى ما أبلانا نَرفَعُ بِها أصواتَنا . (3) .

1- .فى نسخه : «صاحب الزمان» .
2- .الإقبال : ج 1 ص 476 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 6 ح 2 .
3- .الكافى : ج 1 ص 489 ح 7 .

1995.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:روز جمعه و روز عید فطر و عید قربان ، چون خواستی خارج شوی ، دعا کن و بگو:

«خداوندا! هر کس امروز مهیّا و آماده شود و ساز و برگ ورود به بارگاه مخلوقی فراهم سازد تا از بخشش و جایزه و احسان او برخوردار شود ، سرور من بار یافتن و آماده شدن و فراهم ساختن ساز و برگ از سوی من ، به درگاه توست ، به امید بخشش و جوایز و احسان های تو.

خداوندا! درود فرست بر محمّد ، بنده و فرستاده ات و برگزیده تو از میان آفریدگانت و بر امیر مؤمنان ، جانشین پیامبرت؛ و پروردگارا بر پیشوایان مؤمنان درود فرست، بر حسن و حسین و علی و محمّد...» و آنان را تا آخرشان نام می بری تا به امام زمانت برسی. و بگو:

«خداوندا! برای او فتحی آسان فراهم آور و او را با نصرتی نیرومند ، یاری کن. خداوندا! با او دین خود و سنّت پیامبرت را آشکار کن تا چیزی از حق را از بیم احدی از مردم ، پنهان ندارد!

خداوندا! از درگاه تو ، دولت کریمه ای را امید می بَریم که با آن ، اسلام و مسلمانان را عزّت می بخشی و با آن ، نفاق و منافقان را خوار می سازی و در آن ، ما را از دعوتگران به طاعت خود و راهنمایان به راه خود قرار می دهی و با آن به ما کرامت دنیا و آخرت را روزی می کنی.

خداوندا! آنچه را از حق نشناختیم ، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم ، به ما برسان!».

و خدا را می خوانی برای او و بر ضدّ دشمن او و حاجت خود را می طلبی و پایان کلامت چنین باشد:

«خداوندا! دعایمان را اجابت کن. خداوندا! ما را از آنانی قرار بده که یاد کردند ، پس یاد شدند».1996.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام آن گاه که در هنگام بیرون رفتن برای نماز عید ، لحظه ای بر

آستانه در ایستاد :اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر بر آن که هدایتمان کرد. اللّه أکبر بر آن که ما را از چارپایان ، روزی داد. خدا را

سپاس بر آن که ما را آزمود. صداهایمان را به این ذکر بلند می کنیم. .

ج رَفعُ الصَّوتِ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ1998.عنه صلى الله عليه و آله :شعب الإيمان عن ابن عمر :كانَ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ فِي العيدَينِ رافِعا صَوتَهُ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ . (1)1999.عنه صلى الله عليه و آله (لأبي ذرّ) منتهى المطلب :رُوِيَ عَن عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ خَرَجَ يَومَ العيدِ ، فَلَم يَزَل يُكَبِّرُ حَتَّى انتَهى إلَى الجَبّانَهِ . (2)د المَشى1998.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :مِنَ السُّنَّهِ أن تَخرُجَ إلَى العيدِ ماشِيا ، وأن تَأكُلَ شَيئا قَبلَ أن تَخرُجَ . (3)1999.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (به ابو ذر) سنن ابن ماجه عن ابن عمر :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ إلَى العيدِ ماشِيا ، ويَرجِعُ ماشِيا . (4)ه الرُّجوعُ مِن غَيرِ طَريقِ الذَّهابِ2001.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :عَن أبى مُحَمَّدٍ هارونَ بنِ موسَى التَّلَّعُكبَرِيِّ رضى الله عنه ، بِإسنادِهِ إلى عَلىِّ بنِ مُوسَى بنِ جَعفرِ بنِ مُحمَّدٍ عليهم السلام قالَ : قُلتُ لَهُ : يا سَيِّدى إنّا نَروى عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آلهإنَّهُ كانَ إذا أخَذَ فى طَريقٍ لَم يَرجِع فيهِ ، وأخَذَ فى غَيرِهِ؟

فَقالَ : «هكَذا كانَ نَبِيُّ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَفعَلُ ، وهكَذا أفعَلُ أنَا ، وهكَذا كانَ أبى عليه السلاميَفعَلُ ، وهكَذا فَافعَل ، فَإِنَّهُ أرزَقُ لَكَ ، وكانَ نَبِيُّ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : هذا أرزَقُ لِلعِبادِ» . (5) .

1- .شُعب الإيمان : ج 3 ص 342 ح 3714 ؛ نهايه العلاّمه : ص 66 نحوه .
2- .منتهى المطلب : ج 1 ص 348 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 118 ح 6 .
3- .سنن الترمذى : ج 2 ص 410 ح 530 ، كنز العمّال : ج 8 ص 638 ح 24507 .
4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 411 ح 1295 و ح 1294 ، كنز العمّال : ج 7 ص 88 ح 18099 .
5- .الإقبال : ج 1 ص 483 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 372 ح 25 .

ج بلند گفتن تهلیل و تکبیر

د پیاده رفتن

ه بازگشت از راه دیگر

ج بلند گفتن تهلیل و تکبیر2003.الدرّ المنثور عن أبی اُمامه الباهِلی :شعب الإیمان به نقل از ابن عمر :پیامبر صلی الله علیه و آله در روز عید فطر و عید قربان بیرون می آمد ، در حالی که صدایش را به تهلیل و تکبیر ، بلند می کرد.2000.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منتهی المطلب:روایت شده است که علی علیه السلام روز عید بیرون آمد. پیوسته تکبیر گفت تا آن که به محلّ برگزاری نماز در بیرون شهر [کوفه] رسید.د پیاده رفتن2002.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:مستحب است برای نماز عید ، پیاده بیرون بروی و پیش از بیرون آمدن ، چیزی بخوری.2003.الدرّ المنثور (به نقل از ابو اُمامه باهلی) سنن ابن ماجه به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا برای نماز عید ، پیاده بیرون می رفت و پیاده برمی گشت.ه بازگشت از راه دیگر2005.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از ابو محمّد هارون بن موسی تَلَّعُکْبَری ، با سندش به امام رضا علیه السلام :به امام علیه السلام عرض کردم: سرورم! ما روایت می کنیم که پیامبر صلی الله علیه و آلهوقتی از راهی می رفت ، از همان راه برنمی گشت؛ بلکه از راه دیگری می آمد.

فرمود: «پیامبر خدا چنین می کرد. من نیز چنین می کنم. پدرم علیه السلام نیز چنین می کرد. تو نیز چنین کن که برایت روزی آورتر است. پیامبر خدا می فرمود: این ، برای بندگان ، روزی آورتر است ».

.

3 / 4صَلاهُ العيدِ3 / 4 1فَضلُها2007.عنه صلى الله عليه و آله :تاريخ دمشق عن جابر :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لا يَكادُ يَدَعُ أحَدا مِن أهلِهِ يَومَ عيدٍ إلاّ أخرَجَهُ . (1)2008.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تعالى يَطَّلِعُ فِي العيدَينِ إلَى الأَرضِ ، فَابرُزوا مِنَ المَنازِلِ تَلحَقكُمُ الرَّحمَهُ . (2)3 / 4 2آدابُهاأ الصَّلاهُ فِى الصَّحراءِ أو مَكانٍ بارِزٍ2009.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :قيلَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَومَ فِطرٍ أو يَومَ أضحى : لَو صَلَّيتَ فى مَسجِدِكَ .

فَقالَ : «إنّى لاُحِبُّ أن أبرُزَ إلى آفاقِ السَّماءِ» . (3) .

1- .تاريخ دمشق : ج 43 ص 4 ح 9068 ، كنز العمّال : ج 7 ص 88 ح 18096 .
2- .تاريخ دمشق : ج 55 ص 161 ح 11650 ، كنز العمّال : ج 8 ص 548 ح 24104 .
3- .الكافى : ج 3 ص 460 ح 4 .

ص: 487

3 / 4 نماز عید

3 / 4 1 فضیلت نماز عید

3 / 4 2 آداب نماز عید

اشاره

الف نماز گزاردن در صحرا یا جای بدون سقف

3 / 4نماز عید3 / 4 1فضیلت نماز عید2010.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تاریخ دمشق به نقل از جابر :پیامبر خدا روز عید ، هیچ یک از خانواده اش را وا نمی نهاد ، مگر آن که او را بیرون می بُرد.2011.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند متعال در روز عید فطر و عید قربان ، به زمین با عنایت می نگرد. پس ، از خانه ها بیرون آیید تا رحمت به شما برسد.3 / 4 2آداب نماز عیدالف نماز گزاردن در صحرا یا جای بدون سقف2015.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:یک روز عید فطر یا عید قربان ، به پیامبر خدا گفتند: خوب بود در مسجدِ خود نماز می خواندی.

فرمود: «دوست دارم که به طرف آفاق آسمان بیرون آیم».

.

2016.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :لا يُصلّى فِى العيدَينِ فِى السَّقائِفِ ولا فِي البُيوتِ ؛ فَإِنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهكانَ يَخرُجُ فيها حَتّى يَبرُزَ لِأُفُقِ السَّماءِ ، ويَضَعُ جَبهَتَهُ عَلَى الأَرضِ . (1)2017.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :الخُروجُ إلَى الجَبّانِ فِى العيدَينِ مِنَ السُّنَّةِ . (2)ب الدُّعاءُ عِندَ القِيامِ إلى الصَّلاةِ2015.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا قُمتَ إلَى الصَّلاةِ فَاستَقبِلِ القِبلَةَ وكَبِّر وقُل :

اللّهُمَّ إنّى عَبدُكَ وابنُ عَبدَيكَ هارِبٌ مِنكَ إلَيكَ ، أتَيتُكَ وافِداً إلَيكَ تائِباً مِن ذُنوبى ، إلَيكَ زائِراً ، وحَقُّ الزّائِرِ عَلَى المَزورِ التُّحفَةُ ، فَاجعَل تُحفَتى مِنكَ وتُحفَتُكَ لى رِضاكَ وَالجَنَّةُ .

اللّهُمَّ إنَّكَ عَظَّمتَ حُرمَةَ شَهرِ رَمَضانَ ، ثُمَّ أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ ، أى رَبِّ وجَعَلتَ فيهِ لَيلَةً خَيراً مِن ألفِ شَهرٍ ، ثُمَّ مَنَنتَ عَلَىَّ بِصِيامِهِ وقِيامِهِ فيما مَنَنتَ عَلَىَّ فَتَمِّم عَلَىَّ مَنَّكَ ورَحمَتَكَ .

أى رَبِّ إنَّ لَكَ فيهِ عُتَقاءَ ، فَإِن كُنتَ مِمَّن أعتَقتَنى فيهِ فَتَمِّم عَلَىَّ ولا تَرُدَّنى فى ذَنبٍ ما أبقَيتَنى ، وإن لَم تَكُن فَعَلتَ يا رَبِّ لِضَعفِ عَمَلٍ أو لِعِظَمِ ذَنبٍ فَبِكَرَمِكَ وفَضلِكَ ورَحمَتِكَ ، وكِتابِكَ الَّذى أنزَلتَ فى شَهرِ رَمَضانَ لَيلَةَ القَدرِ وما أنزَلتَ فيها ، وحُرمَةِ مَنِ عَظَّمتَ فيها وبِمُحَمَّدٍ وعَلِيٍّ عَلَيهِما سَلامُكَ وصَلَواتُكَ وبِكَ يا أللّهُ أتَوَجَّهُ إلَيكَ بِمُحَمَّدٍ وبِمَن بَعدَهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، أتَوَجَّهُ بِكُم إلَى اللّهِ ، يا أللّهُ أعتِقنى فيمَن أعتَقتَ السّاعَةَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله . (3) .

1- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 185 ، بحارالأنوار : ج 90 ص 374 ح 27 .
2- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 224 ح 4040 ، كنزالعمّال : ج 8 ص 644 ح 24543 .
3- .الإقبال : ج 1 ص 494 ، بحارالأنوار : ج 91 ص 20 ح 6 .

ب دعا هنگام ایستادن برای نماز

2016.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در عید فطر و عید قربان ، نماز ، زیر سایه بان ها و در خانه ها خوانده نمی شود؛ چرا که پیامبر خدا در آن روزها بیرون می رفت تا برابر افق های آسمان قرار بگیرد ، و پیشانی اش را بر زمین می گذاشت.2017.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:بیرون رفتن به صحرا در روز عید فطر و عید قربان ، مستحب است.ب دعا هنگام ایستادن برای نماز2019.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه به نماز ایستادی ، رو به قبله کن ، تکبیر بگو و چنین بگو:

«پروردگارا ! من بنده تو و فرزند دو بنده تو ام؛ از تو گریزان به درگاه تو ام. به درگاهت روی آورده ام و از گناهانم توبه کار. زائر تو ام و حقّ زائر بر زیارت شده ، هدیه است. پس ، هدیه مرا از سوی خود خشنودی ات و بهشت قرار بده !

خداوندا ! تو احترام ماه رمضان را بزرگ داشته و در آن قرآن را نازل کرده ای و پروردگارا در آن ، شبی قرار داده ای که بهتر از هزار ماه است. سپس روزه داری و عبادت آن را بر من منّت نهاده ای ، در آنچه بر من منّت نهاده ای. پس ، نعمت و رحمت خویش را بر من کامل کن !

پروردگارا ! تو را در این ماه ، آزادشدگانی است. پس اگر من از آنانم که در این ماه ، آزادم کرده ای ، آن را بر من تمام کن و تا زنده ام داشته ای ، مرا به گناه باز نگردان ، و اگر پروردگارا چنان نکرده ای ، به سبب سستی عمل یا بزرگی گناه ، پس به بزرگواری و فضل و رحمتت ، به کتابی که در ماه رمضان در شب قدر نازل کرده ای و به آنچه در آن فرو فرستاده ای و به حرمت آن که در این ماه ، او را بزرگ داشته ای و به محمّد و علی که سلام و درود تو بر آن دو باد و به خودت ای خداوند ، به حقّ محمّد و به حقّ آنان که پس از اویند که درود خدا بر او و آنان باد که به سبب شما روی به درگاه خدا می کنم ، خداوندا به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله ، هم اکنون ، مرا در زمره آزادشدگانت آزاد کن !» .

.

3 / 4 3كَيفِيَّتُها2022.الطبقات الكبرى عن ابن عبّاس :مصباح المتهجّد :صِفَةُ صَلاهِ العيدِ أن يَقومَ مُستَقبِلَ القِبلَهِ فَيَستَفتِحُ الصَّلاهُ ، يَتَوَجَّهُ فِيها ، ويُكَبِّرُ تَكبيرَهَ الاِستِفتاحِ فَإِذا تَوَجَّهَ قَرَأَ «الحَمدَ» ، و «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَى » ثُمَّ يَرفَعُ يَدَهُ بِالتَّكبيرِ فَإِذَا كَبَّرَ قالَ :

اللّهُمَّ أهلَ الكِبرياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَهِ ، وأهلَ التَّقوى وَالمَغفِرَهِ ، أسأَلُکَ بِحَقِّ هذَا اليَومِ الَّذي جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً ، ولِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزيداً أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُدخِلَنى فى كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأن تُخرِجَنى مِن كُلِّ سُوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وعَلَيهِم . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحونَ ، وأعوذُ بِکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ الصّالِحونَ .

ثُمَّ يُكَبِّرُ ثالِثَهً ورابِعَهً وخامِسَهً وسادِسَهً مِثلَ ذلِکَ ، يَفصِلُ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ بِما ذَكَرناهُ مِنَ الدُّعاءِ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ السّابِعَهَ ويَركَعُ بِها ، فَإِذا صَلّى هذِهِ الرَّكعَهَ قامَ إلَى الثّانِيَهِ فَإِذَا استَوى قائِماً قَرَأَ «الحَمدَ» ، وسورَهَ «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا » ، ثُمَّ يُكَبِّرُ تَكبيرَهً ويَقولُ بَعدَهَا الدُّعاءَ الَّذى قَدَّمناهُ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ثانِيَهً وثالِثَهً ورابِعَهً مِثلَ ذلِکَ ، فَإِذا فَرَغَ مِنَ الدُّعاءِ كَبَّرَ الخامِسَهَ ورَكَعَ بَعدَها فَيَحصُلُ لَهُ فِى الرَّكعَتَينِ اثنَتا عَشرَهَ تَكبيرَهً ، سَبعٌ فِى الاُولى ، وخَمسٌ فِى الثّانِيَهِ ، مِنها تَكبيرَهُ الاِفتِتاحِ فِى الاُولى ، وتَكبيرَهُ الرُّكوعِ فِى الرَّكعَتَينِ .

فَإِذا سَلَّمَ عَقَّبَ بِتَسبيحِ الزَّهراءِ عليهاالسلام وما خَفَّ عَلَيهِ مِنَ الدُّعاءِ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 654 ، بحارالأنوار : ج 90 ص 379 ح 29 .

3 / 4 3چگونگی نماز عید2020.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد :چگونگی نماز عید ، آن است که [نمازگزار ،] رو به قبله بایستد و نماز را آغاز کند و در آن ، توجّه و حضور قلب داشته باشد. تکبیر آغاز نماز را بگوید و چون توجّه یافت ، سوره «حمد» و « سبّح اسم ربّک الأعلی » را بخواند. سپس دست خود را به تکبیرْ بلند کند و چون تکبیر گفت ، بگوید:

«خداوندا! ای اهل بزرگی و عظمت و ای اهل بخشندگی و قدرت و ای اهل بخشایش و رحمت و ای اهل تقوا و آمرزش! به حقّ این روز ، که آن را برای مسلمانان ، عید و برای محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد مایه ذخیره و افزایش قرار داده ای ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را وارد آن کردی ، وارد کنی و از هر بدی که محمّد و خاندان محمّد را از آن بیرون آوردی ، بیرون آوری و درود تو بر او و بر آنان باد .

خداوندا! از تو بهترین چیزی را که بندگان شایسته ات از تو خواسته اند ، می خواهم؛ و از هر چه بندگان شایسته ات از آن به تو پناه آورده اند ، به تو پناه می آورم».

سپس تکبیر سوم ، چهارم ، پنجم و ششم را همان گونه می گوید و میان هر دو تکبیر ، دعایی را که یاد کردیم ، می خواند. سپس تکبیر هفتم را گفته ، به رکوع می رود. چون این رکعت را خواند ، به رکعت دوم می ایستد. پس چون ایستاد ، «حمد» و سوره « و الشّمس وضُحیها » را می خواند. سپس یک تکبیر گفته ، پس از آن ، دعای یادشده را می خواند. سپس تکبیر دوم ، سوم و چهارم را همان گونه می گوید.

چون از دعا فارغ شد ، تکبیر پنجم را گفته ، پس از آن به رکوع می رود. پس ، در دو رکعت ، برای او دوازده تکبیر ، فراهم می آید: هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دوم. یکی از آنها ، تکبیر آغاز در رکعت اوّل است و دو تا هم تکبیر رکوع در دو رکعت.

پس چون سلام گفت ، تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام را در تعقیب آن می خواند و نیز هر دعایی که برایش سبُک باشد.

2021.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :تَقولُ بَینَ کُلِّ تَکبیرَتَینِ فی صَلاهِ العیدَینِ :

اللّهُمَّ أهلَ الکِبریاءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَهِ وأهلَ التَّقوی وَالمَغفِرَهِ ، أسأَلُکَ فی هذَا الیَومِ الَّذی جَعَلتَهُ لِلمُسلِمینَ عیداً ، ولِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزیداً ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ کَأفضَلِ ما صَلَّیتَ عَلی عَبدٍ مِن عِبادِکَ ، وصَلِّ عَلی مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ ورُسُلِکَ ، وَاغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمینَ وَالمُسلِماتِ الأحیاءِ مِنهُم وَالأمواتِ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ مِن خَیرِ ما سَأَلَکَ عِبادُکَ المُرسَلونَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عاذَ بِکَ مِنهُ عِبادُکَ المُرسَلونَ . (1)2022.الطبقات الکبری: (به نقل از ابن عباس) عنه علیه السلام :تَقولُ فی دُعاءِ العیدَینِ بَینَ کُلِّ تَکبیرَتَینِ :

اللّهُ رَبّی أبَداً ، وَالإسلامُ دینی أبَداً ، ومُحَمَّدٌ نَبِیّی أبَداً ، وَالقُرآنُ کِتابی أبَداً ، وَالکَعبَهُ قِبلَتی أبَداً ، وعَلِیٌّ وَلِیّی أبَداً ، وَالأوصِیاءُ أئِمَّتی أبَداً وتُسَمّیهم إلی آخِرِهِم ولا أحَدَ إلاّ اللّهُ . (2)3 / 5خُطبَهُ أمیرِالمُؤمِنینَ یَومَ الفِطرِ2024.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد عن جندب بن عبد اللّه الأزدی عن أبیه :إنَّ عَلِیّاً علیه السلام کانَ یَخطُبُ یَومَ الفِطرِ ، فَیَقولُ :

«الحَمدُ للّهِ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرضَ ، وجَعَلَ الظُّلُماتِ وَالنّورَ ، ثُمَّ الَّذین کَفَروا بِرَبِّهِم یَعدِلونَ ، لا نُشرِکُ بِاللّهِ شَیئاً ، ولا نَتَّخِذُ مِن دونِهِ وَلِیّاً ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی لَهُ ما فِی السَّماواتِ وما فِی الأَرضِ ، ولَهُ الحَمدُ فِی الآخِرَهِ وهُوَ الحَکیمُ الخَبیرُ ، یَعلَمُ ما یَلِجُ فِی الأَرضِ وما یَخرُجُ مِنها ، وما یَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما یَعرُجُ فیها وهُوَ الرَّحیمُ الغَفورُ ، کَذلِکَ رَبُّنا جَلَّ ثَناؤُهُ لا أمَدَ ولا غایَهَ ولا نِهایَهَ ولا إلهَ إلاّ هُوَ وإلَیهِ المَصیرُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذی یُمسِکُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَی الأَرضِ إلاّ بِإذنِهِ ، إنَّ اللّهَ بِالنّاسِ لَرَؤوفٌ رَحیمٌ .

اللّهُمَّ ارحَمنا بِرَحمَتِکَ ، وَاعصِمنا بِعافِیَتِکَ ، وَامدُدنا بِعِصمَتِکَ ، ولا تُخلِنا مِن رَحمَتِکَ إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحیمُ ، وَالحَمدُ للّهِ لا مَقنوطاً من رَحمَتِهِ ولا مَخلُوّاً مِن نِعمَتِهِ ، ولا مُؤیِساً مِن رَوحِهِ ، ولا مُستَنکِفاً عَن عِبادَتِهِ ، الَّذی بِکَلِمَتِهِ قامَتِ السَّماواتُ السَّبعُ ، وقَرَّتِ الأَرَضونَ السَّبعُ ، وثَبَتَتِ الجِبالُ الرَّواسی ، وجَرَتِ الرِّیاحُ اللَّواقِحُ ، وسارَ فی جَوِّ السَّماءِ السَّحابُ ، وقامَت عَلی حُدودِهَا البِحارُ ، فَتَبارَکَ اللّهُ رَبُّ العالَمینَ ، إلهٌ قاهِرٌ قادِرٌ ذَلَّ لَهُ المُتَعَزِّزونَ ، وتَضاءَلَ لَهُ المُتَکَبِّرونَ ، ودانَ طَوعاً وکَرهاً لَهُ العالَمونَ .

نَحمَدُهُ بِما حَمِدَ نَفسَهُ وكَما هُوَ أهلَهُ ، ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريکَ لَهُ ، يَعلَمُ ما تُخفِى الصُّدورُ ، وما تَجِنُّ البِحارُ ، وما تُوارِى الأَسرابُ ، وما تَغيضُ الأَرحامُ وما تَزدادُ ، وكُلُّ شَىءٍ عِندَهُ بِمِقدارٍ ، لا تَوارى مِنهُ ظُلُماتٌ ولا تَغيبُ عَنهُ غائِبَهٌ ، وما تَسقُطُ مِن وَرَقَهٍ إلاّ يَعلَمُها ، ولا حَبَّهٍ فى ظُلُماتِ الأَرضِ ، ولا رَطبٍ ولا يابِسٍ إلاّ فى كِتابٍ مُبينٍ ، ويَعلَمُ ما يَعمَلُ العامِلونَ وإلى أىِّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبونَ ، ونَستَهدِى اللّهَ بِالهُدى ، ونَعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَالرَّدى ، ونَشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ونَبِيُّهُ ورَسولُهُ إلَى النّاسِ كافَّهً ،

وأمينُهُ عَلى وَحيِهِ ، وأنَّهُ بَلَّغَ رِسالَهَ رَبِّهِ ، وجاهَدَ فِى اللّهِ المُدبِرينَ عَنهُ ، وعَبَدَهُ حَتّى أتاهُ اليَقينُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ .

أُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ الَّذى لا تَبرَحُ مِنهُ نِعمَهٌ ، ولا تُفقَدُ لَهُ رَحمَهٌ ، ولايَستَغنى عَنهُ العِبادُ ولا تَجزى أنعُمَهُ الأَعمالُ ، الَّذى رَغَّبَ فِى الآخِرَهِ ، وزَهَّدَ فِى الدُّنيا ، وحَذَّرَ المَعاصِىَ ، وتَعَزَّزَ بِالبَقاءِ ، وتَفَرَّدَ بِالعِزِّ وَالبَهاءِ ، وجَعَلَ المَوتَ غايَهَ المَخلوقينَ وسَبيلَ الماضينَ ، فَهُوَ مَعقودٌ بِنَواصِى الخَلقِ كُلِّهِم حَتمٌ فى رِقابِهِم ، لا يُعجِزُهُ لُحوقُ الهارِبِ ولا يَفوتُهُ ناءٍ ولا آئِبٌ ، يَهدِمُ كُلَّ لَذَّهٍ ، ويُزيلُ كُلَّ بَهجَهٍ ، ويَقشَعُ كُلَّ نِعمَهٍ .

عِبادَ اللّهِ ، إنَّ الدُّنيا دارٌ رَضِىَ اللّهُ لِأَهلِهَا الفَناءَ وقَدَّرَ عَلَيهِم بِهَا الجَلاءَ ، فَكُلُّ ما فيها نافِدٌ وكُلُّ مَن يَسلُكُها بائِدٌ ، وهِىَ مَعَ ذلِکَ حُلوَهٌ غَضِرَهٌ ، رائِقَهٌ نَضِرَهٌ ، قَد زُيِّنَت لِلطّالِبِ ، ولاطَت بِقَلبِ الرّاغِبِ ، يُطَيِّبُهَا الطّامِعُ، ويَجتَويهَا الوَجِلُ الخائِفُ ، فَارتَحِلوا رَحِمَكُمُ اللّهُ مِنها بِأَحسَنِ ما بِحَضرَتِكُم مِنَ الزّادِ ولا تَطلُبوا مِنها سِوَى البُلغَهَ ، وكونوا فيها كَسَفرٍ نَزَلوا مَنزِلاً فَتَمَتَّعوا مِنهُ بِأَدنى ظِلٍّ،ثُمَّ ارتَحَلوا لِشَأنِهِم،ولا تَمُدّوا أعيُنَكُم فيها إلى ما مَتَّعَ بِهِ المُترَفونَ، وأَضِرّوا فيها بِأَنفُسِكُم ؛ فَإِنَّ ذلِکَ أَخَفُّ لِلحِسابِ وأقرَبُ مِنَ النَّجاهِ.

ألا إنَّ الدُّنيا قَد تَنَكَّرَت وأدبَرَت وآذَنَت بِوَداعٍ ، ألا وإنَّ الآخِرَهَ قَد أقبَلَت وأشرَفَت ونادَت بِاطِّلاعٍ،ألا وإنَّ المِضمارَ اليَومُ وغَداً السِّباقُ ألا وإنَّ السُّبقَهَ الجَنَّهُ وَالغايَهَ النّارُ ، أفَلا تائِبٌ مِن خَطيئَتِهِ قَبلَ هُجومِ مَنِيَّتِهِ؟ أوَلا عامِلٌ لِنَفسِهِ قَبلَ يَومِ فَقرِهِ وبُؤسِهِ؟ جَعَلَنَا اللّهُ وإيّاكُم مِمَّن يَخافُهُ ويَرجو ثَوابَهُ .

ألا وإنَّ هذَا اليَومَ يَومٌ جَعَلَهُ اللّهُ عيداً وجَعَلَكُم لَهُ أهلاً ، فَاذكُرُوا اللّهَ يَذكُركُم ، وكَبِّروهُ وعَظِّموهُ وسَبِّحوهُ ومَجِّدوهُ ، وادعوهُ يَستَجِب لَكُم وَاستَغفِروهُ

يَغفِر لَكُم ، وتَضَرَّعوا وَابتَهِلوا وتوبوا وأنيبوا، وأدّوا فِطرَتَكُم ؛ فَإِنَّها سُنَّهُ نَبِيِّكُم وفَريضَهٌ واجِبَهٌ مِن رَبِّكُم ، فَليُخرجها كُلُّ امرىءٍ مِنكُم عَن نَفسِهِ وعَن

عِيالِهِ كُلِهِم ذَكَرِهِمَ وِاَنثاهُم ، صَغيرِهِمَ وكبيرِهِم ، َحُرِّهِم ومَملوكِهِم ، يُخرِجُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُم صاعاً مِن شَعيرٍ ، أو صاعاً مِن تَمرٍ ، أو نِصفَ صاعٍ من بُرٍّ من طيبِ كَسبِهِ ، طَيِّبَةً بِذلِكَ نَفسُهُ .

عِبادَ اللّهِ ، وتَعاوَنوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوى ، وتَراحَموا وتَعاطَفوا وأدّوا فَرائِضَ اللّهِ عَلَيكُم فيما أمَرَكُم بِهِ ، مِن إقامَهِ الصَّلَواتِ المَكتوباتِ ، وأداءِ الزَّكَواتِ ، وصِيامِ شَهرِ رَمَضانَ ، وحَجِّ البَيتِ ، وَالأمرِ بِالمَعروفِ وَالتَّناهى عَنِ المُنكَرِ ، وَالإحسانِ إلَى نِسائِكُم وما مَلَكَت أيمانُكُم ، وَاتَّقُوا اللّهَ فيما نَهاكُم عَنهُ ، وأطيعوهُ فِى اجتِنابِ قَذفِ المُحصَناتِ وإتيانِ الفَواحِشِ ، وشُربِ الخَمرِ ، وبَخسِ المِكيالِ ونَقصِ الميزانِ ، وشَهادَهِ الزّورِ ، وَالفِرارِ مِنَ الزَّحفِ ، عَصَمَنَا اللّهُ وإيّاكُم بِالتَّقوى وجَعَلَ الآخِرَهَ خَيراً لَنا ولَكُم مِن هذِهِ الدُّنيا ، إنَّ أحسَنَ الحَديثِ وأبلَغَ المَوعِظَهِ كَلامُ اللّهِ تعالى ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إلى آخِرِها » .

ثُمَّ جَلَسَ وقامَ ، فقالَ :

«الحَمدُ للّهِ نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَستَهديهِ ونُؤمِنُ بِهِ ونَتَوَكَّلُ عَلَيهِ ، ونَعوذُ بِاللّهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا ، مَن يَهدِ اللّهُ فَهُوَ المُهتَدى ومَن يُضلِل فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيّاً مُرشِداً ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ» .

وذَكَرَ باقِىَ الخُطبَهِ الصَّغيرَهِ فى يَومِ الجُمُعَهِ . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 139 ح 314 وح 315 عن الإمام الباقر عليه السلامقال : «كان أميرالمؤمنين عليه السلامإذا كبّر فى العيدين قال بين كلّ تكبيرتين : أشهد أن لا إلهُ إلاّ اللّه وحده لاشريک له وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله ، اللّهمّ أهل الكبرياء ...» ، بحارالأنوار : ج 90 ص 380 ح 30 .

2- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 286 ح 856 .

3- .مصباح المتهجّد : ص 659 ص 728 ، بحارالأنوار : ج 91 ص 29 ح 5 .

2025.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:میان هر دو تکبیر در نماز عید فطر و عید قربان ، می گویی:

«خداوندا ! ای اهل بزرگی و قدرت ، ای اهل بخشندگی و قدرت ، ای اهل بخشایش و رحمت ، ای اهل تقوا و آمرزش ! در این روز ، که آن را برای مسلمانان ، عید ، و برای محمّد صلی الله علیه و آله مایه ذخیره و افزایش قرار داده ای ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ، همچون برترین درودی که بر بنده ای از بندگانت فرستاده ای ؛ و بر فرشتگان مقرّب و فرستادگانت ، درود فرست و زنان و مردان مؤمن و مسلمان را ، زندگان و درگذشتگانشان را بیامرز !

خداوندا ! از تو بهترین آنچه را بندگان فرستاده ات خواسته اند، می خواهم و از بدی هر چه بندگان فرستاده ات از آن به تو پناه برده اند، به درگاهت پناه می آورم».2024.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در دعای نماز عید فطر و عید قربان ، بین هر دو تکبیر می گویی:

«خداوند تا ابد ، پروردگار من است و اسلام ، برای همیشه دین من است و محمّد ، همیشه پیامبر من است و قرآن ، همواره کتاب من است و کعبه تا ابد ، قبله من است و علی تا ابد ، سرپرست من است و اوصیا تا ابد ، پیشوایان من اند» و یکایکِ آنان را تا آخر ، نام می بری «و جز خداوند ، یکتایی نیست».3 / 5خطبه امیر مؤمنان در روز عید فطر2027.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد به نقل از جندب بن عبد اللّه اَزدی ، از پدرش :علی علیه السلامروز عید فطر خطبه می خواند و می فرمود:

«ستایش ، خداوندی را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد. سپس آنان که به پروردگارشان کفر ورزیدند، از حق

روی گردان می شوند. چیزی را برای خداوند ، شریک قرار نمی دهیم و جز او ، سرپرستی نمی گیریم.

ستایش ، خداوندی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، برای اوست ، و نیز ستایش در آخرت ، از آنِ اوست و او حکیم آگاه است و آنچه را در زمین فرو می رود و آنچه را از آن برمی آید و آنچه را از آسمان فرود می آید و آنچه را در آن بالا می رود ، می داند و او مهربان آمرزنده است. چنین است پروردگار ما ، که ثنای او شکوهمند است. بی پایان و بی سرانجام و بی نهایت است و معبودی جز او نیست و سرانجام ، به سوی اوست.

ستایش ، خداوندی را که آسمان را نگه می دارد تا بر زمین نیفتد ، مگر به اذن او . همانا خداوند به مردم ، دلسوز و مهربان است. خداوندا! با رحمتت ما را بیامرز و عافیتت را برای ما فراگیر ساز و با نگهداری ات ما را یاری رسان و ما را از رحمتت دور مگردان! همانا تو آمرزنده مهربانی.

ستایش ، خداوندی راست که از رحمتش مأیوس نمی شوند و از نعمتش محروم نمی گردند و از رحمتش ناامید نمی شوند و از پرستش او روی برنمی تابند؛ آن که با کلمه اش ، آسمان های هفتگانه برپا شده و زمین های هفتگانه قرار یافته و کوه های بزرگ ، ثابت گشته و بادهای بارورکننده جاری شده و ابرها در فضای آسمان ، سِیر کرده و دریاها بر حدود آنها برپا شده است. پس ، خجسته است خداوند ، پروردگار جهانیان ، معبودی چیره و توانا که قدرت جویان ، در برابرش خوارند و متکبّران ، در مقابلش بی مقدارند و جهانیان ، خواهی نخواهی ، گردن به فرمان او نهاده اند.

او را می ستاییم به آنچه خودش را ستوده و آن گونه که شایسته اوست؛ و از او یاری می طلبیم و آمرزش می خواهیم ؛ و گواهی می دهیم که معبودی جز خداوند نیست ، [و] شریکی ندارد. آنچه را سینه ها پنهان می دارند و آنچه را دریاها می پوشانند و آنچه را لانه ها پنهان می کنند و آنچه را رَحِم ها می کاهند و می افزایند (زمان حمل) ، می داند و هر چیزی نزد او به اندازه است. نه تاریکی ها از او پنهان است و نه چیزی از علم او نهان. هیچ برگی نمی افتد ، مگر این که آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین نیست و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آن که در کتابی روشنگر است. ومی داند که عمل کنندگان

چه می کنند و به چه فرجامی برمی گردند.

از خداوند ، هدایت می طلبیم و از گم راهی و تباهی به او پناه می بریم و گواهی می دهیم که محمّد ، بنده و پیامبر و فرستاده او به سوی همه مردم

و امین وحی اوست . [گواهی می دهیم که] او رسالت پروردگارش را رساند و در راه خدا با روی گردانان از او ، نبرد کرد و او را پرستید ، تا آن که یقین (مرگ) ، او را فرا رسید. درود خداوند بر او و خاندانش!

شما را ای بندگان خدا به پروا کردن از خدایی سفارش می کنم که هیچ یک از نعمت های او زوال نمی پذیرد و هیچ یک از رحمت های او گُم نمی شود و بندگانْ از او بی نیاز نمی شوند و عمل ها پاداش نعمت های او نمی گردند؛ آن که به آخرت تشویق کرده و به دنیا بی علاقه ساخته و از نافرمانی ها برحذر داشته و با بقا ، عزّت یافته و با عزّت و شُکوه ، یکتا گشته و مرگ را فرجامِ آفریدگان و راهِ گذشتگان قرار داده است. پس ، مرگ بر پیشانی همه آفریده ها ثبت ، و بر گردنشان حتمی است. [مرگ ،] نه ناتوان از رسیدن به گریزنده است و نه هیچ دور و نزدیکی ، از چنگش می رود. هر لذّتی را در هم می ریزد و هر شادمانی ای را از بین می برد و هر نعمتی را می گیرد.

بندگان خدا! دنیا ، سرایی است که خداوند برای اهل آن ، فنا را پسندیده و کوچیدن از آن را بر ایشان حتمی ساخته است. هر چه در آن است ، پایان یافتنی است و هر که در پی آن است ، نابودشدنی. امّا با این همه ، دنیا شیرین و لذیذ و جذّاب و شاداب است؛ برای جوینده ، آراسته است و به دل مشتاق ، چسبیده؛ طمعکار ، آن را نیکو می شمارد و ترسانِ هراسان ، از آن گریزان است. رحمت خدا بر شما! از آن با بهترین توشه ای که نزد خود دارید ، بکوچید و جز مقداری که شما را به مقصد برساند ، بر نگیرید . در دنیا همچون مسافرانی باشید که در منزلگاهی فرود آمده و در اندک سایه ای آرمیده اند، سپس کوچیده و به راه خود رفته اند. چشم به آنچه ثروتمندانِ خوش گذارانْ از آن بهره مندند ، ندوزید و در دنیا به خودتان زیان برسانید ، که این ، حساب شما را سبک تر می کند و برای نجات شما ، نزدیک تر است.

هلا آگاه باشید که دنیا تغییر شکل داده و پشت کرده و در آستانه خدا حافظی قرار گرفته است . آگاه باشید که آخرت نزدیک شده و روی آورده و بانگ آشنایی سر داده است . بدانید که امروز روز مسابقه و فردا روز پیشی گرفتن است . گروِ این مسابقه بهشت و پایان آتش است . آیا توبه کننده ای از گناه وجود ندارد که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟ و یا عمل کننده ای که پیش از رسیدن روز تنگدستی و بدبختی اش عمل نماید؟ خداوند ، ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او بیم دارند و به امید پاداش اویند .

آگاه باشید که امروز ، روزی است که خداوندْ آن را عید قرار داده و شما را

شایسته آن ساخته است. پس ، خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند ، و او را بزرگ بشمارید و تسبیح و تمجید کنید و او را بخوانید تا پاسختان دهد ، و از او آمرزشی بخواهید تا شما را بیامرزد ، و در پیشگاه او ناله و نیایش و توبه کنید و به سوی او باز گردید و زکات فطره خود را بپردازید که سنّت پیامبرتان و فریضه واجب پروردگارتان است . هر کس[باید] زکات فطره را از سوی خود و همه خانواده اش (مرد یا زن ، کوچک یا بزرگ ، آزاد یا بنده) جدا کند ؛ برای هر نفر : یک صاع از جو ، یا یک صاع از خرما ، یا نیم صاع از گندم ، از درآمد پاک خود با رضامندی.

بندگانِ خدا ! یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری کنید و به یکدیگر مهربانی و عطوفت داشته باشید؛ واجبات الهی را در آنچه به شما فرمان داده است ، ادا کنید (همچون: برپا داشتن نمازهای واجب ، پرداختن زکات ها ، گرفتن روزه ماه رمضان ، حجّ خانه خدا ، امر به معروف و نهی از منکر ، نیکی کردن به زنان و کنیزانتان) و در آنچه شما را از آن باز داشته ، از خدا پروا کنید و در پرهیز از: دادن نسبت ناروا به زنان پاک دامن ، انجام دادن زشتی ها ، شرابخواری ، کم گذاشتن در پیمانه و کاستن از وزن ، ادای گواهی دروغ ، فرار از جنگ ، [در ترک همه اینها] ، از خدا فرمان بُرداری کنید.

خداوند ، ما و شما را با تقوا نگه دارد و آخرت را برای ما و شما بهتر از این دنیا قرار دهد! همانا بهترین سخن و رساترین پند ، سخن خدای متعال است: أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم ؛« بسم اللّه الرحمن الرحیم * قل هو اللّه أحد*...» تا آخر سوره ».

سپس نشست و برخاست و فرمود:

«خدا را سپاس. او را می ستاییم و از او یاری و آمرزش و هدایت می طلبیم. به او ایمان داریم و بر او تکیه می کنیم و از بدی های خودمان و بدی های کارهایمان ، به خداوند پناه می بریم. هر که را خدا هدایت کند ، هدایت یافته است و هر که را خدا گم راه کند ، هرگز برای او سرپرستِ هدایتگری نمی یابی. و گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست ، یکتای بی شریک است؛ و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست». او باقی خطبه کوتاه در روز جمعه را ذکر کرده است.

.

. .

ص: 495

. .

. .

ص: 497

. .

. .

ص: 499

. .

3 / 6دُعاءُ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ بَعدَ الصَّلاةِ2027.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا فَرَغَ مِن صَلاةِ العيدَينِ ، أو صَلاةِ الجُمُعَةِ استَقبَلَ القِبلَةَ وقالَ :

يا مَن يَرحَمُ مَن لا يَرحَمُهُ العِبادُ ، يا مَن يَقبَلُ مَن لا تَقبَلُهُ البِلادُ ، ويا مَن لا يَحتَقِرُ أهلَ الحاجَةِ إليهِ ، ويا مَن لايُخَيِّبُ المُلِحّينَ عَلَيهِ ، ويا مَن لايَجبَهُ بِالرَّدِّ أهلَ الدّالَّةِ عَلَيهِ ، يامَن يَجتَبى صَغيرَ ما يُتحَفُ بِهِ ويَشكُرُ يَسيرَ ما يُعمَلُ لَهُ ، ويا مَن يَشكُرُ عَلَى القَليلِ ويُجازى بِالجَزيلِ ، يا مَن يَدنو إلى مَن دَنا مِنهُ ، يا مَن يَدعو إلى نَفسِهِ مَن أدبَرَ عَنهُ ، ويا مَن لا يُغَيِّرُ النِّعمَةَ ولا يُبادِرُ بِالنِّقمَةِ ، ويا مَن يُثمِرُ الحَسَنَةَ حَتّى يُنَمِّيَها ، ويا مَن يَتَجاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتّى يُعَفِّيَهَا ، انصَرَفَتِ الآمالُ دونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالحاجاتِ ، وَامتَلَأَت بِفَيضِ جودِكَ أوعِيَةُ الطَّلِباتِ ، وتَفَسَّخَت دونَ بُلوغِ نَعتِكَ الصِّفاتُ .

فَلَكَ العُلُوُّ الأَعلى فَوقَ كُلِّ عالٍ ، وَالجَلالُ الأَمجَدُ فَوقَ كُلِّ جَلالٍ ، كُلُّ جَليلٍ عِندَكَ صَغيرٌ ، وكُلُّ شَريفٍ فى جَنبِ شَرَفِكَ حَقيرٌ .

خابَ الوافِدونَ عَلى غَيرِكَ ، وخَسِرَ المُتَعَرِّضونَ إلاّ لَكَ ، وضاعَ المُلِمّونَ إلاّ بِكَ ، وأجدَبَ المُنتَجِعونَ إلاّ مَنِ انتَجَعَ فَضلَكَ .

بابُكَ مَفتوحٌ لِلرّاغِبينَ ، وجودُكَ مُباحٌ لِلسّائِلينَ ، وإغاثَتُكَ قَريبَةٌ مِنَ المُستَغيثينَ ، لايَخيبُ مِنكَ الآمِلونَ ، ولايَيأسُ مِن عَطائِكَ المُتَعَرِّضونَ ، ولا يَشقى بِنِقمَتِكَ المُستَغفِرونَ ، رِزقُكَ مَبسوطٌ لِمَن عَصاكَ ، وحِلمُكَ مُعتَرِضٌ لِمَن ناواكَ .

عَادَتُكَ الإِحسانُ إلى المُسيئينَ ، وسُنَّتُكَ الإِبقاءُ عَلَى المُعتَدينَ حَتّى لَقَد

غَرَّتهُم أناتُكَ عَنِ النُّزوعِ ، وصَدَّهُم إمهالُكَ عَنِ الرُّجوعِ وإنَّما تَأَنَّيتَ بِهِم لِيَفيئوا إلى أمرِكَ ، وأمهَلتَهُم ثِقَةً بِدَوامِ مُلكِكَ ؛ فَمَن كانَ مِن أهلِ السَّعادَةِ خَتَمتَ لَهُ بِها ، ومَن كانَ مِن أهلِ الشَّقاوَةِ خَذَلتَهُ لَها ، كُلُّهم صائِرونَ إلى ظِلِّكَ ، وأُمورُهُم آئِلَةٌ إلى أمرِكَ ، لَم يَهِن عَلى طولِ مُدَّتِهِم سُلطانُكَ ، ولَم يَدحَض لِتَركِ مُعاجَلَتِهِم بُرهانُكَ .

حُجَّتُكَ قائِمَةٌ لا تَحولُ ، وسُلطانُكَ ثابِتٌ لا يَزولُ ، فَالوَيلُ الدّائِمُ لِمَن جَنَحَ عَنكَ ، وَالخَيبَةُ الخاذِلَةُ لِمَن خابَ مِنكَ ، وَالشَّقاءُ الأَشقى لِمَن اغتَرَّ بِكَ ، ما

أكثَرَ تَصَرُّفَهُ فى عَذابِکَ ، وما أطوَلَ تَرَدُّدَهُ فى عِقابِکَ ، وما أبعَدَ غايَتَهُ مِنَ الفَرَجِ ، وما أقنَطَهُ مِن سُهولَةِ المَخرَجِ ، عَدلاً مِن قَضائِکَ لا تَجورُ فيهِ ، وإنصافاً مِن حُکمِکَ لا تَحيفُ عَلَيهِ ، فَقَد ظاهَرتَ الحُجَجَ ، وأبلَيتَ الأعذارَ وقَد تَقَدَّمتَ بِالوَعيدِ ، وتَلَطَّفتَ فِي التَّرغيبِ ، وضَرَبتَ الأمثالَ وأطَلتَ الإمهالَ ، وأخَّرتَ وأنتَ مُستَطيعٌ لِلمُعاجَلَهِ ، وتَأَنَّيتَ وأنتَ مَلِىءٌ بِالمُبادَرَهِ .

لَم تَکُن أناتُکَ عَجزاً ولا إمهالُکَ وَهناً ولا إمساکُکَ غَفلَةً ، ولا إنظارُکَ مُداراةً ، بَل لِتَکونَ حُجَّتُکَ الأبلَغَ ، وکَرَمُکَ الأکمَلَ ، وإحسانُکَ الأوفى ، ونِعمَتُکَ الأتَمَّ ، وکُلُّ ذلِکَ کانَ ولَم تَزَل ، وهُوَ کائِنٌ ولا يَزولُ .

نِعمَتُکَ أجَلُّ مِن أن توصَف بِکُلِّها ، ومَجدُکَ أرفَعُ مِن أن يُحَدَّ بِکُنهِهِ ،ونِعمَتُکَ أکثَرُ مِن أن تُحصى بِأسرِها ، وإحسانُکَ أکثَرُ مِن أن تُشکَرَ عَلى أقَلِّهِ ، وقَد قَصَّرَ بِىَ السُّکوتُ عَن تَحمِيدِکَ ، وفَهَّهَنِى الإمساکُ عَن تَمجيدِکَ ، وقُصارىَ السُّکوتُ عَن تَحميدِکَ بِما تَستَحِقُّهُ ، ونِهايَتِى الإمساکُ عَن تَمجيدِکَ بِما أنتَ أهلُهُ ، لا رَغبَةً يا إلهى عَنکَ بَل عَجزاً ، فَهأنَذا يا إلهى أؤُمُّکَ بِالوِفادَهِ ، وأسأَلُکَ حُسنَ الرِّفادَهِ .

فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاسمَع نَجوایَ وَاستَجِب دُعائى ، ولاتَختِم يَومى بِخَيبَتى ولاتَجبَهنى بِالرَّدِّ فى مَسأَلَتى ، وأکرِم مِن عِندِکَ مُنصَرَفى وإلَيکَ مُنقَلَبى ، إنَّکَ غَيرُ ضائِقٍ عَمّا تُريدُ ولا عاجِزٍ عَمّا تُسأَلُ ، وأنتَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، ولاحَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (1) .

1- .مصباح المتهجّد : ص 369 ح 500 ، الصحيفه السجّاديّه : ص 181 الدعاء 46 وفيه «دعاؤه للعيدين والجمعه» .

3 / 6دعای امام سجّاد پس از نماز2030.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد:امام سجّاد علیه السلام ، چون از نماز عید فطر و عید قربان یا نماز جمعه فراغت می یافت ، رو به قبله می کرد و می گفت:

«ای رحمت کننده بر کسی که بندگان به او رحم نمی کنند! ای پذیرای آن که سرزمین ها پذیرایش نیستند ! ای آن که نیازمندانِ درگاهش را کوچک نمی شمارد ! ای آن که اصرارکنندگانِ به درگاهش را محروم نمی کند! ای آن که منّت نهندگان بر او را جواب رد نمی دهد! ای آن که کار کوچکی را که به درگاهش هدیه می شود ، برمی گزیند و کار اندکی را که برای او عمل می شود ، پاداش می دهد ! ای آن که کار اندک را سپاس می گوید و پاداش فراوان می دهد! ای آن که هر که به او نزدیک شود ، أو به وی نزدیک می شود! ای آن که هر که را به او پشت کند ، به سوی خود می خواند ! ای آن که نعمت را تغییر نمی دهد و در کیفرْ شتاب نمی ورزد ! ای آن که کار نیک را به ثمر می رساند تا آن را رشد دهد ! ای آن که از بدی درمی گذرد تا آن را محو کند! آرزوها از آستان کَرَم تو حاجت روا برمی گردند و ظرفِ خواسته ها لبریز از فیض بخشش تو می شود و صفت ها، پیش از آن که به کُنه وصف تو رسند ، گسسته می شوند.

بالاتر از هر بالا ، بالاییِ والایی توست و بالاتر از هر شُکوه ، شُکوه والاتر توست. هر بزرگی در پیشگاه تو ، کوچک ، و هر شریفی در کنار شرافت تو ، ناچیز است.

ناکام اند آنان که به غیر تو روی آورند ، و زیانکارند آنان که جز به درگاه تو آیند ، و تباه اند آنان که جز به آستان تو روی آورند و تهی دست اند جز آنان که جویای فضل و احسان تو باشند.

درِ رحمتت به روی خواهندگان باز است و بخششت برای درخواست کنندگان، ارزان و رایگان ، و فریادرسی ات به پناهجویان ، نزدیک. آرزومندان ، از تو نومید نمی شوند و عطاجویان،از عطای تو مأیوس نمی گردند و آمرزش خواهان، از انتقام تو بدبخت نمی شوند. روزیِ تو برای آن

که نافرمانی ات کند ، گشوده است و بردباریِ تو آن که را با تو دشمنی کند ، شامل.

عادتت نیکی کردن به بدکاران است و سنّتت باقی داشتن تجاوزکاران ، تا

آن جا که مدارای تو ، از ترک گناه ، غافلشان می سازد و مدارا کردنت ، از بازگشت به سوی تو ، بازشان می دارد ، با آن که مهلتشان داده ای تا به فرمانت باز گردند و چون به دوام فرمان روایی ات اطمینان داری ، فرصتشان داده ای. پس ، هر که اهل سعادت باشد ، فرجام او را به سعادت رسانده ای و هر که از تیره بختان باشد ، او را به تیره بختی وا گذاشته ای. همه به سایه پروردگاری ات خواهند آمد و کارهایشان به فرمان تو برمی گردد. با طولانی شدن زمانشان فرمان روایی ات سست نگشته و درنگ در کیفرشان ، تو را بی برهان و دلیل ، نساخته است. برهان تو پابرجا ، و بی تغییر است و حکومت تو پایدار و بی زوال.

وایِ همیشگی بر آن که از تو روی گردان شود ، و ناکامیِ ذلّت بار ، بر آن که از درگاه تو ناکام باز آید ، و نگون بختیِ بدتر ، بر آن که به تو مغرور شود. چه عذاب بسیاری که خواهد چشید و چه زمان طولانی ای که در عذابت خواهد ماند و چه دور است فرجام گشایش برای او و چه یأس آور است خروج آسان از گرفتاری ها برای او! همه اینها ، بر اساس داوریِ عادلانه توست که در حقّ او ستم نمی کنی و حکم منصفانه تو که بر او ظلم نمی کنی؛ چرا که حجّت ها را پیاپی آورده ای و بهانه ها را از بین برده ای و پیش تر وعید داده ای و از روی لطف ، ترغیب کرده ای و مثال ها زده ای و مهلت ها را طولانی کرده ای و با آن که می توانستی در کیفرْ شتاب کنی ، به تأخیر انداخته ای و با آن که قدرت بر اقدام داشتی ، مدارا کرده ای.

نه درنگ و مهلت دادنت ، از روی عجز و سستی است و نه خودداری ات ، از روی غفلت ، و نه مهلت دادنت ، از روی سازش؛ بلکه تا حجّتت رساتر ، بزرگواری ات کامل تر، احسانت سرشارتر ، و نعمتت تمام تر باشد ، و همه اینها پیوسته چنین بوده است و همیشه چنین خواهد بود.

نعمتت ، والاتر از آن است که تمامش توصیف شود و شُکوهت ، والاتر از آن است که به کُنهش دست یابند و نعمتت ، بیش از آن است که همه اش به شمار آید و احسانت ، بیش از آن است که به کمترینش سپاس شود. بی زبانی ، مرا از ستایشت باز داشته و جلوگیری ، زبان ستایشم را بسته

است. نهایت ، آن که از سپاس شایسته تو سکوت کنم و از تمجید تو ، آن گونه که شایسته آنی ، لب فرو بندم ، نه از روی بی اعتنایی؛ بلکه از روی ناتوانی. اینک ، این منم ای خدای من که به درگاهت آمده ام و از تو پذیراییِ خوب می خواهم.

پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و نجوایم را بشنو و دعایم را بپذیر و امروزم را با نومیدی به پایان مبر و به خواسته ام دست رد مزن و بازگشتم را از پیشگاهت ، و برگشتنم را به حضرتت ، گرامی بدار! همانا تو در آنچه بخواهی ، دچار تنگنا نمی شوی و از آنچه از تو بخواهند ، ناتوان نیستی و تو بر هر چیز ، توانایی و هیچ قدرت و نیرویی ، جز از خدای والای بزرگ نیست».

.

ص: 502

. .

ص: 503

. .

ص: 504

. .

ص: 505

. .

ص: 506

. .

ص: 507

فهرست تفصیلی .

ص: 508

. .

ص: 509

. .

ص: 510

. .

ص: 511

..

ص: 512

..

ص: 513

..

ص: 514

..

ص: 515

. .

ص: 516

..

ص: 517

..

ص: 518

..

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109